ویرایش سوم

ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های طنز فارسی دربارۀ

زن، عشق و سکس



همراه با معادل‌ها و مشابه‌هایی از زبان‌های دیگر

گردآورنده و مترجم: مهدی احمدی

شناسنامهٔ کتاب

نام کتاب:

ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های طنز فارسی دربارهٔ زن، عشق و سکس

همراه با معادل‌ها و مشابه‌هایی از زبان‌های دیگر

گردآورنده و مترجم: مهدی احمدی (ـ ۱۳۶۰)

تاریخ نشر ویرایش اول: دی ۱۴۰۰

تاریخ نشر ویرایش سوم: تیر ۱۴۰۴

sherhayeoonjoori@gmail.com

beytolqazal.blogfa.com

فهرست

مقدمه

متنی که پیش رو دارید کاری است تفننی در زمینهٔ ضرب‌المثل‌شناسی تطبیقی. برای این ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌ها معادل‌ها و مشابه‌هایی از بین ضرب‌المثل‌های ترکی، عربی، انگلیسی، اسکاتلندی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیولی، پرتغالی، هلندی، دانمارکی، یونانی و لاتین آورده‌ام. البته همهٔ معادل‌ها و مشابه‌ها طنز نیستند؛ در این بخش هم ضرب‌المثل‌های طنز و هم غیرطنز را آورده‌ام. همهٔ ترجمه‌ها، غیر از تعدادی از عربی‌ها، از خودم است. ضرب‌المثل‌های ترکی، عربی، انگلیسی و اسکاتلندی را از زبان اصلی و ضرب‌المثل‌های زبان‌های دیگر را از روی ترجمهٔ انگلیسی آن‌ها ترجمه کرده‌ام. در ترجمهٔ ضرب‌المثل‌ها بنا را بر آن گذاشته‌ام که تا آن‌جا که در توانم هست، ترجمهٔ منظوم ارائه دهم.

این کتاب یک بخش پیوست هم دارد که شامل ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌هایی دربارهٔ موضوعاتی غیر از زن، عشق و سکس است. در بخش پیوست تلاش کردم هیچ‌کدام از ضرب‌المثل‌هایی را که دهخدا در *امثال و حکم* آورده نیاورم، مگر آن‌که توانسته باشم حداقل یک معادل یا مشابه خارجی برای آن بیابم.

در این‌جا یک نکته را باید یادآوری کنم: نظر به این‌که طنز ناب همیشه طنز تابوشکن بوده و هست و سکس نیز اصلی‌ترین تم آثار طنز همهٔ زبان‌ها و فرهنگ‌هاست، و همچنین نظر به این که سانسور، به هر بهانه‌ای و تحت هر عنوانی، کاری ناپسندیده است که هیچ خردمندی آن را نمی‌پذیرد، در این کتاب هیچ‌گونه سانسوری اعمال نشده است؛ چه در زمینهٔ مسائل جنسی و چه در هر زمینهٔ دیگری. بیت‌ها و جمله‌های – به نظر بعضی‌ها – رکیک در این کتاب کم نیستند. این‌ها نیز بخشی از فرهنگ ایرانی هستند و پنهان کردنشان کار عاقلانه‌ای نیست؛ ضمن این‌که اغلبشان لطف خاص خود را هم دارند. دهخدا و خیلی‌های دیگر این‌گونه ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌ها را از قلم انداخته‌اند، اما من حتی یکی را هم حذف نکردم. اگر این‌گونه مطالب شما را ناراحت می‌کنند، می‌توانید از خواندن این کتاب صرف‌نظر کنید.

مهدی احمدی

۷ دی ۱۴۰۰ ـ قم

الف

آب نطلبیده یعنی ویاگراش چینی بیده. م. ا.

این بچه دستپخت ویاگرای چینی است
پس قرص چینی است که بابای نی‌نی است. م. ا.

آب یارو که دیر می‌آید
مثل این است که زن خود را
بی‌مروت دوکیره می‌گاید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What is a sport to one is death to another.

تفریح یکی هلاک آن دیگری است.

As the cat plays with a mouse.

بدان‌سان که یک گربه با موش بازی کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Katzen Scherz, der Mäuse Tod.

بازی گربه موش را مرگ است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Kattens Leeg er Musens Död.

آنچه از بهر گربه‌ای بازی است
بهر موشی هلاک و جانبازی است.

Stærke Mands Spil er kranke Mands Död.

آنچه از بهر اقویا بازی است
ضعفا را هلاک و جانبازی است.

آبجی رفیق مثل آبجی خود آدم است... بر پدر دروغگو لعنت.

تو می‌تونی شبو پیشم بمونی

که از هر حمله‌ای این‌جا مصونی
تو جای خواهرم هستی عزیزم
به چشم خواهری، ای ول چه کونی!   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nobody calls himself rogue.

حاش لله که یک آدم، به هر اندازه که بد
لقب رذل پدرسوخته بر خود بنهد.

آبروی دیگری را می‌بری
تا که آب کیر خود را آوری.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

What's pleasure to you bodes ill to me.

لذت تو بلای جان من است.

اخم‌هایت شکوفه‌های هلوست
دیر یا زود میوه توی گلوست
دود افشاگر تنورهٔ تن
گره حلقه‌حلقهٔ ابروست
آتش خفته زیر خاکستر
چشم خندان دختری اخموست.   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer Feuer bedarf, suche es in der Asche.

هر زمانی خواستار آتشی
زیر خاکستر به دنبالش بگرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Sotto la bianca cenere sta la brace ardente.

زیر خاکستر زغالی سرخ هست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Die vuur begeert, die zoek ’t in de assche.

آدم جویای آتش را بگو

زیر خاکستر نماید جست‌وجو.

آنچه باید بشود خواهد شد

آتش شهوت ملا گیراست. م. ا.

هر زنی پیش یه آخوند بره
هست یک گوجه کنار رنده
مثل الهام که دور سر شیخ
مثل یک فرفره شد چرخنده
زنه تا چشم بذاره رو هم
مثل یک مرغ شده پرکنده. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Der Pfaff liebt seine Heerde, doch die Lämmlein mehr als die Wedder.
هر کشیشی گله‌اش را دوست دارد سربه‌سر
بره‌های ماده را از قوچ‌ها هم بیش‌تر.

آتش و پنبه که خلوت بکنند
پنبه جان است که جزو شهداست. م. ا.

هیچ‌کس را با زنان محرم مدار
که مثال این دو پنبه‌ست و شرار. مولوی

ترک‌ها می‌گویند: اود ایله پامبیغین نه دوستلوغو؟ (آتش و پنبه چه دوستی‌ای دارند؟)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Man is fire and woman tow; the devil comes and sets them in a blaze.
مرد است چو آتش و زن الیاف کتان
ابلیس بیاید و بگیراندشان.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
It's hard to keep flax frae the lowe.
حفظ یک پنبه از آتش سخت است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
El hombre es el fuego, la muger la estopa; viene el diablo y sopla.

مرد است چو آتش و زن الیاف کتان
سرمی‌رسد و می‌دمد ابلیس بر آن.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nem estopa com tiçoens, nem molher com varoens.

بر دو چیز اصلاً نباید کرد اطمینان
نه به الیاف کتان و اخگر سوزان
نه به یک زن در کنار دسته‌ای مردان.

خواهی تو اگر به من دهی درمالی
پس پول بگیری و همی‌ورمالی
آخر قر و بوسه‌ای بده، شوخی کن
لذت نبُود به کون خشک و خالی. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A gift with a kind countenance is a double gift.

آن هدیه که با لطف و صفا داده شود
انگار نه یک هدیه، دو تا هدیه بُود.

آدم با یک بار کون دادن کونی نمی‌شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every slip is not a fall.

هر لغزشی که رخ بدهد یک سقوط نیست.

Once is no rule.

یک مرتبه قاعده نباشد.

Never too late to repent.

هیچ وقت آن‌قدرها هم دیر نیست
تا پشیمان گردی از کردار خویش.

It is never too late.

هیچ وقت آن‌قدرها هم دیر نیست.

It is never too late to grow wise.

از برای آدمی عاقل شدن
هیچ وقت آن‌قدرها هم دیر نیست.

It is never too late to mend.

از برای آدمی بهتر شدن
هیچ وقت آن‌قدرها هم دیر نیست.

Never too old to turn; never too late to learn.

برای تغییر راه هیچ کسی پیر نیست
برای آموختن هیچ زمان دیر نیست.

Better go back than go wrong.

بازگشتن بهتر از راه خطایی رفتن است.

Today is the first day of the rest of your life.

امروز روز اول باقی عمر توست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Umkehren ist besser als irre gehen.

بازگشتن در مسیر بین راه
بهتر از رفتن به راهی اشتباه.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Tutto quello che crolla non cade.

نه هر چیزی که می‌لرزد بیفتد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een maal is geen gewoonte.

یک مرتبه سنتی نباشد.

Beter ten halve gekeerd dan ten heele gedwaald.

بازگشتن از مسیری اشتباه
بهتر است از گم شدن در بین راه.

رومیان باستان می‌گفتند:

Satius est recurrere, quam currere male.

این‌که از نیمهٔ ره بازآیی
به که راهی به خطا پیمایی.

آدم بی‌اولاد پادشاه بی‌غم است.

یک همسر اغواگرِ نوعاً خودخواه
یک شوهر نان‌آورِ با سر در چاه
یک صحنهٔ عاشقانهٔ گاه‌به‌گاه
یک تقه، دو تا تقه، سه تا تقه و آه
یک شیعهٔ مرتضی علی هم در راه

این قصهٔ زندگی است، خیلی کوتاه
بازیگر این قصه شوم؟ اینو نگاه
اعمال عجیب و شاق از بنده نخواه
آن قسمت بچه‌مچه؟ صد سال سیاه
آن قسمت تقه‌مقه؟ خب، بسم الله. م. ا.

از تنعم دایگان و حکمت قابله و حکومت حامله و کلکل گهواره و سلام داماد و تکلیف زن و غوغای بچه ترسان باشید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Children, when little, make parents fools; when great, mad.

بچه‌ها وقتی کوچک‌اند پدر و مادرشان را خر می‌کنند و وقتی بزرگ شدند دیوانه.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Twa dochters and a back door are three stark thieves.

سه تا سارق ماهر و چیره‌دست
دو تا دختر و یک در پشتی است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Filhos casados, cuidados dobrados.

بچه‌ها ازدواج کردند و
دردسرها زیادتر گشتند.

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب
کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است

آدم چه زود از زن خود خسته می‌شود
بعد از چهار ماه زنش جای خواهر است. م. ا. بیت اول از حافظ است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A maid oft seen, and a gown oft worn,
Are disesteemed and held in scorn.

جامه‌ای که زیاد می‌پوشی
دختری که مدام می‌بینی
هر دوشان را حقیر می‌داری
خوار و بی‌احترام می‌بینی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A dish o' married love grows sune cauld.

عشق وقتی تن به وصلت داده است
یک غذای از دهن افتاده است.

آدم وقتی کون می‌دهد، نمی‌رود همه‌جا جار بزند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

All truths are not to be told.

هر حقیقت را نباید فاش کرد.

Confess and be hanged.

اعترافی کن و بر دار برو.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better tine life than gude fame.

مردن از بدنام گشتن خوش‌تر است.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Honour won't patch.

نام نیک و شرافت انسان
قابل وصله‌پینه کردن نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Eine Nothlüge schadet nichts.

دروغ ضروری زیانی ندارد.

Wer den Credit verloren hat, der ist todt für die Welt.

او که بدنام شده یک مرده‌ست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ogni vero non è buono a dire.

هر حقیقت بهر گفتن خوب نیست.

Peccato celato, mezzo perdonato.

آن گناهی که نمایید نهان

گوییا عفو شده نیمی از آن.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien la fama ha perdido, muerto anda en la vida.

هر کسی نام نیک خود را باخت

مرده‌ای بین زندگان باشد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nem tudo o que he verdade, se diz.

هر حقیقت را نباید بر زبان جاری نمود.

هلندی‌ها می‌گویند:

Verloren eer, keert nimmermeer.

آبرو از دست وقتی رفته است

بار دیگر برنمی‌گردد به دست.

Die in een kwaad gerucht komt, is half gehangen.

چو رسوایی به نام مرد پیوست

وی اندر نیمه‌های راه دار است.

آدم یک کون ناقابل را از رفیقش دریغ نمی‌کند.

مودت اهل صفا چه در روی و چه در قفا.   سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Adversity tries friends.

بدبیاری دوستان را آزمایش می‌کند.

Friendship is like money, easier made than kept.

دوستی چیزی است چون پولی که باشد توی دست

چون به دست آوردنش از حفظ آن آسان‌تر است.

A friend is not so soon gotten as lost.

اگرچه فوری از دستت رود دوست

به دست آوردنش مشکل‌تر از اوست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

There's nae friend to friend in mister.

دوستی چون دوست روز مبادای تو نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Viele Freunde und wenige Nothhelfer.

رفیقانی زیاد و یاورانی کم به هنگام نیاز.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Echate á enfermar, verás quien te quiere bien, y quien te quiere mal.

بیمار بشو که خوب می‌فهمی کیست

کو دوست راستین تو هست و که نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nos trabalhos se vem os amigos.

دوستان را در زمان بدبیاری می‌شناسند.

هلندی‌ها می‌گویند:

In den nood leert men zijne vrienden kennen.

دوستانت را زمان احتیاجت می‌شناسی.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ild pröver Guld, og Nöd Vennehuld.

زر در آتش آزموده می‌شود

دوستی هم در زمان احتیاج.

رومیان باستان می‌گفتند:

Amici probantur rebus adversis.

دوستان هنگام سختی آزمایش می‌شوند. (نقل قولی از سیسرو Cicero است.)

آدمی را دو بلا کرد رهی

برد از هر دو بلا روسیهی

یا کند پر شکم خویش ز نان

یا کند پشت خود از آب تهی. سنایی

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

The back and the belly hauds ilka ane busy.

با امورات شکم یا که کمر
می‌شود گرم سر نوع بشر.

مدح کس را مگوی و ذمش را
هرچه خواهی تو خاکشیر، بگوی
آدمیزاده نیست قابل مدح
هرچه خواهی تو مدح کیر بگوی. خاکشیر

مدح هر کور و کچل کار بدی است
فقط از کیر کچل باید گفت. م.ا.

آردهایمان را بیخته‌ایم و الکمان را آویخته‌ایم.

از کردن کون من به خدا سیر شدم
بی‌قوت و بی‌شهوت و بی‌کیر شدم
ای تازه‌جوان‌ها کس و کون‌های نکو
ارزانیتان باد که من پیر شدم. خاکشیر

آلمانی‌ها می‌گویند:

Je älter, je kälter; je kärger, je ärger.

هرچه پیرتر، سردتر؛ هرچه طماع‌تر، خبیث‌تر.

آلت خاییدن و گاییدن یک زمان بیکار مدارید. عبید زاکانی – صد پند

دختری دلبر و بلا بکنید
پسری تکپر و اوا بکنید
چیز زنگارخورده‌تان عشق است
کم به این طفلکی جفا بکنید
مثل کبریتِ بی‌خطر شده است
تن‌لش‌ها، از او حیا بکنید

هوس جنگ تن‌به‌تن دارید؟
بیرق عشق را هوا بکنید
عقل یک مرد توی شرت وی است
عقل خود را عملگرا بکنید
شیخ گوید که چیز ما شر است
تا توانید شر به پا بکنید
در نماز دراز انسان‌ساز
به امام تن اقتدا بکنید
چیز آدم همیشه پیروز است
جنگ بی‌فایده چرا بکنید
قصه‌های فشار قبر الکی است
کم خیالات نابجا بکنید
تا به کی در هوای باغ بهشت
مثل خل‌ها خداخدا بکنید
عرعر خر به آسمان نرسد
پس چرا این‌همه دعا بکنید
سوی ریش و سبیل هر آخوند
گوز جانانه‌ای رها بکنید
پای خود را درست تا زانو
توی حلقوم شیخنا بکنید
بوی حلوای شیخ می‌آید
فکر یک آش پشت‌پا بکنید
بر سر گور جن غار حرا
کلبهٔ عشق را بنا بکنید
حوری نسیهٔ بهشتی را
پای نقدینه‌ای فدا بکنید
داف زیبای باوفایی را
توی یک جای باصفا بکنید
هرکجا جعبهٔ هلو دیدید

بهترین را شما سوا بکنید
دختران را یکی یکی بکنید
بیوه‌ها را دو تا دو تا بکنید
بیوه‌ها و زنان شوهردار
هر دو خوب‌اند، هر دو را بکنید
با دو خواهر اگر رفیق شدید
هر یکی را جدا جدا بکنید
دوست، همسایه، عابر گذری
هم غریبه، هم آشنا بکنید
دوست‌دختر به دوست قرض دهید
یار را کاروانسرا بکنید
خواجهٔ لامکان اگر هستید
یار را توی سینما بکنید
با خرید هزارها کاندوم
خویشتن را به‌کل گدا بکنید
جیبتان چون سر لنین خالی است؟
فکر یک یار بورژوا بکنید
کمر بیل‌خورده‌تان ریده؟
با دوپینگ ویاگرا بکنید
عسل خامه‌دار باکره را
اول صبح و ناشتا بکنید
در کاخ هوس پلمب شده؟
یا علی، با کلنگ وا بکنید
هر طرف بنگرید وجه خداست
از جلو یا که از قفا بکنید
دل دلدارتان همین که گرفت
توی آن دول دلگشا بکنید
هات‌داگ تنوری خود را
نذر دافی خوش‌اشتها بکنید

کودک ماهروی کنعان را
توی یک چاه کله‌پا بکنید
سوی سوراخ مار ول بدهید
توی تونل تراموا بکنید
مثل آخوندهای عصر اتم
عنتری راهی فضا بکنید
گنج نابرده‌رنج می‌خواهید؟
فکر عمامه و عبا بکنید
صیغهٔ جفت‌وتاق می‌خواهید؟
شیخ و ملا شوید تا بکنید
جنده یک خواهر مکرمه است
دو سه تا اَل که توش جا بکنید
خواهران نمازشب‌خوان را
سر هر سجده سجده‌گا بکنید
زن نگیرید یا همان اول
فکر یک معدن طلا بکنید
ادعا کون بچه را جر داد
پس شما کم‌تر ادعا بکنید
آی زن‌ها، دِ یالا بدهید
آی مردان، دِ یالا بکنید
عاشقی از دو حال بیرون نیست
حال را یا دهید یا بکنید
زندگی یک دم است، این دم را
صرف فعل بگابگا بکنید
از دم صبح ابتدای بلوغ
تا ته شام انتها بکنید
آبرو را به باد معده دهید
آشکارا و در خفا بکنید
کان کون‌اند کوچه‌های شما

همه را دست بر قضا بکنید
با پسرها لواط مثل نبات
با زنان چون عسل زنا بکنید
بره‌ای رام می‌شود هر ببر
اگرش چاردست‌وپا بکنید
بهتر از شاملو شدن خواهید؟
فکر یک گله آیدا بکنید
دختران سپیدگو را با
دختران غزلسرا بکنید
غسل در جام عشق می‌خواهید؟
توی آب زنی شنا بکنید
خویشتن را به ایدز، درد یلان
مردومردانه مبتلا بکنید
عاشق از حکم عقل مستثناست
کم دو دو تا چهار تا بکنید
به فقط یک زن اکتفا نکنید
خانه‌تان را حرمسرا بکنید
همهٔ تخم‌مرغ‌هاتان را
داخل یک سبد چرا بکنید؟
خواهر دوست خواهر ما نیست
صبر دارید، ای بسا بکنید
شوق یعقوب و صبر ایوب است
که بدان باید اتکا بکنید
کردنی را نکرده ول کردید؟
هرچه ناکرده را قضا بکنید
داف ترشیدهٔ حریصی را
بعد تاریخ انقضا بکنید
درد عشقی کشیده او که مپرس
درد بدبخت را دوا بکنید

پیرزن‌ها به لطف محتاج‌اند
عمل خیر بی‌ریا بکنید
کار و تفریح را یکی کرده
زن همکار خویش را بکنید
هم بتول و سکینه و صغری
هم پریسا و پانته‌آ بکنید
ساختار است اسم و رسم زنان
کله را توی محتوا بکنید
به همه قول ازدواج دهید
و به این قول خود وفا بکنید
فمینیست دوآتشه بشوید
تا به این حقه کارها بکنید
جلق را از قلم نیندازید
اندکی هم تکی صفا بکنید
گرچه یک دست بی‌صداست، ولی
کار را به که بی‌صدا بکنید
پند آخر: هنوز یک پسرم
من نکردم، ولی شما بکنید. م. ا.

آن دو چیزی که به رنگ سرخ خویش
یک بلایی بر سر خویش آورند
آلبالو و لبان دخترند. م. ا.

معادل انگلیسی:
A woman and a cherry are painted for their own harm.
زن و گیلاس به آرایش و رنگ‌آمیزی
بر سر خویش بیارند بلایی ـ چیزی.

آن زن که نظر در آینه بیش کند
هی در رخ خویش عیب تفتیش کند
آن‌قدر به خود خیره شود تا ناگاه

یک فحش نثار خالق خویش کند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The more women look in their glass, the less they look into their hearts.

زن هرچه نظر در آینه بیش کند

کم‌تر نظری توی دل خویش کند.

آن سنگدل که دیده بدوزد ز روی خوب

پندش مده که جهل در او نیک محکم است.   سعدی – غزلیات

دانمارکی‌ها می‌گویند:

At sige Daaren Raad, det er som at slaae Vand paa en Gaas.

نصیحت کردن هر کله‌پوکی

شبیه آب پاشیدن به غازی است.

آن سیه‌رو که نام او قهوه‌ست

دافع النوم و قاطع الشهوه‌ست.

آن لحظه که زن کون تو را می‌گاید

نیروی زن از زبان او می‌آید

این تکهٔ گوشت ساعتی تقریباً

شصت و سه هزار جمله را می‌زاید.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: یامان آرواد چوخ دانیشار، دانیشماسا ساواشار.

(زن بد خیلی حرف می‌زند، حرف نزند، دعوا می‌کند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman’s strength is in her tongue.

قدرت زن در زبان او بُود. (در اصل یک ضرب‌المثل ویلزی است.)

Women’s tongues are their swords, and they do not let them rust.

آنچه شمشیر زنان است زبان است و بر آن

نتوانند ز زنگار ببینند نشان. (در اصل یک ضرب‌المثل چینی است.)

Arthur could not tame a woman’s tongue.

آرتور نتوانست زبان زنی را رام کند. (در اصل یک ضرب‌المثل ویلزی است.)

(آرتور: پادشاه افسانه‌ای انگلیس و رهبر گروهی از شوالیه‌های دلیر و عاشق‌پیشه.)

Beware of a mule’s hind foot, a dog’s tooth, and a woman’s tongue.

همواره ز پای عقب قاطر و نیز

دندان سگ و زبان زن می‌پرهیز.

One tongue is sufficient for a woman.

زنی را زبانی کفایت کند. (نقل قولی از جان میلتون John Milton است. میلتون این جمله را هنگام اشاره به زبان‌های خارجی گفته است. یعنی یک زن نیازی ندارد که بیش از یک زبان بداند؛ چرا که با همان یک زبان هم به اندازهٔ کافی حرف می‌زند و شر به پا می‌کند.)

A woman hath none other weapon but her tongue.

زنی جز زبانش سلاحی ندارد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La langue des femmes est leur épée, et elles ne la laissent pas rouiller.

زبان زن شمشیر اوست و نمی‌گذارد شمشیرش زنگ بزند.

آن لحظه که کیر یک عزب شق شده است

جز جلق چه خدمتی برآید از دست. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Fa quel che devi, e n’arrivi ciò che potrà.

تو بکن آنچه برآید از دست

حاصلش هرچه که باشد عشق است.

آن مثلث که میان ران‌هاست

دعوت پرکشش برموداست. م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mas tira moça que soga.

دختری بیش از طنابی می‌کشد.

ای فاعل همیشگی مادر وطن

یک‌خرده صبر، یک‌نمه روغن اقلکن

آن مردها که یکسره از پشت می‌کنند

اول درون کون تو انگشت می‌کنند

این‌ها که در تو شیشهٔ نوشابه می‌کنند

نامردها نه شست، نه سبابه می‌کنند

این شعر دارد آن‌طرفی می‌رود که من

می‌ترسم از اوین و طریق‌الخروج عن

گه خورده‌ام که شعر... غلط کرده‌ام که... آه!

موساد...؟ نه، به جان خودم... اوخ، اشتباه...

ناهار... — زرررررررررت — توی اوین خورده‌ام نخود

نوشابه‌تان — ببخش — کمی گازدار شد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Blow first, and sip afterwards.

اولش فوت کن و بعد بنوش.

Whatever you do, act wisely, and consider the end.

هر کار که می‌کنی، عاقلانه عمل کن و آخرش را در نظر بگیر.

آن واژه که نیست توی فرهنگ لغت

نه اسم و نه فعل است و نه قید و نه صفت

از حلق زنی او و و و و و و و و و و و و وف شدیداللحنی است

کو بشنود این قابلمه مال خودت. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Se la donna fosse piccola come è buona,
La minima foglia la farebbe una veste e una corona.

اگه اندازهٔ زن بود به قدر هنرش

پوست یک نخودو عوض لباس می‌کرد برش

عوض کلاه می‌ذاشت سرش.

آن‌چنان با جان و دل انجام ده

آنچه را داری هم‌اکنون می‌کنی

که تو گویی دختر دردانه‌ای

زیر تو خوابیده و کون می‌کنی. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il faut faire ce qu'on fait.

آنچه داری می‌کنی تا آخرش انجام ده.

آنچه در شرت زن ملا بُود
نیز در شرت دگر زن‌ها بُود
پس چه کاری دارد این آتش‌به‌جان
داخل شرت زنان دیگران؟ م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mejor me parece tu jarro mellado que el mio sano.

کوزهٔ ترک‌خوردهٔ تو به چشم من بهتر از کوزهٔ سالم من است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Aliena nobis, nostra plus aliis placent.

آنچه مال دیگران باشد به چشم ما خوش ست. (نقل قولی از پوبلیوس سیروس Publius Syrus است.)

پند خوبی برای هر زن و مرد:

آنچه را دادنی است باید داد
آنچه را کردنی است باید کرد. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Fais ce que dois, advienne que pourra.

تو آن کار را کن که باید کنی
بهل حاصلش هرچه خواهد شود.

آنچه یک زن اراده می‌کندش
در عمل هم پیاده می‌کندش. م. ا.

معادل ایتالیایی:

Se la donna vuol, tutto la puol.

زن به هر کاری که خواهد قادر است.

معادل اسپانیولی:

Lo que la muger quiere, Dios lo quiere.

آنچه زنی می‌خواهدش، گویی خدا می‌خواهدش.

آنچه یک مرد اوایی می‌کند
مرد دیگر را هوایی می‌کند. م. ا.

عرب‌ها می‌گویند: الجنسُ مع الجنسِ یمیلوا. (هر چیز به همجنس خودش میل کند.)

آیا درون کون پسر کیر خر رود؟
آری، رود، ولیک به خون جگر رود. م. ا. بازی با شعر حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Drive the nail that will go.

بکوب آن میخ را که جای گردد.

A great ship asks deep waters.

کشتی‌ای که بزرگ باشد او
آب‌هایی عمیق می‌خواهد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Groote visschen scheuren het net.

ماهی‌های بزرگ تور را پاره می‌کنند.

آرزوی چیز گرمی کرده‌ام
در فراقش آه سردی می‌کشم
آینه بگذار و کونت را ببین
تا بدانی من چه دردی می‌کشم. م. ا.

سعدی هم می‌گوید:

تو را در آینه دیدن جمال طلعت خویش
بیان کند که چه بوده‌ست ناشکیبا را.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ubi amor, ibi oculus.

هرکجا عشق تو آن‌جاست، نگاهت آن‌جاست.

آینه‌ات را گم کرده‌ای.

ضرب‌المثل دیگری می‌گوید: شکلت را به در خلا بکشند، آفتابه رم می‌کند.

یا: دک و پوزت را الاغ ببیند رم می‌کند.

این طب و طبیب تازه را ازبر کن
شوخی نبُود، حقیقتاً باور کن
گفتم به طبیب می‌کنم قی، چه کنم؟
گفتا که در آینه نظر کمتر کن. خاکشیر

خواجه‌ای بدشکل نایبی بدشکل‌تر از خود داشت. روزی آینه‌داری آیینه به دست نایب داد. آن‌جا نگاه کرد و گفت: «سبحان الله، بسی تقصیر در آفرینش ما رفته است.» خواجه گفت: «لفظ جمع مگوی؛ بگوی در آفرینش من رفته است.» نایب آیینه پیش داشت و گفت: «خواجه، اگر باور نمی‌کنی، تو نیز در آیینه نگاه کن.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

رومیان باستان می‌گفتند:

Corvus, absente graculo, pulcher.

زاغ زیباست زمانی که کلاغ
جلوی چشم نباشد در باغ.

اتفاق بدی نیفتاده

یک نفر کرده، یک نفر داده. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Neither for love nor money one ought not to spare.

نه در خرج عشق و نه در خرج پول
نباید کسی صرفه‌جویی کند.

There is no need of pardon, where there is no fault committed.

هرکجایی جرم و مجرم نیست
عذرخواهی نیز لازم نیست.

Where no fault is, there needs no punishment.

هرکجایی که در آن رخ ندهد جرم و خطا
احتیاجی به مجازات نباشد آن‌جا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was keine Sünde, ist keine Schande.

آنچه گنه نیست، در آن شرم نیست.

گفتند که چون‌که بیوه‌زن‌ها این‌اند
یک صید لذیذ و راحت و مطمئن‌اند
یک چشم کبود صید آن روزم بود
اجناس لطیف گاهگاهی خشن‌اند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The female of the species is more deadly than the male.

مادۀ جانوران از نرشان
سخت درنده‌تر و سبع‌تر است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Weiberrache hat keine Grenzen.

کینه و انتقام‌جویی زن
حد و مرزی ندارد او اصلاً.

رومیان باستان می‌گفتند:

Implacabiles plerumque læsæ mulieres.

زنان چون کینه‌ای در دل بگیرند
عموماً سخت سازش‌ناپذیرند.

Audax ad omnia fœmina, quæ vel amat vel odit.

زن همین که دشمنت شد یا که دوست
جرئت انجام هر کاری در اوست.

Vindicta nemo magis gaudet, quam femina.

هیچ‌کس بیش از زنی از انتقام
شادمان هرگز نگشت و شادکام.

Incendit omnem feminæ zelus domum.

سر حسادت یک زن تمام یک خانه
میان شعلۀ آتش بسا که خواهد سوخت.

احترامِ به زنان را ز فلانم آموز
هر زمانی که زنی دیده به پا خاسته است. م. ا.

دی کرد کسش تواضعی با کیرم
از بی‌ادبی نخاست بر پا کیرم
گشتم ز کسش خجل به نوعی که مپرس
برخوردار از عمر مبادا کیرم. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Modesty is the handmaid of virtue.

فروتنی ندیمهٔ فضیلت است.

احتمالاً نوارش جابه‌جا شده.

= این خانم بی‌قرار است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Like a fish out of water.

مثل یک ماهیِ بیرون از آب.

اختر چپول اگر پسر بزاید
حاج‌آقا صمد یه عمر اونو می‌گاید.

اما پرتغالی‌ها می‌گویند:

A homem ventureiro a filha lhe nasce primeiro.

اولین فرزند مرد نیکبختی دختر است.

اختیار ما پسرها هست دست کیر ما
کاین‌چنین رفته‌ست در عهد ازل تقدیر ما. م. ا. مصرع دوم از حافظ است.

بازم این بچهٔ ندیدبدید
تا دوباره چشش به دختر خورد
خودشو تکه‌پاره کرد و درید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nature will not be hid.

طبیعت را نهان کردن محال است.

If we shut the nature out of the door, she'll come in at the window.

گر طبیعت را ز در بیرون کنیم
از میان پنجره وارد شود.

Nature is beyond all teaching.

طبیعت ماورای یادگیری است.

A leopard cannot change its spots.

پلنگ از عوض کردن خال‌های تنش عاجز است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Nae fleeing frae fate.

از سرنوشت خویش نشاید فرار کرد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Jeder muß der Natur seine Schuld bezahlen.

هر کسی باید دینش را به طبیعت بپردازد.

ادای تنگ‌ها را درآوردن.

شاهد مثال:

هر عنی با دو لایک بازی کرد
نقش گودرز یا پشنگی را
چون گشادی که آخ می‌گوید
تا درآرد ادای تنگی را
موس شمشیر فرد بی‌خایه‌ست
تا درآرد ادای جنگی را. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Rien ne ressemble plus à un honnête homme qu'un fripon.

هیچ چیزی مثل او که ناکسی است
مثل یک فرد شرافتمند نیست.

از باغ بلوغ هرکه گل می‌چیند

آن روی سگ نکیر را می‌بیند

جوری به جنازه لطف دارد که طرف
تا روز جزا در کفنش می‌ریند. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: ایشین دوشدو آروادا، اؤلن گونونو سال یادا.

(کار تو چون با زنی افتاد
کن ز روز مردن خود یاد.)

از برای هر زنی آوردنِ
آب کیر از آب شیر آسان‌تر است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An egg will be in three bellies in twenty-four hours.

یک تخم‌مرغ در عرض بیست و چهار ساعت توی سه شکم است.

از بهر جماع سرد حلال عیش بر خویش حرام مکنید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Stolen pleasures are the sweetest.

کِیف‌های دزدکی شیرین‌ترند.

از جماع نوخطان بهرهٔ تمام حاصل کنید که این نعمت در بهشت نیابید. عبید زاکانی – صد پند

ز وصل روی جوانان تمتعی بردار
که در کمینگه عمر است مکر عالم پیر. حافظ

از جیب خود نپرس چه نازی خریدنی است
از دل سؤال کن، دل عاشق توانگر است. م. ا.

گفتم خراج مصر طلب می‌کند لبت
گفتا در این معامله کمتر زیان کنند. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love locks no cupboards.

عشق در هیچ گنجه‌ای را قفل نمی‌کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

La borsa degli amanti va legata con fil di ragno.

کیف‌های پول عشاق با تار عنکبوت بسته شده.

Amor non conosce misura.

عشق پیمانه نمی‌داند چیست.

از خاتونی که قصهٔ ویس و رامین خواند مستوری توقع مدارید.   عبید زاکانی – صد پند

زن بد را قلم به دست مده
دست خود را قلم کنی آن به
زان‌که شوهر شود سیه‌جامه
تا که خاتون شود سیه‌نامه
چرخ زن را خدای کرد بحل
قلم و لوح گو به مرد بهل
کاغذ او کفن، دواتش گور
بس بُود گر کند به دانش زور
او که بی‌نامه نامه تاند کرد
نامه‌خوانی کند چه داند کرد
دور دار از قلم لجاجت او
تو قلم می‌زنی، چه حاجت او؟
او که الحمد را نکرده درست
ویس و رامین چراش باید جست؟   اوحدی

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Thoughts beguile maidens.

اندیشه‌ها دوشیزگان را می‌فریبند.

دل با دو انارت به فضا خواهد رفت
تا آن‌طرف عرش خدا خواهد رفت
از دامن زن مرد به معراج رود
از سوتینش ببین کجا خواهد رفت.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A little of what you fancy does you good.

اندکی از آنچه در رؤیای توست
می‌کند حال تو را خوب و درست.

از دیوار شکسته و سگ درنده و زن سلیطه باید ترسید.

زن خوب خوش‌طبع رنج است و بار
رها کن زن زشت ناسازگار.   سعدی - بوستان

علی بن ابی‌طالب در خطبهٔ ۸۰ نهج البلاغه می‌گوید: اتقوا شرار النساء و کونوا من خیارهن علی حذر!
(از زنان بد بپرهیزید و خود را از نیکانشان بپایید!)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
If the dog bark, go in; if the bitch bark, go out.

سگ نر پارس وقتی کرد، راحت باش و داخل شو
ولی چون ماچه‌سگ باشد، بترس از او و بیرون رو. (در اصل یک ضرب‌المثل عبری است.)
(= داماد شرور را می‌توانی تحمل کنی، اما عروس شرور را نه.)

Next to no wife a good wife is best.

پس از بی‌زنی یک عیال نکو
یقین بهترین چیز دنیاست او.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
De la mala muger te guarda, y de la buena no fies nada.

از زن بد همیشه می‌پرهیز
اعتمادی نکن به خوبش نیز.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Lög og Rög og en ond Qvinde komme god Mands Öine til at rinde.

پیاز و دود و عیالی سلیطه آنان‌اند
که چشم مرد نکو را به اشک بنشانند.

از دیوثی عار مدارید تا روز بی‌غم و شب بی‌فکر توانید زیست.   عبید زاکانی - صد پند

در امثال آمده است که الدیوث سعید الدارین. (دیوث در دو دنیا سعادتمند است.) تأویل چنان فرموده‌اند که دیوث تا در این دنیا باشد، چون به علت حمیت مبتلا نیست، فارغ می‌تواند زیست و در آن دنیا نیز به

موجب حدیث الدیوث لایدخل الجنه (دیوث وارد بهشت نمی‌شود)، چون او را به بهشت نباید رفت، از کدورت صحبت شیخکان و زاهدان که در بهشت باشند و از روی ترش ایشان به یمن این سیرت آسوده باشد.   عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Cuckolds are kind to those who make them so.

این قلتبان‌جماعت بسیار مهربان‌اند
با هر کسی به لطفش یک مرد قلتبان‌اند.

از زمان آدم صفی تا اکنون هر کس که جماع نداد میر و وزیر و پهلوان و لشکرشکن و قتال و مالدار و دولتیار و شیخ و واعظ و معرف نشد.   عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

O demo á os suyos quiere.

ابلیس هواخواه کسان خویش است.

از زن خضر یک اندرز نیوش:
آب کیر آب حیات است، بنوش.   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

A fonte puro pura defluit aqua.

از چشمهٔ پاک آب پاکی آید.

نرود همچو من به‌جز ره کون
هرکه با خویشتن ندارد کین
از سرین نیست در جهان خوش‌تر
سال‌ها من بیازمودم این
تا سر من همی‌بُود بر دوش
در دل من بُود امید سرین.   سوزنی سمرقندی

ای که گفتی جهان بدون خداست
دین برای الاغ‌های دوپاست
انبیا یک گروه کلاش‌اند
قصهٔ معجزات بی‌معناست

نور ایمان ندیده‌ای گویا
علت کفر گفتنت این‌جاست
باسن دوست‌دخترم ماه است
رد شق‌القمر بر آن پیداست
پس از این‌جا نتیجه می‌گیریم
خمس حق مسلم فقهاست
شیخ ما نیز آدم خوبی است
و دو دو تا مسلماً شش تاست. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le cœur mène où il va.

دل به هر سو برود می‌بردت.

با کون من و شما چه بد تا کردند
در صنعت هارد سکس غوغا کردند
از شیشهٔ نوشابه و باتوم گذشت
سجیل و شهاب را به ما جا کردند. م. ا.

او که توی کون ملت جا نمود
هر مدل چیز کلفتی را که بود
توی کونش میلگرد و دسته‌بیل
باد و هر چیزی که باشد زین قبیل. م. ا.

از فتنهٔ پیرزن بپرهیز.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wo der Teufel nicht hin mag, da schickt er ein alt' Weib.

هرکجا گام نهادن نتواند شیطان
در عوض پیرزنی را بکند راهی آن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E meglio stuzzicare un cane che una vecchia.

گر سگی را عصبانی بکنی
به ز انگولک یک پیرزن است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Præstat canem irritare quam anum.

گر سگی را عصبی کرده و می‌آزاری
به که پا روی دم پیرزنی بگذاری.

از کتری بخار بلند می‌شود، از تو نه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You seek hot water under cold ice.

تو زیر یک یخ سرد آب گرم می‌جویی.

از کودکان نابالغ به میان‌پای قانع شوید تا شفقت به جای آورده باشید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Kindness will always conquer.

مهربانی همیشه پیروز است.

Unkindness destroys love.

نامهربانی عشق را نابود می‌سازد.

مفتون کس دختر زیبا نشوید
در موقع کار مست و شیدا نشوید
از دردسر بچه حذر باید کرد
از کون بکنید تا که بابا نشوید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Go about and don’t fall into a ditch.

راه خود را کج کن و در چاله هم دیگر نیفت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better gang about than fa' in the dub.

گر کمی راه خودت را کج کنی
بهتر از در چاله‌ای افتادن است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui se détourne, évite le danger.

هرکه راه خویش را کج می‌کند

از خطر البته دوری کرده است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mas vale rodear que no ahogar.

کج کردن راه خوش‌تر از غرق شدن.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mais val arrodear, que afogar.

راه خود را کَمَکی کج کردن
بهتر از غرق شدن می‌باشد.

از کون به‌جز از گند چه می‌جویی تو؟

واندر پی کس هرزه چه می‌پویی تو؟
هر دم گویی که کون ز کس خوب‌تر است
ای مردک ریش‌کون، چه می‌گویی تو؟ عبید زاکانی

از کون دادن که بدتر نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Schäme dich deines Handwerks nicht.

هرگز از حرفهٔ خود شرم نکن.

از ما بکش بیرون.

شاهد مثال:

از قول من بگویید با آن حریف کون‌کش
این کیر گنده‌ات را از کون ما برون کش. خاکشیر

از مردی که بنگ و شراب خورد کون‌درستی توقع مدارید. عبید زاکانی - صد پند

گفته بودی که شوم مست و دو بوست بدهم
وعده از حد بشد و ما نه دو دیدیم و نه یک. حافظ

من در حجاب عشقم و او در نقاب شرم
ای وای اگر قدم ننهد در میان شراب. صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is a devil in every berry of the grape.

در دل هر حبهٔ انگور یک ابلیس هست. (در اصل یک ضرب‌المثل ترکی است.)

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El vino anda sin calças.

باده شلوار به پایش نکند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een woekeraar, een molenaar, een wisselaar, een tollenaar, zijn de vier evangelisten van Lucifer.

یک رباخوار، یک آسیابان، یک بانکدار و یک مِی‌فروش چهار مبلغ ابلیس‌اند.

از مکر زن بپرهیز.

من صحبت زن هیچ نبودم دلخواه
بردند فکندند نگونم در چاه
با این‌همه زیرکی و رندی آخر
زن‌ها سر کیر من نهادند کلاه.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman need but look upon her apron-string to find an excuse.

زن فقط باید به بند پیش‌بند خود نگاهی
کرده تا عذری بیابد از برای هر گناهی.

Women in mischief are wiser than men.

زن‌ها زمان شیطنت از مردها عاقل‌ترند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Mulieri ne credas, ne mortuæ quidem.

هرگز تو اعتماد به کار زنی مکن
حتی در آن زمان که ببینی که مرده است. (ممکن است خودش را به مردن زده باشد.)

از موقعی که گام به دنیا گذاشتیم
یک ماهروی گول‌نخورده نداشتیم.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty provoketh thieves sooner than gold.

از طلا زودتر دلربایی

می‌کند دزدها را هوایی. (نقل قولی از شکسپیر Shakespeare در پردهٔ اول *هر طور بخواهی* As You Like It است.)

از نگاه یک هلوی کیرمست

جندگی از زندگی شیرین‌تر است. م. ا.

کس بکری به دست شخصی افتاد

در آن حالت که او را سخت می‌گاد

به کیرش محکم آن سوراخ می‌سفت

کس آن دخترک با کیر می‌گفت:

چه خوش باشد که بعد از انتظاری

به امیدی رسد امیدواری. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Lads' love is lassies' delight,
And if lads don't love, lassies will flite.

عشق پسرک‌ها دلخوشی دخترک‌هاست و اگر پسرک‌ها عشق نورزند، دخترک‌ها قشقرق به راه می‌اندازند.

از وعدهٔ وصال غم از دل نمی‌رود

نتوان به بوی باده علاج خمار کرد. حزین لاهیجی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The wine in the bottle does not quench thirst.

شرابی اگر توی بطری بماند

کجا تشنگی را فرو می‌نشاند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Acqua lontana non spegne fuoco vicino.

آب دور آتش نزدیکی را

نتواند که فرو بنشاند.

از هر دیگی نواله‌ای خوش باشد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He wants to have a finger in every pie.

می‌خواهد به هر کیکی ناخنکی بزند.

ازدواج شتری است که درِ خانهٔ هر خری می‌خوابد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Men dream in courtship but in wedlock wake.

مردها در موقع خواستگاری خواب می‌بینند، اما در بستر زناشویی بیدار می‌شوند.

اشک یک زن دم مشکش باشد

بهترین حیله‌اش اشکش باشد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women laugh when they can, and weep when they will.

فقط آن‌وقت که قادر باشند

تا بخندند، زنان می‌خندند

گریه‌شان هست به میل خودشان

هر زمانی خودشان بپسندند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Femme rit quand elle peut, et pleure quand elle veut.

زنه وقتی بتونه می‌خنده

موقعی که براش ممکن شه

چه زمون آب‌غوره می‌گیره؟

تا که میل مبارکش بکشه.

اشک‌هایم از غم زمانه است

از غم کرایه‌خانه است

عاشقی بهانه است. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Zins und Miethe schlafen nicht.

کرایه‌خانه و مالیات هرگز نمی‌خوابند.

اصلاً بهتون نمی‌آد.

از زنی بپرسید: «چند سالتونه؟» هر پاسخی که داد (پاسخش اصلاً مهم نیست، چون صد در صد دروغ است.) بگویید: «جدی می‌گید؟ اصلاً بهتون نمی‌آد.» آن‌وقت است که طرف رسماً توی مشت شماست!

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man is as old as he feels, and a woman as old as she looks.

سن مرد همان‌قدری است که حس می‌کند و سن زن همان‌قدری که قیافه‌اش نشان می‌دهد.

اصلاً بهتون نمی‌آد که بچه‌ای به این بزرگی داشته باشید.

به توضیح مدخل قبلی رجوع کنید.

هیچ موقع به پای شوهر پیر
خویش را بی‌خودی اسیر مکن
پیرها کیری‌اند دختر جان
اعتمادی به کیر پیر مکن. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never lean on a broken staff.

به عصایی شکسته تکیه مده.

Trust not a broken staff.

به یک عصای شکسته تو اعتماد مکن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il diavolo è cattivo, perchè è vecchio.

ابلیس بد است چون‌که پیر است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Gammel Green bryder naar den skal böies.

شاخهٔ پیر اگر خم بشود می‌شکند.

در من هوسی چرخ‌زنان است هنوز
آن هورمون مرموز روان است هنوز
اعضای تنم یکی یکی پیر شدند
یک عضو در این بین جوان است هنوز. م. ا.

نه روز آرام می‌گیرد، نه شب آسوده می‌خوابد
شق است از بامداد شنبه او تا شام آدینه.   خاکشیر

این کیر که از مناره شد بالاتر
وز کیر خطیب شهر شد خرگاتر
هرچند که من سست‌تر او محکم‌تر
هرچند که من پیرتر آن برناتر.   عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Hard as a diamond.

سخت چون یک الماس.

He is as firm as a rock.

شبیه تخته‌سنگی استوار است.

اگر از کون تو را کشند به دار
به ز یک ازدواج نکبت‌بار.   م. ا.

چه نغز آمد این یک سخن زان دو تن
که بودند سرگشته از دست زن
یکی گفت کس را زن بد مباد
دگر گفت زن در جهان خود مباد.   سعدی – بوستان

معادل‌های انگلیسی:

Better be half hanged than ill wed.

نصفه‌نیمه گرت به دار کشند
به ز یک ازدواج ناخرسند.

An ill marriage is a spring of ill fortune.

ازدواجی بد سرآغاز سیه‌روزی شود.

Three things drive a man out of doors: smoke, a leaking roof, and a scolding wife.

دود و آن سقفی که چکه می‌کند
همچنین یک همسر اخموی گند

این سه تا آن چیزها هستند که
مرد را از خانه بیرون می‌کنند.

If you get a good wife you will be happy, if you get a bad one you will become a philosopher.

با یک زن خوب شادمان خواهی شد
با یک زن بد تو فیلسوفی گردی.

He has a great fancy to marriage that goes to the devil for a wife.

یک مرد باید خیلی عشق ازدواج داشته باشد که بخواهد با شیطان ازدواج کند.

معادل‌های اسکاتلندی:

Better unmarried than ill married.

به که یک مرد مجرد ماند
تا که وصلت بکند با زن بد.

A house wi' a reek and a wife wi' a reard will mak a man rin to the door.

خانه‌ای مملو ز دود و همسری بدذات و گند
مرد را از خانه‌اش فوری فراری می‌دهند.

A reeky house and a girnin' wife, will lead a man a fashious life.

یک عیال نق‌نقو و یک سرای پر ز دود
روزگار مرد را زیر و زبر خواهد نمود.

معادل ایتالیایی:

Acqua, fumo, e mala femmina, cacciano la gente di casa.

آب و دود و یک زن بدجنس و گند
مرد را از خانه بیرون می‌کنند.

معادل اسپانیولی:

Humo y gotera, y la muger parlera, echan al hombre de su casa fuera.

دود و آن سقفی که چکه می‌کند
همچنین یک همسر اخموی گند
هرکدام از این سه تا کافی است تا
مرد را سرگشته و حیران کنند.

معادل هلندی:

Rook, stank, en kwaade wijven zijn die de mans uit de huizen drijven.

یک زن بدذات و دود و بوی گند

مرد را از خانه‌اش رم می‌دهند.

معادل دانمارکی:

Tre ere onde i Huus: Rög, Regn og en ond Qvinde.

دود و باران و زنی بدخلق و گند

توی یک خانه سه تا چیز بدند.

اگر با آتشی بازی کنی خود را بسوزانی

اگر با آلتی بازی کنی خود را بگوزانی. م. ا.

معادل ترکی: اود ایله اویناماق اولماز. (با آتش نمی‌شود بازی کرد.)

معادل انگلیسی:

If you play with fire you get burnt.

اگر با آتش بازی کنی می‌سوزی.

اگر با سرعت نور دور خودت بدوی، می‌توانی خودت را بکنی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

With will one can do anything.

با اراده می‌توان هر کار کرد.

The difficult is done at once; the impossible takes a little longer.

مشکل بلافاصله انجام می‌شود؛ غیرممکن کمی بیش‌تر وقت می‌برد.

He can who believes he can.

می‌تواند هرکه باور دارد او که می‌تواند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

When the will's ready the feet's light.

هر زمانی اراده مشتاق است

پای تو حاضر است و قبراق است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A chi vuole, non è cosa difficile.

برای آدم کوشا و مشتاق
نباشد هیچ چیزی مشکل و شاق.

La volontà è tutto.

اراده همه‌چیز است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Donde hay gana, hay maña.

هر جا که اراده‌ای است، راهی است.

No falte voluntad, que no faltará lugar.

کمبود اراده هرکجا نیست
کمبود مجال کارها نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Alcança quem naõ cança.

هرکه از پای نمی‌افتد او
به هر آن چیز که خواهد برسد.

اگر با من نبودش هیچ میلی
چرا ظرف مرا بشکست لیلی.

نومیدی‌ای که مژدهٔ امّید می‌دهد
از روی ناز نامهٔ عاشق دریدن است. صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Biting and scratching is Scots folk’s wooing.

گاز گرفتن و چنگ زدن روش ابراز عشق اسکاتلندی‌هاست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Nipping and scarting's Scotch folk's wooing.

نیشگون گرفتن و چنگ زدن روش ابراز عشق اسکاتلندی‌هاست.

به کیرم دوش گفتم ای که هستی
نهنگ‌آسا به بحر کون شناور
اگر بینی فضای کس گشاد است

بزرگی کن به روی خود نیاور.   خاکشیر

زنی به مردی که جماع را طول می‌داد گفت: «زودتر فارغم کن که دلم تنگ شد.» گفت: «اگر کست تنگ می‌بود، از دیرباز فارغ بودی.»   عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wide will wear but narrow will tear.

رخت گشاد را به تنت می‌کنی قشنگ

جر می‌خورد ولی به تنت رخت و پخت تنگ.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ama l'amico tuo col vizio suo.

دوستت را با عیوبش دوست دار.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A falta do amigo ha de se conhecer, mas naõ aborrecer.

عیب یک دوست را باید دانست، اما نباید تحقیر کرد.

O amigo ha de se levar com a sua tacha.

یک دوست را با عیب‌هایش باید پذیرفت.

اگر تسلیم دشمن شد کماندار

یقین در ترکشش تیری ندارد

ذلیل زن اگر شد مرد زندار

یقین در خشتکش کیری ندارد.   م. ا.

پیامبر اسلام گفته است: اذا کانت امراوکم شرارکم و اغنیاوکم بخلائکم و امورکم الی نسائکم فبطن الارض خیر لکم من ظهرها! (هرگاه رهبران شما بدترین شما و ثروتمندان شما بخیل‌ترین شما و کارهای شما به دست زنان شما باشد، پس برای شما زیر خاک بهتر از روی آن است!)

اگر تو رستم دستان و کیقبادستی

چنان مکن که بمیری جماع ناداده.   سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Live not for yourself alone.

تنها برای شخص خودت زندگی نکن.

اگر را رها کن تو ای کس‌بیو
دگر از محالات چیزی نگو
اگر خالهٔ بنده دودول داشت
گمان می‌کنم دایی‌ام می‌شد او. م. ا.

معادل انگلیسی:

If my aunt had been a man, she'd have been my uncle.

خاله جان من اگر یک مرد بود
مطمئناً می‌شد او خان‌دایی‌ام.

اگر داری بتی شیرین و شنگول
که وافورت دهد با دست مقبول
بکش تریاک و بر زلفش بده دود
تماشا کن به صنع حی مودود. ایرج میرزا – عارف‌نامه

اگر داری تو عقل و دانش و هوش
همین که خانه خالی شد بپر روش. م. ا. مصرع اول از عبید زاکانی است.

ترک مستم دوش غافل خفته بود
نیمه‌شب بر سر شبیخون کردمش
خانه خالی بود و فرصت یافتم
بخت یاری کرد و در کون کردمش. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Dally not with money or women.

با دو پدیده: پول و زن
بی‌خودکی لاس نزن.

Happy is the wooing that is not long a-doing.

ای خوش آن خواستگاری که زیاد
به درازا نکشاند داماد.

An old cat sports not with her prey.

گربهٔ پیر با طعمه‌اش بازی نمی‌کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was du thun willst, thue bald.

هرچه داری می‌کنی فوری بکن.

اگر در خواب کونش هم بگذارند نمی‌فهمد.

= خوابش خیلی سنگین است.

اگر در دیدهٔ مجنون نشینی
به‌غیر از خوبی لیلی نبینی. وحشی بافقی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty is in the eye of the beholder.

خوشگلی در دیدهٔ بیننده است.

If Jack’s in love, he’s not judge of Jill’s beauty.

جک اگر درگیر عشق و عاشقی است
قاضی حسن و جمال جیل نیست.

Where love is, there’s no lack.

در مکانی که در آن‌جا عشقی است
جای چیز دگری خالی نیست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

There's nae lack in love.

هیچ کمبودی درون عشق نیست.

Love has nae lack, be the dame e'er sae black.

کم‌وکسری‌ای در دل عشق نیست
اگرچند دختر سیه‌چرده‌ای است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ama me, ama il mio cane.

عاشق خود من باش، عاشق سگ من باش.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien feo ama, hermoso le parece.

هر زنی کو عاشق یک مرد نازیباست

در خیالش مرد او بسیار خوش‌سیماست.

Quien bien quiere á Pedro, no hace mal á su perro.

چنانچه کسی عاشق پدرو بود

سگش را اذیت نخواهد نمود.

اگر دردت می‌آید، برو جلوتر.

خطاب به کسی گفته می‌شود که بگوید: «درد دارد.» یا «درد دارم.»

اگر رهبر پیر ما کیر داشت

شب و روز در کون ما می‌گذاشت.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He would fain fly, but wants wings.

دل او لک زده بهر پرواز

لیک دارد به دو تا بال نیاز.

The wolf loses his teeth, but not his memory.

گرگ چو دندان وی افتاده است

حافظهٔ او ولی آماده است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

The wolf may lose his teeth, but ne'er his nature.

گرگ دندانش اگر از دست شد

طینتش می‌ماند اندر جای خود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El lobo pierde los dientes, mas no los mientes.

گرگ دندانش اگر از دست شد

خلق و خویش ماند اندر جای خود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O lobo perde os dentes, mas naõ o costume.

دندان گرگ افتد و امیال او به‌جاست.

اگر زن را بُود آهنگ هیزی
بُود یکسان تآتر و پای دیزی
بنشمد در ته انبار پشکل
چنان کاندر رواق برج ایفل.   ایرج میرزا – عارف‌نامه

معادل اسپانیولی:

A muger mala poco le aprovecha guarda.

جنس یک زن خراب باشد اگر
رنج پاییدنش رود به هدر.

اگر فقیه نصیحت کند که عشق مباز
پیاله‌ای بدهش، گو دماغ را تر کن.   حافظ

ولش کن که ملای روباه شهر
برای خودش یاوه‌گویی کند
نباید کسی بر سر هر هوس
دل خویش را بازجویی کند.   م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Coraçon determinado no sufre ser aconsejado.

یک قلب مصمم ز کسی پند نگیرد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Coraçaõ determinado, naõ soffre conselho.

وقتی دلی مصمم انجام کاری است
از دست هر نصیحت و پندی فراری است.

تو را عاشق‌کشی گر پیشه باشد
مرا نی باک و نی اندیشه باشد
اگر کون تو کوه بیستون است
منم فرهاد و کیرم تیشه باشد.   خاکشیر

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A paõ duro, dente agudo.

دندانی تیز برای نانی سفت.

اگر محکم ببندی بند شلوار

هنوزت عقد صحبت نیست محکم.   سعدی

یونانیان باستان می‌گفتند:

Κοινὰ τὰ τῶν φίλων.

هر چیز که مال دوستان بود

در حلقهٔ دوستان عمومی است.

چو بشنوی سخن اهل دل، مگو که خطاست
ز ما اهالی دل یاد گیر یک ترفند
حدیث عشق بیان کن به یک زبان نوین
به قبض و بسط دل عاشقت امید ببند
بر این رواق زبرجد نوشته‌اند به زر
زبور عشق نوازید با صدای بلند

اگر محل به تو نگذاشتند دخترها

بگوز تا به تو هم یک توجهی بکنند.   م. ا.

یکی است ترکی و تازی در این معامله حافظ

حدیث عشق بیان کن به هر زبان که تو دانی.   حافظ

اگر می‌خواهی قیافهٔ واقعی دختری را ببینی، اول صبح برو درِ خانه‌شان.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Choose your wife on Saturday, and not on a Sunday.

زنت را روز شنبه انتخاب کن، نه یکشنبه.

(در قدیم دخترها شنبه‌ها در لباس عادی و بدون آرایش بودند، ولی یکشنبه‌ها بهترین لباس‌هایشان را می‌پوشیدند و آرایش هم می‌کردند.)

A fair face needs no paint.

یک چهرهٔ زیبا بزک‌دوزک نمی‌خواهد.

There is a medium between painting the face and not washing it.

بین آرایش یک چهره و ناشستگی‌اش ربطی هست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Sunday wooin' draws to ruin.

خواستگاری در یکشنبه باعث خانه‌خرابی می‌شود.

A bonnie bride is sune buskit.

یک عروس ناز و خوشگل زود آرایش شود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien quisiere muger hermosa, el sabado la escoja.

کسی که می‌خواهد یک زن خوشگل داشته باشد باید او را روز شنبه انتخاب کند.

اگر میل کون دادن نداری، چرا گرد بیغوله می‌گردی.

کرم وقتی که نباشد توی کون
کون خود را بچه کی تر می‌کند
آنچه را از قبل نم باشد در آن
حضرت ابلیس ترتر می‌کند.   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Teufel gießt gern was schon naß ist.

شیطان دوست دارد چیزی را که از قبل مرطوب است خیس کند.

ز شلوار این گره بگشادنت چیست
دمر در رختخواب افتادنت چیست
اگر میلی به کون دادن نداری
به زیر کیر این قر دادنت چیست.   خاکشیر

کیر بیدار مرا دیدی و بیمار شدی
جنس را دیدی و فی‌الفور خریدار شدی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Flies never visit an egg that has no crack.

به تخم‌مرغ بی‌ترک
مگس نمی‌کشد سرک.

اگر هزار تا کون از آسمان ببارد، یکی‌اش روی کیر من نمی‌افتد؛ اما اگر یک کیر ببارد، یک‌راست توی کون من می‌رود.

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت

یا رب، از مادر گیتی به چه طالع زادم؟   حافظ

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
نصیب وی فقط این است: کیر چرخ کبود.   م. ا. نقیضه بر حافظ

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Se io andassi al mare, lo troverei secco.

گر به دریا بروم بی‌آب است.

اگر هفت تا دختر کور داشته باشد شوهر می‌دهد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
You would make me believe the moon is made of green cheese.

قادری کاری کنی تا این‌که من باور کنم
از پنیر سبز ماه آسمان تشکیل شد.

حقوق زنان فتنهٔ دشمن است
هدف، خواهران گلم، روشن است
هدف... بعله خانم، همان منکر است
صحیح است، بسیار شرم‌آور است
اگر هفته‌ای را دو یکشنبه بود
اگر پنبه خواهرزن انبه بود
اگر در هوا خانه می‌شد که ساخت
اگر می‌شد آخوندها را شناخت
اگر عمهٔ بنده هم چیز داشت
سبیلی دل‌انگیز و نوک‌تیز داشت
اگر گوجه‌ها گل‌کلم می‌شدند
زن و مرد هم مثل هم می‌شدند.   م. ا.

معادل عربی: الرجال قوامون علی النساء بما فَضَّلَ الله بعضَهم علی بعضٍ!

(مردان به شدت بر زنان مسلط هستند؛ به دلیل این‌که خداوند بعضی از انسان‌ها را بر بعضی دیگر برتری داده است!)   قرآن، نساء: ۳۴

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La poule ne doit pas chanter devant le coq.

مرغ مجبور نیست جلوی خروس قدقد کند.

اگه ده تا ویاگرا بخوری

به خدا که خود تراکتوری. م. ا.

الحذر از چشم خندان زنان

حضرت ابلیس می‌رقصد در آن. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

God defend you from the devil, the eye of a harlot, and the turn of a die.

کاشکی در برابر شیطان

چشم یک روسپی و گردش طاس

حافظت باشد ایزد رحمان.

العُسرُ مِنَ الیُسرا

ندهید پیر کمرسست را

ضایع می‌کند کس را.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A head that's white to maids brings no delight.

چون سفید است دگر موی روی سر مرد

دختران را سر شوق او نخواهد آورد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Bonjour lunettes, adieu fillettes.

سلام عینک، خداحافظ دخترها.

القاب زن و شوهر:

آب‌آور و نان‌آور. م. ا.

پشت کس را نکند زاب تهی

تا شکمشان نکنی از نان پر. سنایی

الهی پایین‌تنه‌ات روی تخت مرده‌شورخانه بیفتد.

به مردان حشری گفته می‌شود.

امام مادر ملت را گایید، همه با هم خواهر و برادر شدند.

در واحد خواهران دو تا داف لوند
در بخش برادران دو بی‌خایهٔ گند
گاییده امام مادر اینان را
با هم همه خواهر و برادر شده‌اند.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

New lairds mak new laws.

خوانین تازه قوانین نو می‌نهند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

A nouveaux seigneurs nouvelles lois.

خوانین تازه
قوانین تازه.

امان از تجربه!

به‌ویژه خطاب به کسانی گفته می‌شود که دربارهٔ احوالات مفعول‌ها در سکس صحبت می‌کنند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Experience is the mother of wisdom.

تجربه مادر عقل بشری است.

Experience is the beginning of knowledge.

تجربه آغاز دانایی بُود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Erfahrung ist die beste Lehrmeisterin.

تجربه نیکوترین آموزگار آدمی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi è dell’arte ne può ragionare.

هر کسی اهل حرفه‌ای باشد

می‌تواند از آن سخن گوید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Experientia docet.

تجربه درسی بیاموزاندت.

امان از خانه‌داری، یکی می‌خری، دو تا نداری.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Heirathen ist leicht, Haushalten ist schwer.

ازدواج آسان، ولیکن خانه‌داری مشکل است.

امان از درد بی‌زنی.

«درد بی‌زنیه؛ دکمه‌ش آدم می‌افته، شبا خوابش نمی‌بره، تازه اگرم ببره، کلۀ سحر باس بپره تو خزینۀ غلس.» دیالوگی در فیلم *سوته‌دلان* علی حاتمی

هنگام سپیده‌دم خروس سحری
دانی که چرا همی‌کند نوحه‌گری؟
یعنی به خدا تو کفم ای زن‌قحبه
می‌میری اگر مرغ برایم بخری؟ م. ا. نقیضه بر خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bachelors grin, but married men laugh till their hearts ache.

مردان مجرد لبخند می‌زنند، اما مردان متأهل آن‌قدر می‌خندند که دلشان درد بگیرد.

Marriage halves our griefs, and doubles our joys.

ازدواج اندوه ما را نصفه و
شادی ما را دوچندان می‌کند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

There's but ae gude wife in the warld, and ilka ane thinks he has her.

در کل جهان یک زن خوب و خوشخوست
هر مرد خیال می‌کند صاحب اوست.

امر خیر است.

= خیال دارم با تو سکس کنم.

امشب شب احیاست.

= امشب شب سکس است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Stable the steed, and put your wife to bed when there's night wark to do.

اسب را داخل اصطبل ببر

و زنت را تو بنه در بستر

کار اگر هست برای انجام

که بباید بشود شب‌هنگام.

امشب چه شبی است؟ شب فشار است امشب

درجه‌فشار روی هزار است امشب.

= امشب شب سکس است. بر وزن آهنگ بادا بادا مبارک بادا خوانده می‌شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When prayers are done, my lady is ready.

وقتی دعا خوانده شود، بانوی من آماده است.

امشب شب جمعه‌س، دیزی پرِ دنبه‌س، هرکی نکنه مشمول ذمه‌س.

ـ عسلم، خوابی یا بیداری؟

ـ خرّوپف!

ـ ای بمیری؛ اَه، تف! م. ا.

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

There are sins of omission as well as of commission.

علاوه بر گناهان کردنی گناهان نکردنی‌ای هم هستند.

انتظار دارد بهش کون بدهی، خودت هم تف بزنی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The fool asks much, but he is more fool that grants it.

چه بسیار است خواهش‌های هالو
ولی فردی که آنان را برآرد
از آن هالو بسی هالوتر است او.

It is hard to suffer wrong and pay for it too.

کار سختی است این‌که دل بنهی
که به تو دیگری ستم بکند
بابتش پول نیز هم بدهی.

It is a pain both to pay and pray.

زور داره بدجور، بشه آدم مجبور
اسکناسو بده و التماسو بکنه.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's a fool that asks ower muckle, but he's a greater fool that gies it.

او که بیش از حد بخواهد ابلهی باشد، ولی
او که آن را می‌دهد ابله‌تر است از اولی.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui monte la mule, la ferre.

هر کسی قاطرسواری می‌کند
نعل قاطر را خود او می‌زند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Qui a nuce nucleum esse vult, frangat nucem.

او که میل مغز گردو می‌کند
باید اول پوستش را بشکند. (نقل قولی از پلاوتوس Plautus است.)

اِند اخلاق و ختم ایثار است
مردکی زن‌ذلیل و بی‌خایه
که خودش جلق می‌زند هر شب
تا زنش کس دهد به همسایه.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Dinna empty your ain mouth to fill other folk's.

دهان خویش را خالی نکن تا
دهان دیگران را پر نمایی.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
Harto es necio y loco, quien vacue su cuero por henchir el de otro.

هست یارو بدون شک یک خر
گر خود او گرسنگی بکشد
تا غذایی دهد به فرد دگر.

رومیان باستان می‌گفتند:
Alienos agros irrigas tuis sitientibus.

کشتگاه دیگران را آبیاری می‌کنی
کشتگاه تو ولی از تشنگی خشکیده است.

اندکی شل باش در پیش زنت
تا که پایش را نهد بر گردنت.   م. ا.

غول خود را مدان به‌جز زن خود
بر منه پای او به گردن خود.   اوحدی

علی بن ابی‌طالب گفته است: کل امرء تدبره امراة فهو ملعون! (مردی که زنی اداره‌اش کند ملعون است!)

رومیان باستان می‌گفتند:
Nunquam oportet virum sapientem mulieri remittere frenum.

آدم عاقل نباید هیچ وقت
بند افسار زنش را شل کند.

این کوه واژگون به قفای تو قنبل است
یا خود به چارباغی و کونت سرپل است؟
اندیشه زین مکن که به کونت زنند دست
کیرت همیشه بر در کونت قراول است.   خاکشیر

دی خواجه حسن گفت به من: ای سره‌مرد
در پیری‌ام از خارش کون با غم و درد

گفتم که تو زن‌جلب نمی‌دانستی / کـ

اندیشهٔ کون به کودکی باید کرد. عبید زاکانی

ترک‌ها می‌گویند: سونراکی پئشمانچیلیق فایدا وئرمز. (پشیمانی بعدش سودی ندارد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is easy to be wise after the event.

چون کار شد انجام و زمان رفت از دست

آنگاه خردمند شدن آسان است.

He that will not when he may,
When he will he shall have nay.

کسی که می‌تواند و نمی‌خواهد، وقتی می‌خواهد دیگر نمی‌تواند.

(بیتی از مورفی Murphy است. در اصل بیت به‌جای he کلمهٔ she آمده است.)

If things were to be done twice, all would be wise.

گر بنا بود که هر کار دو دفعه بشود

مردم از دم همگی عاقل و دانا بودند.

Wise after the event.

عاقلِ بعد از وقوع واقعه.

After-wit is everybody's wit.

عقلِ مابعد عمل عقل تمام مردم است.

Advice comes too late when a thing is done.

کار هر وقت که از کار گذشت

بهر اندرز و نصیحت دیر است.

Yesterday will not be called again.

نتوان که یک بار دگر دیروز را احضار کرد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Time tint is never found.

وقت وقتی گذشت و گشت هدر

برنگردد به دست بار دگر.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

A chose faite conseil pris.

کار وقتی که شده بهر نصیحت دیر است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Nachher ist jeder klug.

کار هر وقت که از کار گذشت

مردم از دم همه عاقل هستند.

Könnte man jedes Ding zweimal machen, so stünd es besser in allen Sachen.

عملی بود اگر که هر کار

بشود بار دگر هم تکرار

کارها جمله نکوتر می‌شد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non fa quando può, non fa quando vuole.

او که می‌تواند و نمی‌کند، وقتی می‌خواهد دیگر نمی‌تواند.

Quel che fa il pazzo all'ultimo, lo fa il savio alla prima.

خردمندی در آغاز آن نماید

که آن را آدم بی‌عقل نادان

شود ناچار در پایان نماید.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Lo que hace el loco á la derreria, hace el sabio á la primeria.

آنچه را بی‌عقل در پایان کند

آدم عاقل در آغاز آن کند.

Guárdete Dios de hecho es.

خداوند تو را از «خیلی دیر شده» حفظ کند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Quem quando póde naõ quer, quando quer naõ póde.

کسی که وقتی می‌تواند، نمی‌خواهد، وقتی می‌خواهد دیگر نمی‌تواند.

هلندی‌ها می‌گویند:

De tijd die voorbij is en komt niet weer.

زمان گذشته دگر برنگردد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Tiden bier efter ingen Mand.

زمان برای کسی منتظر نمی‌ماند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Utendum est ætate; cito pede labitur ætas.

وقت را دریاب وقتی وقت هست

وقت خیلی زود خواهد شد ز دست.

انگار دختر چهارده‌ساله است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An old ewe dressed lamb fashion.

میش پیری در لباس بره‌ها

(یعنی این‌که پیرزن پوشیده است

جامهٔ یک دختر نورسته را).

او که در خانهٔ خالی با یار

بود و پرسید که مولانا کیست

بنده با قطع و یقین می‌گویم

توی شرتش خبری نیست که نیست. م. ا.

از چار چیز مگذر، گر عاقلی و زیرک:

امن و شراب بی‌غش، معشوق و جای خالی. حافظ

ترک‌ها می‌گویند: فورصتی فوت ائیله‌ین عاغیل دئییل، دیوانه دیر.

(کسی که فرصت را از دست می‌دهد عاقل نیست، دیوانه است.)

هر واخت فورصت اله دوشمز. (هر وقتی فرصت به دست نمی‌آید.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Opportunities neglected are irrecoverable.

فرصتی کز دست آدم رفته است

بار دیگر برنمی‌گردد به دست.

A wise man turns chance into good fortune.

مرد عاقل شانس خود را نیکبختی می‌کند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando te dieren el anillo, pon el dedillo.

وقتی که حلقه‌ای به تو تقدیم می‌کنند
فوری جلو بیار تو انگشت خویش را.

شاهکاری خلق کرده بی‌گمان
او که کون بنده را گاییده است

او که کون نره‌خر را جر دهد
یک ابرگاینده را گاییده است. م. ا.

معادل عربی: مَن یَنَکِ العِیرَ یَنَک نَیّاکَا.
(کسی که نره‌گوری را بگاید
ابرگاینده‌ای را گاده باشد.)

او که گوید راحت است، آرام باش و شل بگیر
شک نکن هرگز نخوابیده به عمرش زیر کیر. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He preacheth patience that never knew pain.

صبر را وعظ می‌کند فردی
که ندیده به عمر خود دردی.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Pazienza! disse il lupo all’asino.

طاقت بیار، گرگ به خر این‌چنین بگفت.

او که هر وقت نمازش جلوی چشم شماست
نیم ساعت سر هر سجدهٔ خود کون به هواست
یا هوس کرده که کونی بدهد یا این‌که
پدر سگ‌پدر کل پدرسوخته‌هاست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No rogue like to the godly rogue.

هیچ هنگامی نبوده هیچ جا
هیچ رذلی مثل رذل پارسا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He has muckle prayer, but little devotion.

دعایش زیاد است و اخلاص کم.

او که هرگز جر نخورده کون او
زیر دست مرد خندان لم دهد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He rides sure that never fell.

با خیال راحت آن‌کس می‌نشیند روی زین
کو به عمر خویش از اسبی نیفتاده زمین.

او که یک بار کون دهد به کسی
گاه و بیگاه می‌کند هوسی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One has to start somewhere.

آدمی باید که از جایی بیاغازد.

He that hath done ill once will do it again.

چو یک بار مردی شرارت کند
به تکرار آن کار عادت کند.

One sin opens the door to another.

هر گنه تا به درون می‌آید
در به روی دگری بگشاید.

Once a whore, always a whore.

یکباره جنده خانم
همواره جنده خانم.

Chastity is like an icicle; if it once melts, that's the last of it.

یک دامن پاک همچنان قندیلی است

یک بار که آب می‌شود، دیگر نیست.

One wrong step may give you a great fall.

یک گام اشتباه سقوطی بزرگ را
در پی بیاورد چه بسا از برای ما.

Open not your door when the devil knocks.

هر زمان ابلیس بر در می‌زند
مطلقاً در را به رویش وا نکن.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

L’appétit vient en mangeant.

اشتها هنگام خوردن باز خواهد شد. (نقل قولی از رابله Rabelais است.)

آلمانی‌ها می‌گویند:

Nachbar über den Zaun, Nachbar wieder herüber.

همسایه‌ات یک بار اگر از روی پرچین رد شده
یک بار دیگر نیز هم از روی آن رد می‌شود.

Wer den Teufel einmal in’s Haus geladen, kann sein’ nimmermehr abkommen.

او که ابلیس را فقط یک بار
به سرای خودش فراخوانده‌ست
هرگز از شر او نخواهد رست.

Wo Wasser gewesen ist, da kommt Wasser wieder.

هرکجا آب بوده قبلاً‌ها
خواهد آمد دوباره آب آن‌جا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er let at byde Fanden til Gjæst, men ondt at faae ham af Huset.

دعوت از ابلیس کاری ساده است
تا که او یک‌چند مهمانت شود
زان‌طرف دک کردن او مشکل است
تا به پای خویش از پیشت رود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Neque fœmina, amissa pudicitia, alia abnuerit.

سقوطِ بار نخستین که از زنی سر زد
ز هیچ کار کثیفی دگر نمی‌لرزد. (نقل قولی از تاسیت Tacitus است.)

او که یک دشمن خونی باشد
به ز یک دوست کونی باشد.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better a sair fae than a fause friend.

دشمنی خونی به از یاری دوروست.

Better a fremit friend than a friend fremit.

یک غریبهٔ دوست بهتر از یک دوست غریبه است.

عاشق بی‌ترمز دلسوخته
آتشی در کون و کس افروخته
او که یک کون را به یک کس دوخته
فن خیاطی چه خوب آموخته.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Choose a horse made, and a wife to make.

اسب رامی برگزین و همسری
که خودت با دست خود رامش کنی.

او که یک کونی پولی است خودش می‌داند
درد آن می‌رود و پول ولی می‌ماند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No work, no recompense.

کار وقتی که نباشد، مزد نیست.

Desert and reward seldom keep company.

ترک کار و مزد اغلب جور درنمی‌آیند.

Mind your work, and God will find your wages.

حواس تو به کار خویش باشد
خدا مزد تو را خواهد رساند.

Employment is enjoyment.

اشتغال آدمی تفریح اوست.

He that can have patience can have what he will.

به کامش می‌رسد آن آدمی که

شکیبایی تواند پیشه گیرد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wie die Arbeit, so der Lohn.

کار هر جوری که باشد، مزد هم آن‌جوری است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi aspettar puole, ha ciò che vuole.

مردی که شکیباست به کامش برسد.

اولش ناز طرف را بخرید

بعد از آن کون طرف را بدرید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Courting and wooing bring dallying and doing.

نخست ابراز عشق و خواستگاری

سپس لاسیدن است و کامکاری.

Many lick before they bite.

چه بسیارند آنانی که پیش از گاز می‌لیسند.

Deal gently with the bird you mean to catch.

چو می‌خواهی بگیری مرغکی را

تو با او مهربان رفتار بنما.

He that would eat the fruit must climb the tree.

هر کسی که میوه را طالب شود

از درختش باید او بالا رود.

No man was glorious who was not first laborious.

هیچ‌کس بی‌تلاش و مجانی

نشده مفتخر به عنوانی.

He who would have a hare for breakfast must hunt over night.

هر کسی صبحانهٔ خرگوش خواست

باید او شب عزم نخجیری کند.

He that would have what he hath not should do what he doth not.

کسی که می‌خواهد چیزی را داشته باشد که ندارد باید کاری را بکند که نمی‌کند.

He that would have eggs must endure the cackling of hens.

تخم‌مرغ آن‌کس که می‌خواهد بباید لاجرم

با صدای قدقد مرغان بسازد بیش و کم.

To the victor go the spoils.

غنیمت‌ها نصیب فاتحان است.

In the middle of difficulty lies opportunity.

فرصت اندر دل مشکل خفته.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer Eier haben will, muß sich das Gackern gefallen lassen.

طالب تخم‌مرغ هر کس شد

بایدش ساخت با کمی قدقد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Goeden dag u allen! zei de vos, en hij kwam in het ganzenhok.

روز همگی به خیر! روباه چنین گفت، وقتی وارد غازدانی شد.

Die de honig wil uithalen moet het steken der bijen ondergaan.

باید آن‌کس که طالب عسل است

نیش زنبور را به جان بخرد.

Die eieren hebben wil, moet der hennen kakelen lijden.

طالب تخم‌مرغ می‌باید

طاقت آرد صدای قدقد را.

Die vuur wil hebben moet de rook lijden.

طالب آتش اگر فردی بود

باید البته بسازد با دود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Quæ e longinquo magis placent.

هرچه را سخت‌تر به دست آری

بیش‌تر نیز دوستش داری.

کار زن مکر و فسون و جادوست

اولین حیلهٔ زن لبخندش

آخرین حیلهٔ زن گریهٔ اوست. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: آروادین آخیر حیله‌سی آغلاماقدیر. (آخرین نیرنگ یک زن گریه است.)

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Lagrime di donna, fontana di malizia.

اشک زن‌ها جویبار حیله‌هاست.

اومدم وسمه کنم، نیومدم وصله کنم.

از زبان تازه‌عروس گفته می‌شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The more women look in their glass, the less they look to their house.

زن هرچه نظر در آینه بیش کند

کم‌تر نظری به خانهٔ خویش کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Femme qui beaucoup se mire peu file.

آن زن که در آیینه زیادی نگرد

کم‌تر سر دوک خویش نخ می‌ریسد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Sammt und Seide löschen das Feuer in der Küche aus.

ابریشم و مخمل شعلهٔ آشپزخانه را خاموش می‌کنند. (= زنان خوش‌پوش اهل خانه‌داری نیستند.)

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

La muger quanto mas mira la cara, tanto mas destruye la casa.

زن هرچه بیش‌تر قیافهٔ خود را تحسین می‌کند، بیش‌تر به خانه‌اش گند می‌زند.

اون دو تا طالبی که سفت و پرند
فکر کردی فقط برا دکورند؟
قبل از این‌که خوراک کرما شن
به دو تا مستحق بده بخورند. م. ا.

در هزارتوی یک هرم هنوز
نقش حکمتی طلایی است
سینه‌های شاهزاده خانمی
توی مشت‌های شاه
مومیایی است. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: ایشله‌ین آچار پاریلدار. (آچار کار اگر بکند برق می‌زند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Drawn wells have sweetest water.
چاه‌هایی که مدام ازشان آب می‌کشند شیرین‌ترین آب را دارند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
Use maks perfyteness.
استفاده از هر چیز مایهٔ کمال اوست.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Der Schlüssel, den man braucht, wird blank.
آن کلیدی که به کارش گیرند
رنگ آن روشن و براق شود.

Gebrauchter Pflug blinkt, stehend Wasser stinkt.
خیشی که استفاده شود برق می‌زند
آبی که راکد است ولی گند می‌زند.

اون‌جایی که عن درمی‌آد، واسهٔ ما چن درمی‌آد؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:
What will you have? quoth God; pay for it and take it.
خدا گوید: چه می‌خواهی؟ بهایش را بده، برگیر.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Bare words mak nae bargain.

با کلمات خشک و خالی معامله نمی‌شود کرد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nunca muito custou pouco.

خوب وقتی که بوده کالایی
قیمتش کم نبوده در جایی.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvo der vil have god Kaal, faaer at koste den.

کلم خوبی اگر مردی خواست
باید او قیمت آن را بدهد.

اونی که از خدای جون‌داده نترسه، از بندهٔ کون‌داده نمی‌ترسه.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Zage haben kein Glück.

بزدلان شانسی ندارند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Coraçaõ partido, sempre combatido.

مرد بزدل همیشه در خطر است.

اونی که تا دیروز نمی‌داد، دیدید داد؟ دیدید داد؟

حیا را مردها ابداع کردند
چرا این ننگ را زن می‌پذیرد؟
حیا را مرد از آن رو دوست دارد
که خوش دارد خودش آن را بگیرد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The devil will take his own.

ابلیس سهم خویش را دریافت خواهد کرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quel che non è stato, può essere.

آنچه هرگز نشده تا الآن
ای بسا که پس از این می‌شود آن.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El huego y el amor no dicen: Vate á tu lavor.

آتش و عشق نگویند به تو
در پی کار خودت باش و برو.

ای خدا، تا کی بخوابیم جدا؟ مردیم یکی به ما نگفت بابا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bachelors' fare: bread and cheese and kisses.

هر روز خوراک مرد بی‌زن
نان است و پنیر و بوسه‌ای چند.

ای خدای حکیم، همه جفت‌اند و ما تکیم.

ای خانم مه‌رو که بلور است کست
خورشیدی و یک حقهٔ نور است کست
تو این‌همه کس داری و من این‌همه کیر
از کیر من افسوس که دور است کست.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every Jack has his Jill.

هر جکی جیل خودش را دارد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Every Jack will find a Jill.

هر جکی یک جیل پیدا می‌کند.

ای خواجه، اگر با خرد و تمکینی
جز جلق زدن کار دگر نگزینی
چه خوش‌تر از این بُود که هنگام جماع
تا خایه فرو بری، سرش را بینی.   سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Self done is well done.

کار خودکرده خوب‌ترکرده‌ست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Selvgiort er velgiort.

خوب انجام شود آنچه خود انجام دهی.

ای دل عشاق به کام تو صید
ما به تو مشغول و تو با عمرو و زید. سعدی – گلستان

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Amor loco, yo por vos, y vos por otro.

عشق جگرسوز جنون‌آوری
من به تو دارم، تو به آن دیگری.

ای دلبرکان، به خویشتن بد نکنید
هر کار که یک مرد بخواهد نکنید
البته اگر که نرخ معقولی داد
یک پیشنهاد خوب را رد نکنید. م. ا.

ای آن که رخت ز ماه و خور گو ببرد
ناموس گل و لالهٔ خودرو ببرد
دارم درمی چند، بده کون و ببر
گر تو ندهی، هرکه دهد، او ببرد. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not refuse a good offer.

تو یک دعوت خوب را رد نکن.

A man must sell his ware at the rate of the market.

هر کسی باید که هر جنسی که دارد را
طبق نرخ و قیمت بازار بفروشد.

Everything is worth its price.

هر چیز به قیمت خودش می‌ارزد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Gathering gear is weel liket wark.

دارایی آوردن به دست

سرگرمی دلچسبی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui paye, a bien le droit de donner son avis.

او که پول می‌دهد کاملاً حق دارد نظرش را بگوید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quando puoi aver del bene, pigliane.

پیشنهادی چو خوش است و نکو

هیچ زمانی تو به آن نه نگو.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El dinero hace lo malo bueno.

پول چیز بد را تبدیل به خوب می‌کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Tantum bona valent, quantum vendi possunt.

قیمت هر چیزی آن اندازه است

که بدان قیمت توان آن را فروخت.

ای دوست، اگر رازی و گر شیرازی

دانی چه بُود جماع بی‌انبازی؟

کاندر کنجی به خلوتی بنشینی

وز کف کس و کون هرکه خواهی سازی.   سعدی

کردن هر داف باحال و خفن

فارغ از رنج و عذاب مخ زدن

هست کار مردمان جلق‌زن.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui se sent galeux, se gratte.

بگذار همان‌کسی که خارش دارد

با ناخن خویش خویشتن را خارد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Quem tem boca, naõ diga ao outro, assopra.

نگذار کسی که خود دهانی دارد

از آدم دیگر طلب فوت کند.

ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی

ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No man can love and be wise at the same time.

هیچ مردی نتواند هرگز

همزمان عاشق و عاقل باشد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Amar, e saber naõ póde ser.

عاشقی و عاقلی توأمان

از محالات است سازش بینشان.

رومیان باستان می‌گفتند:

Amare simul et sapere, ipsi Iovi non datur.

خود یووه نتواند هرگز

همزمان عاشق و عاقل باشد. (یووه: خدای آسمان و فرمانروای خدایان در اساطیر رومی.)

ای که از کوچهٔ معشوقهٔ ما می‌گذری

من هم از کوچهٔ معشوقهٔ تو می‌گذرم. نقیضه بر حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He must not expect good that does evil.

کسی که شر و بدی می‌کند به خلق جهان

امید خیر نباید که دارد از دگران.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that ill does never gude weens.

او که خود انسان بدکاری است

در خیال او نکوکاری
در میان دیگران هم نیست.

ای که گفتی پسران را تو نباید که بگایی
ما کجاییم در این بحر تفکر، تو کجایی. م. ا. نقیضه بر سعدی

با فرزندان توانگران منشینید که صورت‌هایی مثل صورت زنان دارند و از دختران بکر فریبنده‌ترند.
حسن بن ذکوان

ساده‌رخ نزد آن که خویشش نیست
شب چرا می‌رود که ریشش نیست
مرد بی‌ریش و دختر خانه
نیستند از حساب بیگانه. اوحدی

تو از کون‌های گرد لاله‌زاری
یکی را این سفر همراه داری
کنار رستوران ملا نمودی
ز کون‌کن‌های تهران درربودی
به کون‌کن‌ها زدی کیر از زرنگی
نهادی جمله را زیر از زرنگی
چو آن گربه که دنبه از سر شام
همی‌وردارد و ورمالد از بام
کنون ترسی که گر سوی من آیی
کنی با من چو سابق آشنایی
منت آن دنبه از دندان بگیرم
خیالت غیر از اینه من بمیرم؟
تو می‌خواهی بگویی دیرجوشی؟
به من هم هیزم تر می‌فروشی؟
تو ما را بس‌که صاف و ساده دانی
فلان کون را برادرزاده خوانی
چرا هر جا که یک بی‌ریش باشد

تو را فی‌الفور قوم و خویش باشد؟
چرا در روی یک خویش تو مو نیست؟
چرا هر کس که خویش توست کونی است؟   ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No love is foul nor prison fair.

هیچ زندانی قشنگ و هیچ عشقی زشت نیست.

با خرد و بزرگ هر زمان باید ساخت
گر سود بری و گر زیان باید ساخت
ای کیر، به کون و کس عبث خرده مگیر
با تنگ و گشاد این جهان باید ساخت.   خاکشیر

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Quand on n’a pas ce que l’on aime, il faut aimer ce que l’on a.

وقتی کسی چیزی را که دوست دارد ندارد، باید چیزی را که دارد دوست داشته باشد.

ای کیر، تو از بس کس و کون داری دوست
هر شاش و گهی بر سرت آید نیکوست
هر جا بُود آفتاب و رویی بینم
مانند گل‌آفتاب رویت آن‌سوست.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Most of our evils come from our vices.

اکثر شر و مصیبت‌های ما
از شرارت‌های ما حاصل شود.

Evil to him that evil thinks.

شر نصیب مرد شراندیش باد.

He that seeks trouble never misses.

هرکه دنبال دردسر برود
ناامید از وصال او نشود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that seeks trouble 'twere a pity he should miss it.

او که دنبال دردسر گردد
مایهٔ بس تأسف است و دریغ
دست خالی اگر که برگردد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui mal cherche, mal trouve.

هرکه دنبال زیانی می‌رود می‌گیردش.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi mal pensa, mal abbia.

بدی باد روزی بداندیش را.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Han maae have Skaden, som har sögt den.

هر کسی که برود در پی شر
به وصالش برسد آخر سر.

زاغاز شباب تا زمان پیری
ای کیر، ز کون نباشدت دلگیری
وازد شده‌ای ز هر کس تنگ و قشنگ
ای کیر، چرا ز کون نداری سیری؟ خاکشیر

خواهم ز خدا کیر مرا سازد خاک
وان خاک ز آب دیده گردد نمناک
از گردش ایام کلوخی گردد
شاید که از آن کلوخ کون گردد پاک. خاکشیر

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wahn erheischt viel, Noth bedarf wenig.

هوا و هوس را تمنا زیاد است
ضرورت ولی با کمی نیز شاد است.

ای کیر، زمان ترکتازی است، مخسب
وقت هنر است و سرفرازی است، مخسب
اینک آن کون که از غمش می‌مردی

جان یافته‌ای، نه کار بازی است، مخسب.   عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you snooze you lose.

چرت اگر که بزنی می‌بازی.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi dorme non piglia pesci.

آن‌کسی که می‌خوابد ماهی‌ای نمی‌گیرد.

ای وای بر عروسی کز یاد رفته باشد
ناکام مانده باشد داماد رفته باشد.   م. ا. نقیضه بر حزین لاهیجی

دیدم پسری قر از کمر می‌ریزد
وز قر دو هزار فتنه می‌انگیزد
در فکر فرو رفتم و با خود گفتم
این است نشان کون که برمی‌خیزد.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fortress and a woman that comes to parley is willing to yield.

قلعه‌ای که برای صلح و زنی
که برای رفاقت آمده است
هر دو شل کرده‌اند، سفت بگیر
قلعه فتح است و زن مخش زده است.

این را که تو سیمین‌تنی و گل‌رخسار
یک بار به دختری بگو تا شیطان
یکریز به گوش او بخواند صد بار.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Tell a woman she’s a beauty, and the devil will tell her so ten times.

در گوش زنی بخوان که هستی زیبا
تا این‌که پس از تو نیز شیطان رجیم
ده بار دگر به وی بگوید این را.

معادل اسکاتلندی:

Some ane has tauld her she was bonny.

یک نفر به او گفته او زنی است زیبارو.

معادل اسپانیولی:

Dísela tú una vez, que el diablo se la dirá diez.

یک بار به زن بگو که شیطان

ده بار دگر به وی بگوید. (این را که تو زیبایی.)

این روزها همه حلقوی‌اند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is no family but there's a whore or a knave of it.

یک خانواده نیست به سرتاسر جهان

یک جنده یا که رذل نیاید برون از آن.

It is a poor family which hath neither a whore nor a thief in it.

دزدی و جنده‌ای چو در آن خانواده نیست

الحق که بی‌نوا و گدا خانواده‌ای است.

این زمان باتوم روسی می‌کنند
توی کون پور دستان نیز هم

گرگ وقتی بازجویی می‌کند

وادهد انسان سگ‌جان نیز هم. م. ا.

گمانم چشم‌هایم مثل آهوست

بلای جان من این چشم و ابروست

دماغم بی عمل هم آسمانی است

لبم گیلاس و لپم آلبالوست

صدایم چون صدای قمریان است

دو دستم بال‌های یک پرستوست

دو ساقم ساقه‌های سوسن و یاس

دو رانم لاله‌های سرخ خودروست

لبوی داغ داغ سینه‌هایم

چو پستان‌های کال یک پری‌روست
ولی آنِ تن من زیر ناف است
نه این‌سو، آنِ من در آن‌یکی‌سوست
فلش دارد به سویش مهره‌هایم
همان قسمت که نرم و صاف و بی‌موست
برو پایین، برو، خب خب، رسیدی؟
زیادی نه خره، آن‌جا که زانوست
بیا بالا، بیا، خب، بعله، این‌جاست
عدالت کفه‌های این ترازوست
اگر وزن یکی‌شان هفت کیلوست
یقیناً آن‌یکی هم هفت کیلوست
شبیه پستهٔ خندان دو نیم است
همین گردی که طعمش مثل گردوست
چه شیرینم، چه مامانم، چه نازم
چه سکسی بازجویم داردم دوست
اگرچه این زمان باتوم روسی
نصیب شاعران پارسی‌گوست
ولی چون بازجویم از ته دل
خمار شاعران بچه‌پرروست
مرا با چیز ایرانی نموده
که هر چیزی به جای خویش نیکوست
شبیه هندوانه قاچ‌قاچم
که این لامصبش انگار چاقوست
عروس شعر ایران خون‌چکان است
که شاداماد من از بیخ یابوست
اگر یابوی نر بسیار هات است
جناب بازجو یابوتر از اوست
میان پنجه‌های چون پلنگش
تن دردانهٔ من آبلمبوست

مرا خسروترین فرهاد مجنون
شبیه سیب شیرین خورد با پوست
کنون این دستمال خونی شعر
نثار پای آن آقای ریشوست
زمان گفتن این شعر هم... او و وخ
هنوز آن چیز لامصب همان توست

به من می‌خندی ای خواننده؟ باشد
گروه بازجوها در تکاپوست
به جرم خواندن وبلاگ بنده
پس از من نوبت کون تو گوزوست. م. ا.

این سخن ورد زبان هر هلوست:
بخت یک دختر درون شرت اوست. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fair maidens wear nae purses.

دخترانی که ماه‌رخسارند
کیف با خویش برنمی‌دارند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Sie hat ihn lieb—auf der Seite wo die Tasche hängt.

این زنک شیفته و عاشق آن مرد شده
از همان سوی که کیف طرف آویزان است.

این سنت پیامبر است.

= سکس خوب است.

به قول شیخ که سکسش شبیه نره‌خر است
خفن تلنبه زدن سنت پیامبر است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The command of custom is great.

فرمان سنت قاطع است.

این کوزه چو من عاشق زاری بوده‌ست

هر روز به دنبال شکاری بوده‌ست

این دسته که دور کمرش می‌بینی

یک اسلحهٔ فاجعه‌باری بوده‌ست.   م. ا. نقیضه بر خیام

این کیر مگر که وصلهٔ این تن نیست؟

نامش ز چه پیش خلق مستحسن نیست؟

کون و کس و خایه همچنین می‌باشد

من گفتم و رفتم، عقبش بر من نیست.   خاکشیر

این نصیحت به هر مجردی است:

موقع انتخاب یک همسر

کیر آدم مشاور بدی است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There goes more to marriage than four bare legs in a bed.

ازدواج چیزی بیش از چهار تا پای برهنه در یک رختخواب است.

Choose a wife rather by your ear than your eye.

زنت را بیش‌تر با گوش‌هایت برگزین تا چشم‌هایت.

In wiving and thriving men should take counsel of all the world.

مرد وقت ازدواج و پیشرفت از هر جهت

لازم است از عالم و آدم بگیرد مشورت.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui se marie à la hâte, se repent à loisir.

با شتابی زن بگیرید و سر فرصت پشیمانی کشید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

L’hai tolta bella? Tuo danno.

تو وصلت کرده‌ای با روی زیبا؟

به خود بسیار بد کردی؛ دریغا.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Antes que cases, vê o que fazes, porque naõ he nó que desates.

پیش از ازدواج تأمل کن، چرا که این گرهی است که نمی‌توانی بازش کنی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het is best te vrijen, daar men de rook kan zien.

بهترین خواستگاری آن‌جاست

که در آن دود اجاقی پیداست.

این هم اندر عاشقی بالای غم‌های دگر.

تا شدم حلقه به گوش در میخانهٔ عشق

هر دم آید غمی از نو به مبارک‌بادم. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is full of trouble.

عشق یک چیز پر از دردسر است.

این‌چنین که تو پدرسوخته طناز شدی

تا بگی یک دو سه، از هر سه طرف باز شدی. م. ا.

آراسته و مست به بازار آیی

ای دوست، نترسی که گرفتار آیی؟ نقل از *اسرار التوحید*

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A good thing is soon snatched up.

چیز خوبی را سه‌سوته کش روند.

Fair things are soon snatched away.

چیزهای زیبا را در سه سوت می‌قاپند.

Pleasing ware is half sold.

جنس‌های دلپذیر و دلپسند

نصفشان گویی خریداری شدند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Belle chose est tôt ravie.

آنچه باشد قشنگ و باب پسند

مردم آن را سه‌سوته می‌قاپند.

این‌چنین گفت سلیمان نبی:
دخترم، توی مکانی خلوت
برحذر باش ز مرد عذبی.   م. ا.

در خانه‌های خالی ما را نیازمایید
مَن جَرَّبَ المُجَرَّد حَلَّت بِهِ النَدامَه. (کسی که آدم مجرد را بیازماید پشیمان شود.)   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Nae curb will tame love.

هیچ افسار و لگامی اصلاً
عشق را رام نخواهد کردن.

این‌قدر پیله نکن؛ اگر مردی پروانه را بکن.   م. ا.

این‌قدَر زیر کیر جیغ نزن
درد آن خوب می‌شود بعداً.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: هر قیشین بیر یازی وار. (هر خزانی را بهاری در پی است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

However long the night, the dawn will break.

هرقدَر شب دراز هم باشد
باز آخر سپیده خواهد زد.

He that can quietly endure overcometh.

او که آرام تحمل بکند پیروز است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Be thou weel, or be thou wae, yet thou wilt not aye be sae.

تو چه خوشحالی و چه ناخوشحال
تا همیشه چنین نخواهی بود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il mondo è di chi ha pazienza.

دنیا از آن اوست که پرصبر و طاقت است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O que he duro de passar, he doce de lembrar.

تحمل کردنش گر بوده سنگین
به یاد آوردن آن هست شیرین.

ب

با این‌قدر پول کسی تف درِ کون آدم نمی‌کند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pay well when you are served well.

مزد خوبی بده گر خدمت خوبی دیدی.

با این‌همه جور و تندخویی

بارت بکشم که خوبرویی. سعدی – گلستان

عهد ما با لب شیرین‌دهنان بست خدا

ما همه بنده و این قوم خداوندان‌اند. حافظ

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Bel hombre no es todo pobre.

مرد خوش‌تیپی فقیر محض نیست.

با پول‌های شوهر خرپول پیری

تو می‌توانی شوهری بهتر بگیری. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: وای او کیشی‌نین حالینا کی یئمه‌یه، ایچمه‌یه، ساخلایا آروادی‌نین سونراکی ارینه.

(وای بر حال آن مردی که نخورد، ننوشد، برای شوهر بعدی زنش نگه دارد.)

با چابکان دلبر و شوخان دلفریب

بسیار درفتاده و اندک رهیده‌اند. سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love comes in at the window, but goes out at the gate.

گرچه عشق از پنجره وارد شود

لیکن از دروازه بیرون می‌رود.

با چادرش چتربازی می‌کند.

چنین کز پای تا سر در حریری
زنی آتش به جان، آتش نگیری!
به پا پوتین و در سر چادر فاق
نمایی طاقت بی‌طاقتان طاق
بیندازی گل و گلزار بیرون
ز کیف و دستکش دل‌ها کنی خون
شود محشر که خانم رو گرفته
تعالی الله از آن رو کو گرفته! ایرج میرزا – عارف‌نامه

با چشم‌هایش آدم را لخت می‌کند.

یا: با چشم‌هایش آدم را می‌خورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As the cat watches a mouse.

آن‌گونه که گربه موش را می‌نگرد.

طفلک به خری درون گل می‌ماند
آن مرد که توی کار دل می‌ماند
با خندهٔ دلبرانهٔ دلبرکی
هر کس خل‌وچل شد خل‌وچل می‌ماند. م. ا.

مست مستم، مست مستم، مست مست
رقص کُردی می‌کنم تنبک به دست
چی شده؟ دام دام دارام، یوهو، دارام
دختری در روی من خندیده است. م. ا.

شکسپیر Shakespeare در پردهٔ سوم *هر طور بخواهی* As You Like It گفته است:

Love is merely a madness.

عشق صرفاً نوعی از دیوانگی است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love and pride stock Bedlam.

عشق و غرور بدلم را پر می‌کنند. (بدلم: تیمارستان قدیمی و معروف لندن.)

No herb will cure love.

هیچ داروی گیاهی هیچ جا
نیست تا درمان نماید عشق را.

There is no difference between a wise man and a fool when they fall in love.

بین مردی عاقل و مردی خرفت
هیچ فرقی نیست آن هنگام که
شور و حال عشقشان در سر گرفت.

رومیان باستان می‌گفتند:

Delirus et amens dicatur amans.

مرد عاشق را خل و دیوانه باید فرض کرد.

Nullis amor est medicabilis herbis.

نیست معجون و دوایی هیچ جا
تا کند درمان عذاب عشق را. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

با خواندن اَنکَحتُ و زَوَّجتُ قَبِلتُ
فی‌الفور حلال است همانی که حرام است. م. ا.

ورد جادویی اَنکَحتُ و زَوَّجتُ بخوان
بعد تا دسته به این خواهر مؤمن بتپان. م. ا.

با دو تا اَل، سه چار تایی قال
هر حرامی سه‌سوته می‌شه حلال. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Priestcraft is no better than witchcraft.

فوت‌وفن‌های کشیشی بهتر از جادوگری نیست.

با خودش این‌گونه نجوا کرد مرد:
«علت عاشق ز علت‌ها جداست»
بعد لب‌های خرش را ماچ کرد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every one to his taste, as the old woman said when she kissed her cow.

هر کسی ذائقهٔ خاص خودش را دارد
پیرزن موقع بوسیدن گاو خود گفت.

با دلبرکی مطیع باید آن کرد
تا درد وصال را بر او آسان کرد
با دلبرکی چموش باید چه کنیم؟
کاری که جناب شیخ با ایران کرد. م. ا.

شیخ ما دیدی چه با ایران نمود؟
کون او را کیرخرباران نمود. م. ا.

لنگ‌های مام میهن در هواست
بد ابرگاینده‌ای فرمانرواست. م. ا.

خدایا، تا به کی ساکت نشینم
من این‌ها جمله از چشم تو بینم
همه ذرات عالم منتر توست
تمام حقه‌ها زیر سر توست
چرا پا توی کفش ما گذاری؟
چرا دست از سر ما برنداری؟
به دست توست وسع و تنگدستی
تو عزت بخشی و ذلت فرستی
تو این آخوند و ملا آفریدی
تو توی چرت ما مردم پریدی
خداوندا، مگر بی‌کار بودی
که خلق مار در بستان نمودی؟
چرا هر جا که دابی زشت دیدی
برای ما مسلمانان گزیدی؟
میان موسیو و آقا چه فرق است
که او در ساحل، این در دجله غرق است؟

به شرع احمدی پیرایه بس نیست؟
زمان رفتن این خار و خس نیست؟
بیا از گردن ما زنگ وا کن
ز زیر بار خرملا رها کن.   ایرج میرزا – عارف‌نامه

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A fidging mare should be weel girded.

مادیانی چموش را خوب است
قاطعانه گرفت و محکم بست.

با سه میلیارد حور جنده‌سرشت
وه، عجب جنده‌خانه‌ای است بهشت.   م. ا.

واعظی وصف حوریان می‌کرد
شرح حسن عمل بیان می‌کرد
که به هر مرد بیست حور دهند
جای در باغ و در قصور دهند
زنکی پیر از آن میان برخاست
که همی‌پرسمت حدیثی راست
هیچ در خلد حور نر باشد؟
گفت بنشین که آنقدر باشد
در بهشت ار شوی تو ای ساده
نهلندت سلیم و ناگاده.   اوحدی

در بهشت
در کنار مؤمنی پلشت و زشت
حوری‌ای برای شاهزادهٔ سوار بر سمند سرنوشت
نامه‌های عاشقانه می‌نوشت.   م. ا.

در طریق کردن کون کیر من گمراه نیست
گرچه باشد کور، اما بی‌خبر از چاه نیست
کیر را گفتم چرا سرخورده‌ای از کس، بگفت

زان‌که گردد حیض و فیضش گاه هست و گاه نیست
اندرون کس بُود خلوتسرای خاص کیر
هیچ‌کس زاسرار تودرتوی آن آگاه نیست
کس بُود پراشتها در خوردن کیر بلند
ور نه قد کیر من از حد خود کوتاه نیست
راستی، هر وقت کیرم شق شود از بهر کس
قامتش کوتاه‌تر از دیرک خرگاه نیست
با کس و کون تا که افتاده‌ست کار خاکشیر
تا کند با ناله سودا، در بساطش آه نیست. خاکشیر، نقیضه بر حافظ

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Bella femmina che ride, vuol dire borsa che piange.

زن زیبای خندانی نشان است
که کیف پول مردی در فغان است.

با مرده‌ریگ شوهری پیر
شوی جوانی بهر خود گیر. م. ا.

معادل فرانسوی:
Du cuir d'un vieux mari on en achète un jeune.

با پوست یک پیرشوهر
زن می‌خرد شویی جوان‌تر.

ماهی شد و تا بام فلک بالا رفت
راهی شد و تا ساحل یک رؤیا رفت
شوریده‌ای آمد و دلارامی شد
دوشیزه‌ای آمد و زنی زایا رفت
با منطق عشق گاه باید خل شد
در پنجهٔ عشق گاه باید شل شد
هر چشمه که دل به راه زد دریایی است
هر غنچه‌ای از پرده درآمد گل شد. م. ا.

به من گفت از عشق با من بگو
و در راز شب‌بو تأمل بکن

بدو گفتم ای جان، عجب نکته‌ای
میون کلومت، یه کم شل بکن. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No folly to being in love.

حماقتی به پای عاشقی نمی‌رسد. (در اصل یک ضرب‌المثل ویلزی است.)

وقتی زمین گلی به تو تقدیم می‌کند
با دست لحظه‌ای طرب‌انگیز و بی‌نظیر
با شوق کودکانه بخند و بگو بده
با ناز دخترانه بگو نه، ولی بگیر. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Do as the lasses do, say No but take it.

چون دختران همیشه بگو نه، ولی بگیر.

Say nay, and take it.

بگو نه و بگیرش.

معادل اسکاتلندی:

Do as the lasses do—say No, but tak it.

بکن کاری که دخترها نمایند
بگو نه، لیکن از آن‌سو بگیرش.

گرچه نرم و سانت سانتی می‌ره حاج‌آقا جلو
با همون یک سانت آخر پاره می‌شه کون تو. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is the last straw that breaks the camel’s back.

آنچه پشت شتری را شکند
آن پر آخری کاه بُود.

The last drop makes the cup run over.

قطرهٔ آخر اگر یک دانه است
مایهٔ سررفتن پیمانه است.

با یار چو آرمیده باشی همه عمر
لذات جهان چشیده باشی همه عمر
هم آخر کار رحلتت خواهد بود
خوابی باشد که دیده باشی همه عمر.   خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As long lives a merry heart as a sad.

کند قلبی قرین شادمانی
به قدر قلب غمگین زندگانی.

Nothing is surer than death.

حتمی‌تر از مرگ چیزی نباشد.

Every door may be shut but death's door.

هر دری را بتوان بست به‌غیر از در مرگ.

He that is once born, once must die.

آدمی که متولد شده است او یک بار
نیز یک بار بباید که بمیرد ناچار.

In the midst of life we are in death.

میان زندگی در مرگ هستیم.

Earth must to earth.

خاک باید به خاک برگردد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Folk maun grow auld or dee.

افراد همیشه ناگزیرند
یا پیر شوند یا بمیرند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Er is hulp voor alles, behalve voor den dood.

به‌جز مرگ، هر چیز را چاره‌ای است.

با یک تیر دو نشان زدن.

= دلبرکی را هم از جلو و هم از عقب مورد عنایت قرار دادن.

پریشب من یواش و بی‌هیاهو
خودم را جا نمودم در دل او
هم از این سو و هم از آن‌یکی سو
نه از این رو خره، از آن‌یکی رو. م. ا.

کون دید که کس به کیر رو خواهد کرد
خندید به طعنه کاین نکو خواهد کرد
کس گفت به من نخند، گر این کیر است
از من بکشد، بر تو فرو خواهد کرد. خاکشیر

معادل ترکی: تک آتدیم، جوت ووردوم. (یکی انداختم، دو تا زدم.)

معادل فرانسوی:
Faire d’une pierre deux coups.
با یک سنگ دو نشان زدن.

معادل ایتالیایی:
Pigliar due colombi a una fava.
به یک دانه دو تا کفتر گرفتن.

معادل پرتغالی:
Matar dous passaros com huma pedra.
با یک سنگ دو پرنده کشتن.

معادل هلندی:
Twee appelen met éénen stok afwerpen.
با یک چوب‌دستی دو تا سیب را پایین آوردن.

قافیه هرچند غلط می‌شود
باب لواط است پدرسوخته. ایرج میرزا

هر وقت که یک بطر عرق توی بساطه
وقتی نفست تنده، چِشِت منگه و ماته
هر وقت که اون خندهٔ موذی به لباته

یعنی شب جمعه‌ست و تو هم فاتحه‌تو خوندی و... حالا تو بگو، وقت چیه؟

ـ وقت صلواته؟

ـ نه جیگر، وقت لواطه! م. ا.

بادا بادا فوت فوت فوتکی

عروسو گاییدند زورکی.

بر وزن آهنگ بادا بادا مبارک بادا خوانده می‌شود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E meglio dare che aver a dare.

دادن از با زور دادن بهتر است.

بادکنک‌های تن هر زنی

معجزهٔ زیست‌شناسانه‌ای است

چون بمکی، زنده کند مرده را

پرشده با فوت مسیحانه‌ای است. م. ا.

در تورات از قول سلیمان نبی – که یک‌عالمه زن داشته – آمده است:

Let your spring be blessed.
Rejoice in the wife of your youth.
A loving doe and a graceful deer--
let her breasts satisfy you at all times.
Be captivated always with her love.

چشمه‌ات مبارک باد. از زن دوران جوانی‌ات دلشاد باش. غزالی دوست‌داشتنی و آهویی رعنا. پستان‌هایش هماره شیرین‌کامت سازد. هماره شیدای عشق او باش. امثال سلیمان ۱۹ – ۱۸ :۵

دی مردکی آب پشت می‌ریخت به دشت

می‌گفت و از این حدیث می‌درنگذشت

باری، چو گناهکار می‌باید بود

هم در کف پاک به که در کون پلشت. سعدی

ای دل، از غصهٔ جهان تا چند

بیش از این رنج ما و خود مپسند

دست از کار روزگار بدار
خویشتن را خلاص ده ز کمند
کون و کس چیست جز دو ویرانه
این‌یکی برکه، آن‌یکی برکند
بگذر از هر دو چون جوانمردان
تا شوی ایمن از زن و فرزند
آن زمانت که کیر برخیزد
بشنو از من، به ریش خویش مخند
بنشین، در ببند و کف تر کن
هر زمان همچو صوفیان لوند
جلق می‌زن که جلق خوش باشد
جلق در زیر دلق خوش باشد.   عبید زاکانی

آلمانی‌ها می‌گویند:

Soll ich ersaufen, so muß es in saubern Wasser seyn.

اگر قرار است غرق شوم، باید در آب تمیز باشد.

باسن داف نودکیلویی

گرچه گویند خدا نیست، خداست.   م. ا.

بار کس و کون او را صد خر نیارد کشیدن
چون زیر آن طاقت آرد کیر شل و لاغر من.   م. ا.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A adem, a mulher, e a cabra, he má cousa sendo magra.

غاز و زن و بز لاغرشان بد باشد.

رحم به این دختره باید که کرد

باکره را با کره باید که کرد.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Plus fait douceur que violence.

لطافت از خشونت کاراتر است.

بانوانی که ظاهر مناسبی ندارند باعث گسترش زنا در جامعه می‌شوند که این باعث افزایش زلزله است.

حجت الاسلام کاظم صدیقی، امام جمعهٔ تهران

رواج بی‌بندوباری در یک جامعه باعث بروز زلزله می‌گردد. حجت الاسلام مهدی پور

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every one to his mind.

هر کسی یک عقیده‌ای دارد.

Opinions differ.

نظریات تفاوت دارند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Saa mange Hoveder saa mange Sind.

این‌همه سر، این‌همه سودا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Quot homines tot sententiæ.

این‌همه آدم، این‌همه عقیده.

Tot capita, tot sensus.

سرهای بسیاری، افکار بسیاری. (نقل قولی از ترنس Terence است.)

باید گونی سرش کرد.

قزوینی‌ای در حمام رفت. ختایی‌ای را دید، سر در حوض کرده و سر و تن و اندامی به‌غایت خوش و فربه و سفید داشت. مردک غلامباره بود. در آغوشش کرد، خواست که به کار خیر مشغول شود. ختایی سر از حوض بالا آورد. شکلی در غایت زشتی داشت. قزوینی برنجید. گفت: «آه، دریغ، کاشکی سرش نبودی.» عبید زاکانی - رسالهٔ دلگشا

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

If you cannot have the best, make the best of what you have.

گر تو نتوانی که باشی مالک نیکوترین

آنچه را داری بکن نیکوترین چیز زمین.

اهلی که می‌شود دل یک مرد، دیدنی است

ببری که بره‌ای شده را نام شوهر است. م. ا.

معادل ترکی: کیشی فهله دیر، آرواد بنا. (مرد کارگر است و زن بنا.)

معادل‌های انگلیسی:

Wedding and ill-wintering tame both man and beast.

ازدواج و یک زمستان سیاه و سرد
مردها و دام و دد را رام خواهد کرد.

Age and wedlock tames man and beast.

مردها و وحوش جنگل را
پیری و ازدواج رام کند.

He that has a wife has a master.

مرد وقتی که همسری دارد
یعنی ارباب و سروری دارد.

Men hold the reins, but the women tell them which way to drive.

مردها افسار را گیرند، اما همچنان
زن بدیشان گوید اسبت را کدامین سو بران.

Man is the head, but woman turns it.

مرد سر است، اما زن آن را می‌چرخاند.

معادل اسکاتلندی:

Marriage wad tame the sea, if a match could be got for it.

دریا هم ازدواج کند رام می‌شود
مقدور بود اگر که برایش زنی گرفت.

معادل‌های فرانسوی:

Pour ranger le loup, il faut le marier.

برای رام کردن گرگ باید برایش زن بگیری.

Qui prend femme, prend maître.

مرد وقتی بهر خود همسر گرفت
یعنی او اربابِ بالاسر گرفت.

معادل اسپانیولی:

Casarás y amansarás.

ازدواجی بکن و اهلی شو.

بد بلایی سر کونش آورد

او که از دم همه را راضی کرد.   م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Effen is kwaad passen.

جلب رضایت همه دشوار کاری است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Frustra laborat qui omnibus placere studet.

هر کسی عزم بر این بنهاده
همه را راضی و خرسند کند
خویش را زحمت بی‌خود داده.

Ipse Jupiter, neque pluens omnibus placet, neque abstinens.

خدا باران فرستد یا که خورشید
همه با هم از او راضی نگردید.

بچگی‌هایش را یادش رفته.

با استادان و پیشقدمان و ولیعهدان و کسانی که شما را گاییده باشند تواضع واجب شمرید تا آبروی را به باد ندهید.   عبید زاکانی – صد پند

این نره‌خری که عرعر و دادش هست
در کله و در سبیل بس بادش هست
هر کار که کرده بچگی یادش نیست
هر کار که امروز کند یادش هست.   خاکشیر

ترک‌ها می‌گویند: هر کس اؤز عئیبینی بیلیر. (هر کسی عیب خودش را داند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

We have all forgot more than we remember.

همه‌مان بیش از آنی را که به خاطر می‌آوریم از خاطر برده‌ایم.

He that knows himself best, esteems himself least.

هرکه درک بهتری از خویش دارد
خویش را کم‌تر گرامی می‌شمارد.

Every man is best known to himself.

هر کسی خود را نکوتر می‌شناسد.

Know thyself.

خود را بشناس.

بچه پاش تو گچه.

منظور کیر است. در جواب کسی گفته می‌شود که به دیگری بگوید «بچه».

بچهٔ اول برای والدین
هدیهٔ شیرین عشقی تازه است
ته‌تغاری حاصل جر خوردنِ
کاندومی کوچک‌تر از اندازه است. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Sempre ne va il meglio.

بهترین همیشه اول از همه روانه است.

بچهٔ خوشگل از نر و ماده
تا بجنبد به خویش کون داده. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty has fair leaves, but bitter fruit.

خوشگلی با برگ‌هایی بس قشنگ
دارد اما میوه‌ای همچون شرنگ.

چشم یک مادر نه در سر، بلکه در عمق دل است
بچهٔ میمون به چشم مادر خود خوشگل است. م. ا.

زنگی ارچه سیاه‌فام بُود
پیش مادر مهی تمام بُود. امیر خسرو دهلوی

ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: خاله سوسکه به بچه‌اش می‌گوید قربان دست و پای بلوری‌ات.

معادل ترکی: هر کسین بالاسی اؤز گؤزونده گؤیچکدیر. (بچهٔ هر کس به چشمش خوشگل است.)

معادل عربی: القَرَنبی فی عَینِ اُمِّها حَسَنَه. (سوسک سیاه به چشم مادرش زیباست.)

معادل‌های انگلیسی:

There is only one pretty child in the world, and every mother has it.

در جهان یک بچه ناز و ماهروست

این وسط هر مادری مامان اوست.

Every mother thinks her own gosling a swan.

چنین اندیشه‌ای هر مادری راست

که قطعاً جوجه‌غازش قوی زیباست.

The crow thinks her own bird fairest.

پیش خودش زاغ بر این باور است

جوجهٔ او از همه خوشگل‌تر است.

معادل اسکاتلندی:

Every craw thinks his ain bird whitest.

هر کلاغی همیشه پندارد

جوجه‌ای بس سفیدتر دارد.

معادل فرانسوی:

Ce que fait la louve plaît au loup.

هرچه گرگی ماده زاید

نره‌گرگی را خوش آید.

معادل‌های آلمانی:

Jeder Mutter Kind ist schön.

بچهٔ هر مادری مامانی است.

Kein Aff', er schwört, er habe die schönsten Kinder.

هیچ بوزینه‌ای نیست که قسم نخورد خوشگل‌ترین بچه‌ها را دارد.

معادل ایتالیایی:

All'orsa paiono belli i suoi orsatti.

در خیال خرس ماده توله‌هایش خوشگل‌اند.

معادل‌های دانمارکی:

Ravnen synes altid at hendes Unger ere de hvideste.

کلاغ توی دل خود چنین خیالی بست:

یقین سفیدترین جوجه‌ها از آن وی است.

Uglen mener hendes Börn ere de fagerste.

جغد پندارد که بین جوجه‌ها

جوجه‌هایش از همه خوشگل‌ترند.

بچهٔ یکی‌یه‌دونه یا لوس می‌شه یا دیوونه.

معادل انگلیسی:

He that hath one hog makes him fat; and he that hath one son makes him a fool.

او که یک خوک فقط دارد و بس

چاق و پروار بدارد او را

یک پسر نیز هر آن‌کس دارد

ابلهی بار بیارد او را.

معادل اسکاتلندی:

An only dochter is either a deil or a daw.

هر زمانی که یکی‌یکدانه باشد دختری

یا یک ابلیس است یا بی‌عرضهٔ شرم‌آوری.

بچه‌بازان بچه‌بازی می‌کنند
بچه‌ها را زود راضی می‌کنند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Persuasion is better than force.

قانع نمودن بهتر از زور است.

A volunteer is worth twenty pressed men.

اندازهٔ بیست مرد مجبور

یک داوطلب خودش بیرزد.

A burden of one's own choice is no burden.

باری که به میل خویش برمی‌داری

احساس نمی‌کنی که باشد باری.

A burden which one chooses is not felt.

باری که انتخاب شود حس نمی‌شود.

The burden one likes is cheerfully borne.

باری که آن را آدمی خود دوست می‌دارد
با شادی آن را روی دوش خویش بردارد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

L’adresse surmonte la force.

سیاست از قدرت پیشی می‌گیرد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Mit Worten richtet man mehr aus als mit Händen.

کارهایی که با حرف انجام شده از کارهایی که با دست انجام شده بیش‌تر است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Carica volontaria non carica.

باری که با میل خودت برمی‌گزینی بار نیست.

زدن پرده جگر می‌خواهد
رفتن آن‌سوی خطر می‌خواهد
کشتن برهٔ قربانی عشق
یک عدد شمر دگر می‌خواهد
تیر خود را وسط خال زدن
آدمی حرمله‌تر می‌خواهد
پرده مثل بت ابراهیم است
جمع ایمان و تبر می‌خواهد
بچه‌سازی است، نه بچه‌بازی
بعداً این بچه پدر می‌خواهد
عشقبازی عملی پیچیده‌ست
صد مدل فن و هنر می‌خواهد
رقص جانانهٔ سرمستانه
کمری مثل فنر می‌خواهد
یار شیرین‌حرکاتم، برخیز

رقص تانگو دو نفر می‌خواهد.   م. ا.

بن فرانکلین Ben Franklin (۱۷۹۰–۱۷۰۶) گفته است:

A little neglect may breed great mischief.

ز اندک غفلتی در کار شاید

بلای بس بزرگی حاصل آید.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The child that’s born must be kept.

بچه آنگاه که دیگر متولد شده است

بر نگهداری از آن بچه کمر باید بست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A giovane cuor tutto è giuoco.

برای قلب جوان هرچه هست یک بازی است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Diu delibera.

اولش فکر کن و بعد بکن.

بخار تو از من، بی‌بخاری من از تو.

یک رشتی در شب چهارشنبه‌سوری از روی کتری آب جوش می‌پرید و می‌گفت: ...

زن چو میغ است و مرد چون ماه است

ماه را تیرگی ز میغ بُود

بدترین مرد اندر این عالم

به بهینه زنان دریغ بُود

هرکه او دل نهد به مهر زنان

گردن او سزای تیغ بُود.   انوری

معادل فرانسوی:

Un homme de paille vaut une femme d’or.

مرد اگر از کاه او را پیکر است

ارزشش مانند یک زن از زر است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Homem de palha val mais, que mulher de ouro.

مرد اگر از کاه هم باشد سر است

از زنی که پیکر او از زر است.

بدجور گرفتار شده در هوسی

وقتی هوس کیر کند کون کسی

سرزنده‌ترین درخت باغ رؤیاست

کیر طرب‌انگیز و کلفت و ملسی.   م. ا.

سرش بی‌مو، ولیکن دلپذیر است

خدا مرگم دهد، این وصف کیر است.   ایرج میرزا - عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is no small conquest to overcome yourself.

چیرگی بر خویشتن پیروزی‌ای ناچیز نیست.

He is the greatest conqueror who has conquered himself.

برترینِ فاتحان روزگار

اوست کو بر خویش چیره گشته است.

Every man carries his greatest enemies within him.

هر آدمی بزرگ‌ترین دشمنان خویش

را در وجود شخص خودش حمل می‌کند.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

He that conquers himself conquers an enemy.

او که بر خود چیره شد بر دشمنی چیره شده.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Willst du stark sein, so überwinde dich selbst.

گر قوی خواهی که باشی، بر خودت پیروز شو.

رومیان باستان می‌گفتند:

Vincit qui se vincit.

او که بر خود چیره گردد فاتحی است.

بدنامی حیات دو روزی نبود بیش
آن هم کلیم، با تو بگویم چه‌سان گذشت
یک روز صرف بستن دل شد به این و آن
روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت. کلیم کاشانی

بر تو گر جلوه کند شاهد ما ای زاهد
از خدا جز می و معشوق تمنا نکنی. حافظ

تهمتی در شهر بر من بسته‌اند
کاین نشاید فی‌المثل گر خر کند
کز می و معشوق بازآمد عبید
او از این‌ها ظاهراً کم‌تر کند
او کجا و توبه و زهد از کجا؟
تیز در ریشش که این باور کند. عبید زاکانی

بر جوانی که به دست سلیطهٔ پیر گرفتار باشد رحمت آرید تا خدا بر شما رحمت آرد. عبید زاکانی – صد پند

البدبخت: جوانی که زن پیر دارد. الفشار قبر: آغوش پیرزن. عبید زاکانی – تعریفات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not put new wine into old bottles.

شراب تازه‌ای را هیچ موقع
درون بطری کهنه نریزید.

بر دختری که بکارت به باد داده و شب عروسی نزدیک رسیده رحمت آرید تا خدا بر شما رحمت آرد. عبید زاکانی - صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

She is neither maid, wife, nor widow.

این زن نه دختر است، نه همسر، نه بیوه است.

یک خر بی‌جفت خرتر می‌شود
ماده‌تر یا این‌که نرتر می‌شود
مانع ارضای هر میلی شوند
آتش آن شعله‌ورتر می‌شود

مرغ عشق تلخ و تنهای قفس
پر به پر پرخاشگرتر می‌شود
بر زغالی فوت وقتی می‌کنند
دم به دم آتش‌به‌سرتر می‌شود
یک فنر وقتی فشارش می‌دهند
هی فنرتر در فنرتر می‌شود
هرکجا دختر پسر دور از هم‌اند
فرد دخترتر پسرتر می‌شود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love grows with obstacles.

عشق با هر مانعی افزون شود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Lieb wächst durch Kieb.

عاشقی را منع افزون می‌کند.

بر زنان جوان شوهر به سفر رفته رحمت آرید تا خدا بر شما رحمت آرد. عبید زاکانی – صد پند

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Velgiort skal man aldrig angre.

هرگز از یک عمل نیک پشیمان نشوید.

هر شیخ که تو شمال ویلا داره
یا حجرهٔ دنجی پرِ ژیلا داره
البته برای همهٔ این کارا
یک کیسهٔ پر از اون دلیلا داره
این سنت دومین امامه، ای جون
هر کس که بگه چرا، عوامه، ای جون
بر شیخ حلاله طبق یک توبره قال
هر چیز که بر بنده حرامه، ای جو و و و و و و و و ون. م. ا.

آن شنیدی که بُد به شهر هری
خواجهٔ فاضلی و پرهنری
محنتش را مگر یکی آن بود

که در اندوه قوت حمدان بود
مدتی بود تا که گای نداشت
پسری راست کرد و جای نداشت
چون پناهی نیافت، مضطر شد
به ضرورت به مسجدی در شد
دید محراب و مسجدی خالی
خواست تا گادنی کند حالی
چون برانداخت پرده از تل سیم
تا برد سوی چشمه ماهی شیم
مسجد از نور شد چنان روشن
که برون تافت شعله از روزن
زاهدی زان حکایت آگه شد
پی برون برد و بر سر ره شد
پسری دید برده سر سوی پشت
مرد فاسق گرفته بوق به مشت
تاش بنهد میان حلقهٔ کون
زاهد آمد، شد از برون به درون
کاج و مشت و عصا فراز نهاد
گلویی همچو گاو باز نهاد
کاین همه شومی شما باشد
که نه باران و نه گیا باشد
چه فضولی است این و خانهٔ حق
شرع را نیست نزدتان رونق
از چنین کارهاست در کشور
آسمان بی‌نم و زمین بی‌بر
بر بساط زمین نبات نماند
خلق را مایهٔ حیات نماند
از گناهان لوطی و زانی
خشک شد چشم ابر نیسانی

بشود لامحاله دهر خراب
چون لواطه کنند در محراب
مرد فاسق به حیله بیرون جست
تا مؤذن بر او نیابد دست
مرد فاسق چو شد برون از در
مرد زاهد گرفت کار از سر
مرد فاسق چو بازپس نگریست
تا ببیند که حال زاهد چیست
دید بی‌نیم‌دانگ و بی‌حبه
گزر شیخ بر سر دبه
سر برون کرد و گفت ای زاهد
این همان مسجد و همان شاهد
لیک از بخت ما و گردش حال
بود بر من حرام و بر تو حلال
شکر و منت خدای را کاکنون
گشت حال زمانه دیگرگون
بر بساط زمین نبات بماند
خلق را قوت حیات بماند
ابرهای تهی پر از نم شد
دل اهل زمانه خرم شد
حرمت صومعه تو می‌دانی
بر تو مانده‌ست و بس مسلمانی
چون چنین‌اند زاهدان جهان
چه طمع داری آخر از دگران.   سنایی

هلندی‌ها می‌گویند:

Kosters koe weidt op het kerkhof.

گاو کشیش می‌تواند در حیاط کلیسا بچرد.

بر عاشقی که بار اول به معشوق رسد و کیر برنخیزد رحمت آرید تا خدا بر شما رحمت آرد.   عبید زاکانی – صد پند

شخصی را بعد از زحمت بسیار، وصل معشوق دست داد. کیرش برنمی‌خاست. گفت:

گفتی چو حلقه بر در وصل تو سرزدیم
عشقت جواب داد که کس در وثاق نیست.

معشوق گفت:

گفتی که وصل مات چرا اتفاق نیست
ما متفق شدیم، تو را اتفاق نیست. عبید زاکانی – رسالۀ دلگشا

بر عشوۀ زنکان کیسه مدوزید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Winter weather and women’s thoughts change oft.

هوای خزان و خیال زنان
عوض می‌شود دم به دم ناگهان.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Chi piglia l’anguilla per la coda, e la donna per la parola, può dir che non tiene niente.

او که دمّ مارماهی را گرفت
یا به گفتار زنی چسبید سفت
گر ببیند توی دستش هیچ نیست
مطمئناً نیست یک چیز شگفت.

بر عهد قحبگان کیسه مدوزید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The love of a harlot and the wine is good at night and nought in the morning.

آنچه شب خوب و سحر ناخوب است
عشق یک فاحشه و مشروب است.

جانا، تو را هنوز بدین حسن و این جمال
نه وقت حج رسیده و نه روزه درخور است
گر در پی ثوابی و در بند آخرت
بشنو حدیث بنده که این رای بهتر است
بر کیر من سوار شو از روی اعتقاد

کاین با هزار حج پیاده برابر است.   عبید زاکانی

دوست داری که به بالا برسی؟
به بلندای تماشا برسی؟
دوست داری که به یک چشم زدن
سر یک قلهٔ زیبا برسی؟
بال‌ها را بگشایی سرمست
به فراسوی ثریا برسی؟
پسِ پشت مه و خورشید و فلک
به جهان‌های نه‌پیدا برسی؟
دل تو رای کجاها دارد؟
دوست داری به کجاها برسی؟
لحظه‌ای بر سر کیرم بنشین
تا همان دم به همان جا برسی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A good deed is never lost.

یک کار نکو هرگز بی‌اجر نمی‌ماند.

Do good, if you expect to receive it.

چو خواهی نکویی ببینی نکویی بکن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Wha canna gie will little get.

او که قادر نیست تا چیزی دهد
چیزی اندک در عوض خواهد گرفت.

برای دختران پیرو عقل
زناشویی فقط موضوع پول است
برای دختران بردهٔ دل
از اول تا به آخر بحث دول است.   م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

De een doet het uit liefde, de ander om eere, de derde om geld.

یکی این کار را به‌خاطر عشق انجام می‌دهد، دیگری به‌خاطر افتخار و سومی به‌خاطر پول.

برای کون مردی را دریدن
به‌غیر از آن روش خیلی روش هست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
There is more than one way to skin a cat.

برای گربه‌ای را پوست کندن
به‌غیر از یک روش خیلی روش هست.

There are many ways of killing a dog beside hanging him.

برای کشتن یک سگ به‌جز به دار زدن
هزار راه و روش را توان به کار زدن.

برای یکی بمیر که برایت تب کند.

شاهد مثال:
آن کار نکرده روز، گو شب بکند
خوب است هر آن که درک مطلب بکند
ای کیر، برای آن کسی باید مرد
کان هم ز برای کیر یک تب بکند.   خاکشیر

ترک‌ها می‌گویند: محبت ایکی باشدان اولار. (محبت دوسره می‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Friendship stands not in one side.

دوستی رابطه‌ای نیست که یک‌سویه بُود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:
Naõ te faças pobre, a quem te naõ ha da fazer rico.

برای آن‌کسی که پولدارت نمی‌کند خودت را فقیر نکن.

دیدم زنکی ساخته از چرم ذکر
بربسته که گادنی کند چون خر نر
گفتم که به کس مخند، کیرم بنگر

بربسته دگر باشد و بررسته دگر.   عبید زاکانی

یک ضرب‌المثل قدیمی است که در *اسرار التوحید* هم آمده و عطار هم در *مختارنامه* تضمینش کرده است. در اصل طنز نیست، اما عبید زاکانی در این رباعی کاربرد طنز دل‌انگیزی برای آن در نظر گرفته است. اشارۀ عبید به کیر مصنوعی یا دیلدو dildo است که در قدیم به آن مچاچنگ یا چرمینه می‌گفتند. عبید در رباعی دیگری می‌گوید:

کس گفت به کیر: دیر و زودم تو بهی
وز جان و دل و بود و نبودم تو بهی
از نیمۀ شمع و کیر کاشی و ادیم
دیدم همه را و آزمودم، تو بهی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One foot is better than two crutches.

یک پای به از دو چوب زیر بغل است.

شیخی که به مدرسه اقامت دارد
گر گفت جواب من، کرامت دارد
برخاستن کیر ز قدش پیداست
برخاستن کون چه علامت دارد؟   خاکشیر

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Pícame Pedro, y yo me lo quiero.

پدرو مرا نیشگون می‌گیرد و من خوشم می‌آید.

راست گویند زنان را نگوارد عز
برنیاید کس با مکر زنان هرگز.   منوچهری

بسا زن کو صد از پنجه نداند
عطارد را به زرق از ره براند.   نظامی

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ich möchte wissen wie der hieß, so nie vom Weib sich narren ließ.

کیست آن مردی که تا وقتی که مرد
هیچ موقع گول یک زن را نخورد.

برو معالجهٔ خود کن ای نصیحت‌گوی

شراب و شاهد شیرین که را زیانی داد؟ حافظ

گرچه سبک ببعی دارد درد

بز گر را ببعی باید کرد. م. ا.

ترامپ گفته به آقا، بترس ای بز گر

که بدرقم ببعی می‌شود بزی که گر است. م. ا.

بس قامت خوش که زیر چادر باشد

چون باز کنی، مادر مادر باشد. سعدی - گلستان

ترک‌ها می‌گویند: چادرا آلتیندا هر آرواد گؤزلدیر. (زیر چادر هر زنی زیباست.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Gems must not be valued by what they are set in.

روی گوهرها نباید هیچ وقت

بر اساس ظرفشان قیمت گذاشت.

You cannot judge a book by its cover.

با یک نظر به جلد کتابی نمی‌توان

در کم و کیف آن نظری داد و حکم کرد.

Jackdaw in peacock's feathers.

زاغکی با پروبال طاووس.

A clean glove may hide a soiled hand.

ای بسا دستکشی پاک و نظیف

که نهان کرده یکی دست کثیف.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Das Roß wird nicht nach dem Sattel beurtheilt.

دربارهٔ اسب از روی زینش قضاوت نمی‌کنند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dell’albero, non si giudica dalla scorza.

دربارهٔ درخت نباید از روی پوستش قضاوت کرد.

بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی
خون خوری گر طلب بچهٔ نادادهٔ کنی. م. ا. نقیضه بر حافظ

می‌خواره نیم من که مرا باده بیارید
من ساده‌پرستم، پسری ساده بیارید
چندان خوشم از بچهٔ کون‌داده نیاید
گر هست، یکی بچهٔ نداده بیارید
نی نی غلطم، بچهٔ نداده در این شهر
پیدا نشود، داده و نداده بیارید
آن صبر ندارم که ز پایش کنم ایزار
دامن به کمر برزده، آماده بیارید. شیخ رضا طالبانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If anything can go wrong, it will.

هرچه امکان خطایش باشد
آخرالامر خطا خواهد کرد.

(معروف به قانون مورفی Murphy's Law است. این جمله را جورج نیکولز George Nichols در سال ۱۹۴۹ با الهام از حرف همکارش، خلبانی به نام ای. مورفی E. Murphy ساخت که روزی گفت: اگر هرکدام از قسمت‌های هواپیما را بشود به شکل نادرستی نصب کرد، یک نفر آن را به آن شکل نصب خواهد کرد.)

بشوی اوراق اگر همدرس مایی
که حرف عشق در دفتر نباشد. حافظ

در قرآن حتی یک بار هم کلمهٔ عشق نیامده است.

بشین روی کلفتی، بپا یه‌وقت نیفتی.

بعد از هفت کره، ادعای بکارت.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Behaupten ist nicht beweisen.

ادعا هیچ وقت مدرک نیست.

بغل‌خوابی بی پول حموم
انگار خوابیدم پیش عموم.

رسم بوده زنان قبل از کام دادن به شوهرشان مبلغ اندکی به عنوان پول حمام می‌گرفتند که آن را حلال‌ترین پول‌ها می‌دانستند و با پس‌انداز کردن بخشی از آن برای خود کفن می‌خریدند یا به زیارت می‌رفتند. گاهی هم که شوهر می‌خواسته از زیرش دربرود و مفتی حالی ببرد، زن یا این بیت را می‌خوانده یا می‌گفته: «ننه به بابا مفت نمی‌ده.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better sit idle than work for nothing.

اگر بیکار بنشینی برادر
ز مفتی کار کردن هست بهتر.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

To work for naething maks folk dead-sweer.

مردمان را کارهای مفتکی
بدرقم بی‌حال و تنبل می‌کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Amt ohne Sold macht Diebe.

پیشه و کار چو باشد بی‌مزد
هست سازندهٔ تعدادی دزد.

بکشید و خوشگلم کنید.

دیشب دو نفر از رفقا آمده بودند
در محضر من ساخته بر ماحضر از من
همراه یکیشان پسری بود که گفتی
چشمانش طلب می‌کند ارث پدر از من
از در نرسیده به همان نظرهٔ اول
دین و دل و دانش بربود آن پسر از من
گفتم که خدایا، ز من این قوم چه خواهند
ثابت طلبی دارند اینان مگر از من
ناخوانده و خوانده چو بلا بر سرم آیند
دارند تمنا همه بی‌حد و مر از من

نرد آمد و مشغول شدند آن دو، ولی من
در حیله که خوشدل شود این یک نفر از من
گفتم تو هم ای مغبچه، بی‌مشغله منشین
کایینهٔ قلبت نپذیرد کدر از من
پیش آی و بزن با من دلباخته پاسور
شاید که یکی سور بری معتبر از من
گفتا که سر سور زدن کار جفنگی است
ضایع چه کنی وقت خوشی بی‌ثمر از من
گفتم سر هرچ آن که تو گویی و تو خواهی
پیش آی و ورق ده که کلاه از تو، سر از من
گر من ببرم، از تو دو جوراب ستانم
بستان تو یکی قوطی سیگار زر از من
زیبا پسر این شرط چو بشنید، پسندید
زیرا که همه سود از او بُد، ضرر از من
خادم شد و یک دسته ورق داد و کشیدیم
شد چار ورق از وی و چار دگر از من
پشت سر هر یک ورقی یک عرقش داد
خادم که در این فن بُود استادتر از من
پیمود بدان‌سان که زمانی نشده بیش
من بدتر از او مست شدم، او بتر از من
او جر زد و من جر زدم آن‌قدر که آخر
شام آمد و کوتاه شد این جوروجر از من
خوردند همه جز من و جز من همه خفتند
کو برده بُد از اول شب خواب و خور از من
پاسی چو ز شب رفت، ز جا جستم و دیدم
خواب‌اند حریفان همگی بی‌خبر از من
آهسته به سرپنجه شدم زیر لحافش
افتاده از این حال نفس در شُمر از من
وا کردم از او تکمهٔ شلوار و عیان شد
کونی که نهان بود چو قرص قمر از من
تر کردمش آن موضع مخصوص به خوبی
آری، که فراوان زده سر این هنر از من
هِشتم سر گرم ذَکَرم بر در نرمش

آهسته در او رفت دو ثلث ذَکَر از من
دیدم که برافتاد نفیرش ز تکاپو
گویی که رسیده‌ست دلش را خبر از من
وقت است که درغلتد و باطل شودم کار
کاری که نخواهد شد حاصل دگر از من
چسبیدمش آن‌گونه که هرگز نتوانست
کردنش تبردار جدا با تبر از من
تا خایه فرو بردم و گفت آخ که مُردم
گویی به دلش رفت فرو نیشتر از من
چون صَعوهٔ افتاده به سرپنجهٔ شاهین
درمانده به زیر اندر، بی‌بال و پر از من
گفت این چه بساط است، ولم کن، پدرم سوخت
برخیز و برو، پردهٔ عصمت مدر از من
من اهل چنین کار نبودم که تو کردی
خود را بکُشم گر نکِشی زودتر از من
در خواب نمی‌دید کسی تر کندم در
غیر از تو که تر کردی در خواب در از من
با همچو منی همچو فنی؟ گفتمش آرام
حق داری اگر پاره نمایی جگر از من
یک لحظه مکن داد که رسوا نکنیمان
بشنو که چه شد تا که زد این کار سر از من
شیطان لعین وسوسه‌ام کرد، والّا
کس هیچ ندیده‌ست خطا این‌قدر از من
تا رفت بگوید چه، دهانش بگرفتم
گفتم صنما، محض خدا درگذر از من
قربان تو ای درد و بلای تو به جانم
عفوم کن و آزرده مشو این سفر از من
گر بار دگر همچو خلافی به تو کردم
برخیز و بزن مشت و بسوزان پدر از من
کاری است گذشته‌ست و سبویی است شکسته‌ست
بی‌خود مبر این آب رخ مختصر از من
حالاست که یاران دگر سر به در آرند
ناچار تو شرمنده شوی بیش‌تر از من

مستیم و خرابیم و کسی شاهد ما نیست

بگذار بجنبد کفل از تو، کمر از من

یک لحظه تو این جوش مزن، حوصله پیش آر

هم دفع شر از خود کن و هم دفع شر از من

دانی تو که گر بیش کنی همهمه و قال

بدنام کنی خود را، قطع نظر از من

زیبا پسر از خشم در اندیشه فرو رفت

وامانده از این حال به بوک و مگر از من

گفتا به خدا نیست بداخلاق‌تر از تو

گفتم به خدا نیست خوش‌اخلاق‌تر از من

گفتا دِ بده قوطی سیگار طلا را

گفتم تو مرو تا نستانی سحر از من

بگذار که بی‌همهمه فارغ شوم از کار

چون صبح شود، هرچه بخواهی ببر از من

شد صبح و برآورد سر آن سیمبر از خواب

در بستر من دید که نبود اثر از من

با خادم من گفت که مخدوم تو پس کو

او داد جوابش که ندارد خبر از من

پژمرد و در اندیشه فرو رفت و به خود گفت

دیدی که چه تر کرد در این بدگهر از من؟   ایرج میرزا

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

It's no lost what a friend gets.

از دست نرفت آنچه به یک دوست رسید.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een vriend achter den rug is eene vaste brug.

دوستی پشت سرت مثل پلی مطمئن است.

زان پیش که نام تو ز عالم برود

می خور که چو می به دل رسد، غم برود

بگشای سر زلف بتی بند ز بند

زان پیش که بندبندت از هم برود.   خیام

هلندی‌ها می‌گویند:

De tijd gaat, de dood komt.

زمان می‌رود، مرگ سر می‌رسد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nosce tempus.

فرصت را بچسب.

بگیر طرهٔ مه‌چهره‌ای و روضه مخوان

که گوش آدم عاقل برای روضه کر است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

All you need is love.

عشق است تمام آنچه لازم داری.

بگیر طرهٔ مه‌چهره‌ای و قصه مخوان

که سعد و نحس ز تأثیر زهره و زحل است.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The gown is his that wears it, and the world his that enjoys it.

ردا مال کسی باشد که بر اندام خود گیرد

و دنیا نیز مال او که از آن کام خود گیرد.

Fortune helps him that is willing to help himself.

بخت مردی را مددکاری کند

کو بخواهد خویش را یاری کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wie sich einer schick' also hat er Glück.

بخت را هر جور می‌جویید می‌یابید.

بلا دختر مردم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The devil dares not peep under a maid's coat.

ابلیس بترسد که کشد یک سرکی

در زیر کت و مانتوی دخترکی.

سرش چون رفت، خانم نیز واداد

تمامش را چو دل در سینه جا داد

بلی، کیر است و چیز خوش‌خوراک است

ز عشق اوست کاین کس سینه‌چاک است. ایرج میرزا – عارف‌نامه

دخترکی را به شوهر دادند. شب عروسی فریاد برآورد که من کیر بزرگ را تحمل نتوانم کرد. قرار بر آن دادند که مادر دختر کیر داماد را در دست گیرد و به قدری که تحمل تواند کرد، بگذارد و باقی بیرون رها کند. چون سرش در کار رفت، دخترک گفت: «قدری دیگر رها کن.» مادر پاره‌ای دیگر رها کرد. گفت: «قدری دیگر.» همچنین می‌گفت تا تمامت در کار رفت. باز گفت: «قدری دیگر.» مادر گفت: «همین بود.» دختر گفت: «خدا پدرم را بیامرزد؛ راست گفت که دست تو هیچ برکتی ندارد.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A dog will not howl if you beat him with a bone.

سگ را اگر کتک بزنی با یک استخوان

او زوزه‌ای نمی‌کشد از درد و رنج آن.

بمال، بزرگ می‌شود.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید چیزی کوچک است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The only valid question is: Does it work?

تنها پرسش موجه این است: کار می‌کند؟

بمال تا بیاید.

یا: میک بزن تا بیاید.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید: «نیامد.» یا «چرا نمی‌آید؟»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

All things come to those who wait.

همه‌چیزی بشود قسمت آنان

که نشینند کمی منتظر آن.

بند لیفه‌اش سست است.

= دلبرکی شل و سهل‌الوصول است.

شاهد مثال:

چو دیدم خیر، بند لیفه سست است
به دل گفتم که کار ما درست است. ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Learn to say no, it will be of more use to you than to be able to read Latin.

یاد بگیر که بگویی نه؛ این بیش‌تر به دردت می‌خورد تا توانایی خواندن زبان لاتین.

بُود از نان خالی و پیاز این زور کیر من
نمی‌دانم چه خواهد شد خورم گر نان و خاگینه. خاکشیر

در صف شاعران دلیرم من
کون سپر کن که گرزکیرم من. خاکشیر

بُود کون کردن اندر رأی کس‌کن
چو جلقی، لیک جلق باتعفن. ایرج میرزا - عارف‌نامه

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Se 'l sol mi splende, non curo la luna.

اگر خورشید تابد بر سر من
مرا با ماه کاری نیست اصلاً.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El sol me luzga, que de la luna no he cura.

بگذار که خورشید بتابد بر من
با ماه مرا کار نباشد ابداً.

ذبح کردن سخت است برهٔ شیری را
بوس کردن سخت است چهرهٔ کیری را. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Kissing gaes by favour.

بر اساس علاقه می‌بوسند.

بوسه بر لب دهی شکر یابی

بوسه بر کون دهی چه یابی؟ تیز.   سنایی

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Graissez les bottes d’un vilain, il dira qu’on les lui brûle.

چکمه‌های یک غربتی را واکس بزن تا بگوید داری آن‌ها را می‌سوزانی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Streelje den hond, hij bederft uw kleed.

سگت را نوازش کن تا به لباست گند بزند.

بوسهٔ داف عرق‌کردهٔ مست

بهترین مزهٔ پای عرق است.   م. ا.

بوسهٔ باکره‌ای مست بلوغ

بهترین مزهٔ پای ودکاست.   م. ا.

کرده‌ام توبه به دست صنم باده‌فروش

که دگر می نخورم بی رخ بزم‌آرایی.   حافظ

تخس و بدجنس و ناقلا و لوند
مست و شنگول و ناز و باب پسند
غنچهٔ نوشکفتهٔ باغ است
بی‌نیاز از نوار و پستان‌بند
تا مرا زیر پله می‌بیند
شیطنت‌بار می‌زند لبخند
یک لواشک میان لب دارد
ـــ «قیمت هر قلپ لواشک چند؟»
ـــ «هر قلپ ده هزار؛ می‌صرفه؟»
بعد می‌خندد او بلندبلند
ـــ «باشه شیطون، بگیر، اما هیش
مادرت روی پله‌هاست، نخند»

رو به بالا یواش می‌گوید:
«وای مامان، عمو لبامو کند»
گرچه طعم لبش لواشکی است
بوسه‌های یواشکی عسل‌اند.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Stolen kisses are sweeter.

بوسه‌های دزدکی شیرین‌ترند. (نقل قولی از لی هانت Leigh Hunt است.)

با تو مرا سوختن اندر عذاب
به که شدن با دگری در بهشت
بوی پیاز از دهن خوبروی
نغزتر آید که گل از دست زشت.   سعدی – گلستان

اخم خوشگل‌ها اگر دردآوره
بازم از لبخند زشتا بهتره.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Où l'hôtesse est belle le vin est bon.

زن میزبان هرکجا خوشگل است
شراب ضیافت چه باب دل است.

به آن نمی‌گویند کیر، می‌گویند دودول.

خطاب به پسری گفته می‌شود که به کیرش می‌نازد.

آن شوخ به کام من همی زهر کند
با آن‌که روا حاجت یک شهر کند
گوید به چه امید خورم خرزهٔ تو
کان را بر گربه افکنی، قهر کند.   خاکشیر

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you must have an evil, choose a little one.

وقتی که شری بایدت، یک کوچکش را برگزین.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Unter zwei Uebeln muß man das kleinste wählen.

از دو شر کوچک‌ترین را برگزین.

به بچه کون بده، رو نده.

پیرو دل را هزاران دردسر آید به پیش

طفل چون رو بیش یابد، بیش بدخو می‌شود. کلیم کاشانی

معادل‌های انگلیسی:

Jest with an ass, and he will flap you in the face with his tail.

با خری شوخی بکن تا او یهو

با دمش سیلی زند بر روی تو.

A blate cat makes a proud mouse.

گربهٔ خونه که بشه کمرو

چه یلی می‌شه موش کوچولو!

They that jest with cats must count on scratches.

کسانی که با گربه‌ها شوخی می‌کنند باید روی چند تا خراش حساب کنند.

Familiarity breeds contempt.

صمیمی شدن مایهٔ خواری است.

معادل‌های اسکاتلندی:

Bourdna wi' bawty lest he bite ye.

تو با یک سگ نکن شوخی، مبادا

که او ناگه بگیرد پاچه‌ات را.

Ower muckle hameliness spoils gude courtesy.

خودمانی شدن بیش از حد

دشمن حسن نزاکت باشد.

معادل اسپانیولی:

Burlaos con el asno, daros ha en la cara con el rabo.

با الاغی تو کمی شوخی و بازی کن تا

که بکوبد وسط صورت تو دمّش را.

معادل‌های پرتغالی:

Brincai com o asno, dar-vos-ha na barba com o rabo.

با خری شوخی و بازی بنما تا که یهو

بزند با دم خود سیلی جانانه به تو.

A muita conversaçaõ he causa de menos preço.

صمیمیت اگر بسیار گردد

مصاحب در نگاهت خوار گردد.

معادل لاتین:

Nimia familiaritas parit contemptum.

گر صمیمیت فزون از حد بُود

مایهٔ تحقیر و خواری می‌شود.

به پروپاچهٔ این عشق نپیچ

با لگد خواهد رفت

توی دندان‌هایت. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is like war, Easy to start, Hard to end, Impossible to forget.

عاشقی هم به جنگ می‌ماند

که شروعش شروع آسانی است

سخت اما تمام خواهد شد

و فراموش‌کردنی هم نیست.

به چند سال نشاید گرفت ملکی را

که خسروان ملاحت به یک نظر گیرند. سعدی - غزلیات

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amor regge il suo regno senza spada.

عشق در ملکش بدون هیچ شمشیری حکومت می‌کند.

به سوراخ دیوار هم رحم نمی‌کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A gatta che lecca spiedo non fidar arrosto.

گربه‌ای را که سیخ می‌لیسد
در کنار کباب نگذارید.

به سوی کشمکش با نازنینی
چو شل شد بند تنبانش، کشش هست. م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Et minimæ vires frangere quassa valent.

اگر از پیش در چیزی ترک هست
توان او را به اندک زور بشکست. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

به فقط یک زن اکتفا نکنید
خانه‌تان را حرمسرا بکنید
همهٔ تخم‌مرغ‌هاتان را
داخل یک سبد چرا بکنید؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Venture not all in one ship.

همهٔ دارونداز خود را
بار تنها یک کشتی نکنید.

The more the merrier.

هرچه بیش‌تر، خوش‌تر.

Good riding at two anchors, men have told,
For if one break the other may hold.

ناخدایان قدیمی گفته‌اند
با دو لنگر سیر دریا خوش‌تر است
لنگر دوم نگه می‌داردش
گر طناب لنگر اول گسست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il a mis tous ses œufs dans un panier.

همهٔ تخم‌مرغ‌هایش را
داخل یک سبد گذاشته است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Henke nicht alles auf einen Nagel.

همه‌چیز را به یک میخ آویزان نکن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E sempre buono aver due corde al suo arco.

برای کمانت همیشه دو زه
اگر داشته باشی آن هست به.

هلندی‌ها می‌گویند:

Men moet alle zijne eijeren niet in ééne mand doen.

همهٔ تخم‌مرغ‌هایت را
داخل یک سبد قرار نده.

به قربانت، مگر سیری، پیازی
که توی بقچه و چادرنمازی؟
تو مرآت جمال ذوالجلالی
چرا مانند شلغم در جوالی؟
سروته‌بسته چون در کوچه آیی
تو خانم‌جان نه، بادنجان مایی
بدان خوبی در این چادر کریهی
به هر چیزی، به‌جز انسان، شبیهی.   ایرج میرزا – عارف‌نامه

خورشید پشت ابر زنی پشت چادر است
از پشت این سیاهی وحشت ظهور کن.   م. ا.

اسمت چه ندا باشه، چه شیدا باشه
زشته قدوبالای تو پیدا باشه
اسم تو فقط عورته، یعنی اون‌جا
خیلی بده عورتی هویدا باشه.   م. ا.

به کُس خودش می‌خندد.

شاهد مثال: مادر جحی بمرد. غساله چون از غسل فارغ شد، گفت که مادرت زن بهشتی بود. در آن زمان که او را می‌شستم می‌خندید. گفت: «او به کس تو و از آن خود می‌خندید. آن جایگاه که او بود چه جای خنده بود.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

به کون دادن چنانچه میل داری
بباید درد آن را طاقت آری. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No joy without annoy.

هرکجا شادی بسیاری هست
در دلش رنجش و آزاری هست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Muckle pleasure, some pain.

لذت بسیار، قدری نیز درد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nulla est sincera voluptas.

شادی بی‌غل‌وغش ناممکن است. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

در این سرگل زندگانی، جوانی
یکی پند بشنو ز من ای فلانی
به هر کس که مدیون شدی، گو به تخمم
به کیرت نباید که مدیون بمانی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When all you have is a hammer, everything looks like a nail.

همهٔ داروندارت چکشی باشد اگر
هرچه را می‌نگری میخ بیاید به نظر.

به گفتار زنان هرگز مکن کار
زنان را تا توانی مرده انگار. ناصر خسرو

جعفر بن محمد الصادق از جد بزرگوارش، علی بن ابی‌طالب، روایت کرده است که: فی خلاف النساء برکه! (در مخالفت کردن با زنان برکت است!)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman’s counsel is sometimes good.

یک‌وقت‌هایی پند یک زن هم مفید است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Sommersaat und Weiberrath geräth alle sieben Jahre einmal.

غله‌ای که در تابستان کاشته شود و پند زنان هر هفت سال یک بار خوب از آب درمی‌آیند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El consejo de la muger es poco, y quien no le toma es loco.

پند یک زن گرچه بس ناقابل است

هر کس آن را نشنود یک جاهل است.

به مالت نناز که به یک شب بند است، به حسنت نناز که به یک تب بند است.

بر مال و جمال خویشتن غره مشو

کان را به شبی برند و این را به تبی.

ترک‌ها می‌گویند: ظاهیری گؤزللیک مووققتیدیر. (زیبایی ظاهری موقتی است.)

جامال گئدر، کامال قالار. (جمال می‌رود، کمال می‌ماند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty is soon blasted.

زیبایی فرد زود پژمرده شود.

Prettiness dies quickly.

خوشگلی بس سریع می‌میرد.

The fairest rose at last is withered.

تودل‌بروترین گل سرخ زمانه هم

در دست روزگار پلاسیده می‌شود.

Beauty is but skin-deep.

خوشگلی یک چیز سطحی بیش نیست.

Riches have wings.

مال‌ها را بال‌هایی نیز هست.

Money is a continuall traveller in the world.

پول در این جهان ما مسافر همیشگی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better a gude fame than a fine face.

نام نیک از روی نیکو بهتر است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Argent est rond, il faut qu'il roule.

پول گرد است و باید قل خورد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Rosen und Jungfern sind bald verblättert.

طراوت رخ گل‌های سرخ و دخترها
بسا که زود روند این دو تا به باد فنا.

Weiber-Schönheit, das Echo im Wald; und Regenbogen vergehen bald.

زیبایی زن، انعکاس صدا در جنگل و رنگین‌کمان زود محو می‌شوند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Bella cosa tosto è rapita.

هرچه زیباست باید که پلاسیده شود.

I danari sono tondi, e girano.

پول گرد است و قل می‌خورد می‌رود.

به ماه می‌گوید تو درنیا که من درآمدم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

God hath done his part.

خدا کار خودش را کرده این‌جا
(= به این زن داده یک سیمای زیبا).

به هر جا خواهر ناز و ملوسی است
کنارش یک فقیه چیزکش هست. م. ا.

شیخ ریلکس و با طمأنینه

هر گلی که ببینه می‌چینه
تا یه خانم‌دماغ خوشمزه
پیش این شیخ هیز می‌شینه
دست مارادونا دریبل‌زنان
می‌ره از تو دماغ تا سینه
سوت زَوَّجتُکِ زده که بشه
موقع حملهٔ نخستینه
توی دروازه، توی دروازه
حاجی‌آقا چه می‌کنه، اینه!
آفسایدم که نیست؛ نه، اصلاً
که کمک‌داور زمین دینه
دو سه تا اَل که توش جا بکنی
اسم فحشا عفاف و تمکینه
این کتاب اصول کافی شیخ
سوژه‌جلق همه شیاطینه
نسخهٔ مادر کاماسوتراس
منبع خلق ویس و رامینه
به درستی کتاب بالینی است
کل بحثش حدیث بالینه
با یه عمامه و دو تا نعلین
زندگانی چقدر شیرینه
شیخ آقای گل شده؛ احسنت
گلزن اول میادینه
هرچه دروازه دیده وا کرده
تازه اینا برای تمرینه
در حدیث اومده که توی بهشت
حور و غلمان شیخ تضمینه
بازی واقعی در اون دنیاست
چقدم اون نبرد سنگینه

با نود هنگ حوری و غلمان
جنگ سردار عشق خونینه
ظاهراً رمز عالم بالا
پیچ و تاب کمر به پایینه
چارده قرنه شیخ اسهاله
هرکجا که بشینه می‌رینه. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Where the carcass is, there will the vultures be gathered together.

هرکجا لاشه بُود لاشخوران آن‌جایند.

Where the carcass is, the ravens will gather.

هرکجا لاشه‌ای آن‌جا باشد
اندر آن جمع کلاغان جمع است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvor Aadselet er, forsamles Örnene.

هرکجا لاشه‌ای آن‌جاست، عقابان جمع‌اند.

به هر جا فتنه و شر در جهان است
همیشه پای یک زن در میان است. م. ا.

پیامبر اسلام گفته است: ماترکت بعدی فتنه أضر علی الرجال من النساء!
(من بعد از مرگم برای مردان فتنه‌ای زیانبارتر از زنان باقی نمی‌گذارم!)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women and dogs set men together by the ears.

هرکجا زن‌ها و سگ‌ها می‌روند
موجب دعوای مردان می‌شوند.

Women's jars breed men's wars.

خمره‌های زن‌جماعت هرکجاست
مایهٔ جنگ و نزاع مردهاست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ignis, mare, mulier; tria mala.

آتش، دریا، زن؛ سه شر.

Vina venusque nocent.

باده و زن مایهٔ بدبختی‌اند.

Mulier quæ sola cogitat male cogitat.

با خودش تنها اگر یک زن شود

فکر و ذکرش شر به پا کردن شود.

به هر چمن که رسیدی، گلی بچین و برو

به پای گل منشین آن‌قدر که خوار شوی. لاادری

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Variety is pleasing.

تنوع چیز خیلی دلپذیری است.

به هرقدر پول تو افزون‌تر است

دل دختران در غمت خون‌تر است. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

L’amour fait rage, mais l’argent fait mariage.

عشق سازندهٔ صد اعجاز است

این‌وسط پول عروسی‌ساز است.

بینی محترمه می‌داند

چه خبرهای خوشی زیر عباست

به همان مهر و نشان نیست که بود

دختری که جلوی حاج‌آقاست. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es ist zu viel von einer Katze begehrt, daß sie bei der Milch sitze, und nicht davon schlecke.

توقعی است زیادی ز گربه کو باید

کنار شیر نشسته، زبان به آن نزند.

به همه کون مفت باید داد

تا شوند از تو راضی و دلشاد. م. ا.

الحاتم: کون مفتده. عبید زاکانی – تعریفات ملا دوپیازه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No man can please all.

هیچ مردی نتواند همه را

از خودش راضی و خرسند کند.

If you try to please all you will please none.

گر بخواهی همه را بنوازی

هیچ‌کس از تو نگردد راضی.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den skal endnu födes, der kan befalde alle.

متولد نشده آن یک مرد

که تواند همه را راضی کرد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ne Jupiter quidem omnibus placet.

حتی ژوپیتر نمی‌تواند همه را راضی کند. (ژوپیتر: خدای آسمان و فرمانروای خدایان در اساطیر رومی.)

نظر بر سرابی عبث دوختی

به یک پیرزن رقص آموختی. م. ا.

«اُه، چه فرزم، منو باش!»

پیرزن گفت؛ همان وقت که با سر

رفت تو کاسهٔ آش. م. ا.

معادل انگلیسی:

To teach an old woman to dance.

به یک پیرزن رقص آموختن.

معادل آلمانی:

Dem alten Hunden ist schwer bellen lehren.

پارس کردن یاد سگ‌های پیر دادن کار سختی است.

معادل دانمارکی:

Det er ondt at lære gammel Hund at kure.

به سگی پیر شیرین‌کاری تازه‌ای یاد دادن دشوار است.

به‌جای عمل به کتاب خدا
عمل می‌کنی بینی خویش را
و تازه طلبکار هم می‌شوی
چرا گردوخاک است توی هوا. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Jedes Weib will lieber schön als fromm sein.

در ضمیر هر زنی این باور است:
خوشگلی از پارسایی بهتر است.

کس این معما پرسید و من ندانستم
هر آن که حل کند آن را به من، ثواب کند
به‌غیر ملت ایران کدام جانور است
که جفت خود را نادیده انتخاب کند؟ ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Marriage is a lottery.

ازدواج یک بخت‌آزمایی است.

بیا عرش را بلرزانیم.

= بیا گی کنیم. یکی از احادیث نبوی می‌گوید وقتی دو مرد لواط می‌کنند، عرش خدا به لرزه می‌افتد.

گویند اگر وطی کنی، عرش بلرزد
عرشی که به یک وطی بلرزد به چه ارزد
ماییم و یکی حجرهٔ تاریک که در وی
صد بچه بگاییم و یکی خشت نلرزد. شیخ رضا طالبانی

هلندی‌ها می‌گویند:

Lust maakt den arbeid ligt.

عشق کار سخت را آسان کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nihil difficile amanti.

بهر عاشق هیچ کاری سخت نیست.

بیا که توبه ز لعل نگار و خندهٔ جام

حکایتی است که عقلش نمی‌کند تصدیق.   حافظ

من رند و عاشق در موسم گل

آنگاه توبه؟ استغفرالله.   حافظ

زاهدم برد به مسجد که مرا توبه دهد

توبه کردم که نفهمیده به جایی نروم.   لاادری

بیا و خوبی کن، کون بچه‌یتیم بگذار.

معادل ترکی: نانجیبه سلام وئرسن، دئیر قورخدو مندن. (به نانجیب که سلام بدهی، می‌گوید از من ترسید.)

معادل انگلیسی:

Save a thief from the gallows and he will cut your throat.

وارهان یک دزد را از چوب دار

تا گلویت را ببرد نابکار.

معادل فرانسوی:

Dépends le pendard et il te pendra.

نابکاری چون رود بالای دار

رحم کن بر او و پایینش بیار

بابت لطفت تشکر می‌کند

می‌کند بر روی آن دارت سوار.

معادل ایتالیایی:

Dispicca l'impiccato, e impiccherà poi te.

وارهان یک دزد را از چوب دار

تا کند بر روی آن دارت سوار.

بیدار کردنش راحت‌تر از خواباندنش است.

سمنبر نگار دل‌آرای من
بت نازک سیم‌سیمای من
خرامان و سرخوش به گاه سحر
چو خورشید تابان درآمد ز در
ز دیدار او خاطرم شاد شد
روانم ز بند غم آزاد شد
درآمد خوش و ساغری نوش کرد
به صد ناز دستم در آغوش کرد
لبم گرچه در بوسه چستی نمود
ولی در میان خرزه سستی نمود
چو بر راست کردن بشد چاره‌ساز
ز مسکین‌نوازی به صد لطف و ناز
بمالید بسیار و بر پای کرد
قدش چون علم عالم‌آرای کرد
چو دید آن‌چنان دلبری در کنار
ز راه دگر شد دلم خواستار
برآورد افغان که این رای چیست؟
دلت را در این ره تمنای کیست؟
بسی کرد افغان و زاری نمود
چو من مست بودم، نمی‌کرد سود
همی‌گفت: خود خون خود ریختم
به دست خود این فتنه انگیختم
بپیچید و ناچار بر روی خفت
چو در کونش کردم، برآشفت و گفت:
سر ناکسان را برافراشتن
وز ایشان امید بهی داشتن
سر رشتهٔ خویش گم کردن است
به جیب اندرون مار پروردن است. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is easier to raise the devil than to lay him.

بلند کردن شیطان خفته در بستر
همیشه هست ز خواباندن وی آسان‌تر.

Few may play with the devil and win.

کم‌اند آنان که با ابلیس بازی
کنند و فاتح آن نیز باشند.

Put a snake in your bosom, and when it is warm it will sting you.

یک مار را بگیر در آغوش خویشتن
وقتی که گرم می‌شود او نیش می‌زند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er ikke godt at skride paa Fandens Iis.

راه رفتن بر یخ ابلیس کاری ساده نیست.

بی‌دردسرترین روش فتح دلبران
تسخیر زیرکانهٔ سنگر به سنگر است.   م. ا.

یک قدم در یک قدم در یک قدم
می‌رسی بالای کوه قاف هم.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند:

Damlaya damlaya göl olur.

قطره قطره می‌شود دریاچه‌ای.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Step after step the ladder is ascended.

پله پله نردبان طی می‌شود.

The longest journey starts with a single step.

هرقدَر هست سفر دور و دراز
با یکی گام تو گردد آغاز. (در اصل یک ضرب‌المثل چینی است.)

The man who removes a mountain begins by carrying away small stones.

مردی که کوهی را جابه‌جا می‌کند با بردن سنگ‌های کوچک شروع می‌کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Goutte à goutte emplit la cuve.

قطره قطره تشت را پر می‌کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Passo a passo si va a Roma.

آدم قدم به قدم به رم می‌رود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Poco á poco se va léjos.

اندک اندک آدمی تا دوردستان می‌رود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Graõ a graõ enche a gallinha o papo.

مرغ خانه دانه دانه، تک به تک
چینه‌دان خویش را پر می‌کند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Alle dagen een draadje is een hemdsmouw in het jaar.

با همین رشتن روزی یک نخ
تا سر سال کلافی داری.

بی‌دلیل از من اگر کینه گرفته، لابد
با دلیلی الکی عاشق من خواهد شد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He loves me for little that hates me for naught.

بی‌دلیل از من اگر کینه بگیرد یارو
از سر باد شکم عاشق من بوده‌ست او.

بیل به کمرش خورده.

هر روز خدا مزاج من سردتر است
این شاخهٔ بی‌انار توزردتر است
فرق من و این دختره می‌دانی چیست؟
این دختره از من به خدا مردتر است. م. ا.

بی‌وفایی مگر چه عیبی داشت

که پشیمان شدی، وفا کردی؟ ایرج میرزا

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien se fia de amigo no fiel, buen testigo tiene contra el.

به رفیقی که بی‌وفا باشد
هر کسی اعتماد می‌کند او
شک مدارید کو علیه خودش
به کف آورده شاهدی نیکو.

بیوه‌زن صید خوب و پرباری است
راه کوبیده راه همواری است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The beaten road is the safest.

راه کوبیده‌شده امن‌ترین راه بُود.

سیرکیرن زنای شوهردار
بیوه‌زن قدر کیرو می‌دونه
شب جمعه به یاد شوهرکش
طفلکی بد خمار می‌مونه. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Blessings are not valued till they are gone.

قدر نعمت‌ها را آن‌چنان که بایست
تا ز دستت نروند تو نخواهی دانست.

We know not what is good until we have lost it.

تا زمانی که نرفته از دست
ما ندانیم چه چیزی خوب است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

The worth o' a thing is best kenned by the want o't.

ارزش هر چیز می‌فهمی که چیست
هر زمان محتاج آن هستی و نیست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Vache ne sait ce que vaut sa queue jusqu'à ce qu'elle l'ait perdue.

گاو وقتی که دمش دیگر نیست

تازه داند که بهای دم چیست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ben perduto è conosciuto.

چیز خوبی همین که رفت از دست

تازه دانی که قیمتش چند است.

L'asino non conosce la coda, se non quando non l'ha più.

خر نداند که بهای دم چیست

مگر آن دم که دمش دیگر نیست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Bien perdido y conocido.

چیز خوبی را که از کف می‌دهند

تازه آن را قدر و قیمت می‌نهند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Bem perdido, he conhecido.

چیز خوبی همین که دیگر نیست

تازه دانی که قیمت آن چیست.

هلندی‌ها می‌گویند:

De koe weet niet waar haar de staart toe dient, voor dat zij die kwijt is.

گاوه اون‌وقتی که دمّش دیگه نیست

قدر دمّو تازه می‌فهمه که چیست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Koen veed ikke af, hvad hendes Hale duer til, för hun har mistet den.

گاو وقتی که دمش رفت از دست

تازه داند که بهایش چند است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Bona magis carendo quam fruendo sentimus.

ارزش هر چیز را دانیم چیست

هر زمانی رفته است از دست و نیست.

بیوه‌زنان را به رایگان مگایید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Widows are always rich.

بیوه‌زن‌ها همیشه خرپول‌اند.

It is as easy to marry a widow as to put a halter on a dead mule.

یک بیوه‌زن را عقد کردن راحت است، انگار
بر قاطری که مرده باشد می‌نهی افسار.



پادشاهان خواب بر منظر کنند
عارفان بر پشت زیبامنظری.   سعدی

پای خروست را ببند، به مرغ همسایه‌ات هیز نگو.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Porte fermée, le diable s’en va.

اگر ابلیس در را بسته بیند بازمی‌گردد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

De porta cerrada, o diabo se torna.

چون که ابلیس ببیند که دری
روی او بسته شده برگردد.

پای زن هرچه لنگ‌تر، بهتر

جای زن هرچه تنگ‌تر، بهتر.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The wife that expects to have a good name
Is always at home as if she were lame,
And the maid that is honest her chiefest delight
Is still to be doing from morning to night.

زنی که نیکنامی چشم دارد
نشیند در سرایش چون چلاقی
چنانچه دختری پاک است دارد
به کار صبح تا شب اشتیاقی.

Discreet women have neither eyes nor ears.

زنان محتاط و به‌هوش
نه چشم دارند و نه گوش.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Bad legs and ill wives should stay at hame.

یک پای علیل و یک زن بد
باید که درون خانه ماند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Femmine e galline per troppo andar si perdono.

می‌روند از دست مرغان و زنان
هر زمان بسیار ولگردی کنند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A molher, e a gallinha por andar se perde asinha.

یک زن و یک مرغ وقتی ول شوند
هر دو خیلی زود از دستت روند.

A molher, e a ovelha com cedo a cortelha.

گوسفند تو و زنت باید
سر موقع به خانه بازآید.

پایه‌های استوار جامعه
ساق‌های خوش‌تراش یک زن است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Men make houses, but women make homes.

مردها خانه‌ها را می‌سازند، اما زن‌ها خونه‌ها را می‌سازند.

پایینتان باز، بالایتان بسته.

بیا گویم برایت داستانی
که تا تأثیر چادر را بدانی
در ایامی که صاف و ساده بودم
دم کِریاس در استاده بودم
زنی بگذشت از آن‌جا با خش‌وفش
مرا عِرقُ النّسا آمد به جنبش
ز زیر پیچه دیدم غبغبش را

کمی از چانه، قدری از لبش را
چنان کز گوشهٔ ابر سیه‌فام
کند یک قطعه از مه عرض اندام
شدم نزد وی و کردم سلامی
که دارم با تو از جایی پیامی
پری‌رو زین سخن قدری دودل زیست
که پیغام‌آور و پیغام‌ده کیست
بدو گفتم که اندر شارع عام
مناسب نیست شرح و بسط پیغام
تو دانی هر مقالی را مقامی است
برای هر پیامی احترامی است
قدم بگذار در دالان خانه
به رقص آر از شعف بنیان خانه
پری‌وش رفت تا گوید چه و چون
منش بستم زبان با مکر و افسون
سماجت کردم و اصرار کردم
بفرمایید را تکرار کردم
به دستاویز آن پیغام واهی
به دالان بردمش خواهی‌نخواهی
چو در دالان هم آمد شد فزون بود
اتاق جنب دالان بردمش زود
نشست آن‌جا به صد ناز و چم‌وخم
گرفته روی خود را سخت محکم
شگفت افسانه‌ای آغاز کردم
در صحبت به رویش باز کردم
گهی از زن سخن کردم، گه از مرد
گهی کان زن به مرد خود چه‌ها کرد
سخن را گه ز خسرو دادم آیین
گهی از بی‌وفایی‌های شیرین

گه از آلمان بر او خواندم، گه از روم
ولی مطلب از اول بود معلوم
مرا دل در هوای جستن کام
پری‌رو در خیال شرح پیغام
به نرمی گفتمش کای یار دمساز
بیا این پیچه را از رخ برانداز
چرا باید تو روی از من بپوشی
مگر من گربه می‌باشم، تو موشی؟
من و تو هر دو انسانیم آخر
به خلقت هر دو یکسانیم آخر
بگو، بشنو، ببین، برخیز، بنشین
تو هم مثل منی ای جان شیرین
تو را کان روی زیبا آفریدند
برای دیدهٔ ما آفریدند
به باغ جان ریاحین‌اند نسوان
به جای وَرد و نسرین‌اند نسوان
چه کم گردد ز لطف عارض گل
که بر وی بنگرد بیچاره بلبل
کجا شیرینی از شکّر شود دور
پرد گر دور او صد بار زنبور
چه بیش و کم شود از پرتو شمع
که بر یک شخص تابد یا به یک جمع
اگر پروانه‌ای بر گل نشیند
گل از پروانه آسیبی نبیند
پری‌رو زین سخن بی‌حد برآشفت
ز جا برجست و با تندی به من گفت
که من صورت به نامحرم کنم باز؟
برو این حرف‌ها را دور انداز
چه لوطی‌ها در این شهرند، واه واه!

خدایا، دور کن؛ الله الله!
به من گوید که چادر واکن از سر
چه پرروی است این، الله اکبر!
جهنم شو، مگر من جنده باشم
که پیش غیر بی‌روبنده باشم
از این بازی همین بود آرزویت؟
که روی من ببینی؟ تف به رویت!
الهی من نبینم خیر شوهر
اگر رو واکنم بر غیر شوهر
برو گم شو، عجب بی چشم و رویی
چه رو داری که با من همچو گویی
برادرشوهر من آرزو داشت
که رویم را ببیند، شوم نگذاشت
من از زن‌های تهرانی نباشم
از آن‌هایی که می‌دانی نباشم
برو این دام بر مرغ دگر نه
نصیحت را به مادر خواهرت ده
چو عنقا را بلند است آشیانه
قناعت کن به تخم‌مرغ خانه
کُنی گر قطعه قطعه بندم از بند
نیفتد روی من بیرون ز روبند
چرا یک‌ذره در چشمت حیا نیست
به سختی مثل رویت سنگ‌پا نیست
چه می‌گویی، مگر دیوانه هستی
گمان دارم عرق خوردی و مستی
عجب گیر خری افتادم امروز
به چنگ اَلپَری افتادم امروز
عجب برگشته اوضاع زمانه
نمانده از مسلمانی نشانه

نمی‌دانی نظربازی گناه است؟
ز ما تا قبر چار انگشت راه است
تو می‌گویی قیامت هم شلوغ است؟
تمام حرف ملاها دروغ است؟
تمام مجتهدها حرف مفت‌اند؟
همه بی‌غیرت و گردن‌کلفت‌اند؟
برو یک روز بنشین پای منبر
مسائل بشنو از ملای منبر
شب اول که ماتحتت درآید
به بالینت نکیر و منکر آید
چنان کوبد به مغزت توی مرقد
که می‌رینی به سنگ روی مرقد
غرض، آن‌قدر گفت از دین و ایمان
که از گه خوردنم گشتم پشیمان
چو این دیدم، لب از گفتار بستم
نشاندم باز و پهلویش نشستم
گشودم لب به عرض بی‌گناهی
نمودم از خطاها عذرخواهی
مکرر گفتمش با مدّ و تشدید
که گه خوردم، غلط کردم، ببخشید
دو ظرف آجیل آوردم ز تالار
خوراندم یک دو بادامش به اصرار
دوباره آهنش را نرم کردم
سرش را رفته‌رفته گرم کردم
دگر اسم حجاب اصلاً نبردم
ولی آهسته بازویش فشردم
یقینم بود کز رفتار این‌بار
بغرد همچو شیر ماده در غار
جهد بر روی و منکوبم نماید

به زیر خویش کس‌کوبم نماید
بگیرد سخت و پیچد خایه‌ام را
لب بام آورد همسایه‌ام را
سروکارم دگر با لنگه‌کفش است
تنم از لنگه‌کفش اینک بنفش است
ولی دیدم به‌عکس آن ماه‌رخسار
تحاشی می‌کند، اما نه بسیار
تغیر می‌کند، اما به گرمی
تشدد می‌کند، لیکن به نرمی
از آن جوش و تغیرها که دیدم
به «عاقل باش» و «آدم شو» رسیدم
شد آن دشنام‌های سخت سنگین
مبدل بر «جوان آرام بنشین»
چو دیدم خیر، بند لیفه سست است
به دل گفتم که کار ما درست است
گشادم دست بر آن یار زیبا
چو ملا بر پلو، مؤمن به حلوا
چو گل افکندمش بر روی قالی
دویدم زی اسافل از اعالی
چنان از هول گشتم دستپاچه
که دستم رفت از پاچین به پاچه
از او جفتک زدن، از من تپیدن
از او پر گفتن، از من کم شنیدن
دو دست او همه بر پیچه‌اش بود
دو دست بنده در ماهیچه‌اش بود
بدو گفتم تو صورت را نکو گیر
که من صورت دهم کار خود از زیر
به زحمت جوف لنگش جا نمودم
در رحمت به روی خود گشودم

کسی چون غنچه دیدم نوشکفته
گلی چون نرگس، اما نیم‌خفته
برونش لیموی خوشبوی شیراز
درون خرمای شهدآلود اهواز
کسی بشاش‌تر از روی مؤمن
منزه‌تر ز خلق‌وخوی مؤمن
کسی هرگز ندیده روی نوره
دهن پرآب‌کن مانند غوره
کسی برعکس کس‌های دگر تنگ
که با کیرم ز تنگی می‌کند جنگ
به ضرب و زور بر وی بند کردم
جماعی چون نبات و قند کردم
سرش چون رفت، خانم نیز واداد
تمامش را چو دل در سینه جا داد
بلی، کیر است و چیز خوش‌خوراک است
ز عشق اوست کاین کس سینه‌چاک است
ولی چون عصمت اندر چهره‌اش بود
از اول تا به آخر چهره نگشود
دودستی پیچه بر رخ داشت محکم
که چیزی ناید از مستوری‌اش کم
چو خوردم سیر از آن شیرین کلوچه
حرامت باد گفت و زد به کوچه
حجاب زن که نادان شد چنین است
زن مستورهٔ محجوبه این است
به کس دادن همانا وقع نگذاشت
که با روگیری الفت بیش‌تر داشت
بلی، شرم و حیا در چشم باشد
چو بستی چشم، باقی پشم باشد
اگر زن را بیاموزند ناموس

زند بی‌پرده بر بام فلک کوس
به مستوری اگر پی بُرده باشد
همان بهتر که خود بی‌پرده باشد
برون آیند و با مردان بجوشند
به تهذیب خصال خود بکوشند
چو زن تعلیم دید و دانش آموخت
رواق جان به نور بینش افروخت
به هیچ افسون ز عصمت برنگردد
به دریا گر بیفتد تر نگردد
چو خور بر عالمی پرتو فشاند
ولی خود از تعرض دور ماند
زن رفته کُلِژ دیده فاکولته
اگر آید به پیش تو دِکولته
چو در وی عفت و آزرم بینی
تو هم در وی به چشم شرم بینی
تمنای غلط از وی محال است
خیال بد در او کردن خیال است
برو ای مرد فکر زندگی کن
نیی خر، ترک این خربندگی کن
برون کن از سر نحست خرافات
بجنب از جا که فی التأخیرِ آفات
گرفتم من که این دنیا بهشت است
بهشتی حور در لفافه زشت است
اگر زن نیست، عشق اندر میان نیست
جهان بی عشق اگر باشد جهان نیست...
مگر نه در دهات و بین ایلات
همه روباز باشند آن جمیلات
چرا بی‌عصمتی در کارشان نیست
رواج عشوه در بازارشان نیست

زنان در شهرها چادرنشین‌اند
ولی چادرنشینان غیر این‌اند
در اقطار دگر زن یار مرد است
در این محنت‌سرا سربار مرد است
به هر جا زن بُود هم‌پیشه با مرد
در این‌جا مرد باید جان کَنَد فرد
تو ای با مُشک و گل هم‌سنگ و هم‌رنگ
نمی‌گردد در این چادر دلت تنگ؟
نه آخر غنچه در سیر تکامل
شود از پرده بیرون تا شود گل
تو هم دستی بزن این پرده بردار
کمال خود به عالم کن نمودار
تو هم این پرده از رخ دور می‌کن
در و دیوار را پرنور می‌کن
فدای آن سر و آن سینهٔ باز
که هم عصمت در او جمع است، هم ناز.   ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An innocent demeanor may hide much guilt.

ظاهری معصوم پشتش ای بسا
کرده پنهان بس گناه و جرم را.

There is many a fair thing full false.

ای بسا چیز قشنگی که سراپا غلط است.

A fair face may hide a foul heart.

ای بسا روی خوب یک انسان
یک دل زشت را نموده نهان.

پدر تجربه ای دل، تویی آخر ز چه روی
طمع مهر و وفا زین پسران می‌داری.   حافظ

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amor dà per mercede gelosia e rotta fede.

آنچه یک عشق می‌دهد پاداش
رشک و عهد شکسته‌ای باشد.

پدر زنده‌ست؟ پس چرا مادر جنده‌ست؟

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Cornudo sois, marido; muger, y quien te lo dijo?

شوهر من، تو یک قرمساقی
زن من، کی به تو چنین گفته؟

پدر عشق بسوزد.

زن دور ضریح گرم هق‌هق شده بود
از حفظ حجاب خویش فارغ شده بود
هر چیز طلب کرد، همان روز گرفت
انگار امامزاده عاشق شده بود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty draws more than oxen.

زور زیبایی ز زور گاوهای نر سر است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

L’amour apprend aux ânes à danser.

عاشقیت به خران رقص می‌آموزاند.

شاهد آن‌جا که رود، حرمت و عزت بیند
ور برانند به قهرش پدر و مادر خویش
پر طاووس در اوراق مصاحف دیدم
گفتم این منزلت از قدر تو می‌بینم بیش
گفت خاموش، که هر کس که جمالی دارد
هرکجا پای نهد، دست ندارندش پیش. سعدی - گلستان

معادل انگلیسی:

A good face is a letter of recommendation.

چهره‌ای زیبا سفارش‌نامه‌ای است.

معادل آلمانی:

Die Schönheit ist ein guter Empfehlungsbrief.

زیبایی معرفی‌نامهٔ خوبی است.

پروفسور هم که بشود، آخرش باید کهنهٔ بچه بشوید.

این روزها می‌گویند: باید پوشک بچه عوض کند.

دختر چو به کف گرفت خامه
ارسال کند جواب نامه
آن نامه نشان روسیاهی است
نامش چو نوشته شد گواهی است.   نظامی

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mãi, que cousa he casar? Filha, fiar, parir, e chorar.

مادر من، به من بگو که چه چیز
معنی ازدواج مرد و زن است؟
دخترم، ازدواج نخ‌ریسی
بچه زاییدن و گریستن است.

پری‌رو تاب مستوری ندارد
در ار بندی، سر از روزن برآرد

نگیرد خوبرو در خانه آرام
اگر صد کشته بیند بر در و بام.   جامی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is no use watching a fair wife.

همسری دلفریب را طبعاً
پوچ و بی‌حاصل است پاییدن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that has a bonnie wife needs mair than twa een.

کسی که زنش دلفریب است و ناز

به بیش از دو تا چشم دارد نیاز.

پریود شد زنتان در شب وصل؟

بخت بیلاخ‌نشان بخت شماست.   م. ا.

کجا آن شب که ویرو بود داماد
به دامادیش هر کس خرم و شاد
عروسش را پدید آمد یکی حال
کز او داماد را وارونه شد فال
فرود آمد قضای آسمانی
که ایشان را ببست از کامرانی
گشاد آن سیمتن را علت از تن
به خون آلوده شد آزاده سوسن
دوهفته ماه یک هفته چنان بود
که گفتی کان یاقوت روان بود
زن مغ چون بر این کردار باشد
به صحبت مرد از او بیزار باشد.   فخرالدین اسعد گرگانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is the unexpected that always happens.

همیشه آن چیزی که انتظارش را نداری اتفاق می‌افتد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Unverhofft kommt oft.

بیش‌تر وقت‌ها همان چیزی که انتظارش را نداری می‌آید.

پس جنده منم؟

پنج مرد زنی را برای امر خیری به کوه می‌برند. ناگهان سروکلهٔ تنی چند از برادران بسیجی پیدا می‌شود. یکی از بسیجی‌ها می‌پرسد: «شما با هم چه نسبتی دارید؟» زن یکی از مردها را نشان می‌دهد و می‌گوید: «من خانوم این آقام.» مرد دوم می‌گوید: «منم برادر این آقام.» مرد سوم می‌گوید: «من برادر این خانومم.» مرد چهارم می‌گوید: «بنده هم از اقوام دور این خانوم هستم، بعله.» مرد پنجم می‌گوید: «پس جنده منم؟»

پستان زن باید به اندازهٔ مشت مرد باشد.

قد مشت منی و مال منی
خاصه وقتی بدون سوتینی. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il y a des hochets pour tous les ages.

برای هر سنی اسباب‌بازی‌هایی هست.

پستانداران عجیب‌ترین گونهٔ جانوران هستند. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Er muß ein scharf Gesicht haben, der eine Jungfrau kennen woll.

او که بخواهد دختری را با نگاه کردن بشناسد باید چشمان تیزبینی داشته باشد.

پسران حسن یوسفی دارند
دختران طلعت زلیخایی
به زر و سیم سر فرود آرند
نه به افسون شعر و ملایی. لادری

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Money will do more than my lord’s letter.

پول بیش از نامهٔ آقای لرد
کارها را می‌تواند پیش برد.

Rich men may have what they will.

اغنیا هرچه را به دل دارند
می‌توانند تا به دست آرند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Money's better than my lord's letter.

پول از نامهٔ ارباب سر است.

پس‌گردنی بدرامان را رام می‌سازد.

از فضایل پشت‌گردنی این که حسن خلق می‌آورد. خمار از سر به در می‌کند. بدرامان را رام می‌سازد و ترش‌رویان را منبسط می‌سازد و دیگران را می‌خنداند. خواب از چشم می‌رباید و رگ‌های گردن را استوار می‌سازد.   عبید زاکانی - رسالۀ دلگشا

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Buon cavallo e mal cavallo vuole sproni; buona femmina e mala femmina vuol bastoni.

اسب خوب و اسب بد مهمیز لازم دارند؛ زن خوب و زن بد ترکه لازم دارند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er bedre at see ved Ord end ved Hugg.

بهتر است با کلمات متقاعد شوی تا با مشت‌ها.

نبندد کس به کُس بر زر و گوهر
که باشد درخور زر و گهر کون
از آن هر ماه خون پالاید از کس
که خون کرده‌ست هر کس را جگر کون
بکاهد کس تن و کون جان فزاید
که کس زهر است و چون شهد و شکر کون
فزاید دیدن کون در بصر نور
همی‌گویند از آن اهل بصر کون
پسندیده‌تر است از کس به صد بار
به نزد مردمان معتبر کون.   سوزنی سمرقندی

امردی کو را پلاسی در بر است
خوش‌تر است از دختری در چادری.   سعدی

آن شنیدم که عارفی می‌گفت
نکته‌ای را که خوش‌ادا باشد
در بر آن که اهل ذوق بُود
انَّه به ز انَّها باشد.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Good is good, but better carries it.

خوب خوب است، ولیکن بهتر

خوب را نیز بگیرد در بر.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Das Bessere ist ein Feind des Guten.

خوب‌تر دشمنِ خوب است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il buono è buono, ma il miglior vince.

خوب خوب است، ولیکن بهتر
می‌تواند که شکستش بدهد.

پشت لب مرد زن‌ذلیلی
کس‌پاک‌کن است هر سبیلی. م. ا.

بوسیدمش و آه کشیدم با بوش
لیسیدمش و زبونمو کردم توش
تا شل شد و زیر دست من رفت از هوش
سر تا تهشو خوردم و یک آبم روش. م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Con mal está la casa donde la rueca manda al espada.

چرخ نخ‌ریسی به شمشیر امر وقتی می‌کند
بی‌گمان اوضاع خانه می‌شود بسیار بد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mal vai á casa, onde a roca manda à espada.

دوک به شمشیر چو فرمان دهد
درد و بلا رو به سرا می‌نهد.

پشکل ماچه‌الاغ به یک دردی می‌خورد، دودول من به هیچ دردی نمی‌خورد. م. ا.

گرچه در سکس‌سرایی کردن
هیچ‌کس نیست حریف بنده
لیک در عالم واقع، دردا
که در این شرت کثیف بنده

نیست چیزی که به دردی نخورد
به‌جز این عضو شریف بنده
پهلوان‌پنبهٔ روی تشک است
عضو بی‌حال و ضعیف بنده
عضو خوش‌خواب و سیاه و دمغ و
شل و باریک و نحیف بنده
تف به این قافیه، ریدم به ردیف
حیف از این شعر لطیف بنده
که چنین مسخره گیر افتاده
تا ابد توی ردیف بنده

حس من می‌گه که خوانندهٔ شعر
تو دلش داره به من می‌خنده
شعر بنده کس‌شعره؟ جداً؟
خاک عالم به سرم، شرمنده
کس‌شعری که سرودم امشب
بره تو کون زن خواننده. م. ا.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

What's the good of the pipe if it's not played on?

نی‌لبک فایده‌اش چیست اگر
ننوازد کسی آن را دیگر.

خواهر مؤمن محجبه‌ام
اجنبی‌های مرده را نپرست
حاجت از پنج مرده می‌خواهی
این‌چنین زشت و خوارمایه و پست؟
به خران واگذار ادیان را
ای خوش آن‌کس که از خریت رست
سجده کن جانب الههٔ عشق
بی‌قرار و برهنه و سرمست
با تنی تفته و عرق‌کرده

باید احرام عشقبازی بست
مست و منگ از شراب هورمون‌ها
گیج و لرزان جلو بیاور دست
هیچ چیزی به ناز چیز پسر
به دل هیچ دختری ننشست
پنج تن را رها بکن در گور
سه تن آل شرت را عشق است. م. ا.

آن دو تایی که توی سوتین‌اند
این سه تایی که توی شرت من‌اند
روی هم رفته پنج تن هستند
روی هم هم نرفته پنج تن‌اند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A dead bee will make no honey.

زنبور مرده شهد نمی‌سازد.

پنجاه فوج سیلاخوری هم ابنهٔ او را نمی‌خواباند.

سیلاخوری‌ها بخشی از نیروی نظامی ایران بودند که معروف به بی‌شعوری و وحشی‌بازی بودند.

پندی ز عبید بشنو ای مرد خدای
هر کس که به دستت افتد از شاه و گدای
گر گنده‌کسی است، تا توانش می‌زن
ور خوش‌پسری است، تا توانش می‌گای. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Counsel is never out of date.

پند هرگز کهنه و منسوخ نیست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Eet godt Raad er bedre end en Pose fuld.

یک تکه از اندرز خوب از کیسه‌ای پر بهتر است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Good advice is beyond price.

پند نیکو برتر از هر قیمتی است.

پول وقتی ندهی، دخترکی
ناز و غمزه نفروشد الکی.   م. ا.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Pobreza nunca em amores fez bom feito.

فقر هرگز در امور عشقی
نتوانسته به جایی برسد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het geld is de zenuw des oorlogs.

سرچشمهٔ عشق و جنگ پول است.

پولکی یا مفتکی یا زورکی
آخرش شل می‌شود هر کودکی.   م. ا.

درست است این که طفلان گیج و گول‌اند
سفیه و ساده و سهل‌القبول‌اند
توان با یک تبسم گولشان زد
گهی باپول و گه بی‌پولشان زد.   ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Money is not everything.

پول همه‌چیز نیست.

پولی که از ماتحت درآید خرج بواسیر شود.

چند تو را گفتم ای کمال، مخور کیر
تا نشوی مبتلا به رنج بواسیر
چون به جوانی تو پند من نشنیدی
رنج بواسیر کش کنون که شدی پیر
کیر بواسیر آورد، همه دانند
درد گلو زاید از زیادی انجیر

خرما افزون خوری، حناق بگیری
کیر ندارد به قدر خرما تأثیر؟   ایرج میرزا

ترک‌ها می‌گویند: حارام مالین برکتی اولماز. (مال حرام بی‌برکت می‌شود.)

حارام حاراما گئدر. (حرام صرف حرام می‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What is got over the devil's back is spent under his belly.

هر چیز که کسب شد ز پشت شیطان
زیر شکم شخص خودش خرج شد آن.

Ill gotten gains seldom prosper.

کسب کثیف و حرام بی‌برکت می‌شود.

Riches got by craft is lost with shame.

مال با نیرنگ اگر حاصل شود
آخرش با ننگ از کف می‌رود.

Every sin brings its punishment with it.

هر گنه تاوان خود را با خودش می‌آورد.

Punishment follows hard upon crime.

مجازات محکم به دنبال جرم است.

Punishment is lame but it comes.

مجازات لنگ است، اما بیاید.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ill got gear ne'er prospered.

برکت نیست درون آن مال
که نه حاصل شود از راه حلال.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Unrecht Gut thut nicht gut.

داراییِ از راه بدی کسب شده
حاشا که برایت برکت خواهد داشت.

Ein Dieb stiehlt sich selten reich.

به ندرت توان دید در روزگار
که دزدی ز دزدی شود پولدار.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvad man med Synd faaer, det med Sorg gaaer.

آنچه آید با گناهی
می‌رود با درد و آهی.

رومیان باستان می‌گفتند:

Male parta male dilabuntur.

آنچه از راه بدی کسب شود
در مسیر بدی از دست رود.

Lucrum malum æquale dispendio.

سودِ از راه حرام آمده عین ضرر است.

غره بدین مشو که نگار تو تک‌پر است
هر دختری از آن دگری بی‌وفاتر است
دختر کبوتری است هوسباز و رند که
هر دم دلش هوایی یک بام دیگر است
دلبستگی مقدمهٔ دلشکستگی است
مردی که دل به دخترکی می‌دهد خر است
هر قصه‌ای ز لیلی و مجنون شنیده‌ای
یک قصهٔ چرند کمیک مصور است
پولی که پای فاحشه‌ای خرج می‌کنی
اندک‌تر از مخارج یک دوست‌دختر است
او خویش را برای تو هی چس نمی‌کند
نه پرافاده است و نه دنبال شوهر است
با ناز و عشوه گند به حالت نمی‌زند
تا که اشاره‌ای بکنی توی بستر است
داروی درد عشق یک انزال ساده است
تشخیص کرده‌ایم و مداوا مقرر است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Game is cheaper in the market than in the fields and woods.

گوشت شکار در بازار ارزان‌تر است تا در دشت و جنگل.

You may pay too dear for your whistle.

ای بسا که برای سوت خودت

یک بهای گزاف پردازی.

(از خاطره‌ای از بن فرانکلین Ben Franklin گرفته شده است که: وقتی هفت‌ساله بودم، برای خرید اسباب‌بازی به یک مغازهٔ اسباب‌بازی‌فروشی رفتم. در دست پسربچه‌ای یک سوت دیدم و آن‌قدر از آن خوشم آمد که همهٔ پولم را به او دادم و سوت را از او خریدم. وقتی به خانه برگشتم، برادران و خواهران و پسرعموهایم به من گفتند که پولی که بابت آن سوت داده‌ام چهار برابر قیمت واقعی آن بوده. من خیلی ناراحت شدم و شروع کردم به فکر کردن دربارهٔ این‌که با بقیهٔ آن پول چه چیزهایی می‌توانستم بخرم. وقتی بزرگ شدم و پا به اجتماع گذاشتم، این درس را هرگز فراموش نکردم و هر وقت که از چیزی خوشم آمد و وسوسه شدم آن را بخرم، به خودم گفتم: «برای سوت خیلی پول نده.» این‌طوری توانستم پول زیادی پس‌انداز کنم. اما خیلی‌ها را دیده‌ام که برای سوت خودشان بهای گزافی پرداخته‌اند.)

The buyer needs a hundred eyes, the seller not one.

خریدار صد تا چشم لازم دارد که فروشنده یکی‌اش را هم لازم ندارد.

Let the buyer beware.

بگذار خریدار مراقب باشد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il y a plus de fols acheteurs que de fols vendeurs.

خریداران احمق از فروشندگان احمق بیش‌ترند.

پهلوان حقیقی آن را دانید که روی بر خاک نهد و از روی ارادت یک گز کیر در کون گیرد. عبید زاکانی – صد پند

پیدا می‌کن دخترکی خوش‌حرکات

بر کون و کسش برنه و می‌زن ضربات

کان بالش سیم است پر از زر و طلا

وین حلقهٔ لعل است پر از آب حیات. عبید زاکانی

درد پیری درد بی‌درمانی است

هیکلت اسقاط می‌گردد به‌کل

پیرمرد از پله‌ها افتاد و گفت:

پیر شُل بدتر بُود از کیر شُل. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I am very wheamow, said the old woman, when she stepped into the milk-bowl.

«من چه چالاکم و فرز!» گفت با خود زن پیر

آن زمان که با پا رفت تو کاسۀ شیر.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

The feet are slow when the head wears snaw.

برف وقتی روی سر بنشسته است

سرعت گام طرف آهسته است.

اما دانمارکی‌ها می‌گویند:

Aldrig er saa gammel en Kiærling, kommer der Ild i hende hun springer jo.

هر زنی هرقدر هم که سالخورد و پیر شد

هر زمان آتش بگیرد می‌پرد از جای خود.

پیرزن چون به رقص برخیزد

گردوخاک بدی برانگیزد. م. ا.

معادل آلمانی:

Es ist kein Kinderspiel, wenn ein altes Weib tanzt.

چو یک پیرزن گرم قر دادنی است

چنین صحنه‌ای بازی بچه نیست.

معادل دانمارکی:

Naar lade Heste ville afsted, gamle Qvinder dandse, og hvide Skyer regne, da er intet Ophör.

وقتی اسب‌های تنبل شروع به حرکت می‌کنند، پیرزن‌ها شروع به رقصیدن می‌کنند و ابرهای سفید شروع به باریدن می‌کنند، هیچ چیزی نمی‌تواند جلوی آن‌ها را بگیرد.

معادل لاتین:

Anus subsultans multum excitat pulveris.

وه، چه غوغایی کند یک پیرزن

چون به رقص آید میان انجمن.

پیرزن دستش به آلو نمی‌رسید، گفت ترشی به من نمی‌سازد.

یا: پیرزن دستش به درخت گوجه‌سبز نمی‌رسید، گفت ترشی به من نمی‌سازد.

که گفت پیرزن از میوه می‌کند پرهیز؟
دروغ گفت که دستش نمی‌رسد به درخت. سعدی - گلستان

پیرزن را از کیر کلفت می‌ترسانی؟

پیرزنی را پرسیدند که دیهی دوست‌تر داری یا کیری. گفت: «من با روستاییان گفت و شنید نمی‌توانم کرد.» عبید زاکانی - رسالهٔ دلگشا

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Amboß fürchtet den Hammer nicht.

سندان ز چکش نمی‌هراسد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Buona incudine non tema martello.

سندان خوبی از چکش هرگز نترسد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

En Ambolt er ikke ræd for en god Forhammer.

سندان از یک پتک خوب نمی‌ترسد.

پیرزن نوعروس می‌شد اگر
فقط از یک «اگر» نبود خبر. م. ا.

معادل‌های فرانسوی:

Si ce n'était le si et mais, nous serions tous riches à jamais.

اما و اگر چنانچه در کار نبود
ما تا ابدیت همه دارا بودیم.

Avec un Si on mettrait Paris dans une bouteille.

با یک اگر پاریس را در بطری‌ای جا می‌کنی.

معادل آلمانی:

"Hab' ich" ist ein besserer Vogel als "Hätt' ich."

«دارم» پرنده‌ای بهتر از «اگر داشتم» است.

معادل دانمارکی:

Havde nær ikke været saa havde Kiærlingen bidt en Ulv.

اگر به‌خاطر اگری نبود، پیرزن گرگی را گاز می‌گرفت.

پیرزنان را سر به کلوخ‌کوب بکوبید تا درجهٔ غازیان دریابید. عبید زاکانی – صد پند

پیرزن‌ها به لطف محتاج‌اند

عمل خیر بی‌ریا بکنید. م. ا.

صاحب الخیر: آن که پیرزنی را به جماعی بنوازد. عبید زاکانی – تعریفات

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer den Armen leihet, dem zahlet Gott die Zinsen.

او که به فقرا وام می‌دهد، بهره‌اش را از خدا می‌گیرد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wat gij den armen geeft, leent gij den Heer.

او که به دست فقرا می‌دهد
قرض تو گویی به خدا می‌دهد.

پیرها گویا از آن روز نخست
از لحاظ عقل پیری بوده‌اند
پیرمردان در جوانی‌هایشان
نره‌شیران دلیری بوده‌اند
فکر آن را هم نباید کرد که
لاشخورهای حقیری بوده‌اند
پیرزن‌ها در جوانی‌هایشان
دختران سربه‌زیری بوده‌اند
فکر آن را هم نباید کرد که
دربه‌در جویای کیری بوده‌اند. م. ا.

محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد
قصهٔ ماست که بر هر سر بازار بماند. حافظ

معادل اسکاتلندی:

Auld wives were aye gude maidens.

پیرزن‌ها در جوانی کلهم
دخترانی خوب و خانم بوده‌اند.

پیرزنی موی سیه کرده بود
گفتمش ای مامک دیرینه‌روز
موی به تلبیس سیه کرده گیر
راست نخواهد شدن این پشت کوز. سعدی – گلستان

صائم الدهر: کس پیرزن. عبید زاکانی – تعریفات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The spirit is willing but the flesh is weak.

روح می‌خواهد، ولی تن ناتوان است. (نقل قولی از انجیل است: متی ۱۴:۳۸ و مرقس ۲۶:۴۱.)

رومیان باستان می‌گفتند:

In frigidum furnum panes immittere.

در تنوری سرد نان بگذاشتن.

پیش از آنی کز عزا فارغ شود
بیوه‌زن بار دگر عاشق شود. م. ا.

زنی که سر دو شوهر خورده بود، شوهر سیمش در مرض موت بود. بر او گریه می‌کرد و می‌گفت: «ای خواجه، به کجا می‌روی و مرا به که می‌سپاری؟» گفت: «به دیوث چهارمین.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A good occasion for courtship is when the widow returns from the funeral.

بیوه تا از مراسم تدفین
می‌رسد، وقت خواستگاری از اوست.

Marry a widow before she leave mourning.

بیوه‌زن را پیش از آنی عقد کن
کز عزای شوهرش فارغ شود.

A buxom widow must be either married, buried, or shut up in a convent.

یک زن بیوهٔ شاداب و تپل
یا بباید که به شوهر برود

یا که در قبر بخوابانندش

یا که در صومعه‌ای حبس شود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Freie um die Wittwe, dieweil sie noch trauert.

خواستگاری کن تو از یک بیوه‌زن

تا که دارد جامهٔ مشکی به تن.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Viuda lozana, ó casada, ó sepultada, ó emparedada.

یک زن بیوهٔ شاداب و تپل

یا بباید که به شوهر برود

یا که در قبر بخوابانندش

یا که یک راهبه در دِیر شود.

پیش از اتمام کار زر به کنک و قحبه مدهید تا در آخر انکار نکنند و ماجرا دراز نکشد. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pay beforehand is never well served.

خدمتی خوب نبیند آقا

اگر از پیش دهد پولش را.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that pays last ne'er pays twice.

پول را مردی اگر آخر سر پردازد

هیچ لازم نشود بار دگر پردازد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Argent reçu, le bras rompu.

پول را وقتی که قبلاً می‌دهم

دست مرد کارگر گردد قلم.

Tel vend, qui ne livre pas.

بعضی‌ها می‌فروشند و تحویل نمی‌دهند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi vuol il lavoro mal fatto, paghi innanzi tratto.

خواستی کار بد انجام شود

پیش از انجام عمل مزد بده.

Chi paga innanzi, è servito indietro.

هر کسی از قبل مزدی می‌دهد

نوکر او مزد را می‌گیرد و

امر او را پشت گوشش می‌نهد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Opædt Bröd vil nödig betales.

پول نانی را که قبلاً خورده‌ای

دادنش یک کار خیلی مشکل است.

پیش از این گه می‌خوردم به تنها، این زمان حلوا می‌خورم با هزار آدمی.

شنیدم که در این روزها بزرگی زنی بدشکل و مستوره داشت. به طلاق از او خلاصی یافت و قحبهٔ جمیله‌ای را در نکاح آورد. خاتون – چنان که عادت باشد – صلای عام درداد. او را منع کردند که زنی مستوره بگذاشتی و فاحشه اختیار کردی؟ آن بزرگ، از کمال حلم و وقار، فرمود که عقل ناقص شما به سر این حکمت نرسد. حال آن‌که من پیش از این گه می‌خوردم به تنها، این زمان حلوا می‌خورم با هزار آدمی. عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fair woman without virtue is like palled wine.

زن زیبای بی‌عفت شرابی است

که اصلاً مزه و طعمی در او نیست.

Beauty without virtue is a flower without perfume.

زیبایی‌ای که عاریِ از پاکدامنی است

مثل گلی است، لیک در او عطر و بوی نیست.

Wickedness with beauty is the devil’s hook baited.

ذات بدجنسی و یک چهرهٔ خوب و دلبند

طعمه‌ای بر سر قلاب خود شیطان‌اند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Beauty's muck when honour's tint.

پاکی دامن اگر رفت از دست
خوشگلی کپه‌ای از تاپاله‌ست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Fagerhed uden Tugt—Rose uden Lugt.

خوشگلی چون‌که ز عفت عاری است
گل سرخی است که در وی بو نیست.

پیش مجنون حرف لیلی را بزن

همچنین حرف زنت را پیش من.   م. ا.

حکایت بر مزاج مستمع گوی
اگر خواهی که دارد با تو میلی
هر آن عاقل که با مجنون نشیند
نباید کردنش جز ذکر لیلی.   سعدی – گلستان

ت

تا بتوانیش بگیر و بکن

صوم و صلات است پدرسوخته.   ایرج میرزا

تا بی‌سر و پا باشد اوضاع فلک زین دست

در سر هوس ساقی، در دست شراب اولی.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man of gladness seldom falls into madness.

آدم شاد به ندرت به سرش خواهد زد.

A light heart lives long.

یک دل شاد و رها عمر درازی دارد.

Happy man, happy dole.

مرد شادان، سرنوشتی شادمان.

He that lives not well one year sorrows seven after.

او که یک سال زندگی نکند

راحت و با دلی خوش و شادان

کار او غصه خوردن است و دریغ

تا سر هفت سال بعد از آن.

One day of pleasure is better than two of sorrow.

یک روز خوش از دو روز ناخوش خوش‌تر.

It is a poor heart that never rejoices.

دلک بی‌نوا و مسکینی است

او که هرگز سرور در وی نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Sorgen macht graue Haare und Alter ohne Jahre.

می‌کنه دغدغه‌های الکی

رنگ موی تو رو فلفل‌نمکی
و بدون گذر سال و مهی
می‌کنه پیر تو رو بی‌خودکی.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Felice non è chi d’esser non sa.

شادمان نیست هر آن‌کس که نداند شاد است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Cura facit canos.

می‌کنه دغدغه‌های الکی
رنگ موی تو رو فلفل‌نمکی.

Ride, si sapis.

خوش و شادمان باش اگر عاقلی.

تا خانه‌داری دختر نکرده
گوید کجای این کار سخت است
وقتی که یک بار او امتحان کرد
دیگر نگوید مامان شلخته‌ست. م. ا.

معادل انگلیسی:

Every one can keep house better than her mother till she trieth.

خانه‌داری می‌کند هر دختری اندر جهان
بهتر از مامان خود، لیکن فقط تا آن زمان
که برای اولین دفعه نماید امتحان.

تا دلبران شیرین سهم حلال شیخ‌اند
باتوم توی کون فرهاد رفته باشد. م. ا.

علی بن ابی‌طالب در خطبهٔ ۱۱۸ نهج البلاغه می‌گوید: فَوَاللهِ اِنّی لَاَولَی النّاسِ بِالناسِ!
(به خدا سوگند که من به مردم از خودشان سزاوارترم!)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Give way to your betters.

به از خود بهترانت راه می‌ده.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

I'll tak the best first, as the priest did o' the plooms.

من بهترین را اول از همه برمی‌دارم، همان کاری که کشیش با آلوها کرد.

بوی کیری در دماغ او خوش است
گر به عشق بیوه‌زن دل می‌نهد
تا دم مرگش کس یک بیوه‌زن
بوی کیر شوی اول را دهد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The cask savours of the first fill.

بشکه بوی اولین مظروف خود را می‌دهد.

Never marry a widow unless her first husband was hanged.

هیچ وقت با زن بیوه‌ای ازدواج نکن، مگر این‌که شوهر اولش را دار زده باشند. (چون در غیر این صورت او مدام شوهر اولش را به رخ تو خواهد کشید.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

The thing that's dune's no to do.

نباید آنچه را کرده شده کرد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Au dernier les os.

استخوان‌ها سهم هر کس آخر آمد می‌شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Actum ne agas.

نکن آنچه را پیش‌تر کرده‌اند. (نقل قولی از سیسرو Cicero است.)

Sero venientibus ossa.

استخوان‌ها نصیب آن‌هایند
که سر سفره دیر می‌آیند.

تا زنان یک خنگ پیدا می‌کنند
تا که جا دارد به او جا می‌کنند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fools and little dogs are ladies' play-fellows.

خل‌ها و سگان فسقلی هر جایند
بازیچۀ دست‌های خانم‌هایند.

تا زنی از آب هوس خیس شد
عفت او قصه و افسانه‌ای است
شمع برافروز و نشانش بده
تا که ببینی که چه پروانه‌ای است. م. ا.

شرتی که همیشۀ خدا نم دارد
یک چیز کلفت صاحبش کم دارد. م. ا.

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Drawn wells are seldom dry.

چاه‌هایی که مدام ازشان آب می‌کشند به ندرت خشک می‌شوند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Je mehr der Brunnen gebraucht wird, desto mehr giebt er Wasser.

هرچه از چاه بیش آب کشند
آب آن چاه بیش‌تر گردد.

تا شب اول میان قبرتان کردید گیر
بهترین ذکر این عبارت باشد از جوشن‌کبیر
اسم اعظم در میان این عبارت مخفی است:
الیواش، الاو و و و و وخ، المُردم، دخیلٌ یا نکیر. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

They that are bound must obey.

آن‌کسانی که اسیرند به بند
ناگزیرند که تمکین بکنند.

تا شیر مفت را به در خانه آورند
مردم خرند و گاو اگر گاو می‌خرند. م. ا.

= تا وقتی انواع و اقسام دلبرکان پولی و صلواتی وجود دارند، فقط یک ابله می‌رود زن می‌گیرد.

معادل‌های انگلیسی:

Why buy a cow when milk is so cheap?

وقتی شیر این‌قدر ارزان است چرا یک گاو بخریم؟

Who would keep a cow when he may have a bottle of milk for a penny.

چه کسی رنج نگهداری گاوی ببرد
چون که با یک پنی ناقابل
می‌تواند برود بطری شیری بخرد.

معادل اسکاتلندی:

I'll ne'er keep a cow when I can get milk sae cheap.

هیچ وقت گاوی نگه نخواهم داشت، وقتی می‌توانم شیر را این‌قدر ارزان به دست بیاورم.

تا کرکس بچه‌دار شد، مردار سیر نخورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Children suck the mother when they are young, and the father when they are old.

بچه‌ها، وقتی کوچک‌اند، مادرشان را می‌دوشند و وقتی بزرگ شدند، پدرشان را.

تا کودکان بیاوردم، دگر کودکی نکردم. سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that hath a wife and children wants not business.

مردی که زنی دارد و فرزندانی
بی مشغله و کار نماند آنی.

Death and marriage make term day.

هنگامهٔ ازدواج و مرگ انسان
پایان دو تا مرحله از زندگی‌اند.

تا کی باید بالش بغل کنیم؟

بالشش را چه بغل کرده حسن
هوس ماه عسل کرده خفن. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is no greater torment than to be alone in paradise.

هیچ عذابی بدتر از تنهایی در بهشت نیست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non si vorria esser solo in Paradiso.

آدمی در بهشت تنها نیست

(= این‌که تنها شوید چیز بدی است).

تا نگشته‌ست نگارت حشری

به که تو کیر به کونش نبری.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Set not your loaf in till the oven's hot.

تا تنورت نشده داغ هنوز

توی آن نان خودت را نسپوز.

تا نگویند تو را با پسر غیر چه کار

مادرش را به زنی گیرم و گردم پدرش.   ایرج میرزا

تا هستم هسته‌ام و به ریش تو بسته‌ام.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A grunting horse and a groaning wife seldom fail their master.

یک اسب خرخرو و یک عیال غرغروی گند

به ریش صاحب بیچارهٔ خود بسته می‌مانند.

تازه اول چل‌چلی‌اش است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Life begins at forty.

زندگانی ز چهل‌سالگی آغاز شود.

تازه فهمیدیم کیرو کجا بذاریم.

از افاضات یکی از ملایان طبقهٔ حاکمه است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No man is his craft’s master the first day.

هیچ مردی در همان روز نخست

در فنون حرفه‌اش استاد نیست.

تخم به حرام اندازید تا فرزندان شما فقیه و شیخ و مقرب سلطان باشند. عبید زاکانی – صد پند

از یک رانندهٔ کامیون می‌پرسند: «شما راننده‌ها که همیشه از خانه دورید، وقتی زنتان می‌زاید، از کجا می‌فهمید بچه مال شما هست یا نه؟» می‌گوید: «تا پانزده‌سالگی‌اش صبر می‌کنیم؛ بعد می‌نشانیمش پشت فرمان و می‌گوییم برو. اگر توانست درست رانندگی کند، می‌فهمیم که بچهٔ خود ماست.» می‌پرسند: «اگر نتوانست درست رانندگی کند چکار می‌کنید؟» می‌گوید: «بهش می‌گوییم دور بزن، برو حوزهٔ علمیهٔ قم.»

تقریباً همهٔ مردان مسلمان خدا را شکر می‌کنند که زن نشده‌اند. دکتر سها

جنگ هفتاد و دو ملت الکی است

همه را عذر بنه دلبر من

همه دربارهٔ تو هم‌رأی‌اند

جنگ هفتاد و دو تا عن با زن. م. ا. بر اساس بیتی از حافظ

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ce n’est rien, c’est une femme qui se noye.

چیز خاصی که نیست، می‌بینین؟

یه زنه داره غرق می‌شه، همین!

تن دختری از می عشق مست

مربای آن سیب ممنوعه است. م. ا.

دو چشمونت پیاله پر ز می بی

دو زلفونت خراج ملک ری بی

سراپایت سراسر عشق و حاله

تنت آنتالیا بی یا دبی بی؟

تو رو وقتی که تو استخر دیدم
به دل گفتم خوراک کار گی بی
شنا که می‌کنی مثل یه دلفین
فقط روی زبونم اکّه‌هی بی
تو از هر دختری خانم‌تری خب
خجالت که نداره؛ وا، چه عیبی؟

تن گرم پسر می‌چسبه بدجور
خصوصاً که غروب ماه دی بی

همی وعده کنی امروز و فردا
ندونم مو که فردای تو کی بی
نگو آقام شاید که بفهمه
که آقاتم نداره علم غیبی
نگو می‌رم کلاس انگلیسی
منو کشتی پسر؛ کام آن بیبی
خودم بت انگلیسی یاد می‌دم
بدون که روز جمعه ترزدی بی
دلت پیش خودم گیره عموجون
بگو بینم جواب تو اُکی بی؟ م. ا.

جا به خلوت دهمت تا که نبینند رخت
تو پسربچه تفاوت نکنی با دختر. ایرج میرزا

تنبانش دو تا شده.

یا: تنبان مرد که دو تا شد، به فکر زن دوم می‌افتد.

ترک‌ها می‌گویند: کیشینین جیبی ایکی اولسا، آرواد آلماق فیکرینه دوشر.
(جیب مرد که دو تا باشد، به فکر زن گرفتن می‌افتد.)

تنگ اگر باشد فلان دخترک
یک فشار اندکی محکم‌ترک. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
When the going gets tough, the tough get going.

هرکجایی راه شد صعب‌العبور
گام بردارید سرسخت و به زور.

Never say die!
Up, man, and try!

هیچ موقع نگو بره گم شه
پاشو ای مرد و یک تلاشی کن.

Failure is the stepping stone for success.

شکست گام نخستین به سوی پیروزی است.

By perseverance the snail reached the arc.

با پشتکار مار به عرش خدا رسید.

Nothing is impossible to a willing heart.

چیزی برای یک دل خواهان محال نیست.

Persevere and never fear.

استقامت ورز و هرگز هم نترس.

He that stays does the business.

سرانجام از پس کار او برآید
که در آن پافشاری می‌نماید.

He that can stay obtains.

مردی که می‌تواند ثابت‌قدم بماند
مقصود خویشتن را از دهر می‌ستاند.

He that endureth is not overcome.

وقت سختی او که می‌پاید
هرگز از پا درنمی‌آید.

For a morning rain leave not your journey.

بهر بارانی که می‌بارد سحر
عزم خود را برنگردان از سفر.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Vouloir, c'est pouvoir.

اراده نیروست.

Contre coignée serrure ne peut.

کاری از دست قفل ساخته نیست

روبرویش اگر تبرزینی است.

A cœur vaillant rien d'impossible.

چیزی برای قلب دلیری محال نیست.

Qui s’arrête à chaque pierre, n’arrive jamais.

او که بر سر هر سنگی می‌ایستد هرگز به پایان سفرش نمی‌رسد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A chi vuole, non mancano modi.

هر جا که اراده‌ای است، راهی هم هست.

A chi vuol fare, non manca che fare.

برای فرد مصمم فقط عمل باقی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Alcança, quien no cansa.

خسته هر کس نشود خواهد برد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Até á morte, pé forte.

تا زمان مرگ محکم گام نه.

Porfia mata a caça.

پشتکار شکار را می‌کشد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Aanhoude doet verkrigen.

پایمردی پایهٔ پیروزی است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Frisk vovet er halvt vundet.

یک تلاش باشهامت نیمی از پیروزی است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nil tam difficile est quod non solertia vincat.

کار را هرقدر باشد سخت و حاد
با مهارت می‌توان انجام داد.

تو اگر خم نشوی، تو نرود

قد رعنای تو از این درگاه.

سرو قد تو خمیده کی خواهم دید؟
لعل لب تو مکیده کی خواهم دید؟
پیراهن تو به تن خیالی دیدم
شلوار تو را کشیده کی خواهم دید؟   سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Mind what you do and how you do it.

حواست جمع باشه عاقلونه
چه داری می‌کنی یا که چگونه.

تو با بقیهٔ دخترها فرق داری.

جملهٔ طلایی دختربازهاست.

فمینیست دوآتشه بشوید
تا به این حقه کارها بکنید.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Soft words win hard hearts.

سخن‌های دل‌انگیز و خوشایند
ره دل‌های سنگی را گشایند.

Smooth words make smooth ways.

سخن‌های دل‌انگیز و خوشایند
به نرمی راه خود را می‌گشایند.

Talking of love is making it.

سخن از عشق گفتن خلق آن است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Frauen und Jungfrauen soll man loben, es sei wahr oder erlogen.

راست باشد یا دروغ از بیخ و بن

از زنان و دختران تعریف کن.

Wenn der Fuchs Gänse fangen will, wedelt er mit dem Schwanze.

وقتی روباه می‌خواهد غازها را بگیرد، دمش را تکان می‌دهد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Juras del que ama muger, no se han de creer.

کسی که دلش بی‌قرار زنی است

قسم‌های او ناپذیرفتنی است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Perjuria ridet amantum Jupiter.

به قسم‌های دروغ عشاق

حضرت یووه فقط می‌خندد.

(یووه یا ژوپیتر: خدای آسمان و فرمانروای خدایان در اساطیر رومی. اصل این ضرب‌المثل یونانی است. در مهمانی Symposium افلاطون هم آمده است. در روایت یونانی‌اش به‌جای یووه، زئوس آمده است که فرمانروای خدایان یونانی است. برای درک معنایش باید دانست که در یونان باستان قسم دروغ خوردن گناهی کبیره بوده است؛ به‌ویژه که فرد به خدایان قسم می‌خورده است. زئوس هم که فرمانروای خدایان و قاضی آسمانی و شاهد سختگیر قسم‌ها بوده، مسئول مجازات فرد گناهکار بوده است. اما وقتی مردی برای به دست آوردن دل زن محبوبش قسم دروغ می‌خورده، زئوس — که خودش خدایی عاشق‌پیشه و فوق متخصص از راه به در بردن زن مردم بوده! — قضیه را جدی نمی‌گرفته؛ چون می‌دانسته که یک آدم عاشق به‌خاطر عشقش دست به هر کاری می‌زند.)

تو به عشق در یک نگاه اعتقاد داری یا باید دوباره برگردم؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Loving comes by looking.

عشق با یک نگاه می‌آید.

تو به یک زن بگو چه دانایی

می‌شود گوزفنگ شیدایی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Praise a fool, and you water his folly.

کله‌پوک کس‌خلی را مدح و تحسینی بکن

این‌چنین بی‌عقلی‌اش را آبیاری می‌کنی.

تو به یک زن بگو دل‌انگیزی
تا مخش را به‌کل به هم ریزی. م. ا.

زنان نازک‌دل‌اند و سست‌رای‌اند
به هر خو چون برآریشان برآیند
زنان گفتار مردان راست دارند
به گفت خوش تن ایشان را سپارند
زن ارچه زیرک و هشیار باشد
زبون مرد خوش‌گفتار باشد
بلای زن در آن باشد که گویی
تو چون مه روشنی، چون خور نکویی
ز عشقت من نژند و بی‌قرارم
ز درد و زاری تو جان سپارم
به زاری روز و شب فریاد خوانم
چو دیوانه به دشت و که دوانم
اگر رحمت نیاری، من بمیرم
بدان گیتی تو را دامن بگیرم
ز من مستان به بی‌مهری روانم
که چون تو مردمم، چون تو جوانم
زن ارچه خسرو است، ار پادشایی
وگر خود زاهد است، ار پارسایی
بدین گفتار شیرین رام گردد
نیندیشد کز آن بدنام گردد. فخرالدین اسعد گرگانی

ترک‌ها می‌گویند: قیزا دئدیلر گؤزلسن، دئدی هله دایانین ال اوزومو یویوم.
(به دختر گفتند خوشگلی، گفت حالا صبر کنید دست و صورتم را بشویم.)

تو به یک زن بگو که زیباروست
آنچه چپ می‌کند یهو مخ اوست. م. ا.

معادل پرتغالی:

Dizei-lhe que he formosa, e tornar-se-ha douda.

یک بار به او بگو که زیباست
تا مغز زنک به هم بریزد.

تو به یک زن بگو که زیبایی
کس‌خلی می‌شود تماشایی. م. ا.

معادل اسپانیولی:

Dile que es hermosa, y tornarse ha loca.

تو به خانم بگو که زیبایی
تا که مغزش به‌کل به هم ریزد.

تو به یک زن بگو هنرمندی
سر او گیج می‌رود چندی. م. ا.

تو بگو دختری هنر دارد
تا مخ بچه تاب بردارد. م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Dulcibus est verbis alliciendus amor.

عشق را با گفت‌وگوهای قشنگ
آدمی باید بگیرد توی چنگ.

تو بیا منو بکن.

در جواب کسی گفته می‌شود که هنگام جروبحث بپرسد: «من چکار کنم؟»

شخصی پیش دانشمندی رفت و گفت: «چون در نماز می‌ایستم، کیرم برمی‌خیزد؛ تدبیر چه باشد؟» گفت: «از مرگ پدر و مادر یاد کن.» گفت: «فایده نمی‌کند.» گفت: «نفس واپسین.» گفت: «سودی نمی‌کند.» چندان که از این نوع گفت، هیچ درنگرفت. دانشمند ملول شده، گفت: «ای مردک، بیا در کون من بسپوز.» گفت: «من نیز به خدمت مولانا از بهر آن آمدم تا هرچه فرماید، چنان کنم.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

تو پنداری که چادر زآهن و روست؟

اگر زن شیوه‌زن شد، مانع اوست؟ ایرج میرزا - عارف‌نامه

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Esa es buena que está al fuego y no se quema.

میان زنان آن زنی خوب باشد

که نزدیک آتش چو باشد نسوزد.

تو جیب جین یک داف تا چیزکی نذاری

عمراً نمی‌شه اونو از پاش دربیاری. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When money's taken,
Freedom's forsaken.

آن لحظه که پول را ستاندی

آزادی خویش را رماندی.

They that give are ever welcome.

مقدم بخشندگان همیشه گرامی است.

A man's gift makes room for him.

هدیهٔ هر آدمی جایی برایش وا کند.

A good paymaster never wants workmen.

کارفرمای خوش‌حساب اصلاً

لنگ یک کارگر نمی‌ماند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

They that come wi' a gift dinna need to stand lang at the door.

با هدیه‌ای به جایی اگر پا نهاده‌اند

کم‌تر در انتظار ورود ایستاده‌اند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui vient, est beau; qui apporte, est encore plus beau.

او که می‌آید خوش است، اما

او که چیزی آورد خوش‌تر.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer bringt, ist willkommen.

او که با دست پر آید، قدمش بر سر چشم است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Aperta ha la porta chiunque apporta.

با دست پر به جایی اگر پا نهاده است

بیند که در همیشه به رویش گشاده است.

تو چندان بکن کس که آبت بریزد

نه چندان که کیرت دگر برنخیزد. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Stuff today and starve tomorrow.

امروز پرخوری کن و فردا گرسنه باش.

The more light a torch gives, the shorter it lasts.

هرچه باشد نور مشعل بیش‌تر

مدتی کم‌تر بماند شعله‌ور.

Violent fires soon burn out.

آتشی که تند باشد زود تا آخر بسوزد.

Hot love is soon cold.

عشق وقتی آتشین و داغ بود

بی‌فروغ و سرد خواهد گشت زود.

Nothing that is violent is permanent.

چیزی که تند و ناگهانی است

حاشا اگر که جاودانی است.

The sharper the blast,
The shorter 'twill last.

باد هرقدر شدتی دارد

مدت کم‌تری دوام آرد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that drinks when he's no dry will be dry when he has nae drink.

او که می‌نوشد بدون تشنگی
تشنه خواهد بود بی نوشیدنی.

Love ower het soon cools.

عشق خیلی داغ فوری سرد می‌گردد.

Hotter war, sooner peace.

هرچه جنگی شدتش افزون‌تر است
زودتر هم صلح می‌آید به دست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un bon repas doit commencer par la faim.

یک وعده غذای خوب باید
همراه گرسنگی بیاید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

In picciol tempo passa ogni gran pioggia.

باران تند زود تمام می‌شود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El campo fertil no descansando, torna se esteril.

یک زمین بارور بی‌آیشی
آخرش خشک و سترون می‌شود.

هلندی‌ها می‌گویند:

Vroeg vuur, vroeg asch.

آتش فوری، خاکستر فوری.

رومیان باستان می‌گفتند:

Procellæ quanto plus habent virium tanto minus temporis.

چو طوفان بیش‌تر شدت بگیرد
از آن‌سو زودتر پایان پذیرد. (نقل قولی از سنکا Seneca است.)

تو را اصل وطن کس بود، کون چیست؟
چرا حب وطن اندر دلت نیست؟ ایرج میرزا - عارف‌نامه

ای عجبا، آن که ز زن آفرید

چون ز زن این‌گونه تواند برید.   ایرج میرزا – زهره و منوچهر

تو را کجای دلم بگذارم؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you would be loved, forget not to be lovable.

چو خواستی دگری دوست داردت در دل
ز دوست‌داشتنی بودنت مشو غافل.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ut ameris, amabilis esto.

گر تو خواهی که دوستت دارند
باش یک چیز دوست‌داشتنی. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

شنیده‌ام که در این روزها کهن پیری
خیال بست به پیرانه‌سر بگیرد جفت
بخواست دخترکی خوبروی، گوهر نام
چو درج گوهرش از چشم مردمان بنهفت
چنان‌که رسم عروسی بُود، تماشا بود
ولی به حملهٔ اول عصای شیخ بخفت
کمان کشید و نزد بر هدف که نتوان دوخت
مگر به خامهٔ فولاد جامهٔ هنگفت
به دوستان گله آغاز کرد و حجت ساخت
که خان‌ومان من این شوخ‌دیده پاک برفت
میان شوهر و زن جنگ و فتنه خاست چنان
که سر به شحنه و قاضی کشید و سعدی گفت:
پس از خلافت و شنعت گناه دختر نیست
تو را که دست بلرزد، گهر چه دانی سفت.   سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Calf love, half love; old love, cold love.

عشق نوجوانی
عشق نیمه‌جانی
عشق سالخورده

عشق سرد و مرده.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's auld and cauld, and ill to lie beside.

پیرمرد است و مزاجش سرد است
خفتن اندر بغلش یک درد است.

تو طعم کس نمی‌دانی که چون است
والا تف کنی بر هرچه کون است. ایرج میرزا - عارف‌نامه

چاهی که در آن آب بریزند کدام است؟
هر کس بتواند بدهد پاسخ این را
یک لاشی بی‌تربیت تخم حرام است. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Böser Brunnen, da man Wasser muß eintragen.

چاهی که آدم باید در آن آب بریزد چاه بدی است.

عشق تو که مایهٔ دوصد آزار است
از بهر دعاگو ضررش بسیار است
تو کام دهی مرا و این آسان است
من پول دهم تو را و این دشوار است. ابوالعینک

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I love you well but touch not my pocket.

دوست می‌دارمت، اما لطفاً
تو به جیبم ابداً دست نزن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

True love kythes in time o' need.

راستین و صادقانه چون که باشد عشق ما
در زمان تنگدستی می‌نماید خویش را.

تو که پول نداشتی
چرا کس گذاشتی؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Want makes strife ’twixt man and wife.

مایهٔ جنگ و نزاع شوهر و زن احتیاج است.

تو که گفته‌ای تأمل نکنم جمال خوبان
بکنی، اگر چو سعدی نظری بیازمایی.   سعدی - غزلیات

سر و چشمی چنین دلکش، تو گویی چشم از او برگیر؟
برو کاین وعظ بی‌معنی مرا در سر نمی‌گیرد.   حافظ

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det spörger en Blind om, hvorfor den elskes som er smuk.

این سؤال مرد ناییناست
کز چه رو محبوب آدم‌هاست
هر کسی سیمای او زیباست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Omne pulchrum amabile.

هرچه زیباست دوست‌داشتنی است.

اگرچه بازنشسته‌ست کیر تو ای شیخ
سهی‌قد تن ما می‌شود سه‌سوته بلند
بیا و لطف کن و آن عصای تیزی که
به کون خود نپسندی، به کون ما نپسند
دو روز نوبت ما بود توی این دنیا
دو روز نوبت ما را کشیده‌ای تو به گند
عنم به امر به معروف و درس اخلاقت
جناب گربهٔ زاهد، به ریش خویش نخند
تو مثل شوهر بی‌کیر یک زن هاتی
که تازه هست عن‌آقا حسود و غیرتمند
درون باغ هلو او سگ نگهبانی است
نه می‌خورد، نه گذارد که دیگران بخورند.   م. ا.

چو خویشتن نتواند که مِی خورد قاضی

ضرورت است که بر دیگران بگیرد سخت.   سعدی – گلستان

معادل انگلیسی:

Like the dog in the manger, he will neither eat himself nor let the horse eat.

درست مثل سگی که درون آخوری است

نه می‌خورد، نه گذارد که اسب هم بخورد.

معادل فرانسوی:

Il est comme le chien du jardinier, qui ne mange point de choux, et n'en laisse pas manger aux autres.

هست او همچون سگ یک باغبان

نه کلم‌ها را خود او می‌خورد

نه گذارد تا خورندش دیگران.

معادل پرتغالی:

Caõ de palheiro nem come, nem deixa comer.

سگی درون یک آخور که کار او این است:

نه می‌خورد، نه گذارد که دیگران بخورند.

معادل لاتین:

Canis in præsepi.

سگِ توی آخور.

تهمتن چو بگشاد شلواربند
به زانو درآمد یل ارجمند
عمودی برآورد هومان چو دود
بدان‌سان که پیرانش فرموده بود
چنان در زه کون رستم سپوخت
که از زخم آن کون رستم بسوخت
دگرباره هومان درآمد به زیر
تهمتن به‌سان هژبر دلیر
بدو درسپوزید یک کیر سخت
که شد کون هومان همه لخت‌لخت
دو شمشیرزن کون‌دریده شدند
میان یلان برگزیده شدند

تو نیز ای برادر، چو گردی قوی

سزد گر سخن‌های من بشنوی

بخسبی و کون سوی بالا کنی

هنرهای خود را هویدا کنی

که تا هر کس آید همی‌گایدت

دل از کیر خوردن بیاسایدت

چو بر کس نماند جهان پایدار

همان به که نیکی بُود یادگار. عبید زاکانی، نقیضه بر فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What must be, must be.

آنچه باید بشود باید بشود.

دوباره مستم و حالم خراب است

دلم در حسرت جلقی کباب است

تو وقتی پیش من هستی، چرا جلق؟

تیمم باطل است آن‌جا که آب است. م. ا. مصرع آخر یک ضرب‌المثل فارسی است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A joy shared is a joy doubled, but a sorrow shared is a sorrow halved.

دوبرابر شده یک شادی تقسیم‌شده

لیک یک ماتم تقسیم‌شده نیم شده.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nullius boni jucunda possessio sine socio.

عیش ما عیش خوشی نیست، مگر

که برد سهمی از او فرد دگر.

تواضع را ز کیر من بیاموز

که هر جا ساده‌رویی دید، برخاست. خاکشیر

توبه کردم که نبوسم لب ساقی و کنون

می‌گزم لب که چرا گوش به نادان کردم. حافظ

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hver er sin Synd söd og sin Anger led.

همیشه در مذاق آدمیزاد
گنه شیرین، ولیکن توبه تلخ است.

توجیه یک خدازدهٔ زن‌ذلیل چیست؟
هر شوهری که ظرف نشوره مدرن نیست.   م. ا.

پیامبر اسلام گفته است: هلکت الرجال حین اطاعت النساء!
(مردان اگر از زنان اطاعت کنند هلاک می‌شوند!)

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es findet jeder seinen Meister.

هر کس ارباب خودش را دارد.

توسنی کردم، ندانستم همی
کز کشیدن تنگ‌تر گردد کمند.   رابعه

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Sdegno cresce amore.

خشم شور عشق را افزون کند.

توی تاریکی حقیقت یا مشوش یا گم است
زیر نور شمع یک بز عینهو یک خانم است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Under the blanket the black one is as good as the white.

می‌شود زیر پتو چیز سیاه
به همان خوبی یک چیز سفید.

توی کلاس قرآن تا ثبت‌نام کردی
کون جنابعالی بر باد رفته باشد
نزد سعید طوسی شاگرد بِســ.. نگفته
تا بیخ جزء آخر استاد رفته باشد.   م. ا.

شاگرد که یک بچه‌دبیرستانی است
تفسیر لذیذ رحمت رحمانی است
قرآن به روایت سعید طوسی
یک جور کتاب آسمامامانی است.   م. ا.

پدری از پسرش می‌پرسد: «داری کجا می‌ری؟» پسر جواب می‌دهد: «می‌رم پارتی.» پدر می‌گوید: «خیالم راحت شد. فکر کردم داری می‌ری کلاس قرآن.»

توی کونی که به قدر کیر خر وا می‌شود
یک دوجین دودول امثال تو هم جا می‌شود.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dove va la nave, può andar il brigantino.

هرکجا کشتی از آن رد می‌شود
زورقی هم بی‌گمان رد می‌شود.

توی گوش دختران خوشگل زیر گذر
بوق بنز از بوق پیکان است خیلی بوق‌تر.   م. ا.

هر کُسی را پول کس‌خل می‌کند
معجزه با داف امل می‌کند
بوق یک ماشین خیلی باکلاس
داف‌های سفت را شل می‌کند
هر کصافط‌گوی لاکردار را
عینهو یک دستهٔ گل می‌کند.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

I ken how the warld wags: he's honour'd maist has moniest bags.

نیک دانم که جهان چون گردد
هر کسی کیسهٔ او بیش‌تر است
عزت و حرمتش افزون گردد.

توی هر حوزهٔ علمیه که دایر شده است

روبه سگ‌پدر خرحشری نیست که نیست.   م. ا.

آن صاحب ساق‌های خیلی میزون
ساپورت به پا کرده و آمد بیرون
یک شیخ هم از کنار او رد شد و گفت:
استغفرُ... قل اعوذُ... اُه اُه... ای جون.   م. ا.

ج

من هیچ ندانم که مرا آن که سرشت
از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت
جامی و بتی و بربطی بر لب کشت
این هر سه مرا نقد و تو را نسیه بهشت.   خیام

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Den er Tingen næst, som har den i Hænder.

کسی نزدیک‌تر باشد به یک چیز
که آن را توی دست خویش دارد.

جان من، سنگدلی، دل به تو دادن غلط است
بر سر راه تو چون خاک فتادن غلط است.   وحشی بافقی

ترک‌ها می‌گویند: سندن منه یار اولماز. (از تو برای من یار درنمی‌آید.)

جای یک مرد خالی.

تن مارال عجب مالی بود
انگ تمرین نمدمالی بود
تن خیس از عرقش انگاری
شبنمی روی گل قالی بود
از می ناب جوانی سرمست
مثل یک جام کریستالی بود
عرق ارمنی و ماست‌خیار
حس مستی سبک و عالی بود
سینی نقره و قلیان دوسیب
در هوا خلسهٔ سیالی بود
شب مهتابی زیبایی بود

حس بی‌حالی باحالی بود
بازی وسوسه در جریان بود
چه جدالی و چه فینالی بود
فال حافظ زدم و این بدجنس
چه پدرسوخته رمالی بود
«نیت خیر مگردان» آمد
طبق معمول عجب فالی بود
من و مارال، دو تا لخت‌وپتی
جای یک مرد فقط خالی بود.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les hommes sont rares.

مردها کمیاب‌اند.

جلق آدم را ایدئالیست بار می‌آورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fancy may bolt bran and think it flour.

خیال ما چه بسا که سبوس در غربال
به‌جای آرد بریزد؛ زهی خیال محال.

بعد از این ناز کون و کس کم کش
بر تو زین کار هیچ نگشاید
رغم آن قلتبان که کون طلبد
کوری مردکی که کس گاید
جلق می‌زن که جلق خوش باشد
جلق در زیر دلق خوش باشد.   عبید زاکانی

متلاطم شده‌ام، می‌فهمی؟
جلق‌لازم شده‌ام، می‌فهمی؟   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Sua cuique voluptas.

هرکه سرگرمی خود را دارد.

جلق یعنی بی‌نیازی از همه
عشرتی بی‌زحمت و بی‌واهمه.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ognun si pari le mosche con la sua coda.

بگذار هر کسی مگس‌ها را با دم خودش براند.

جلق‌زنی را به از غرزنی دانید.   عبید زاکانی – صد پند

رومیان باستان می‌گفتند:

E duobus malis minimum eligendum.

از میان بد و بدتر بگزین آنچه بد است.

جماعتی که نظر را حرام می‌دانند
نظر حرام بکردند و خون خلق حلال.   سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Where bad's the best, naught must be the choice.

چون که بد شد بهترین
هیچ‌یک را برگزین.

جندهٔ خایه‌دار.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Whatever you are, be a man.

هرچه هستی باش، اما مرد باش.

جوان سخت می‌باید که از شهوت بپرهیزد
که پیر سست‌رغبت را خود آلت برنمی‌خیزد.   سعدی - گلستان

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's an auld horse that winna nicher at corn.

اسب پیری است چو با دیدن جو
نکشد شیههٔ جانانه یهو.

هلندی‌ها می‌گویند:

Jonge lui, domme lui; oude lui, koude lui.

مردمان جوان، مردمان نادان؛ مردمان پیر، مردمان سرد.

جوان عزب به چوب‌لباسی هم رحم نمی‌کند. م. ا.

حقا که جای خالی چیزی برای مرد
مانند جای خالی یک زن نمی‌شود. م. ا.

عرب‌ها می‌گویند: الغریقُ یَتَشَبَّثُ بِکُلِ حَشیش. (غریق به هر گیاهی چنگ می‌زند.) حدیث نبوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A drowning man will catch at a straw.

مرد غریق چنگ به هر کاه می‌زند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un homme qui se noie s’attache à un brin d’herbe.

یک آدم غریق در آن دم که جان کند
چنگی به ساقهٔ علفی نیز می‌زند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi si affoga, s’attaccherebbe a’ rasoj.

از سر ناچاری انسان غریق
چنگ می‌اندازد او حتی به تیغ.

جوانا، برو جلق زن، گوش دار
سخن‌های پیران مشکین‌نفس
کس و کون مگا کان و این هر زمان
بگندد ز پیش و ببوید ز پس. عبید زاکانی

من ظاهر نیستی و هستی دانم
من باطن هر فراز و پستی دانم
با این‌همه از دانش خود شرمم باد
گر دلبرکی جز کف دستی دانم. م. ا. نقیضه بر خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Be a friend to thyself.

رفیقی از برای خویشتن باش.

جور داداش عنت را چه کنم گر نکشم

همه دانند که در صحبت گل خاری هست.   م. ا. بازی با شعر سعدی

ترک‌ها می‌گویند:

Gülü seven dikenine katlanır.

طالب گل با جفای خار می‌سازد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every bean has its black.

هر لوبیایی سیاهی خود را دارد.

Every path hath a puddle.

هر جاده چاله‌چوله‌ای هم دارد.

No house without a mouse.

خانه‌ای نیست مگر آن‌که در آن موشی هست.

There are lees to every wine.

هر شرابی صاحب دُرد خود است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

There's nae corn without cauf.

غله‌ای نیست که بی‌کاه بُود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le miel est doux, mais l'abeille pique.

عسل شیرین است، اما زنبور نیش می‌زند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non v'è rosa senza spina.

گل سرخی بدون خاری نیست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Geene roozen zonder doornen.

به هیچ جا گل سرخی بدون خار نباشد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ubi uber, ibi tuber.

هر جا گل سرخی است، کنارش خاری است.

جهان از زمانی که آمد پدید
زن خوشگل پاکدامن ندید.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty and honesty seldom agree.

خوشگلی با شرافت و پاکی
ندرتاً سازگار می‌باشند.

جهان دارد آیین بالا و زیر
گهی روی کون و گهی زیر کیر.   م. ا.

بیا عارف که دنیا حرف مفت است
گهی نازک، گهی پخ، گه کلفت است
جهان چون خوی تو نقش بر آب است
زمانی خوش‌اُغُر، گه بدلعاب است
گهی ساید سر انسان به مریخ
گهی در مقعد انسان کند میخ.   ایرج میرزا – عارف‌نامه

معادل‌های انگلیسی:

What one day gives another takes away from us.

آنچه را یک روز می‌بخشد به ما
روز دیگر بازمی‌گیرد ز ما.

What one day brings another takes away.

آنچه را یک روز با خود آورد
روز دیگر نیز با خود می‌برد.

Change of fortune is the lot of life.

عوض گشتن بخت و اقبال تو
همان قرعهٔ زندگانی بُود.

Fortune is fickle.

بخت را هر دم خیالی تازه است.

One abides not long on the summit of fortune.

آدمی بر قلهٔ اقبال نیک
مدتی بسیار ننماید درنگ.

Sadness and gladness succeed each other.

غم و شادی پی هم می‌آیند.

معادل‌های آلمانی:

Es weht nicht allezeit derselbe Wind.

باد همواره ز یک سو نوزد.

Heut' im Putz, morgen im Schmutz.

امروز در زرق‌وبرق، فردا در کثافت.

Heute Kaufmann, morgen Bettelmann.

امروز تاجر، فردا گدا.

معادل اسپانیولی:

Viento y ventura poco dura.

به ندرت باد و بخت شادکامی
برای مدتی دارد دوامی.

معادل پرتغالی:

Vento, e ventura, pouco dura.

باد و اقبال را دوامی نیست.

معادل‌های هلندی:

Heden rood, morgen dood.

امروز رنگ به رو آورده، فردا مرده.

Als 't geluk u tegen lacht, sta dan op de wacht.

اگر لبخند زد بخت دلاویز
ز نیرنگ و فسون او بپرهیز.

جیگرتو بخورم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I love thee like pudding, if thou wert pie I'd eat thee.

تو را مثل شیرینی‌ای دوست دارم
اگر کیک بودی تو را خورده بودم.

چ

نسترن، دختر عباس آقا
جیگره، محشره، غوغاس آقا
نازه، شیرینه، ملوسه، ماهه
خوشگل و خوش‌قدوبالاس آقا
شکلاته، عسله، بستنیه
تافیه، کیکه، مرباس آقا
آخ، ابروشو ببین؛ اووووووف، لپاش
اون لپا محشر کبراس آقا
موقعی که رژلب می‌زنه، وااای
جون ما روی لب ماس آقا
یقهٔ پیرنش از دم بازه
تا کجاهاش که پیداس آقا
باسنش مست و مشنگم کرده
عرق کشمش اعلاس آقا
بدنش عین خدا می‌مونه
از همه عیب مبراس آقا
با صداش آدمو می‌خوابونه
ناکس انگار حمیراس آقا
بس‌که مامانه برا مخ زدنش
یه محل گرم تقلاس آقا
قبلهٔ ما پسرا این روزا
خونهٔ نسترن‌ایناس آقا
سوژه‌جلق همه‌مون نسترنه
بس‌که این دختره زیباس آقا
بین کل پسرا توی محل
سر این دختره دعواس آقا
پای کل‌کل که بیادش به وسط
شرترین دختر دنیاس آقا
هر کسی بش متلک بندازه

قسمتش مشته و تیپاس آقا
کم نیاورده هنوز از پسرا
بی‌مروت چگواراس آقا
هر زمونی که به من زل بزنه
آمپر من یهو بالاس آقا
خوب می‌دونه چه‌کارم کرده
این از اون تخم حروماس آقا
دست من از بدنش کوتاهه
عین دست خود آقاس آقا
خوردنی نیس، نگاکردنیه
همهٔ درد من این‌جاس آقا
از زمونی که شدم دیوونه‌ش
هر شب من شب احیاس آقا
بس‌که من جلق زدم با فکرش
کمرم خم شده، دولّاس آقا
یک عدد ریش سخنگو می‌گفت
چارهٔ مسئله تقواس آقا
چارهٔ دردسر عشق فقط
کشف ابن زکریاس آقا
منو با جلق جوونمرگ نکن
پیر شی دختر عباس آقا. م. ا.

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Give wine to them that are in sorrow.

به افراد غمگین شرابی بده.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A sorrowfu' heart's aye dry.

دل غمگین همیشه لب‌تشنه‌ست
(= تا که جام مِی‌اش نگیرد دست
از غم و غصه‌اش نخواهد رست).

به نرمی گفتمش کای یار دمساز
بیا این پیچه را از رخ برانداز

چرا باید تو روی از من بپوشی
مگر من گربه می‌باشم، تو موشی؟

من و تو هر دو انسانیم آخر
به خلقت هر دو یکسانیم آخر
بگو، بشنو، ببین، برخیز، بنشین
تو هم مثل منی ای جان شیرین
تو را کان روی زیبا آفریدند
برای دیدهٔ ما آفریدند. ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A mouse will not love a cat.

موش هرگز به میل و رغبت خود
عاشق گربه‌ای نخواهد شد.

Can a mouse fall in love with a cat?

موشی آیا می‌تواند عاشق یک گربه گردد؟

چشم‌هایت چپ نشود یک‌وقت.

کاشف شیطون‌بلای چادر مشکی
حق نبوغ هراسناک تو بوده
جایزهٔ سال علم چشم‌پزشکی. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Das Auge sieht sich nimmer satt.

چشم هرگز از دیدن سیر نمی‌شود.

چشم‌هایش سگ دارد.

چنانچه کون تو نزدیک کیری است
خودت را جمع کن فوری برادر
چو دستت در دهان نره‌شیری است

بجنب و فوری آن را دربیاور. م. ا.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد

بلاندیده دعا را شروع باید کرد.

ترک‌ها می‌گویند: دوشمن گوجسوز ده اولسا، احتیاطی الدن وئرمه.

(گرچه دشمن ضعیف و بی‌زور است

تو مده احتیاط را از دست.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When the cat winketh, little wots the mouse what the cat thinketh.

موش کوچولو کجا بو می‌برد

آن زمان که گربه چشمک می‌زند

چه خیالی در سرش می‌پرورد.

Though the cat winks awhile, yet sure she is not blind.

گرچه او یک‌چند چشمک می‌زند

گربه اما مطمئناً کور نیست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui dit averti, dit muni.

هرکه هشدار به او داده شده

گویی از پیش مسلح شده است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Un avvertito ne val due.

هرکه هشدار به او داده شده

مثل این است که همچون دو تن است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El que á su enemigo popa, á sus manos muere.

عدو را سرسری هر کس بگیرد

یقین روزی به دست او بمیرد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Despreza teu inimigo, serás logo vencido.

دشمنت را حقیر بنگر و خرد

تو به زودی شکست خواهی خورد.

چنانچه کیر بخوابد نکرده کارش را

بسا که بار دگر راست کردنش سخت است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love's fire, if it once go out, is hard to kindle.

آتش عشق در آن‌وقت که خاموش شود

باز افروختنش کار بسی دشواری است.

برای کوری این خرمگس‌ها

دو در دارد شبستان هوس‌ها

چنانچه مهر و موم است این‌یکی در

چه غم؟ داخل بشو از راه دیگر. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Milk which will not be made into butter must be made into cheese.

کره وقتی نمی‌دهد یک شیر

باید آن شیر را کنید پنیر.

چنین است آیین گردون پیر

یکی روی کون و یکی زیر کیر. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Life is like a horse race, there are winners and losers.

زندگی مثل یک مسابقهٔ اسب‌دوانی است، برندگانی هستند و بازندگانی.

چنین نماید شمشیر خسروان آثار

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار. عنصری

بنا به قول بزرگان بکن‌بکن هنر است

ملات کاخ تمدن همین نم کمر است

بنا به گفتهٔ سقراط من نمی‌دانم

سروش معبد دلفی چگونه باخبر است

که در کنار پسرهای خوشگل آتن
چو بحث بر سر عشق است، شرت بنده تر است
بنا به قول ارسطو تراژدی یعنی
کسی که پیر شده‌ست و هنوز یک پسر است
عقیدهٔ دیوژن جالب است، می‌گوید:
خمار حالت داگی است هرکه سگ‌حشر است
دکارت گفته که ما می‌کنیم، پس هستیم
و کانت گفته فقط او که می‌کند بشر است
هگل نوشته که ایش لیبه دیش دی شایسه
که می‌شود: سخن عشق پاک گوز خر است
چه خوب گفته دریدا که شرت را بدرید
و نیچه گفته ابرمرد مرد پرده‌در است
لنین نوشته زن بورژوا حلال شماست
و مارکس گفته که مرد کننده کارگر است
به قول خانم آرنت سکس یک ظلم است
زن خدازده زیر است و شوهرش زبر است
جناب شکسپیر از زبان هملت گفت:
اوفیلیا، کمر شل چقدر دردسر است
بنا به گفتهٔ ولتر زنی که بیمار است
سریع‌تر بکنیدش که عمر در گذر است
بنا به گفتهٔ بودا برهنگی زیباست
اوشو نوشته زن لخت خوش‌لباس‌تر است
برهنگی مد شیک زمان میمون‌هاست
ز داروین شده نقل و درست و معتبر است
بنا به گفتهٔ ناپلئون کبیر این چیز
درفش فتح مبین است و پرچم ظفر است
بنا به گفتهٔ لورکا لبان ماتیکی
شبیه کهنهٔ قرمز برای گاو نر است
فروید گفته بکن، هی بکن، دوباره بکن

که عمر مرد بدون بکن‌بکن هدر است
بنا به گفتهٔ آدلر درست گفته فروید
و یونگ گفته کلام فروید پرگهر است
ز ساختارگرایان روس منقول است:
حشرترین زن دنیا زن لچک‌به‌سر است
بنا به گفتهٔ اسمیت او که پول گرفت
اگر خفن نکنیدش ضرر سر ضرر است
سوسور نوشته که هر جمله‌ای که می‌گویید
اگر سه کاف ندارد، کلام بی‌اثر است
کیر که‌گارد نوشته در اول اسمم
شکوه قلهٔ زیبای عشق مستتر است
فوکو نوشته پسا در پسامدرن‌ترین
کمر برای بشر حالت پسافنر است
به گفتهٔ گراهام بل زنی که می‌خارد
همیشه مشترک ناز مورد نظر است
بنا به گفتهٔ استیو جابز منشی خوب
به یک اشارهٔ من طاقباز یا دمر است
بنا به گفتهٔ بیل گیتس سایت مستهجن
بهانهٔ طرب‌انگیز جلق کاربر است
مسیح این وسط اما به راه دیگر رفت
که هرکه پیرپسر مانده است بی‌پدر است
بنا به گفتهٔ زرتشت نیک یعنی سکس
و مرد نیک به کردار نیک مفتخر است
مطهری که تمدن رهین منت اوست
نوشته است که این سنت پیامبر است
شریعتی، پدر معنوی کس‌خل‌ها
نوشته است ابوذر ابوی روی ذر است
ز قمشه‌ای بشنو: سکس مثل سمفونی است
در آخ و اوخ زن آواز وحی جلوه‌گر است

قرائتی نظر شاعرانه‌ای دارد:
سرین مؤمنه هنگام سجده چون قمر است
بنا به گفتهٔ پورازغدی پسر کردن
چنانچه کاندومتان چینی است پرخطر است
سعید طوسی ما گفته آیه‌های خدا
به سوی خایهٔ دلبر چه خوب راهبر است
معظمٌ له ما خواب سکسی‌ای دیده
که سرور صد و پنجاه میلیون نفر است
برای نیل به اهداف عالی ایشان
وظیفهٔ من عمار سکس مستمر است
وظیفهٔ تو که آتش به اختیارتری
جماع ددمنشانه ز شام تا سحر است
ترامپ گفته به آقا، بترس ای بز گر
که بدرقم ببعی می‌شود بزی که گر است
بنا به گفتهٔ الهام جان چرخنده
فلان عشق من از چیز خر رشیدتر است
بدون مغز و پروستات و خایه کار خداست
که برد تیر تنش از خلیج تا خزر است
فروغ گفته که یک بسته قرص تأخیری
اگر به خانهٔ من آمدی، کنار در است
ز سیبویه سؤالی شده که فاعل کیست
جواب داده جماعش شبیه جانور است
جنید گفته که اوفی ز حلق یک صوفی
هزار حج پیاده‌ست و بوسه بر حجر است
بنا به گفتهٔ عین‌القضات هرکه نکرد
مشخص است که یک آدم عن لچر است
به قول شیعه هر آن‌کس که می‌کند علی است
به قول اهل تسنن نخیر، او عمر است
به قول محتشم از معجزات مذهب ما

وفور جا و مکان در محرم و صفر است
به قول شاه شهید از همه بلاد زنی
سوار سرسرهٔ شاعرانهٔ قجر است
حکیم طوس نوشته که جنگ تنگاتنگ
فشار نیزهٔ خونین درون یک سپر است
به قول رابعهٔ بنت کعب چرمینه
به سوی کعبهٔ دل عارفانه در سفر است
بنا به گفتهٔ خیام یار یک کوزه‌ست
که خیس بادهٔ تن در کنار یک تبر است
به قول شیخ اجل، سرور نظربازان
صفای چشم‌چرانی شفای هر بصر است
به آسمان نظری آتشین و سکسی داشت
جناب مولوی انگار کون‌حق‌نگر است
شفا ز گفتهٔ شکرفشان حافظ جوی
بر این رواق زبرجد نوشته‌ای به زر است
که جز نکویی اهل کِرِم نخواهد ماند
کَرَم نمای و کِرِم زن که بچه خون‌جگر است
درست اگر نکند مدعی، خدا بکند
حدیث هول قیامت سوسیس شعله‌ور است
بگیر طرهٔ مه‌چهره‌ای و روضه مخوان
که گوش آدم عاقل برای روضه کر است
چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار
که تخم‌های بزرگان قشنگ این‌قدر است

دست‌ها را تا توانی باز کن... آ... بیش‌تر
آفرین، منظور من تقریباً این است، این‌قدر

و بنده، شاعر عصر جهاد جلق‌نشان
برای تو غزلی گفته‌ام که چون شکر است
دروغ شاعر و آخوند جایز است، ولی
اگر که راست بگوییم مزه‌اش دگر است

نه من خودم بکنم، نه شما بکن هستید
که وعظ بی‌عملان یک درخت بی‌ثمر است
به قول شخص خودم سکس با الهۀ شعر
برای آدم بی‌بته بهترین هنر است.   م. ا.

چو باشد ملک ایران محشر خر
خر نر می‌سپوزد بر خر نر.   ایرج میرزا - عارف‌نامه

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Tanti paesi, tante usanze.

این‌همه کشور، این‌همه سنت.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

En cada tierra su uso.

هر مملکتی رسم خودش را دارد.

چو بالای منبر رود شیخ ما
زن و مادرت را دوچشمی بپا.   م. ا.

این تقوی‌ام تمام که با شاهدان شهر
ناز و کرشمه بر سر منبر نمی‌کنم.   حافظ

خواهر خانم‌دماغی پای منبر رفته بود
دیدن او کار دست شیخک کس‌لیس داد
شیخ از آن بالای منبر با دو چشم برزخی
سایز ساق و ران و کون و سینه را تشخیص داد
النکاح سنتی و حاج‌خانم صیغه شد
تا اذان ظهر پس‌فردا به او سرویس داد
بانگ هل من ناصری، لبیک هل من فاکری
پرسش لب‌تشنه‌ای را یک جواب خیس داد
خواهر بیچاره اهل کوفه هم اصلاً نبود
شیخ ما هم دست او باتوم پرساندیس داد
ظاهراً باید به ملای محل در علم سکس

توی دانشگاه سوربن کرسی تدریس داد

هرچه را دانستنش در حرفهٔ او شرط بود

این دهن‌سرویس یاد حضرت ابلیس داد.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quando la volpe predica, guardatevi, galline.

اگر روباه رفته روی منبر

شما ای مرغ‌ها، خود را بپایید.

چو بر زن کام دل راندی یکی بار

چنان دان کش نهادی بر سر افسار.   فخرالدین اسعد گرگانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A begun work is half ended.

نصف آن کار که آغاز شد انجام شده.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le premier pas engage au second.

گام اول آدمی را پایبند گام دوم می‌کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Frisch gewagt ist halb gewonnen.

نصف کاری که جسورانه شروعش بکنی کرده شده.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Principio querem as cousas.

هرچه را می‌باید از یک نقطه‌ای آغاز کرد.

چو دلدارت اپن یا حلقوی نیست

نصیبت جز سلوکی معنوی نیست.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Quand la porte est basse il faut se baisser.

در که کوتاه است می‌باید سرت را خم کنی.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Mach dich nicht zu hoch, die Thür ist niedrig.

سرت را زیادی تو بالا نگیر
چرا که در خانه‌ات کوته است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dove l’uscio è basso, bisogna inchinarsi.

کسی که در خانه‌اش کوته است
بباید سرش را کمی خم کند.

چو زن خواهد که گیرد با تو پیوند
نه چادر مانعش گردد، نه روبند. ایرج میرزا - عارف‌نامه

آلمانی‌ها می‌گویند:

Weiber hüten ist vergebliche Arbeit.

پاییدن خانم‌ها یک زحمت بیهوده‌ست.

دختران را کنجکاوی‌هایشان
عاقبت جر می‌دهد از بیخ و بن

چوب در کندوی زنبوران بکن
دست در شرت سلحشوران نکن. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never put your hand into a wasp's nest.

دست خود را ابداً هیچ زمان
داخل لانهٔ زنبور نکن.

Let that fly stick to the wall.

مگس را چون که دیدی که بنشسته‌ست بیکار
ولش کن تا بماند همان‌جا روی دیوار.

Cats hide their claws.

گربه‌ها پنجول‌های خویش را پنهان کنند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

So el sayal, hay al.

چیزی اندر زیر گونی مخفی است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Debaixo do sahal, ha al.

اندر پس این پلاس چیز دگری است.

رومیان باستان می‌گفتند:

In flammam ne manum injieito.

دست خود را داخل آتش منه.

هر مال اضافه بر نیازی که تو راست

یک پنجم آن نثار حلق فقهاست

چون آلت من مثل خودم بیکار است

خمسش که سه سانت می‌شود... شیخ کجاست؟ م. ا.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Ferro, que naõ se usa, enche-se de ferrugem.

آهنی که مورد استفاده قرار نگیرد زود زنگ می‌زند.

چون کیر بینداز سرت را پایین

هر راه که خواهی بروی راست برو. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Mind your own business.

حواست به کار خودت باشد و بس.

چون‌که توی کلهٔ دختر مخی در کار نیست

پس مخ دختر زدن یک حرف معنی‌دار نیست

هیچ چیزی در جهان، حتی خود مفهوم هیچ

مثل مغز زن‌جماعت از تهی سرشار نیست. م. ا.

معادل انگلیسی:

When an ass climbeth a ladder, you may find wisdom in women.

هر زمان دیدی خری از نردبان بالا رود

در وجود زن‌جماعت هم خرد پیدا شود.

قهوهٔ تلخ شکر خواهد یافت

دل یخ‌بسته شرر خواهد یافت
گوش شیطانی ملاها کر
دختر از عشق خبر خواهد یافت
عشق وقتی که رهش بسته شود
زود یک راه دگر خواهد یافت
دیر یا زود تنی نوبالغ
خنده‌ای وسوسه‌گر خواهد یافت
سال‌ها رازی از او دزدیدند
راز را یک‌شبه درخواهد یافت
لانه امن است، ولی یک‌روزی
جوجهٔ چلچله پر خواهد یافت
چه بخواهد، چه نخواهد حاجی
دخترش دوست‌پسر خواهد یافت. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love laughs at locksmiths.

عشق می‌خندد به ریش قفل‌ساز.

Love will creep where it cannot go.

عشق اگر عازم جایی بشود
می‌خزد گر نتواند برود.

Love will find a way.

عشق راهی پیدا خواهد کرد.

Love will force a passage.

عشق با زور رهی بگشاید.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Liebe weiß verborgene Wege.

عشق راه‌های مخفی را می‌شناسد.

Wo's spukt, da liebt oder diebt sich's.

وقتی که اشباح جایی روان‌اند
یا عاشقان یا دزدان در آن‌اند.

Liebe, Diebe und Furchtsamkeit, machen Gespenster.

عشق، دزدان و ترس هستند که اشباح را به وجود می‌آورند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Omnia vincit amor.

عشق بر هر چیز چیره می‌شود. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

چه خرکیفی زنان پیر بودند
اگر که آرزوها کیر بودند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If wishes were horses, beggars would ride.

چنانچه آرزوها اسب بودند

گدایان هم سواری می‌نمودند.

Wishes never fill a sack.

حاش لله آرزوها گونی‌ای را پر کنند.

Better to have than wish.

داشتن از آرزوی داشتن نیکوتر است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

If wishes were horses beggars wad ride, and a' the warld be drowned in pride.

آرزوها اسب می‌بودند اگر

هر گدایی هم سواری می‌نمود

کل دنیا نیز از سر تا به بن

در غرور و در تکبر غرق بود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Si souhaits fussent vrais, pastoureaux rois seraient.

چنانچه آرزوها راست بودند

شبانان پادشاهی می‌نمودند.

Oncques souhait n’emplit le sac.

هیچ موقع آرزوها گونی‌ای را پر نکردند.

چه خیری برآید از آن خاندان

که بانگ خروس آید از ماکیان.

در قدیم زنان فمینیست را مرغی با بانگ خروس می‌نامیدند. به فرزدق، شاعر معروف عرب، گفتند که فلان زن (یا دختر) شعر می‌گوید. گفت: «اذا صاحَتِ الدجاجَهُ صیاحَ الدیک فلتُذبَح.» (وقتی ماکیان صدای خروس برآورد، باید او را کشت.)

گویند ماکیان را باید گرفت و کشت
گر برخلاف رسم کند نغمهٔ خروس
برگو که چون کنند اگر شاعری کند
شاعرپسند لعبتی آماده چون عروس. ایرج میرزا

در خرمی بر سرایی ببند
که بانگ زن از وی برآید بلند. سعدی – بوستان

معادل‌های انگلیسی:

It is a sad house where the hen crows louder than the cock.

این نشان خانه‌ای پرماتم و یأس‌آور است
بانگ قوقولی مرغش از خروس آن سر است.

It never goes well when the hen crows.

صورت خوبی ندارد هر زمان
مرغ خانه گشته قوقولی‌کنان.

A whistling woman and a crowing hen are neither fit for God nor men.

زنی سوت‌زنان و مرغی قوقولی‌کنان نه به درد خدا می‌خورند و نه به درد مردان.

معادل فرانسوی:

Triste est la maison où le coq se tait et la poule chante.

خانه‌ای بی‌خیر و محزون و دل‌آزار است آن
گر خروسش ساکت است و مرغ قوقولی‌کنان.

معادل ایتالیایی:

In quella casa è poca pace ove la gallina canta, ed il gallo tace.

صلح و آرامش در آن خانه نباشد در میان
گر خروسش ساکت است و مرغ قوقولی‌کنان.

معادل اسپانیولی:

Triste es la casa, donde la gallina canta, y el gallo calla.

مطلقاً خیری در آن خانه نمی‌آید به دست

گر در آن‌جا مرغ می‌خواند، خروسش ساکت است.

معادل پرتغالی:

Onde está o gallo, naõ canta a gallinha.

جایی که خروس باشد آن‌جا

قوقولی مرغ را چه معنا؟

چیز خونریز من ار سرخ برآمد چه عجب

خجل از کردهٔ خود پرده‌دری نیست که نیست.   م. ا. نقیضه بر حافظ

بر کس ستم زمانه می‌بین و مپرس

وان وسعت بی‌کرانه می‌بین و مپرس

دوشش گفتم: «ز کیر چون رستی؟» گفت:

«خون بر در آستانه می‌بین و مپرس».   عبید زاکانی

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvo som Synden saaer skal höste Skam.

او که تخم شر کاشت

شرم برخواهد داشت.

در کارگه کوزه‌گری بودم دوش

دیدم دو هزار کوزه گویای خموش

هر یک به زبان حال با من می‌گفت:

چیزی به کف آور و بنه چیزی توش.   م. ا. نقیضه بر خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is life, life is love.

عاشقی زندگی است، زندگی عاشقی است.

چیزی به‌سان عشق به زن جاودانه نیست

تنها دو روز و نصفی زیبای زندگی است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Lads' love's a busk of broom, hot a while and soon done.

عشق پسران آتش در دستهٔ جارویی است
داغ است دمی، اما یک لحظهٔ دیگر نیست.

The heart that once truly loves never forgets.

عشق پرشور و درست و بی‌غش
دل چو یک مرتبه آن را حس کرد
هرگز از یاد نخواهد بردش.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Amor de niño, agua en cesto.

عشق پسری جوان و کم‌سال
آبی است که هست توی غربال.

Bien ama quien nunca olvida.

آن‌کسی عاشق خوبی است که یادش نرود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Elsk mig lidt og elsk mig længe.

کم، ولی طولانی دوستم داشته باش.

چیزی که ریخته، دختر.

صد باغ بهار است و صلای گل و گلشن
گر میوهٔ یک باغ نچیدیم، نچیدیم. وحشی بافقی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wink and choose.

تو چشمکی بزن و انتخاب کن.

Seek and ye shall find.

جست‌وجو بنما که پیدا می‌کنی. (نقل قولی از انجیل است: متی ۷:۷.)

Seek till you find, and you'll not lose your labour.

جست‌وجو کن تا بیابی و بدان
زحمت بی‌خود ندادی خویش را.

Take heed you find not that you do not seek.

مواظب باش یک موقع نیابی که نمی‌جویی.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien busca halla.

هرکه جویا گشت پیدا می‌کند.

ح

حاج‌آقا، شما بودید بشکن زدید؟

زنی به خانهٔ دوستش می‌رود. می‌بیند که تخت دوستش و شوهر او هرکدام در یک طرف اتاق خواب گذاشته شده‌اند. به دوستش می‌گوید: «وا، چرا تخت حاج‌آقا رو گذاشتی اون‌سر اتاق، تخت خودتو گذاشتی این‌سر اتاق؟» دوستش می‌گوید: «چه عیبی داره مگه؟» زن می‌گوید: «آخه اگه یه‌وقت شب حاج‌آقا میلش به تو بکشه چی؟» دوستش می‌گوید: «هر وقت حاج‌آقا میلش به ما بکشه، بشکن می‌زنه، ما شرفیاب می‌شیم.» زن می‌گوید: «خب، اگه یه‌وقت تو میلت به حاج‌آقا بکشه چی؟» دوستش می‌گوید: «چی بگم والا، خب، اگه من میلم به حاج‌آقا بکشه، تو جام یه غلتی می‌زنم، می‌گم: حاج‌آقا، شما بودید بشکن زدید؟»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every man knows what is best for himself.

هر آدم خودش خوب می‌دونه که
چه چیزی برای خودش بهتره.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Cada qual sabe para seu proveito.

هر کس برای منفعت خویش عاقل است.

به هوای دو دقیقه کردن
ناز دلدار کشیدم شش ماه
حاصل این‌همه زحمت چی بود؟
چند تا تقه و بعدش یک آه. م. ا.

در یکی از کالج‌های آمریکا کشیشی داشت برای دختران دانشجو دربارهٔ حفظ عفت موعظه می‌کرد و می‌گفت: «نمی‌ارزه به‌خاطر یه ساعت خوشی یه عمر سرافکندگی رو تحمل کنید.» یکی از دختران دانشجو بلند شد و گفت: «ببخشید پدر، شما چکار می‌کنید که یه ساعت طول می‌کشه؟»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pleasant hours fly fast.

اوقات خوشی سریع پرواز کنند.

All good things must come to an end.

باید از دم همهٔ خوبی‌ها
دیر یا زود به پایان برسند.

درد کیری گنده را چون می‌توان گفتن به کس
حال یک جرخورده را جرخوردگان دانند و بس. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: دامدان دوشه‌نین حالینی دامدان دوشن بیلر.
(حال یک مرد ز بام افتاده را
داند آن‌کس که ز بام افتاده است.)

فرانسوی‌ها می‌گویند:
Mal d'autrui n'est que songe.

بدبختی دیگری فقط یک رؤیاست.

حالا ما همه‌جا گفتیم کردیم، شمام بگید کرده.

نقیضه‌ای است بر دیالوگی در فیلم *قیصر* مسعود کیمیایی که: حالا ما همه‌جا گفتیم زدیم، شمام بگید زده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Facts speak louder than words.

واقعیت‌ها بلندتر از کلمات حرف می‌زنند.

حالی درون پرده بسی فتنه می‌رود
تا آن زمان که پرده برافتد چه‌ها کنند. حافظ

در مورد دختران باکره‌ای به کار می‌رود که از ته دل اهل دل‌اند.

این دختره را هرکه پدید آورده
پنداشته فکر همه‌جا را کرده
تا از هوس شش جهتش حفظ کند
در پنجدریش پرده‌ای گسترده

این کوزه‌گر دهر خطایی کرده

کو را ز خمیرهٔ هوس پرورده
این‌گونه که در پرده بسی فتنه رود
چه جنبش سبزی بکند بی پرده.   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fugere est triumphus.

گریز از وسوسه فتحی بزرگ است.

حجاب برای زن مثل پالان برای خر است.   آیت الله علم الهدی

خرتر از حضرت آخوند خری نیست که نیست
پوک‌تر از سر او هیچ سری نیست که نیست.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: دلیدن عاغیل اومماق اولماز. (دیوانه عاقل‌بشو نیست.)

حجاب مصونیت است، نه محدودیت.

روسری اذیتت می‌کنه؟ دوست داری وقتی می‌ری بیرون، باد بپیچه لای موهات؟ حالا خوبه یه کفتر فضله بندازه رو سرت؟ پس خواهرم، به یاد داشته باش که حجاب مصونیت است، نه محدودیت.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every why hath its wherefore.

هر چرا صاحب زیرای خود است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Alle waarom heeft zijn daarom.

هر چرایی صاحب زیرایی است.

حجاب موجب بالا رفتن معدل دانشجویان می‌شود.   آیت الله خزعلی

تو که عمامه بر سر می‌گذاری
مگر روی سر خود شاخ داری؟
فقط گاوان و بزها شاخ دارند
تو خر هستی، پس از چی شرمساری؟   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi nasce matto, non guarisce mai.

هر کسی زاییده شد یک کس‌بیو

هیچ درمانی ندارد درد او.

حجاب نام و ننگ از پیش بردار

که محرم کون نپوشاند ز محرم. سعدی

خبر از عشق نبوده‌ست و نباشد همه عمر

هرکه او را خبر از شنعت و رسوایی هست. سعدی - غزلیات

رومیان باستان می‌گفتند:

Amicorum esse communia omnia.

دارایی دوستان عمومی است.

حدیث عشق اگر گویی گناه است

گناه اول ز حوا بود و آدم. سعدی - غزلیات

یک آمریکایی گمنام گفته است:

Remember: If you don't sin, Jesus died for nothing.

به خاطر داشته باش: اگر گناه نمی‌کنی، عیسی بی‌خودی مرده.

حُسن خوب است، اگر کام دل از وی گیری

ثمرش چیست درختی که نچینی ثمرش؟ ایرج میرزا

در گردن او دست دلیرانه برآور

لرزیدن و نزدیک شدن کار نسیم است

لب بر لب معشوق نه و سینه به سینه

کز کام گذشتن روش عهد قدیم است. ملا سیری جرفادقانی

ز سمند آرزوها لگدش نصیب ما شد

که ز ماه کوچه‌پشتی رصدش نصیب ما شد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty is but a blossom.

خوشگلی یک شکوفه است و همین.

ز ساختارگرایان روس منقول است:

حشرترین زن دنیا زن لچک‌به‌سر است. م. ا.

سیمای دماغِ بین چادر دارد
از ریمل و ماتیک دلی پر دارد
این خواهر زشت توی ون انگاری
از هرچه قشنگ است تنفر دارد

در امر به معروف تبحر دارد
بیماری مزمن تذکر دارد
با این‌همه کابوس مخوفش این است:
یک جای تنش همیشه شرشر دارد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

In the coldest flint there is hot fire.

در سردترین چخماق یک آتش سوزان هست.

The fire in the flint shows not till it's struck.

آتشی که درون چخماق است
تا نکوبی، عیان نخواهد شد.

حق با لیلی است.

از مجنون پرسیدند: «در دعوای خلافت حق با ابوبکر است یا علی؟» گفت: «حق با لیلی است.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To the world you may be one person but to one person you may be the world.

تو شاید یک نفر باشی برای این جهان، اما
برای یک نفر شاید تمام این جهان باشی.

حکم زن روان است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ce que femme veut Dieu le veut.

آنچه زنی خواسته را شخص خدا خواسته است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Lo que la muger quiere, Dios lo quiere.

آنچه یک زن اراده کرد آن را
گویی آن را اراده کرده خدا.

حلاج بر سر دار این نکته خوش سراید
از شافعی نپرسند امثال این مسائل. حافظ

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Aimer et savoir n’ont même manière.

عشق ورزیدن و خردورزی
از بن و بیخ مختلف هستند.

زن روز مرد را چو شب تار می‌کند
آسوده آن‌کسی است که تف کار می‌کند
حمام شیخ و آهک و زرنیخ و واجبی
کون را مثال چینی فخار می‌کند. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Clear as crystal.

شفاف چون بلور.

حمله با شیرمرد همراه است
حیله کار زن است و روباه است. سنایی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The fox’s wiles will never enter the lion’s head.

نیرنگ و حقه‌های یکی روبه حقیر
حاشا که می‌رسند به فکر بلند شیر.

Wiles help weak folk.

نیرنگ و حیله‌ها به ضعیفان کمک کنند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Donna si lagna, donna si duole, donna s’ammala quando la vuole.

زنه البته درد داره خفن

زنه البته غصه داره زیاد

زنه البته سخت بیماره

هر زمونی خودش دلش می‌خواد.

خ

خانم‌دماغ طفلک تا چشم وا نماید

تا خایه‌های شیخ شیاد رفته باشد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Take care of an ox before, an ass behind, and a monk on all sides.

از سه مکان: از جلوی گاو نر

از طرف پشت سر نره‌خر

وز همهٔ دوروبر راهبی

الحذر و الحذر و الحذر.

Beware of the forepart of a woman, the hind part of a mule, and all sides of a priest.

از روبروی یک زن و از پشت قاطری

وز هر چهار سوی کشیشی به دور باش.

خانه‌ای را که دو کدبانوست، خاک تا زانوست.

معادل‌های ترکی: آرواد ایکی اولاندا ائو سوپورولمه‌میش قالار.

(زن دو تا باشه اگه تو خونه

خونه جارونشده می‌مونه.)

چوبان چوخ اولاندا قویونو قورد یئیر. (چوپان که زیاد باشد، گوسفند را گرگ می‌خورد.)

معادل عربی: مِن کثرة الملاحین غرقت السفینه. (از زیادی جاشوها کشتی غرق شد.)

معادل انگلیسی:

Everybody’s business is nobody’s business.

کار همه کار هیچ‌کس نیست.

معادل آلمانی:

Wo zu viel Arbeiter sind, da richtet man wenig aus.

اوستاها چنانچه بسیارند
حاصل کار اندکی دارند.

معادل هلندی:
Hoe meerder dienstboden hoe slechter dienst.

هرچه نوکر بیش‌تر، خدمت نمودن بدتر است.

معادل دانمارکی:
Jo flere Hyrder, jo værre Vogt.

هرچه چوپان بیش‌تر، تیمار گله کم‌تر است.

خایه و کیر من سر پیری:
این‌یکی تخمی، آن‌یکی کیری. م. ا.

مولانا قطب‌الدین به راهی می‌گذشت. شیخ سعدی را دید که شاشه کرده و کیر در دیوار می‌مالید تا استبرا کند. گفت: «ای شیخ، چرا دیوار مردم را سوراخ می‌کنی.» گفت: «قطب‌الدین، ایمن باش؛ بدان سختی نیست که تو دیده‌ای.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

ترک‌ها می‌گویند: شیر قوجالاندا اؤزونه گولمگی گه‌لر. (شیر که پیر می‌شود از خودش خنده‌اش می‌گیرد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
My dancing days are done.

روزهای رقص من دیگر به پایان آمده.

سیاوش ز کردار زن شد به باد
خجسته زنی کو ز مادر نزاد. فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:
A woman is an angel at ten, a saint at fifteen, a devil at forty, and a witch at fourscore.

زن در ده‌سالگی یک فرشته، در پانزده‌سالگی یک قدیسه، در چهل‌سالگی یک شیطان و در هشتادسالگی یک جادوگر است.

خدا کودکی را به آن زن دهد
که در حق مردی نکویی کند

نه در خرج جان و نه در خرج تن
نباید کسی صرفه‌جویی کند.   م. ا.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Faze bem, naõ cates a quem.

تو نیکی کن و بی‌خیالش بشو
که در حق کی نیکویی می‌کنی.

جوانی قوی‌پنجه و پیلتن
شبی خفت با لعبت خویشتن
دمی لاس و بوسیدن آغاز کرد
سپس بند تنبان از او باز کرد
پری‌رخ به او گفت با عور و ناز
که ای یار، من گشته‌ام بی‌نماز
جوان چون‌که این حرف از وی شنفت
به یکباره‌اش کیر در جای خفت
زنک دید چون مرد مأیوس شد
از این کار در آه و افسوس شد
کپل را در آغوش وی جای داد
بدو گفت کای شوهر پاکزاد
خدا گر ز حکمت ببندد دری
ز رحمت گشاید در دیگری.   خاکشیر

این ضرب‌المثل در اصل طنز نیست، اما خاکشیر آن را تبدیل به طنزی دل‌انگیز کرده است.

معادل انگلیسی:

God never closes one door without opening another.

خدا هرگز نمی‌بندد دری را
مگر وقتی گشاید دیگری را.

معادل اسکاتلندی:

When ae door steeks anither opens.

هر زمانی بسته می‌گردد دری
باز گردد در عوض آن دیگری.

معادل ایتالیایی:

Non si serra mai una porta che non se n’apra un’altra.

هیچ جا بسته نگشته‌ست دری
که گشوده نشده آن دگری.

معادل‌های اسپانیولی:

Donde una puerta se cierra, otra se abre.

هرکجا بسته می‌شود یک در
می‌شود باز یک در دیگر.

Quando una puerta se cierra, ciento se abren.

گر دری بر روی تو گردد فراز
صد در دیگر شود زان‌سوی باز.

خدا یکی، زن یکی.

شرط عاشق نیست با یک دل دو دلبر داشتن
یا ز جانان یا ز جان باید که دل برداشتن. قاآنی

معادل‌های ترکی: بیر اورکده ایکی محبت اولماز. (توی یک دل دو عشق جا نشود.)

محبت شریکلی اولماز. (محبت شریک‌بردار نیست.)

معادل اسکاتلندی:

Best to be off wi' the auld love before we be on wi' the new.

به که عشق کهنه را کنسل کنی
پیش از آنی که خودت را یکسره
توی عشق تازه‌ای داخل کنی.

معادل فرانسوی:

Toujours amoureux, jamais marié.

زن نمی‌گیرد او که معمولاً
عاشق این زن است یا آن زن.

معادل آلمانی:

Der Mensch liebt nur einmal.

مرد در عمرش فقط یک بار عاشق می‌شود.

معادل ایتالیایی:

Amor e signoria non voglion compagnia.

بدان که عشق و حکومت شراکتی نشود.

معادل پرتغالی:

Amor, e senhoria, naõ quer companhia.

حکومت و عاشقی شریک‌بردار نیست.

معادل هلندی:

Een God, ééne vrouw, maar veel vrienden.

یک خدا، یک زن، اما خیلی رفیق.

خداوند یار سه جور آدم است:
تهی‌مغزها، بچه‌ها، مست‌ها
پس او یار دلدادگان نیز هست
که هستند مجموعهٔ هر سه تا. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Heaven protects children, sailors, and drunken men.

بچه و ملاح و مست
در امان ایزد است.

Drunken folks seldom take harm.

به ندرت مست‌ها آسیب بینند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

God's aye kind to fu' folk and bairns.

خدا با کودک و مست
همیشه مهربان است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Dieu aide à trois sortes de personnes: aux fous, aux enfants, et aux ivrognes.

یاور این مردمان باشد خدا:
خنگ‌ها و بچه‌ها و مست‌ها.

خدنگ غمزهٔ خوبان خطا نمی‌افتد

اگرچه طایفه‌ای زهد را سپر گیرند.   سعدی – غزلیات

آلمانی‌ها می‌گویند:

Pfaffen lachen junge Weiber auch gern an.

حتی کشیش‌ها به رخ خانمی جوان

لبخند می‌زنند خوشایند و مهربان.

خر ماده اگر شود داور

حکم خواهد نمود در عالم

نیست چیزی ز کیر خر خوش‌تر.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every one talks of what he loves.

هر کسی دربارهٔ آن چیز که

دوست دارد با تو صحبت می‌کند.

خط عذار یار که بگرفت ماه از او

خوش حلقه‌ای است، لیک به در نیست راه از او.   حافظ

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

En caza y en amores, entras quando quieres, y sales quando puedes.

در شکار و عشق هر وقت بخواهی شروع می‌کنی و هر وقت بتوانی تمام می‌کنی.

خفه‌شده‌اش را هم داریم.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید: «خفه شو.» منظور از خفه‌شده کیر است.

خنده و گریه و سرخاب زن‌اند

آن سه تا چیز که گولت بزنند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Let no woman’s painting breed thy heart’s fainting.

نگذار که سرخاب و سفیداب زنی قلب تو را سست کند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No es de vero lágrimas en la muger, ni coxuear en el perro.

آن دو چیزی که به‌کل راستکی نیست که نیست
اشک‌های زنی و لنگ زدن‌های سگی است.

خندهٔ جام می و زلف گره‌گیر نگار
ای بسا توبه که چون توبهٔ حافظ بشکست. حافظ

سودای لب شکردهانان
بس توبهٔ صالحان که بشکست. سعدی – غزلیات

خنده‌ای شیرین و اشکی گرم و نازی دلپسند
بهترین ابزار کار دختران ناکس‌اند. م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fæmina ridendo, flendo, fallitque canendo.

خنده و گریه و آواز زنی
می‌فریبند به طرز خفنی.

خواب آرام و عمیق کودک
حسرت هر شب مامان باباست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Children to bed and the goose to the fire.

بچه‌ها توی رختخواب روند
غاز در آتشی کباب شود. (= بچه‌ها بخوابند تا مامان و بابا... نخوابند!)

خواب زن چپ است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Dreams go by contraries.

رؤیا و خواب‌ها چپه تعبیر می‌شوند.

خواجه با بندهٔ پری‌رخسار
چون درآمد به بازی و خنده
نه عجب کو چو خواجه حکم کند

وین کشد بار ناز چون بنده.   سعدی – گلستان

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amor regge senza legge.

عشق بی قانون حکومت می‌کند.

خواه دارا باشد او یا تنگدست

میل هر مردی به کون مفتی است.   م. ا.

ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: مفت باشد، کلفت باشد. یا: مفت باشد، کوفت باشد.

ترک‌ها می‌گویند: حسن ده قلیان چکر، حوسئین ده قلیان چکر، تنبه‌کی بول اولاندا سیچان دا قلیان چکر.

(حسن هم قلیان می‌کشد، حسین هم قلیان می‌کشد، تنباکو که مفت باشد، موش هم قلیان می‌کشد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The wholesomest meat is at another man's cost.

هست سالم‌ترین غذا آنی

که به خرج کسی بلمبانی.

خواهر و مادر کسی را مورد عنایت قرار دادن.

از تو ای شیخ، پرسشی دارم

پاسخی صادقانه هم می‌خوام

در کدامین گزینه آمده است

آنچه من مثل نره‌خر می‌گام؟

یک: کس مادرت   دو: کون زنت

سه: دهانت   چهار: هیچ کدام

پاسخ تو گزینهٔ چاره؟

باز گه خورده‌ای به جای طعام

مادر شیخ شهر، یاالله

همسر شیخ شهر، او و و و و وف، سلام

دهن شیخنا، بگو دشمن

تا تهش را فرو بده در کام

خواهر شیخ شهر، آهوی من
من به باغ آمدم، به باغ خرام
دختر شیخ شهر، کفتر من
لخت شو، آفرین، بشین رو پام
اِفتَتح یا مُفَتِّحَ الابواب
پنج سوراخ عشق را تو برام.   م. ا.

شمردم فحش‌ها را دانه دانه
که دریابم کدامین زان میانه
سزاوار جناب شیخنا نیست
نثار مادرش کردن روا نیست
ولی دریافتم هم‌میهنانم
به شکلی کز بیانش ناتوانم
به خانم‌جان عمیقاً لطف دارند
و از من خوب‌تر هم می‌شمارند
ببخش ای شیخ، اما می‌توان گفت
— و حرف راست را باید پذیرفت —
به پاس این‌همه فقر و مذلت
و از کون کردن مامان ملت
تمام فحش‌های مادرانه
به سوی مادرت رفته نشانه.   م. ا.

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

Hard words break no bones.

حرف‌های تند و زشت و ناپسند
استخوان هیچ‌کس را نشکنند.

Sticks and stones may break my bones but words will never hurt me.

چماق‌ها و سنگ‌ها شاید استخوان‌های مرا بشکنند، اما کلمات هرگز به من آسیب نخواهند زد.

The fox thrives best when he is most curst.

هرچه روبه بیش نفرین می‌شود
روزگارش بیش شیرین می‌شود.

(= تا وقتی که روباه را فقط نفرین می‌کنند و شکارش نمی‌کنند، راحت زندگی‌اش را می‌کند.)

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was schadet des Hundes bellen, der nicht beißt?

واغ‌واغ سگی که گاز نمی‌گیرد چه معنایی دارد؟

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bande bider ei Öie ud, uden Næven fölger med.

یک فحش چشمی را از حدقه در نخواهد آورد، مگر وقتی که مشت هم همراهش برود.

خواهران نمازشب‌خوان را

سر هر سجده سجده‌گا بکنید. م. ا.

کونی که درون شرت خانم‌جان است
در موقع سجده ماه نورافشان است
آن ماه فقط ماه شب چارده است
روزی سی و چار دفعه این تابان است. م. ا.

خواهرزن نان زیر کباب است.

آن گناهی که به من واجب بود
فتح خواهرزن این‌جانب بود
بی‌شرف نیم وجب بود، ولی
سطح رشدش چقدر جالب بود
عصر آن روز که تنها بودیم
و زنم – شکر خدا – غایب بود
خودش انگار تنش می‌خارید
و به یک کار بدی راغب بود
گفتم این را نخورم مدیونم
بدرقم شهوت من غالب بود
دشت اول دو سه تا بوس گرفت
سرشب کل مرا کاسب بود
سنگک روغنی زیر کباب

لقمهٔ کوچک بی‌صاحب بود.   م. ا.

خواهرش را به دست من داده
دنبه را پیش گربه بنهاده.   م. ا.

چو خواهرت بنشیند کنار من، دلکم
طبیعی است هوای کمی گناه کند
تو هیچ فکر نکردی رفیق ابله من
چقدر گربهٔ بدبخت آه و واه کند
اگر بنا بشود که برای یک ساعت
کنار دنبه نشسته، فقط نگاه کند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Send not a cat for lard.

گربه‌ای را نفرستید پی چربی خوک.

Never trust a wolf with the care of lambs.

بره‌ها را به گرگ نسپارید.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Gie ne'er the wolf the wedder to keep.

قوچ را دست گرگ نسپارید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Egli dà le pecore in guardia al lupo.

گرگ را او پاسبان گوسفندان می‌کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ovem lupo commisisti.

گرگ را مسئول حفظ گوسفندان کرده‌ای.

خواهری رند که او را همه بینی بینی
نیمه‌شب زیر لحافش خبری نیست که نیست.   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Dreizehn Nonnen, vierzehn Kinder!

سیزده راهبه، چهارده بچه!

خواهی اگر رضا ز تو باشد جوان و پیر
ولگرد را بگیر، ببندش به باد کیر.   خاکشیر

خواهی که برنخیزدت از دیده رود خون
دل در وفای صحبت رود کسان مبند.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The course of true love never did run smooth.

جادهٔ یک عشق پاک و راستین
هیچ موقع راه همواری نبود. (نقل قولی از شکسپیر Shakespeare در پردهٔ اول *رؤیای شب نیمهٔ تابستان* Midsummer Night's Dream است.)

ای آن که به تزویج قرارت باشد
پیوسته جماع کسب‌وکارت باشد
خواهی که به یادگار فرزند نهی؟
تو خود چه گهی که یادگارت باشد.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bad seed makes a bad crop.

بذر بد محصول را بد می‌کند.

Muddy spring, muddy stream.

سرچشمه‌ای گل‌آلود جویی شود گل‌آلود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nunca de má arvore bom fruto.

هیچ هنگامی از درختی بد
میوه‌ای خوب درنمی‌آید.

هلندی‌ها می‌گویند:

Kwaad ei, kwaad kuiken.

تخم بد، جوجهٔ بد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ond Rod giver ei godt Æble.

هیچ هنگامی از درختی بد
سیب خوبی به در نمی‌آید.

یونانیان باستان می‌گفتند:

Kakou korakos kakon ôon.

کلاغ بدی تخم بد می‌نهد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nunquam ex malo patre bonus filius.

هرگز از یک پدر بد پسری خوب نزاد.

Mala gallina, malum ovum.

مرغ بد تخم بدی بگذارد.

خود او آخرین فرد جهان است
که می‌فهمد که مردی قلتبان است. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

The cuckold is the last that knows of it.

آخرین فردی که می‌فهمد قرمساق است آقای قرمساق است.

The husband is always the last to know.

آخرین فردی که می‌فهمد همیشه شوهر است.

خودت بلندش کردی، خودت هم باید بخوابانیش.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What goes up must come down.

آنچه بالا می‌رود باید فرود آید.

Kindle not a fire that you cannot extinguish.

آتشی روشن نکن وقتی تو را
قوت آن نیست خاموشش کنی.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer A sagt, muß auch B sagen.

او که می‌گوید آ، همچنین باید بگوید ب.

هلندی‌ها می‌گویند:

Verdraagt het geen gij door uw eigen schuld lijdt.

تو مکافات خطای خویش را
با شکیبایی تحمل می‌نما.

رومیان باستان می‌گفتند:

Amor non patitur moras.

عشق را تاب انتظاری نیست.

خودت را علاف یک دودول نکن دختر.

العشق: کار بیکاران. عبید زاکانی – تعریفات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Ignorance is the mother of devotion.

جاهلیت مادر هر عشق بی‌اندازه‌ای است.

That which we may live without we need not much covet.

آنچه بی بودن آن زندگی ما گذرد
چه نیازی است که دل حسرت آن را ببرد.

خوش نمی‌آید به گوشم جز حدیث کودکان
اصلاً اندر قلب تأثیری است حرف ساده را. ایرج میرزا

از فتنهٔ یک پسر بر یک عابد بیش از آن بیم دارم که از فتنهٔ هفتاد دختر بر او.
عبدالعزیز بن ابی‌السائب، به نقل از پدرش!

خوشا آنان که محکم کیرشان بی
کس اسفید دایم زیرشان بی
خوشا آنان که کس را دیگ سازند
پس آنگه کیرشان کفگیرشان بی. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better be born lucky than rich.

این‌که با شانس به دنیا آیی
به که با خواسته و دارایی.

پر خام مشو که می‌پزندت
پر پخته مشو که می‌خورندت
ای سید خاکشیر، بپا
خوشگل نشوی که می‌کنندت.   خاکشیر

زشتم خواندی و راست گفتی
من نیز بگویم ار نجوشی
من زشت بهم، تو خوب، ایرا
من شاعرم و تو کون‌فروشی.   سنایی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman that paints puts up a bill that she is to be let.

زن به آرایش و بزک‌دوزک
سر و رویش چو رنگ و روغنی است
تابلو نصب کرده انگاری
که وی اینک اجاره‌دادنی است.

A woman that loves to be at the window, is like a bunch of grapes on the highway.

کنار پنجره آن زن که مایل است نشیند
شبیه خوشهٔ انگوری است توی خیابان
(که هرکه می‌رسد از راه مایل است بچیند).

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Glasses and lasses are brittle ware.

ظرف‌های بلور و دخترکان
دو متاع شکستنی هستند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Quand on a des filles on est toujours berger.

مرد اگر دخترکانی دارد
دائماً شغل شبانی دارد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Figlie e vetri son sempre in pericolo.

ظرف‌های بلور و دخترکان

ابدالدهر در خطر هستند.

Donna di finestra, uva di strada.

خانمِ اندر کنار پنجره لم داده‌ای
خوشه‌ای انگور باشد در کنار جاده‌ای.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A molher, e o vidro, sempre estaõ em perigo.

زن و شیشه همیشه در خطرند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Dochters zijn broze waren.

دخترک‌ها شکستنی هستند.

خوشگلا باید برقصن.

خوشگله کردنش مشکله.

خوشگل‌ها وفا ندارند.

گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
گفتا ز خوبرویان این کار کم‌تر آید. حافظ

به قرب گلعذاران دل مبندید
وصیت‌نامهٔ شبنم همین است. صائب

اما ترک‌ها می‌گویند: داغ صفاسیز اولماز، گؤزل وفاسیز. (کوه بی‌صفا نمی‌شود، خوشگل بی‌وفا.)

بدین گرز مردافکن گاوسار
ز کون کسان توختم کینه‌ها
خیارم از آن نیک بالیده گشت
که پروردم او را به سرگینِ‌ها. سراج‌الدین قمری

خیال کردی عاشق چشم‌های بادامی‌ات هستم؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I will keep no cats that will not catch mice.

من گربه‌ای که موش نگیرد را
پیش خودم نگاه نمی‌دارم.



گر زشتم و بدقیافه، دست من نیست
سررشتهٔ این کلافه دست من نیست
دارم دو گره کیر و همین است که هست
گر کس طلبد اضافه، دست من نیست.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Take us as you find us.

ما را به همان‌گونه که دیدی بپذیر.

Take things as you find them.

هرچه را آن‌سان که می‌یابی بگیر.

Take all things as they come and be content.

هرچه را آن‌سان که می‌آید بگیر
با همان هم راضی و خرسند باش.

We must take the world as we find it.

باید که جهان را به همان‌گونه که دیدیم پذیریم.

You cannot always get what you want.

همیشه نمی‌توانی هرچه را می‌خواهی به دست بیاوری.

A man must plough with such oxen as he hath.

شخم باید همی‌زند یارو
با همان گاوها که دارد او.

Facts are stubborn.

واقعیات کله‌شق هستند.

If life gives you lemons, make lemonade.

زندگی گر به شما لیمو داد
دربیارید از آن لیموناد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Elk moet roeien met de riemen die hij heeft.

هر کسی باید با همان پاروهایی که دارد پارو بزند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvo der ikke har Falk, han skal bede med Ugler.

او که باز ندارد باید با جغدها شکار کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Lætus sorte tua vives sapienter.

عاقلانه زندگی خواهد نمود
او که از تقدیر خود خرسند بود.

Take the goods the gods provide.

آنچه خدایان بدهندت بگیر.

داف پا منبر ملای محل
عفتش یک دو سه بر باد فناست. م. ا.

هر وقت که رأی حاجی‌آقا باشه
احکام حجاب لازمه ملغی شه
مخصوصاً اگر لپ یه خواهر... صلوات
ملای محل محرم خواهرهاشه. م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det kommer vel der skee skal.

آنچه باید بشود خواهد شد.

دانهٔ فلفل سیاه و خال مهرویان سیاه
هر دو جانسوزند، اما این کجا و آن کجا.

دانی چرا عمامهٔ آخوند شکل کاندوم است؟
زیرا که شغل شیخ‌ها گاییدن ما مردم است. م. ا.

کس‌خل شده، کاندوم به ملاجش زده است

این معجزه‌ای در هنر شعبده است
از شدت شهوت به سر شیخ زده
با سر به سراغ کون ما آمده است. م.ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was Pfaffen beißen und Wölfe, ist schwer zu heilen.

جای دندان‌های گرگان و کشیشان هرکدام
دیر و خیلی هم به دشواری بیابند التیام.

دختر تنبل مادر کدبانو را دوست دارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A light-heeled mother makes a heavy-heeled daughter.

مادری فعال اگر کار زیادی می‌کند
در نهایت دخترش را کون‌گشادی می‌کند.

An olite mother maks a dawdie dochter.

زن زبروزرنگ چالاکی
دختری کون‌گشاد بار آرد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A working mither maks a daw dochter.

مادر اهل کار و فعالی
دخترش را شلخته خواهد کرد.

Dawted daughters mak daidling wives.

دختران نازپرورد لوند
همسران کون‌گشادی می‌شوند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mãi aguçosa, filha preguiçosa.

مادری فعال با کار زیاد
دختری می‌پرورد بس کون‌گشاد.

دختر خان یزد باشم دروغ بگویم؟ همان‌جایم را که درد می‌کند می‌گویم.

خود زنکی وقت وضع حمل بنالید
وای، فلانم به ناله کردی مقرون
گفت قرینش به ناله لفظ کمر گوی
هیچ مگوی آنچه نیست عادت و قانون
گفت در این حال زار پا به لب گور
گفت نیارم سخن مزور و مدهون. میرزا ابوالحسن جلوه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Lies that are half true are the worst of lies.

آن دروغی که بُود نصفش راست
بدترین نوع دروغ دنیاست.

دختر خطیب در نکاح میاورید تا ناگاه خرکره نزاید. عبید زاکانی – صد پند

همچنین عبید در *صد پند* می‌گوید: دختر فقیهان و شیخان و قاضیان و عوانان مخواهید و اگر بی‌اختیار پیوندی با آن جماعت اتفاق افتاد، عروس را به کون‌سو فرو برید تا گوهر بد به کار نیاورد و فرزندان گدا و سالوس و مزور و پدر و مادرآزار از ایشان در وجود نیاید.

دختر زاییدم برای مردان، پسر زاییدم برای رندان، خودم ماندم سفیل و سرگردان.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein Vater ernährt eher zehn Kinder, denn zehn Kinder einen Vater.

یک پدر از ده بچه بهتر مراقبت می‌کند تا ده بچه از یک پدر.

دختر زشتی که خوش کون می‌دهد
به ز زیبایی که در هنگام سکس
با ادا و اخم کونت می‌نهد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty without grace is a violet without smell.

زیبایی‌ای که هیچ در او لطف و ناز نیست
همچون بنفشه‌ای است که از عطر و بو تهی است.

Put the saddle on the right horse.

زین خود را همیشه و هر بار

روی اسب مناسبی بگذار.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le beau soulier blesse souvent le pied.

کفش‌های شیک و ناز و دلپسند

اغلب اوقات پا را می‌زنند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Pollino que me lleve, y no caballo que me arrastre.

الاغی به من ده که راهم برد

نه اسبی که من را بکوبد زمین.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mais quero asno que me leve, que cavallo que me derrube.

آن الاغی که سواری بدهد

به ز اسبی که زمینم بزند.

دختر نابوده به؛ چون ببود، یا به شوی به یا به گور. قابوس‌نامه

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Guayas! padre, que otra hija os nasce.

ای پدر، آه و دریغا! دردا!

باز هم صاحب دختر شده‌ای.

Parto malo, y hija en cabo.

یک زحمت پوچ و آخرش یک دختر.

Tres hijas y una madre, quatro diablos para el padre.

سه دختر و مادرشان، چهار شیطان پدر.

دختر همسایه را از کون‌سو فرو برید و گرد مهر بکارت مگردید تا طریقهٔ امانت و شفقت و مسلمانی و حق همسایگی رعایت کرده باشید و شب عروسی دخترک در محل تهمت نباشد و از داماد خجلت نبرد و در نزد مردم روسفید باشد. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love thy neighbour as thyself.

همسایه‌ات را همچنان خود دوست می‌دار. (نقل قولی از تورات است: لاویان ۱۹:۱۸. این جمله یکی از آموزه‌های اصلی عیسی است و هفت بار هم در انجیل آمده است.)

What a neighbour gets is not lost.

آنچه همسایه به دست آوردش

نتوان گفت ز دستت رفته.

You must ask your neighbour if you shall live in peace.

باید از همسایه‌ات پرسش کنی

این‌که آیا می‌توانی بعد از این

زندگی در صلح و آرامش کنی.

We can live without our friends, but not without our neighbours.

بی‌رفیقان می‌توانی زیستن

لیک بی‌همسایگانت مطلقاً.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

My neighbour's skaith's my ain peril.

بدبختی همسایهٔ من ترس من است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Halt’s mit ben Nachbarn, geh’ es dir wohl oder übel.

گر درست و گر غلط باشد، تو باز

با دروهمسایه‌های خود بساز.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dio ti salvi da un cattivo vicino, e da un principiante di violino.

خداوند تو را از شر یک همسایهٔ بد حفظ کند و از شر یک ویولن‌زن مبتدی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wie zijn buren beledigt, maakt het zich zelven daarna zuur.

او که تهمت زند به همسایه

ترکه‌ای بهر خویش می‌سازد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ingen er saa riig, han har jo sin Grande nödig.

هیچ‌کس آن‌قدرها دارا و ثروتمند نیست

تا که بی‌همسایگان خویش بتواند که زیست.

دختران دلفریب و دلپسند
نصفشان خنگ‌اند و نیمی ناکس‌اند. م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Falskhed ligger ofte under fagert Haar.

نادرستی معمولاً زیر موی زیبا کز می‌کند.

دخترانی که کس و کون قشنگی دارند
کیرها از همه سو بر سرشان می‌بارند. م. ا.

تو خواهی آستین افشان و خواهی روی در هم کش
مگس جایی نخواهد رفتن از دکان حلوایی. سعدی - غزلیات

ترک‌ها می‌گویند: میلچک شیره‌یه ییغیلار. (مگس دور شیره جمع می‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Where are the crumbs there are the chickens.

هرکجا خرده‌ریزهٔ نان است
جای مرغ و خروس‌ها آن است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Aspetta il porco alla quercia.

در پای بلوط در پی خوک بگرد. (خوک‌ها دانهٔ بلوط می‌خورند.)

Ad ogni volpe piace il pollaio.

هر روبهی دلدادهٔ یک مرغدانی می‌شود.

دخترش را نگه داشته ترشی بیندازد.

معادل‌های انگلیسی:
The worst store is a maid unbestowed.

بی‌گمان دختر بی‌نامزدی
بدترین چیز ذخیره‌شده است. (در اصل یک ضرب‌المثل ویلزی است.)

Daughters and dead fish are no keeping wares.

ماهیان مرده یا که دختران

قابل انبار کردن نیستند.

All meats must be eaten, and all maids must be wed.

گوشت‌ها سخت ضروری است همه خورده شوند

همهٔ دخترکان نیز به شوهر بروند.

معادل اسکاتلندی:

Daughters and dead fish are kittle keeping wares.

دختران و ماهیان مرده را

توی انباری نهادن مشکل است.

معادل آلمانی:

Töchter sind leicht zu erziehen, aber schwer zu verheirathen.

بزرگ کردن دخترها راحت است، اما شوهر دادنشان سخت است.

معادل اسپانیولی:

Casa el hijo quando quisieres, y la hija quando pudieres.

برای پسرت هر وقت خواستی زن بگیر، دخترت را هر وقت توانستی شوهر بده.

معادل هلندی:

Een huis vol dochters is een kelder vol zuur bier.

خانه‌ای پر از دختر مثل سردابی پر از آبجوی ترشیده است.

دختری را که مادرش تعریف کند برای آقا داییش خوب است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is not as thy mother says, but as thy neighbours say.

ماجرا آن‌گونه‌ای که مادرت می‌گفت نیست

بلکه آن‌گونه‌ست که همسایه‌هایت گفته‌اند.

دختری که بنای ناز نهاد

بند خود را به آب خواهد داد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The woman that deliberates is lost.

چون درآید به گفت‌وگو بانو

به فنا رفته است عفت او. (نقل قولی از ادیسون Addison است.)

A maid that laughs is half taken.

نیمی از یک دختر خندان درون مشت توست.

A city that parleys is half gotten.

شهری که برای صلح آماده شده

نصفش به کف دشمن او داده شده.

Valour that parleys is near yielding.

وقتی که شجاعت طلب صلح کند

یعنی که در آستانهٔ تسلیم است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ville qui parlemente est moitié rendue.

قصد شهری چو صلح کردن اوست

نصف آن توی چنگ دشمن اوست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Castello che dà orecchia si vuol rendere.

قلعه وقتی به‌جای جنگ و نبرد

سخن از صلح در میان آورد

او به زودی سقوط خواهد کرد.

بعد از آنی که بلا نازل شود

هر خلی فرزانه‌ای کامل شود

دختری که ساده‌لوح و احمق است

جر که خورد، از بیخ و بن عاقل شود. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند:

Balık ağa girdikten sonra aklı başına gelir.

ماهی پس از آن‌که توی تور افتاده

عقلش به سرش دوباره برمی‌گردد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Repentance costs very dear.

بهای توبه کردن بس گزاف است.

Too late repents the rat when caught by the cat.

وقتی به چنگ گربه‌ای موشی اسیر است

بهر پشیمان بودنش بسیار دیر است.

It's too late to cast anchor when the ship is on the rocks.

کشتی آن‌وقت که بر صخره زمینگیر شده

بهر انداختن لنگر او دیر شده.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Repentance won't cure mischief.

پشیمانی دوای شر نباشد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le repentir coûte bien cher.

پشیمانی بهایش بس گران است.

Trop tard crie l’oiseau quand il est pris.

مرغ آن وقتی که در دام اوفتاد

دیگرش دیر است بهر جیغ و داد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een ieder is prediker onder de galg.

هر کسی زیر طناب دار واعظ می‌شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Sero sapiunt Phryges.

مردمان تروا دیر خردمند شدند.

(داستان نبرد تروا مشهورترین افسانهٔ یونانی است. طبق این داستان، وقتی پاریس، پسر پادشاه تروا، هلن، همسر منلائوس، را دزدید، سپاه بزرگی از همهٔ شهرهای یونان راهی تروا شد تا هلن را بازپس بگیرد. یونانیان ده سال شهر تروا را محاصره کردند، اما نتوانستند آن را فتح کنند. سرانجام به پیشنهاد اولیس، پادشاه ایتیکا، که خردمندترینِ فرماندهان سپاه یونان بود، اسب چوبینی ساختند و جمعی از دلیرترین جنگجویان یونان در آن پنهان شدند. یونانیان وانمود کردند که از محاصره دست کشیده‌اند، سوار بر کشتی‌های خود شدند و از سواحل تروا دور شدند. مردمان تروا که خود را پیروز جنگ فرض کردند، به حرف‌های پیشگویی که از آنان خواست تا اسب را به آتش بکشند توجهی نکردند، اسب چوبین را به داخل شهر آوردند و جشن پیروزی را برگزار کردند. شبانگاه جنگجویان یونانی از اسب بیرون آمدند و دروازهٔ شهر را گشودند. سپاه یونان که دوباره بازگشته بود، وارد شهر شد و تروا را فتح کرد.)

هر زمان دودول را جا داد توش

کیر را هم می‌تواند خورد روش.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui porte un fardeau, en portera bientôt cent.

او که یک بار را می‌کشد به زودی صد بار را خواهد کشید.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Cesteiro que faz hum cesto, fara cento.

کسی که یک سبد سازد تواند صد سبد سازد.

دختری گر به میل و رغبت خود

آمد و در کنار تو بنشست

با «نخیر» و «نمی‌شه» گول نخور

دخترک از خود تو مست‌تر است.   م. ا.

شکسپیر Shakespeare گفته است:

A woman's nay doth stand for nought.

نهٔ زن هیچ معنایی ندارد.

دختری ناز که گیرت افتاد

آنچه گویند روا نیست رواست.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A's fair at the ba'.

در فوتبال هر عملی منصفانه است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Chacun prend son plaisir où il le trouve.

هر کسی حال خودش را می‌برد

در همان‌جایی که آن را یافته.

تورم مثل کیری رفت بالا

خداوندا، به داد کون ما رس

در آن کشور که ملا حاکم اوست

فقط شلوار پایین آید و بس.   م. ا.

توی این کشور از نر و ماده
هیچ کونی نمانده ناگاده.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As is the gardener, so is the garden.

باغبان هر جور باشد، باغ هم آن‌جوری است.

در آن محفل که باشد فرج گلگون
ز کون صحبت مکن، گه می‌خورد کون.   ایرج میرزا - عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pick and choose, and take the worst.

سوا کن و جدا کن و بدترین را بردار.

در این عصر جهاد اقتصادی
بدون خرج کافی‌شاپ و کاندوم
خوشم با سکس‌های انفرادی.   م. ا.

الجلق: دستگیر مفلسان.   عبید زاکانی – تعریفات

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

The best things in life are free.

در زندگی نیکوترینِ چیزها مجانی‌اند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Poor folk are fain o' little.

مردمان بی‌نوا مشتاق چیزی اندک‌اند.

در بیابان، زیر مردی خرحشر
گیر اگر کردی و افتادی دمر
چون نمی‌آید ز تو کاری دگر
فعلاً از کون دادنت لذت ببر
باسنت را وی بدرد سربه‌سر

پس خودت با جیغ حلقت را ندر. م. ا.

خدا با صابران است ای برادر
تحمل کن که آب من بیاید. م. ا.

عرب‌ها می‌گویند: الضرورات تبیح المحظورات. (ناچاری‌ها کارهای ناروا را مباح می‌کنند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What can't be cured must be endured.

چنانچه درد درمان‌ناپذیر است
تحمل کردن آن ناگزیر است.

If you don't like it, you may lump it.

تو اگر دوستش نمی‌داری
می‌توانیش بلکه تاب آری.

Patience is a plaister for all sores.

بردباری ضماد هر زخمی است.

No remedy but patience.

به‌جز صبر و تحمل چاره‌ای نیست.

Patience is a flower that grows not in every one's garden.

بردباری آن گلی باشد که در
باغ هر فردی نیارد سر به در.

Let patience grow in your garden.

بگذار در باغت شکیبایی بروید.

Nature, time, and patience are three great physicians.

سه تا از پزشکان بس ارجمند
طبیعت، زمان و شکیبایی‌اند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that tholes owercomes.

هر کسی صبر و طاقتی دارد
آخرالامر چیره خواهد شد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was man nicht kann meiden, muß man willig leiden.

بایدش تاب آورد
آنچه را هیچ زمان
نتوان درمان کرد.

Zu geschehenem Ding soll man das Beste reden.

وقتی چیزی شده، از آن بهترین استفاده را بکن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Poichè la casa brucia, io mi scalderò.

حال که خانه گرفته آتش
خویش را گرم کنم با شررش.

Cuor forte rompe cattiva sorte.

دلی که قوی باشد و جنگجو
بر اقبال بد چیره خواهد شد او.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando vieras tu casa quemar, llegate á escalentar.

خانه‌ات را چو در آتش دیدی
خویش را با شررش گرم بکن.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O que naõ pòde al ser, deves soffrer.

آنچه درمان‌ناپذیر است
صبر بر آن ناگزیر است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Goeden moed in tegenspoed.

قلب سرسخت و ستبر مرد
بخت بد را رام خواهد کرد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Feras non culpes quod vitari non potest.

آنچه آن را نتوان درمان کرد
بایدش با دل خوش تاب آورد.

Superanda omnis fortuna ferendo.

هر مصیبت را که روی آرد به مرد
با شکیبایی بباید چاره کرد.

Cuivis dolori remedium est patientia.

بردباری دوای هر دردی است.

Patience is a virtue.

بردباری فضیلتی باشد.

To make a virtue of necessity.

از ضرورت یک فضیلت ساختن.

در پیری از زنان جوان پیروی مخواهید. عبید زاکانی – صد پند

الدیوث: پیری که زن جوان دارد. عبید زاکانی – تعریفات

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es nimmt kein Weib einen alten Mann um Gottes willen.

برای رضای خدای غنی
زن پیرمردی نمی‌شه زنی.

در تمام حیات یک خانم
لحظه‌های سکوت کمیاب است

عمه جان هیچ وقت ساکت نیست
به‌جز آن‌موقعی که در خواب است. م. ا.

هنگامی که سفیری از معلومات الیزابت اول، ملکهٔ انگلیس، در زبان‌های مختلف تمجید کرد، الیزابت در پاسخ گفت: «به زنی زبان یاد دادن عجیب نیست، مشکل این‌جاست که بتوانیم به او یاد بدهیم زبانش را نگه دارد.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

She is never quiet but when she is sleeping.

کپهٔ مرگ خودش را که زنک بگذارد
دست از این ور زدن دائمی‌اش بردارد.

A woman’s tongue wags like a lamb’s tail.

زبان زن همانند دم یک بره می‌جنبد.

A woman's tongue is the last thing about her that dies.

آخرین عضو زن که می‌میرد
موقع مرگ وی، زبان وی است.

Silence is not the greatest vice of a woman.

سکوت بزرگ‌ترین رذیلت یک زن نیست.

Silence is the best ornament of a woman.

بهترین زیور زن خاموشی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les femmes sont faites de langue, comme les renards de queue.

زنان کلاً زبان هستند، روباهان همه دم‌اند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Weiber findet man nimmer ohne Rede.

زنان هیچ وقت لازم نیست بگویند: «نوک زبونمه ها.»

رومیان باستان می‌گفتند:

Mulierem ornat silentium.

بهین پیرایهٔ یک زن سکوت است.

در جنگ‌های عشقی و پیکار قلب‌ها
هر کس که دلبرانه بتازد دلاور است
در چشم‌های یک زن زیبا جواهری است
مردی که پهلوان شبستان و بستر است. م. ا.

عاشقی دامگه حادثه‌هاست
مرد میدان بلا باش و بایست
هیچ‌کس غیر دلاورمردان
لایق وصل پری‌رویان نیست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

None but the brave deserve the fair.

غیر از آن‌کس که دلاورمردی است

هیچ‌کس لایق مه‌رویی نیست. (نقل قولی از درایدن Dryden است.)

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amante non sia che coraggio non ha.

بهل تا عاشق آن یارو نباشد
چنانچه جرئتی در او نباشد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bange Hierte vandt aldrig fager Mö.

دلک دلبرکی زیبا را
مرد بزدل نتواند ببرد.

در خانهٔ مردی که دو زن دارد آسایش و خوشدلی و برکت مطلبید. عبید زاکانی – صد پند

ترک‌ها می‌گویند: ایکی آروادلی‌نین آغزی‌نین دادی اولماز. (مرد دوزنه نای حرف زدن ندارد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Two wives in one house,
Two cats and a mouse,
Two dogs and a bone,
Never agree in one.

دو تا زن به یک خانه هم‌آشیان
دو تا گربه با موشی اندر میان
دو تا سگ کنار یکی استخوان
توافق محال است در بینشان.

A house divided cannot stand.

خانه‌ای نصف که گردد حاشا
که تواند که بماند سرپا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Halbes Haus, halbe Hölle.

نیمی از یک خانه نصف دوزخ است.

هر کسی چون خویش پندارد تمام خلق را
در خیال مرد جاکش کل دنیا جاکش‌اند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A lewd bachelor makes a jealous husband.

یک بی‌زن زنبارهٔ عیاش و لچر
یک شوهر شکاک شود آخر سر.

در دام زنان میفتید، خاصه بیوگان کره‌دار. عبید زاکانی – صد پند

آن کره که مال یک الاغ دگر است
هر کس که بزرگ می‌کند کله‌خر است
تنگ عسل باکرهٔ بی‌کره
از بیوهٔ کره‌دار خوشمزه‌تر است. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

It is dangerous marrying a widow, because she hath cast her rider.

عملی است بس خطرناک زن بیوه‌ای گرفتن
که سوارکار خود را به زمین زده‌ست آن زن.

He that marries a widow and two daughters has three back doors to his house.

مرد وقتی که ازدواج کند
با زنی بیوه و دو دختر او
مثل این‌که سه تا در پشتی
دارد اندر سرای خود یارو.

معادل اسکاتلندی:

He that marries a widow and twa dochters has three stark thieves.

مرد وقتی که ازدواج کند
با زنی بیوه و دو دختر او
سه نفر سارق تمام‌عیار
دارد اندر سرای خود یارو.

معادل دانمارکی:

Den der tager en Enke med tre Börn, tager fire Tyve.

مرد وقتی که ازدواج کند
با زنی بیوه و سه بچهٔ او

عملاً با چهار تا سارق
وصلتی کرده است این یارو.

در ره منزل لیلی که خطرهاست در او
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی.   حافظ

بر شاخهٔ هر درخت یک کرگدن است
صحرای حجاز هم پر از پنگوئن است
آن لحظه که روبروی من بنشینی
هنگامهٔ باشکوه کس‌خل شدن است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He’s a fool that’s fond.

آدم دلباخته یک احمق است.

He that loves glass without G,
Take away L and that is he.

چو مردی شود عاشق دختری
بدون دِ و تِ چه باشد؟ خری.

رومیان باستان می‌گفتند:

Amantes amentes sunt.

عاشقان از بیخ و بن دیوانه‌اند.

توی هنجار زبان وطنی
اسم هر نوکر روسی آقاست
روز خندان ولنتاین اَخ است
بهترین روز خدا عاشوراست
در شب تیره حسن سیرابی
به همان خوشگلی آزیتاست.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Joan is as good as my lady in the dark.

در شب تیره و تاریک جوآن
به همان خوبی بانوی من است.

The night shows stars and women in a better light.

شب اختران و نیز زنان را به چشممان

در نور بهتری به یقین می‌دهد نشان.

معادل فرانسوی:

A la chandelle la chèvre semble demoiselle.

در روشنی شمع بزی شکل زنی است.

معادل آلمانی:

Lösche das Licht aus, so sind alle Weiber gleich.

تو چراغ خانه را خاموش کن

تا زنان از دم شبیه هم شوند.

معادل ایتالیایی:

Al lume di lucerna ogni rustica par bella.

در پرتو روشنایی یک فانوس

هر دخترک دهاتی‌ای زیباروست.

معادل یونانی:

Λυχνοῦ άρθέντως πᾶσα γυνὴ ἡ αὐτὴ.

زمانی که فانوس خارج شود

زنان جملگی شکل یکدیگرند.

معادل لاتین:

Nocte latent mendæ.

شب‌ها تمام عیب‌ها

پنهان شوند از چشم ما.

در عشق و جنگ هر عملی عادلانه است

در هردوشان شکست بسی خفت‌آور است. م. ا.

معادل عربی: **الحرب خدعه!** (جنگ نیرنگ است!) حدیث نبوی

معادل انگلیسی:

All is fair in love and war.

در عشق و جنگ هر عملی منصفانه است.

معادل فرانسوی:

En mariage trompe qui peut.

هرکه توانست سر ازدواج

شیره بمالد به سر دیگری.

در قژاکند مرد باید بود

بر مخنث سلاح جنگ چه سود. سعدی - گلستان

فرانسوی‌ها می‌گویند:

A vaillant homme courte épée.

مرد دلیری را شمشیر کوتاهی.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

L'armi de' poltroni non tagliano, nè forano.

سلاح‌های ترسوها نه می‌بُرد، نه سوراخ می‌کند.

خون پیاله خور که حلال است خون او

در کار یار باش که کاری است کردنی. حافظ

در مستی اگر یار لطیفت به کف افتد

بوسی بخر از وی، دل و دینت به بها ده

در کون لطیفش فکن، از حشر میندیش

خوش باش که اللهُ لطیفٌ بِعِبادِه. عبید زاکانی

آلمانی‌ها هم می‌گویند:

Thue was du thuest.

کماکان بکن آنچه را می‌کنی.

آن کوه گران که کون تو نامش کردی

دادی به همه خلق و تمامش کردی

در کشمکش است آن که کون داد به خاص

آسوده تویی که وقف عامش کردی. خاکشیر

ای دوست، به کونت که دلم را برده

در شهر کسی نیست که دل نسپرده

تو یوسف ثانی‌ای، ولی با یک فرق:

شلوار تو از پشت سرت جر خورده.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Possession is nine points of the law.

مالکیت نُه دهم قانون است.

زان خانم لب‌سرخ که پوشیده بنفش
اظهار دو بوسه نقل مشت است و درفش
در کوچه اگر کسش نخارد ز چه روی
بیهوده برد دست سوی لنگهٔ کفش.   خاکشیر

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il faut gratter les gens par où il leur démange.

آن‌جای مردم را که می‌خارد بخاران.

گویند که مرد آتش و زن پنبهٔ خام است
شیطان که به آن فوت کند کار تمام است
اسلام چنین گفته که هر حالی و حولی
بر شیخ حلال است، ولی بر تو حرام است
در مسئلهٔ خمس به اجماع فقیهان
شش پنجم محصول هلو سهم امام است
این بیضهٔ اسلام که در مشت گرفتیم
از آن کمدی‌هاست که تا دسته درام است.   م. ا.

خوش به حال فقها که عربی می‌دانند
ورد جادویی اَنکَحتُ چه خوش می‌خوانند
با همین ورد حلال‌اند برای فقها
خواهرانی که ملوس و تپل و مامان‌اند
شیره‌مالی سر الله خودش یک هنری است
این پدرسوخته‌ها رندتر از شیطان‌اند
رند فرزانهٔ شیراز چه شیرین گفته:
دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Priests love pretty wenches.

کشیشان دخترک‌های هلو را دوست می‌دارند.

در مقامات طریقت هرکجا کردیم سیر

عافیت را با نظربازی فراق افتاده بود.   حافظ

معادل انگلیسی:

Please the eye and plague the heart.

دیده‌ات را به نگاهی بنواز

و به سوزی دلکت را بگداز.

در هر آن چیز که پایین‌تنه‌ای است

شیخ‌ها هرچه بگویند خطاست

مصلحت نیست، حرام است، بد است

پاسخ مضحک هر استفتاست.   م. ا.

آی آی، امان امان، اِهِه، وا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ای، نگاه

به به، ببه به، منو دریابید، آه

استخر زنونه جلوهٔ رحمت اوست

لا حول و لا قوة الا بالله

القنطرةُ الحقیقه یعنی پستون

رحمانو ببین، چه استوایی، ای جون

تأویل تو شرت لامبادا بادا

ای آیهٔ بی‌تربیت کن فیکون

من عارف بانوان بی‌تنبونم

من شبلی باسنم، جنید رونم

گر شیخ بگوید که حرام است و گناه

گویم: عسلم، بیا برو تو کونم.   م. ا.

درخت عفاف با اسید آبیاری می‌شود.   م. ا.

روی گونه‌های خشک اصفهان
زنده‌رود
اشک‌های شادی زنان و مردها و کودکان نیمی از جهان
مرده بود

در کتاب مستطاب شیمی البصیرة آمده:
این پدیده‌ها عذاب آسمانی‌اند
مقصرش زنان بدحجاب اصفهانی‌اند
اسید موقعی که با بصیرت اسیدپاش میکس می‌شود
مایهٔ مزید انبساط خاطر مبارک جناب ایکس، آن رییس تا همیشه فیکس، می‌شود
و هاش دو اُ که هاش دو اس اُ چار می‌شود
بهار می‌شود

زنده‌رود
مرده است
زنده‌رود را
دزد برده است
توی کوچه‌های اصفهان صدای جیغ دختری است
که گونه‌هاش را
گرگ خورده است. م. ا.

درد زاییدن که نازل می‌شود
لذت سکس از دماغت در رود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Avoid the pleasure which will bite tomorrow.

از آن لذت که فردا گاز می‌گیرد بپرهیزید.

Every pleasure hath a pain.

در دل هر لذتی یک رنج هست.

Pleasure has a sting in its tail.

خوشی روی دمش یک نیش دارد.

Bees that have honey in their mouths have stings in their tails.

در دهان زنبوران نوش و روی دم نیش است.

Pain is so close to pleasure.

رنج خیلی به خوشی نزدیک است.

Every day hath its night, every weal its woe.

هر روز شبی دارد و هر کِیف غمی.

Every white has its black, and every sweet its sour.

هر سپیدی را سیاهی هست و هر شیرینی‌ای را ترشی‌ای هست.

Disease is oft the tax of pleasure.

بیماری اغلب مالیات لذت است.

Beware of after-claps.

از پیامدهای تلخ آن بترس.

There's no joy without alloy.

هیچ جا سرخوشی‌ای نیست، مگر
در وی از غل‌وغشی هست اثر.

Deliberate before you act.

پیش از آنی که تو کاری بکنی
بنشین خوب به آن فکر بکن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

After joy comes annoy.

پس از شادی آزار از ره رسد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

De court plaisir long repentir.

از آن لذتی کو زمانی نپاید
پشیمانی بس درازی برآید.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het einde van de vrolijkheid is het begin van de treurigheid.

پایان شادی اول اندوه آدم است.

Geen geluk zonder druk.

هیچ جا سرخوشی‌ای نیست، مگر
در وی از غل‌وغشی هست اثر.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Stakket Lyst har tidt lang anger.

لذتی زودگذر را در پی
یک پشیمانی طولانی هست.

Det kan snart skee, som længe maa angres.

زود شاید شود انجام آنی
که سرانجام بیارد در پی
یک پشیمانی بس طولانی.

Glad Aftensang giör ofte sorrigfuld Ottesang.

غالباً یک شامگاه شاد را
صبح غمگینی بیاید از قفا.

Naar Glæden er i Stuen, er Sorgen i Forstuen.

گر خوشی توی هال مهمان است
ناخوشی نیز توی دالان است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Invicem cedunt dolor et voluptas.

لذت و درد به دنبال هم‌اند.

Brevis voluptas mox doloris est parens.

هر سرور گذرایی پدر و مادر رنج است.

Omnis commoditas sua fert incommoda secum.

عیش شیرینی که آدم می‌چشد
رنج تلخی در پی خود می‌کشد.

Extrema gaudii luctus occupat.

در منتهی الیه خوشی غصه ساکن است.

درد عشق از درد دندان بدتر است.   م. ا.

اشک خونین به طبیبان بنمودم، گفتند
درد عشق است و جگرسوز دوایی دارد.   حافظ

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dove è grand’amore, quivi è gran dolore.

هرکجا عشق بزرگی آن‌جاست
زحمت و رنج بزرگی برپاست.

درد عشقی کشیده‌ام که مپرس
زهر هجری چشیده‌ام که مپرس.   حافظ

به شوخی می‌گویند: درد عشقی کشیده‌ام کُمپِرِس.

درد عشقی کشیده‌ام که مپرس
فال یک داف تازه جر خورده‌ست.   م. ا.

درون خلوت خالی چو آتش و پنبه‌ست
دو یار سوخته را کیر سرخ و کون سفید.   ملا سیری جرفادقانی

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ild og Halm giör snar Lue.

آتش و کاه زود گُر گیرند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Homo et mulier, ignis et palea.

مرد و زن، آتش و کاه.

درون گوش‌های نازنینی
که معشوق همه رانندگان است
میان بوق ماکسیما و پیکان
تفاوت از زمین تا آسمان است.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A rich man's wooing's no lang doing.

خواستگاری کردن مرد غنی
وقت چندانی نگیرد از زنی.

درویش، مکن ناله ز شمشیر احبا
کاین طایفه از کشته ستانند غرامت. حافظ

دریاب که چند سانت کیرت آن توست
اندازه نگه دار که اندازه نکوست. م. ا.

آلمانی‌ها هم می‌گویند:

Nicht zu wenig, nicht zu viel.

نه بسیار اندک، نه خیلی زیاد.

دریغ از باسن گرد و غلنبه
که زیر پنجه‌های من نجنبه
بدون حال و حول و آخ و اوخی
غذای کرم‌ها شه سوپ دنبه

نترس از پنچری ای تایر قدس
دم عیساست توی این تلنبه
دولولش از تو و دودولش از من
تفنگش از شما، از مام سنبه
قوافی تنگ شد، شاعر جفنگید
بشاشم در قوافی، تف به اُنبه
برایت حرف‌ها دارم، صد افسوس
کمن گلواژه‌های دنبه‌منبه
رموز عشق را از من بیاموز
نه از اون سگ که اسمش بود زمبه. م. ا.

چو بر روی زمین باشی، توانایی غنیمت دان
که دوران ناتوانی‌ها بسی زیر زمین دارد. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An occasion lost cannot be redeemed.

فرصت آنگاه که از دست رود
قابل بازخریدن نبُود.

دزدی بوسه عجب دزدی خوش‌عاقبتی است
که اگر بازستانند، دوچندان گردد.   صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The devil laughs when one thief robs another.

می‌خنده شیطون وقتی یه دزده
از دزد دیگه چیزی بدزده.

دست نزن، جیزه.

شاهد مثال:

فکر و ذکر پسرک یک چیز است:
لوبیایش جک سحرآمیز است
در دلش زلزله‌ای یک‌بند است
در تنش چک‌چکه‌ای یکریز است
سرش از بوی سبویی سرمست
لبش از عطر خمی لبریز است
زرد و نارنجی و سرخ است بلوغ
باغ سودازدهٔ پاییز است
برهٔ گمشده در رؤیاهاست
لای یک مه که غلیظ و لیز است
کشف هر راز نهان در دل مه
یک شکار هیجان‌انگیز است
گرچه آقای معلم گفته
گل‌پسر، دست نزن که جیز است
چشم و گوشش پسرک وا شده و
دست او یکسره زیر میز است.   م. ا.

دستت چو نمی‌رسد به بی‌بی

دریاب کنیز مطبخی را.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you can kiss the mistress, never kiss the maid.

چو دستت می‌رسد که خانمی را
ببوسی، کلفتش را ول کن آقا
(ولی وقتی که خانم می‌کند ناز
به کلفت‌های چرکش رو بینداز).

دستگیرهٔ کونت است.

خطاب به پسری گفته می‌شود که به کیرش می‌نازد یا ادعای بکن بودن دارد.

شاهد مثال:

من هم از نسل جلقی شصتم
که به تاریخ شیعه پیوستم
ای فلانِ فلان‌فلان‌شده‌ام
آخر از تو چه طرف بربستم؟
نکند دستگیرهٔ کونی؟
تو بگو، من مطیع دربستم
کرم از کون بی‌حیای من است
که سوسیسی نموده سگ‌مستم
بادی از آن‌طرف نمی‌آید
به خدا بنده کوی بن‌بستم
تا تو آتش به اختیار شدی
بنده بی‌اختیار برجستم
تا تو بدخواب و بی‌قرار شدی
لحظه‌ای برقرار ننشستم
جلق در پای تو بیفشانم
خدمتی که برآید از دستم
احسن الخالقین خدای من است
احسن الجالقین خودم هستم. م. ا.

هر خوشی یا لذتی در زندگی
با عذاب و رنج حاصل می‌شود
دستمزدت را که بگذاری به جیب
درد کون دادن ز یادت می‌رود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pain is forgotten where gain follows.

رنج در خاطرت نمی‌پاید
هرکجا سود در پی‌اش آید.

Pain past is pleasure.

رنج به پایان که رسد لذت است.

Leisure is the reward of labour.

آسودگی پاداش رنج و زحمت است.

No pain, no gain.

آدم بدون رنج به سودی نمی‌رسد.

No sweat, no sweet.

بی عرق شیرینی‌ای در کار نیست.

Pain is temporary, victory is forever.

رنج چیز گذرایی باشد
لیک پیروزی ما دائمی است.

Patience is bitter, but it’s fruit is sweet.

صبر تلخ است، ولی میوهٔ آن شیرین است.

Patience has it’s rewards.

صبر پاداش خودش را دارد.

He deserves not the sweet that will not taste the sour.

کسی که نخواهد تلخی را بچشد لیاقت شیرینی را ندارد.

No man knows what is good except he hath endured evil.

هیچ مردی خیر را نشناخته
غیر از آن مردی که با شر ساخته.

A useful trade is a mine of gold.

یک حرفهٔ مفید چو یک معدن طلاست.

All is well that ends well.

آخر هر چیز خوش باشد
باقی آن نیز خوش باشد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Nae service, nae siller.

گر تو خدمت نکنی پولی نیست.

Nae gain without pain.

صرفه‌ای نیست که بی‌رنج به دست آید.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer gewinnen will, lerne vertragen.

هر کسی خواستار پیروزی است
شرط کارش تحمل‌آموزی است.

Wer in Frieden will walten, muß leiden und still halten.

او که می‌خواهد در آرامش ترقی کند باید در سکوت رنج را تحمل کند.

Ruh kommt aus Unruh, und wieder Unruh aus Ruh.

آسایش از تکاپو برآید و تکاپو از آسایش.

Ende gut, alles gut.

هرچه آخرش خوب است
پای تا سرش خوب است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi vuol riposare, convien travagliare.

کار باید بکند او که پی راحتی است.

Tutto è bene che riesce bene.

آنچه آخرش خوش است
پای تا سرش خوش است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No hay dulzura sin sudor.

تا تو عرق جبین نریزی
در کام خود انگبین نریزی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Na het zuure komt het zoet.

پس از هر تلخ شیرینی بیاید.

Als hij lang genoeg wacht, wordt de wereld zijn eigendom.

شکیبایی اگر در پیش گیرد
جهان را توی مشت خویش گیرد.

Een once geduld is meer dan een pond verstand.

یک نخود صبر و تحمل مثل یک من مغز می‌ارزد.

Het end goed, alles goed.

هرچه پایانش نکو باشد سراسر نیکی است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det man adlyster kommer ikke far snart.

هرگز آن چیزی که خوب و دلکش است
ساده و فوری نمی‌آید به دست.

Godt Haandværk har en gylden Grund.

حرفهٔ خوب و مفیدی هرکجاست
پایه و شالودهٔ آن از طلاست.

دعوا نمک زندگی است.

منظور دعوای زن و شوهر است.

معادل‌های انگلیسی:

The quarrel of lovers is the renewal of love.

جنگ و دعوای بین عاشق‌ها
چون شروع دوبارهٔ عشق است.

The falling out of faithful friends is the renewing of love.

جنگ و دعوای دو یار باوفا
می‌کند از نو فروزان عشق را.

معادل پرتغالی:

Arrufos de namorados saõ amores dobrados.

جنگ عشاق همان عشق دوچندان شده است.

معادل‌های لاتین:

Amor fit ira jucundior.

بین عشاق چو دعوا بشود
عشقشان بیش گوارا بشود.

Amantium iræ amoris redintegratio est.

دعوای دو دلدادۀ سرمست
آغاز دگربارۀ عشق است. (نقل قولی از ترنس Terence است.)

دکمه تا دکمۀ شلوار نگار
پله تا پلۀ عرش اعلاست. م. ا.

اما اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

It's ill to tak the breeks aff a bare arse.

کندن شلواری از یک کون لخت
هست کاری زشت و ناجور و زمخت.

دل به آبی آسمان بدهی، به همه عشق را نشان بدهی
بعد در راه دوست جان بدهی، دوستت عاشق زنت باشد. سید مهدی موسوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

All are not friends that speak one fair.

هر کسی حرف قشنگی می‌زند یک دوست نیست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het zijn niet alle vrienden die eenen toelachen.

هرکه در رویت بخندد دوست نیست.

دل می‌دهند و قلوه می‌گیرند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To be up to the ears in love.

تا بیخ گوش عاشق بودن.

همین که لبم بر لبت قفل شد
زمین و زمان را فراموش کن
دل یک زن عاقل‌تر از عقل اوست
همیشه به حرف دلت گوش کن. م. ا.

عقل یک مرد در سر است، ولی
عقل یک زن درون سینهٔ اوست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Woman’s instinct is often truer than man’s reasoning.

اغلب وقت‌ها غریزهٔ زن
واقعی‌تر ز منطق مرد است.

دلارام باشد زن نیکخواه
ولیکن زن بد، خدایا پناه!
چو طوطی کلاغش بُود هم‌نفس
غنیمت شمارد خلاص از قفس
سر اندر جهان نِه به آوارگی
وگرنه بنه دل به بیچارگی. سعدی – بوستان

ترک‌ها می‌گویند: آروادی بد اولانین ساققالی تئز آغارار. (مردی که زن بدی دارد ریشش زود سفید می‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Muddles at home make a husband roam.

خانه چو آشفته و خرتوخر است
مایهٔ ولگردی یک شوهر است.

Marriage, with peace, is this world’s Paradise; with strife, this life’s purgatory.
ازدواج با صلح و صفا بهشت این دنیا و ازدواج با درگیری و مشاجره برزخ این زندگی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
Fleas and a girning wife are waukrife bedfellows.

دو همبستر نحس و بدخواب ما
ککی و زنی نکبت و غرغروست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A quien tiene mala muger, ningun bien le puede venir, que bien se puede decir.

مرد وقتی صاحب یک همسر تخس و بلاست
انتظار شادمانی داشتن از وی خطاست.

Quien mal casa, tarde enviuda.

آرزوی بیوه بودن می‌کند
او که با یک ازدواج نادرست
خویش را در بند یک زن می‌کند.

دلبر لب‌تشنه‌ای آور به دست
تا بجوشد آبت از بالا و پست. م. ا. نقیضه بر مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You cannot make a horse drink if he is not thirsty.

تشنه وقتی که نباشد یابو
نتوان آب خورانید به او.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

On a beau mener le bœuf à l'eau s'il n'a soif.

بردن یک گاو وقتی تشنه نیست
سوی آبی کار بس بیهوده‌ای است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non si fa ber l'asino quando non ha sete.

تا خری تشنه نباشد نتوان
که به اجبار به او آب خوراند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wie geen dorst heeft, wat doet hij bij de fontein.

هر کسی تشنه نباشد کار با چشمه ندارد.

دلداده را ملامت گفتن چه سود دارد
می‌باید این نصیحت کردن به دلستانان. سعدی – غزلیات

دلدار من چو کیر مرا زیر شرت دید
گفت از چه وقت نام دم موش کیر بود؟
گفتم فریب ظاهر هر چیز را نخور
اسکندر کبیر به قامت حقیر بود. م. ا.

عدو را به کوچک نباید شمرد
که کوه کلان دیدم از سنگ خرد. سعدی – بوستان

ای که شخص منت حقیر نمود
تا درشتی هنر نپنداری
اسب لاغرمیان به کار آید
روز میدان، نه گاو پرواری. سعدی – گلستان

نه هرکه به قامت مهتر، به قیمت بهتر. سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Little things are pretty.

چیزهای ریزه‌میزه خوشگل‌اند.

Small is beautiful.

کوچک زیباست.

The best ointments are put in little boxes.

بهترین انواع مرهم در جهان
در میان جعبه‌های کوچک‌اند.

The best things come in small packages.

آن چیزها که بهترینِ چیزهایند
همواره اندر جعبه‌های کوچک آیند.

The greatest crabs are not always the best meat.

بزرگ‌ترین خرچنگ‌ها همیشه بهترین گوشت نیستند.

Little pigeons can carry great messages.

کبوترهای کوچک می‌توانند
که پیغام بزرگی را رسانند.

Nothing is little.

هیچ چیزی حقیر و کوچک نیست.

You may grow good corn in a little field.

از دل هر کشتزار کوچکی

می‌توان محصول خوبی را درود.

There is no little enemy.

چیزی به اسم دشمن کوچک نداریم. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Muckleness is no manliness.

گنده بودن نشان مردی نیست.

Tramp on a worm and she'll turn her head.

تو کرمی را لگد کن تا سر خود را بچرخاند. (= دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد.)

Weel is that weel does.

خوب آنی است که کارش خوب است.

A's fine that's fit.

هر چیز مناسب است خوب است.

Wark bears witness wha does weel.

کار گواهی دهد این را که کیست

کز دگران کارگر بهتری است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’y a point de petit ennemi.

چیزی به اسم دشمن ناچیز و بی‌ارزش نداریم.

Craignez la colère de la colombe.

از خشم کبوتری بترسید.

De toute taille bon chien.

سگ خوب در هر قد و سایز هست.

Petit homme abat grand chêne.

مردی کوچک بلوطی بزرگ را می‌اندازد.

Un petit homme projette parfois une grande ombre.

گاهی اوقات آدمی کوچک

سایه‌ای بس بلند اندازد.

Il n’y a si petit buisson qui n’ait son ombre.

هیچ بوته‌ای آن‌قدر کوچک نیست که سایه‌ای نیندازد.

A petite fontaine boit-on à son aise.

آدمی از جویبار کوچکی

آب می‌نوشد به آرام و قرار.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Kleine Feinde und kleine Wunden sind nicht zu verachten.

دشمنان کوچک یا زخم‌های کوچک را

تحت هیچ عنوانی دست‌کم نگیر آقا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Piccola pietra rovescia gran carro.

سنگ کوچکی گاری بزرگی را واژگون می‌کند.

Di picciol uomo spesso grand’ombra.

مرد بسیار کوچکی اغلب

سایه‌ای بس بلند اندازد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Cada cabello hace su sombra.

هر تار موی سایهٔ خود را بگسترد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Pequeno machado parte grande carvalho.

تبری کوچک بلوطی بزرگ را می‌اندازد.

Cada formiga tem sua ira.

هر مورچه‌ای خشم خودش را دارد.

Cada mosca faz sua sombra.

هر مگس سایهٔ خود را دارد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Hooge boomen geven meer schaduuw dan vruchten.

آن درختان که بزرگ‌اند و بلند

سایه‌شان از برشان بیش‌تر است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Habet et musca splenem.

حتی مگسی خشم خودش را دارد.

دلربایی همه آن نیست که عاشق بکشند

خواجه آن است که باشد غم خدمتکارش. حافظ

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Venlige Ord og faa ere Qvinders Pryd.

واژگان مهربان و اندکی

زیور و پیرایه‌های یک زن‌اند.

دلق و سجادهٔ حافظ ببرد باده‌فروش

گر شرابش ز کف ساقی مهوش باشد. حافظ

به عزم توبه نهادم قدح ز کف صد بار

ولی کرشمهٔ ساقی نمی‌کند تقصیر. حافظ

دلیل و منطق رفتار یک زن:

چون این‌جوری دلم می‌خواد فعلاً. م. ا.

الکساندر پوپ Alexander Pope گفته است:

Most women have no characters at all.

بیش‌تر زن‌ها اصلاً هیچ شخصیتی ندارند.

معادل‌های انگلیسی:

A woman’s reason – because I want it so.

منطق زن: چون‌که این‌جوری دلم می‌خواد من.

"Because" is a woman's answer.

پاسخ یک زن «برای این‌که» است.

A woman’s mind and winter wind changes oft.

دو چیز هست که تغییر می‌کند طبعاً:

یکیش باد زمستان، یکی عقیدهٔ زن.

The will of a woman is always her reason.

میل یک زن همیشه منطق اوست.

A woman is a weather-cock.

زن‌جماعت خروس بادنماست.

Between a woman’s yes and no,
There is not room for a pin to go.

نیست در بین نه و آرهٔ زن

جای انداختن یک سوزن.

معادل اسکاتلندی:

"Because" is a woman's reason.

«چون‌که» استدلال و برهان زن است.

معادل‌های آلمانی:

Zwischen eines Weibes “Ja” und “Nein” läßt sich keine Nadelspitze stecken.

نیست در بین نه و آرهٔ زن

جای جا کردن یک سرسوزن.

Weiber sind veränderlich wie Aprilwetter.

زنان همان‌قدر دمدمی هستند که هوای آوریل.

معادل‌های ایتالیایی:

Donna è mobile come piume in vento.

زن مثل پری توی هوا دمدمی است. (نقل قولی از وردی Verdi است.)

La donna è mobile.

زن دمدمی‌مزاج است.

La donna all’improvviso, e l’uomo a caso pensato.

زن فی‌البداهه تصمیم می‌گیرد و مرد با اندیشه.

دم جنده‌های محله‌تان گرم.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید: «دمت گرم.»

دم شیر است کیر مرد بی‌زن

بترس از مرد بی‌زن خوشگل من. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The cobra will bite you whether you call it cobra or Mr. Cobra.

تو را مار کبرا زند نیش، حالا

چه کبراش خوانی، چه آقای کبرا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Gaasen gaaer saa længe i Stegerset, til hun fastner ved Spedet.

غاز آن‌قدر به آشپزخانه می‌رود تا این‌که بالأخره به سیخ کباب می‌چسبد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Procul a pedibus equinis.

از سم یک اسب خود را دور دار.

دم موش است.

شاهد مثال:

کس‌پاره زنی که دوش افتادم روش

آمد سر خرزه‌ام به نزدیک گلوش

از بس‌که کسش بود فراخ و جادار

می‌گفت که این کیر بُود یا دم موش؟ خاکشیر

اما دانمارکی‌ها می‌گویند:

Smaae Helgen giöre og Jertegn.

قدیسان کوچک هم معجزه می‌کنند.

دندان‌درد نکشیده‌ای که عاشقی یادت برود.

دو بچه کافی نیست. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

خواهرهایی که پیش من می‌آیند

عمارترین حامله‌های مایند

چون شیخ نظر داده دو تا بچه کم است
نُه ماه دگر هشت قلو می‌زایند.   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:
Ex lingua stulta veniunt incommoda multa.

آنچه گوید یک مشنگ بی‌خرد
شر بسیاری به دنبال آورد.

دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آن که اندوخت و نخَورد و دیگر آن که مخ زد و نکرد.
م. ا. نقیضه بر سعدی

ز چشم مست تو امّید خواب می‌بینم
تو خوش بخفت که ما را قرار خفتن نیست
به دیدن از تو قناعت نمی‌توانم کرد
حکایتی دگرم هست و جای گفتن نیست.   سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The end of fishing is not angling but catching.

هدف از ماهیگیری قلاب انداختن نیست، ماهی گرفتن است.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Zielen ist nicht genug, es gilt Treffen.

نشانه‌گیری کافی نیست، باید به هدف بزنی.

دو یار زیرک و از بادهٔ کهن دو منی
فراغتی و کتابی و گوشهٔ چمنی
من این مقام به دنیا و آخرت ندهم
اگرچه در پی‌ام افتند هر دم انجمنی

هر آن که کنج قناعت به گنج دنیا داد
فروخت یوسف مصری به کمترین ثمنی.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:
He that is of a merry heart hath a continual feast.

هر کسی قلبش قرین شادمانی است
صاحب یک بزم و سور جاودانی است.

A little with quietness is God’s own gift.

اندکی مال و کمی آرامش
هدیه‌ای از طرف شخص خداست.

A little house well fill’d,
A little land well till’d,
And a little wife well will’d.

خانه‌ای کوچک و از هرچه بخواهی لبریز
تکه‌ای مزرعهٔ کاشتهٔ حاصلخیز
همسری کوچک و مطلوب دل و شورانگیز.

Love in a cottage.

عشق ورزیدن درون کلبه‌ای.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Alla pace si può sacrificar tutto.

همه‌چیزی فدای زندگی‌ای
باصفا و قرین آرامش.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Asno contente vive eternamente.

گر خری قانع و راضی باشد
عمر او عمر درازی باشد.

دو ساعت عشقبازی مثل رؤیاست
دوپینگ عاشقان قرص ویاگراست.   م. ا.

وقتی سؤال می‌کنم آیا کدام بود
شیرین‌ترینِ خاطره‌های ویاگرا
زیباترین جواب سمیرا سکوت اوست
رسواترین جواب ندا: هیش، بی‌حیا
پرپرترین جواب پری: اوووخ، دیگه نه
جیگرترین جواب تو: امشب بخور دو تا.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man surprised is half beaten.

مرد غافلگیر وقتی می‌شود
نیمی از یک جنگ را او باخته.

Forecast is better than work hard.

پیش‌بینی از تلاش و سختکوشی بهتر است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Homem apercebido, meio combatido.

او که پیش از جنگ خود را خوب حاضر کرده است
نیمی از فتح و ظفر را او به دست آورده است.

ساقیا، در گردش ساغر تعلل تا به چند
دور چون با عاشقان افتد تسلسل بایدش. حافظ

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Amar y saber, no puede ser.

از محالات است اندر این جهان
عاشقی و عاقلی توأمان.

دور دور آب‌منگل‌هاست، غوغا می‌کنند
شخص قیصر هم که باشی، خواهرت را می‌کنند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Trust me, but look to thyself.

تو به من اعتماد کن، اما
خویش را با دو چشم باز بپا.

He who trusteth not is not deceived.

گول هرگز نمی‌خورد آن فرد
که به هیچ آدم اعتماد نکرد.

Trust, beware whom.

اعتمادی کن و هش دار به کی.

In trust is treason.

خیانت در میان اعتماد است.

Trust is the mother of deceit.

مادر مکر و فریب است اعتماد.

He that is too secure is not safe.

او که خیلی خاطرش جمع است ایمن نیست.

The way to be safe is never to feel secure.

راه ایمن شدن همینه که تو
هرگز احساس ایمنی نکنی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Try before you trust.

تو پیش از اعتمادت امتحان کن.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Traue, aber nicht zu viel.

اعتمادی بکن، اما نه زیاد.

Sicherheit ist des Unglücks erste Ursache.

خاطری جمع و حس امنیت
اولین علت سیه‌روزی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha sospetto, di rado è in difetto.

هر کسی بر خلق باشد بدگمان
او به ندرت می‌کند خبط و زیان.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Do fogo te guardarás, e do máo homem naõ poderás.

توانی از آتش خودت را بپایی
ولی از پس ناکسی برنیایی.

Come com elle, e guarte delle.

با طرف هم‌سفره شو، اما از او پرهیز کن.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nusquam tuta fides.

جای امنیت به جایی امن نیست. (نقل قولی از ویرژیل Virgil است.)

دوربین دیده‌بان و همسر مردی جوان

شب به شب کاری حسابی می‌کشند از گرده‌شان. م. ا.

معادل انگلیسی:

A child’s bird and a boy’s wife are well used.

خوب استفاده می‌شود از این دو طفلکی:

از همسر جوانکی و مرغ کودکی.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mal vai ao passarinho na maõ do menino.

نگونبخت آن مرغ بیچاره‌ای است

که بازیچهٔ طفل بیکاره‌ای است.

دوری و دوستی.

معادل عربی: زُرنی غِباً تزدد حُباً. (مرا دیر به دیر ببین تا محبت زیاد شود.)

جمله‌ای است که پیامبر اسلام به ابوهریره که مدام موی دماغش می‌شد گفت.

معادل‌های انگلیسی:

A hedge between
Keeps friendship green.

بین باغ دوستی وقتی حصار

می‌گذاری سبز آرد برگ و بار.

Good fences make good neighbors.

همسایه‌هایی خوب را پرچین خوبی ساخته.

معادل فرانسوی:

Un peu d’absence fait grand bien.

در کمی دوری گزیدن خیر بسیاری است.

معادل‌های آلمانی:

Ein Zaun dazwischen mag die Liebe erfrischen.

بین باغ عاشقی وقتی چپر

می‌گذاری می‌شود سرسبزتر.

Liebe deinen Nachbar, reiß aber den Zaun nicht ein.

دوست دار از جان و دل همسایه‌ات را، همچنین
از میان خانه‌ها پرچین خود را برنچین.

معادل ایتالیایی:

Per amistà conservare, muri bisogna piantare.

برای پاسداری از رفاقت
بباید ساختن دیوارهایی.

دوستان، کار کیر بازی نیست
هیچ کاری بدین درازی نیست

کیر من چون علم برافرازد
کم ز سنجاق شاه غازی نیست
پیشه خر گادن است و جلق زدن
وآن دگرها به‌جز مجازی نیست.   عبید زاکانی

یک عضو غریبه در تن خود دارم
او را باید به حال خود بگذارم
گهگاه که من خفته‌ام او بیدار است
گاهی هم او خفته و من بیدارم

انگار که یک هوش مجزا دارد
فرمان مرا به هیچ می‌انگارد
از پیش سرافراز به پیروزی خویش
هر بار مرا به جنگ وا می‌دارد.   م. ا.

دوستدختر چرک کف دست است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Andere Städtchen, andere Mädchen.

شهرهایی دگر و دخترکانی دیگر.

پیرم، اما به خدا باکره‌ام
تف به این بستر بی‌خاطره‌ام
با گناهی تفکی ـ خوش‌خوشکی

واجب‌القارعه تا خرخره‌ام
دوست‌دختر نه و حوری هم نُچ
خسر الدنیا و الآخره‌ام. م. ا.

نه زید سروبالایی، نه حورالعین رعنایی
گدای ملحدی هستم، نه دنیایی، نه عقبایی. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: دونیادا پولسوز، آخیرتده ایمانسیز. (در دنیا بی‌پول، در آخرت بی‌ایمان.)

دوش یارم گفت کیرت خفته است
گفتم این فتنه‌ست، خوابش برده به. عبید زاکانی، نقیضه بر سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Wake not a sleeping lion.
شیر اگر خوابیده بیدارش نکن.

فرانسوی‌ها می‌گویند:
N'éveille pas le chat qui dort.
گربه وقتی خفته بیدارش نکن.

دوشیزه، راه می‌ره و قر می‌ریزه.

فرانسوی‌ها می‌گویند:
Fille oisive, à mal pensive.
در سر دختری که بیکار است
هوس فتنه است و آزار است.

کمری سفت ز کیری خرکی خوب‌تر است
کیر خر با کمر شل دول است
دول با یک کمر سفت همان کیر خر است. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:
Au long aller petit fardeau pèse.
بار سبک چون که سوی دوردست
برده شود، بار گرانی شده‌ست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Longo in itinere etiam palea oneri est.

در سفرهایی به سوی دوردست
برگ کاهی نیز وزنش خیلی است.

دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی
بازار خویش و آتش ما تیز می‌کنی. سعدی – غزلیات

سعدی خویش خوانی‌ام، پس به جفا برانی‌ام
سفره اگر نمی‌نهی، در به چه باز می‌کنی. سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Desires are nourished by delays.

چون معطل می‌شود ارضای میل
آتش آن شعله‌ورتر می‌شود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Molti voglion l'albero che fingon di rifiutar il frutto.

خیلی‌ها مشتاق آن درختی هستند که وانمود می‌کند نمی‌خواهد میوه بدهد.

دیدن آرنج پسرها دخترها را تحریک می‌کند و حرام است.

پوشیدن پیراهن آستین‌کوتاه توسط دانشجویان پسر از لحاظ شرع حرام است؛ چون پوست آرنج پسرها مانند بیضهٔ آن‌هاست. زمانی که دختران دانشجو به پوست آرنج آقایان نگاه می‌کنند، مانند این است که پوست بیضه را می‌بینند و این باعث لذت و تحرکات جنسی در دختران دانشجو می‌شود و حرام است.
نمایندهٔ ولی فقیه در دانشگاه یزد

هر زمان آرنج بد معنا شود
موجب تحریک خانم‌ها شود
خایه‌آسا مایهٔ رسواییِ
همسر شیدای حاج‌آقا شود
خواهر شیطان آتش‌پاره‌اش
گر بگیرد، بمب آتشزا شود
مادر بیمار رو به موت شیخ

با شوک جانانه‌ای احیا شود
چرت و شرت بچه‌هایش جر خورد
چشم و گوش اهل بیتش وا شود
سوژه‌استمنای فرزند ذکور
دخترش را سوژه‌استشها شود
فکر و ذکر اهل بیت شیخنا
وقف ریدن بر سر تقوا شود
در فلان‌جاشان سپوزد آتشی
ای بسا در شهر واویلا شود
دورهٔ خانم‌دماغان بگذرد
عفت بینی‌نشان ملغا شود
بدترینِ منکرات مؤمنات
دیدن آرنج تخم‌آسا شود
در بسیج خواهران هر محل
فتنهٔ آرنجی‌ای برپا شود
کون اسلام و تشیع فاکناک
کون فقه جعفری خرگا شود
وربیفتد دورهٔ عدل علی
شیوهٔ نوشین‌روان اجرا شود
ملت ما بی‌نیاز از عالمِ
فن استبرا و استنجا شود
بی‌نیاز از این‌که در عصر فضا
دختر نه‌ساله‌ای افضا شود
این‌که سوژه‌خنده‌های تلخ ما
حرف‌های این و آن ملا شود
این‌که هر سالی دو ماه از عمرمان
یاس ناسیراب عاشورا شود
این‌که خاک تابناک این وطن
فاضلاب باقی دنیا شود

بر سرآید دورهٔ خمس و زکات
شیخ‌ها را دسته‌بیل اهدا شود
توی کون شیخک تاریک‌بین
تیرهای برق روشن جا شود
حوزه‌ها با بولدوزر ویران شوند
بلکه ایران خانه‌ای زیبا شود
آفرین بر مغز دوراندیش شیخ
یک نوبل باید به وی اعطا شود
لیکن این فتوا برایم مبهم است
کاش مغز بنده هم گیرا شود
آخر این آرنج صد سال سیاه
خاک پای خایه‌های ما شود
چون‌که این‌ها سایه‌های خایه‌اند
کی کپی با اصل خود همتا شود
همچنان تمثیل غارند این دو تا
چشم دل با آن دو تا بینا شود
در سرابی عکس آبی دیده است
هرکه با آرنج ما شیدا شود
چیزهای بهتر از آرنج هم
توی دست‌وبال ما پیدا شود
شامل حال جمیع مؤمنات
این دو بیت ناب مولانا شود:
مرغ بر بالا پران و سایه‌اش
می‌رود بر روی صحرا مرغ‌وش
ابلهی صیاد آن سایه شود
می‌دود چندان که بی‌مایه شود

آرنج که عقل آفرین می‌زندش
صد بوسهٔ مهر بر جبین می‌زندش
این کوزه‌گر دهر چنین آرنجی

می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

آرنج شما را که خدا طرح انداخت
مانند کدام عضو آقایان ساخت؟
سری است در این خلقت خلاق خدا
کان را به‌جز این شیخ بلا کس نشناخت

آن شیخ که با عقل خداداد آمد
آرنج که دید، خایه‌اش یاد آمد
در سجده که آستین او بالا رفت
محراب به فریاد اُ یس گاد آمد

آرنج شما سلاح ابلیس شده
چون مایهٔ تحریک نوامیس شده
آرنج شبیه خایهٔ مردی را
دیشب زن شیخ دیده و خیس شده

زان روز که با بیضه ملازم شده است
آرنج تو بدجور مهاجم شده است
هر بار که تی‌شرت به تن داشته‌ای
طفلک زن شیخ سکس‌لازم شده است

آرنج شما نعمت تخماتیکی است
در هر خم او نکتهٔ بس باریکی است
هر تیر که در کمان ابرو دارد
سوی ننهٔ شیخ محل شلیکی است

آرنج من امروز عیان خواهد شد
مادینه به ارگاسم‌رسان خواهد شد
تی‌شرت اگر به تن کنم، دختر شیخ
نُه جای تنش آبچکان خواهد شد

هر خواهر نازی که به من می‌نگرد

از جای خودش سه متر بالا بپرد
آن لحظه که آرنج مرا می‌بیند
با شور و شعف شرت خودش را بدرد

آرنج پر از چین و چروک است و رواست
او لعبت شیرین تُرُش‌روی شماست
ابرو گره انداخته، چون مدعیان
بیم است طمع برند دیس حلواست

آرنج نگویید، بگویید هلو
ای وای، هلو، بپر برو توی گلو
دیوانه‌کننده است و خواهرجرده
آن لحظه که خیس می‌شود وقت وضو

هنگام وضو و مسح دست چپ و راست
در بین خر شیعه و سنی دعواست
فرموده اِلی المَرافِقِ الله عزیز
این آیهٔ خایه‌ای چه درگیری‌زاست

آرنج شما چرا دو تا شد، نه سه تا؟
زیرا که دو تخم داری ای حاج‌آقا
الله قرینه‌ساز خیلی نازی است
احسنت به عقل طرب‌انگیز خدا

اعضای بسیج مملکت خوشحال‌اند
از یک هیجان خاص مالامال‌اند
مِن بعد به جای خایه‌مالی کردن
آرنج جناب شیخ را می‌مالند

ما ملت وارفتهٔ چون شیربرنج
بر صورت ما زنند با سیلی سنج
مِن بعد به جای واژهٔ بی‌خایه
باید که بگویند به ما بی‌آرنج

آرنج که ترکیب شود با خایه
یک واژهٔ تازه می‌شود: آرایه
این معجزهٔ هزاره صادر گشته
از یک خرد هزار و شونصدلایه

ای سعدی عصر و حافظ دورهٔ ما
تشبیه بلیغ را رساندی به خدا
این زادهٔ یک نبوغ فوق بشری است
آرنج کجا و کیسهٔ بیضه کجا

من عمق کنایه را نمی‌فهمیدم
ایهام سه‌لایه را نمی‌فهمیدم
تا شیخ نگفته بود، والله که من
آرایهٔ خایه را نمی‌فهمیدم

آرنج هزارتو، خدایا توبه
آویخته از دو سو، خدایا توبه
آخوند — پناه بر خدا — شیطان است
با فکر خراب او، خدایا توبه

آرنج اگرچه شد تماشاگه راز
کی می‌رسد او به بیضهٔ لنگ‌دراز
بیهوده شلوغ کرده‌ای حاج‌آقا
از تپهٔ موش کور یک کوه نساز

ای شیخ، گناه تازه‌ای زاییدی
آن روز که هنگام تکلم ریدی
در بین سؤالات نکیر آمده است:
در عمر خود آرنج کسی را دیدی؟

ای چیز در آرنج شل ملعونت
در کشور آرنجی بی‌قانونت
زندان و شکنجه‌ات به آرنجم شیخ

شعر همه‌آرنجی من در کونت.   م. ا.

دیدن مادرزن خود هست چیز دلنشینی
عینهو آبی که توی کفش‌های خود ببینی.   م. ا.

ملک‌الموتم از لقای تو به
عقربم گو بزن، تو دست منه.   سعدی

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
He's as welcome as snaw in hairst.

دیدن او هست چیز دلپذیر و دلنشینی
مثل برفی که سر برداشت خرمن ببینی.

He's as welcome as water in a riven ship.

دیدن او هست چیز دلپذیر و دلنشینی
مثل آبی که درون کشتی‌ای ویران ببینی.

دیگر سر جای اولمان جا نمی‌شویم.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید باید برگردیم سر جای اولمان.

دیگه گوزیدی.

یک رانندهٔ کامیون بچه‌خوشگلی را سوار می‌کند و به او می‌گوید: «یه‌وقت نگوزیا. اگه بگوزی می‌کنمت.» چند دقیقه بعد راننده از پسر می‌پرسد: «چه بویی می‌آد؛ گوزیدی؟» پسر می‌گوید: «نه به خدا؛ نگوزیدم.» مدتی بعد راننده دوباره می‌پرسد: «گوزیدی؟» پسر می‌گوید: «به ارواح خاک آقام نگوزیدم.» نیم ساعتی که می‌گذرد، راننده کنار جاده نگه می‌دارد و می‌گوید: «آ... دیگه گوزیدی!»

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The wolf finds a reason for taking the lamb.

گرگ وقتی که بخواهد بره را با خود برد
می‌تواند تا برای آن دلیلی آورد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Per picciola cagione pigliasi il lupo il montone.

با دلیل و بهانه‌ای بی‌خود

بره را گرگ می‌برد با خود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er en ringe Aarsag, hvorfor Ulven æder Faaret.

به یک بهانهٔ پوچ و دلیل مختصری
نیاز هست که تا گرگ بره را بدرد.



راز شیرین گناهان این است:

زهر با فعل نخور زولبیاست.   م. ا.

معادل عربی: کل ممنوع مطبوع. (هر ممنوعی خوشایند است.)

معادل آلمانی:

Verbotenes Obst ist süß.

میوهٔ ممنوعه شیرین می‌شود.

معادل ایتالیایی:

I frutti proibiti sono i più dolci.

شیرین‌ترینِ میوه‌ها آن میوهٔ ممنوعه است.

ای ترک پسر، به ما خطا یعنی چه؟
راضی شده‌ای، دگر ادا یعنی چه؟
خوابیدی و خود به دست خود تر کردی
درکردن کیر لای پا یعنی چه؟   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What is worth doing is worth doing well.

به انجامش اگر یک چیز ارزد
به خوب انجام دادن نیز ارزد.

خاله‌باجی که کس نمی‌داند
شوهر چندمیش مال کی است
گفت هر جا که بحث شیطنت است
یک زن بیوه کاملاً اُکی است
ظاهرش گرچه سرد و بی‌میل است
در دل او ولی دلی‌دلی است
راه تسخیر یک زن بیوه

یک شبیخون به رختخواب وی است.   م. ا.

معادل انگلیسی:

The way to have a widow is getting to her bed.

شیوهٔ یک بیوه آوردن به دست

راهیابی توی تخت بیوه است.

راه خانهٔ معشوق به مردم منمایید.   عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that shows his wealth to a thief, is the cause of his own pillage.

مال خود را به دزد هرکه نمود

موجب غارتش خود او بود.

He that shows his purse longs to be rid of it.

کیف پولش را نشان این و آن هر کس دهد

ظاهراً او مایل است از شر کیف خود رهد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that shows his purse tempts the thief.

کیف خود را چو کسی داده نشان

دزد را وسوسه کرده با آن.

در مکتب دلبری دو سبک از هنر است

هر سبک به یک جنس بشر کارگر است

راه دل مرد از شکمش می‌گذرد

راه دل زن ولی کمی زیرتر است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The way to a man's heart is through his stomach.

جادهٔ قلب یک آقا از مسیر معده است.

راه‌های مخ زدن به تعداد دخترهاست.   م. ا.

من ز دریا روم، تو از خشکی

به سوی کعبه راه بسیار است.   قاآنی

عرب‌ها می‌گویند: الطریق الی الله بعدد نفوس الخلایق.

(راه‌های رسیدن به خدا به تعداد آدم‌هاست.)   حدیثی منسوب به علی بن ابی‌طالب

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Every man buckles his belt his ain gate.

هرکه می‌بندد به شکل خاص خود
یک کمربندی به شلوار خودش
(= طبق راه و شیوهٔ مخصوص خویش
می‌کند هر آدمی کار خودش).

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Per più strade si va a Roma.

سوی رم راه‌های بسیاری است.

رفاقت آن زمان یک شعر ناب است
که کیر و کون به هم پیوسته باشد
رفیقی بند شلوار خودش را
به تار عنکبوتی بسته باشد.   م. ا.

اگر رفیق شفیقی، درست‌پیمان باش
حریف خانه و گرمابه و گلستان باش.   حافظ

ترک‌ها می‌گویند: دوست اول، وفالی اول. (دوست باش، باوفا باش.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Friendship is love with understanding.

رفاقت عشق با ادراک باشد.

No cut like unkindness.

هیچ زخمی بدتر از نامهربانی نیست.

He that ceases to be a friend never was a good one.

دوستی خوب نبوده آن فرد
که کنون دوستی‌اش را ول کرد.

In time of prosperity friends will be plenty;
In time of adversity not one among twenty.

هنگام خوشی هر آشنایی
انگار رفیق آن‌چنانی است
از بیست رفیق یک نفر هم
هنگام نیاز آشنا نیست.

Try your friend before you have need of him.

امتحان کن تو رفیق خود را
پیش از آنی که به او کار افتد.

Try your friends before you trust them.

امتحان کن رفیق‌هایت را
پیش از آنی که اعتماد کنی.

He that speaks me fair and loves me not,
I'll speak him fair and trust him not.

هر کسی حرف قشنگی می‌دهد تحویلم و
در دل خود دوستم اما ندارد مطلقاً
بنده هم حرف قشنگی می‌دهم تحویلش و
لیکن اطمینان به او هرگز نخواهم کرد من.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

When we want, friends are scant.

دوستان اندک‌اند هنگامی
که به آنان نیازمند شویم.

He that's no my friend at a pinch is no my friend at a'.

او که در هنگام سختی دوست نیست
مطلقاً خارج ز بحث دوستی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui cesse d'être ami ne l'a jamais été.

مطلقاً دوست نبوده آن فرد
که کنون دوستی‌اش را ول کرد.

Le faux ami ressemble à l'ombre d'un cadran.

رفیقی که قلابی و ناحسابی است

چنان سایهٔ ساعتی آفتابی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Ese es mi amigo el que muele en mi molinillo.

غله‌اش را در آسیابم اگر

آسیا می‌کند، رفیق من است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nunca foi bom amigo, quem por pouco quebron a amizade.

مطلقاً دوست نبوده آن فرد

کز سر عذر و دلیلی واهی

رشتهٔ دوستی‌اش را شل کرد.

گفت خواجه با زن خود چاره‌ای کن فرج را

کز فراخی‌های آن تنگ است عیش من سترگ

گفت من در چارهٔ این کار معظم کوچکم

بل بزرگان دیار هند و ایران، روم و ترک

گفت پس تدبیر چبود؟ گفت اگر از حرف راست / می‌نرنجی،

رو بده کون تا شود کیرت بزرگ. یغمای جندقی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The end justifies the means.

هدف وسیله را توجیه می‌کند.

روده‌پیمایی باتوم ز کون تا به گلو

می‌کند در سر هر فتنه‌گری عقل فرو. م. ا.

فقط عرفان آن و دین این بود

که سهم شاعر مشرق‌زمین بود

اگر همدورهٔ ما بود حافظ

یقیناً جای او هم در اوین بود

به لطف سرور حافظ‌شناسان

حسابش با کرام الکاتبین بود

همین باتوم چینی، نوع تک‌سایز

که شکل آلت خاقان چین بود
بصیرت توی او پمپاژ می‌کرد
که این کالای چین سحر مبین بود
بصیرت با عنش مخلوط می... زرررررررررررررت
از آن پس شعر حافظ این‌چنین بود:
عجب علمی است علم کشور چین
که باتومش بصیرت‌آفرین بود
نثار چین ریش محتسب باد
همان گوزم که سفت و پرطنین بود
اگر دوران من هم محتسب داشت
سگش صد بار آدم‌تر از این بود
عقبگردی به قطر چارده قرن
نصیب باسن ایران‌زمین بود.   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wir wollen ihn bitten, wie man dem Esel thut; wenn er die Säck’ nicht will tragen, so schlägt man ihn genug.

با او همان رفتاری را بکن که با نره‌الاغ می‌کنی؛ اگر حاضر نیست گونی را حمل کند، با دگنک خدمتش برس.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Holder man ei Kieppen til, agter Hunden intet Bud.

چماق بلندشده است که سگ را به اطاعت وا می‌دارد.

روزی گربه دست زن شلخته است.

معادل اسکاتلندی:

Cats eat what hussies spare.

نصیب گربه شود آنچه یک شلختهٔ بد
برای روز مبادا کنار بگذارد.

معادل ایتالیایی:

Che ne può la gatta se la massaia è matta?

عقل را کلفت اگر باخته است

کاری از گربه مگر ساخته است؟

ز

ز اذان صبح تا شام چو نمازخوان کس‌خل
ننموده هیچ کونی سی و چار بار قنبل. م. ا.

امردی رفت تا نماز کند
کرد کون سفید خود بالا
فاسقی زود جست بر پشتش
گفت سبحانَ ربی الأعلی. ایرج میرزا

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Dieu seul devine les sots.

فقط شخص خدا قادر به درک کله‌پوکان است.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد
که هرچه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد
زنم بر دیده تا دل گردد آزاد. بابا طاهر

گفت آن یار کزو گشت سر چیز بلند
جرمش این بود که هی چیز هویدا می‌کرد. م. ا. نقیضه بر حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A rolling eye, a roving heart.

حاصل چشم‌چرانی دل سرگردانی است.

ز سندان و چکش بگیرید درس
شما دختران و پسرهای خوب
تو سندان چو هستی، تحمل بکن
اگر چکشی، سفت و محکم بکوب. م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando ayunque, sufre, quando mazo, tunde.

هر زمان سندان شدی، طاقت بیار

هر زمان چکش شدی، محکم بکوب.

همی‌خواست دیدن سر راستی

ز کار زن آید همه کاستی. فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman’s work is never at an end.

کار زن ناتمام خواهد ماند. (نقل قولی از ایوسدن Eusden است.)

ز کونت کیر را بیرون نمایم

که با آن کون خود را من بگایم؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I will not pull the thorn out of your foot and put it into my own.

خار را از پای تو بیرون نخواهم کرد تا

توی پای خویشتن داخل کنم آن خار را.

ز من مترس که خانم تو را خطاب کنم

از او بترس که همشیره‌ات خطاب کند. ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The more prudish the more unchaste.

هرکه زاهدمآب‌تر باشد

عفت او خراب‌تر باشد.

زاهد اگر به حور و قصور است امیدوار

ما را شرابخانه قصور است و یار حور. حافظ

خسرو آن است که در صحبت او شیرینی است

در بهشت است که همخوابهٔ حورالعینی است. سعدی – غزلیات

من به بوسی رضا دهم؟ هیهات

نادر است این سخن ز مثل منی
زخمه‌ای در میان هر دو سرون
به که هفتاد بوسه بر دهنی.   سعدی

وه که دردانه‌ای چنین نازک
در شب تار سفتنم هوس است.   حافظ

زر نیست که تا به کون نیازی بکنیم
یا باده که عیش دلنوازی بکنیم
چون مایهٔ فسق نیست چیزی حاضر
برخیز که ناچار نمازی بکنیم.   عبید زاکانی

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Maints sont bons parce qu'ils ne peuvent nuire.

چه زیاد است نکو انسانی
که از آن روی نکو انسانی است
که توانایی شر در وی نیست.

زرنگ آفتابه است.

سیفون ما عاشق و شوریده است
چون همه‌جای همه را دیده است.   م. ا.

بهترین شانس تماشا مالِ
سیفون خانهٔ مینا ایناست.   م. ا.

مکن ای شاهد شکرپاره
دل و دین را به عشوه آواره
یا مگرد آشنای و شوی مکن
یا به بیگانه رای و روی مکن
زشت باشد که همچو بوالهوسان
نان شوهر خوری و کیر کسان
به چه از خانه سر به در داری

گر نه سر با کسی دگر داری.   اوحدی

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den som Hönen föder, bör at have Ægget.

هر کسی می‌دهد به مرغ غذا

می‌تواند گرفت تخمش را.

زشت پیرزن است.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید فلان کار زشت است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Tempus erit, quo vos speculum vidisse pigebit.

به زودی یک زمانی خواهد آمد

که از آیینه‌ها بیزار باشی. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

زکات کیر را به مستحقان رسانید.

زکات کیر به مستحقان رسانید؛ چون زنان مستور که از خانه بیرون نتوانند رفتن و هیزان پیر و مفلس و کون‌ریش‌آورده که از کسب مانده باشند و زنان جوان شوهر به سفر رفته که زکات دادن یمنی عظیم دارد.   عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Giving to the poor
Increaseth your store.

با دادن زکات به افراد مستمند

اموال تو زیادتر از قبل می‌شوند.

The charitable give out at the door, and God puts in at the window.

از در که بیرون می‌دهند افراد نیکوکار

از پنجره تو می‌فرستد ایزد دادار.

Giving to God is no loss.

دادن به خداوند هدر دادن نیست.

He who gives to another bestows on himself.

وقف خود کرده است چیزی اگر

فردی اعطا کند به فرد دگر.

Give, and ye shall receive.

بده تا این‌که از آن‌سو بگیری.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Nessun diventò mai povero per far limosina.

هیچ‌کس با صدقه دادن خود
آدمی مفلس و بی‌پول نشد.

زن آینده‌تو قبلاً یه سفر
سانفرانسیسکوی شاهانه ببر
روش شیره خریدن اینه:
اول انگشت بزن، بعد بخر. م. ا.

خدایا، کی شوند این خلق خسته
از این عقد و نکاح چشم‌بسته
بُود نزد خرد احلی و احسن
زنا کردن از این‌سان زن گرفتن
بگیری زن ندیده روی او را
بری ناآزموده خوی او را
چو عصمت باشد از دیدار مانع
دگر بسته به اقبال است و طالع
به حرف عمه و تعریف خاله
کنی یک عمر گوز خود نواله
بدان صورت که با تعریف بقال
خریداری کنی خربوزهٔ کال
و یا در خانه آری هندوانه
ندانسته که شیرین است یا نه
شب اندازی به تاریکی یکی تیر
دو روز دیگر از عمرت شوی سیر
سپس جویید کام خود ز هر کوی

تو از یک سوی و خانم از دگر سوی. ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is an ideal thing, marriage a real thing.

عشق چیزی آرمانی است، ازدواج چیزی واقعی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

I matrimonj sono, non come si fanno, ma come riescono.

ازدواج‌ها آن‌طوری نیستند که سرگرفته‌اند، بلکه آن‌طوری هستند که از آب درآمده‌اند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El melon y la muger malos son de conocer.

سوا کردن هندوانه و زن کار سختی است.

زن ارچه دلیر است و با زور دست
همان نیم‌مرد است هر چون که هست. اسدی

به هر جایی حدیث مشت و بازوست
سخن از مرد و کار و همت اوست
ولی هر جا که حرف از ساق و ران است
همیشه پای یک زن در میان است. م. ا.

معادل عربی: و للرِّجال علَیهِنَّ درجه. (و مردان را بر زنان برتری است.) قرآن، بقره: ۲۲۸

زن از پهلوی چپ شد آفریده
کس از چپ راستی هرگز ندیده. جامی

زن از پهلوی چپ گویند برخاست
مجوی از جانب چپ جانب راست
چه بندی دل در آن دور از خدایی
کز او حاصل نداری جز بلایی
اگر غیرت بری، با درد باشی
و گر بی‌غیرتی، نامرد باشی
برو تنها دم از شادی برآور

چو سوسن سر به آزادی برآور.   نظامی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman that is wilful is the worst plague.

بدترین طاعون زنی یک‌دنده است.

Swine, women, and bees cannot be turned.

نه خوک‌ها و نه زن‌ها، نه نیز زنبوران
نمی‌شود که به سویی دگر برانی‌شان.

Fair and foolish, little and loud,
Long and lazy, black and proud;
Fat and merry, lean and sad,
Pale and peevish, red and bad.

زن خوشگل کسش خل است و ببوست
جیغ‌جیغوست او که کوچولوست
قدبلندش که تنبل است و گشاد
سبزه‌اش از دماغ فیل افتاد
تپلی شاد و شوخ و شیرین است
زن لاغر همیشه غمگین است
آن زن بی‌نشاط و زردنبو
بدعنق، غرغرو، مریض، اخمو
آن زنی هم که سرخ‌روی بُود
طینت او خبیث و جنسش بد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A dink maiden aft maks a dirty wife.

غالباً از دختری آراسته
همسر چرک و پلشتی خاسته.

Fair an' foolish, black an' proud,
Lang an' lazy, little an' loud.

زن زیباست خنگ مادرزاد
سبزه مغرور و قدبلند گشاد
آن زنی هم که ریز و کوچولوست

جیغ‌جیغو، شلوغ و بس پرگوست.

Maidens should be mim till they're married, and then they may burn kirks.

دخترها تا وقتی که ازدواج نکرده‌اند، باید به حیا تظاهر کنند؛ وقتی ازدواج کردند، می‌توانند کلیساها را هم به آتش بکشند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Le donne dicono sempre il vero, ma non lo dicono tutto intero.

زنان همواره حرف راست گویند
ولیکن نه لزوماً کل آن را.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een diamant van eene dochter wordt een glas van eene vrouw.

دختری که ز جنس الماس است
یک زن از جنس شیشه خواهد شد.

زن از غازه سرخ‌رو شود و مرد از غزا.

گلگونهٔ مردان خون ایشان است. حسین بن منصور حلاج – تذکرة الأولیاء

زن اندر حجاب چون گوهری است اندر صدف!

وای، این منظره مثل رؤیاست
باغ نیلوفری گل‌پریاست
چون تماشای غروب دریا
از دل پنجرهٔ یک ویلاست
ماه در برکهٔ آب است و بر آن
بوسهٔ دم به دم ماهی‌هاست
بر لب بام بیابان طبس
گنبد رنگ‌به‌رنگ میناست
باد از بادهٔ آزادی مست
آذرخش شب طوفان و بلاست
شب بی‌خوابی یک مرداب است
کودک گمشدهٔ یک دریاست

غرش مست پلنگی در کوه
ردپای شتری بر صحراست
بچه‌خرگوش سپیدی در دشت
با دو تا چشم همیشه‌شهلاست
عرق شرم شقایق وقتی
وسط باغ هم‌آغوش صباست
درک یک مرغ مهاجر که سفر
از کجا تا به کجا تا به کجاست
بتی از چوب چناری بیدار
مونس هر شب مردی تنهاست
نیروانای درون راهب
روح تندیس عظیم بوداست
آتش آبچکان زرتشت
در دل چشمهٔ آناهیتاست
روشن‌آرای شب شازده‌ای است
گلپر گونهٔ گلگون گداست
در دل دخترک بی‌پایی
حسرت بازی گرگم‌به‌هواست
پرچم کشور شادی در باد
قرن‌ها دورتر از میهن ماست
باغ بی‌برگی شعر اخوان
که خزانی است، ولی نامیراست
جملهٔ خستهٔ بابا نان داد
موی جوگندمی یک باباست
عصر یک روز عرق‌سوز و دراز
آجر آخری یک بناست
پینهٔ پنجهٔ آن کارگری است
که شبی موی زنش را آراست
شکوهٔ کلفت بیماری از

حکم نفرینی دیوان قضاست
عرق دست زن فاحشه‌ای است
شرم عریان تنش از فحشاست
ردپای گل سرخی بر پشت
سایهٔ آیهٔ نازای زناست
نیش شیطان گرانجانی که
چارده قرن سیاه است خداست
ماغ گوسالهٔ در مسلخگاه
پرسش زلزله‌آسای چراست
جبر کوبندهٔ دین است و در آن
هر چرا صاحب صدها زیراست
کاکل برهٔ قربانی عشق
رنگ خون است و جنون است و حناست
خط مرموز کتابی کهن است
راز آن تا به ابد ناخواناست
مثل الهام تمام یک شعر
توی یک لحظهٔ ناب یکتاست
نغمهٔ گمشده‌ای از شیداست
شعر سانسورشده‌ای از نیماست
شاه‌بیت غزلی از حافظ
نازنین همهٔ دوران‌هاست
عطر انگور تن مغبچه‌ای است
عرق سرگل مردی ترساست
دون ژوان بودن زنبور عسل
گیج یک بازی طاقت‌فرساست
هر گل و طعم تک او، اما
بهترین بوی زمین بوی وفاست
پری چشمهٔ مرغابی‌هاست
عاشق حس هوسناک شناست

در کویر دل سرمازده‌ای
برق گیرای نگاهی گذراست
بر لب تشنهٔ یک مرد غریب
بوسهٔ مشک سیاه سقاست
بوسهٔ آخر شب بر چشمی است
که زرافشانی صبح فرداست
اسمس کردن یک «با من باش»
به کسی آن‌طرف این دنیاست
وحشت از یک نهٔ بنیانکن یار
شوخی دلهره‌ها با دل ماست
بازی چشم پسرهای محل
بر تن دخترکی بی‌پرواست
داف تکدانهٔ طنازی که
بر سرش بین پسرها دعواست
بند رختی که بر آن لولی‌وار
دامن دختر همسایه رهاست
اولین تجربهٔ بوسهٔ عشق
در شبی خلوت و بی هولِ ولاست
سرخی گونهٔ سوزان هوس
هیزی وسوسه‌انگیز حیاست
مهر ماتیک زنی بر لپ مرد
راوی قصهٔ عشقی رسواست
آخرین پلهٔ بام ملکوت
اولین دکمهٔ تاپ لیلاست
نورباران دو پستان جوان
چون دو تا گنبد خندان طلاست
زائر تشنهٔ بین‌الحرمین
بوسه‌ای بر وسط پستان‌هاست
راز نوبالغ یک دخترک است

دم به دم با تن او در نجواست
لحظه‌هایی است در انسان بودن
که همین راز مگو راز بقاست
بهت آن لحظه که گل می‌شکفد
خندهٔ معجزه‌ای بی‌همتاست
حس نویافتهٔ شیرینی است
لمس یکجای تمام اعضاست
خیره بر رقص لبان یک زن
شوق لب‌خوانی یک ناشنواست
خواب خیس پسری نابیناست
که صدا توی صدا توی صداست
حس آن لحظه که عاشق شده‌ای
درک این نکته که این زن زیباست
و چنین شد که به پا خاست کسی
او که تا لحظهٔ آخر برپاست
شاه شمشادقدان تاج نهاد
سربه‌زیر تن من سربه‌هواست
ظاهراً شاعر ما مسخ شده
اسب آبی شده و فکش واست
دل و دین و خرد و جانش شد
پلویی که جلوی یک ملاست
هی از این شاخه به آن شاخه پرید
جوجه‌گنجشک غزلخوان شیداست
چت شده مغز من و توی کماست
جت شده عقل من و توی فضاست
کهکشان دور سرم می‌چرخد
جام جادوی جنون واویلاست
چی شده باز شلوغش کردم؟
من خودم را بکشم نیز رواست

نظری سوی خودت کن جانا
تا ببینی چه خبرها آن‌جاست
خواهرم، چادر تو شل شده و
جز دماغت دهنت هم پیداست.   م. ا.

زن اول شو و کنیز بشو
زن دوم شو و عزیز بشو.   م. ا.

معادل اسپانیولی:
La primera muger escoba, y la segunda señora.

اولین زن همیشه یک جاروست
دومی خانم است و کدبانوست.

زن بد در سرای مرد نکو
هم در این عالم است دوزخ او.   سعدی

ترک‌ها می‌گویند: یامان آروادین ائوی جهنمدیر. (خانهٔ زن بد جهنم است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
It is better to marry a quiet fool than a witty scold.

آن به که آدم با زنی آرام و هالو
وصلت کند تا یک زن باهوش و اخمو.

Husbands are in heaven whose wives scold not.

شوهرانی که زنانشان اخم‌وتخم نمی‌کنند در بهشت هستند.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Die Ehe ist Himmel und Hölle.

ازدواج بهشت و جهنم است.

هلندی‌ها می‌گویند:
Die een kwaad wijf heeft, diens hel begint op d’aarde.

مرد اگر افتاده در دست عیالی بد
دوزخش از این جهان آغاز می‌گردد.

زن بد را اگر در شیشه هم بکنند، کار خودش را می‌کند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ye may drive the deil into a wife, but ye'll ne'er ding him oot o' her.

ابلیس را به جلد زنی می‌کنی فرو
این کار ممکن است، ولی غیرممکن است
ابلیس را برون بکشی از درون او.

زن بلاست، هیچ خانه‌ای بی‌بلا نباشد.

زن بلا باشد به هر کاشانه‌ای
بی‌بلا هرگز مبادا خانه‌ای.

ترک‌ها می‌گویند: آروادسیز ائو، سوسوز دییرمان. (خانهٔ بی‌زن، آسیاب بی‌آب.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A cheerful wife is the spice of life.

زن سرزندهٔ از شادی مست
نمک زندگی شوهرش است.

Saith Solomon the wise
A good wife’s a prize.

این‌چنین گفت سلیمان حکیم:
یک زن خوب همان پاداشی است
که به مردی شده باشد تقدیم.

Marry and thrive.

ازدواجی کن و ترقی کن.

He that will thrive must ask leave of his wife.

آن مرد که پیشرفت را طالب شد
باید که اجازه گیرد از همسر خود.

Housekeeping without a wife is a lantern without a light.

هست کار خانه‌داری بی زنی
مثل فانوس بدون روشنی.

A home is not home without mom.

خونه، مامان که نباشه، خونه نیست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A gude wife and health is a man's best wealth.

زنی خوب و تنی شاداب و بی‌درد

بُود نیکوترین دارایی مرد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Mann ohne Weib, ist Haupt ohne Leib; Weib ohne Mann, ist Leib ohne Haupt daran.

مردِ بی‌زن سرِ بی‌تن است و زنِ بی‌شوهر بدنِ بی‌سر.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A quien tiene buena muger, ningun mal le puede venir, que no sea de sufrir.

مرد وقتی زن خوبی دارد

هر بلا را به خوشی تاب آرد.

دل که بر آتش به پا کردن نهد

زن به شیطان نیز درسی می‌دهد. م. ا.

معادل ترکی: آرواد شئیطانا بؤرک تیکر. (زن برای شیطان کلاه می‌دوزد.)

معادل انگلیسی:

A woman can do more than the devil himself.

بیش‌تر از خود شیطان رجیم

کار از دست زنی ساخته است.

زن بیوه را برای میوه‌اش می‌خواهند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do, but dally not; that's the widow's phrase.

این کلام بیوه‌زن باشد که گفت:

کار خود را کن، نزن هی لاس مفت.

زن پارسا در جهان نادر است.

پیامبر اسلام گفته است: أریت النار فإذا اکثر اهلها النساء! (من می‌بینم که اکثر اهل دوزخ زنان‌اند!)

معادل آلمانی:
Es giebt nur zwei gute Weiber auf der Welt: die Eine ist gestorben, die Andere nicht zu finden.

تنها دو زن خوب و پسندیده در این خانهٔ هستی است
مرده‌ست یکی‌شان، دگری نیز که پیداشدنی نیست.

زن تا نزاییده دلبر است، وقتی که زایید مادر است.

زن جوان را اگر تیری در پهلو نشیند به که پیری.   سعدی - گلستان

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:
Better have an old man to humour than a young rake to break your heart.

پیرمردی بشاش
که بخنداندت و حال تو را خوش دارد
بهتر از مرد جوانی عیاش
که دلت را به جفا بشکند و آزارد.

اسکاتلندی‌ها هم می‌گویند:
Better an auld man's darling than a young man's warling.

نازنین پیرمردی بودن تو بهتر از
همسر شرم‌آور مرد جوانی بودن است.

زن جوون و مرد پیر
سبد بیار، جوجه بگیر.

معادل هلندی:
Een jong ooi en een onde ram, daar komt jaarlijks een lam van.

میش جوان و قوچ پیر
هر سال یک بره بگیر.

زن چو مار است، زخم خود بزند
بر سرش نیک زن که بد بزند

نه به حجت توان به راه آورد
نه به اقرار در گناه آورد
نه به سوگند راستکار شود
نه به پیمان و عهد یار شود
تا که باشی، بُود در آغوشت
چون برفتی، کند فراموشت
گر جوی خرج سازی از مالش
نرهی تا تو باشی از نالش.   اوحدی

آلمانی‌ها می‌گویند:

Pfaffen und Weiber vergessen nie.

نه کشیشان و نه زنان هرگز
هیچ چیزی ز یادشان نرود.

می‌گن که یه زن داخل چادر جاشه
زشته سر مویی از تنش پیدا شه
زن حکم زباله داره از دید فقیه
پس لازمه تو کیسهٔ مشکی باشه.   م. ا.

در سردر کاروانسرایی
تصویر زنی به گچ کشیدند
ارباب عمایم این خبر را
از مخبر صادقی شنیدند
گفتند که وا شریعتا، خلق
روی زن بی‌نقاب دیدند
آسیمه‌سر از درون مسجد
تا سردر آن سرا دویدند
ایمان و امان به سرعت برق
می‌رفت، که مؤمنین رسیدند
این آب آورد، آن‌یکی خاک
یک پیچه ز گل بر او بریدند
ناموس به باد رفته‌ای را

با یک دو سه مشت گل خریدند
چون شرع نبی از این خطر جست
رفتند و به خانه آرمیدند
غفلت شده بود و خلق وحشی
چون شیر درنده می‌جهیدند
بی پیچه زن گشاده‌رو را
پاچین عفاف می‌دریدند
لب‌های قشنگ خوشگلش را
مانند نبات می‌مکیدند
بالجمله تمام مردم شهر
در بحر گناه می‌تپیدند
درهای بهشت بسته می‌شد
مردم همه می‌جهنمیدند
می‌گشت قیامت آشکارا
یک‌باره به صور می‌دمیدند
طیر از وَکَرات و وحش از جحر
انجم ز سپهر می‌رمیدند
این است که پیش خالق و خلق
طلاب علوم روسفیدند
با این علما هنوز مردم
از رونق ملک ناامیدند. ایرج میرزا

زن خود را بوسیدن پنبه جویدن است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Pain dérobé réveille l’appétit.

نان دزدی اشتها را باز خواهد کرد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No hay mejor bocado que el hurtado.

لقمه‌ای خوشمزه‌تر از لقمهٔ کش‌رفته نیست.

زن خود را خفن بگایید و
به زن دیگران طمع نکنید.   م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Man skal ei bære Segel i Anden Mands Korn.

داس خود را هیچ هنگامی نبر
در دل محصول یک فرد دگر.

زن زشت، عمودی تو آشپزخونه؛ زن خوشگل، افقی تو رختخواب.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Men have many faults,
Poor women have only two:
There’s nothing good they say,
And nothing good they do.

مرد را عیب‌های بسیاری است
لیک تنها دو عیب دارد زن:
حرف خوبی نمی‌زند هرگز
کار خوبی نمی‌کند ابداً.

زن، زن مردم.

زن من بدعنق و بوگندوست
زن همسایه ولی عین هلوست.   م. ا.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Ninguem se contenta com sua sórte.

هیچ‌کس از قرعهٔ تقدیر خود خرسند نیست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Elk het zijne, is niet te veel.

برای هر کسی مال خودش خیلی زیاد نیست.

زن زیبا نصیب مرد زشت است
چه بی‌ذوقی خدای سرنوشت است.   م. ا.

معادل فرانسوی:

Les belles ne sont pas pour les beaux.

دختران دلفریب و دلپسند
قسمت خوشگل‌پسرها نیستند.

معادل ایتالیایی:

Alle belle donno le più volte toccano i brutti uomini.

غالباً زن‌های زیبای لوند
قسمت مردان زشتی می‌شوند.

زن سلیطه سگ بی‌قلاده است.

معادل انگلیسی:

Of all tame beasts sluts are the worst.

میان کل حیوانات اهلی
زنک‌های سلیطه بدترین‌اند.

معادل دانمارکی:

Ond Qvinde er Fandens Dörnagle.

هر زن بدعنقی میخ در ابلیس است.

زن سلیطه شوهر مرد است.

عقل در دست نفس چنان گرفتار است که مرد عاجز با زن گربز.   سعدی - گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The cunning wife makes her husband her apron.

یک زن ناقلای کاربلد
شوی را پیش‌بند خویش کند.

Every man can tame a shrew but he who has her.

زن که باشد سرکش و بی‌چشم‌ورو
هر کسی رامش کند، جز شوی او.

زن شریک شیطان است.

شاهد مثال:

هر دل می‌بینی به دست زن خونه
هر جا که زنه بلا فراوونه
زن شریک شیطونه، زن خدای افسونه
زن واسه‌ش وفا سخته، بی‌وفایی آسونه.   ترانه‌ای از عهدیه

پیامبر اسلام گفته است: ألا فاتقوا الدنیا و التقوا النساء! (هشدار، از دنیا و زنان بپرهیزید!)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
It was surely the devil that taught women to dance, and asses to bray.
قطعاً این شیطان بود
که به زن‌ها رقصیدن
و به خرها عرعر کردن را آموخت.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Quando la donna regna, il diavolo governa.
هر زمان در خانه‌ای زن پادشاست
حضرت شیطان در آن فرمانرواست.

زن کز بر مرد، بی رضا برخیزد
بس فتنه و جنگ از آن سرا برخیزد.   سعدی – گلستان

دل دلدارتان همین که گرفت
توی آن دول دلگشا بکنید.   م. ا.

زن که رسید به بیست، باید به حالش گریست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:
Mãi, casai-me logo, que se me arruga o rosto.
ننه، بجنب، یالا، بده سریع شوهرم
چرا که داره صورتم چروک می‌شه دم به دم.

زن مخواهید تا قلتبان مشوید.   عبید زاکانی – صد پند

به خدایی که بی ارادت او
خلق را رنج و شادمانی نیست

کاندر این روزگار زن کردن
به‌جز از محض قلتبانی نیست.   انوری

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Today a man, tomorrow a cuckold.

امروز یک مرد، فردا یک قرمساق.

زن ناقص‌العقل است.

مأخوذ از حدیثی نبوی است که: هن ناقصات العقل و الدین! (عقل و دین زن‌جماعت ناقص است!)

زنان چون ناقصان عقل و دین‌اند
چرا مردان ره آنان گزینند.   ناصر خسرو

گرچه آن مجنون گهر بارید و گفت:
«عقل و دین زن‌جماعت ناقص است»
بس‌که بی‌دینان خر را دوست داشت
زد رکورد زن گرفتن را شکست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Women in state affairs are like monkeys in glass-shops.
زنان در امور حکومتی مثل میمون‌هایی در مغازه‌های ظروف بلوری هستند.

Let women spin, not preach.

بگذار زنان نخ بریسند، نه این‌که موعظه کنند.

Women are ships and must be manned.

زنان کشتی‌اند و بباید که مردان
شوند آن وسط مستقر روی ایشان.

زن نانجیب گرفتن آسان است، ولی نگهداریش مشکل است.

ضرب‌المثل دیگری می‌گوید: زن نجیب گرفتن مشکل است، ولی نگهداریش آسان است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Keep your eyes wide open before marriage and half shut afterwards.
هر وقت که خواستی بگیری همسر

چشمان تو بازِ باز باشد خوش‌تر
اما پس از ازدواج کردن باید
چشمان تو نیمه‌بسته باشد دیگر.
(نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

Better a fortune in a wife than with a wife.

آن زنی که ثروت یک شوهر است
از زنی که ثروتی آرد سر است.

Few take wives for God's sake, or for fair looks.

کم‌اند آنان که از بهر خداوند
و یا از بهر چشمانی خوشایند
بخواهند ای برادر، زن بگیرند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better a tocher in her than wi' her.

آن جهیزیه که زن توی وجودش دارد
به از آنی که برای تو به همراه آرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Nè donna, nè tela a lume di candela.

در روشنی شمع زنان را و کتان را نگزینید.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

La muger y la tela, no las cates á la candela.

نه عیال خود را، نه کتان خود را
هچ موقع زیر نور شمعی نگزین.

زن نداری، غم نداری.

حیف باشد غنچه‌سان بر پای خود بستن گره
چند روزی کاندر این باغیم چون گل میهمان
وصل زن هرچند باشد پیش مرد کامجوی
روح و راحت را کفیل و عیش و عشرت را ضمان
لیک با او شمع صحبت درنمی‌گیرد از آنک

من سخن از آسمان می‌گویم، او از ریسمان.   فخرالدین اوحد مستوفی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman is only a woman, but a good cigar is a smoke.

یک زن هرآنچه نیز که باشد، فقط زنی است

سیگار برگ خوب ولیکن کشیدنی است. (نقل قولی از رودیارد کیپلینگ Rudyard Kipling است.)

Women are saints in church, angels in the street, devils in the kitchen, and apes in bed.

زنان در کلیسا قدیسه، در خیابان فرشته، در آشپزخانه ابلیس و در رختخواب بوزینه‌اند.

To furnish a ship requireth much trouble,
But to furnish a woman the charges are double.

عذاب و زحمت تجهیز یک کشتی فراوان است

ولی خرج مجهز کردن یک زن دوچندان است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A man canna wive and thrive the same year.

در کجا دیدی که در یک سال مرد

زن گرفت و پیشرفتی نیز کرد.

He that marries before he's wise will dee ere he thrive.

پیش از عاقل شدن آن مرد که زن می‌گیرد

پیش از آنی که به جایی برسد می‌میرد.

He that marries a daw eats muckle dirt.

او که وصلت می‌کند با یک زن بی‌دست‌وپا

ای بسا خیلی کثافت می‌خورد جای غذا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Alle beetjes helpen en alle vrachtjes ligten, zei de schipper en hij smeet zijne vrouw overboord.

«بار کشتی را به هر نحوی سبک باید کنیم.»

ناخدا وقتی عیالش را به آب انداخت گفت.

زن نگیرید یا همان اول

فکر یک معدن طلا بکنید.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: قیز آلانین یا بیر چووال قیزیلی، یا بیر چووال یالانی گرک.

(او که می‌خواهد دختری بگیرد یا باید یک جوال طلا داشته باشد یا یک جوال دروغ.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A poor wedding is a prologue to misery.

فقیرانه وقتی عروسی به‌پاست

سرآغاز بدبختی زوج‌هاست.

Lips, however rosy, must be fed.

لب دلدار، اگرچند که همرنگ گل سرخ بُود، باز غذا می‌خواهد.

Be sure before you marry of a house wherein to tarry.

پیش‌تر از متأهل شدنت

فکر یک خانه بکن بهر زنت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Wha may woo without cost?

کیست مردی که تواند بی‌خرج

از زنی خواستگاری بکند؟

He wha marries for love without money, hath merry nights and sorry days.

با عشق و بدون پول مردی که عروسی کرد

در شب طرب و شادی است، در روز دریغ و درد.

He that's poor when he's married shall be rich when he's buried.

زمان زن گرفتن هر کسی بی‌پول و محتاج است

درون قبر وقتی رفت ثروتمند خواهد بود.

A raggit coat was ne'er a mote in a man's marriage.

بر تن داماد وقت ازدواج

آن کتی که کهنه بودش تاروپود

مایهٔ خوش‌شانسی یارو نبود.

(یکی از باورهای عامیانه در غرب این است که چیزهای کهنه، مثلاً یک لنگه کفش کهنه، شانس می‌آورند.)

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui se marie par amours, a bonnes nuits et mauvais jours.

برای عشق اگر مردی ازدواج کند
شبان او خوش و خوب‌اند و روزهایش بد.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Wer aus Liebe heirathet, hat gute Nächte und üble Tage.

برای عشق هر کس زن بگیرد
شبان خوب و شادی دارد، اما
از آن‌سو روزهایی نکبت و بد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Innanzi al maritare, habbi l'habitare.

پیش از آن‌که با زنی وصلت کنی
خانه‌ای از بهر خود آماده کن.

هلندی‌ها می‌گویند:
Menigeen zoekt goede nachten, en verliest goede dagen.

بسا مردی که دنبال شبانی خوب باشد، لیک
از آن‌سو روزهایی خوب را از دست خواهد داد.

زن نو کن ای دوست، هر نوبهار
که تقویم پاری نیاید به کار. سعدی - بوستان

این کهن کیر مرا تازه کسی می‌باید
کز کس کهنهٔ پوسیده نمی‌آساید
از خدا دخترکی بکر تمنا دارم
بُود آیا که خرامان ز درم بازآید
تا که برخیزد و مردانه میان دربندد
گره از کار فروبستهٔ ما بگشاید. عبید زاکانی

ترک‌ها می‌گویند: تزه سوپورگه گلنده، کؤهنه سوپورگه‌نی داما آتارلار.
(جاروی نو که می‌آید، جاروی کهنه را روی بام می‌اندازند.)

تزه آی چیخاندا، کؤهنه آیی دوغراییب اولدوز قاییرارلار.
(ماه نو که درمی‌آید، ماه کهنه را ریزریز می‌کنند، ستاره درست می‌کنند.)

عرب‌ها می‌گویند: لکل جدید لذة. (هر نویی را لذتی است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Everything new is handsome.

هر چیز نویی قشنگ باشد.

New things are fair.

چیزهای جدید زیبایند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Au nouveau tout est beau.

هر چیز نویی همیشه عالی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Di novello tutto par bello.

هر چیز که تازه است زیباست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Pelos Santos novos esquecem os velhos.

قدیسان قدیمی به‌خاطر قدیسان جدید فراموش می‌شوند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Nyt er altid kiært, Gammelt er stundom bedre.

چیز نو همواره خوش در دل نشست

گرچه اغلب کهنه خیلی بهتر است.

زن و اژدها هر دو در خاک به

جهان پاک از این هر دو ناپاک به. فردوسی

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Esa es buena y honrada que es muerta y sepultada.

زنی خوب و شرافتمند باشد

که مرده‌ست و درون گور خفته.

زن و شوهر دعوا کنند، ابلهان باور کنند.

عرب‌ها می‌گویند: غضب العشاق کمطر الربیع. (خشم عشاق چو باران بهاری باشد.)

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Sdegno d’amante poco dura.

خشم عاشق پدیده‌ای گذراست.

زن وفا ندارد.

معادل عربی: دَع ذکرَهُنَّ فَما لَهُنَّ عُهودُ

فاقصُر فَما للوافیات وُجودُ.

(واگذار ذکر زن‌ها را که ایشان را عهد و پیمانی نیست. سخن کوتاه کن که زن باوفا در جهان وجود ندارد.) نقل از *مقامات حمیدی*

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui femme croit et âne mène, son corps ne sera jamais sans peine.

هرکه دل در وفای یک زن بست

یا که افسار خر گرفت به دست

هرگز از دردسر نخواهد رست.

L’homme n’a ni sens ni raison, qui jeune femme laisse au tison.

آن مرد نه عقل دارد، نه شعور، که زن جوانی را در خانه رها می‌کند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wapenen, vrouwen, en boeken, behoeven dagelijksche behandeling.

سلاح‌ها و زنان و کتاب‌هاتان را

به‌هوش بوده و روزانه وارسی بکنید.

زن یک دنده‌اش کم است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women are always in extremes.

زنان یا گرم افراط‌اند یا مشغول تفریط‌اند. (نقل قولی از لابرویه La Bruyère است.)

A woman has but one fault.

غیر یک عیب نیست در یک زن

(: این‌که حسنی ندارد او ابداً).

All women are good.

کل زن‌ها خوب هستند ای عزیز

(بهر چیزی یا برای هیچ چیز).

Women must have the last word.

حرف آخر را زنان باید بگویند و خلاص.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

La mula y la muger por balagos hacen el mandado.

آنچه از آنان توقع می‌رود

قاطر و زن هر دو آن را می‌کنند.

زنان باردار ای مرد هشیار

اگر وقت ولادت مار زایند

از آن بهتر به نزدیک خردمند

که فرزندان ناهموار زایند. سعدی - گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Happy is he that is happy in his children.

ای خوش آن‌کس که به فرزندانش

شادمان باشد و سرخوش جانش.

زنان چون درخت‌اند سبزآشکار

ولیک از نهان زهر دارند بار

هنرشان همین است کاندر کمر

به گاه زیه مردم آرند بر. اسدی

آلمانی‌ها می‌گویند:

Schöne Aepfel sind auch wohl sauer.

سیب‌های خوش‌آب‌ورنگ و قشنگ

گاهی اوقات طعمشان ترش است.

چه نیکو گفت موبد پیش هوشنگ:

زنان را آز بیش از شرم و فرهنگ

زنان در آفرینش ناتمام‌اند

ازیرا خویش‌کام و زشت‌نام‌اند

دو گیهان گم کنند از بهر یک کام
چو کام آمد، نجویند از خرد نام. فخرالدین اسعد گرگانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Maids want nothing but husbands, and when they have them they want everything.

گرچه دوشیزگان نمی‌خواهند
هیچ چیزی به‌غیر شوهر را
تا که شوهر کنند می‌خواهند
همهٔ چیزهای دیگر را.

Women, priests, and poultry never have enough.

کشیشان و زنان و مرغ‌ها را
ز چیزی سیرمونی نیست گویا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Maidens want naething but a man, and then they want a'thing.

گرچه غیر از شوهری چیزی نخواهد دختری
بعد از آنی که برای خود بیابد شوهری
می‌شود او طالب هر جور چیز دیگری.

زنان را از آن نام ناید بلند
که پیوسته در خوردن و خفتن‌اند. فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many men have many minds, But women have but two:
Everything would they have, And nothing would they do.

مردها را عقیده بسیار است
لیک زن‌ها فقط دو تا دارند:
هرچه را هست و نیست می‌خواهند
و ز کار و تلاش بیزارند.

زنان را تنها مگایید که زن تنها گاییدن کار محتشمان نباشد. عبید زاکانی – صد پند

از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Joys shared with others are more enjoyed.

هر خوشی با دیگران تقسیم گردد خوش‌تر است.

زنان را در حال نزع چندان که مقدور باشد بگایید و آن را فرصت و صرف تمام دانید.   عبید زاکانی - صد پند

بنا به گفتهٔ ولتر زنی که بیمار است
سریع‌تر بکنیدش که عمر در گذر است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is too late to grieve when the chance is past.

چون که فرصت به درآید از دست
بهر غم خوردن و حسرت دیر است.

زنان را ستایی، سگان را ستای
که یک سگ به از صد زن پارسای.   فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women and their wills are dangerous ills.

زنان و آرزوهاشان مرض‌هایی خطرناک‌اند.

Women have no souls.

زنان روح ندارند.

زنان را سخت بزنید و همچنین سخت بگایید تا از شما بترسند و فرمانبردار گردند و کار کدخدایی میان بیم و امید ساخته شود و کدورت به صفا مبدل گردد.   عبید زاکانی - صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The stick is the surest peacemaker.

چماق مطمئن‌ترین صلح‌ساز است.

اما فرانسوی‌ها می‌گویند:

Au battre faut l’amour.

عشق با دست بزن می‌گندد.

زنان مانند ریحان سفال‌اند

درون‌سو خبث و بیرون‌سو جمال‌اند.   نظامی

ظاهرش چون گور کافر پرحلل
باطنش قهر خدا عزوجل.   مولوی

ترک‌ها می‌گویند: ظاهیری گؤزل، باطینی چیرکین. (ظاهرش خوشگل است و باطن زشت.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
There is many a fair thing full false.

بسا چیزهایی که زیبا و ماه‌اند
ولی کلاً از بیخ و بن اشتباه‌اند.

زن‌جماعت مثل نیروگاه بوشهر است
هرچه خرجش کرده باشی رفته است از دست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Wife and children are bills of charges.

زن و بچه‌ها قبض و صورت‌حساب‌اند.

زن‌جماعت هیچ دانی چیستند؟
هر زمان هستند، چیزی زائدند
جایشان خالی است وقتی نیستند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Women are necessary evils.

زن‌ها همه شر ناگزیرند.

Wives must be had, be they good or bad.

چه زنان خوب و چه بد، فرق ندارد عملاً
مرد باید که سرانجام بگیرد یک زن.

رومیان باستان می‌گفتند:
Necessarium malum.

شر ناگزیر.

زندگی هم عینهو کون دادن است

شل بگیری درد آن کم‌تر شود. م. ا.

زندگی مثل ورود از اون دره
سفت وقتی که بگیری، یک‌کمی دردآوره
شل بگیری بهتره. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

For every evil under the sun
There is a remedy or there is none:
If there be one, try and find it;
If there be none, never mind it.

زیر خورشید واسه هر شری
چاره یا هست یا که نیست، همین
چاره‌ای هست؟ خب، بجورینش
چاره‌ای نیست؟ بی‌خیالش شین.

’Tis wisdom sometimes to seem a fool.

گاهی خِرَد این است که یک کس‌خل خر
در دیدهٔ دیگران بیایی به نظر.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Adó vas, duelo? Adó suelo.

به کجا می‌روی ای ماتم و غم؟
به همان‌جای که عادت دارم.

رومیان باستان می‌گفتند:

Stultitiam simulare in loco, sapientia summa est.

خرد گاهی همین باشد که مردم
تو را یک کس‌خل کامل بدانند.

Dulce est desipere in loco.

گاه نقش خنگ را بازی نمودن دلپذیر است
(= گاه قدری استراحت کردن ما ناگزیر است). (نقل قولی از هوراس Horace است.)

زنگولهٔ پای تابوت.

= بچهٔ خردسال مردی پیر.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The older the seed the worse the crop.

بذر هرچه کهنه‌تر، محصول نامرغوب‌تر.

زنهار، به غرقابهٔ کس درنروی

بازآمدنت نیست؛ چو رفتی، رفتی. عبید زاکانی، نقیضه بر خیام

چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود

ندانستم که این دریا چه موج خون‌فشان دارد. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is full of fear.

عشق پر از وحشت است.

زنی را که جهل است و ناراستی

بلا بر سر خود، نه زن خواستی. سعدی – بوستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man’s best fortune, or his worst, is a wife.

بهترین یا بدترین شانسی که در

زندگی یک مرد دارد همسری است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

The gude or ill hap o' a gude or ill life, is the gude or ill choice o' a gude or ill wife.

شانس خوب یا بد یک زندگی خوب یا بد انتخاب خوب یا بد یک زن خوب یا بد است.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

A man's wife is his blessing or his bane.

همسر یک مرد یا یک رحمت است

یا بلای جان و طوق لعنت است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El dia que te casas, ó te matas ó te sanas.

تو در آن روز که زن می‌گیری

یا شفا گیری و یا می‌میری.

زنی که جهاز نداره
این‌همه ناز نداره.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nothing agreeth worse than a lady’s heart and a beggar’s purse.

قلب یک بانو و جیب یک گدا
سخت ناجورند با هم این دو تا.

It is not What is she, but What has she.

مسئله این نیست که دختره کیست
مسئله این است که صاحب چیست.

A poor beauty finds more lovers than husbands.

هر زمان بی‌پول باشد خوبروی
بیش‌تر عاشق بیابد تا که شوی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that marries a beggar gets a louse for a tocher.

با گدایی هرکه وصلت کرده است
یک شپش جای جهاز آورده است.

A tocherless dame sits lang at hame.

دختر خانه زمانی که ندارد او جهاز
توی خانه می‌نشیند مدتی خیلی دراز.

A fair maid tocherless will get mair wooers than husbands.

دختری که بی‌جهاز است و لوند
خواستگارانش فزون از شوهرند.

Mony ane for land taks a fool by the hand.

ای بسا آنان که از بهر زمینی چند
دست یک بی‌عقل را در دست می‌گیرند. (= با یک بی‌عقل ازدواج می‌کنند.)

رومیان باستان می‌گفتند:

Dos non uxor amatur.

جاذبه توی جهاز است، نه زن.

زنی که شکمش را نتواند نگه دارد پایین‌تنه‌اش را هم نمی‌تواند.

زنی که همیشه خوابه
بکنش بیرون ثوابه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Six hours' sleep for a man, seven for a woman, and eight for a fool.
شش ساعت خواب برای یک مرد، هفت ساعت برای یک زن و هشت ساعت برای یک احمق.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Den Lade faaer ingen Lön uden Last.
سرزنش مزد جناب تنبل است.

از هستی خود مگو که هیچت بکنند
در کوره چنان زغال قیچت بکنند
زور از پی زور هست و کیر از پی کیر
بگریز، وگرنه کیرپیچت بکنند. خاکشیر

ترک‌ها می‌گویند: دونیا بوینو یوغونوندور. (دنیا برای آدم گردن‌کلفت است.)

زور باید، نه زر که بانو را
گزری دوست‌تر که ده من گوشت. سعدی – گلستان

زن ار چند با چیز و با آبروی
نگیرد دلش خرمی جز به شوی. اسدی

زور یک تار موی دخترکی
از دو تا نره‌گاو بیش‌تر است
قدرت گایش نگاه طرف
برتر از یک دوجین فلان خر است. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein Frauenhaar zieht mehr als ein Glockenseil.

زور یک تار گیسوان زنی
بیش‌تر از طناب ناقوس است.

زیباترین لباس زنانه برهنگی است
این هدیۀ تولدی از دست مادر است.   م. ا.

تن زن در آن رخت زیباتر است
که دور تنش خون مادر تنید
جز این رخت هر چیز دیگر که هست
به دستان مستانه باید درید.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: چیرکین اؤزونو گیزله‌ده‌ر، گؤزل آشکارا گزر.
(زشت خود را نهان کند، اما
آشکاراست گردش زیبا.)

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
Compuesta no hay muger fea.

هیچ زنی زشت نباشد اگر
رخت قشنگی بنماید به بر.

La muger compuesta á su marido quita de puerta agena.
زن شیک‌پوش شوهرش را از جلوی در خانۀ زنی دیگر خِرکش می‌کند. (او زن زشتی است که برای پنهان کردن زشتی خود لباس‌های زیبا می‌پوشد.)

Baza compuesta la blanca denuesta.
زن سیاه‌سوخته‌ای که لباس‌های شیک پوشیده به زن خوشگل سرکوفت می‌زند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:
Bem toucada naõ ha mulher feia.

هیچ زنی بدگل و بدریخت نیست
گر به تنش رخت برازنده‌ای است.

هلندی‌ها می‌گویند:
De schoone veêren maaken den schoonen vogel.

پروبال قشنگ و باب پسند

مرغ‌های قشنگ می‌سازند.

زیر ابرو را که بردارد پسر
کون خود را زود خواهد دید تر.   م. ا.

گل‌پسر دیروز بابادوست بود
آرزوش این بود یک آقا بشه
پشت لب شکل سبیلی می‌کشید
تا که مردی عینهو بابا بشه
گل‌پسر امروز ماماندوسته
دوست داره شکل ماماتا بشه
زیر ابروهاشو برمی‌داره تا
مثل مامان سکسی و زیبا بشه.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wisdom is the beauty of men.

زیبایی مرد عقل مرد است.

زیر پتو عیال تو یا دول می‌خورد
یا تا خود سحر الکی وول می‌خورد.   م. ا.

بی مرد اگر زنی برود توی رختخواب
تا صبح وول می‌خورد و آه می‌کشد
با مرد اگر زنی برود توی رختخواب
تا صبح دول می‌خورد و آه می‌کشد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women must have their wills.

تا زنان یک چیز را طالب شوند
واجب است آن چیز را صاحب شوند.

زیر دست شیرمردان یا نخواب
یا چو خوابیدی، صدایت را ببُر

یا گهی را از همان اول نخور
یا اگر خوردیش، تا آخر بخور. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The show must go on.

نمایش باید ادامه پیدا کند.

Better never to begin than never to make an end.

گر به پایان نمی‌بری هرگز
به که هرگز شروع هم نکنی.

It is often wise not to quit an undertaking already begun.

اغلب این عاقلانه است که فرد
آنچه آغاز کرده ول نکند.

It is idle to swallow the cow and choke on the tail.

زور بی‌خود بزنی، زحمت بی‌خود بکشی
گاوه رو قورت بدی و سر دمش خفه شی.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui commence et ne parfait, sa peine perd.

هرکه آغاز کند، لیک به پایان نبرد
حاصل زحمت و رنجش همه بر باد فناست.

Il n’y a rien de fait tant qu’il reste à faire.

تا که کار نکرده‌ای مانده
هیچ کاری نکرده‌اید هنوز.

Un fou fait toujours commencement.

یک مردک کس‌ببو همیشه
در حال شروع کار خویشه.

N’a pas fait qui commence.

نکرده است کسی که دارد شروع می‌کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha mangiato il diavolo, mangia anche le corna.

او که شیطان را قورت داده شاخ‌های او را هم می‌تواند قورت بدهد.

زیر دمش سست است.

زیر لحاف کرباسی چِمدونه کسی چِمکنه کسی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If the bed could tell all it knows, it would put many to the blush.

اگر تختخواب و لحاف و پتو
کنند آنچه دانند را بازگو
چه بسیار لپ‌ها شود چون لبو.



ژیان ماشین نمی‌شود، باجناغ هم فامیل نمی‌شود.

ژیلا که هست، ویلا نیست؛ ویلا که هست، ژیلا نیست.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Tel a du pain qui n’a plus de dents.

بعضی از خلق خدا بانان‌اند
که دگر یکسره بی‌دندان‌اند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha denti, non ha pane; e chi ha pane, non ha denti.

بعضی از خلق خدا نان دارند
که دگر یکسره بی‌دندان‌اند
آن‌کسان نیز که دندان دارند
طفلکی‌ها همگی بی‌نان‌اند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Da Dios almendras á quien no tiene muelas.

خدا بادام‌ها را به کسی می‌دهد که دندان ندارد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Dá Deos nozes a quem naõ tem dentes.

به کسی داده خدا فندق را
که دگر در دهنش دندان نیست.

س

ساده را باید یک موی نباشد به سرین

ظرف مودار اگر مفت دهندش مخرش

همچنان گر دو شبانروز نیابی خورشی

هر غذایی که در او موی ببینی مخورش.   ایرج میرزا

کون بی‌موی تنگ می‌خواهم

بچهٔ شوخ‌وشنگ می‌خواهم.   خاکشیر

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not let the perfect become the enemy of the good.

نگذار که بی‌نقص شود دشمن خوب.

او که طراح مد ملت ماست
تیپ یک زاغ به چشمش زیباست
روح او تیره‌ترین تاریکی است
و خودش هیزترین بوتیکی است
گفته ساپورت مضر است به پوست
هرکه پوشیده تنش رنگ لبوست
بس‌که چرک است و شپش هم دارد
هرکه پوشیده تنش می‌خارد
این نه شلوار که تنبان باشد
این ردای خود شیطان باشد
گفته هر کس که بپوشد ساپورت
بپراند ز سر مردم چرت
روح او غرق گناه است ای وای
در جهنم ته چاه است ای وای
هر کسی خالق این شلوار است
نوکر اسکل استکبار است

ساق وقتی که اپیلاسیونی است

عین ماشین جگرریزکنی است

دیدهٔ برزخی بعضی‌ها
زیر شلوار چه می‌بیند، وا!
و خدا عقل دهادش دو منی
و شوکی نیز به طرز خفنی
تا به آن‌وقت به من گوش کنید:
کار هرروزه فراموش کنید
و بگردید به دنبال زنی
که ثواب است به او زل بزنی
او که ساپورت به تن کرده و هی
می‌کند توی خیابان لی‌لی
ساق او جاذبه‌ای کیهانی است
هفت من مثنوی عرفانی است
ساق‌هایی که دو ساقی هستند
جام‌های می باقی هستند
او که استاد تمام عرفاست
پای ساپورتی او دست خداست
خرقهٔ عشق همین ساپورت است
خاصه وقتی که بدون شرت است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As bright as a new pin.

براق همچون سوزنی نو.

سخت گاییده شد و یکسره جر خورد آن مرد
که همه خلق جهان را ز خودش راضی کرد.   م. ا.

خاطری چند اگر از تو بُود شاد، بس است
زندگانی به مراد همه‌کس نتوان کرد.   صائب

معادل انگلیسی:

He that all men will please shall never find ease.

هرکه خواهد همه را راضی و خرسند کند
قید آسایش و آرامش خود را بزند.

معادل اسکاتلندی:

He maun rise soon that pleases a'body.

هرکه خرسند می‌کند همه را
باید او صبح زود برخیزد.

معادل دانمارکی:

Den skal staae tidlig op, der vil giöre alle tilpas.

او که خواهد همه را راضی کرد
باید او صبح سحر برخیزد.

هگل نوشته که ایش لیبه دیش دی شایسه / که می‌شود:

سخن عشق پاک گوز خر است. م. ا.

یا خدا مهر تو را از دل من دور کند
یا که اسباب تو را من بکنم جور کند. خاکشیر

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Tanto è morir di male quanto d’amore.

مردن از عشق یا که بیماری
فرق با هم ندارد انگاری.

سر پیری و معرکه‌گیری.

رومیان باستان می‌گفتند:

Bis pueri senes.

پیرمردان کودک اندر کودک‌اند.

سِرّ سبحانی و أنا الحق هم
به نم شرت شیخ مربوط است. م. ا.

امان از دست این رژها و ریمل‌ها و موچین‌ها
امان از دست دامن‌ها، فغان از دست این جین‌ها
امان از دست میناها و دیناها و تیناها
امان از دست ساراها و سیماها و سیمین‌ها
تمام دختران میهن من مثل گل هستند

امان از دست مریم‌ها و نرگس‌ها و نسرین‌ها
به یاد لیلی و شیرین و ویس داستان‌ها بود
که می‌زد قلب مجنون‌ها و خسروها و رامین‌ها
ولی افسوس، دوران پلشت گشت ارشاد است
امان از دست خواهرهای زشت توی ماشین‌ها
مگر ارشاد شد فرهاد یا ارشاد شد مجنون
به ضرب و زور زندان و ون و باتوم و پوتین‌ها؟
دریغا، این جناب ایکس از روزی که یادش هست
طلبکار است از ما بی‌بصیرت‌ها و بی‌دین‌ها
چه بی‌انصاف هستم، ایکس هم یابوی مطلق نیست
که ضمن خواندن راپورت‌های این خبرچین‌ها
جناب ایکس گاهی هم دو بیتی شعر می‌گوید
امان از دست منقل‌ها و انبرها و مرفین‌ها
سپس تمرین ادراک جمال ذات حق دارد
امان از دست تمرین‌ها و تمرین‌ها و تمرین‌ها
زغال خوب و حال خوب و فال خوب و مال خوب
خدایا، شیخ گردانم؛ چه حالی می‌کنند این‌ها

همین دیشب ته این کوچه کاری مبتذل کردم
یکی از دختران میهن خود را بغل کردم
ببخش آقا، نزن ما را که هر کار آن وسط کردم
جوان بودم، نفهمیدم، غلط کردم، غلط کردم
اگر لب‌های یارو را گرفتم مثل خر خوردم
شکر خوردم، شکر خوردم، شکر خوردم، شکر خوردم
غرض تمرین ادراک جمال ذات حق بود و
خودم هم مستحق بودم، طرف هم مستحق بود و
یهو دیدم که از عرفان مورددار سرشارم
مگر من دل ندارم؟ بعله، دارم، خوبشم دارم
یهو دیدم که سیمرغم، یهو دیدم که عطارم
یهو دیدم که سبحانی، أنا الحق، من چه می‌خارم

ییهو دیدم که — یوهو — ناصرالدین شاه قاجارم
معاذالله، ایشانم؛ عصای عاج هم دارم
عجب عرفان مرطوبی، عجب عرفان مرغوبی
زهی صورت، زهی معنی، زهی خوبی، زهی خوبی
مِن المخلوق اِلی الخالق و کُنتُ فانیاً فِی الله
مرا دریاب خالق، آمدم، آ... آ... اِهِه، اُه، آه!
چه حالی داد آن بالا، میان ابرها، اما
مفاسد حبس کرده شیخ نجم‌الدین کبری را. م. ا.

گروهی نشینند با خوش‌پسر
که ما پاکبازیم و صاحب‌نظر
ز من پرس، فرسودهٔ روزگار
که بر سفره حسرت خورد روزه‌دار
از آن تخم خرما خورد گوسفند
که قفل است بر تنگ خرما و بند
سر گاو عصار از آن در که است
که از کنجدش ریسمان کوته است. سعدی - بوستان

اگر کیر من سر نهاده به کون
وگر پای از کس کشیده برون
ببین تا که سعدی چه گفته‌ست و چون:
سر گاو عصار از آن در که است
که از کنجدش ریسمان کوته است. خاکشیر

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Hvo der ei kan faae Flæsket, faaer at nöies med Kaalen.
هر کسی بیکن ندارد در بساط
با کلم باید که فعلاً سر کند. (بیکن: نوعی کباب خوک.)

پیام آمد از کس به کیرم که خیز
بیا بندگی کن که فرخندگی است
به خدمت کمر بند و بر پای باش

بدین در تو را گر سر بندگی است

سرافکندگی عیب مشمر که کیر

سرافرازی‌اش در سرافکندگی است

از آن مو نکندم که کس زیر موی

چو در تیره شب چشمهٔ زندگی است.   عبید زاکانی

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

The more noble the more humble.

هرکه شریف‌تر بُود، بیش فروتنی کند.

سری که عشق ندارد کدوی بی‌بار است

لبی که خنده ندارد شکاف دیوار است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Life lies not in living but in liking.

زندگی زیستن خالی نیست

زندگی عشق و محبت باشد.

سعادت ابدی در جماع کردن دان

ولیک گوی سعادت کسی برد که دهد.   نقل از *اخلاق الاشراف* عبید زاکانی

هر کس از بدبختی فرصتِ دادن فوت کند، کلید دولت گم کرده باشد و ابدالدهر در مذلت و شقاوت بماند و شاعر در حق او گفته است:

بهل تا به دندان گزد پشت دست

تنوری چنین گرم، نانی نبست.   عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

It is better to give than to receive.

دادن از دریافت کردن خوش‌تر است.

سعدیا، دیدن زیبا نه حرام است، ولیکن

نظری گر بربایی، دلت از کف برباید.   سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty draws with a single hair.

خوشگلی با رسن یک سر مو
هر کسی را پی خود می‌کشد او.

سعدیا، نامتناسب حیوانی باشد
هرکه گوید که دلم هست و دلارامم نیست.   سعدی - غزلیات

سفت وقتی شد فلانت مثل چوب
داغ وقتی شد نگارت خوبِ خوب
از چلنگرها بیاموز این حدیث:
تا که آهن تفته است آن را بکوب.   م. ا.

هرگه که دل به عشق دهی، خوش دمی بُود
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A bow long bent grows weak.

کمان زمان زیادی اگر کشیده بماند
ضعیف می‌شود و بر هدف زدن نتواند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wärme dich weil das Feuer brennt.

یونجه‌ها را تو خشک کن وقتی
آفتابی هنوز می‌تابد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando el hierro está encendido, entonces ha de ser batido.

چون‌که آهن تفته باشد، موقع کوبیدن است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Malhar no ferro em quanto está quente.

تا که آهن تفته است آن را بکوب.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nunc tuum ferrum in igni est.

آهنت اکنون درون آتش است

(پس بگیر اکنون چکش را توی دست).

سفر عید باشد بر آن کدخدای
که بانوی زشتش بُود در سرای.   سعدی – بوستان

سکینه سه‌پستون.

= زن چشم‌دریده.

زنی که وفا داشت یک دلبر است
سگ از یک زن بی‌وفا بهتر است.   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:
Naufragium rerum est mulier malefida marito.

آن عیالی که بی‌وفا باشد
انهدام سرای ما باشد.

سگ تو را می‌کند؟

بی‌خود از من می‌کنی دوری پسر
کس نمی‌جویی ز من کس‌خرنه‌تر.   خاکشیر

تو عارف، واقعاً گوساله بودی
که از من این سفر دوری نمودی
مگر کون قحط بود این‌جا قلندر
که ترسیدی کنم کون تو را تر.   ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Naught is never in danger.

چیز بی‌ارزش و پست
در امان از خطر است.

سن زن‌ها جزو اسرار مگوی عالم است
سن یک زن را خودش می‌داند و شخص خدا.   م. ا.

کنید از دو سو بیل در زن فرو
ولی سن او را نپرسید از او.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women and music should never be dated.

زنان و موسیقی هرگز نباید تاریخ مصرفشان بگذرد.

سنگ زیرین آسیا.

قصهٔ دختری کنار پسر
قصهٔ آشنای سنگ و سبوست
سنگ زیرین آسیا بودن
هنر این سبوی کوچولوست.   م. ا.

با همین ظاهر جنتلمن من گول نخور
پس این چهره چه دانی که چه افکاری هست
سنگ‌پایی به درازای قرون و اعصار
در دل هر پسر ساکت توداری هست
گام پایانی طرحی که کشیدم جایی است
که به پای تو نه شرتی و نه شلواری هست
در دلم خندهٔ بی‌شرم پدرسوخته‌ای است
بر لبم لاس هوسبار هدفداری هست
جمله‌ای از چگوارا، غزلی از حافظ
بهر هر پیچ تو در جعبه‌ام آچاری هست
بازی عشق چه فینال فجیعی دارد
که در آن لحظه نه رحمی و نه هشداری هست
موش را گربه به یک بزم فرا می‌خواند
که بیا پیش خودم، با تو مرا کاری هست.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Dumb dogs are dangerous.

خطرناک‌اند سگ‌هایی که خاموش‌اند.

معادل اسپانیولی:

De persona callada arriedra tu morada.

خانه‌ات را از بر یک فرد ساکت دور کن.

معادل پرتغالی:

Caõ que naõ ladra, guarda delle.

از سگی که پارس ننماید بترس.

معادل دانمارکی:

Tro ei stille Vand og tiende Mand.

به آبی راکد و یک مرد ساکت
نباید هرگز اطمینان نمایید.

اولین باری که فیلم سوپری دیدم
فکر کردم لابد این افراد بیمارند
بعد در سیمای ملی شیخ را دیدم
کز دهان هی گروگر گلواژه می‌بارند
با خودم گفتم خدایا، شرقیانی که
غربیان را فاسد و بیمار پندارند
منگ معجون کدامین نوع افیون‌اند؟
گاو پروار کدامین نوع افکارند؟
سوپراستاران غربی داخل یک کون
می‌گذارند و از آن تصویر بردارند
روبروی دوربین آخوندهای شرق
توی کون ملتی تا دسته بگذارند. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non sa dissimulare, non sa regnare.

او که بلد نیست عوام‌فریبی کند بلد نیست حکومت کند.

سوراخ سوراخ است.

= در انتخاب شریک جنسی نباید سختگیری کرد، چون زن‌ها همه مثل هم‌اند. یا: کس با کون فرقی ندارد؛ چنان که خاکشیر هم گفته:

برو طبعی چو کیر خاکشیر ای خصم، پیدا کن
که نه با کون بُود دشمن، نه از کس بر دلش کینه.

ترک‌ها می‌گویند: داش اولسون، دلیگ اولسون. (سنگ باشد، سوراخ باشد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Dirty water will quench fire.

آتشی را آب آلوده فرو خواهد نشاند. (= هر زنی می‌تواند آتش شهوت مرد را خاموش کند.)

Every bee’s honey is sweet.

شهد هر زنبور شیرین می‌شود.

A black plum is as sweet as a white.

آلوی سیاه هم همون اندازه

خوشمزه و شیرینه که آلوی سفید.

Crooked logs make straight fires.

هیزمی کج شعله‌هایی راست افروزد.

Any port in a storm.

هر بندری به موقع طوفان غنیمت است.

A tree is known by its fruit, and not by its leaves.

می‌شناسند هر درختی را

همه با میوه‌اش، نه با برگش.

Fair enough, if good enough.

به حد کفایت قشنگ است اگر

به حد کفایت بُود سودمند.

All is good that God sends us.

هر چیز خدا عطا نماید خوب است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Foul water slockens fire.

گنداب آتش را خاموش می‌کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Bûche tortue fait bon feu.

هیزمی کج آتش خوبی می‌افروزد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer gern freien will, muß nicht lange wählen.

کسی که بی‌قرار ازدواج است
نباید در گزینش کند باشد.

Krummes Holz brennt eben so gut als gerades.

هیزم کج‌ومعوج هم به خوبی هیزم راست می‌سوزد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ogni acqua estingue il fuoco.

هر آبی آتشی را فرو خواهد نشانید.

ناموس عشق و رونق عشاق برده‌اند
هر حس کودکانه سزاوار کیفر است
سوز اسید و گونهٔ گلگون لاله‌ها
امروزه بهترین روش نهی منکر است
یک بوسهٔ حلال در این ملک هست و آن
روبوسی گلو و لب سرخ خنجر است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Might goes before right.

زور پیشاپیش حق ره می‌رود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wo Gewalt recht hat, da hat Recht keine Gewalt.

هرکجایی که زور حق باشد
حق چه بی‌زور و بی‌رمق باشد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Do fuerza viene, derecho se pierde.

زور اگر غالب شود، حق مرده است.

سوسک را دیدی و نترسیدی؟
تو عزیزم، نه زن، که شیرزنی. م. ا.

روزی زنان فامیل این‌جا که حاضریدند
یک دورهٔ زنانه در خانه دایریدند

دربارهٔ زمانه یا کارهای خانه
یا کسری خزانه با خویش زرزریدند
انگشتر و النگو در ذهن زرگریدند
از دست شوهران تا جا داشت غرغریدند
جوک‌های چیز گفتند، خیلی غلیظ گفتند
بدجور هرهریدند، بدجور کرکریدند
یک سوسک آمد آن‌جا، خوشرنگ و ناز و زیبا
زن‌ها که سوسک دیدند مثل فنر پریدند
از جای خویش جستند، انگار مست مست‌اند
بس شیشه‌ها شکستند، بس جامه‌ها دریدند
شیلا، هدی، حمیرا، ژیلا، هما، ثریا
سیما، صبا، سمیرا، لرزیده پرپریدند
مینای خاله کبری، تینای عمه صغری
با سوسن و سهیلا یک‌باره عرعریدند
معصومه زار می‌زد، مهسا هوار می‌زد
مغزو شیار می‌زد، ما را به‌کل کریدند
عفت، سکینه، طلعت، عصمت، خدیجه، شوکت
زینت، منیره، الفت، صحرای محشریدند
فتانه و فرانک با هم زدند جفتک
گاویده اشتریدند، اسبیده قاطریدند
ساغر، سمانه، ساحل، سه دختر محصل
با جیغی از ته دل رعدیده تندریدند
نازی، نگار و پونه، سه دختر نمونه
من مانده‌ام چگونه رو سقف ظاهریدند
نسرین حاج صادق، نیلوفر و شقایق
با جیغ و داد و هق‌هق خشکیده پژمریدند
زینب لگد به در زد، کوکب بلندتر زد
در را ز جا بکندند؛ احسنت، خیبریدند
کلثوم و خاله‌باجی، زن‌دومی حاجی

از پنجره پریدند؛ ای ول، تکاوریدند
افسانه و ستاره، پروانه و شراره
پرپر زدند، آره؛ دیدید؟ کفتریدند
فخری، فروغ و فاطی، دافای عشق لاتی
کردند سفت قاطی، برعکس قیصریدند
فرزانه و فروزان، خانم‌دماغ‌هامان
چادر ز سر کشیدند، بابا کرم قریدند
هنگامه جون و طرلان، ساپورت‌پوش‌هامان
عضو بسیج گشتند، تا بیخ چادریدند
شادی، رها، کتایون، مثل سه بچه‌میمون
جیغیده موز خوردند، ویغیده عنتریدند
الناز خاله مهناز، ساناز عمه شهناز
با پوپک و پریناز دق کرده ورپریدند
لیلا پرید بالا، شروین فتاد پایین
سرور دوید این‌ور، بعد این سه اون‌وریدند
گیسو، پری، پرستو، طناز و ماهبانو
خاموش و بی‌هیاهو شلوار را تریدند
بهنوش، شعله، مهوش کردند یک به یک غش
در بخش آی سی یو شش ماه بستریدند
سودابه و سپیده، رودابه و فریده
روی کمد پریده بوقیده شوفریدند
مرضیه و غزاله، محبوبه و گلاله
تو کیسهٔ زباله جمعاً مسافریدند
آذر، بهاره، فرزان با شهرزاد و رضوان
قربان پنج تاشان از بس دلاوریدند
ایران، سحر، مبینا، توران، قمر، ملیکا
سیلاب اشک خود را بر مبل شرشریدند
مهدیس، سایه، مهتاب، آن دختران شاداب
افسردگی گرفته، خود را سیانوریدند

مریم، بنفشه، اکرم، شبنم، شکوفه، اعظم
یک زرت و زرت محکم بالای منبریدند
تهمینه زد عقبگرد، نوشین فلان رها کرد
سیمین... نگم چه‌ها کرد، چپ کرده پنچریدند
یاسی، عسل، یگانه، ساقی، غزل، ترانه
یک بیت عاشقانه از زیر شاعریدند
بعد آتوسا و ناهید کردند زود تقلید
ده بیت مولویدند، صد بیت انوریدند
شهلا، سمیه، بانو، رؤیا، رقیه، آهو
با نوع خاصی از بو هی چندش‌آوریدند
شیوا، سعیده، لاله، شیما، حمیده، هاله
شیدا، وحیده، ژاله، در خویش ترتریدند
ریحانه، زهره، بیتا، دردانه، غنچه، دینا
مستانه، هدیه، زیبا، خود را یهو جریدند
مدهوش گشت سوگل، ننجون که مرد بالکل
صدیقه و زلیخا انگشت را بریدند
جیران اوس ممد، باران حاجی احمد
بوی گلاب آمد؛ آه، این دو قمصریدند
گوهر، منیژه، زهرا، هاجر، ملیحه، صحرا
حال و اتاق‌ها را کلاً معطریدند
رعنا، نفیسه، اختر، مانا، فهیمه، زیور
زن‌های پیل‌پیکر، چون مار لاغریدند
گلپر، نگین و گلنار، مثل زن عزادار
هی زنجموره کردند، هی خاک بر سریدند
سارا، رجا و نصرت، تارا، رزا و لعبت
با سرعت و به شدت خود را مطهریدند
کوثر، کمند و سوگند، آن‌ها که پابه‌ماه‌اند
با خواست خداوند یک بچه آفریدند
هیوا، حنا و حوا، درسا، ندا و درنا

در بیخ دستشویی کلاً مجاوریدند
مهدیه، مژده، مژگان، مهری، مونا و مرجان
تحصیل‌کرده‌هاشان، برگ چغندریدند
میهن، جمیله، خاتون، لادن، الهه، افسون
صد من نوار پرخون در خود فرآوریدند
گردان پیرزن‌ها با هنگ بیوه‌زن‌ها
وقت عقب‌نشینی باقی رو رهبریدند
آزاده و ستایش، فرماندهان ارتش
یخچال را کشیدند، آن پشت سنگریدند
زن‌های تشنهٔ هات، مثل بتول‌سادات
یک نوع خاص اصوات از خود درآوریدند
دلبر، نهال و مارال گویی شدند انزال
زیرا خوش و سبکبال لرزیده دلبریدند
ویدا، انیس و مونس، یلدا، حدیث و نرگس
اُو مای گاد، یس یس، یک فیلم سوپریدند
بلقیس و عمه انسی با ژست‌های جنسی
ای کاش لال بودم... یک کار دیگریدند
لعیا، شهین و آرام، دریا، مهین و الهام
این دختران ناکام با زور شوهریدند
پیراهن پریسا با دامن فریبا
یک‌دفعه رفت بالا؛ جانم، چه جیگریدند
شلوار جین شیرین سرخورد رو به پایین
شرت پرند و پروین... باقیشو سانسوریدند
من هم ز ره رسیدم، این وضع را بدیدم
من خویش را دریدم، آن‌ها به من وریدند
حیران نگاه کردم، هی آه و آه کردم
یا رب، چه باده خوردند؟ یا از کجا خریدند؟
بعدش شبیه یک مرد، خیلی قشنگ و خونسرد
آن سوسک را گرفتم؛ زن‌ها تحیریدند

این‌سان دلاوری را اول نباوریدند
بعدش که باوریدند، الله اکبریدند
از هند تا به مونیخ یک زن همینه از بیخ
در طول کل تاریخ زن‌ها همیشه ریدند.   م. ا.

سه پنجم از گناهان کبیره
فقط زیر سر آقای کیره
خدا چشمش به شرت بنده‌هاشه
که روی کی مچ کی رو بگیره.   م. ا.

کس گفت که کیر جز مجازی نبُود
فعل و عملش چو کون نمازی نبُود
کون گفت برو، حدیث بیهوده مگو
بیهوده سخن بدین درازی نبُود.   عبید زاکانی

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Di tre cose il diavol si fa insalata: di lingue d'avvocati, di dita di notari, e la terza è riservata.

شیطان از سه چیز سالادی درست می‌کند: زبان‌های وکیلان، انگشتان سردفترها و سومی که باید ناگفته بماند.

سیب آنگاه که ممنوعه شود
مایهٔ خارش کون حواست.   م. ا.

معادل فرانسوی:
Rien n'est bon comme le fruit défendu.

چیزی شبیه میوهٔ ممنوعه خوب نیست.

خوشگل محلهٔ ما گرچه شوهری دارد
سیب باغ همسایه طعم دیگری دارد.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:
Stolen apples are the sweetest.

سیب دزدی مزه‌اش شیرین‌تر است.

Stolen fruit is the sweetest.

میوهٔ دزدی بسی شیرین‌تر است.

معادل لاتین:

Dulce pomum quum abest custos.

سیب شیرین می‌شود وقتی نگهبان غایب است.

سیگار اشنو ویژه و ناز پری‌رخان
این هر دو در کشاکش دوران کشیدنی است.

ش

شادمان سرگرم دست‌افشانی است
مست و سرخوش پای‌بازی می‌کند
هر کسی یک کون بی‌مو و سفید
زیر دستش نی‌نوازی می‌کند. م. ا.

تخت زرین خسروان را نیست
آن طراوت که پشت سیم‌تنی. سعدی

عمرِ بی کون پریسا شده از بیخ تلف
کل دنیا یه طرف، کون پریسا یه طرف. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
He dances well to whom fortune pipes.
او که خوشبختی برایش نی نوازد خوب می‌رقصد.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Wem das Glück pfeifet, der tanzet wohl.
او که خوشبختی برایش نی‌نوازی می‌کند
خوب دست‌افشانی و خوش پای‌بازی می‌کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Assai ben balla à chi fortuna suona.
خوش برقصد هرکه اقبال نکو
نی‌نوازی می‌کند از بهر او.

شاشش کف کرده.

= بالغ شده و نیازی اورژانسی به یک بغل‌خواب دارد.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Mutter, ich muß einen Mann ha’n, oder ich zünd’s Haus an.
مادر، من باید شوهر کنم، وگرنه خانه را آتش می‌زنم.

شاهدان در جلوه و من شرمسار کیسه‌ام
بار عشق و مفلسی صعب است، می‌باید کشید. حافظ

زر دهی، گوی از میانه بری
ندهی، کیر خر به خانه بری. اوحدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beauty is potent, but money is omnipotent.

زور زیبایی اگر برحق بُود
پول اما قادر مطلق بُود.

شاهدان را به چرب‌زبانی و خوش‌آمدگویی از راه ببرید. عبید زاکانی - صد پند

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fools are fain o' flattery.

ابلهان با چاپلوسی شاد و سرخوش می‌شوند.

شاهدان گر دلبری زین‌سان کنند
زاهدان را رخنه در ایمان کنند. حافظ

پارسایی و سلامت هوسم بود، ولی
شیوه‌ای می‌کند آن نرگس فتان که مپرس. حافظ

شب گربه سمور می‌نماید
هندوبچه حور می‌نماید.

یا: شب خرکره طاووس نماید.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Moeda falsa de noite passa.

سکهٔ تقلبی در شب رایج است.

آنچه شب در خود استتار کند
خندهٔ ماه آشکار کند
خواب را نور ماه می‌دزدد

گرگ را نور ماه هار کند
ماه وقتی که پابه‌ماه شود
چون زنی حامله ویار کند
تا سرک توی خانه‌ها بکشد
حقهٔ تازه‌ای سوار کند
هوسی خفته را بشوراند
دلکی تشنه را خمار کند
مرد را خندهٔ شب مهتاب
می‌تواند که بی‌قرار کند
چه کسی قادر است موقع مد
موج دیوانه را مهار کند
شب شیدایی شکارچی‌ای است
تا در آن آهویی شکار کند
شب مهتاب فرصت خوبی است
تا که یک مرد شاهکار کند
تا زن خویش را رها کند و
با زن دیگری فرار کند. م. ا.

معادل انگلیسی:

A fine night to run away with another man's wife.

شب زیبایی برای فرار با زن مردی دیگر. (= یک شب مهتابی.)

شراب از دست ساقی ریشدار مستانید. عبید زاکانی – صد پند

ملک الموت: ساقی باریش. عبید زاکانی – تعریفات

زر مشت‌افشار بودی بوسهٔ او را بها
سبلت آورد و سزای تیز مشت‌افشار شد. سوزنی سمرقندی

دیدیم بسی چون تو در این عمر قلیل
کز کبر چو پشّه بود در چشمش پیل
ریشش بدمید و شد گدای سر کوی
آری، از ریش می‌شوند ابن‌سبیل. ایرج میرزا

آن نوع بلا که ریش می‌خوانندش
آن روز مبادا که به روی تو رسد.   نقل از *ریش‌نامهٔ* عبید زاکانی

شرت تا هست به پای پسری
نده دربارهٔ کونش نظری.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You cannot tell a nut till you crack it.

تا که فندق نشکسته‌ست هنوز
نتوانی که بگویی چون است.

مرحبا آن که وحشی و سرمست
قفل صندوق عشق را بشکست
شرت خونین داف دوشیزه
بهترین یادگاری عشق است.   م. ا.

شرت این دلبر کون دون‌دونی
عکس پیراهن یوسف شده است:
اولش پاره و بعدش خونی.   م. ا.

کس گفت به کیر ارچه دلت با ما نیست
از شوق تو یک دمم به خود پروا نیست
زخمی زده‌ای کز اندرون دل من
خون می‌رود و جراحتش پیدا نیست.   عبید زاکانی

عقده‌ای که همیشه سرکوب است
توی شرتی همیشه مرطوب است
شعر چیزی شبیه یک شرت است
هر زمانی تر است مرغوب است
شرت وقتی تر است یک شعر است
خاصه شرتی که پای محبوب است
شاعری احتلام بیداری است
شعر یک جور سکس مکتوب است.   م. ا.

آب زن گرچه شور یا ترش است
به مذاقم همیشه شیرین است
هر کسی یک سلیقه‌ای دارد
بنده فعلاً سلیقه‌ام این است.   م. ا.

ایتالیایی‌ها هم می‌گویند:

Di tutte le arti maestro è amore.

عشق استاد هر مدل هنری است.

شک نکن خیلی از آن‌ها که تو را می‌بوسند
قصدشان دلبری از مادر توست
بچه‌جان، نصف عموهایت
اختاپوس‌اند.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

He that wipes the child’s nose kisseth the mother’s cheek.

(گرچه این بچه‌دماغو لوسه)
هر کسی بینی این بچه‌هه رو پاک کنه
لپ مامانه رو اون می‌بوسه.

Praise the child, and you make love to the mother.

بچه‌ای را بستای و بنواز
بعد با مادر او عشق بباز.

معادل اسکاتلندی:

Mony ane kisses the bairn for love o' the nurse.

بسا آنان که کودک را به عشق دایه‌اش بوسند.

معادل‌های آلمانی:

Wer dem Kinde die Nase wischt, küßt der Mutter den Backen.

بینی بچه‌هه رو مردی اگه پاک کنه
مثل اینه که هوس کرده که با یک بوسه
لپ مامانه رو تف‌مالی و نمناک کنه.

Man küßt das Kind wegen der Mutter und die Mutter wegen des Kindes.

آدم بچه را به‌خاطر مادر می‌بوسد و مادر را به‌خاطر بچه.

معادل‌های دانمارکی:

Mange kysser Barnet for Ammens Skyld.

بسا آنان که کودک را به ترفند
به عشق دایهٔ کودک ببوسند.

Hvo der tager Barnet ved Haanden tager Moderen ved Hjertet.

او که دست بچه را در دستش می‌گیرد قلب مادر را در مشتش می‌گیرد.

شک نکن هر دختر پیری
کونی است و تخمی و کیری. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Old maids lead apes into hell.

پیردخترها بوزینه‌ها را به سوی جهنم راهنمایی می‌کنند.

زنان را گرچه باشد گونه‌گون چار
ز مردان لابه بپذیرند و گفتار
هزاران دام جوید مرد بی‌کام
که کام خویش را گیرد بدان دام
شکار مرد باشد زن به هر سان
بگیرد مرد او را سخت آسان
به رنگ گونه‌گون آرد فرا بند
به امّید و نوید و سخت سوگند
هزاران گونه بنماید نیازش
به شیرین لابه و نیکو نوازش
چو در دامش فگند و کام دل راند
ز ترس ایمن ببود و آز بنشاند
به عشق اندر نیازش ناز گردد
به ناز اندر بلندآواز گردد
تو گویی رام گردد عشق سرکش
که خاکستر شود سوزنده آتش
زن مسکین به چشمش خوار گردد
فسونگر مرد از او بیزار گردد. فخرالدین اسعد گرگانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

She is a woman and may be wooed, she is a woman and may be won.

او یک زن است و خواستگاری می‌توانش کرد

او یک زن است و می‌توان او را به چنگ آورد.

(نقل قولی از شکسپیر Shakespeare در پردهٔ دوم *تیتوس آندرونیکوس* Titus Andronicus است.

شکسپیر همچنین در پردهٔ پنجم *هنری ششم* Henry VI می‌گوید:

She's beautiful, and therefore to be woo'd;
She's a woman, and therefore to be won.

او خوشگل است و باید او را خواستگاری کرد

او یک زن است و باید او را توی چنگ آورد.)

Every woman may be won.

هر زنی که باشد را می‌توان به چنگ آورد.

شکم که به شکم بچسبد چاق می‌شود.

یا: شکم که به کمر بچسبد چاق می‌شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Simile gaudet simili.

هر چیز شبیه خویش را خوش دارد.

شل بگیر، دردش کم می‌شود.

خطاب به کسی گفته می‌شود که بگوید: «درد دارد.» یا «درد دارم.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Yielding is sometimes the best way of succeeding.

گاهی اوقات همین تسلیمت

بهترین راه موفق شدن است.

بهترین استاد درس زندگی
حضرت شیخ المشایخ باسن است
پیر من هرچند باشد زیر من
جای او بر تخم چشمان من است
دوش گفتم: هارد سکس روزگار

بی‌تف و بی‌وازلین و روغن است
این که توی کون من جا کرده است
کیر نه، این لعنتی تیرآهن است
گفت: وقتی زندگی می‌گایدت

شل گرفتن بهتر از جر خوردن است.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Bow and don’t break.

خم شو و نشکن.

Oaks may fall when reeds stand the storm.

جایی که نی‌ها در برابرطوفان ایستادگی می‌کنند، درختان بلوط شاید بشکنند.

معادل پرتغالی:

Melhor he dobrar, que quebrar.

خم شدن بهتر از شکستن ماست.

معادل دانمارکی:

Bedre er den Green der böier, end den der brister.

هر زمان طوفان شبیخون می‌زند
شاخه‌ای که پیش آن خم می‌شود
بهتر است از شاخه‌ای که بشکند.

شیخ از خود ابلیس هم ابلیس‌تر است
در حفظ عفاف از همه کس‌لیس‌تر است

شلوارک ملای محل از شرتِ
هر بچهٔ تازه‌بالغی خیس‌تر است.   م. ا.

پسر خطیب دهی بامداد در پایگاه رفت. پدر را دید که خر می‌گایید. پنداشت همه‌روزه چنان می‌کند. روز جمعه پدرش بر منبر خطبه می‌خواند. پسر بر در مسجد رفت و گفت: «بابا، خر را می‌گایی یا به صحرا برم؟»   عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non son tutti santi quelli che vanno in chiesa.

هر کسی که به کلیسا می‌رود قدیس نیست.

شوخی شوخی آدم را می‌گاید.

یا: شوخی شوخی شلوار آدم را درمی‌آورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A true jest is no jest.

شوخی جدی دگر شوخی که نیست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Mows may come to earnest.

ای بسا شوخی که جدی می‌شود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ce sont les pires bourdes que les vraies.

بدترین شوخی‌ها شوخی‌های جدی هستند.

Bourdes vrayes ne plaisent jamais.

جوک‌های جدی هیچ وقت چیز خوشایندی نبود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Im Scherz klopft man an, und im Ernst wird aufgemacht.

ما شوخی شوخی در می‌زنیم و در جدی جدی باز می‌شود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non ci è la peggior burla che la vera.

هیچ شوخی زیر این طاق کبود
بدتر از یک شوخی جدی نبود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A las burlas así ve á ellas que no se salgan de veras.

شوخی بکن آن‌گونه که جدی نشود.

شوهرت وقتی هوس کرده بگاد
راه دررو نیست، می‌بایست داد

مشکل او نیست درد کون تو
می‌کنه هر وقت و هر جوری بخواد
هفت دفعه آیت‌الکرسی بخون
بلکه فوری آب حاج‌آقا بیاد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The first duty of a woman is to obey.

اولین تکلیف زن تمکین اوست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wijsheid in mans, geduld in vrouwen, dat kan het huis in ruste houen.

خرد در شوهر و در زن صبوری
به خانه آورد صلح و سروری.

شهر نو تعطیل شد، یک مملکت شد شهر نو

شک نکن از دم خرند آخوندهای حیف جو. م. ا.

راننده دوباره نور بالا زده است
ماشین وی از غروب در عربده است
چشمان حزین بره‌ها می‌دانند
این گرگ به دنبال شکار آمده است

آن‌گونه که گربه موش را می‌نگرد
او دختر گل‌فروش را می‌نگرد
هر روز پری بلنده با خندهٔ تلخ
این مملکت وحوش را می‌نگرد

یک روز پری بلنده از باغ بهشت
در نامه به ماردوش خلخال نوشت:
بالای طناب دار می‌دانستم
گندی زدی ای زاهد پاکیزه‌سرشت

هر کوی و محله‌ای شده شهر نویی
ابزار زناست هر سمند و پژویی
حالا تو خودت بگو جناب قاضی
این مفسد فی الأرض منم یا که تویی؟ م. ا.

شهید راه کُس شدن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

They rin fast that deils and lasses drive.

آن‌کسانی که شیاطین و دختران می‌کشانندشان تند می‌دوند.

شیخ اگر امر به معروف کند
دختری را که قشنگ و جگر است
شک مدارید که در موقع وعظ
نقشه‌ای در سر این نره‌خر است
غاز را روبه اگر وعظ کند
گردن غاز یقین در خطر است. م. ا.

جوجهٔ خوشمزه‌ای که چادر او یک‌وری است
طعمهٔ چشم حریص مارهای منبری است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is a silly goose that comes to the fox's sermon.

غازی که پای منبر روباه آمده
یک غاز اسکل است که مغزش کپک زده.

If thou dealest with a fox, think of his tricks.

چون تو را با روبهی افتاده کار
حیله‌هایش را تو در خاطر بیار.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

When the tod preaches tak tent o' the lambs.

چو روباه بالای منبر بیاید
بباید کسی بره‌ها را بپاید.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wenn der Fuchs predigt, so nimm die Gänse in Acht.

چو روباه بالای منبر بیاید
بباید کسی غازها را بپاید.

Wer mit Füchsen zu thun hat, muß den Hühnerstall zuhalten.

او که ناچار است با روباه‌ها سروکار داشته باشد باید مراقب مرغدانی‌اش باشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Matta è quella pecora che si confessa al lupo.

او گوسفند ابلهی است که نزد گرگ اعتراف می‌کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Cum vulpe habens commercium, dolos cave.

اگر با روبهی کار تو افتاد
ز نیرنگ و فریب او بکن یاد.

شیخ ما تا دسته و تا بیخ و بن
می‌کند، اما به ما گوید نکن

حکمت این قول و فعل شیخ چیست؟
این که معلوم است خب: زیرا که چون
کار پاکان را قیاس از خود مگیر
أنتم أنعامٌ و شیخٌ راکبٌ. م. ا.

الواعظ: آن که بگوید و نکند. عبید زاکانی – تعریفات

مشکلی دارم، ز دانشمند مجلس بازپرس
توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند؟ حافظ

معادل عربی: أتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم؟
(آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خود فراموش می‌کنید؟) قرآن، بقره: ۴۱

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The devil rebuking sin.

شیطان گناه را سرزنش می‌کند.

Law makers should not be law breakers.

قانون‌گزاران که نباید خویشتن قانون‌شکن باشند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les cloches appellent à l’église mais n’y entrent pas.

زنگ‌ها چون که صدا سربدهند
دیگران را به کلیسا خوانند
لیک خود گام بدان‌جا ننهند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non entra a messa la campana, e pur ognuno ci chiama.

ناقوس به مراسم عشای ربانی نمی‌رود و باز همه را به آن دعوت می‌کند.

Chi ben vive, ben predica.

هر کسی زندگی‌اش هست نکو
بس نکو موعظه‌ای می‌کند او.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El que ley establece, guardarla debe.

هرکه یک قانون خود او می‌نهد
او خودش باید به آن تن در دهد.

Haz lo que dice el fraile, y no lo que hace.

آنچه را راهب می‌گوید بکن، نه آنچه را می‌کند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Mangen vil gierne rose Ret og giöre Uret.

خیلی‌ها دوست دارند از حق ستایش کنند و باطل را انجام دهند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Clodius accusat moechos.

کلودیوس زناکاران را سرزنش می‌کند.

(کلودیوس، امپراطور روم، یکی از بزرگ‌ترین زناکاران زمانش بود.)

شیخ‌زادگان را به هر وسیله که هست بگایید تا حج اکبر کرده باشید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Clergymen’s sons always turn out badly.

پسران روحانیان همیشه بد از آب درمی‌آیند.

شیخی به زنی فاحشه گفتا مستی
هر لحظه به دام دگری پابستی
گفتا شیخا، هرآنچه گویی هستم
آیا تو چنان که می‌نمایی هستی؟ خیام

چنان شو که خواهی چنانت بخوانند

همان شو که خواهی همانت بدانند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do on the hill as you would do in the hall.

سر تپه‌ای هم همان را بکن
که توی شبستان کاخی کنی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Be the thing you would be ca'd.

همانی شو که می‌خواهی تو را مردم همان خوانند.

ص

صبح اگر شرت گل‌پسر خیس است
کار کار جناب ابلیس است. م. ا.

باز رؤیای خیس و حال وخیم
تف به شیطان بی‌حیای رجیم
جیب خالی و یار باقالی
چه کنم با دو غدهٔ بدخیم؟
خواجه‌ام کن تو ای خدای بزرگ
که مرا کشته این عذاب الیم
خواب رنگی دوباره دیدم و... اوووی
بازم امشب حمومو افتادیم

خواب‌هایم همیشه رنگی باد
دخترانش به این قشنگی باد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many commit sin and blame Satan.

خیلی از مردم گناهی کرده و
بعد شیطان را شماتت می‌کنند.

The devil is an ass.

شیطان رجیم یک الاغ است
(= آمادهٔ یک سواری خوب
هر کس که بر او نشست بنشست).

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ne'er speak ill o' the deil.

هیچ وقت از حضرت ابلیس بدگویی نکن.

به قول شیخ اجل، سرور نظربازان

صفای چشم‌چرانی شفای هر بصر است.   م. ا.

سعدیا، هیکل مطبوع برای نظر است

گر نبینی، چه بُود فایدهٔ چشم بصیر.   سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The sight of you is good for sore eyes.

تماشایت شفای چشم‌درد است.

صیغه‌ای در چنگ شیخی خرحشر

بهترین مصداق بدبخت است، نیست؟

می‌توان با سر درون چاه رفت

لیک بیرون آمدن سخت است، نیست؟   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is easier to fall than rise.

افتادن از برخاستن آسان‌تر است.

’Tis easy to fall into a trap, but hard to get out again.

درون یک تله افتادن آسان است

ولی دشوار بیرون رفتن از آن است.

It is easy to bowl down hill.

از فراز تپه‌ای قل خوردن آسان است.

One may sooner fall than rise.

شاید آدم زودتر از آن‌که برخیزد بیفتد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ne mets ton doigt en anneau trop étroit.

نکن انگشت خود را زود و جنگی

درون حلقهٔ بسیار تنگی.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Erst besinn’s, dann beginn’s.

پیش از آن‌که بپری خوب ببین.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Guarda innanzi che tu salti.

پیش از آن‌که بپری

بکن اول نظری.

رومیان باستان می‌گفتند:

Aretum annulum ne gestato.

حلقهٔ بسیار تنگی را در انگشتت نکن.

ط

طبیب عشق مسیحادم است و مشفق، لیک
چو درد در تو نبیند، که را دوا بکند؟ حافظ

قسم به عینک زیبای خانم دکتر
به مدرک از اروپای خانم دکتر
به هیکل پروپیمان و ساق‌های درشت
به سینه‌های شکوفای خانم دکتر
که من مریض شدم هفت روز هر هفته
فقط به عشق مداوای خانم دکتر
درون گوشی او قلب من چه می‌غرد
که بدرقم شده شیدای خانم دکتر
دهان بنده که تا هفت ماه بسته نشد
از آن طنین بگو آی خانم دکتر
شفای فوری و سرپایی‌ات اگر هوس است
نگاه کن به سراپای خانم دکتر
علاج قطعی درد تمامی اعضاست
نظر به تک‌تک اجزای خانم دکتر
برای ریزش موها عجیب دارویی است
کمند موی سمن‌سای خانم دکتر
علاج چشم ضعیف شمارهٔ هشت است
نظر به نرگس شهلای خانم دکتر
شفای چهرهٔ زرد و دوای کم‌خونی است
هلال احمر لب‌های خانم دکتر
برای گوش کر مرد نوشدارویی است
صدای مثل حمیرای خانم دکتر
تمام سردمزاجان به این مطب آیند

به عشق معجز موسای خانم دکتر
اگر کمی به پروستات شیخ ور برود
جوان شوند به فتوای خانم دکتر
هر آن که نوبت امروز داشت غش کرده
ز شوق نوبت فردای خانم دکتر
به آمپول طبیبان نیازمند مباد
مه دوهفتهٔ آن‌جای خانم دکتر. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Two things doth prolong thy life:
A quiet heart and a loving wife.

عمرت به دو چیز می‌شود طولانی:
با یک دل آرام و زنی مامانی.

ای خوشا خاتونِ توی مثنوی
ماجرای عشقی‌اش رشک‌آور است
گرچه اِند شانس کیری گفته‌اند
گیر کردن زیر کیر یک خر است
لیکن او از دید من خرشانس بود
شانس ما از شانس او کیری‌تر است
توی این ایران جرواجر شده
شانس کیراکیر چیزی دیگر است
طعم کیر خر اگرچه کیری است
بهتر از طعم عصای رهبر است. م. ا.

کار ایران همیشه برعکس است
شده فرعون ما عصا در دست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He who maketh others wretched is himself a wretch, whether prince or peasant.

هر کسی از دست ظلمش دیگری بیچاره زیست
شاه باشد یا رعیت، او خودش بیچاره‌ای است.

ع

عاشق از قاضی نترسد، می بیار

بلکه از یرغوی دیوان نیز هم.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is incompatible with fear.

عشق با ترس مغایر باشد.

No law is made for love.

هیچ قانونی برای عاشقی نگذاشتند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Amor naõ tem lei.

عشق قانونی ندارد.

عاشق بی‌پول باید شبدر بچیند.

شهری است پر کرشمهٔ حوران ز شش جهت

چیزیم نیست، ور نه خریدار هر ششم.   حافظ

آلمانی‌ها می‌گویند:

Tritt der Kummer in's Haus, fliegt die Liebe zum Fenster hinaus.

شوربختی تا ز در وارد شود

عاشقی از پنجره درمی‌رود.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als de armoede de deur binnenkomt, vliegt de liefde het venster uit.

تا که از در فقر وارد می‌شود

عاشقی از پنجره درمی‌رود.

عاشق سینه‌چاک یعنی چه

بتپان، عشق پاک یعنی چه.   لاادری

تو را من دوست می‌دارم که یک شب
در آغوشت کشم تا نیمروزی
مراد از عاشق و معشوقی این است
وگرنه مادری دارم چو یوزی.   سعدی

با یار شکرلب گل‌اندام
بی بوس و کنار خوش نباشد.   حافظ

فرانسوی‌ها می‌گویند:
C’est trop aimer quand on en meurt.
هر کسی از عشق می‌میرد زیادی عاشق است.

عاشق و رند و نظربازم و می‌گویم فاش
تا بدانی که به چندین هنر آراسته‌ام.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:
All the world loves a lover.
تمام جهان عاشق عاشق‌اند. (نقل قولی از رالف والدو امرسون Ralph Waldo Emerson است.)

وقت سحر کبوتر تک‌پر هوایی است
عاشق همیشه سربه‌هوای خدایی است.   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Verliebte Köchin versalzt die Speisen.
آش یک آشپز عاشق و شیدا شور است.

عاشقا، باز انتخابات است
وه، چه آزادی هدفمندی
گشت ارشاد ناپید شده
نوبت عاشقی است یک‌چندی
در خیابان و کوچه‌ها بخرام
دست در دست داف دلبندی
تو گمان می‌کنی که با این کار
این تویی که به شیخ می‌خندی؟

دلخوشی که به بوسه‌ای کوچک
پوزه‌بندی به شیخ می‌بندی؟
یا به یک روسری عقب بردن
مویی از ریش توپی‌اش کندی؟
شیخ اما به گور باباتان
می‌زند چون همیشه لبخندی
او چهل سال حال مفتی کرد
تو به حالی دوروزه خرسندی
فعلاً از هفت دولت آزادی
هفتهٔ بعد باز در بندی
آن زمانی که برگزار شود
انتخابات سیرک‌مانندی
گشت ارشاد باز خواهد گشت
تا به هر عاشقی دهد پندی
یک برادر که کلهم گاو است
بغلش خواهر تنومندی
او و باتوم و مشت و اردنگی
تو و ماتحت بی‌پدافندی. م. ا.

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Too much liberty spoils all.

کشد آزادی بسیار زیاد
همگان را به تباهی و فساد.

عاشقان را همه گر آب برد
خوبرویان همه را خواب برد. ایرج میرزا

عاشقم، پول ندارم، کوزه بده آب بیارم.

عاشقی کردن شبیه پوشک است
هر زمان جیبت ز بیخ و بن تهی است
اولش پاک و لطیف است و سپید
لحظه‌ای دیگر ز بیخ و بن گهی است. م. ا.

در شب وصل اسکناس است، اسکناس
کز تن دلبر کَند رخت و لباس.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Sans pain, sans vin, amour n’est rien.

بی نان و شراب عشق پرپر گردد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Sine Cerere et Baccho friget Venus.

بدون سِرِس و باکوس ونوس یخ می‌زند.
(در روم باستان سرس الههٔ کشاورزی، باکوس خدای شراب و ونوس الههٔ عشق بود.)

عاشقی یک سلوک معنوی است
خاصه وقتی که یار حلقوی است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Keep the common road, and thou’rt safe.

از جادهٔ اصلی برو و ایمن باش.

You cannot lose what you never had.

نتوانی دهی به باد فنا
آنچه هرگز نداشتی آن را.

عافیت خواهی، نظر در منظر خوبان مکن
ور کنی، بدرود کن خواب و قرار خویش را.   سعدی - غزلیات

قصهٔ عشق دو فصل است و خلاص:
دیده می‌بیند و دل می‌خواهد.   م. ا.

معادل انگلیسی:

What the eye does not admire,
The heart does not desire.

آنچه را دیده ستایش نکند
دلت آن را ز تو خواهش نکند.

معادل اسکاتلندی:

What your ee sees your heart greens for.

آنچه را دیدهٔ تو می‌بیند

حسرتش در دل تو بنشیند.

معادل ایتالیایی:

Occhio che non vede, cuor che non duole.

آنچه را دیده‌ای نمی‌بیند

دل برایش به سوگ ننشیند.

معادل اسپانیولی:

Ojos que no ven, corazon que no quiebra.

دیده وقتی که نبیند، دل کجا خواهد شکست.

معادل هلندی:

Wat het oog niet en ziet, dat begeert het herte niet.

آنچه را دیده‌ات نمی‌بیند

هوسش در دل تو ننشیند.

واقعیت زود پیدا می‌شود

عاقبت کون‌داده رسوا می‌شود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Time will reveal the truth.

زمان ز روی حقیقت نقاب بردارد.

Truth may be blamed, but it cannot be shamed.

گر حقیقت به مذاق تو خوش آید یا نه

می‌توان سرزنشش کرد، ولی رسوا نه.

Truth will out.

حقیقت در نهایت فاش گردد.

Truth will prevail.

حقیقت در نهایت چیره گردد.

Time will tell.

زمان خواهد گفت.

Time tries all things.

زمان هر چیز را می‌آزماید.

You cannot hide an eel in a sack.

نتوانی که مارماهی را
داخل گونی‌ای نهان بکنی.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

There is no hiding of evil but not to do it.

غیر از اینی که از آن دوری کنی
بهر پنهان کردن شر چاره نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wahrheit findet keine Herberge.

حقیقت را پناه و مأمنی نیست.

Zeit verräth und hängt den Dieb.

زمان دزد را لو می‌دهد و بر دار می‌آویزد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dà tempo al tempo.

به زمان زمان بده.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Puteria ni hurto nunca se encubren mucho.

جندگی یا که دزد بودن فرد
دیرگاهی نهان نمی‌مانند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Vroeg of laat komt de waarheid aan den dag.

دیر یا زود حقیقت ز پس پرده درآید.

Het komt ten lesten aan den dag, wat in de sneeuw verholen lag.

آنچه که در برف نهان می‌شود
عاقبت‌الامر عیان می‌شود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ond Gierning har Vidne i Barmen.

شاهدی در دل هر کار بدی است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Magna est veritas et prævalebit.

حقیقت زورمند است و به زودی چیره خواهد شد.

Veritas temporis filia.

حقیقت دختر زمان است.

عاقبت هر بچه‌ای مانند مادر می‌شود

هرکه از یک ماچه‌خر زاییده شد خر می‌شود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Like mother, like daughter.

مادری هر جور باشد، دخترش آن‌جوری است.

Little mother, little daughter.

مادر کوچک، دختر کوچک.

Like begets like.

هر چیز شبیه خویش را می‌زاید.

That that comes of a cat will catch mice.

آنچه از گربه سر برون آورد
موش‌ها را شکار خواهد کرد.

Such as the tree is, such is the fruit.

درخته هر مدله، میوه‌شم همون مدله.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Gawsie cow, gudely calf.

گاو نیرومندی و گوساله‌ای خوش‌آب‌ورنگ
(= مادر زیبایی و یک دختر ناز و قشنگ).

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui naquit chat, court après les souris.

از دل گربه آنچه زاده شود
او به دنبال موش‌ها بدود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Qual figlia vuoi, tal moglie piglia.

همان‌جور زنی را انتخاب کن که می‌خواهی دخترت آن‌جوری باشد.

Chi nasce di gallina, convien che rozzuola.

آنچه از مرغی به در می‌آید آن
می‌خراشد خاک را ناخن‌کشان.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El hijo del asno dos veces rozna al dia.

صبح تا شام بچهٔ یک خر
می‌نماید دو مرتبه عرعر.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O filho do asno huma hora no dia orneja.

صبح تا شام بچهٔ یک خر
قدر یک ساعتی کند عرعر.

هلندی‌ها می‌گویند:

Arenden brengen geene duiven voort.

عقابان کبوتر نمی‌پرورند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Af Ögler komme Ögleunger.

افعی‌ها افعی می‌زایند.

عبدل کس‌خرنه.

شاهد مثال:

کس نکردم به همه عمر، مگر ماده‌خری
کان خرم نیز به صد زور روی خویش نشاند
خاکشیرم نه، صراحی نه و جعفر هم نه
بعد از این عبدل کس‌خرنه مرا باید خواند.   خاکشیر

عروس تعریفی آخرش شلخته درمی‌آید.

عسل در باغ هست و غوره هم هست

زلیخا هست و جان‌جان کوره هم هست. شیخ محمود شبستری

معادل ترکی: بیر تؤوله‌ده آت دا اولار، ائششک ده. (در یک طویله هم اسب هست، هم خر.)

از آن رو که طناز و خوشگل شدی
در این مملکت اصل مشکل شدی
چنین شو که مردان چنانت کنند
بگیرند و توی فلانت کنند
عسل کن خودت را زن بوالهوس
که فوری ببلعد تو را هر مگس. م. ا.

بسیار توقف نکند میوهٔ بر بار
چون عام بدانست که شیرین و رسیده‌ست. سعدی - غزلیات

معادل ترکی: بارسیز آغاجا داش آتمازلار. (به سوی درخت بی‌بر سنگ پرتاب نمی‌کنند.)

معادل انگلیسی:
Make yourself all honey and the flies will devour you.

خودت را سراپا عسل کن که بعدش
مگس‌ها تنت را درسته ببلعند.

معادل‌های فرانسوی:
On ne jette des pierres qu’à l’arbre chargé de fruits.

به درختی که میوه‌هایی داد
سنگ پرتاب می‌کنند افراد.

Grands oiseaux de coutume sont privés de leurs plumes.

پروبال لطیف و زیبا را
غالباً می‌کَنند آدم‌ها.

معادل آلمانی:
Wer sich zu Honig macht, den benaschen die Fliegen.

او که خود را انگبینی می‌کند
آخرش او را مگس‌ها می‌خورند.

معادل‌های ایتالیایی:
Fatti di miele, e ti mangeran le mosche.

عسل کن خویشتن را تا مگس‌ها
خورند از پای تا سر هیکلت را.

A molti puzza l’ambra.

چه بسیارند آنانی که یکسر
بچسبانند بینی را به عنبر.

معادل پرتغالی:

Se te fizeres mel, comer-te-haõ as moscas.

چو خود را انگبین کردی سراپا
تو را خواهند خورد از دم مگس‌ها.

معادل‌های هلندی:

Die zich zelven honig maakt wordt van de bijen opgegeten.

آن‌کس که خود را انگبینی می‌کند
او را یقین زنبورها خواهند خورد.

Al te goed is buurmans allemans gek.

آدمی وقتی سراپا خوبی است
اسکل باقی مردم می‌شود.

عشق از این بسیار کرده‌ست و کند

خرقه را زنار کرده‌ست و کند. عطار – منطق الطیر

عشق اگر یک خدای نابیناست
پس چرا هرچه می‌کند زیباست؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The man who loves is easy of belief.

مرد عاشق آدم خوش‌باوری است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ama, crede.

او که عاشق شده باور دارد.

Della sua istessa colpa amor è scusa.

عشق عذری است بر عیوب خودش.

Amor non conosce travaglio.

رنج و سختی نمی‌شناسد عشق.

رومیان باستان می‌گفتند:

Credula res amor est.

عشق چیز ساده و خوش‌باوری است. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

با سایه تو را نمی‌پسندم

عشق است و هزار بدگمانی.   غنی کشمیری

معادل‌های انگلیسی:

A loving man will be a jealous man.

مرد عاشق حسود خواهد شد.

Love is never without jealousy.

عشق هرگز بی‌حسادت نیست.

There is no true love without jealousy.

هیچ عشق راستینی در جهان

نیست که غیرت نباشد اندر آن.

معادل اسکاتلندی:

Love and jealousy are sindle sindry.

ندرتاً عشق و حسد از هم جداست.

معادل فرانسوی:

Il n'y a point d'amour sans jalousie.

هیچ عشقی بدون غیرت نیست.

معادل آلمانی:

Wo kein Eifersucht, da ist keine Liebe.

هرکجا غیرت نباشد، عشق نیست.

معادل‌های ایتالیایی:

Uomo amante, uomo zelante.

آن مرد که دل باخته یک مرد حسود است.

Chi ama, teme.

هر کسی عاشق است می‌ترسد.

معادل لاتین:

Qui non zelat non amat.

هر کس که حسادت نکند عاشق نیست. (نقل قولی از سنت آگوستین St. Augustin است.)

چون هوس یک الههٔ کور است
راه را اشتباه خواهد رفت
عشق با یک نگاه می‌آید
و پس از یک گناه خواهد رفت. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love of lads and fire of chats is soon in and soon out.

عشق جوانک‌ها و آتش تراشه‌های چوب زود شعله‌ور می‌شود و زود هم خاموش می‌شود.

True love is like a teardrop in Niagra falls.

عشق راستین مثل قطرهٔ اشکی در آبشار نیاگاراست.

عشق پیری گر بجنبد سر به رسوایی زند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man in love is a fool, and an old man in love is the greatest fool of all.

مرد عاشق ابلهی از جمله خل‌های جهان است
پیرمرد عاشقی ابله‌ترین ابلهان است.

Like the measles, love is most dangerous when it comes late in life.

عشق، چون بیماری سرخک، چنانچه دیرتر
بر سر آدم بیاید، بیش‌تر دارد خطر.

To woo is a pleasure in a young man, a fault in an old.

خواستگاری لذت مرد جوان و اشتباه پیرمرد است.

Old sin, new shame.

گناهی پیر و شرمی نو.

Old sins cast long shadows.

آن گناهان که پیر می‌باشند
سایه‌هایی بلند اندازند.

تو چه دانی که کدامین دلبر
عاقبت قلب تو را برباید
عشق چیزی است شبیه یک گوز
زورکی نیست، خودش می‌آید. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
Follow love and it will flee thee: flee love and it will follow thee.

دنبال کنی چو عشق را، دربرود
از دست تو رم کند، فراری بشود
وقتی که فرار می‌کنی از دستش
دنبال تو هر جا بروی، او بدود.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Lieben und Singen läßt sich nicht zwingen.

عشق ورزیدن و آواز کسی
عملی زوری و اجباری نیست.

هلندی‌ها می‌گویند:
Gedwongen liefde vergaat haast.

عشق اگر زورزورکی باشد
عمر آن عمر اندکی باشد.

عشق خسرو لبان شیرین است
عشق آقا فلان پوتین است. م. ا.

هرکه از شش سو فرومایه شود
مثل این آقای بی‌خایه شود
سینه‌چاک سرزمین برفیِ
گشنه‌های ضدسرمایه شود
این مترسک تا به کی باید چنین
غرقه در صد لایه پیرایه شود
در خیالات مریدان خرش
گرچه با سیمرغ همپایه شود
سایهٔ زاغی است در گودال گه

ابلهی صیاد آن سایه شود
دومین تیمور ما با چنگ لنگ
واکسی پوتین همسایه شود.   م. ا.

شعرهای عاشقانه کلهم
حرف مفتی لایق بی‌مایه‌هاست
عشق را ثابت بکن در رختخواب
شعر خواندن پیشهٔ بی‌خایه‌هاست.   م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Obres son amores, que no buenas razones.

اعمال عشق‌اند، نه عبارات دلپسند.

Si bien me quieres, Juan, tus obras me lo diran.

گر عشق من ای یوان، به جانت افتاد
اعمال تو از عشق خبر خواهد داد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Obras saõ amores, e naõ palavras doces.

اعمال عشق‌اند، نه حرف‌های شیرین.

عشق می‌ورزم و امّید که این فن شریف
چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The properer man, the worse luck.

او که شایسته‌تر است از همه بدشانس‌تر است.

عشق و شباب و رندی مجموعهٔ مراد است
آن‌موقعی که گشت ارشاد رفته باشد.   م. ا. مصرع اول از حافظ است.

وقتی که روی چیز تو هم زوم می‌کنند
انگار توی چیز تو باتوم می‌کنند.   م. ا.

نوبت عاشقی من که گذشت

نوبت عاشقی من که گذشت
پس به تخمم که در این کشور بی‌خیر پلشت
عوض دار و درخت
عوض سبزه و گل کاشته‌اند
هر سه متری یک گشت.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is above King and Kaiser, lord and laws.

عشق چیزی در ورای پادشاه و قیصر و ارباب و قانون است.

Love is liberal.

عشق آزادمنش می‌باشد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

In a thousand pounds o' law there's no an ounce o' love.

در میان هزار من قانون
یک نخود عشق و عاشقی هم نیست.

A pennyweight o' love is worth a pound o' law.

یک نخود عشق به یک من قانون می‌ارزد.

عشق هم وقتی که اجباری شود
مایهٔ تحقیر و بیزاری شود.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love cannot be forced.

عشق زوری نتواند باشد.

What we do willingly is easy.

هر کار که با میل و رضایت بکنیم آسان است.

Nothing is easy to the unwilling.

در نگاه آدم بی‌میل کاری ساده نیست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Kindness comes awill.

مهربانی به میل خویش آید

(= عشق زوری بسی نمی‌پاید).

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den har svært Löb, som nödes til at löbe.

او که با اجبار دارد می‌دود

گام‌هایش کند و سنگین می‌شود.

Den Hund man skal növde til Skovs, beder ikke mange Dyr.

کجا سگی که به جنگل به زور رو آورد

گوزن‌های زیادی شکار خواهد کرد.

در همان لحظهٔ جادویی عشق

گاو آدم دوقلو می‌زاید

عشق یک کیر خر دژکوب است

که تو را از سه طرف می‌گاید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is sweet in the beginning but sour in the ending.

به شیرینی آغاز گردد محبت

به تلخی به پایان رسد در نهایت.

Love is like a fire, it can either warm your heart or burn your house down.

عاشقی چیزی شبیه آتش است

یا دلت را گرم خواهد کرد و یا

خانه‌ات را سوزد او از پای‌بست.

عقبشو کرده انبونه، جلوشو گذاشته نمونه.

دربارهٔ دخترانی گفته می‌شده است که پیش از ازدواج رابطهٔ جنسی برقرار می‌کرده‌اند، اما پردهٔ بکارتشان را برای شب زفاف حفظ می‌کردند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Appearances can be deceptive.

بسا که ظواهر فریبنده باشند.

Never judge from appearances.

ز روی ظواهر قضاوت مکن.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Schein betrügt.

ظواهر فریبنده‌اند.

عقل را دخترک چو باخته است
غیر نان در تنور چسباندن
کاری از دست بنده ساخته است؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The folly of one man is the fortune of another.

حماقت یکی اقبال نیک دیگری است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Brebis trop apprivoisée de trop d’agneaux est tettée.

گوسفند رام و بی‌آزار را
دم به دم هر بره‌ای خواهد مکید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Pecora mansueta da ogni agnello è tettata.

گوسفندی رام را هر بره‌ای خواهد مکید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Aliena optimum frui insania.

تو ز دیوانگی آن دگری
خوش‌تر آن است که سودی ببری.

عقل یک مرد توی شرت وی است
عقل خود را عملگرا بکنید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Gaming and women make men fools.

قمار و زنان مرد را خر کنند.

Wine and women make men fools.

باده و زن مرد را خر می‌کنند.

Gaming, women, and wine, while they laugh, they make men pine.

تا قمار و زن و می خندان‌اند

مردها یکسره اشک‌افشان‌اند.

علف باید به دهن بزی شیرین بیاید.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A black man is a jewel in a fair woman's eye.

یکی گوهر بُود یک مرد زنگی

به چشم خانم ناز و قشنگی.

توی ایران، طویلهٔ خرها

علم فرع است و اصل سرمایه‌ست

علم در مغز مرد بی‌مایه

کیر در شرت مرد بی‌خایه‌ست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Knowledge makes one laugh, but wealth makes one dance.

علم می‌خنداند آدم را، ولیکن مال می‌رقصاندش.

The love of money and the love of learning rarely meet.

عشقِ به پول و عشق به تحصیل در بشر

بسیار کم شوند قرینان یکدگر.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Samson war ein starker Mann, aber er konnte nicht zahlen ehe er Geld hatte.

سامسون مردی قوی بود، اما نمی‌توانست پولی پرداخت کند قبل از این‌که آن را داشته باشد.

Wo Geld redet, da gilt alle Rede nicht.

هرکجا طلا جیرینگ جیرینگ می‌کند، بحث کردن‌ها به هیچ دردی نمی‌خورند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non ha, non è.

او که ندارد نیست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Con dineros no te conocerás, sin dineros no te conocerán.

با پول تو خودت را نمی‌شناسی، بدون پول هیچ‌کس تو را نمی‌شناسد.

O rico, o pinjádo.

یا پولدار یا روی دار.

هلندی‌ها می‌گویند:

Zijn geld bekleed bij hem de plaats van wijsheid.

پول یارو جای عقلش را گرفت.

Een man zonder geld is een schip zonder zeilen.

آدم بی‌پول همچون کشتی بی‌بادبان است.

عمهٔ بنده اگر کیری داشت

شک ندارم که عمویم می‌شد.   م. ا.

کس‌خلی بنگ زد و خوب که چت شد، فرمود:

عمه‌ام چیز اگر داشت، عموجانم بود.   م. ا.

معادل انگلیسی:

If my aunt had been a man, she'd have been my uncle.

عمه‌ام مرد اگر بود، عمویم می‌شد.

نه تو گفتی که می‌نهم به زمین

دست و پشت و سرین همی خم و راست؟

لیک دانم وفا نخواهی کرد

عهد کونی همیشه پابه‌هواست.   یغمای جندقی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Punctuality begets confidence.

وفای به عهد اعتماد آورد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Muito prometter he sinal de pouco dar.

معنی بسیاریِ وعده وفایی اندک است.

عیب شیرین‌دهنان نیست که خون می‌ریزند

جرم صاحبنظران است که دل می‌بندند.   سعدی – غزلیات

گفت خود دادی به ما دل حافظا
ما محصل بر کسی نگماشتیم.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

None is offended but by himself.

نمی‌رنجد کسی، الا که از خویش.

He that bewails himself hath the cure in his hands.

او که از دست خودش شاکی بُود
داروی دردش بُود دست خودش.

هلندی‌ها می‌گویند:

Die zijn gat brand, moet op de blaêren zitten.

او که کون خویش را سوزانده است
روی تاول‌هاش می‌باید نشست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nemo læditur nisi a seipso.

جز به دست خویشتن هیچ آدمی
درنمی‌افتد به دام ماتمی.

غ

غریب‌کونده است.

= خیرش فقط به غریبه‌ها می‌رسد. دوستان و آشنایان را تحویل نمی‌گیرد.

تغافل تو مرا خوش نماید از لطفت
که این به هر کس و آن خاصه از برای من است. غنی کشمیری

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bloom where you are planted.

تو شکوفه بده آن‌جا که تو را کاشته‌اند.

غزال اگر به کمند اوفتد، عجب نبُود
عجب فتادن مرد است در کمند غزال. سعدی - غزلیات

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A las veces do cazar pensamos, cazados quedamos.

گاه موقعی که به گرفتن می‌اندیشیم گرفته می‌شویم.

مهوش، پریوش
چیکار کرد؟ شوور کرد
غلط کرد شوور کرد
همه را دربه‌در کرد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

My market's made, ye may lick a whup-shaft.

(نامزد وقتی که دارد دختری
گوید او به خواستگار دیگری:)
بر سر آمد موقع بازار من
دستهٔ شلاق را لیسش بزن.

ف

فاطی، تو دول نداری.

یک پسر چشم و گوش بسته ازدواج می‌کند. در شب زفاف، وقتی عروس برهنه می‌شود، پسر حیرت‌زده می‌گوید: «اِ... فاطی، تو دول نداری.»
مزاحی است با پسرهای باکره.

بنده بدون حرفی اضافی
دارم برایت یک اعترافی
یک شب که سرمست لم داده بودم
زیر پتویی، روی لحافی
الحمدلله، بعد از چهل سال
من نیز دیدم پستان و نافی
من کشف کردم چیز شگفتی
الله اکبر، چه اکتشافی
فهمیدم آن شب در غایت بهت
زن جای دودول دارد شکافی
کافر مبیناد چیزی که دیدم
در فیلم‌های پورنوگرافی. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A chi veglia tutto si rivela.

بهر مردی که تماشا می‌کند
خویش را هر چیزی افشا می‌کند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A quien vela, todo se le revela.

بهر آن مردی که مشغول تماشا می‌شود
در نهایت خودبه‌خود هر چیزی افشا می‌شود.

فاطی کس‌کپک‌زده.

= روسپی کثیف و لچر.

فتوی پیر مغان دارم و قولی است قدیم

که حرام است می آن‌جا که نه یار است ندیم. حافظ

بخور با بچه‌خوشگل‌ها عرق را

بشوی از حرف بی‌معنی ورق را. ایرج میرزا – عارف‌نامه

زهر از قِبَل تو نوشدارو

فحش از دهن تو طیبات است. سعدی – غزلیات

اگر دشنام فرمایی و گر نفرین، دعا گویم

جواب تلخ می‌زیبد لب لعل شکرخا را. حافظ

آلمانی‌ها می‌گویند:

Liebeszorn ist neuer Liebeszunder.

خشم عاشقانه سوخت عشق است.

فدایت شوم ای کلید طلایی

تو قفل زنان را چه خوش می‌گشایی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A golden key can open any door.

یک کلید طلا که می‌آید

هر دری را که هست بگشاید.

Gold is the sovereign of all sovereigns.

طلا سرور سروران جهان است.

A silver key can open an iron lock.

یک کلید نقره‌ای وقتی که می‌آید

قفل سخت آهنین را نیز بگشاید.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

She that taks a gift, hersel she sells; and she that gies ane, does naething else.

زن اگر هدیه‌ای قبول کند
خویش را می‌فروشد انگاری
آن زنی هم که هدیه‌ای بدهد
او به‌جز این نمی‌کند کاری.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Femme sotte se cognoit à la cotte.

گر زنی باشد تهی‌مغز و ببو
می‌شناسندش ز زیورهای او.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Goldener Hammer bricht eisernes Thor.

چکشی زرین دروازه‌ای آهنین را می‌شکند.

Mit Hunden fängt man Hasen, mit Lob die Narren und mit Geld die Frauen.

خرگوش‌ها با سگ‌های شکاری صید می‌شوند، احمق‌ها با تعریف و تمجید و زنان با طلا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

La chiave d'oro apre ogni porta.

کلید طلا هر دری را گشاید.

Chi prende, si vende.

او که چیزی می‌پذیرد، خویشتن را می‌فروشد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No hay cerradura, si es de oro la ganzua.

هرکجایی کلنگ زرینی است
هیچ قفل و حفاظی آن‌جا نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Dádivas quebrantaõ penhas.

هدیه‌ها صخره‌ها را می‌شکنند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Guld Nögle lukker alle Döre op uden Himlens.

یک کلید طلا نماید باز
هر دری را به‌غیر مال بهشت.

رومیان باستان می‌گفتند:

Aureo hamo piscari.

به قلاب طلا ماهی گرفتن.

بیّا که بدون عاشقی پیر نشی
ناکام از این زمونه سیکدیر نشی
فردین نشو هر وقت زنی می‌بینی
اون فیلمه خره؛ بهتره جوگیر نشی.   م. ا.

خود چه کلپتره باشد که شخص را با ماه‌پیکری خلوتی دست دهد و از وصال جانفزای او بهره‌مند نگردد و گوید که من پاکدامنم تا به داغ حرمان مبتلا گردد و شاید بود که او را در مدةُ العمر چنان فرصتی دست ندهد.   عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il tempo buono viene una volta sola.

زمان و فرصت نیکو فقط یک بار می‌آید.

فعلاً همین کسی که تهش وازلینی است
معشوق آسمانی مشرق‌زمینی است.   م. ا.

گنبدی از بر چون نقره برآورده سفید
کرده آن نقرهٔ سیمینش به الماس دو نیم
پاره‌ای بردم از این روغن ابلیس به کار
الف خویش نهان کردم در حلقهٔ میم
او به زیر من چون کبک که در چنگل باز
من بر آن گنبد او راست چو بر طور کلیم.   سنایی

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Perchè vada il carro, bisogna unger le ruote.

برای به حرکت درآوردن درشکه باید چرخ‌ها را روغنکاری کنی.

فقط سی سانت اول دردناک است
از آن پس دلپذیر و خوش‌خوراک است
بهاری خواهد آمد سبز و شیرین

بز بیچاره اما زیر خاک است.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: هر ایشین اولی چتیندیر. (هر کاری اولش سخت است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is the first step that is difficult.

این گام نخست است که بس دشوار است.

The first step is the hardest.

آنچه دشواری آن بیش‌تر است

آن نخستین قدم هر سفر است.

The hardest step is over the threshold.

آنچه برداشتنش از همه دشوارتر است

آن نخستین قدم ما به فراسوی در است.

It is the first step that costs.

این گام نخست است که خرجی دارد.

All things hath a beginning, God excepted.

هرچه آغاز وی از یک جایی است

جز خداوند که استثنایی است.

In the end things will mend.

در نهایت چیزها بهبود پیدا می‌کنند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’y a que le premier pas qui coûte.

گام اول همهٔ دشواری است.

Ce n'est que le premier pas qui coûte.

تنها قدم نخست خرجی دارد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Aller Anfang ist schwer, sprach der Dieb und zuerst stahl einen Amboß.

هر شروعی سخت است، دزد گفت، وقتی که با دزدیدن یک سندان شروع کرد.

Der größte Schritt ist der aus der Thür.

گام نخست را که نهادی برون در

این می‌شود بلندترین گام هر سفر.

Schlimmer Anfang bringt wohl gutes Ende.

ای بسا آغاز بد را نیک انجامی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il più duro passo è quello della soglia.

آنچه دشواری آن بیش‌تر است

اولین گام به آن‌سوی در است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Barba remolhada, meia rapada.

ریش صابون‌زده نصفش زده است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det höieste Bierg at komme over er Dörtærskelen.

آنچه دشوارترین کوه برای گذر است، آستانهٔ در است.

Arbeide har en bitter Rod, men söd Smag.

رنج اگر ریشهٔ تلخی دارد

آخرش میوهٔ شیرین آرد.

فقط می‌خواهم ببینم دختری یا پسر.

بچه است و کنجکاوی‌های او

در حق بنده گمان بد مبر

دست در شرتت از آن رو می‌کنم

تا ببینم دختری یا که پسر.   م. ا.

طفلی دیدم به کوچه‌ها دربه‌در است

رفتم بینم که دختر او یا پسر است

بردم به میان پای او دستم را

دیدم کیرش ز کیر من گنده‌تر است.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Of little meddling cometh great ease.

از فضولی‌ای کوچک آسایشی بزرگ پدید می‌آید.

Curiosity is the kernel of the forbidden fruit.

کنجکاوی هستهٔ آن میوهٔ ممنوعه است. (نقل قولی از فولر Fuller است.)

فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست
چرا که هرچه کند حیله، در حجاب کند.   ایرج میرزا

کجا فرمود پیغمبر به قرآن
که باید زن شود غول بیابان
کدام است آن حدیث و آن خبر کو
که باید زن کند خود را چو لولو.   ایرج میرزا – عارف‌نامه

این حجاب اصیل اسلامی
اختراع قبایل سامی
چه فشاری به این زن آورده
که تنش را چنین پرس کرده
هیکلی دلفریب را اسلام
در دماغی خلاصه کرد و تمام.   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Qui male agit, odit lucem.

او که یک انسان بدکار است
در دلش از نور بیزار است.

فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش
گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love should not be all on one side.

عشق یک‌سویه نباید باشد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Lieb ohne Gegenliebist wie eine Frage ohne Antwort.

عشق یک‌سویه سؤالی است بدون پاسخ.

فمینیستی فکر نکن.

= زیادی قربان‌صدقهٔ زنی یا دختری نرو.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love makes men orators.

عشق مردان را سخنران می‌کند.

یک حور فقط فاحشه‌ای مزدور است
اصلاً هدف از خلقتش آن منظور است
فِی الچیزِ مِن الچیزِ الی الچیزِ بِچیز
این فلسفهٔ وجودی یک حور است. م. ا.

خود را بگذار جای حوری رنجور
در بستر مؤمنی سلحشور و غیور
تا درنگری که حور چون خواهد خفت
طفلک همه شب میان خون خواهد خفت
شاید که جهنم زنان این باشد
این آخرت زنان بی‌دین باشد
از حکمت ناخدای صحرای حجاز
بازآمده‌ای کو که به ما گوید راز. م. ا.

فیلم سوپر ببین که جان بینی
آنچه نادیدنی است آن بینی
تا به اندازه‌ای که سیر شوی
ناف و پستان و ساق و ران بینی
آنچه بینی دلت همان خواهد
وانچه خواهد دلت همان بینی
رازهای شکوه خلقت را
در تن دختری جوان بینی
در دعای اُ مای گاد طرف
از خداجویی‌اش نشان بینی
به تخیل مجال اگر بدهی

خویش را شخص دون ژوان بینی
چشم و گوش تو باز خواهد شد
تا جهان‌های بی‌کران بینی
خوب دقت بکن که فرمولِ
خلقت خویش را عیان بینی
یک نما بیش نیست قصهٔ عشق:
یک فلان توی یک فلان بینی.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dov'è l'amore, là è l'occhio.

عشق هر جاست، نظر هم آن‌جاست.

ق

قافیه اندیشم و دلدار من

گویدم ول کن، بیا تو کار من.   م. ا. نقیضه بر مولوی

معشوقهٔ من دخترکی غلغلکی است
آن خندهٔ از ته دلش راستکی است
دیشب سر بازی یهو تاپش جر خورد
من قافیه و ردیف را یادم رفت.   م. ا.

حیف است سبیل خون‌چکانی
پشت لب زن‌ذلیل باشد
مرد اوست که زیر شرت دارد
کیری که چو دسته‌بیل باشد

قانون نخست مردی این است:

یک بیل به از سبیل باشد.   م. ا.

بس مرد که لاف می‌زد از مردی خویش
در پیرزنی دیدم از او مردی بیش
ابنای زمانه دیدم اغلب هاتف
مردند، ولی با لب و با سبلت و ریش.   هاتف اصفهانی

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Así es el marido sin hecho, como casa sin techo.

شوهر بی‌عرضه‌ای چون خانهٔ بی‌سقفی است.

قدغن‌ها هیجان‌انگیزند

در زبان فعل نکن بی‌معناست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Rules are made to be broken.

وضع گشتند این قوانین تا
مردمان بشکنند یک یک را.

The more laws, the more offenders.

هرچه قانون بیش‌تر، قانون‌شکن هم بیش‌تر.

New laws, new frauds.

قوانین نو، حقه‌های جدید.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les lois ont le nez de cire.

قوانین بینی‌ای از موم دارند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es ist kein Gesetz es hat ein Loch, wer’s finden kann.

هیچ قانونی نیست که سوراخی در آن نباشد، برای کسانی که می‌توانند پیدایش کنند.

Neuem Gesetze folgt neuer Betrug.

قوانین تازه، کلاهبرداری‌های تازه.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Feita a lei, cuidada a malicia.

به محض این‌که قانونی وضع می‌شود، راه دررو آن طرح‌ریزی می‌شود.

داماد که دلدادهٔ مادرزاد است
در فن شریف دلبری استاد است
آقای عروس تشنهٔ خندهٔ وحی
از گل‌پسران دههٔ هشتاد است
هر سطر کلام وحی لیموناد است
در آیه به آیه‌اش طنینی شاد است

قرآن به روایت سعید طوسی
منظومهٔ عشق خسرو و فرهاد است. م. ا.

ترویج حجاب با ون و گشت و اسید
تبلیغ عزا با روش شمر و یزید
چنگال معمم خدا: حاج‌آقا

قرآن دوپای عصر ما: حاج سعید.   م. ا.

قربان هفت تا دختر کور.

جمله‌ای است که پدران و مادران به پسران ناخلفشان می‌گویند.

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

Naughty boys sometimes make good men.

پسربچه‌های بلا گاهگاه

سرانجام مردان نیکی شوند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Méchant poulain peut devenir bon cheval.

بسا کره‌ای تخس و ناسازگار

که اسبی شود عالی و راهوار.

Rien ne vaut poulain s'il ne rompt son lien.

کره‌اسبی که افسارش را پاره نکند به هیچ دردی نمی‌خورد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Aus klattrigen Fohlen werden die schönsten Hengste.

کره‌اسبان زمخت زیباترین نره‌اسبان می‌شوند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

De potro sarnoso buen caballo hermoso.

کره‌اسبی گر بسا که اسب مقبولی شود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Cavallo formoso de potro sarnoso.

ای بسا که کره‌اسبی تخس و بد

در نهایت اسب زیبایی شود.

دلبر من داف کس‌میخی است که

سمبل بی‌عقلی است و چلمنی

قرص ضدبارداری خورده است

توی ماه هشتم آبستنی.   م. ا.

به دام حادثه افتاده را ز عقل چه سود

فتاد کور چو در چَه، عصا نمی‌خواهد. کلیم کاشانی

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Rotta la testa, si mette la celata.

بعد از آن‌که سرش شکسته دگر

می‌گذارد کلاهخود به سر.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Depois de vindimas, cavanejos.

سبدهایی پس از انگورچینی.

رومیان باستان می‌گفتند:

Sero clypeum post vulnera sumo.

وقتی که تنم زخمی شمشیر شده

از بهر سپر گرفتنم دیر شده.

قسم به کپه‌لباسی که ریخت روی زمین

تو بی‌لباس قشنگی؛ قشنگ و ناز... همین. م. ا.

من به قربان تو و آن عوری‌ات

عوری‌ات بینم به است از دوری‌ات

من برای عوری‌ات غش می‌کنم

نعل‌ها پنهان در آتش می‌کنم

عور بنشین در کنارم، عور عور

عور نیکوتر تن همچون بلور

آرزوی من همین است ای دغل

که تو را من عور گیرم در بغل. ایرج میرزا

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Corpo bem feito naõ ha mester capa.

قدوبالای دل‌انگیز و نکو

چه نیازی به ردا دارد او.

قصدم ازدواجه البته!

به همه قول ازدواج دهید
و به این قول خود وفا بکنید!   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Wer leicht glaubt, wird leicht betrogen.

او که زودباور است آسان فریب می‌خورد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:
Debaixo de boa palavra, ahi está o engano.

در پس هر سخن خوب و قشنگ
برحذر باش ز مکر و نیرنگ.

قصهٔ عشق دو فصل است:
دوستت دارم
و غلط کردم.   م. ا.

سوز دل، اشک روان، آه سحر، نالهٔ شب
این‌همه از نظر لطف شما می‌بینم.   حافظ

همین که ناوک عشقت به کون من جا رفت
تمام زندگی من به فاک عظما رفت.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Love starts with a smile, grows with a kiss, and ends with a tear.
عشق با یک لبخند شروع می‌شود، با یک بوسه رشد می‌کند و با یک قطرهٔ اشک به پایان می‌رسد.

قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش
که در این خیل حصاری به سواری گیرند.   حافظ

بس توبه و پرهیزم کز عشق تو باطل شد
مِن بعد بدان شرطم کز توبه بپرهیزم.   سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Love rules without a sword and binds without a cord.

عشق بی شمشیر فرمان می‌دهد
بی طنابی بند بر پایت نهد.

ک

کار بوسه چو آب خوردن شور
بخوری بیش، تشنه‌تر گردی.   منسوب به رودکی

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Bevendo vien la sete.

تشنگی از نوشیدن می‌آید.

کار را یک مرد اگر دیدی نکرد
شک نکن یک مرد دیگر می‌کند
چون همین‌طوری است که هر دختری
عفتش را یاس پرپر می‌کند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If one will not, another will.

اگر یکی نکند، فرد دیگری بکند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Is de eene traag, de ander is graag.

یک نفر گر نکند، آن دگری خواهد کرد.

بردن دخترانه باختن است
داف بازنده داف بر سکوست
نفر قهرمان روی تشک
دختر سخت‌جان زیر پتوست
کار سختی است دم زدن از عشق
زیر یک مرد که نود کیلوست.   م. ا.

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Love is a sweet torment.

عشق شیرین شکنجه‌ای باشد.

کار و تفریح را یکی کرده

زن همکار خویش را بکنید. م. ا.

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not mix business with pleasure.

کار و تفریح را یکی نکنید.

کاری‌ترین سلاح جهان گریهٔ زن است

این چشم‌های خیس دو خمپاره‌افکن است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is as great pity to see a woman weep as to see a goose go barefoot.

دیدن گریه کردن یک زن

دردناک است و تلخ و روح‌گداز

مثل آن‌موقعی که می‌بینی

پابرهنه قدم زند یک غاز.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

It's nae mair ferlie to see a woman greet than to see a goose gang barefit.

دیدن گریهٔ یک زن بیش از دیدن پابرهنه راه رفتن یک غاز شگفت‌آور نیست.

کبریت بی‌خطر.

= کیر مردی که در زمینهٔ سکس بی‌عرضه است یا خود آن مرد.

شاهد مثال:

چیز زنگارخورده‌تان عشق است

کم به این طفلکی جفا بکنید

مثل کبریتِ بی‌خطر شده است

تن‌لش‌ها، از او حیا بکنید. م. ا.

کبوتر با کبوتر، باز با باز

پسر هم با یک آقای پسرباز

هواپیمای اسلام اِیر تا هست

کند همجنس با همجنس پرواز. م. ا.

حجاب دختران ماه‌غبغب
پسرها را کند همخوابهٔ شب
تو بینی آن پسر شوخ است و شنگ است
برای عشق ورزیدن قشنگ است
نبینی خواهر بی‌معجرش را
که تا دیوانه گردی خواهرش را. ایرج میرزا – عارف‌نامه

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
En tierra seca el agua salobre es buena.

توی یک صحرای بی‌آب و علف
آب شوری نیز دلچسب و خوش است.

کدام آینهٔ قدی و دستی
به یک زن گفته چاق و زشت هستی؟ م. ا.

هیچ وقت آینه‌ای در جایی
به زنی گفته که نازیبایی؟ م. ا.

معادل فرانسوی:
Il n’y a pas de miroir au monde qui ait jamais dit à une femme qu’elle était laide.
هنوز آیینه‌ای در کل هستی
به یک خانم نگفته زشت هستی.

سکس وقتی به تو می‌چسبد که
پوست بر پوست بساید سرمست
کردن دلبرکی با کاندوم
مثل بو کردن گل با ماسک است. م. ا.

روزی اسپرم‌ها که تحت تأثیر تبلیغات سوء تلویزیون‌های ماهواره‌ای معاند و شبکه‌های اجتماعی برساختهٔ سیا و موساد، بصیرتشان را از کف داده بودند، تصمیم گرفتند علیه کاندوم تظاهرات غیرقانونی و بدون مجوز برگزار کنند و خواستار حق مسلم خود برای لقاح با تخمک‌ها شوند. همگی یورش آوردند و کاندوم را پاره کردند، اما همین که یک سانتیمتر جلوتر رفتند، یکی از سران فتنه فریاد کشید: «عقب‌نشینی. به گه نشستیم.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A gloved cat was never a good hunter.

آن گربه‌ای که دستکشی می‌کند به دست

حاشا که او شکارچی‌ای خوب و قابل است.

Muffled cats are bad mousers.

گربه‌هایی که پتوپیچ شوند

موش‌گیران بدی می‌باشند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Chat engaunté ne surrizera ja bien.

گربه‌ای که دستکش دارد به دست

از شکار موش کلاً عاجز است.

کردن کون و کس یک پیرزن

باز خوش‌تر باشد از جلقی زدن. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better strive with an ill ass, than carry the wood one's self.

سروکله زدنت با خر بد

به ز هیزم‌کشی خود باشد.

Better have an ill ass than be your own ass.

داشتن یک خر بد زیر دست

از خر خود بودن تو خوش‌تر است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better a poor horse than no horse at all.

اگر اسب وامانده و لاغر است

ز بی‌اسب بودن بسی بهتر است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mas vale ruin asno que ser asno.

یک خر بد داشته باشی اگر

از خر خود بودن تو خوب‌تر.

Mas vale con mal asno contender que la leña acuestas traer.

سروکله زدن با یک خر بد
به از هیزم‌کشی بر پشت خویش است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mais val ruim asno, que ser asno.

یک خر بد هرچه باشد یک خر است
کز خر خود بودن تو بهتر است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Beter een blind paard, dan een leege halter.

یک اسب کور بهتر از افسار خالی است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er svang Hest end tom Grime.

اسبی نحیف بهتر از اصطبل خالی است.

کردن هر دختری که خوشگل است
پول وقتی که نباشد مشکل است. م. ا.

گفتم که بیا پیش من ای حورنژاد
گفتا که بیار تا چه‌ام خواهی داد
گفتم که دعا کند به تو مادر من
گفتا به دعای مادرم خواهی گاد؟ سعدی

من گدا هوس سروقامتی دارم
که دست در کمرش جز به سیم و زر نرود. حافظ

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non ha quattrini, non abbia voglie.

او که پولی ندارد، آرزویی هم نباید داشته باشد.

شفا ز گفتهٔ شکرفشان حافظ جوی
بر این رواق زبرجد نوشته‌ای به زر است
که جز نکویی اهل کِرِم نخواهد ماند
کَرَم نمای و کِرِم زن که بچه خون‌جگر است. م. ا.

آن‌کسانی که دمادم کون دختر می‌کنند
کون طفلک دخترک را اولش تر می‌کنند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pity is akin to love.

ترحم قوم و خویش عشق باشد.

A man of cruelty is God’s enemy.

آن آدمی که ظلم کند دشمن خداست.

Cruelty is a devil’s delight.

یکی از خوشی‌های ابلیس بی‌رحمی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi la fa, se la dimentica, ma non chi la riceve.

او که ظلمی می‌کند در حق خلق
یاد آن فوری ز ذهنش می‌پرد
او که ظلمی بیند از دست کسی
ظلم را حاشا ز خاطر می‌برد.

دارم از زلف سیاهش گله چندان که مپرس
که چنان زو شده‌ام بی‌سروسامان که مپرس
کس به امید وفا ترک دل و دین مکناد
که چنانم من از این کرده پشیمان که مپرس.   حافظ

به غلط هم نرود بر سر مجنون لیلا
عاشق آن بخت ندارد، سخنی ساخته‌اند.   شفایی

سود بازار محبت همه آه سرد است
تا نکوشید پی گرمی بازار کسی.   شهریار

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Naõ he nada, senaõ que mataõ a meu marido.

چیز خاصی نیست، بابا، بی خیال
مثل این‌که شوهرم را می‌کشند.

A viuva rica, com hum olho chora, e com outro repica.

زن بیوهٔ پولدار است این‌سان:

به یک چشم گریان، به یک چشم خندان.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Faa Qvinder graaner for Mandens Död.

زنان کمی هستند که به‌خاطر مرگ شوهرانشان موهایشان خاکستری می‌شود.

Riig Enkes Taarer törres snart.

اشک‌های بیوه‌زن پولدار زود خشک می‌شود.

کس بی‌موی نرم خوش باشد

زیر لاحاف گرم خوش باشد. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A hairy man is a happy man, a hairy wife is a witch.

یک مرد پشمالو یک مرد شاد است، یک زن پشمالو یک جادوگر است.

کس فراوان است، کون کردن چرا؟

رو به پشت شوخ دون کردن چرا؟

بوی چس آید ز کون در مغز تو

عقل را از سر برون کردن چرا؟ خاکشیر

هرچند که کون لطف و صفایی دارد

گندیده هوا و تنگ جایی دارد

کس کن که در او آب و علف بسیار است

وان عرصهٔ او فراخنایی دارد. عبید زاکانی

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Pity him who has his choice, and chooses the worse.

ترحم کن به حال آن جنابی

که بتواند نماید انتخابی

ولیکن زان میانه بدترین را

گزیند مرد خنگ ناحسابی.

کس گفت به کون حرف حسابی تو چیست؟
کیر آنِ من است و خوردنش مال تو نیست
کون گفت که کیر حق من نیست، ولی
آن‌کس که به حق خود بُود قانع کیست؟   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What's not your own, that let alone.

رها کن آنچه را مال خودت نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es ist geschrieben: "Was nicht dein ist, das laß liegen."

نوشته‌اند رها کن هرآنچه مال تو نیست.

Ochs, wart' des Grases.

آی جناب گاو نر
در چمن خودت بچر.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Ninguem se contenta com sua sórte.

هیچ‌کس نیست که از قرعهٔ بخت
راضی راضی راضی باشد.

Cada hum se contente com o que Deos lhe dá.

بهل تا که هر کس قناعت کند
بدانچه خداوند داده به او.

بهر کون تا به چند غصه خوریم
بهر کس چند انتظار کنیم
کس و کون چون به دست می‌ناید
جلق بر هر دو اختیار کنیم.   عبید زاکانی

هی زور زدم، زور زدم، زور زدم
اون‌جور که فاز می‌ده، اون‌جور زدم
با یاد زن دوم ملای محل
یک جلق اساطیری پرشور زدم.   م. ا.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Agoa salobra na terra secca he doce.

آب شوری در زمان خشکسال

می‌شود یک آب شیرین و زلال.

کس‌خلی را بستایید

بعد تا دسته بگایید. م. ا.

هر ابله مغرور خری آماده‌ست

خر کردن یک الاغ کاری ساده‌ست

کافی است از او یک‌نمه تعریف کنید

بینید که هین نگفته راه افتاده‌ست. م. ا.

معادل دانمارکی:

Roes Ganten saa faaer du gavn af ham.

تحسین بکنید آدم اسکل را

تا چیز مفیدی بشود بهر شما.

کسی باشد آسوده از دردسر

که با کُس خود او را سروکار نیست. سوزنی سمرقندی

علی بن ابی‌طالب در حکمت ۲۳۸ نهج البلاغه می‌گوید: المَرأَة شَرٌّ کُلُّها و شَرٌّ ما فیها أنَّه لابُدَّ مِنها! (همه‌چیز زن شر است و شریرترین چیز زن آن است که مرد را چاره‌ای از زن نیست!)

کسی دعا می‌کند زنش نمیرد که خواهرزن نداشته باشد.

یا: زن کسی نمیرد که خواهرزن ندارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man’s best fortune is a dead wife.

خوش‌ترین اقبال هر مردی عیالی مرده است.

کسی را کس‌کوب کردن.

شاهد مثال:

از اذان صبح تا وقت غروب
از شمال و شرق و غرب و از جنوب
او مرا کس‌کوب کرد و در عوض
بنده هم او را نمودم کیرکوب.   م. ا.

کسی را کیرکوب کردن.

شاهد مثال:
زن‌ها همگی زن‌اند، چون نامردند
هر جور بلایی به سرم آوردند
با این‌که زنان کیر ندارند، اما
دیدی که چه خوب کیرکوبم کردند؟   م. ا.

کسی کز همسر خود دور باشد
اگر جلقی زند، معذور باشد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Better some of a pudding than none of a pie.
قدری از یک شیرینی بهتر از هیچچی از یک کیک است.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Besser was als gar nichts.
چیزکی از هیچچیزی خوش‌تر است.

Als Christus allein war, versuchte ihn der Teufel.
وقتی مسیح تنها بود، شیطان وسوسه‌اش کرد.

کسی که بوق می‌زند سوار هم می‌کند.

= کسی که گوز می‌دهد کون هم می‌دهد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
Butter and burn trouts gar maidens fart the wind.
ماهیان قزل‌آلا و کنارش کره است
این دو تا باعث گوزیدن یک باکره است.

کسی که خانهٔ خود را بسوزد
فقط یک بار خود را گرم کرده
کسی که تا به جر دادن سپوزد
فقط یک بار کون نرم کرده.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Screw not the chord too sharply lest it snap.

سیم ساز خویش را محکم نکش، جر می‌خورد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nem tanto puxar, que se quebre a corda.

آن‌قدَر محکم نکش تا ریسمان پاره شود.

هلندی‌ها می‌گویند:

Men moet de schapen scheren, maar niet villen.

پشم گوسفندان را بچین، اما پوستشان را نکن.

کسی که دل به زن ناز و خوشگلی داده
به کیف پول خودش قرص مسهلی داده.   م. ا.

کار بی سیم برنمی‌آید
در ره عشق سیم می‌باید
امرد بی‌درم نمی‌خسبد
قحبهٔ رایگان نمی‌آید.   عبید زاکانی

بهای نیم کرشمه هزار جان طلبند
نیاز اهل دل و ناز نازنینان بین.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wine and wenches empty men's purses.

جیب مردان را شراب و داف‌ها خالی کنند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Je schöner die Wirthin, je schwerer die Zeche.

هرچه زن مهمانخانه‌چی خوشگل‌تر، صورتحساب سنگین‌تر.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Huéspeda hermosa mal para la bolsa.

یک زن مهمانخانه‌چی خوشگل برای کیف پول بد است.

کسی که دوستدار شعر و آواز و زن و می نیست

یقین دان که در این دنیا کسی کس‌خل‌تر از وی نیست.   م. ا.

معادل آلمانی:

Wer nicht liebt Wein, Weib und Gesang, der bleibt ein Narr sein Lebenlang.

کسی که دوستدار باده و آواز و زن‌ها نیست

تمام عمر را یک کله‌پوک خنگ خواهد زیست. (نقل قولی از لوتر Luther است.)

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien canta, sus males espanta.

هر کسی آواز می‌خواند

غصه را از خویش می‌راند.

کفم نه، درم نه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Matrimony is a matter of money.

زناشویی یک موضوع پولی است.

کلاه قرمساقی بر سر گذاشتن.

بس حریص است، ولیکن به حرام

بس جواد است، ولیکن به حرم.   سنایی

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un apothicaire ne doit être longtemps cocu.

مرد عطار ندارد اجبار

که قرمساق بماند بسیار.

کم‌داده داریم، ولی نداده نداریم.

واعظی در کاشان بر منبر می‌گفت که روز قیامت حوض کوثر به دست امیرالمؤمنین علی باشد و آب آن به کسی دهد که کونش درست باشد. کاشی برخاست و گفت: «ای مولانا، مگر او در کوزه کند و هم خود بازخورد.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every one’s faults are not written in their foreheads.

اشتباهات و عیوب هر کس

روی پیشانی او حک نشده.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

It's weel that our fauts are no written in our face.

خوب است که اشتباهات ما روی صورتمان نوشته نشده.

کنک را با احتیاط به حجره برید و حاضروقت باشید تا به وقت بیرون آمدن از سلاح‌پاره‌ها چیزی ندزدد.

عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Good watch prevents misfortune.

هوشیاری سد راه بدبیاری می‌شود.

کنک و قحبه را در یک جا منشانید. عبید زاکانی – صد پند

کوری دخترش هیچ، داماد خوشگل هم می‌خواهد.

بی‌بخار، ای بی‌بخار، ای بی‌بخار

کون اگر خواهی، برو کیری بیار. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Hast du nicht Pfeile im Köcher, so misch dich nicht unter die Schützen.

اگر در ترکشت تیری نداری

نرو همراه مردان کماندار.

کون بچه را ادعا پاره می‌کند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The nail that sticks up will be hammered down.

میخی که بیرون می‌زند با یک چکش پایین رود.

Pride goes before, and shame follows after.

غرور از جلو می‌رود، شرم هم در پی‌اش.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Wiser men than you are caught by wiles.

چه بسیار آدم عاقل‌تر از تو
به دام مکر و نیرنگ اوفتاده.

Pride's an ill horse to ride.

غرور اسب بدی بهر سواری است.

کون برای دادن است ای نازنین
خمس دارد مال مانده بر زمین. م. ا.

آن شوخ که هر گام زمین بگذارد
با مردم بدنام زمین بگذارد
او این‌همه کون دارد و این خرزهٔ من
هر شب سر بی‌شام زمین بگذارد. خاکشیر

هیچ فردی شبیه اون پسری
که به‌کل کون نمی‌ده احمق نیست. م. ا.

شخصی پسری خوب‌صورت داشت و جماع نمی‌داد. فقیهی با پدرش گفت: «اگر این پسر تو را بفروشند، شرعاً بیعش باطل باشد که منتفع به نیست.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

آلمانی‌ها هم می‌گویند:

Ein Ding ist nicht bös, wenn man es gut versteht.

چیزی بد نیست، اگر درست درک شود.

در فصل بهار باغ و بستان خوب است
خاصه ز برای می‌پرستان خوب است
هر کار بهاری و خزانی دارد
کون فصل بهار و کس زمستان خوب است. خاکشیر

از غلامان و زنان میل خویش به یک جنس مدار تا از هر دو گونه بهره‌ور باشی وز دو گونه یکی دشمن تو نباشند. تابستان میل به غلامان و زمستان میل به زنان کن.   قابوس‌نامه

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Everything is good in its season.

هر چیز در فصل خودش خوب است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Da stagione tutto è buono.

هرچه در فصل خودش می‌چسبد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Omnia tempus habent.

هرچه را موسمی و فصلی هست. (نقل قولی از تورات است: جامعه ۳:۱.)

کون گشاد و گوز زیاد.

درنمی‌آید ز یک کون گشاد
حاصلی غیر از چس و گوز زیاد.   م. ا.

فصادی رگ خاتونی بگشاد. خاتون هرچه می‌پرسید، می‌گفت از پری خون است. چون نیشتر بدو رسید، بادی از وی جدا شد. گفت: «ای استاد، این نیز از پری خون باشد؟» گفت: «نه خاتون، از فراخی کون باشد.»   عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

بار اول گفت: می‌سوزه، یواش
بار دوم گفت: می‌میرم براش
بار سوم گفت: یالا، تندتر
بار چارم گفت: انقد شل نباش
بار پنجم، بعد راند هشتمین
گفت: من می‌خوام، بازم بود کاش
بار آخر هم که... روحش شاد باد
شد به طرز دلخراشی آش‌ولاش
کون گونی را طمع جر می‌دهد
کون کونی را دل خوش‌اشتهاش.   م. ا.

معادل ترکی: تاماهکارلیق باشا بلادیر. (طمعکاری بلایی بر سر ماست.)

معادل‌های انگلیسی:

Bind the sack before it be full.

پیش از آنی که کیسه پر بشود
در آن را ببند و محکم کن.

Grasp all, lose all.

همه‌اش را تو بچسب و همه‌اش را تو بباز.

معادل‌های فرانسوی:

L’avarice rompt le sac.

آزمندی کیسه را جر می‌دهد.

On lie bien le sac avant qu’il soit plein.

کیسه تا پر نگشته سرتاسر
درِ آن بسته می‌شود بهتر.

معادل‌های آلمانی:

Allzuviel zerreißt den Sack.

کیسه را خیلی زیادی جر دهد.

Wenn’s Maaß voll ist, läuft es über.

کیلهٔ پرشده سر خواهد رفت.

Wer Alles haben will, bekommt am Ende nichts.

او که به همه‌چیز چنگ می‌زند هیچ چیز را محکم نمی‌گیرد.

معادل ایتالیایی:

Chi troppo abbraccia, nulla stringe.

او که به زیاد چنگ می‌زند محکم نمی‌گیرد.

معادل‌های اسپانیولی:

Quien todo lo quiere, todo lo pierde.

همه را هرکه بچسبد، همه را خواهد باخت.

Abad avariento por un bodigo pierde ciento.

یک آبوت طمعکار در ازای یک نذری صد تا را می‌بازد.

معادل پرتغالی:

Quem tudo lo quier, tudo lo pierde.

همه آز و همه باخت.

کون یک کونی رو هر کس که بگاد
اون فقط می‌دونه تنگه یا گشاد.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha passato il guado, sa quant'acqua tiene.

هر کسی از گدار رد شده است
نیک داند که عمق آن چند است.

Nessun sente da che parte preme la scarpa, se non chi se la calza.

جز کسی که کفش را کرده به پاش
هیچ فرد دیگری آگاه نیست
که اذیت می‌کند پا را کجاش.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Han föler bedst hvor Skoen trykker, som har den paa.

آن‌کسی که کفش را کرده به پاش
خوب داند می‌زند پا را کجاش.

کون‌درست صاحب‌دولت در این روزگار مطلبید.   عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The devil's children have the devil's luck.

بچه‌های جناب شیطان را
شانس شیطانی است در همه‌جا.

کون‌درستی یمنی ندارد.   عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

بس اثرها به کون و کیر بُود
مرشد کامل آن که زیر بُود
هرچه مرشد تو بینی اندر دهر
جمله از کون شوند شهرهٔ شهر
هرکه کون بیش‌تر بدادندی

نام مرشد بر او نهادندی.   سعدی

کونش بلند شده.

شاهد مثال:

خواهی تو بدانی که مرا خانه کجاست

در کوچهٔ چپ مرو، بیا کوچهٔ راست

بر هر در خانه‌ای که کونت برخاست

شلوار بکن، درآ، همان خانهٔ ماست.   خاکشیر

کون‌کن کونی بازنشسته است.

هرکه در کودکی بخورد ذکر

چون کلان شد، دهد به خورد دگر.   سعدی

هرکه او را درست باشد پس

نرود در قفای کودک کس.   اوحدی

کونم بگذار، ولی از کانالم لفت نده.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Humble hearts have humble desires.

قلب‌هایی که حقیر و خوارند

آرزوهای حقیری دارند.

لاشی به خیالش همه چون وی پست‌اند

کونی به خیالش همه کونی هستند.   م. ا.

معادل ترکی: اوغرو ائله بیلر هامی اوغرودور. (دزد پندارد که هر کس دزدی است.)

معادل‌های اسپانیولی:

Piensa el ladron que todos son de sa condicion.

دزد پندارد همه همچون وی‌اند.

El malo siempre piensa engaño.

آدم بد همیشه شک دارد

طرفش نیت کلک دارد.

معادل دانمارکی:

Tyv tænker Hvermand stiæler.

دزد در پیش خودش دارد گمان
کارشان دزدی است جمله مردمان.

معادل لاتین:

Insanus omnis furere credit cæteros.

آدم دیوانه‌ای دارد گمان
مثل وی دیوانه‌اند آن دیگران.

کونی کون‌کن را می‌شناسد.

یا: کون‌کن کونی را می‌شناسد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A wool-seller knows a wool-buyer.

پشم‌فروش خریدار پشم را می‌شناسد.

کونی که سفید و سرخ و بی‌مو باشد
فرجی که چو جای سم آهو باشد
ترجیح ندارد آن بر این، این بر آن
هر چیز به جای خویش نیکو باشد. خاکشیر

تن طناز و ناز یک دختر
مثل هر سکه‌ای همیشه دو روست
شانس در هر دو روی این سکه‌ست
شیر و خط طاقباز یا دمروست
هر کسی یک سلیقه‌ای دارد
هر دو سو در مذاق من نیکوست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Look both ways.

هر دو سو را ببین.

Choose for yourself and use for yourself.

خودت برگزین و خودت استفاده بکن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

It's a sairy mouse that has but ae hole.

موش یک‌سوراخه موشی بی‌نواست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Er ist ein armer Fuchs, der nur ein Loch hat.

چو روباهی فقط یک لانه دارد

بلا روی سر بیچاره بارد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Rato, que naõ sabe mais que hum buraco, asinha he tomado.

موش یک‌سوراخه فوری گیر می‌افتد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Mus non fidit uni antro.

موش به فقط یک سوراخ اعتماد نمی‌کند. (نقل قولی از پلاوتوس Plautus است.)

کی لحظهٔ وصال به دنبال کاندوم است؟

گاوی که بی‌دم است و الاغی که بی‌سم است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

While tending to every detail you might miss out the big picture.

موقعی که به همهٔ جزئیات دقت می‌کنی شاید از تصویر اصلی غافل شوی.

A bad workman quarrels with his tools.

صنعتگر بد به‌جای کسب‌وکارش

سرگرم شود به جنگ با ابزارش.

کی؟ من؟

مردی با پسرکی مشغول امر خیر بود که برادران بسیجی سررسیدند. یکی از آن‌ها از مرد پرسید: «تو اینو کردی؟» مرد گفت: «کی؟ من؟ من خودم کونی‌ام.»

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El mentir no tiene alcabala.

دروغ مالیات ندارد.

کیر آدم همیشه پیروز است

جنگ بی‌فایده چرا بکنید.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nature is the true law.

طبیعت است که قانون راستین باشد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Natur zieht stärker denn sieben Ochsen.

طبیعت محکم‌تر از هفت گاو نر می‌کشاند.

کیر است، نه کار، جوهر مرد

مرد اوست که کل شهر را کرد.   م. ا.

ای کیر، گاه دیوی و گاهی فرشته‌ای
آخر چه خوانمت، ز چه جوهر سرشته‌ای؟
بر روی روزگار کس و کون هیچ‌کس
ایمن رها نکرده و سالم نهشته‌ای
در هیچ حلقه نیست که ذکرت نمی‌رود
در هیچ بقعه نیست که تخمی نکشته‌ای.   عبید زاکانی

رومیان باستان می‌گفتند:

Fac et excusa.

بکنش تا که خودت را به خود اثبات کنی.

کیر بخور و سیر بخور.

زیبا صنمی که راستی ماه‌لقاست
خوابید شبی پیشم و کیرم برخاست
کیری که اگر خر بخورد می‌میرد
او خورد تمام و گفت باقیش کجاست.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never do things by halves.

کار را نصفه‌کاره ول نکنید.

شخصی شبی به جفت خود از روی اعتراض
گفت ای که از تو کار دلم بر مراد نیست
تنگ است عیش من که گشاد است فرج تو
زین پس مرا به گادن تو اعتقاد نیست
گفتا خموش، مسئله را سهو کرده‌ای
کیر تو کوچک است، کس من گشاد نیست. یغمای جندقی

آلمانی‌ها می‌گویند:

Adam muß eine Eva haben, die er zeiht was er gethan.

آدم باید حوایی داشته باشد تا به‌خاطر اشتباهات خودش او را سرزنش کند.

ای آن که تو در علم ریاضی میری
از چیست در این حساب جزئی گیری؟
کیر تو یکی و خایه‌های تو دو صفر
چون نیک به خود نظر کنی صدکیری. خاکشیر

کیر دیدی، کدو ندیدی؟

یا: کدو را ندیده.

یک کنیزک یک خری بر خود فکند
از وفور شهوت و فرط گزند
آن خر نرّه به گان خو کرده بود
خر جماع آدمی پی برده بود
یک کدویی بود حیلت‌سازه را
در نرش کردی پی اندازه را
در ذکر کردی کدو را آن عجوز
تا رود نیم ذکر وقت سپوز
خر همی‌شد لاغر و خاتون او
مانده عاجز کز چه شد این خر چو مو

چون تفحص کرد از حال ایشک
دید خفته زیر خر آن نرگسک
از شکاف در بدید آن حال را
بس عجب آمد از آن آن زال را
خر همی‌گاید کنیزک را چنان
که به عقل و رسمْ مردان با زنان
خر مهذّب گشته و آموخته
خوان نهاده‌ست و چراغ افروخته
در حسد شد، گفت چون این ممکن است
پس من اولی‌تر که خر ملک من است
کرد نادیده و در خانه بکوفت
کای کنیزک، چند خواهی خانه روفت؟
از پی روپوش می‌گفت این سخن
کای کنیزک، آمدم، در باز کن
کرد خاموش و کنیزک را نگفت
راز را از بهر طمْع خود نهفت
پس کنیزک جمله آلات فساد
کرد پنهان، پیش شد، در را گشاد
رو تُرُش کرد و دو دیده پر ز نم
لب فروماليد، يعنى صائمم
در کف او نرمه‌جاروبی که من
خانه را می‌روفتم بهر عطن
چون‌که با جاروب در را واگشاد
گفت خاتون زیر لب کای اوستاد
رو تُرُش کردی و جارویی به کف
چیست آن خر برگسسته از علف
نیم‌کاره و خشمگین، جنبان‌ذکر
زانتظار تو دو چشمش سوی در
زیر لب گفت این، نهان کرد از کنیز

داشتش آن دم چو بی‌جرمان عزیز
بعد از آن گفتش که چادر نه به سر
رو فلان خانه، ز من پیغام بر
این‌چنین گو وان‌چنان کن وان‌چنان
مختصر کردم من افسانه‌ی زنان
بود از مستی شهوت شادمان
در فروبست و همی‌گفت آن زمان
یافتم خلوت، زنم از شکر بانگ
رسته‌ام از چاردانگ و از دودانگ
در فروبست آن زن و خر را کشید
شادمانه، لاجرم کیفر چشید
هم بر آن کرسی که دید او از کنیز
تا رسد در کام خود آن قحبه نیز
پا برآورد و خر اندر وی سپوخت
آتشی از کیر خر در وی فروخت
بردرید از زخم کیر خر جگر
روده‌ها بگسسته شد از همدگر
صحن خانه پر ز خون شد، زن نگون
مرد او و برد جان ریب المنون
پس کنیزک آمد از اشکاف در
دید خاتون را بمرده زیر خر
گفت: ای خاتون احمق، این چه بود
گر تو را استاد خود نقشی نمود
ظاهرش دیدی، سِرش از تو نهان
اوستا ناگشته بگشادی دکان
کیر دیدی همچو شهد و چون خبیص
آن کدو را چون ندیدی ای حریص؟
یا چو مستغرق شدی در عشق خر
آن کدو پنهان بماندت از نظر.   مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The bait hides the hook.

طعمه قلاب را نهان دارد.

A little knowledge is a dangerous thing.

علم کم چیز بس خطرناکی است.

A little learning is a dangerous thing.

آموزش کم چیز خطرناکی است. (مصرعی از الکساندر پوپ Alexander Pope است.)

کیر را پیش کون به سجده درآر

زان‌که محراب کس نمازی نیست. عبید زاکانی

البته انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man may do what he likes with his own.

یک مرد همیشه اختیاری دارد

با مال خودش هرآنچه خواهد بکند.

کیر سیاه زنگیان آب سفید می‌دهد

شام سیاه مژدهٔ صبح امید می‌دهد. م. ا.

معادل فرانسوی:

Noire geline pond blanc œuf.

مرغی سیاه تخم سفیدی می‌گذارد.

معادل آلمانی:

Schwarze Kühe geben auch weiße Milch.

گاوهای سیاه شیر سفید می‌دهند.

کیر من عمامه‌ای بر سر نهاد

تا که شاید بخت او هم وا شود

احتیاطاً ریش و پشمی هم گذاشت

تا دقیقاً شکل حاج‌آقا شود. م. ا.

آن کلاهی که سر کیر خر است

همچو عمامهٔ شیخ‌الذکر است. خاکشیر

گر به دستار است باد کلهٔ زن‌قحبه شیخ
کیر خر را نیز دستار است، گویی نیست؟ هست. یغمای جندقی

کیر من هم نیستی؛ اگر بودی سرت سوراخ بود.

گر پایهٔ رفعتت رسد بر گردون
ور زان‌که شوی چو جم و چون افلاطون
من کیر در اندرون کون تو کنم
تا خود فلک از پرده چه آرد بیرون. عبید زاکانی

کیر و کس و کون اسم قبیحی دارند
اما چقدر رسم ملیحی دارند. خاکشیر

صحنه‌های زندگی
اگر شبیه صحنه‌های فیلم‌های صحنه‌دار بود
شاهکار بود. م. ا.

کیر وقتی ز خواب خوش برخاست
عقل را گو که موقع لالاست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is ill putting a naked sword in a madman's hand.

چه بد کاری است شمشیری برهنه
به دست مردکی دیوانه دادن.

کیر وقتی که یکی باشد خوش است
توی کونت خوش‌رقم قر می‌دهد
لیکن از آن‌سو همین کیر لذیذ
چون دو تا گردد تو را جر می‌دهد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Put no more in the pocket than it will hold.

بیش از آنی که جای می‌گیرد

داخل کیسه چیز نگذارید.

Covet nothing over much.

به هیچ چیز زیادی طمع نکن.

Too much water drowned the miller.

آسیابان را همین آب زیادی غرق کرد.

He is at ease who has enough.

او که در حد کفایت دارد
دلی آسوده و راحت دارد.

More than I use is more than I want.

بیش از آنی که استفاده کنم
بیش از اندازهٔ نیاز من است.

Sufficient unto the day is the evil thereof.

قدری که برای روز کافی است
شر است هرآنچه زان اضافی است.

Too much is stark nought.

خیلی زیادی هیچ محض است. (در اصل یک ضرب‌المثل ویلزی است.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Mair than enough is ower muckle.

آنچه از کافی فزون‌تر باشد او خیلی زیاد است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

En grand fardeau n’est pas l’acquêt.

بزرگ‌ترین بارها سودمندترینشان نیستند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

I bocconi grossi spesso strozzano.

لقمه‌های بزرگ معمولاً
در گلو گیر می‌کنند خفن.

هلندی‌ها می‌گویند:

Genoeg is meer dan overvloed.

کافی از خیلی زیادی بهتر است.

Te veel van een ding is nergens nut toe.

خیلی زیادِ هر چیزی به درد هیچ چیزی نمی‌خورد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

En liden Ild at varme sig paa, er bedre end en stor at brænde sig paa.

آتشی کوچک که گرمت می‌کند

از بزرگی که بسوزاند به است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ne quid nimis.

بیش از اندازه ز هیچ.

کیر یک مرد عرب چون گشت راست

پادشاه سرزمین کیرهاست. م. ا.

زهی کیر عرب، الله اکبر

که صد رحمت به کیر حضرت خر. م. ا.

کیرت را دهنی نکن.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید: «کیرم دهنت.»

کیرش بمال اول تا پس نهد به پیشت

خواهی که ده بچاپی، می‌بین تو کدخدا را. خاکشیر

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il faut amadouer la poule pour avoir les poussins.

برای برداشتن جوجه‌ها آدم باید دم مرغ را ببیند.

کیرش دکوری است.

نگو کلفت پخی بوده داریوش کبیر

ستایش عظمت‌های رفته مرده‌خوری است

درفش کاوه که روزی بزرگ بود، الآن

شبیه مغز تو و دول من فقط دکوری است

من و تو غیرتمان کو که مادر میهن
همیشه جندهٔ ملای کیرداپناسوری است.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

A l’œuvre on connaît l’ouvrier.

کارگر را با کارش می‌شناسند. (نقل قولی از لافونته La Fontaine است.)

کیری را که برای رفیق بلند شود باید با تبر قطع کرد.

ماهِ در تشت که کون پسر است
معنی ناب تصوف باشد
وقتگیر است که کس پف بکند
کون ولی خلقتش از پف باشد
در حریم حرم کون رفیق
دوست مشتاق تشرف باشد
هدفی را که به این نزدیکی است
نزنی، جای تأسف باشد
هر رفیقی که تعارف بزند
گر بگویم نه، تعارف باشد
دوست آن است که هنگام نیاز
یار بی شرم و تکلف باشد
فعل ترکیبی یاری دادن
محتمل نیست تصادف باشد
در همین فعل رفاقت کردن
جای یک عمر توقف باشد
باسنی کعبهٔ مقصود من است
که فقط منتظر تف باشد
پرچم کشور عشق آن شرتی است
که چو پیراهن یوسف باشد.   م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Beter alleen dan kwalijk verzelt.

اگر تنها شوی بی یار و یاور
ز جمع نارفیقان است خوش‌تر.

کیری را که برای رفیق بلند شود باید طلا گرفت، تا دسته کرد تو کون رفیق.

آن کار که در زیر پتو باید کرد
با دوست خوشگل و هلو باید کرد
کیری که برای دوست برخاسته است
تا دسته نثار کون او باید کرد. م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Alter ipse amicus.

دوست مانند خود دوم ماست.

کیری را که به کون خود نمی‌پسندی به کون دیگران فرو نکن. م. ا.

معادل انگلیسی:

Do unto others as you would have them do to you.

تو در حق مردم همان را بکن
که خواهی که در حق تو آن کنند.

معادل اسپانیولی:

Lo que no quieres para ti, no lo quieras para mi.

آنچه را بهر خود نمی‌خواهی
هرگز آن را برای من نپسند.

معادل‌های لاتین:

Quod tibi fieri non vis, alteri ne feceris.

تو نکن با دگری کاری را
که نخواهی که طرف با تو کند.

Quod sibi quis nolit fieri, non inferat ulli.

چنان کن که خواهی چنانت کنند.

کیست آن مرد که دل بست به زن

و پشیمان نشد از گه خوردن؟ م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Nul ne se marie qui ne s'en repente.

هیچ‌کس نیست که یک زن گیرد
و از این کار پشیمان نشود.

کیسهٔ سیم و زرت پاک بباید پرداخت
این طمع‌ها که تو از سیمبران می‌داری. حافظ

فدای کون چون سیم تو سیمم
که نزد من به است از کان زر کون. سوزنی سمرقندی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is ill catching of fish when the hook is bare.

طعمه وقتی بر سر قلاب نیست
صید ماهی کار خیلی مشکلی است.

An empty hand is no lure for a hawk.

دست وقتی که کاملاً خالی است
طعمه‌ای از برای قوشی نیست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Wi' an empty hand nae man can hawks lure.

هیچ‌کس با دست خالی قوش نتواند گرفت.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui n'amorce pas son haim, pèche en vain.

هرکه بر قلاب خود طعمه نبست
کار ماهیگیری‌اش بیهوده است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer nichts an die Angel steckt, fängt nichts.

هر کسی طعمه به قلابش نیست
بی‌خودی در پی ماهیگیری است.

Mit leerer Hand ist schwer Vögel fangen.

گرفتن پرندگان با دست خالی سخت است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Invano si pesca, se l’amo non ha esca.

طعمه وقتی بر سر قلاب نیست
صید ماهی کار پوچ و بی‌خودی است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er ondt at lokke Höge med tomme Hænder.

دست وقتی که طعمه در آن نیست
قوش با آن گرفتن آسان نیست.

گ

گاه با یک بوسه، گه با یک لگد
هر زنی با یک روش شل می‌شود.   م. ا.

عرب‌ها می‌گویند: الغایات تبرر المبادی. (نتایج مطلوب مجوز هرگونه عملی است.)

آنچه دادی به خودت داده شود
گاه گاینده خودش گاده شود.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never do evil that good may come of it.

مطلقاً شری نکن با این گمان
تا مگر خیری به دست آید از آن.

Evil begets evil.

شرارت شرارت به بار آورَد.

Woe follows wickedness.

ماتم اندر پی شر می‌آید.

He that sows iniquity shall reap sorrow.

هر کسی شر و رذالت کاشته
آخرش محصول غم برداشته.

He that mischief hatcheth mischief catcheth.

هر کسی که تخم شر می‌زاید او
هم به شر خود گرفتار آید او.

Quarrelling dogs come halting home.

آن سگانی که اهل دعوایند
لنگ‌لنگان به خانه بازآیند.

Where vice goes before, vengeance follows after.

هر جا که رذیلت از جلو راهی شد
با کینه و انتقام همراهی شد.

Curses like chickens, though are gadding everywhere, come home to roost.

بدی‌ها نیز، مثل مرغ‌ها، هرچند ولگردند
برای خواب سوی لانهٔ خود بازمی‌گردند.

No rest for the wicked.

شروران را به دل آرامشی نیست.

Evil doers are evil dreaders.

افراد شرور در هراس از شرند.

A wicked man is his own hell.

آدم پست و پلید دوزخ خویش است.

Cruelty is a tyrant always attended by fear.

ظلم و جور است آن ستمکاره
که به هر جای در معیت او
وحشت است و هراس همواره.

Mad dogs cannot live long.

سگ‌های هار عمر درازی نمی‌کنند.

Every stick has two ends.

هر چماقی دو سر دارد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ill doers are aye ill dreaders.

شروران همیشه ز شر می‌هراسند.

O' ae ill come mony.

ز یک شر شر بسیاری برآید.

A toolying tike comes limping hame.

آن سگی که می‌رود دنبال جنگ
راهی خانه شود با پای لنگ.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Avoid evil and it will avoid thee.

اول از شر تو اجتناب بکن
تا که او از تو اجتناب کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Souvent les railleurs sont raillés.

غالباً یک نیش‌زن نیشی خورد.

Qui tourmente les autres, ne dort pas bien.

آزارگر مردم آسوده نمی‌خوابد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi burla, vien burlato.

نیش‌زن را گاه نیشی می‌زنند.

Non si deve far male per trarne bene.

هیچ موقع شر نکن با این امید
تا مگر خیری از آن خواهد رسید.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A cada malo su dia malo.

برای هر شروری روز نحسش.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Galne Hunde faae revet Skind.

کت سگ‌های هار پاره شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Lis litem generat.

جنگ و دعوا جنگ و دعوا آورد.

Litem parit lis, noxa item noxam parit.

از دل جنگ جنگ برخیزد
هر بلایی بلایی انگیزد.

این دختر طفلک از سر شب
مشغول هوار و جیغ و داد است

حقا که دو ساعت آخ گفتن
زیر تن یک پسر زیاد است
بعد از دو هزار و صد تلنبه
اندام تو گوشت نیست، باد است
گاهی – به خدای کعبه سوگند
آب طلبیده هم مراد است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The wished-for comes too late.

بسی دیر آید آن چیزی که بس مشتاق آن باشی.

خدای ما سرشت ما چنین کرد
که زن را نیست کامی خوش‌تر از مرد
تو از مردان ندیدی شادمانی
ازیرا خوشّی مردان ندانی
گر آمیزش کنی با مرد یک بار
به جان من که نشکیبی از این کار. فخرالدین اسعد گرگانی

من راضی‌ام و مریض من هم راضی است
لجبازی او همیشه ظاهرسازی است
این راز من و دختر همسایهٔ ماست:
هر روز غروب وقت دکتربازی است

این دخترک از قرص تنفر دارد
یک باسن از سرنگ دلخور دارد
با این‌همه او به عشق دکتربازی
هر روز غروب وقت دکتر دارد. م. ا.

گوته Goethe گفته است:

Aller Anfang ist heiter.

هر شروعی چیز شادی‌آوری است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that once hits will be ever shooting.

او که یک بار بر هدف بزند

تا ابد تیر هر طرف بزند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Toujours pêche qui en prend un.

هر کسی ماهی بگیرد یک عدد
صید ماهی را ادامه می‌دهد.

Qui a bu boira.

هر کسی می خورده باشد باز هم می می‌خورد.

بفروش به هر قیمت و هرقدر که خواهند
مگذار که کون تو تبه گردد و مردار
گر باز کنی دکه و کون را بفروشی
بازار تو گرم است و خریدار تو بسیار. خاکشیر

فدای کون دل‌انگیز فرد اعلایت
علی‌الخصوص در آن شرت لامبادایت. م. ا.

دیده‌ام من ربع مسکون را، برادر جان من
در تمام ربع مسکون این‌چنین کون هیچ نیست
کوه نور است آن کفل در پشت آن دریای نور
کوه و دریایی چنین در ربع مسکون هیچ نیست. ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Good ware makes quick markets.

جنس که خوب باشد معامله زود جوش می‌خورد.

همچو آن زن کو جماع خر بدید
گفت: آوه بر چنین فحل فرید
گر جماع این است، بردند این خران
بر کس ما می‌رینند این شوهران. مولوی

اندر این نزدیک حوری‌زاده‌ای
برده گوی از جملهٔ مه‌پیکران
از قضا افتاد در دستم شبی

گادمش چون ماده‌خر را نرخران

بر سر راهی گذر می‌کرد دی

همچو سروی با گروه دختران

ناگهانی چون مرا از دور دید

روی واپس کرد و گفت ای خواهران

گر جماع این است کاین خر می‌کند

بر کس ما می‌رینند این شوهران. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What one cannot, another can.

آنچه از دست یکی ساخته نیست

پیشهٔ عادی فرد دگری است.

He works best who knows his trade.

هر کسی در حرفهٔ خود اوستاست

کار او نیکوترینِ کارهاست.

Many can make bricks, but cannot build.

خیلی‌ها می‌توانند خشت بزنند، اما نمی‌توانند بنایی کنند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wie der Meister, so das Werk.

اوستا هر جور باشد، کار هم آن‌جوری است.

Werkleute findet man leichter denn Meister.

کارگرها راحت‌تر پیدا می‌شوند تا اوستاها.

گر خوشگلکی مرا بگاید

گاییدن او مرا خوش آید.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Coces de yegua, amores para el rocin.

لگدهای مادیان برای نره‌اسب نوازش‌اند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Muito folga o lobo com o couce da ovelha.

گرگ از لگد میش خوشش می‌آید.

گر دخترکی زیبا از عشوه نپرهیزد
هر جا که نشیند وی بس کیر که برخیزد. م. ا.

یک دختر طناز که قر می‌ریزد
صد کیر به احترام وی برخیزد. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Man soll nicht mehr Teufel rufen als man bannen kann.
آن تعدادی شیطان بلند نکن که نتوانی بخوابانی.

گر دلبرکت وحشی و آشوبگر است
قانون کمربند فقط کارگر است
هر دلبرک فتنه‌گری بعدِ کتک
از حضرت عمار هم عمارتر است. م. ا.

نیچه گفته: به سراغ زن‌ها می‌روی؟ تازیانه را فراموش مکن. *چنین گفت زرتشت*

انگلیسی‌ها می‌گویند:
If you beat spice it will smell the sweeter.
ادویه را چون بکوبی، بوی آن خوش‌تر شود
(= با کتک خوردن عیالت بهترین همسر شود).

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Donne, asini, e noci voglion le mani atroci.
زنان، خران و میوه‌های مغزدار دست‌های سنگین می‌خواهند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Styr Hest med Bidsel og ond Kone med Kiep.
رام کن یک اسب را با یک لگام
با چماقی هم زنی پتیاره را.

Tre Ting giöre ikke godt uden Hugg: Valnödtræet, Asenet, og en ond Qvinde.
سه چیزند که از آنان هیچ خیری به دست نمی‌آید مگر با کتک: درخت گردو، خر و زن سلیطه.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nux, asinus, mulier simili sunt lege ligata,
Hæc tria nil recte faciunt si verbera cessant.

هر زنی را مثل یک خر یا درخت گردکان
هرچه بدتر می‌زنی، انگار بهتر می‌شود.

گر رفیقی کرد در کونت فرو
خواهرت را هم بکن تقدیم او. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When a friend asks, there is no tomorrow.

دوست را وقتی تقاضایی است
هیچ فردایی در آن‌جا نیست.

Turn the other cheek.

(هرکه بر گونهٔ تو سیلی زد)
گونهٔ دیگر خود را پیش آر. (نقل قولی از انجیل است: متی ۵:۳۹ و لوقا ۶:۲۹)

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er Venne-Napp, end Fiende-Klap.

گاز یک دوست به از نازش دشمن باشد.

گر ز سوراخ کلیدی بنگرد یک مرد
ممکن است از مادرش چیزی ببیند که
طفلکی را بدرقم سرخورده خواهد کرد. م. ا.

گر ز سوراخ کلیدی بنگرد یک مرد
سایز شرت مادرش را کشف خواهد کرد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Look through a keyhole, and your eye will be sore.

نظر کن تو ز سوراخ کلیدی
که گیرد چشم تو درد شدیدی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that keeks through a keyhole may see what will vex him.

آدمی وقتی ز سوراخ کلیدی بنگرد

ای بسا چیزی ببیند که پریشانش کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui écoute aux portes, entend plus qu'il ne désire.

هر کسی که پشت در گوش ایستد

بیش‌تر از میل خود خواهد شنید.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien escucha, su mal oye.

گوش وقتی مردمان می‌ایستند

ذکر خیر خویشتن را نشنوند.

گر زنت را نکنی نُه روزی

شک نکن روز دهم پفیوزی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Use it or lose it.

یا به کارش بگیر یا ز دستش بده.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La fortune est une femme; si vous la manquez aujourd'hui, ne vous attendez pas à la retrouver demain.

بخت یک زن است؛ اگر امروز از او غافل شدی، توقع نداشته باش فردا دوباره به دستش بیاوری.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Se la moglie pecca, non è il marito innocente.

هر زمان یک زن گناهی می‌کند

شوهرش البته بی‌تقصیر نیست.

گر زنی گیری نفهم و کس‌مشنگ

کون تو گاییده خواهد شد قشنگ. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is better to marry a shrew than a sheep.

چو با یک سلیطه تو وصلت کنی

به از ازدواجی است با گوسفند.

گر سایهٔ کیر بر سر خایه نبود
البته بدان خایه بدین پایه نبود
این هر دو به هم لازم و ملزوم آمد
گر خایه نبود، کیر را مایه نبود. خاکشیر

گویند که دوزخی بُود عاشق و مست
قولی است خلاف، دل در آن نتوان بست
گر عاشق و مست دوزخی خواهد بود
فردا باشد بهشت همچون کف دست. خیام

گر علیه کیر کاری می‌کنی
رو به طوفان فوت داری می‌کنی. م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Frustra Herculi.

جنگ با هرکول کار پوچی است.

گر کار نه برقرار خواهی، زن خواه
ور محنت بی‌شمار خواهی، زن خواه
آوارگی از دیار خواهی، زن خواه
نه روز و نه روزگار خواهی، زن خواه. روحی انارجانی

المجرد: آن که به ریش دنیا خندد. عبید زاکانی - تعریفات

چو عیسی تا توانی خفت بی‌جفت
مده نقد تجرد را ز کف مفت
ز دیده خواب راحت دور کردن
به از همسایگی با حور کردن. جامی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He who hath no controversy hath no wife at home.

مردی که بگومگو ندارد
در خانه عیالی او ندارد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Next to nae wife, a gude ane's best.

مرد را داشتن یک زن خوب
بهترین چیز پس از بی‌زنی است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer heirathet, thut wohl, wer ledig bleibt, thut besser.

کار مردی که زنی گیرد اگرچه محشر است
کار مردی که نمی‌گیرد از او هم بهتر است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A las veces lleva el hombre á su casa con que llore.

بسا چیزی به خانه آورد مرد
که اشکش را سپس در خواهد آورد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Qui non litigat cœlebs est.

هر کسی از کشمکش آسوده است
بی‌گمان مردی مجرد بوده است. (نقل قولی از سنت جروم St. Jerome است.)

گر کس بکنی، گشاد از حد بیش است
ور کون بکنی، ز تنگی‌اش دل ریش است
قربان سر جلق که هنگام عمل
تنگی و گشادیش به دست خویش است. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Forbidden fruits create many jams.

از دل میوه‌های ممنوعه
به در آید بسی مرباها.

گر با سر کیر سازگار آید کس
بر مرکب آرزو سوار آید کس

گر کس نبُود، کیر شود سرگردان

ور کیر نباشد، به چه کار آید کس؟   خاکشیر، نقیضه بر مولوی

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

All’s for the best in the best of all possible worlds.

در بهترین جهان ممکن همه‌چیز در راستای بهترین هدف است.

گر کشیدم به زلف او دستی

مست بودم، مگیر بر مستی.   اوحدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Sir John Barleycorn is the strongest knight.

سِر جان بارلیکورن قوی‌ترین شوالیه است. (بارلیکورن: جو؛ به طور مجازی: آبجو.)

گربه را دم حجله کشتن.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Maison faite et femme à faire.

خانه‌ای ساخته و همسری ساختنی.

گربه‌ای در دکان سیرابی

یا سگی در دکان قصابی

یا که شیخی کنار مؤمنه‌ای

این سه را بهتر است دریابی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As busy as a cat in a tripe shop.

سخت مشغول کار مانندِ

گربه‌ای در دکان سیرابی.

با حریفی که بی‌سبب دارد

سر آزار من، بگو زنهار

گرچه از حکه در تعب باشی

کیر خر را به کون خویش مخار

هان و هان، راه خویش گیر و برو
به دم مار خفته پا مگذار.   هاتف اصفهانی

الحکه: مرض اکابر.   عبید زاکانی – تعریفات

انگشت ز کون به در نیاری
معلوم شود که حکه داری
ای آمده پشت پشت بر پشت
کی حکهٔ تو رود به انگشت
کیری بطلب که از بلندی
بر دوش فلک کند کمندی
کیری که چو بر سرش نشینی
اندر ته پا سپهر بینی
کیری که اگر سری فشاند
بر سقف فلک خلل رساند
کیری که کند بروت بر باد
سد رخنه کند به سد فولاد
کیری که چو بر فلک بر آید
با صورت کهکشان سر آید
سرسخت چنان که جمله عالم
در گردن او نیاورد خم
زین کیر که می‌دهم نشانت
از حکه مگر دهم امانت.   وحشی بافقی

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Tel croit se chauffer qui se brûle.

بعضی‌ها که فقط می‌خواهند خود را گرم کنند، خود را می‌سوزانند.

گرچه پیرم، تو شبی تنگ در آغوشم کش
تا سحرگه ز کنار تو جوان برخیزم.   حافظ

گرچه دادن لطیف و شیرین است

جای آن تا دو روز می‌سوزد.   م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Efter söd Klöe kommer suur Svie.

بعد خاراندن خوشایندی

سوزشی ضدحال می‌آید.

گرچه دل‌بی‌قرار یک هوسی

کون مفتی نده به هیچ کسی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is no such thing as a free lunch.

چیزی به اسم وعده‌ای ناهار مجانی نداریم.

Business before pleasure.

کاسبی قبل از تفریح.

Trade knows neither friends nor kindred.

کاسبی نه دوست می‌شناسد، نه فامیل.

Business is business.

کاسبی کاسبی است.

Business is the salt of life.

کسب‌وکاری نمک زندگی است.

Who likes not his business, his business likes not him.

مرد وقتی دوستدار کسب‌وکارش نیست

کسب‌وکارش نیز قطعاً دوستدارش نیست.

Never fall out with your bread and butter.

با کره و نان خودت درنیفت.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Kauf ist Kauf.

معامله معامله است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quello che costa poco, si stima meno.

خوار شمرده می‌شود آنچه بهای آن کم است.

Patto chiaro, amico caro.

یک معاملهٔ شفاف، یک دوست عزیز.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Obra feita dinheiro espera.

کار انجام‌شده چشم به راه پول است.

هلندی‌ها می‌گویند:

De eene dienst is den anderen waard.

یک خدمت خوب لایق آن دگری است. (= وقتی کسی کاری برایت می‌کند باید کاری برایش بکنی.)

گرچه سی سانتِ چیز در کون است
گرچه کون تو غرقه در خون است
مثبت‌اندیش باش دوست من
پنج سانتش هنوز بیرون است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Look on the bright side.

به سوی روشن هر چیز بنگر.

گرچه مرا کرد به طرزی فجیع
شکر خدا آب وی آمد سریع. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nothing so bad but it might have been worse.

نباشد هیچ چیزی آن‌چنان بد
که نتواند که بدتر بوده باشد.

Though I am bitten, I am not all eaten.

گرچه گاز گرفته شده‌ام، ولی کلاً خورده نشده‌ام.

گرد کون پسر چه می‌گردی
پدرش را بکن اگر مردی. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You are a man among the geese when the gander is away.

تو بین غازهای ماده مردی
اگر غاز نری حاضر نباشد.

گرسنگی نکشیده‌ای که عاشقی یادت برود.

عاشقی شروع شد
وقت صرف شام شد
عاشقی تمام شد.   م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Las sopas y los amores, los primieros son mejores.

از میان سوپ‌ها و عشق‌ها
اولی‌ها بهترین‌اند از قضا.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

As sopas, e os amores, os primeiros saõ os melhores.

از میان سوپ و عشق، بهترینش اولی است.

گرش ببینی و دست از ترنج بشناسی
روا بُود که ملامت کنی زلیخا را.   سعدی – غزلیات

هر بی‌خبر که خندید بر حسرت زلیخا
آخر ز بزم یوسف کف را بریده برخاست.   فروغی بسطامی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is a secret no man knows
Till it within his bosom glows.

عشق رازی است که یک مرد نخواهد فهمید
مگر آنگاه که در سینهٔ او گر گیرد.

گفت: «نوری خانه است؟» گفتند: «دختر نوری خانه است.» گفت: «نورٌ علی نور.»

گفتم ز لعل نوش‌لبان پیر را چه سود

گفتا به بوسهٔ شکرینش جوان کنند. حافظ

اولین بوس که شد هول‌هولکی
دومی رو بده آروم آروم
با دو تا بوس جوونم کردی
پیر شی دختر مریم خانوم. م. ا.

اما آلمانی‌ها می‌گویند:

Jung Weib ist altem Mann, das Postpferd zum Grabe.

یک زن تازه‌جوان در بر یک شوهر پیر
اسب کالسکهٔ اموات به سوی گور است.

گفتهٔ فرهاد شیرین است و بس
حرف آقا هم فلسطین است و بس. م. ا.

شعری منسوب به رودکی هست که می‌گوید:

کوشم که بپوشم، صنما، نام تو از خلق
تا نام تو کم در دهن انجمن آید
با هرکه سخن گویم — اگر خواهم و گر نی
اول سخنم نام تو اندر دهن آید.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What the heart thinks the tongue speaks.

بر زبان جاری شود چیزی که در دل بگذرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A chi piace il bere, parla sempre di vino.

هر کسی عاشق و دلدادهٔ مشروب‌خوری است
بر زبانش به‌جز از صحبت می چیزی نیست.

گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
گر کیر شود راست، دگر کار تمام است. خاکشیر، نقیضه بر حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If it is too good to be true, then it probably is.

اگر آن‌قدر خوب است که نمی‌تواند واقعیت داشته باشد، پس احتمالاً واقعیت دارد.

گل زن و شوهر را از یک تغار برداشته‌اند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les mariages sont écrits dans le ciel.

پیمان‌های ازدواج در آسمان نوشته می‌شوند.

گل سرخی که میان لجن است

رژلب روی لب پیرزن است. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Oncques vieil singe ne fit belle moue.

هیچ وقت عنتری پیر شکلکی زیبا درنیاورده.

گندش نه ماه بعد درمی‌آید.

گفتم که تویی به راز شب‌بو آگاه

ره‌توشهٔ مرد شاعری در دل راه

من احمد شاملوی این دورانم

در آینه‌ام تو آیدایی ای ماه

بنشین که برایت غزلی خواهم خواند

با قافیهٔ اشک و ردیف تمساح

سبک فدریکو گارسیا مارکزی است

اشک خود من را که درآورده، نگاه

گرمت شده؟ خب لباستو... اوه، نترس

من عاشق آسمانی‌ات هستم، آه

یک شعر سپید عسلی هم دارم

با دیدن تو سرودم این را ناگاه

این هم که کلاسیک‌ترین شعر من است

تک‌بیت بلندی است که سرخ است و سیاه

نُه ماه گذشت و بچه گیج است که واه

چی شد که درآورد سر از زایشگاه.   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

In cauda venenum.

زهر در دم همیشه پنهان است.

گور بابای آدمی ریدم
که به کیر خود اعتماد کند
کیر اگر کیر کرد در مشتم
زنمش آن‌قدر که باد کند.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not trust and you won’t be deceived.

اعتمادی نکن و گول نخور.

گاه هنگام شبیخون از عقب
بادی از شیپور جنگی می‌جهد
غم مخور، زیرا حکیمان گفته‌اند
گوز دلبر بوی عنبر می‌دهد.   م. ا.

یار باید که هرچه یار کند
بر مراد خود اختیار کند.   سعدی – غزلیات

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’est point de belles prisons ni de laides amours.

هیچ زندانی قشنگ و هیچ محبوبی پلشت
در ضمیر و دیدهٔ هیچ آدمی ظاهر نگشت.

گوز وقتی بی‌صدا باشد چس است
کیر اگر بی‌دست‌وپا باشد کس است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An archer is known by his aim, not by his arrows.

یک کماندار را با هدف‌گیری‌اش می‌شناسند، نه با تیرهایش.

Every reed will not make a pipe.

هر نیی نی‌لبک نخواهد شد.

گوش من گرچه به حرف یار است
دلم آن‌جاست که شرتش آن‌جاست.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le cœur mène où il va.

دل به هر جانب که رو می‌آورد
صاحب خود را به همراهش برد.

تلنبه
گوشت و پیاز و دنبه
گوشت نمی‌خوام، دنبه می‌خوام
یک زن کون‌گنده می‌خوام.   ترانهٔ عامیانه

پشت سر یار کپه‌ای از دنبه
مثل دم بره بی‌شرف می‌جنبه
کلی پسرو شهید راهش کرده
این توپ غلنبه کفله یا بمبه؟   م. ا.

هر دم که بر من آن بت عیار بگذرد
آبم چو جو ز پاچهٔ شلوار بگذرد
گویند بگذرد ز همه‌چیز زن، ولی
باور مکن ز کیر کمردار بگذرد.   خاکشیر

زنی گر جهان شد به فرمان اوی
بر او بر نباشد گرامی چو شوی.   فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Her pulse beats matrimony.

نبض دخترک برای ازدواج می‌زند.

از دست زبان خلق من چون بکنم؟
وقت است که جان ز جسم بیرون بکنم

گویند به من که کس مکن، هرزگی است
گر کس نکنم، پس بروم کون بکنم؟ خاکشیر

هلندی‌ها می‌گویند:

Van twee kwalen moet men de ergste mijden.

از بین دو شر تو کم‌ترین را برگیر.

رومیان باستان می‌گفتند:

Minima de malis.

کوچک‌ترینِ شرها.

گویند بهشت و حور و کوثر باشد
جوی می و شیر و شهد و شکر باشد
پر کن قدح باده و بر دستم نه
نقدی ز هزار نسیه بهتر باشد. خیام

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Lo que con los ojos veo, con el dedo lo adevino.

آنچه در پیش دو چشمم دارمش
با سرانگشتان خود بشمارمش.

گویند بهشت و حورعین خواهد بود
آن‌جا می ناب و انگبین خواهد بود
گر ما می و معشوقه گزیدیم، چه باک
چون عاقبت کار همین خواهد بود. خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never leave that till tomorrow which you can do today.

به فردا نینداز آن کار را
که امروز هم می‌توانی کنی. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

آلمانی‌ها می‌گویند:

Das Beste ist was man in der Hand hat.

بهترین چیز آن است
که تو داری در دست.

Wenn Gott sagt: Heute, sagt der Teufel: Morgen.

هر وقت خدا می‌گوید امروز، شیطان می‌گوید فردا.

گویند رمز عشق مگویید و مشنوید

مشکل حکایتی است که تقریر می‌کنند. حافظ

صحنهٔ بوسهٔ سانسورشده چی داشت که سانسورچی لرزید و گریست؟

وسط این‌همه جنگ، این‌همه خون

بوسه‌ای بود... ولی دیگر نیست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love and light cannot be hid.

عاشقی و روشنایی را نهان نتوان نمود.

Five things cannot be hid: the cough, love, anger, itch, and pain.

پنج چیزو نمی‌شه پنهان کرد:

سرفه و عشق و خشم و خارش و درد.

Concealed love will show itself at last.

عشق پنهانی سرانجام آشکارا می‌شود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Though ye tether time and tide, love and light ye canna hide.

گر زمان و جزر و مد را نیز در زندان کنی

عاشقی و نور را حاشا اگر پنهان کنی.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Amour, toux, fumée, et argent, ne se peuvent cacher longuement.

ثروت و عاشقی و سرفه و دود

دیرگاهی نهان نخواهد بود.

Amour, toux, et fumée, en secret ne font demeurée.

این سه تا چیز: عشق، سرفه و دود

راز پنهانی‌ای نخواهد بود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Liebe, Feuer, Huften, Krätze, Gicht, lassen sich verbergen nicht.

سرفه و عشق و آتش و خارش
نیز نقرس نهان نخواهد ماند.

Natur und Liebe lassen sich nicht bergen.

عشق و طبیعت نه نهان‌کردنی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amor, tosse, e fumo malamente si nascondono.

این سه تا چیز: عشق، سرفه و دود
سهل و آسان نهان نخواهد بود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Amores, dolores y dineros no pueden estar secretos.

عشق و اندوه و پول را ای مرد
نتوان مثل راز پنهان کرد.

El amor y la fe en las obras se vee.

عشق و ایمان درون دل ما
توی رفتار پدیدار شوند.

El amor verdadero no sufre cosa encubierta.

عشق حقیقی نه نهان‌کردنی است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O amor, e a fé, nas obras se vé.

عشق و ایمان در وجود هر کسی
هر دو از رفتار او پیدا شوند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Armod og Kiærlighed ere onde at dölge.

عاشقی و تنگدستی سخت پنهان می‌شوند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Amor tussisque non celantur.

عشق و سرفه نه نهان‌کردنی‌اند.

ای ترک پسر، زبان فرسی بد نیست
هر چیز ندانی ار بپرسی بد نیست

من هیچ ندارم اطلاعی، مردم
گویند زمستان کس و کرسی بد نیست.   خاکشیر

به انگشتان پا از زیر کرسی
ز کس‌ها کرده‌ام احوالپرسی.   ایرج میرزا

یک مرد خردمند کنون کیست؟ بگو
یک کله جوان بی‌جنون کیست؟ بگو
گویند کسی که کون کند کور شود
آن‌کس که نکرده است کون کیست؟ بگو.   خاکشیر

آلمانی‌ها می‌گویند:
Sollten alle Ehebrecher graue Röcke tragen, so würde das Tuch theuer.
اگر قرار بود همهٔ زناکاران کت خاکستری بپوشند، پارچهٔ خاکستری گران می‌شد.

یک آدم راستگو نمی‌بینم من
جز حیله و های‌وهو نمی‌بینم من
گویند که کیر با کدو می‌باشد
کیر است همه، کدو نمی‌بینم من.   خاکشیر

ل

لاف عشق و گله از یار؟ زهی لاف دروغ

عشقبازان چنین مستحق هجران‌اند.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Where love fails, we espy all faults.

عشق هر جایی کم آورد و برید

عیب‌ها را یک به یک خواهیم دید.

Where there is no love, all are faults.

هرکجا عشق نباشد، همه‌چیزی عیب است.

Faults are thick where love is thin.

عشق نازک که شود باید گفت

عیب‌ها جمله قطورند و کلفت. (در اصل یک ضرب‌المثل ویلزی است.)

Where love is little, there’s little trust.

عشق هر جایی که کوچک می‌شود

اعتماد آدم اندک می‌شود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

When love cools fauts are seen.

عشق وقتی سرد گردد، عیب‌ها

یک به یک ظاهر شود در چشم ما.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wo Liebe mangelt, erspähet man alle Fehler.

هرکجا عشق نه پیدا باشد

هرچه عیب است هویدا باشد.

لایق نره‌خری ماچه‌خری است

زن و شوهر چه به هم می‌آیند.   م. ا.

توجه، توجه
دو تا بشکهٔ گه
به هم خورده‌اند و
چه آشی شده، اُه!   م. ا.

معادل عربی: الخبیثات للخبیثین. (زنان خبیث برای مردان خبیث‌اند.)

معادل انگلیسی:

Sluts are good enough to make slovens' pottage.

می‌توانند زنان لاشی
آش مردان لچر را بپزند.

معادل فرانسوی:

Il n'y a si méchant pot qui ne trouve son couvercle.

دیگ اگر هرچقدر باشد بد
دری از بهر خویش می‌یابد.

معادل‌های اسپانیولی:

Yo molondron, tu molondrona, cásate conmigo, Antonia.

من یک تن‌لش هستم، تو یک تن‌لش هستی
ای آنتونیا، حالا با بنده عروسی کن.

Yo como tú y tú como yo, el diablo te me dió.

من مثل توام، تو نیز چون من هستی
ما را خود ابلیس به هم پیوسته.

لبت نه گوید و پیداست می‌گوید دلت آری
که این‌سان دشمنی یعنی که خیلی دوستم داری.   محمدعلی بهمنی

هزار آری داغ و پراشتیاق
درون نه‌ای سرد و مغرور هست
زبانت اگر نیش زد باک نیست
عسل هست جایی که زنبور هست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman's heart and her tongue are not relatives.

قلب و زبان یک زن ربطی به هم ندارند.

لعبت شیرین اگر تُرُش ننشیند
مدعیانش طمع کنند به حلوا. سعدی - غزلیات

ترک‌ها می‌گویند: سلام وئردیم، بورجلو چیخدیم. (سلام دادم، بدهکار درآمدم.)

لولو نبُود کیر، فرارت از چیست؟
تو این بخوری، نه این تو را خواهد خورد. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Courage lost, all lost.

جرئتت را که ببازی، همه را باخته‌ای.

Worry gives a small thing a big shadow.

دلشوره و هراس به هر چیز کوچکی
یک سایهٔ بزرگ و گت‌وگنده می‌دهد.

Better hazard once than be always in fear.

این‌که یک مرتبه خطر بکنی
به ز ترسیدن همیشگی است.

Without danger we cannot get beyond danger.

تا کمی خطر نکنیم
از خطر گذر نکنیم.

Worrying never did anyone any good.

دلشوره برای هیچ‌کس خیر نداشت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Hae you gear or hae you nane, tine heart and a' is gane.

خودت را تا که می‌بازی، چه دارا و چه ناداری
همه دار و ندار تو ز کف رفته‌ست انگاری.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Fear is worse than fighting.

ترس و وحشت بدتر از جنگیدن است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Peggio è la paura della guerra, che la guerra stessa.

ترسِ از جنگ بدتر از جنگ است.

م

مادر تو گر چو تو منّاعه بود

هیچ نبودی تو کنون در وجود.   ایرج میرزا – زهره و منوچهر

چیزی که دوست‌دخترم از من دریغ کرد

بادا به آمپول پزشکان نیازمند.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Dites toujours nenni, vous ne serez jamais mariée.

همیشه بگو نه تا هیچ وقت ازدواج نکنی.

مادرِ مادربزرگم گفته است:

بخت دختر زیر شرتش خفته است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A girl's fortune is between her thighs.

اقبال دختری وسط هر دو ران اوست. (در اصل یک ضرب‌المثل روسی است.)

مادرزنت دوستت دارد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's a gude piper's bitch; he's aye in at meal-times.

شبیه ماچه‌سگ خوب نی‌لبک‌زن‌هاست

همیشه موقع صرف غذا درون سراست.

مال خودت توی شلوارت است.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید فلان چیز مال خودم است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Cuique suum.

برای هر کسی مال خود او.

مبادا کس که از زن مهر جوید
که از شوره بیابان گل نروید
بُود مهر زنان همچون دم خر
نگردد آن ز پیمودن فزون‌تر.   فخرالدین اسعد گرگانی

دل منه با زنان از آن‌که زنان
مرد را کوزهٔ فقع سازند
تا بُود پُر، زنند بوسه بر آن
چون تهی شد، ز دست بندازند.   سنایی

آلمانی‌ها می‌گویند:
Das Glück hat Weiberart; liebt Jugend und wechselt gern.
بخت خوش‌فرجام هم چیزی است مانند زنان:
هم هوسباز است و هم مشتاق مردان جوان.

مبین به سیب زنخدان که چاه در راه است
کجا همی‌روی ای دل، بدین شتاب، کجا؟   حافظ

پرتغالی‌ها می‌گویند:
Guerra, caça, e amores, por hum prazer cem dores.
در جنگ، شکار و عشق در ازای یک لذت صد محنت هست.

متاع کون و کس بی‌مشتری نیست
گروهی کس، گروهی کون پسندند.   م. ا. نقیضه بر بابا طاهر

با زاهد خشک‌مغز کون‌تر برگو
باید تو به یک سو بروی، من یک سو
تو میل به کس داری و من میل به کون
آب من و تو نمی‌رود در یک جو.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Tastes differ.
ذائقه‌ها مختلف‌اند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Chacun à son goût.

هر کسی ذوق خودش را دارد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Tutti i gusti son gusti.

همهٔ ذائقه‌ها ذائقه‌اند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Sobre gusto no ha disputa.

بر سر ذائقه‌ها جنگ و نزاعی نشود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hver Mand sin Lyst.

هر کسی ذوق و پسندی دارد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Alia aliis placent.

هر کسی را سلیقه‌ای باشد.

Sua cuique voluptas.

هر کسی ذائقهٔ خاص خودش را دارد.

De gustibus non est disputandum.

بر سر ذائقه‌ها بین کسان
جروبحثی نشود هیچ زمان.

مث دخترا هی بگو نه، ولی
یه‌جوری بگو نه که یعنی بلی. م. ا.

معادل انگلیسی:

Maids say nay and take.

دخترا می‌گن نه و می‌گیرنش.

معادل آلمانی:

Mädchen sagen Nein und thun es doch.

دختران وقتی که می‌گویند نه
معنی این حرف آن‌ها آری است.

مثل این‌که کونت می‌خارد.

باید به خداوند توکل بکنی
رو تخت دمر بخوابی و شل بکنی
شلوارتو یک‌خرده بیاری پایین
تا دردِ... تو هم فکر خرابی داری
تا دردِ... نکن بچه، مگه می‌خاری؟
شلوارتو درنیار، چشمم روشن
تا دردِ... دِ بگذار بگم، هول نزن
تا درد سرنگ را تحمل بکنی. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non ha piaghe, se ne fa.

هرکه را دردسری نیست، خودش
بهر خود دردسری می‌سازد.

مثل بذر شماره پخش می‌کند.

= شمارهٔ تلفنش را به هر دختری که سر راهش سبز شد می‌دهد.

البته آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer oft schießt, trifft endlich.

او که هی تیر هر طرف بزند
آخرالامر بر هدف بزند.

مثل عاشق بی‌سیم.

المغبون: عاشق بی‌سیم. عبید زاکانی – تعریفات

شاعر هنوز شاعر گمنام بود و مرد
شعرش هنوز مختصری خام بود و مرد
شاعر کسی نبود؛ نه مالی، نه مکنتی
عضو زباله‌دانی ایام بود و مرد
در روزنامه عکسی از او چاپ کرده‌اند

با حرف‌های مفت که ناکام بود و مرد
وقتی که مرد، دختر همسایه مزه ریخت:
«طفلک! بمیرم آخ! چه آرام بود و مرد»
آرام بود؟ گرچه صدایش گرفته بود
روی لبش ولی پر دشنام بود و مرد
عاشق نبود؟ بود؛ نگاری نداشت؟ داشت
عشقش فقط معطل یک گام بود و مرد
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
پس آن که مرد عمهٔ بابام بود و مرد؟   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love lasteth as long as the money endureth.

تا زمانی که مرد بتواند
پول در پای عشق افشاند
عشق او بادوام می‌ماند.

مثل عروس و مادرشوهر.

دارم رخت می‌شورم، اَه اَه
رخت مادرشوور، اَه اَه
همونی که پیره، اَه اَه
الهی بمیره، اَه اَه.   ترانهٔ عامیانه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Happy is the wife who is married to a motherless son.

خوش و خوشبخت همان همسری است
که زن شوهر بی‌مادری است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Far frae my heart's my husband's mother.

مادر شوهر من از دل من بس دور است.

Happy's the maid that's married to a mitherless son.

دختری سرخوش و خوشبخت بُود آن دختر

که زن آن پسری شد که ندارد مادر.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Sohnesweib haßt Mannesmutter.

عروس از مادرشوهر بیزار است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Suocera e nuora, tempesta e gragnuola.

مادرشوهر و عروس، طوفان و تگرگ.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

En quanto fué nuera, nunca tuve buena suegra, y en quanto fuí suegra, nunca tuve buena nuera.

تا عروس بودم، هیچ وقت مادرشوهر خوبی نداشتم، و تا مادرشوهر بودم، هیچ وقت عروس خوبی نداشتم.

Naõ se lembra a sogra, que foi nora.

مادرِ شوهر فراموشش شده
یک‌زمان او هم عروسی بوده است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Aquella he bem casada, que naõ tem sogra, nem cunhada.

زنی خوب شوهر کرده که نه مادرشوهر دارد و نه خواهرشوهر.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een mans moer is de duivel op den vloer.

شیطان عروس مادر شوهر اوست.

مثل کیر بعد از جلق.

شاهد مثال:

سال‌های دانشگاه یک پدیدهٔ کیری است
نصف آن درون کون، نصف دیگرش در حلق
بچه رفت دانشگاه، مثل کیر قبل از جلق
مدرکی گرفت آمد، مثل کیر بعد از جلق. م. ا.

در چرت زدن سرش مه و سال
همچون سر کیر بعد از انزال. وحشی بافقی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As melancholy as a sick monkey.

مثل یک عنتر بیمار دمغ.

مثل همهٔ دخترکان میهن
این دلبر باحال، ولی بی‌مخ من
افسوس که تنها دو هنر دارد و بس
آدامس جویدن و زر مفت زدن. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Words are for women; actions for men.

واژه‌ها مال زنان‌اند و عمل قسمت مردان.

Women are words, men are deeds.

زنان واژه‌هایند و مردان عمل‌ها.

Deeds are males and words are females.

عمل‌ها نر و حرف‌ها ماده‌اند.

Many women many words.

این‌همه زن، این‌همه هم حرف زدن.

Maidens must be seen and not heard.

دختران را نگاه باید کرد
گوش کردن به حرفشان عمراً.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Le parole son femmine, e i fatti son maschi.

حرف‌ها ماده، عمل‌ها هم نرند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Dochters moeten wel gezien maar niet gehoord worden.

دخترا رو دید می‌شه زد، ولی
حرف‌هاشونو نمی‌شه گوش کرد.

مثل هند جگرخوار.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Hell hath no fury like a woman scorned.

دوزخ نه چنان خشم و جنونی دارد

کز یک زن تحقیرشده می‌بارد. (نقل قولی از کانگریو Congreve است.)

مجنون و شیرین، فرهاد و لیلی

گاهی تنوع می‌چسبه خیلی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A change is as good as a rest.

کمی تنوع و تغییر داشتن سر کار

خودش به خوبی یک استراحت است انگار.

Variety is the spice of life.

تنوع نمک زندگی است.

کیری که به کار آید و باشد مرغوب

باید که نمالیده بُود همچون چوب

مخصوص کس است کیر کوتاه و ستبر

باریک و بلند بهر کون باشد خوب. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Your key fits not that lock.

کلید تو به آن قفل نمی‌خورد.

A round peg in a square hole.

یک میخ گرد توی سوراخ چارگوشی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ilka corn has its shool.

هر مدل غله‌ای کسی کارد

بیل مخصوص خویش را دارد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Autant de trous, autant de chevilles.

بهر هر سوراخ میخی نیز هست.

مدرکش را برای سر جهازش می‌خواهد.

چه آموزم اندر شبستان شاه
به دانش زنان کی نمایند راه.   فردوسی

پیامبر اسلام گفته است: و لاتعلموهن الکتابه و علموهن المغزل و سورة النور!
(به زنانتان خواندن و نوشتن نیاموزید و به آنان پشم‌ریسی و سورهٔ نور بیاموزید!)

مرا کشتند.

آخوندی سر منبر تعریف می‌کرد که در زمان شاه، ساواک مرا دستگیر کرد. ساواک هر وقت یک روحانی را دستگیر می‌کرد، یا او را می‌کرد یا می‌کشت... البته مرا کشتند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A joke is a very serious thing.

هر جوکی یک چیز خیلی جدی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi burla, si confessa.

او که شوخی می‌نماید اعترافی می‌کند.

Quel che pare burla, ben sovente è vero.

چه بسیاری حقایق که به شوخی بر زبان آیند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No hay peor burla que la verdadera.

جوکی بدتر از یک جوک راست نیست.

مرد آن روز که می‌گیرد زن
می‌رود داخل عن تا گردن.   م. ا.

زن به مزدی ز راه برد مرا
عاشق شلف‌ریز برزن خویش
گفت زن کن، چنان که من کردم
تا بدانی مکان و مسکن خویش
گفت او کرد مر مرا معذور

کور کردم ره معین خویش
مرد مردان بُدم چو زن کردم
گشتم از بهر زن زن زن خویش
هر زمان زین خطا که من کردم
سیلی‌ای درکشم به گردن خویش.   سوزنی سمرقندی

پیامبر اسلام گفته است: الشؤم فی ثلاثه: فی المسکن و الفرس و الامرأة!
(در سه چیز شومی است: در مسکن و اسب و زن!)

اوید Ovid گفته است:

Dos est uxoria lites.

جهاز هر زنی جنگ و نزاع است.

کردها می‌گویند: ژن که‌لاتیکه کی میرد دیلی ئه‌وه. (زن قلعه‌ای است که مرد زندانی اوست.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is but one shrew in the world, and every man thinks he hath her.

در کل جهان یک زن رذل و بدخوست
هر مرد خیال می‌کند صاحب اوست.

He that hath a wife hath strife.

آن مرد که یک عیال دارد
درگیری و داد و قال دارد.

Wedlock is a padlock.

زناشویی چنان یک قفل باشد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A' are gude lasses, but where do the ill wives come frae?

دختران که همه‌شان دلبرکی رعنایند
پس زنان بد دنیا ز کجا می‌آیند؟

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Aujourd’hui marié, demain marri.

هر مرد مجرد که امروز بگیرد زن
فردا شده اوضاعش گه در گه و عن در عن.

Qui femme a, noise a.

آن مرد که یک عیال دارد

در خانهٔ خود جدال دارد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha moglie, ha doglie.

هر کسی یک عیال دارد او

ماتم و ضدحال دارد او.

Uomo ammogliato, uccello in gabbia.

مرد وقتی متأهل باشد

مثل مرغی است که توی قفس است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Ir á la guerra ni casar, no se ha de aconsejar.

تو به یک مرد دو تا توصیه منما ابداً:

به نبردی برود یا که بگیرد یک زن.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Man maa bære sit Kors med Taalmodighed, sagde Manden, han tog sin Kone paa Ryggen.

«باید صلیبمان را صبورانه بر دوش بکشیم.» مرد وقتی زنش را بر دوش گرفت گفت.

رومیان باستان می‌گفتند:

Woman is the woe of man.

زن مایهٔ اندوه مرد است.

مرد باش و ترک زن کن کاندرین ایام ما

زن نخواهد هیچ مرد باتمیز و هوشیار. انوری

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Commend a wedded life, but keep thyself a batchelor.

تأهل را سفارش کن قویاً

خودت اما بمان یک مرد بی‌زن.

It is good to marry late or never.

خوب است اگر زنی بگیری

یا بعداً و یا که هیچ موقع.

هلندی‌ها می‌گویند:
Eens te trouwen is noodwendigheid; tweemaal is malligheid; driemaal is dolligheid.

یک بار ازدواج کردن یک وظیفه است، دو بارش یک حماقت است و سه بارش جنون است.

مرد بی‌پولی اگر یک زن خرپول گرفت

گر خر خوب عیالش بشود نیست شگفت. م. ا.

معادل انگلیسی:
He that marries for wealth sells his liberty.

برای ثروت اگر مردی ازدواج کند

اگر به آن برسد، از فروش آزادی است.

معادل اسکاتلندی:
Marry abune your match, and get a maister.

یک زن از خویش برتر را بگیر

صاحب ارباب گردی ناگزیر.

معادل فرانسوی:
Qui prend une femme pour sa dot, à la liberté tourne le dos.

او که برای جهاز همسری آورده است

از همهٔ قدرتش صرف‌نظر کرده است.

معادل اسپانیولی:
En casa de muger rica, ella manda siempre, y él nunca.

در سرای یک زن خرمایه‌دار

زن همیشه می‌دهد فرمان، نه مرد.

معادل دانمارکی:
Rig Hustru er Trættetynder.

منشأ هر بگومگو زنی است

کو عیالی توانگر و غنی است.

معادل لاتین:
Intolerabilius nihil est quam fæmina dives.

تحمل‌ناپذیر و جانگداز است
زنی که کیف پول او دراز است.

مرد بیچاره اگر یک زن زیبا دارد
جنگ و دعوای بدی با همه دنیا دارد.   م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Al que tiene muger hermosa, ó castillo en frontera, ó viña en carrera, nunca le falta guerra.

کسی که یک زن زیبا، کلاتی در کنار مرز
و یا یک باغ انگوری کنار جاده‌ای دارد
طرف را جنگ و درگیری دمی آسوده نگذارد.

مرد خواهان خطر با بازی است
این‌چنین گفت جناب نیچه
و چنین است که مشتاق زن است
چون خطرناک‌ترین بازیچه.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Danger and delight grow on one stock.

میوهٔ لذت و خطر رویِ
شاخهٔ یک درخت می‌رویند.

The more danger, the more honour.

هرقدَر بیش‌تر خطر دارد
افتخاری بزرگ‌تر دارد.

مرد را ذوق غزا و کروفر
مر مخنث را بُود ذوق از ذکر.   مولوی

رومیان باستان می‌گفتند:

Ne gladium tollas, mulier.

شمشیر نکش ای زن.

روی زیبا و جامهٔ دیبا
عرق و عود و رنگ و بوی و هوس
این‌همه زینت زنان باشد
مرد را کیر و خایه زینت بس.   سعدی

مرد عاشق ذلیل خواهد شد
ظرف شستن نشانهٔ عشق است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Man reigns and woman rules.

مرد سلطنت می‌کند و زن حکومت.

مرد کس‌باز فطرتاً فاکر
ای بسا در قفا رود کیرش
ناوک‌انداز خبره و ماهر
ای بسا بر خطا رود تیرش.   م. ا.

فاصلهٔ بین درست و غلط
گاه به اندازهٔ یک تار موست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A good marksman may miss.

ناوک‌انداز خوب هم چه بسا
که رود تیرهای او به خطا.

Little betwixt right and wrong.

بین درست و غلط فاصلهٔ اندکی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's a gude shot that hits aye the mark.

او که همواره بر هدف بزند
یک کمانگیر ماهر و خوب است.

مرد وقتی که هلو می‌بیند

یا می‌چیند

یا می‌ریند.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Toujours ne frappe-t-on pas ce à quoy l’on vise.

آدم همیشه هر چیزی را که هدف گرفته نمی‌زند.

مردان مست را چون خفته دریابید، تا بیدار نشوند فرصت را غنیمت دانید.   عبید زاکانی – صد پند

ترک پسری در راهی می‌رفت و این می‌خواند: «مست شبانه بودم و افتاده بی‌خبر.» غلامباره بشنید و گفت: «آه، آن زمان من بدبخت گردن‌شکسته کجا بودم.»   عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

ترک‌ها می‌گویند: فورصت هر زامان اله دوشمز. (فرصت هر زمان به دست نمی‌آید.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Opportunity never knocks twice at any man’s door.

فرصت دو بار بر در مردی نمی‌زند.

There is no opportunity which comes back again.

فرصتی نیست که یک بار دگر برگردد.

Speedy execution is the mother of good fortune.

مادر بخت نکو تندیِ وقت عمل است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Prendre l’occasion aux cheveux.

فرصتی را از کاکلش گرفتن.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando el necio es acordado, el mercado es ya pasado.

تا که تصمیم بگیرد احمق

در بازار دگر بسته شده.

مردان همه خواهان کس تنگ جوان‌اند

من نیز بر آنم که همه خلق بر آن‌اند.   م. ا. مصرع دوم از سعدی است.

خانمی شیک و پریچهر و لوند

شد گرفتار به بیماری قند
گشت از درد درونش دلخور
رفت فوراً به سراغ دکتر
گفت: «ای دکتر خوش‌آب‌وگلم
کن علاج دل من، وای دلم»
دکتر رند چو این حرف شنید
گفت: «پشت پاراوان لخت شوید
تا نهم گوشی و بی چون‌وچرا
زود تشخیص دهم درد شما»
زن افسونگر طناز و لوند
گفت آن دم که لباسش می‌کند:
«آه از دست شما مردان، آه
که همه می‌گذرید از یک راه
همه یک جور سخن می‌گویید
همه یک حرف به من می‌گویید».   بنده‌زاده

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No lack to lack a wife.

برای مرد فقدانی چنان فقدان یک زن نیست.

مردها یا متأهل هستند
یا که فهمیده و عاقل هستند.   م. ا.

پسری با پدر به زاری گفت
که مرا یار شو به همسر و جفت
گفت: بابا، زنا کن و زن نه
پند گیر از خلایق، از من نه
در زنا گر بگیردت عسسی
بهلد، کو گرفت چون تو بسی
زن بخواهی، ترا رها نکند
ور تو بگذاریش، چها نکند

از من و مادرت نگیری پند
چند دیدی و نیز دیدم چند
آن رها کن که نان و هیمه نماند
ریش بابا بین که نیمه نماند.   اوحدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A young man married is a young man marred.

مردی جوان که خر شد و عقد نکاح کرد
مرد جوانی است که خود را تباه کرد.

Honest men marry soon, wise men not at all.

مردان شریف زود زن می‌گیرند
مردان خردمند مجرد میرند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Casar, casar, soa bem, e sabe mal.

زن بگیر و زن بگیر
ظاهرش خوب است، لیک
طعم آن نادلپذیر.

یونانیان می‌گویند:

Gamein ho mellôn eis metanoian erchetai.

چو مردی هوای تأهل کند
ره او مسیر پشیمانی است.

مردی که بی زنی برود توی رختخواب
تا صبح وول می‌خورد و آه می‌کشد
مردی که با زنی برود توی رختخواب
تا صبح وول می‌خورد و آه می‌کشد
بین مجرد و متأهل چه فرقی است؟
میان آه من تا آه ایشون
تفاوت از زمین تا آسمان است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One is wise and two are happy.

یکی عاقل است و دو تا خوشدل‌اند.

مردی که خوشی زیر دل او زده است
بگذار که خر گردد و یک زن گیرد.   م. ا.

معادل هلندی:
Die goede dagen moede is, die neme een wijf.

بگذارید که زن گیرد او
گر خوشی زیر دل او زده است.

مردی که فقیر شد، غنی می‌گوید
بر کس زنش خدا دهد برکت را.   خاکشیر

مردی گفته‌اند، زنی گفته‌اند.

مرغ همسایه غاز است، زن همسایه هم کامرون دیاز است.   م. ا.

السقنقور: ساق زن بیگانه.   عبید زاکانی – تعریفات

ترک‌ها می‌گویند: همسایه‌نین آروادی گؤیچک. (زن همسایه زیباست.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The grass is greener on the other side of the fence.
آن‌سوی چپر رنگ علف سبزتر است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
Buena es la gallina que otro cria.

ماکیانی که پرورَد دگری
هست چیز همیشه خوب‌تری.

La gallina de mi vecina mas huevos pone que la mia.
مرغ همسایه‌ام بیش از مال من تخم می‌گذارد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:
Melhor he a gallinha da minha visinha, que a minha.
مرغ همسایه‌ام از مال خودم خوب‌تر است.

A cabra de minha visinha, mais leite dá que a minha.

شیر بز خانهٔ همسایه‌ام
بیش‌تر از شیر بز بنده است.

مریم باکرهٔ بی‌کله
آخرین معجزهٔ این دنیاست. م. ا.

خدا گر ز خست ببندد دری
چه خوش باشد آن را ز جا برکنی
در معبد عشق را بسته است
که مردانه با یک تبر بشکنی. م. ا.

البکارة: اسم بی‌مسمی. عبید زاکانی – تعریفات

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

The age of miracles is past.

دورهٔ معجزه‌ها طی شده است.

مژده ده او را که دهد زن طلاق.

در سرای برکان خان ختاییان در میان صورت‌ها سه صورت ساخته‌اند: یکی نشسته و سر به جیب تفکر می‌کند و دیگری یک دست بر سر می‌زند و به دیگر دست ریش برمی‌کند و یکی رقص می‌کند. بر بالای اولین نوشته‌اند که این‌کس فکر می‌کند که زن بگیرم یا نه. در دومین نوشته‌اند که این‌کس زن خواسته و پشیمان شده است. بر سومین نوشته‌اند که این مرد زن طلاق داده است و فارغ شده و مکتوبی به دستش داده‌اند، این بیت بر آن‌جا نوشته:

طاق ترنبین و ترنبین طاق
مژده ده او را که دهد زن طلاق. عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

مار نون نکاح چون بزدت
ای به حری و رادمردی طاق
هان و هان تا ز کس طلب نکنی
هیچ تریاق به ز طای طلاق. انوری

الفرج بعد الشدة: لفظ سه طلاق. عبید زاکانی – تعریفات

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Married folk are like rats in a trap—fain to get ithers in, but fain to be out themsels.

متأهل‌ها مثل موش‌های توی تله هستند؛ دوست دارند دیگران را به داخل بکشانند، اما دوست دارند خودشان خارج شوند.

مشورت با زنان تباه است. سعدی – گلستان

علی بن ابی‌طالب در نامهٔ ۳۱ نهج البلاغه، خطاب به پسرش، حسن، می‌گوید: اِیّاکَ و مُشاوَرَةَ النساء فَاِنَّ رَأیَهُنَّ اِلی اَفنٍ و عَزمَهُنَّ اِلی وَهنٍ!

(از مشورت با زنان پرهیز کن، زیرا اندیشهٔ اینان رو به ناتوانی و تصمیمشان رو به سستی است!)

جعفر بن محمد الصادق هم گفته است: اِیّاکُم و مُشاوَرَةَ النساء فَاِنَّ فیهُنَّ الضعف و الوَهن و العجز!

(از مشورت با زنان پرهیز کنید، زیرا در آنان ضعف و سستی و عجز است!)

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Prends le premier conseil d'une femme et non le second.

اولین پند زنی را می‌پذیر
دومی را مطلقاً جدی نگیر.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det förste Raad af en Qvinde er det bedste.

اولین اندرز یک زن بهترین اندرز اوست.

مصلحت‌دید من آن است که یاران همه‌کار
بگذارند و خم طرهٔ یاری گیرند. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love to live and live to love.

عاشقی کن که زندگی بکنی
زندگی کن که عاشقی بکنی.

مطمئن باش اگه توی خونه
دختری با پسری تنها شه
نفر سومشون شیطونه. م. ا.

چون سخن زهره به این‌جا رسید
کار منوچهر به سختی کشید
دید به گل رفته فرو پای او
شورشی افتاده بر اعضای او
دل به برش زیروزبر می‌شود
عضو دگر طور دگر می‌شود.   ایرج میرزا – زهره و منوچهر

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Guardati dall'occasione, e ti guarderà Dio da' peccati.

ز فرصت‌ها خودت را دور می‌دار
خداوند از گناهت دور دارد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien quita la ocasion, quita el pecado.

هر کسی از وسوسه دوری کند
از گناه البته دوری کرده است.

ای سیر، تو را نان جوین خوش ننماید
معشوق من است آن که به نزدیک تو زشت است
حوران بهشتی را دوزخ بُود اعراف
از دوزخیان پرس که اعراف بهشت است.   سعدی – گلستان

دختر خوشگل فقط یک دختر است
او که دل را می‌برد یک دلبر است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fancy passes beauty.

خیال از قشنگی جلو می‌زند.

What one man despises, another craves.

مایهٔ بیزاری یک مرد را
دیگری از دل تمنا می‌کند.

One man's trash is another man's treasure.

زباله‌های یکی گنج‌های دیگری‌اند.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Love hides ugliness.

عشق زشتی را نهان از چشم انسان می‌کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wessen Huldin schielt, der sagt sie liebaugele.

هر زمان دلبر کسی لوچ است
گوید او چشم‌های دلبرکم
عشوه و غمزه می‌کند سرمست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non è bello quel che è bello, ma quel che piace.

نیست خوشگل او که تنها خوشگل است
خوشگل آن باشد که جایش در دل است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El deseo hace hermoso lo feo.

اشتیاق آدمی هر زشت را زیبا کند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Niemand's lief is lelijk.

هیچ‌کس نیست که معشوقهٔ او زشت بُود.

مفروش به باغ ارم و نخوت شداد
یک شیشه می و نوش‌لبی و لب کشتی. حافظ

ترک‌ها می‌گویند: بوگونکو تویوق صاباحکی قازدان یاخشیدیر. (مرغ امروز به از غاز فرداست.)

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E meglio aver oggi un uovo che domani una gallina.

تخم‌مرغ امروز به ز مرغ فرداست.

مکن هیچ کاری به فرمان زن
که هرگز نبینی زنی رای‌زن. فردوسی

وقتی به پیامبر اسلام گفتند که دختر خسرو پرویز به پادشاهی ایران رسیده است، گفت: لن یفلح قوم ولو امرهم امراة! (هرگز رستگار نمی‌شوند قومی که زنی را به ریاست خویش برگزینند!)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

It's a sairy flock where the ewie bears the bell.

زنگوله اگر به گردن میش بُود

آن گله یقین گلهٔ بیچاره‌ای است.

مگر بدهکاری؟

به کسی گفته می‌شود که دمر خوابیده باشد.

مگر به خودت شک داری؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A quiet conscience sleeps in thunder.

هر زمان وجدان فرد آسوده است

زیر تندر نیز خوابش می‌برد.

A clear conscience is a sure card.

وجدانی آسوده برگی مطمئن است.

It is always term time in the court of conscience.

این دادگاه وجدان هر لحظه برقرار است.

Craft must have clothes, but truth loves to go naked.

نیرنگ باید در میان جامه‌ای پنهان شود

اما حقیقت دوست دارد سربه‌سر عریان شود.

A guilty conscience never needs an accuser.

وجدان گناهکار که باشد، به هیچ رو

دیگر به بازخواست نیازی ندارد او.

No hell like a troubled conscience.

دوزخی مانند یک وجدان بی‌آرام نیست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Do weel, an' doubt nae man; do ill, an' doubt a' men.

کار درست را بکن و شک نکن به کس

بدکار باش و شک به تمام جهان بکن.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Gut Gewissen ist ein sanftes Ruhekissen.

وجدانی آسوده یک بالش نرم است.

مگر حس وطن‌خواهی نداری

که کس را در ردیف کون شماری؟ ایرج میرزا - عارف‌نامه

اینِ ما در آنِ آن‌ها می‌رود
از همان‌جا کامد آن‌جا می‌رود. م. ا. نقیضه بر مولوی

مگر حمام زنانه است؟

معادل‌های انگلیسی:

Where there are women and geese, there wants no noise.

جایی که زنان و غازها می‌باشند
کمبود سروصدا ندارد یک‌چند.

Geese with geese and women with women.

غازها با غازها و بانوان با بانوان.

معادل آلمانی:

Drei Frauen, drei Gänse, und drei Frösche, machen einen Jahrmarkt.

سه زن، سه غاز و سه قورباغه یک جمعه‌بازار برپا می‌کنند.

معادل ایتالیایی:

Due donne e un’oca fanno un mercato.

دو زن و یک غاز یک بازار برپا می‌کنند.

معادل هلندی:

Drie vrouwen en eene gans maken eene markt.

سه زن و یک غاز یک بازار برپا می‌کنند.

معادل لاتین:

Tres mulieres nundinas faciunt.

سه زن یک بازار برپا می‌کنند.

مگر خودت خواهر مادر نداری؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As you do to others, expect others to do to you.

آنچه تو در حق مردم می‌کنی
مردمان در حق تو آن می‌کنند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A idos de mi casa, y que quereis con mi muger? no hay que responder.

این دو حرفِ «از خانۀ من برو بیرون» و «تو با زن من چکار داری؟» هیچ جوابی ندارند.

مگر داری می‌روی خواستگاری؟

= این‌قدر جلوی آینه به خودت ور نرو.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Goodness is better than beauty.

خوب بودن بهتر از زیبایی است.

مگر داری می‌زایی؟

یا: مگر خایه‌ات را می‌کشند؟

= این کار آن‌قدرها هم سخت نیست؛ بی‌خودی قشقرق راه انداخته‌ای.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Little troubles are great to little people.

مشکلات کوچک و ناچیز هم
بهر آدم‌های کوچک گنده‌اند.

ممدلی هی دست می‌زنه به چونه‌م
گمون کنم نظر داره به کونم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is an ill sign to see a fox lick a lamb.

بره‌ای را چو بلیسد روباه
دیدنش منظره‌ای بدیمن است.

Every man slams the fat sow’s arse.

درِ کون خوک پروار بزند هر آن که آید.

من امثال تو را می‌کنم، پولشان را هم نمی‌دهم.

المظلوم: پسری که بگایند و زرش ندهند. عبید زاکانی – تعریفات

من به خاله‌م گفتم، خاله‌م به عالم گفت.

چنین گفت با مادر اسفندیار
که نیکو زد این داستان هوشیار
که پیش زنان راز هرگز مگوی
چو گویی، سخن بازیابی به کوی. فردوسی

که گر لب بدوزی ز بهر گزند
زنان را زبان هم نمانده به بند. فردوسی

تا توانی با زنان صحبت مجوی
راز خود را نیز با ایشان مگوی. عطار

حرف راز خویش و کار خود عیان
بر زنان و بنده و کودک مخوان. عطار

مگوی اسرار حال خویش با زن
که یابی راز فاش کوی و برزن. ناصر خسرو

معادل انگلیسی:

A woman conceals what she knows not.

هر زنی آنچه را نمی‌داند
مطلقاً بر زبان نمی‌راند.

معادل‌های اسکاتلندی:

Women and bairns layne what they kenna.

فقط آن چیزها را که ندانند
زنان و بچه‌ها بر لب نرانند.

He wha tells his wife a' is but newly married.

مردی که کند تعریف در گوش عیال خود
بیرون چه خبر بوده یا چی نشد و چی شد
او تازه همین دیروز داماد شده لابد.

معادل فرانسوی:

Une femme ne cèle que ce qu'elle ne sait pas.

زن فقط آنچه را نمی‌داند
توی گوش همه نمی‌خواند.

معادل آلمانی:

Ein Weib verschweigt nur, was sie nicht weiß.

آنچه یک زن به‌کل نمی‌داند
در دلش سربه‌مهر می‌ماند.

معادل اسپانیولی:

A la muger y á la picaza, lo que dirias en la plaza.

تو به یک زن یا به یک پرچانهٔ بسیارگو
آنچه خواهی گفته آید بر سر بازار گو.

من خودم کیری به دستش داده‌ام
تا بدان کون خودم را جر دهد. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

I gave you a stick to break my own head with.

من به دست تو چماقی داده‌ام
تا تو با آن کله‌ام را بشکنی.

He brings a staff to break his own head.

او چماقی را خودش می‌آورد
تا بدان فرق خودش را بشکنند.

Beaten with his own rod.

با ترکهٔ خویشتن کتک خورد.

معادل اسکاتلندی:

I hae gi'en a stick to break my ain head.

من خودم شخصاً چماقی داده‌ام

تا سر شخص خودم را بشکنند.

من دلم فاطی رو می‌خواد، فاطی منو نمی‌خواد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love looks for love.

عشق دنبال عشق می‌گردد.

Love craveth love.

عشق دل‌بی‌قرار یک عشق است.

Love asketh love.

عاشقی خواستار عاشقی است.

Love is the mother of love.

مادر عشق همانا عشق است.

Love makes love.

عشق عشق می‌سازد.

Love begets love.

عاشقی عاشقی پدید آرد.

He who would be loved must love.

(عشق عشقی دگر برانگیزد
عشقی از عشق دیگری خیزد)
هرکه خواهان عشق دیگری است
عشق باید به پای او ریزد.

Love is the coin to market with for love.

عشق تنها سکه‌ای باشد که تو
می‌توانی عشق را با آن خرید.

Love cannot be bought but with itself.

عشق را جز با خودش نتوان خرید.

Love is the loadstone of love.

عاشقی آهن‌ربای عاشقی است.

Love is the only object of love.

فقط عشق منظور عشق است و بس.

Love is the true price of love.

بهای راستین عشق عشق است.

Show love to win love.

عشق رو کن که عشق جلب کنی.

Love is love's reward.

عشق پاداش عشق می‌باشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amor è il vero prezzo con cui si compra amore.

بهای راستینی که بباید
برای عشق پردازید عشق است.

Chi vuol esser amato, convien ch'il ami.

او که می‌خواهد که فرد دیگری
پایبند دام عشق او شود
اولش باید خودش در دام عشق
افتد و دیوانهٔ یارو شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Amor gignit amorem.

عشق عشق دگری خلق کند.

من راضی، تو راضی، کون لق ناراضی.

یا: مرد راضی، زن راضی، گور پدر ناراضی.

معادل ترکی: سن راضی، من راضی، نه غلط ائله‌یر قازی؟
(تو راضی، من راضی، چه غلطی می‌کند قاضی؟)

من زن‌ذلیل نیستم؛ با خانمم تفاهم دارم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

All the world and his wife.

کل دنیا یه طرف، همسر آقا یه طرف.

من شوهر آس‌وپاس نمی‌خوام

جز یک گونی اسکناس نمی‌خوام. ترانهٔ عامیانه

هلندی‌ها می‌گویند:

Van verre gehaalt en duur gekocht, is eten voor me vrouwen.

متاعی انگ کار بانوان است

که هم خیلی عجیب و هم گران است.

من کمرو، بچه‌های محله پررو.

از روسپی‌ای علت روسپی شدنش را پرسیدند. گفت: ...

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is easier to ask forgiveness than it is to get permission.

هست همواره معذرت‌خواهی

از اجازه گرفتن آسان‌تر.

Shameless craving must have shameful nay.

هر تقاضایی که بی‌شرمانه مطرح می‌شود

لاجرم باید نهٔ شرم‌آوری را بشنود.

من که ز مال دنیا

یه حبه سیم ندارم

بهتره زن نگیرم. ترانهٔ عامیانه

ترک‌ها می‌گویند: بوش ائوه قیز وئرمزلر. (به خانهٔ خالی دختر نمی‌دهند.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fortune gains the bride.

اقبال عروس را به کف می‌آرد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Die het geluk heeft leidt de bruid ter kerk.

عروس را به کلیسا همان‌کسی ببرد

که شانس دارد و اقبال او همایون است.

من که قول ناصحان را خواندمی قول رباب
گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند بس. حافظ

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:
Better to have loved and lost than never to have loved at all.
عاشق بشوی و بار هجران بکشی
به زان‌که به‌کل مزهٔ آن را نچشی.

من می‌کنم، پس هستم.

دکارت گفته که ما می‌کنیم، پس هستیم
و کانت گفته فقط او که می‌کند بشر است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Noble is that noble does.
هر کسی کردار او والاست، او والاست.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Schön ist, was schön thut.
هر کسی کردار او زیباست، او زیباست.

من نمی‌دانم مخ دختر زدن معناش چیست
در سر دخترجماعت که مخی در کار نیست. م. ا.

النادر: زن معقول‌گو. عبید زاکانی – تعریفات

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The wit of a woman is a great matter.
عقل زن موضوع خیلی عمده‌ای است.

من ورزش نمی‌کنم، ولی ورزشکاران را چرا.

کلام یک قزوینی است؛ با الهام از کلام گهربار حضرت امام: «من ورزشکار نیستم، ولی ورزشکاران را دوست دارم.»

هلندی‌ها می‌گویند:

Hij is wel edel, die edele werken doet.

هرکه کار و عمل او نیکوست

آدم خوب و شرافتمند اوست.

مو لای درزش نمی‌رود.

= دخترک تنگی است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The worse the passage, the more welcome the port.

هرقدَر که معبری ناخوب‌تر

بندر آن خوش‌تر و مطلوب‌تر.

ظاهرش آرام و متین است، لیک

در سر او نقشهٔ رندانه‌ای است

موقع عاشق‌کشی و دلبری

مغز زنان وه که چه رایانه‌ای است

گارد گرفته، ولی از جان و دل

منتظر حملهٔ جانانه‌ای است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women in mischief are wiser than men.

(عقل زن در نوع خاصی از امور

از عقول مردها کامل‌تر است)

زن‌جماعت در زمان شیطنت

از تمام مردها عاقل‌تر است.

موقعی زن بگیر که اگر بچه‌ات خواست قسم بخورد بگوید به جون آقام، نه به ارواح خاک آقام.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that marries late marries ill.

هر کسی دیر زنی می‌گیرد

زن ناجور و عنی می‌گیرد.

می دوساله و محبوب چارده‌ساله

همین بس است مرا صحبت صغیر و کبیر.   حافظ

این بچهٔ فسقلی چه خانم شده است

این هم که بلای جان مردم شده است

لب‌هاتو بیار... وای، بابات اومد

آقا، به خدا سوءتفاهم شده است!   م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Klein vischje zoet vischje.

ماهیان کوچک شیرین‌اند.

میان عاشق و معشوق رمزی است

چه داند آن که اشتر می‌چراند؟

میان عاشق و معشوق فرق بسیار است

چو یار ناز نماید، شما نیاز کنید.   حافظ

زنه پیش خودش این‌جوری گفت:

«شوهرم اشک منو باور کرد»

مرده گفت: «اوف، چه راحت می‌شه

با دو تا بوس زنا رو خر کرد»

درس اخلاق:

من اگر خر نشوم

تو اگر خر نشوی

بیش‌تر می‌شود آمار طلاق

زوج‌های خوشبخت

همه هستند الاغ.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La seule victoire contre l’amour c’est la fuite.

تنها پیروزی بر عشق عقب‌نشینی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Nella guerra d’amor vince chi fugge.

یک اصل در نبرد دو دلداده واضح است
مردی عقب‌نشینی اگر کرد فاتح است.

میان ماه من تا ماه گردون
تفاوت از زمین تا آسمان است.

آن ماه که این گنبد مینا دارد
این ماه که زیر شرت تینا دارد
آن ماه هلال می‌شود، اما این
هر شب طلع البدر علینا دارد. م. ا.

می‌آی بریم دودول‌بازی؟

= می‌آیی گی کنیم؟

با دختر یک شیطان هست و با پسر دو شیطان. سفیان ثوری

یک گل‌پسر ماه که رام است و اُکی
با یک لپ اوف و یک لبِ ای ای ای
می‌گفت: «نکن؛ نمی‌شه؛ آه، گیر نده»
چون خواهر خویش ناز دارد؛ آخی!

کی باشد و کی باشد و کی باشد و کی
می باشد و می باشد و می باشد و می
من باشم و وی باشد و من باشم و وی
گی باشد و گی باشد و گی باشد و گی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Like draws to like.

هر چیز به همسان خودش جذب شود.

Like asketh like.

هر چیز شبیه خویش را می‌طلبد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Simili con simili vanno.

هر چیز به سوی مثل خود خواهد رفت.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Lige Brödre giöre bedst Leg.

هر چیزی با شبیه خودش بهتر بازی می‌کند.

می‌خواهم ببرمت سانفرانسیسکو.

= می‌خواهم با تو سکس کنم. دیالوگ معروف عمو اسدالله در سریال *دایی جان ناپلئون* است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you want to know a man, make a solitary journey with him.

چو خواهی کسی را شناسی نکو
به سیر و سفر رو به همراه او.

Good company on the road is the shortest cut.

یک همسفر شفیق و نیکو
کوتاه‌ترین میانبر است او.

He that travels far knows much.

به سفرهای دراز او که رود
صاحب دانش بسیار شود.

Travel broadens the mind.

سفر ذهن را گسترش می‌دهد.

می‌زند شاخ هر آن چیز که شاخی دارد

توی تک‌شاخ تن من خطری نیست که نیست. م. ا.

معادل هلندی:

Wat horens heeft wil steken.

هرچه شاخی داشت شاخی می‌زند.

میوه وقتی برسد می‌افتد

سینهٔ دخترکان استثناست. م. ا.

هوس سیب کرده‌ام امشب
سنگ مفت است و سیب‌ها مفت‌اند
میوه وقتی رسید می‌افتد
سینه‌هایت چرا نمی‌افتند؟   م. ا.

معادل انگلیسی:

When the fruit is ripe, it falls.

میوه وقتی برسد می‌افتد.

معادل آلمانی:

Wenn die Birne reif ist, fällt sie ab.

تا گلابی برسد می‌افتد.

معادل ایتالیایی:

Quando la pera è matura, convien ch’ella caggia.

گلابی چون رسد باید بیفتد.



ناخدا چون دوستت دارد به جان

می‌توانی فین کنی در بادبان.   م. ا.

معادل انگلیسی:

The captain loves thee, wipe thy hand on the sail.

ناخدا دوستت دارد، دستت را با بادبان پاک کن.

ناصحم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق

برو ای خواجهٔ عاقل، هنری بهتر از این؟   حافظ

نام انگولک خویش استنجاست

لقب جلق حلال استبراست.   م. ا.

نان آب و گلش را می‌خورد.

خدای بخت بخندد به او که زیباروست

جهاز دختر زیبا درون چهرهٔ اوست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Her face is her fortune.

چهرهٔ این دخترک اقبال اوست.

She that is born handsome is born married.

زن چو خوشگل متولد شده است

متأهل متولد شده است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi nasce bella, nasce maritata.

دختری اگر زیبا آمده به این دنیا

از همان دم اول نامزد شده گویا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Facies, non uxor amatur.

جاذبه توی چهره است، نه زن.

گوید به زنش: بچهٔ من شیر بده
وقتی که دهی شیر به او، سیر بده
گوید به جواب او زنش این‌که تو هم
نانم مده و آب مده، کیر بده.   خاکشیر

در سفر خواجه بی غلامی نیست
بی می و نقل و کاس و جامی نیست
پیش خاتون جز آب و نان نبُود
وانچه اصل است، در میان نبُود
این نه عدل است، این نه داد ای مرد
نام خود را مده به باد ای مرد
به از این کرد باید اندیشه
تا نیاید شغال در بیشه
تو که مردی، نمی‌کنی صبری
چه کنی بر زنان چنین جبری
خواجه چون بی‌غلام دم نزند
زن پاکیزه نیز کم نزند.   اوحدی

بچه‌های زمانه رند شدند
بی‌ثمر دان تو ژاژخایی را
کودکان زمان ما نکنند
جز برای زر آشنایی را
یا برو زر بده که سر بنهند
یا برو دل بنه جدایی را
در نظرْشان بهای جامی نیست
دفتر جامی و بهایی را
نشناسند جز برای طلا
شیخی و صوفی و بهایی را

به شعیری نمی‌کنند حساب
شعر خاقانی و سنایی را
یاوه دانند و سخره پندارند
مهربانی و آشنایی را
نبُود در مزاجشان اثری
عرض افلاس و بی‌نوایی را
نتوانی فریفت جز به طلا
کودک دورهٔ طلایی را. ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love does much but money does all.

عشق خیلی کارها می‌کند، اما پول همه‌کار می‌کند.

نزد خسرو حرف شیرین را بزن
نزد آقا حرف پوتین را بزن. م. ا.

یارو سگ ارباب ولادیمیر است
اما به شما که می‌رسد یک شیر است
ای گربه‌صفت‌ها، همهٔ این قصه
تقصیر شماست، شیخ بی‌تقصیر است. م. ا.

نزنی، می‌زننت؛ نخوری، می‌خورنت؛ نکنی، می‌کننت.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il faut être enclume ou marteau.

آدم یا باید سندان باشد یا چکش.

Il vaut mieux être marteau qu'enclume.

به که چکش شویم تا سندان.

دین اسلام کلهم دینی
زیر نافی ـ فراز زانویی است
نصف اسلام فوت‌وفن جماع
نصف دیگر اصول کون‌شویی است. م. ا.

هرکه بر سر نهاده یک تایر
به خیالش که می‌شود شوفر
پای درس لذیذ استنجا
هر کسی سال‌ها شود حاضر
روی منبر طبیعتاً باید
فقط از شاش و گه کند زرزر
در اصول مدرن کون‌شویی
دارد او علم و دانشی وافر
بس‌که وسواس در طهارت داشت
کون خود را نمود جرواجر
شیخنا قهرمان کون‌شویی است
بااراده، مصمم و ماهر
این کمربند مشکی است و سفید
که به سر بسته است... هرهرهر
آن‌قدر حرف شاش و گه زد که
در سرش مستراح شد دایر
شیخ خودبین نبیند الا گه
نشنود غیر نغمهٔ ترتر
دین او کلهم حدیث گه است
هست روحش گهی و کون طاهر
خوب درسی جنید داده به ما:
یحکمون الشیوخ بالظاهر

هرکه عشقش اصول کافی شد
می‌شود یک پدیدهٔ نادر
فیلسوفی بزرگ در حدِ
کانت و پورازغدی و گادامر
طبعاً ایشان به رمز و راز سه‌کاف
سخت دارد تعلق خاطر
در تماشای کاف‌ها دارد

چشم‌هایی به دقت لیزر
شیخ‌های مدرن امروزی
می‌نشینند پشت کامپیوتر
شانزده گیگ گه در این فولدر
پانزده گیگ هم در آن فولدر
فقه را روی نت گذاشته‌اند
به جهان کاف می‌شود صادر
چون جهان تشنهٔ همین بحث است
چه مسلمان، چه ملحد و کافر
از زمانی که سایت راه افتاد
زلزله آمده نود ریشتر
با هجوم شدید کاربران
قطع شد سایت حوزه از سرور
سایت‌هایی که ایکس در ایکس‌اند
پس چرا می‌شوند هی فیلتر؟
جز سه تا کاف چیست در آن‌ها؟
این مفید است و آن یکی است مضر؟
شیخ اندیشمند پندارد
لیس فی الدهر غیرهُ فاکر

من و او هر دو آدمیم، ولی
چیست پس فرق شیخ با شاعر؟
او و یک صیغه‌خانه با صد زن
با دو لب‌تاپ روضه و شِرووِر
من و یک هارد کهنه با شش گیگ
شعر و شصت و سه گیگ هم سوپر. م. ا.

چار یک از متر آن که کیر ندارد
گو نکند کون که گول می‌خورد از کون
نصفش باید همیشه باشد در کار

نصفش باید همیشه باشد بیرون.   خاکشیر

رومیان باستان می‌گفتند:

Dimidium plus toto.

نصفه‌اش از کامل آن بهتر است. (نقل قولی از هزیود Hesiod است.)

سکوت شاعر تنهای شهر ما تا چند؟

خودی نشان بده در جمع دلبران لوند

نصیحتی کنمت، بشنو و بهانه مگیر

به ریش عاشق شکاک شرمناک بخند.   م. ا. مصرع سه از حافظ است.

شریدن Sheridan گفته است:

Modesty is a quality in a lover more praised by the women than liked.

حجب و حیا در یک عاشق صفتی است که زنان بیش‌تر ستایشش می‌کنند تا این‌که دوستش داشته باشند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women commend a modest man, but like him not.

زنان از یک مرد باحیا تعریف می‌کنند، اما دوستش ندارند.

He who hesitates is lost.

هرکه تردید کند می‌بازد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Homme assailli à demi vaincu.

هر کسی یورش بیارد نیمه‌پیروز است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Tapfer angegriffen ist halb gefochten.

یک‌نیمهٔ جنگ یورشی بی‌باک است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ræd Mand har tynd Lykke.

شانس یک مرد مردد اندک است.

نقش پلنگ روی پتوهای نوعروس

با یک دلیل ددمنشانه مصور است

این نقش درس عشق به داماد می‌دهد

یعنی فقط پلنگ در این‌جا مظفر است.   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Des Menschen Angesicht ist eines Löwen.

چهرهٔ مرد چهرهٔ شیری است.

نگاهبانی خوبان شوخ‌چشم بلاست

چو گل ز باغ رود، باغبان بیاساید.   صائب

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Menina e vinha, perál e favál, màos saõ de guardar.

یک دختر، یک تاکستان، یک باغ و یک مزرعهٔ لوبیا پاییدنشان سخت است.

نگذار از خاکت بلند شود.

= سکس خشنی با او بکن.

رومیان باستان می‌گفتند:

Age quod agis.

کار را با جان و دل انجام ده.

شد گذار عزبی از در باغ
دید در باغ یکی ماده‌الاغ
باغبان غایب و شهوت غالب
ماده‌خر بسته به میل طالب
سر درون کرد و به هر سو نگریست
تا بداند به یقین خر خر کیست
اندکی از چپ و از راست دوید
باغ را از سرخر خالی دید
ور کسی نیز به باغ اندر بود
هوش خربنده به پیش خر بود
آری، آن گم‌شده را سمع و بصر
بود اندر گرو گادن خر
آدمی پیش هوس کور و کر است

هرکه دنبال هوس رفت خر است
او چه داند که چه بد یا خوب است
بیند آن را که بر او مطلوب است
الغرض، بند ز شلوار گرفت
ماده‌خر را به دم کار گرفت
بود غافل که فلک پرده‌در است
پرده‌ها در پس این پرده در است
ندهد شربت شیرین به کسی
که در آن یافت نگردد مگسی
نوش بی‌نیش میسر نشود
نیست صافی که مکدر نشود
ناگهان صاحب خر پیدا شد
مشت بیچارهٔ خرگا وا شد
بانگ برداشت بر او کای جاپیچ
چه کنی با خر من؟ گفتا: «هیچ»
گفت: «المنه لله دیدم
معنی هیچ کنون فهمیدم»
نگذارد فلک مینایی
که خری هم به فراغت گایی. ایرج میرزا

از بخت بدی که دارم ار کون بکنم
مردم همه می‌رسند بالای سرم. خاکشیر

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Fortune and love always hate the most deserving.

همواره از آنان که سزاوارترند
انگار که بخت و عشق بیزارترند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Pour un plaisir mille douleurs.

در ازای یک لذت یک هزار آزار است.

نگو کیر، لبات ترک می‌خوره؛ بگو دودول، لبات غنچه بشه، بذارم توش.

خطاب به پسرکی گفته می‌شود که کلمهٔ «کیر» را بر زبان بیاورد.

نگهبانی از هفت میمون مست

ز پاییدن یک زن آسان‌تر است.   م. ا.

معادل آلمانی:

Ein Sack voll Flöhe ist leichter zu hüten wie ein Weib.

نگهبانی از گونی‌ای پر ز کک

ز پاییدن یک زن آسان‌تر است.

ننه به بابا مفت نمی‌ده.

هیچ فردی شبیه اون خانم

که کس مفت می‌ده کس‌خل نیست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Roll my log and I will roll yours.

بغلتان کنده‌ام را تا که من هم

بغلتانم به‌جایش کنده‌ات را.

One favour qualifies for another.

یک لطف تو را لایق لطفی بکند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A hand winna wash the ither for nought.

یک دست دست دیگری را مفت و مجانی نمی‌شوید.

He that canna gie favours should seek nane.

او که لطفی نتواند بکند

در پی لطف نباید باشد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien quiere tomar, conviénele dar.

باید بدهد او که بخواهد گیرد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Officio alheio custa dinheiro.

حرفهٔ یک مرد دیگر خرج دارد.

Abre tua bolsa, abrirei a minha boca.

کیف پولت را تو بگشا
می‌گشایم من دهان را.

نوعروسی در لحاف و رزمجویی در مصاف
هر دو در رزم‌اند، اما این کجا و آن کجا.

نه روسری، نه توسری، مملکت دوست‌پسری.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Lean liberty is better than fat slavery.

آزادی اگرچند که لاغر باشد
از بردگی چاق نکوتر باشد.

The price of liberty is eternal vigilance.

بهای آزادی محافظت جاودانه است.

A nightingale cannot sing in a cage.

بلبل نمی‌تواند
توی قفس بخواند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Freedom's a fair thing.

آزادی چیز قشنگی است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Besser frei in der Fremde als Knecht daheim.

آزادیِ در غربت خوش‌تر از بردگیِ در خانه است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E meglio esser uccel di bosco che di gabbia.

مرغ چوبین بودن از مرغ قفس بودن سر است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre at være fri Fugl end fangen Konge.

یکی مرغک شاد و آزاد و مست
ز یک شاه دربند بودن سر است.

کس خوب بُود که گاهگاهی بکنی
نه هر شبه تا به صبح، گاهی بکنی
نه سال به سال کس بکن، نه هر شب
بد نیست اگر ماه به ماهی بکنی.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Moderation in all things.

اعتدال اندر تمام چیزها.

Every extremity is a fault.

هر افراطی و تفریطی خطایی است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

For meget og for lidt fordærver alting.

خیلی کم و خیلی زیاد
هر چیز را بر باد داد.

نه صیغه می‌شم، نه عقدی
جنده می‌شم به نقدی.

ترک‌ها می‌گویند: نقدی الدن وئرمه. (نقد را از دست نده.)

نه کس کنیم و نه کون، می‌زنیم با خود جلق
که بار منت خود به ز بار منت خلق.   خاکشیر، نقیضه بر سعدی

ترک‌ها می‌گویند: مینتلی پلوودان مینتسیز پئندیر چؤرک یاخشیدیر.
(نان و پنیر بی‌منت از پلوی بامنت بهتر است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Let him that is cold blow at the coal.

بگذار همان‌کسی که سردش شده است
بنشیند و خود زغال را فوت کند.

For what thou canst do thyself rely not on another.

بهر آن کار که خود نیز توانی بکنی
هیچ موقع به کسی دیگر وابسته نباش.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ethvert Kar maa staa paa sin egen Bund.

روی کون خویشتن هر تشت باید ایستد.

تو را گر عقل و هوش و گوش داناست
شنو اندرز من، گر زشت و زیباست
نه کون آدم دیوانه بگذار
نه کون بر او بده کاین هر دو بیجاست. خاکشیر

ترک‌ها می‌گویند: دلییه اوز وئرمه. (به دیوانه رو نده.)

نه هرکه چهره برافروخت دلبری داند
نه هرکه آینه سازد سکندری داند. حافظ

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Toute chair n’est pas venaison.

نه هر گوشتی آنِ آهو بُود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non ogni fiore fa buon odore.

هر گلی بوی خوشایندی ندارد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Alle wolken regenen niet.

هر ابری نمی‌بارد.

نهٔ دختر که می‌شود بععععععله
در همان مایه‌های آی لاو یوست. م. ا.

«جلو نیا، به خدا جیغ می‌زنم» ناز است
جلو برو، ره فتح الفتوح تو باز است. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

”Zwinge mich, so thu’ ich kein Sünde,” sprach das Mädchen.

دخترک گفت که مجبورم کن
تا که من هیچ گناهی نکنم.

نهٔ یک زن بله اندر بله اندر بله است

«نکن» و «زشته» و «آدم بشو» و «دست نزن»
تله اندر تله اندر تله اندر تله است. م. ا.

معادل انگلیسی:

A woman's nay's a double yea.

نهٔ یک زن دوبرابر بله است.

نهٔ یک زن جواب رد نباشد

چو باشد نیز صد در صد نباشد
اگر حتی نهٔ سفتی بگوید
به آن سفتی که می‌گوید نباشد. م. ا.

معادل انگلیسی:

A woman's nay is no denial.

نخیر یک زن جواب رد نیست.

نیست کون و کس، مرا امشب بساز ای مشت من
کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you want a thing done, do it yourself.

اگر خواهی که کاری گردد انجام
خودت آن کار را انجام می‌ده.

Put your own shoulder to the wheel.

شانهٔ خود را به روی چرخ نه.

The master's footsteps fatten the soil.

هر زمین را ردپای مالکش
سبز و حاصلخیز و رویا می‌کند.

The foot of the owner is the best manure for his land.

بهترین کود زمین در قدم مالک اوست.

No eye like the master's eye.

هیچ چشمی چشم یک ارباب نیست.

The master absent and the house dead.

ارباب غایب است و سرا نیز مرده است.

A careless master makes a negligent servant.

اگر بی‌توجه بُود سروری
شود بی‌مبالات هر نوکری.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

If you want your business weel done, do't yoursel.

اگر می‌خواهی کارت به خوبی انجام شود، خودت انجامش بده.

A man is a lion for his ain cause.

برای منفعت خویش هر کسی شیری است.

The maister's foot's the best measure.

بهترین مقیاس پای مالک است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Selbst gethan ist halb gethan.

نیمی از آنچه خود تو بکنی کرده شده.

Selbst gethan, ist bald gethan.

کار خودکرده زودترکرده‌ست.

Das Auge des Herrn schafft mehr als seine beiden Hände.

چشم ارباب از دو دستش بیش‌تر
کارها را می‌برد او پیش‌تر.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi vuol presto e ben, faccia da se.

او که می‌خواهد کاری سریع و خوب انجام شود باید خودش آن را انجام دهد.

Più vede un occhio del padrone che quattro del servitore.

ببیند یکی دیدهٔ سروران
به از چار تا دیدهٔ نوکران.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El mejor pienso del cavallo es el ojo de su amo.

چشم صاحب یک اسب بهترین خوراک اوست.

El pie del dueño estierco para la heredad.

پای مالک کود ملک او بُود.

Manda y descuida, no se hará cosa ninguna.

امر کن، کار دیگری منما
هیچ کاری نمی‌شود انجام.

Si quieres ser bien servido, sírvete a tú mismo.

خدمت خوبی اگر می‌خواهی
خودت اول به خودت خدمت کن.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O melhor penso do cavallo, he o olho de seu amo.

بهترین جیرهٔ اسب دیدهٔ صاحب اوست.

Se queres ser bem servido, serve a ti mesmo.

گر بخواهی به تو خدمت بشود
خودت اول به خودت خدمت کن.

Manda, e faze-o, tirar-te-ha cuidado.

امر کن و خویشتن انجام ده
تا که ز هر دغدغه‌ای وارهی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het oog van den meester maakt de paarden vet, en dat van het vrouwtje de kamers net.

چشم ارباب اسب را فربه کند
چشم خانم خانه را پاک و تمیز.

De beste mesting is des heerens oog.

بهترین نوع علوفه چشم ارباب است.

De beste mest op den akker is des meesters oog en voet.

بهترین نوع کود بهر زمین
چشم و پای جناب ارباب است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det bedste Giödsel sidder under Bondens Sko.

بهترین کود در کشاورزی
زیر کفش خود کشاورز است.

"Gak med," og "see til," ere to gode Tyende i Bondens Gaard.

«خودم می‌روم» و «حواسم بهش هست» دو نوکر خوب در مزرعه هستند.

Egen Arne koger bedst.

دیگ روی اجاق خودت بهتر می‌جوشد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Oculus domini saginat equum.

چشم ارباب اسب را فربه کند.

نیش شل زن علامت شلی بند اوست.

معادل انگلیسی:

A maid that laughs is half taken.

دختری که می‌خندد توی روی تو سرمست
یعنی این‌که شل شده و نیمی از مخش زده است.

نیک دانم که جهان چون گردد
پولم آنگاه که افزون گردد
در فراق رخ همچون قمرم
دل بسیار کسان خون گردد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is most loved that hath most bags.

هر کسی که کیسه‌هایی بیش‌تر دارد به دست
دوستداران و هواخواهان وی افزون‌تر است.

بی روی تو حاصل نظرها هیچ است
با لعل تو قیمت شکرها هیچ است
نیکی کن و ما را به جماعی بنواز
نیک است که نیک است، دگرها هیچ است. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Sow good works and you will reap gladness.

نیک‌کرداری بکار و شادمانی را درو کن.

و

وازلین و کره را خرج مهی باید کرد

در دل دوست به هر حیله رهی باید کرد.   م. ا. نقیضه بر فروغی بسطامی

معادل عربی: نسآؤکم حرث لکم فأتوا حرثَکم أنّی شئتُم.

(زنان شما کشتزار شما هستند، پس به هر نحو که می‌خواهید وارد کشتزار خود شوید.)

قرآن، بقره: ۲۲۳

زنان کشتزار شمایند، پس

ز هر سو که خواهید وارد شوید

تفسیر:

اگر مردی از شش جهت حمله کرد

حرام است از دست او در روید.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He who wills the end wills the means.

او که هدف را اراده می‌کند وسیله را هم اراده می‌کند.

واعظ شهر چو مهر ملک و شحنه گزید

من اگر مهر نگاری بگزینم چه شود.   حافظ

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به خلوت می‌روند، آن کار دیگر می‌کنند.   حافظ

ترک‌ها می‌گویند: گوندوز موللا، گئجه اوغرو؟ (روز ملا، شب دزد؟)

درویش، بئله ایش؟ (درویش، همچین کاری؟)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Near the kirk, but far frae grace.

نزدیک کلیسا، ولی از رحمت حق سخت به دور.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Je näher der Kirche, je weiter von Gott.

هرچه به کلیسا نزدیک‌تر، از خدا دورتر.

تا به کی آرم به تو عجز و نیاز
وای که یک بوسه و این‌قدر ناز؟
این‌همه هم جور و ستم می‌شود؟
از تو ز یک بوسه چه کم می‌شود؟   ایرج میرزا – زهره و منوچهر

به فردا نینداز آن بوسه را
که امروز هم می‌توان هدیه داد
به خوشبختی کوچکی دل ببند
که لب بر لب آرزویی نهاد.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Tard donner, c'est refuser.

دیر دادن همان ندادن ماست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Tarde dar, e negar, estaõ a par.

کند بودن وقت دادن با جواب رد یکی است.

وفا مال سگ است ای مرد گمراه
من و تو آدمیم الحمدلله
تنوع دلپذیر و دلنشین است
خوشا یک دلبر نو گاه و بیگاه.   م. ا.

در راستی و وفاداری مبالغه مکنید تا به قولنج و دیگر امراض مبتلا نشوید.   عبید زاکانی – صد پند

قدما چنین حرکات (بی‌وفایی) را نادانسته تحسین کرده‌اند و هرگاه شخصی در وفا به اقصی‌الغایه برسد به سگ تشبیه نموده‌اند. مرد باید که نظر با فایدهٔ خود دارد و چون شخصی غرضی که دارد حاصل کند و توقعی دیگر باقی نماند، اگر خود پدرش باشد، باید که قطعاً بدو التفات ننماید. هر بامداد با قومی و هر شبانگاه با طایفه‌ای به سر برد.
... گویند که محی‌الدین عربی که حکیم روزگار و مقتدای علمای عصر خود بود، سی سال با مولانا نورالدین رصدی شب و روز مصاحب بود و یک لحظه بی یکدیگر قرار نگرفتندی. چند روز که نورالدین

در مرض موت بود، محی‌الدین بر بالین او به شرب مشغول بود. شبی به حجره رفت. بامداد که درآمد، غلامان را موی‌ها بریده، به عزای نورالدین مشغول دید. پرسید که حال چیست. گفتند مولانا نورالدین وفات کرد. گفت: «دریغ، نورالدین.» پس روی به غلام خود کرد و گفت: «نمشی و نطلب حریفاً آخر.» (می‌رویم و حریفی دیگر می‌طلبیم.) و هم از آن‌جا به حجرهٔ خود عودت فرمود. گویند بیست سال بعد از آن عمر یافت و هرگز کسی نام نورالدین از زبان او نشنید. راستی همگان را واجب است که وفا از آن حکیم یگانهٔ روزگار بیاموزند. عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

وفا و عهد نکو باشد ار بیاموزی
وگرنه هرکه تو بینی ستمگری داند. حافظ

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amor vuol fede, e fede vuol fermezza.

عشق وفاداری می‌طلبد و وفاداری ثبات شخصیت.

آن کیر که گفتی به سحر می‌خیزد
وز کیر خر عنک بتر می‌خیزد
وقتی به هزار حیله می‌خفت دمی
اکنون به هزار حیله برمی‌خیزد. عبید زاکانی

تو حق داری که گیرد خشمت از من
که ترسیده از اول چشمت از من
نمی‌دانی که ایرج پیر گشته‌ست؟
اگر چیزی از او دیدی، گذشته‌ست
گرفتم کون‌کنم، من حالتم کو؟
برای کوه کندن آلتم کو؟
اگر کون زیر دست و پا بریزد
به جان تو که کیرم برنخیزد
به‌سان جوجهٔ از بیضه جسته
شود سر تا نموده راست خسته
دوباره گردنش بر سینه چسبد
نهد سر روی بال خویش و خسبد

اگر گاهی نگیرد بول پیشم
نیاید یادی از احلیل خویشم
پس از پرواز باز تیزچنگم
به کف یک تسمه باشد با دو زنگم
چنان چسبیده احلیلم به خایه
که طفل مُنفَطِم بر ثَدی دایه
مرا کون فی‌المثل چاه خرابی
کنارش دلوی و کوته طنابی. ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is a cold coal to blow at.

برای فوت کردن زغال سردی است.

It's no use pumping a dry well.

سر چاه وقتی در آن آب نیست
تلنبه زدن کار بیهوده‌ای است.

احساس الاغ و مغز یابو دارد
جای همه‌چیز چشم و ابرو دارد
وقتی زن رختخواب و دیگر هیچ است
مثل گل شب‌بوست که شب بو دارد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The love of a woman in the evening is good, in the morning spoiled.

عشق یک زن سرشب‌ها خوب است
صبح گندیده و نامطلوب است.

نی روز کسی همدم و یارم باشد
نی شب نر و ماده‌ای کنارم باشد
وقتی کپهٔ مرگ گذارد کیرم
من با کس و کون دگر چه کارم باشد. خاکشیر

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Jamais chapon n’aima géline.

حاشا که یکی خروس اخته
دلبستهٔ مرغی شده باشد.

وقتی یه دختر ناز و قشنگه
یا عن‌دماغه یا کس‌مشنگه.   م. ا.

کله‌هه شعب ابی‌طالب بود
بدنه ناف خود لاس وگاس
من و پورازغدی و کانت و دکارت
هگل و هایدگر و هابرماس
هنگ کردیم که آخه چی بود
حکمت از خلقت این دختر خاص
خودمونیم، به ما چه اصلاً؟
مخشو کار بگیر و دِ خلاص
خالقا، جان خودت نیگا کن
حیفه رو این بدنه باشه لباس.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Beauté et folie sont souvent en compagnie.

کلهٔ پوک و روی باب پسند
غالباً یار یکدگر هستند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Bellezza e follia sovente in compagnia.

کله‌ای خالی و رویی دلنشین
غالباً هستند یارانی قرین.

وه، چه تقسیم کار زیبایی
بنده می‌گایم و تو می‌زایی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Let a man be a man, and a woman a woman.

بهل تا مرد مردی باشد و زن هم زنی باشد.

وه، چه جانانه می‌توان گایید
کون انسان کس‌مشنگی را. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wisdom rides upon the ruins of folly.

خرد روی ویرانه‌های بلاهت سواری کند.

ویتامین کِ دارد.

در مورد کس، کون و کیر، یعنی سه عضوی که با حرف کاف شروع می‌شوند، کاربرد دارد.

هر آن‌کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق
بر او نمرده به فتوای من نماز کنید.   حافظ

هرکه از عشق بی‌خبر باشد
اندر این ره به‌سان خر باشد
هرکه عاشق نگشت در معنی
آدمی‌صورت است و خرمعنی.   عراقی

معادل انگلیسی:

A loveless life is a living death.

زندگی بی عشق مرگی زنده است.

هر بلا کاندر جهان بینی عیان
باشد از شومی زنان در هر مکان.   مولوی

معادل انگلیسی:

There's no mischief in the world done,
But a woman is always one.

شیطنتی رخ ندهد در جهان
جز که بُود پای زنی در میان.

معادل لاتین:

Nulla fere causa est, in qua non fœmina litem moverit.

هرکجا جنگی و دعوایی هست
یک زن البته در آن دارد دست.

آهسته درو پشت سرش می‌بنده
می‌شینه و مثل بچه‌ها می‌خنده
با پای خودش اومده تو لونۀ شیر
با دست خودش گور خودش رو کنده

هر جا سخن از بازی دختر پسره
این کنگ‌فوی کوزه و دسته‌تبره
کوزه بزنه به دسته یا دسته به او
بازندهٔ معرکه فقط یک نفره. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Whether the pitcher strikes the stone, or the stone the pitcher, it is bad for the pitcher.

کوزه بخورد به سنگ یا سنگ به آن
این هر دو برای کوزه دارند زیان.

The earthen pot must keep clear of the brass vessel.

گلدان سفال باید از ظرف برنجی قدری فاصله گیرد.

وقتی کس و کون پهلوی هم بنشستند
دادند به هم دست و به هم پیوستند
هر جا کس و کون بساط عشرت چینند
یک کیر و دو خایه نقل مجلس هستند. خاکشیر

کس گفت که کیر را خوش انگیخته‌اند
وان خایه به زیر او خوش آویخته‌اند
گویی که مگر ز فرق تا پایش را
در قالب آرزوی ما ریخته‌اند. عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women want the best first, and the best always.

زنان بهترین چیز را اول از همه می‌خواهند و همیشه هم بهترین چیز را می‌خواهند.

هر چیز که بینی به جهان هست بجا
یک مو قلم صنع نکرده‌ست خطا
چون کیر که گر به مغز سر جایش بود
می‌رفت بشر به کس فرو تا کف پا. خاکشیر

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد.   حافظ

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Nature does nothing in vain.

هیچ کاری در طبیعت بی‌خود و بیهوده نیست.

هر دختری که ناز و لونده

یا کس‌مشنگه یا خودپسنده.   م. ا.

معادل اسپانیولی:

La muger hermosa ó loca ó presuntuosa.

یک زن زیباست یا یک خنگ یا یک عن‌دماغ.

معادل لاتین:

Fastus inest pulchris, sequiturque superbia formam.

غرور اندر سرشت روی زیباست

تکبر همنشین خوبروهاست. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

هر زمان زن کور و شوهر کر شود

زندگی در کامشان خوش‌تر شود.   م. ا.

معادل انگلیسی:

A deaf husband and a blind wife make the best couple.

زوج زن کور و شوهر کر

مطلوب‌ترین زوج جهان است.

معادل فرانسوی:

Mari sourd et femme aveugle font toujours bon ménage.

زوج زن کور و شوهر کر

یک زوج همیشه‌شاد هستند.

هر زمان کار تو می‌افتد به کون

خاصه کون بچه‌پرروهای تخس

جا بکن تا عمق فیها خالدون.   م. ا.

هر دو تا را به درآورد آقا

شرت خود را و دلی را ز عزا.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What you are doing do thoroughly.

هرچه داری می‌کنی تا ته بکن.

Foolish pity spoils a city.

دلسوزی و رحم احمقونه

شهری رو به گند می‌کشونه.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer der Bösen schont, schadet den Frommen.

به رذیلت چو رحمت آورده

به فضیلت بسا ستم کرده.

هر زمانی صاحب کس شل شود

صاحب کیر ای بسا کس‌خل شود.   م. ا.

ز عشق کیر سفتم شل شدی تو

کست را دیدم و کس‌خل شدم من.   م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quatro cosas sacan al hombre de tino, la muger, el tabaco, naypes y vino.

چهار چیز مرد را از خود به در می‌کنند: زنان، توتون، ورق و شراب.

هر زمونی که زنی شیفتهٔ یک مرده

یعنی این‌که هوس کیر کلفتی کرده.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chiama l’arbore, ama il ramo.

هر کسی بر درخت اگر دل بست

عاشق شاخه نیز حتماً هست.

هر زن سفتی دوبرابر شل است

هر نهٔ او آری مستانه‌ای است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Over fast, over loose.

بیش از اندازه شل است آنچه زیادی سفت است.

هر زنی با بوسه‌ای خل می‌شود

سینه‌اش سفت و خودش شل می‌شود.   م. ا.

صاحب سینه شل شده، اما

سینه‌اش سفت می‌شود، عجبا!   م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Kys er Kiærligheds bud.

بوسه‌ها قاصد عشق‌اند.

هر زنی با کیر جر خورده

دیگر از دودول می‌ترسد.   م. ا.

معادل‌های ایتالیایی:

Chi della serpa è punto, ha paura della lucertola.

او که ماری گزیده است او را

مارمولک که دید، می‌ترسد.

Il can battuto dal bastone, ha paura dell'ombra.

چو با چماق سگی یک زمان کتک خورده

دگر ز سایهٔ آن نیز می‌هراسد او.

معادل دانمارکی:

Den som er bidt af en Snog er bange for en Aal.

او که ماری گزیده است او را

مارماهی که دید، می‌ترسد.

هر زنی با مانتوی کوتاه بیرون آمده

ضربه‌ای جانانه بر ماتحت ملاها زده.   م. ا.

هر زنی خوب است، اما تا به کی؟

تا زنی زیباتر آید جای وی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A new friend makes the old forgotten.

رفیقی نو رفیق کهنه‌ای را
به زودی می‌برد از خاطر ما.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Neukommen, willkommen.

خوش آمده‌ست هر آن‌کس که تازه آمده است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Un amor saca otro.

یک عشق عشق دیگری را می‌رماند.

Amores nuevos olvidan viejos.

عشق‌های تازه عشق‌های کهنه را بیرون می‌رانند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Nykommen er altid velkommen.

مقدم نوآمده همیشه گرامی است.

گه تراول توی جیبش می‌نهند
گه به دستش حلقهٔ زر می‌کنند
الغرض، صدها فسون و حیله هست
هر زنی را یک مدل خر می‌کنند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There are more ways to the wood than one.

راه‌هایی که به جنگل می‌رود بیش از یکی است.

All fish are not caught with flies.

هر ماهی‌ای با طعمه صید نمی‌شود.

The fish may be caught in a net that will not come to a hook.

سوی قلاب ار نیاید ماهی‌ای
می‌توان با توری او را صید کرد.

هر زنی طعم خودش را دارد

این‌وسط طعم عسل شیرین است.   م. ا.

یا: هر گلی یک بویی دارد. این نظریهٔ دون ژوان‌ها یا دون ژوان‌نماهاست.

هر زنی نرخ خودش رو داره

داف پا منبر آقا چنده؟   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Chacun vaut son prix.

هر کسی قیمت خود را دارد.

هر زنی یک بار اگر جر خورده است

گر مدادی را ببیند در افق

طفلکی از ترس و وحشت مرده است.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il cane scottato dall’acqua calda, ha paura della fredda.

سگ چو با آب جوش سوخته است

دیگر از آب سرد می‌ترسد.

هر زنی یک بار جر خورده

تا ابد از کیر می‌ترسد.   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer sich das Maul verbrennt hat, bläst die Suppe.

او که یک بار دهانش را سوزانده، همیشه سوپش را فوت می‌کند.

Was wehe thut, das lehrt.

آنچه دردآور بُود درسی دهد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een gebrand kind vreest het vuur.

بچه گر دست به آتش زده و سوخته است

وحشت از شعلهٔ آتش را آموخته است.

هر عیالی هرچه هم خوب و قشنگ و دلبر است

مردن او بهترین خوش‌شانسی یک شوهر است.   م. ا.

الفراغه: مرگ زن.   عبید زاکانی – تعریفات

بعضی شوهرها روی سنگ قبر زنشان یادبودی می‌نویسند. چند تا از یادبودهایی که مردان انگلیسی برای زنانشان نوشته‌اند در این‌جا نقل می‌شوند:

Here lies my wife, and, Heaven knows,
Not less for mine than her repose.

در این‌جا همسر من آرمیده است و خدا گواه است
که من کم‌تر از او به آرامش نرسیده‌ام.

Here lies my poor wife, much lamented;
She is happy, and I am contented.

ای دریغا که در این‌جا همسر بیچارهٔ من آرمیده‌ست
او خوش و شاد است و من هم راضی‌ام.

Here lies my wife, a sad slattern and shrew,
If I said I respected her I should lie too.

در این‌جا همسر من، یک زن شلختهٔ چموش اعصاب‌خردکن، آرمیده است
اگر می‌خواستم بگویم برایش احترام قائل بودم باید دروغ می‌گفتم.

Here lies my poor wife,
Without bed or blanket;
But dead as a door nail:
God be thanked.

در این‌جا همسر بیچارهٔ من آرمیده است
بدون تخت یا پتو
اما بی‌جان به مانند میخ در
باید خدا را سپاس گفت.

Here lies, returned to Clay,
Miss Arabella Young,
Who, on the first of May,
Began to hold her tongue.

در این‌جا خانم آرابلا یانگ آرمیده است
او به دامان خاک بازگشته است

کسی که در تاریخ اول مِی جلوی زبانش را گرفت.

Beneath this silent stone is laid,
A noisy, antiquated maid,
Who from her cradle talked till death,
And ne'er before was out of breath.

زیر این سنگ خاموش زن جوان پرسروصدا و املی آرمیده است
که ز گهواره تا گور هی حرف زد
و تا قبل از این هرگز از نفس نیفتاده بود.

Here rests my spouse; no pair through life,
So equal lived as we did;
Alike we shared perpetual strife,
Nor knew I rest till she did.

در این‌جا شریک زندگی من آرمیده است
کسی که در زندگی با هم جور نبودیم
ولی یکسان با هم زندگی کردیم
در نزاعی جاودانه شریک بودیم
و تا وقتی او به آرامش نرسید، من نفهمیدم آرامش یعنی چی.

I laid my wife beneath this stone,
For her repose and for my own.

من زنم را زیر این سنگ نهادم
برای آرامش او و آرامش خودم.

Here my poor Bridget’s corpse doth lie,
She is at rest — and so am I.

در این‌جا آرمیده است جسد بریجیت بی‌نوای من
او به آرامش رسیده است و من هم ایضاً.

My wife lies here,
All my tears cannot bring her back;
Therefore, I weep.

زن من این‌جا آرمیده است
همهٔ اشک‌های من نمی‌تواند او را بازگرداند
برای همین من گریه می‌کنم.

در کلیسای پریتلول Prittlewell مردی دو همسرش را در یک قبر دفن کرد و روی سنگ قبرشان نوشت:

Were it my choice that either of the twaine,
Might be restor'd to me to enjoy again,
Which should I choose?
Well, since I know not whether,
I'll mourn for the loss of both,
But wish for neither.

اگر می‌توانستم یکی از این دو را انتخاب کنم که دوباره به من بازگردانده شود تا با او خوش باشم
کدام یک را باید انتخاب می‌کردم؟
خب، از آن‌جا که نمی‌دانم کدام یک را انتخاب کنم
برای از دست دادن هر دو عزاداری خواهم کرد
ولی آرزوی بازگشت هیچ‌کدام را ندارم.

اما در این میان، تک‌وتوک، شوهران عاشقی هم پیدا می‌شوند. مثل این‌یکی که در گورستان کلیسای تورینگتون Torrington روی سنگ قبر زنش نوشته:

She was —my words are wanting to say what—
Think what a woman should be —she was that.

او – دارم دنبال کلمهٔ مناسب می‌گردم –
فکر کن یک زن چه باید باشد؛ او همان بود.

البته به این‌یکی هم نمی‌شود اطمینان داشت. این‌که بگویی او همانی بود که یک زن باید باشد شاید لزوماً تمجید نباشد.

یک شعر عامیانهٔ فرانسوی می‌گوید:

Dous bouns jours à l'home sur terro:
Quand pren mouilho, e quand l'enterro.

در همه زندگی یک آدم
کلهم هست دو روز بی‌غم:
یکی آن روز که زن می‌گیرد
بعد روزی که زنش می‌میرد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man's best fortune is a dead wife.

یک زن مرحومهٔ مغفورهٔ خلدآشیان

آخر خوشبختی یک مرد باشد در جهان.

A dead wife is the best goods in a man’s house.

هست توی سرای یک آقا

یک زن مرده بهترین کالا.

He that loseth his wife and sixpence hath lost a tester.

مردی که هم زنش و هم شش پنی را از دست می‌دهد یک تستر از دست داده.

(تستر: سکه‌ای قدیمی، معادل شش پنی.)

A wife brings but two good days, her wedding day and death day.

یه زن برای تو کلاً دو روز خوب می‌آره

یکیش روز عروسی، یکیش روز وفاتش.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

"I winna mak a toil o' a pleasure," quo' the man when he buried his wife.

موقع دفن همسرش یک مرد

گفت: حاشا اگر خیال کنید

عیش خود را خراب خواهم کرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Doglia di moglie morta dura fino alla porta.

غم و غصهٔ هر زن مرده‌ای

فقط تا دم در دوام آورد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Dôr de mulher morta, dura até a porta.

ماتم یک عیال مرحومه

تا دم در دوام دارد و بس.

هر کس از زن و مرد جماع نداد همیشه مفلوک و منکوب باشد و به داغ حرمان و خذلان سوخته.

عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Sic as ye gie, sic will you get.

آن‌چنان که بدهی می‌گیری.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Faze mal, e espera outro tal.

بدی کن و به جوابش در انتظار بدی باش.

هر کس در بچگی کون داد، در بزرگی به جایی رسید.

در کودکی کون از دوست و دشمن و خویش و بیگانه و دور و نزدیک دریغ مدارید تا در پیری به درجهٔ شیخی و واعظی و جهان‌پهلوانی و معرفی برسید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that would reap well must sow well.

خوب باید که بکارد آن مرد
گر بخواهد دروی خوبی کرد.

The hand that gives, gathers.

دستی که می‌دهد عوضش جمع می‌کند.

Keep good men company and you shall be of the number.

پی نیکان بگیر و نیکو شو.

Kindnesses, like grain, increase by sowing.

مهربانی‌ها، شبیه دانه‌ها
تا که می‌کاری زیادت می‌شوند.

He who does me good teaches me to be good.

هر کسی در حق من نیکی کند
نیک بودن را به من آموخته.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Keep gude company, and ye'll be counted ane o' them.

همنشین و همدم نیکان بشو
تا تو را هم جزو آنان بشمرند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Accostati a' buoni e sarai uno di essi.

به نیکان بپیوند و نیکو بشو.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien bien siembra, bien coge.

هرکه نیکو کاشت نیکو بدرود.

Cada uno es hijo de sus obras.

هر کسی فرزند اعمال خود است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Acompanha com os bons, e séras hum delles.

تو با نیکان چو کردی همنشینی
خودت را یک تن از آنان ببینی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Bij de vromen wordt men vroom.

در کنار نیکمردان نیکمردی می‌شویم.

هر کس که به طفلیش به خر رحم نکرد
از او به بزرگی چه توقع داری.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It early pricks that will be a thorn.

اگه که باشه قرار که یه چیزی بشه خار
می‌زنه سوزنشو از همون اول کار.

هر کس که نمود جنده‌بازی
دائم به ذکر علیل باشد
سوزاک نمایدش بلاشک
گر دختر جبرییل باشد.   ایرج میرزا

بیضه‌ام رنجور شد، از بیضه‌ات دور ای وزیر
پرسشی کن گاهگاه از حال رنجور ای وزیر
دیرگاهی شد که از احوال تخمم غافلی
این‌چنین غفلت بُود از چون تویی دور ای وزیر
از همان روزی که شد با تو امور خارجه
بیضه‌ام از نو ورم کرده‌ست پرزور ای وزیر

این نه آن خایه‌ست کان را دیده‌ای در کودکی
در بزرگی گشته این اوقات مشهور ای وزیر
چون جراید را دو روز دیگر آزادی دهند
شرح آن را دید خواهی جمله مسطور ای وزیر
نسبتاً اندر درشتی دانهٔ خرما شده‌ست
بیضه‌ای کو بود چون یک حب انگور ای وزیر
عاقبت چشم بد مردم بدو آسیب زد
گرچه بود از چشم‌ها پیوسته مستور ای وزیر
پاک وافوری شدم از بس‌که گفتند این و آن
بهر تسکین وجع خوب است وافور ای وزیر
برندارم یک قدم از ترس جان بی بیضه‌بند
گشته‌ام در دست تخم خویش مقهور ای وزیر
آن‌چنان حساس شد تخمم که زحمت می‌برد
از طنین پشه‌ای چون نیش زنبور ای وزیر
پی به درد من نخواهی برد با این حرف‌ها
تا نگردد بیضه‌ات با بیضه‌ام جور ای وزیر
رحم کرد ایزد که یک تخمم چنین رنجور گشت
هر دو گر می‌شد، شدی نورٌ علی نور ای وزیر
خایهٔ بیچاره را این زحمت از کیر است و بس
جمله آتش‌ها بُود از گور این کور ای وزیر
کیر کافرکیش یک شب اختیار از من ربود
خورده بودم کاش آن شب حب کافور ای وزیر
کون صافی بود، لیکن میکرب سوزاک داشت
همچو زهری کو بُود در جام بلّور ای وزیر
لذتی گر بود یا نه، حالی آن لذت گذشت
زحمتش باقی است با من تا لب گور ای وزیر
هر سحر دارم امید آن که دیگر چرک نیست
چون فشارم کلهٔ کیرم، شوم بور ای وزیر
بس‌که دستور آمد و انواع مرهم‌ها گذاشت

رید بر تخم من بیچاره دستور ای وزیر
زین جسارت‌ها که کردم، عذر من پذرُفته دار
شاعرم من، شاعران باشند معذور ای وزیر.   ایرج میرزا

معادل آلمانی:

Wer den einen Fuß im Hurenhaus hat, hat den andern im Spital.

او که یک پایش در فاحشه‌خانه‌ای است، پای دیگرش در بیمارستانی است.

خوش‌تر از عشق و عشقبازی چیست؟
خرتر از زن‌ستیز نادان کیست؟
هر کسی بردهٔ زنی نشده
او که یک زن‌ذلیل کامل نیست
یا مخش ضربه دیده یا این‌که
حاصل ازدواج فامیلی است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that hates woman sucked a sow.

مردی که دل به نفرتِ از زن نهاده است
پستان ماده‌خوک به او شیر داده است.

آلمانی‌ها هم می‌گویند:

Heirathen in’s Blut thut selten gut.

ازدواج فامیلی هیچ وقت خوب نیست.

هر کسی دل به وفای زن بست
هیچ شک نیست که از بیخ خر است.   م. ا.

نشاید یافتن در هیچ برزن
وفا در اسب و در شمشیر و در زن
وفا مردی است، بر زن چون توان بست
چو زن گفتی بشوی از مردمی دست
بسی کردند مردان چاره‌سازی
ندیدند از یکی زن راست بازی.   نظامی

آلمانی‌ها می‌گویند:

Zeit, Wind, Frauen und Glück, verändern sich all' Augenblick.

تغییر می‌کنند دمادم چهار چیز:

اقبال نیک و باد و زنان و زمانه نیز.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Muger, viento, y ventura, presto se muda.

در سه پدیده: زن و تقدیر و باد

هست دگرگون شدن اندر نهاد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Molher, vento, e ventura asinha se muda.

باد و اقبال و زنان زود دگرگون گردند.

هر کسی را که دلت می‌خواهد بی‌تحاشی می‌گای تا عمر بر تو وبال نگردد. عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

دل من مرجع تقلید من است

هرکه را گفت بکن، من کردم. م. ا.

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Trust your heart.

به دل خویش اعتماد بکن.

Trust your instincts.

به غرایزت اعتماد کن.

The ass brays when he pleases.

خره هر وقت که عشقش بکشه می‌خونه.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het herte en liegt niet.

دل دروغی به ما نمی‌گوید.

هر کسی روی کون او مو نیست

به خیالت که عین تو کونی است؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Judge not of men or things at first sight.

دربارهٔ هرآنچه ز اشیاء و آدمی است
با اولین نگاه قضاوت نکن که چیست.

Judge not, that ye be not judged.

تو هرگز کسی را قضاوت نکن
مبادا تو را هم قضاوت کنند. (نقل قولی از انجیل است: متی ۷:۱.)

هلندی‌ها می‌گویند:

Hij beoordeelt een ieder naar zich zelven.

دیگران را با ملاک خویش می‌سنجد.

هر کسی زر زد که اون کارا بده
یا الاغه یا که یک چیزی زده.   م. ا.

من چو گویم که قدح نوش و لب ساقی بوس
بشنو از من که نگوید دگری بهتر از این.   حافظ

رومیان باستان می‌گفتند:

Dona præsentis rape lætus horæ.

از خوشی‌هایی که هر دم آورد
مرد باید شادمان لذت برد. (نقل قولی از هوراس Horace است.)

هر کسی زود زنی می‌گیرد
زود هم پیر شده می‌میرد.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Early wed, early dead.

زود زن می‌گیرد
زود هم می‌میرد.

خودپسندی و مدح کردن خویش
هست اسمش شبیه‌سازی عشق
هر کسی عاشق خودش شده است
بی‌رقیب است توی بازی عشق.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Proud looks lose hearts, but courteous words win them.

نگاه‌های خودپسندانه دل‌ها را از دست می‌دهند، اما کلمات مؤدبانه آن‌ها را به دست می‌آورند.

He that thinks too much of his virtues bids others think of his vices.

هر کسی که به حسن‌های خودش
هی بیندیشد و بُود خرسند
دیگران را مدام وا دارد
به عیوبش فقط بیندیشند.

A man gains nothing by vainglory but contempt and hatred.

به‌جز تحقیر و کینه هیچ چیزی
ز مدح خویشتن حاصل نگردد.

He that boasteth of himself affronteth his company.

اگر به خویش مباهات و فخر آورده
به همنشین خودش او اهانتی کرده.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amato non sarai, se à te solo penserai.

گر تو تنها به خود بیندیشی
دیگران دوستت نمی‌دارند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No serás amado si de tí solo tienes cuidado.

گر تو تنها به خود بها بدهی
دیگران دوستت نمی‌دارند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Multi te oderint si teipsum ames.

چه زیادند که از تو متنفر باشند
عاشق و شیفتهٔ خویش اگر که باشی.

ادعای پوچ و توخالی نکن

هر کسی کون می‌کند او کون‌کن است.   م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien pesca un pez, pescador es.

او که یک ماهی بگیرد مرد ماهیگیری است.

با دم شیر او که بازی می‌کند
مزهٔ رنجاندنش را می‌چشد

هر کسی کیر مرا بیدار کرد
زحمت خواباندنش را می‌کشد. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند:

Uyuyan yılanın kuyruğuna basma.

بر دم مار خفته گام منه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Let sleeping dogs lie.

بهل سگ‌های خفته خواب باشند.

Misfortunes when asleep are not to be wakened.

مصیبت‌ها اگر خوابیده باشند
نباید مطلقاً بیدارشان کرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non svegliare il can che dorme.

سگ خفته‌ای را ز جا برنخیزان.

هلندی‌ها می‌گویند:

Neemt nooit bij de hand dat u hier na mocht rouwen.

توی دستت نگیر چیزی را
که پشیمانی آورد چه بسا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Man skal ei kaste Steen efter den Hund som ligger stille.

به سوی سگی خفته سنگی نینداز.

هر کسی یک زن زیبا دارد
روز و شب با همه دعوا دارد. م. ا.

غیرتم کشت که محبوب جهانی، لیکن

روز و شب عربده با خلق خدا نتوان کرد.   حافظ

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvo der haver en hvid Hest og deilig Kone, er sjelden uden Sorg.

هر کسی اسب سفید و زن زیبا دارد

دردسر از همه سو بر سر او می‌بارد.

آن کون بلاخوردهٔ صاحب‌مرده

از دم دل بچه‌بازها را برده

هر کون قشنگ و هوس‌انگیز و تپل

تردید نکن که آخرش جر خورده.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The fairest silk is soonest stained.

زیباترین ابریشم زودتر لک می‌گیرد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Schöne Blumen stehen nicht lange am Wege.

زمانی دور گل‌های خوشایند

کنار جاده پابرجا نمانند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Ovelha farta, do rabo se espanta.

آن بره که خوب خورده باشد

از دنبهٔ خویش می‌هراسد.

هر معرفتی که مرد بنگی گوید

بر کیر خری نویس و در کونش کن.   عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Dangerous to preach over your liquor.

آن زمانی که تو شنگولی و مست

وعظ کردن عملی پرخطر است.

Counsels in wine seldom prosper.

آن پندها که موقع مستی به کس دهند

بسیار نادر است که باشند سودمند.

هر نکن مادر صدها بکن است

واژه‌ای بکر بدین‌سان زایاست.   م. ا.

کیست کز ممنوع گردد ممتنع

چون‌که الانسان حریصٌ ما مُنع.   مولوی

معادل عربی: الانسانُ حریصٌ علی ما مُنع.

(انسان به آنچه از آن منع شود حریص می‌شود.)   حدیثی منسوب به علی بن ابی‌طالب

معادل انگلیسی:

Forbid a thing, and that we will do.

قدغن کن تو فقط کاری را

تا همان را بکنیم از دم ما.

هرآنک از پشت آدم زاد، ناچار

رود بر پشت فرزندان آدم.   سعدی

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Che sarà, sarà.

می‌شود آنچه قرار است شود.

هرچند که هجران ثمر وصل برآرد

دهقان جهان کاش که این تخم نکشتی.   حافظ

ترک‌ها می‌گویند: نه بئله وصلین اولایدی، نه ائله هیجرانین.

(ای کاش نه چنین وصلی داشتی، نه چنان هجرانی.)

هرچه آن خسرو کند شیرین بُود.

معادل انگلیسی:

Love sees no faults.

عشق اگر در دیده بنشیند

هیچ عیبی را نمی‌بیند.

دختری شب ز مادرش پرسید
که بگو از برای من مادر
کیرهایی که آید اندر کار
چاق آن بهتر است یا لاغر
مادر آهی کشید، گفت: نه نه
هرچه باشد کلفت‌تر، بهتر.   خاکشیر

آن قحبه را چو خارش در کون و کس فتد
کیری خواهد که کون و کسش را یکی کند.   سوزنی سمرقندی

هرچه پول حاجی‌آقا بیش‌تر
دختران در عشق او دلریش‌تر.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:
Un homme riche n'est jamais laid pour une fille.

هرگز آن مردی که دارا و غنی است
در نگاه دختری بدریخت نیست.

هرچه تایمش زیادتر می‌شه
سایز خانم گشادتر می‌شه.   م. ا.

معادل اسکاتلندی:
The mair ye tramp in a cunt it grows the broader.

تلنبه هرچه درونش زیادتر بزنی
گشادتر بشود عضو لای پای زنی.

مخ بی‌مخ زدن چه آسان است
هرچه دختر مشنگ‌تر، بهتر.   م. ا.

هرچه یک زن قشنگ‌تر باشد
کس‌خل و کس‌مشنگ‌تر باشد.   م. ا.

من به عمرم ندیده‌ام جایی
دختر باشعور زیبایی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fair folk are aye fushionless.

کلهٔ آدم خوشگل پوک است.

هرقدَر پول تو افزون می‌شود
جلوهٔ دول تو افزون می‌شود. م. ا.

ماهی که نشسته بود پیشم، برخاست
گفتم که چو سرو هست بالایت راست
گفتا که قدم سرو و رخم همچون ماه
این‌ها همه حرف است، بگو پول کجاست. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Money makes the old wife trot.

پول کاری می‌کند که عیال پیر یورتمه برود.

هرقدَر هم کون دختر تنگ بود
سانت سانتی می‌توان آن را گشود. م. ا.

با قدم پشت قدم پشت قدم
می‌رود راه درازی آدم. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One step at a time.

هر بار یک قدم.

Little by little and bit by bit.

اندک اندک و ذره ذره.

Rome was not built in a day.

رم یک‌روزه بنا نشد.

Skill is stronger than strength.

مهارت ز قدرت قوی‌تر بُود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Step by step climbs the hill.

گام گام از تپه بالا می‌روند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Rompe una pietra una goccia d'acqua.

یک قطرهٔ آب سنگ را می‌شکند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

De un solo golpe no se derrueca un roble.

بلوطی با یکی ضربه نیفتد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Voet voor voet gaat men ver.

آدمی با یک قدم در یک قدم
راه بس دور و درازی می‌رود.

Langzamerhand volbouwt de vogel zijn nest.

مرغکی آشیانهٔ خود را
اندک اندک نماید او برپا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Gutta cavat lapidem non vi sed saepe cadendo.

قطرهٔ آب سنگ را نه با زور، که با چکیدن مداوم سوراخ می‌کند.

زن خود را اگر نگایی تو
دیگری شک نکن که می‌گاید
هرکجا ازدواجِ بی‌عشقی است
عشقِ بی‌ازدواج می‌آید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is not finding someone to live with; it's finding someone whom you can't live without.

عشق پیدا کردن جفتی برای زندگی کردن که نیست
عشق پیدا کردن آن یک تن است
که اگر پیشت نباشد، زندگی مفهوم غیرممکنی است.

هرکجا حضرت شیطان نتواند برود

جای او دخترکی راهی آن‌جا بشود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The devil danceth in women’s plackets.

توی جیب پیش‌بند بانوان

حضرت ابلیس می‌رقصد نهان.

دور چیزی که به کش رفتن آن می‌ارزد

دزد طراری و تردست دغلکاری هست

هرکجا دخترک بی‌مخ زیبارویی است

در کنارش پسر مخزن قهاری هست

هوس ماه عسل کرده دلم، دلبرکم

زیر کندوی عسل خرس عسل‌خواری هست. م. ا.

معادل انگلیسی:

A fair woman and a slasht gown find always some nail in the way.

یک زن ناز و قشنگ و یک ردای ریش‌ریش

چندتایی میخ می‌یابند اندر راه خویش.

معادل فرانسوی:

Belle fille et méchante robe trouvent toujours qui les accroche.

دختر ناز و قشنگی یا ردایی ریش‌ریش

گیر خواهد کرد بر قلابی اندر راه خویش.

معادل ایتالیایی:

Bella donna e veste tagliazzata sempre s'imbatte in qualche uncino.

یک زن ناز و قشنگ و یک لباس ریش‌ریش

چند تا قلاب می‌یابند اندر راه خویش.

هرکجا که عکس قلب تیرخورده‌ای است

شک نکن که او که عکس را کشیده است

مرد از نگار خویش کیرخورده‌ای است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every picture tells a story.

قصه‌ای در دل هر تصویری است.

A picture paints a thousand words.

در دل هر نگاره‌ای نقش هزار واژه است.

Painted pictures are dead speakers.

پرده‌های نقاشی مردهٔ سخنگویند.

هرکه با ساپورت بیرون آمده
ضربه‌ای محکم به کون دین زده.   م. ا.

خیلی سه شده وضع دو ساق تو یکی
ساپورت به پا می‌کنی و می‌پلکی
با این عمل انگار به هرچی شیخ است
بیلاخ نشان دادی و گفتی که زکی.   م. ا.

هرکه خواهد که چو حافظ نشود سرگردان
دل به خوبان ندهد وز پی ایشان نرود.   حافظ

می‌خورد خون دلم مردمک دیده، سزاست
که چرا دل به جگرگوشهٔ مردم دادم.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Be warned by others' harms.

از بلاهایی که نازل می‌شوند
بر سر دیگرکسان گیرید پند.

A wise man learns by others' harms, a fool by his own.

یک خردمند از زیان دیگران عبرت گرفت
از زیان خویشتن عبرت گرفت اما خرفت.

Wise men learn by other men's mistakes; fools, by their own.

عاقلان از اشتباه دیگران گیرند پند
ابلهان با اشتباه خویش دانا می‌شوند.

It is good to beware by other men's harms.

خوب است از آن بلا که زد بر دگران

اندرز بگیری و بپرهیزی از آن.

Let another's shipwreck be your sea-mark.

چنانچه غرقه در آب است کشتی دگران
بهل نشانهٔ دریایی تو باشد آن.

Learn wisdom by the follies of others.

خرد را از حماقت‌های دیگرمردمان آموز.

One man's fault is another man's lesson.

خطای یکی درس آن دیگری است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Sæl er den, der kan see ved anden Mands Skade.

ای خوش آن مرد که هشیار شد و کرد حذر
زان بلاها که بیامد سر افراد دگر.

هرکه را دل تنگ بُود، کونش فراخ بُود و هرکه را دل فراخ بُود، کونش تنگ بُود.   شمس تبریزی

هرکه زن عاقل و فرزانه‌ای است
داغ که باشد خل و دیوانه‌ای است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love makes one fit for any work.

عشق انسان را به هر کاری توانا می‌کند.

شیخ زیر لحاف خواهد شد
با زنی در مصاف خواهد شد
هرکه عمری اصول کافی خواند
فکر و ذکرش سه کاف خواهد شد
قبلهٔ روح مرد روحانی
یک وجب زیر ناف خواهد شد
بعدِ زَوَّجتُکِ و اَلــ.. اَلــ.. اَلــ..
خنجری در غلاف خواهد شد
پنجهٔ موشکاف او گرمِ

اکتشاف شکاف خواهد شد
کاف اول اگر کفاف دهد
کاف دوم معاف خواهد شد
گر کفایت نکرد، آن یک هم
روی این یک مضاف خواهد شد
تحت الطاف شیخ بی‌انصاف
دهن داف صاف خواهد شد
عشق وقتی بدون ال باشد
اسم آن انحراف خواهد شد
درد هشتاد ضربهٔ شلاق
مزد عشق خلاف خواهد شد
در جهنم فلان عاشق با
سیخ سرخی شیاف خواهد شد
شیخ چون ال‌الی بلد شده است
از شیافش معاف خواهد شد
با سه میلیارد حوری حشری
تا ابد در زفاف خواهد شد
چند تا اَل به جنده‌ای جا کن
خواهری باعفاف خواهد شد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He needs must go that the devil drives.

او که شیطان راندش باید رود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He needs maun rin that the deil drives.

هرکه ابلیس براند او را
چاره‌ای نیست جز آن‌که بدود.

هرگز جماعتی که شنیدند سر عشق
نشنیده‌ام که باز نصیحت شنیده‌اند.   سعدی – غزلیات

معادل ایتالیایی:

Contro amore non è consiglio.

اندرز علیه عشق هیچ است.

هزار بدم فشار بدم؟

یک آمریکایی گمنام گفته است:

Whoever said money can’t buy happiness didn’t know where to shop.

هر کس گفته با پول نمی‌شود شادی خرید نمی‌دانسته از کجا باید خرید کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui paye bien, est bien servi.

او که پول خوبی می‌دهد خدمت خوبی دریافت می‌کند.

هزار وعدهٔ خوبان یکی وفا نکند.

تا خانهٔ تقدیر بساط چمن آراست
نشنید کس از سروقدان یک سخن راست. فروغی بسطامی

هست نوزاد خفته در بستر
قدردان محبت مادر
به تو روزانه می‌دهد پاداش
نیم کیلو عن و دو لیوان شاش. م. ا.

ز سادگی است به فرزند هرکه خرسند است
که مادر و پدر غم وجود فرزند است. صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A dog’s tooth, a horse’s hoof, and a baby’s bottom are not to be trusted.

نمی‌باید که اطمینان به دندان سگی کردن
به سم اسبی و ماتحت یک نوزاد هم ایضاً.

One chick keeps a hen busy.

جوجه‌ای یک مرغ را مشغول می‌دارد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Smaae Börn, smaae Sorger; store Börn, store Sorger.

بچه‌های کوچک، غصه‌های کوچک؛ بچه‌های بزرگ، غصه‌های بزرگ.

هلو، برو تو گلو.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I love you so that I could eat ye.

آن‌قدر دوستت دارم که می‌توانم بخورمت.

همان دختر که در ظاهر خجول است
فقط موضوع فکرش شومبول است. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le feu le plus couvert est le plus ardent.

آتشی که بیش‌تر پنهان شود
سرکش و سوزان‌ترین آتش بُود.

موی آن است که چون سرزند از عارض تو
همه اعضایت تغییر کند پا تا سر
نه دگر وصف کند کس سر زلفت به عبیر
نه دگر مدح کند کس لب لعلت به شکر
نه دگر باشد روی تو چو ماه نخشب
نه دگر ماند قد تو به سرو کشمر
گوشت آن گوش است، اما نبُود همچو صدف
چشمت آن چشم است، اما نبُود چون عبهر
طره‌ات طرۀ پیش است، ولی کو زنجیر؟
سینه‌ات سینۀ قبل است، ولی کو مرمر؟
همچو این مو که کند منع ورود از عشاق
خار آهن نکند دفع هجوم از سنگر
نه دگر کس ز قفای تو فتد در کوچه
نه دگر کس به هوای تو ستد در معبر
آن که بر در بُود امسال دو چشمش شب و روز
که تو بازآیی و برخیزد و گیردت به بر
سال نو چون به در خانۀ او پای نهی
خادم و حاجب او عذر تو خواهد بر در. ایرج میرزا

روزی محبوبی مصیبت‌دیده، یعنی به ریش آمده، در کوچه‌باغی می‌گذشت. باغبانی را دید که پرچین از خار بر دیوار باغ می‌نهاد. گفت: «پرچین از بهر چه می‌نهی؟» گفت: «تا کسی بدان

درنیاید.» گفت: «بدین زحمت چه حاجت؛ دو تار موی ریش بر طرف باغ بنشان تا هیچ آفریده پیرامون آن نگردد.» عبید زاکانی – ریش‌نامه

همسایه‌ها، یاری کنید تا من شوهرداری کنم.

زبان حال زنان تنبل است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Casar, casar, e que do governo.

ازدواج کن، ازدواج کن، اما خانه‌داری چی؟

همهٔ زندگی که سکس نیست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Time flies when you're having fun.

آن زمانی که تو خوش می‌گذرانی
وقت در حال فرار است و ندانی.

همیشه بخت عاشق شور باشد
ز بخت شور چشمش کور باشد
بُود پیدا و پندارد نه پیداست
ابا صد یار پندارد که تنهاست
کلوخی را که او در پس نشیند
مر او را چون کُه البرز بیند

شما هر دو به عشق اندر چنینید
خوشی بینید و رسوایی نبینید. فخرالدین اسعد گرگانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love is blind.

عشق کور است.

Though love is blind, yet 'tis not for want of eyes.

عشق هرچند که نابینایی است
کوری‌اش از سر بی‌چشمی نیست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Pensano gl’innamorati cho gli altri siano ciechi.

عاشقان را هست پنداری به سر
که به‌کل کورند افراد دگر.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Piensan los enamorados que tienen los otros los ojos quebrados.

عاشقان راست چنین وهم و خیالی در سر
که به‌کل چشم ندارند کسان دیگر.

یک ضرب‌المثل مکزیکی هم می‌گوید:

Love is blind but not the neighbours.

عشق کور است، ولی همسایه‌ها نه.

همیشه موقع پیکار ماده با نر مست
لباس رزم زنان جوشن برهنگی است. م. ا.

خندیدی و لامپ را که روشن کردی
آهنگ نبرد با دل من کردی
مستانه که ایستادی و لخت شدی
انگار لباس رزم بر تن کردی. م. ا.

شکسپیر Shakespeare گفته است:

All orators are dumb when beauty pleadeth.

به هنگامی که زیبایی به گفتار
درآید، هر خطیبی لال گردد.

همین که دست دختر به چفت در رسید، باید شوهرش داد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Marry your daughters betimes, lest they marry themselves.

دخترهایت را سر موقع شوهر بده؛ والا خودشان خودشان را شوهر می‌دهند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Frühe Hochzeit, lange Liebe.

ازدواج زودهنگام، عشق طولانی.

همین که زنی یک‌نمه شل شود
بسا مرد عاقل که کس‌خل شود.   م. ا.

غنچه‌هایت چه زود گل شده‌اند
دو انار تپل‌مپل شده‌اند
سنگ هستند بس‌که سفت شدند
انگ کار یه‌قل‌دوقل شده‌اند

مرد جوگیر می‌شود، ای وای
جو بازی زیاد سنگین است
یک مبارز همیشه آتشی است
عاشق جنگ‌های خونین است
رود اردن چقدر پرآب است
سیب لبنان چقدر شیرین است
قلوه‌سنگی درون هر مشتش
وقف آزادی فلسطین است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women and wine do make a man,
A doting fool all that they can.

مرد را باده و زنان لوند
تا توانند اسکلش بکنند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wein und Weiber machen alle Welt zu Narren.

شراب و زنان هر کسی را مشنگی کنند.

هنوز جایش درد می‌کند.

ترک‌ها می‌گویند: هله یاراسی ساغالماییب. (هنوز زخمش خوب نشده.)

هنوز نکرده، می‌گوید آخ.

معادل‌های انگلیسی:

Do not cry out before you are hurt.

پیش از آنی که ببینی صدمه
داد و بیداد نکن پیش همه.

Do not fall before you are pushed.

تا تو را هل نداده‌اند نیفت.

معادل فرانسوی:

Follie fait plorer deuant que on soit batu.

صدمه تا به تو وارد نشده داد نزن.

صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت:
ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت
گل بخندید که از راست نرنجیم، ولی
هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Love and business teach eloquence.

یکی عشقه، یکی هم کاسبی که
فصاحت رو به آدم یاد می‌ده.

Love makes all hearts gentle.

عشق در دل‌ها محبت می‌نهد.

گل اگه عطر و بو نده گل نیست
هیچ فردی شبیه دخترکی
که کسش آکبنده کس‌خل نیست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What's the good of a sun-dial in the shade?

چه سودی است در ساعتی آفتابی
در آن وقت‌هایی که در سایه باشد؟

هیچ کونی کون رفیق نمی‌شود.

خوش آن که اندر ره دوست جان دهد
به راه عشق آنچه نکوست آن دهد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is my friend that succoureth me, not he that pitieth me.

دوستم اوست که هنگام بلا یاری داد

نه هر آن‌کس که دلش سوخت و دلداری داد.

He is rich who has true friends.

کسی را آدمی دارا ببینی

که دارد دوستان راستینی.

There is no physician like a true friend.

پزشکی چون رفیق واقعی نیست.

Better a friend than money to spend.

یک رفیق از پول خیلی بهتر است.

It is good to have company in trouble.

در آن زمان که گرفتار و لنگ می‌مانی

خوش است دور تو باشند همنشینانی.

It is good to have some friends both in heaven and in hell.

چه در بهشت و چه دوزخ، به هرکجا بُود انسان

خوش است داشته باشد کنار خویش رفیقان.

Fall not out with a friend for a trifle.

برای پشیزی که ارزد دو جو

گلاویز با دوست خود نشو.

A friend’s frown is better than a fool’s smile.

اخم یک دوست ز لبخند یک ابله خوش‌تر.

If you want a friend, be a friend.

طالب یک دوست گر هستی، خودت یک دوست باش.

Pick your friends like you pick your fruit.

دوستانت را شبیه میوه‌های خود سوا کن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A friend's ne'er ken't till he's needed.

تا که کار تو نیفتد با دوست
نشناسیش که بد یا نیکوست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Au besoin l'on connaît l'ami.

هر زمان کار تو افتد با او
دوستت را بشناسی نیکو.

Qui ne souffre pas seul, ne souffre pas tant.

آن زمانی که گرفتاری
همنشین و همدم و یاری
دور و اطرافت اگر باشد
مشکلات کم‌تری داری.

Avoir des amis en paradis et en enfer.

دوستانی در بهشت و در جهنم داشتن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

L'amico non è conosciuto finchè non è perduto.

تا زمانی که ز دستش ندهی
دوست را ارزش و قدری ننهی.

E bene aver degli amici per tutto.

خوب است اگر که دوستانی
آماده کنی به هر مکانی.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Naõ se pode viver sem amigos.

زندگی بی‌دوستان ناممکن است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een vriend in nood, is een vriend in der daad.

دوست راستین هر کس اوست
که زمان نیاز باشد دوست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er ikke lang Vei til Vennehuus.

راه اگر سوی سرای دوستی است
مطلقاً راهی دراز و دور نیست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Amicus certus in re incerta cernitur.

دوستت را نشناسی، تا کی؟
تا که کار تو بیفتد با وی.

هیچ چیزی در این جهان بزرگ
بدتر از یک درخت بی‌بر نیست
هیچ‌کس مثل دختر پاکی
که کس او کپک زده خر نیست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is unworthy to live who lives only for himself.

هر کسی تنها برای خویش زیست
او برای زندگی شایسته نیست.

ی

یا روسری یا توسری.

گشت ارشاد را علم کردی
تا هراس از تو را یدک بکشیم
دو به دو جرم مشترک نکنیم
تک به تک درد مشترک بکشیم
گِل بگیریم قلب مردان را
روی مغز زنان لچک بکشیم
دوست داری که در عوض ما هم
توی شرت زنت سرک بکشیم؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every land has its own law.

هر مملکتی صاحب قانون خود است.

یا کوچه‌گردی یا خانه‌داری.

زن چو بیرون رود، بزن سختش
خودنمایی کند، بکن رختش
ور کند سرکشی، هلاکش کن
آب رخ می‌برد، به خاکش کن. اوحدی

چو زن راه بازار گیرد بزن
وگرنه تو در خانه بنشین چو زن. سعدی - بوستان

ترک‌ها می‌گویند: دئسه‌لر کی گؤیده توی وار، آروادلار نردیوان آختارار.
(اگر بگویند در آسمان جشن عروسی هست، زن‌ها دنبال نردبان می‌گردند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A woman’s place is in the home.

جای یک زن در میان خانه است.

A woman is to be from her house three times: when she is christened, married, and buried.

یک زن سه بار باید از خانه‌اش درآید:

هنگام غسل تعمید، در موقع عروسی

یا وقت کفن‌ودفنش، چون عمر او سرآید.

بنی‌اسراییل می‌گفتند:

A woman of sixty, like a girl of six, runs at the sound of wedding music.

یک زن شصت‌ساله، مثل یک دختر شش‌ساله دنبال ساز و دهل عروسی می‌دود.

یارم از حمام بیرون آمده، گرم است و نرم

گادن او لذتی دارد که در عالم مجو. رستم الحکما

ترک‌ها می‌گویند: حامامدان چیخانین ارى اولاسان، سفردن گله‌نین آروادی.

(شوهر زن از حمام درآمده باشی، زن مرد از سفر آمده.)

یک اسب خوش‌رکاب به از گله‌ای خر است

یک کیر چاق به ز دوصد کیر لاغر است. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: یوز ایینه ییغسان، بیر چووالدوز اولماز.

(صد تا سوزن هم که جمع کنی، یک جوالدوز نمی‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One, but that one a lion.

یکی باشد، ولی یک شیر باشد.

Quality is better than quantity.

کیفیت از کمیت بهتر است.

یک جوان هرقدر هم که بی‌بخار

بهتر از هر پیرمردی می‌کند. م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre brænder den vaade Green end den törre Steen.

شاخه حتی اگر که تر باشد
بهتر از سنگ خشک می‌سوزد.

یک دست صدا ندارد، پس با آن می‌شود بی‌صدا جلق زد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Thy hand is never the worse for doing thy own work.

دست تو از برای کار خودت
بدترین دست توی دنیا نیست.

دختر باکره چو چوب تری است
مانده تا عاشقی بیاموزد
مشکل است این که مرد در دل او
آتش عشق را برافروزد
لیک یک بیوه راحت و ریلکس
دم به دم زیر کیر می‌گوزد
قدر آن مرد را بداند که
کس و کون را به یکدگر دوزد
یک زن بیوه تشنهٔ عشق است
نیم‌سوز است و خوب می‌سوزد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wood half-burnt is easily kindled.

چوب نیمسوز راحت آتش می‌گیرد.

یک زن را از کون بگا، ولی ازش نپرس چند سالت است.   م. ا.

بکن دسته‌بیلی به یک زن فرو
به یک ضرب از کون برو تا گلو
ولی در عوض موقع گفت‌وگو
سؤالی نکن هرگز از سن او.   م. ا.

رابرت فراست Robert Frost گفته است:

A diplomat is a man who always remembers a woman’s birthday but never remembers her age.

سیاستمدار مردی است که همیشه روز تولد یک خانم را به یاد دارد، اما سال تولدش را هرگز.

یک زن عاقل دوبرابر خل است

کلهٔ او خانهٔ ویرانه‌ای است.   م. ا.

درون سر زن فقط پشکل است

اگرچه به چشم خودش عاقل است.   م. ا.

معادل انگلیسی:

A wise woman is twice a fool.

یک زن عاقل ببو اندر ببوست.

دانی که زن‌ذلیل دقیقاً شبیه کیست؟

مانند هر بسیجی عمار مخلصی است

یک زن‌ذلیل اوست که اندر خیال او

حکم حکومتی است کلام عیال او.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The grey mare is the better horse.

مادیان خاکستری اسب بهتر است. (= در این خانه حرف اول و آخر را زن می‌زند.)

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Mariage d’épervier: la femelle vaut mieux que le mâle.

ازدواجی پر از ستیزه و شر:

مرغ باشد پرندهٔ بهتر. (= وقتی مرد زن‌ذلیل باشد.)

یک عضو بداخلاق جوانی ناکام

گاه آخر شب، دو ساعتی بعد از شام

با وی به زبان بی‌زبانی گوید:

دام دام دارارام دام دارارام دام دارارام.   م. ا.

قائم اللیل: کیر عزب.   عبید زاکانی – تعریفات

من یک عزبم که هر زمان سرمستم
شرمندهٔ خایه‌ها و کیرم هستم.   م. ا.

یک کس به دو کیر محتاج‌تر است تا یک کیر به دو کس.

از سرای هارون الرشید کنیزکی بیرون آمد. بر بادبیزنش نوشته بود که: الحر الی ایرین احوج من الایر الی حرین.   عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

Not even Hercules could contend against two.

هرکول هم حریف دو آدم نمی‌شده.

پرسید ز من آن صنم لولی شنگ
کون خوب‌تر است یا کس تنگ قشنگ؟
گفتم که اگر رأی مرا می‌خواهی
یک کون گشاد بهتر از صد کس تنگ.   خاکشیر

عروسان مقنع بی‌شمارند
عروسی را کنار آور معمم
که چون بیرون کنی شلوارش از پای
تو پنداری که خرواری است شلغم.   سعدی

هلندی‌ها می‌گویند:

Elk zijns gelijk, ’t zij arm of rijk.

هر چیز به سوی مثل خویش است روان
فارغ ز تهیدستی و دارایی آن.

یک کون نگوزیده نباشد به جهان
دیدی تو اگر، نشان من هم تو بده.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No man liveth without a fault.

زندگانی کردن هیچ آدمی بی‌عیب نیست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Crimine nemo caret.

هیچ فردی کامل و بی‌نقص نیست.

از خانم کارکشته‌ای منقول است:

یک کیر به از هزار تا دودول است. م. ا.

کس گفت مرا کیر فراوان هوس است

دریاب مرا اگر تو را دسترس است

کیرم چو الف راست شد و با کس گفت

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است. خاکشیر

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mas vale una abeja que mil moscas.

یک زنبور عسل به هزار مگس می‌ارزد.

هر کار بنا و پایه خواهد امروز

بی‌مایه فطیر و مایه خواهد امروز

یک کیر دوخایه‌ای کمیتش لنگ است

صد کیر هزارخایه خواهد امروز. خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Good courage breaks ill-luck.

هر زمانی شهامت است زیاد

بخت بد را شکست خواهد داد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fortune favours the brave.

بخت یار دلیرمردان است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A los osados, ayuda la fortuna.

اقبال مددکار سلحشوران است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Ao homem ousado a fortuna lhe dá a maõ.

همیشه طالع و اقبال نیک دستش را

به سوی مرد دلاور دراز بنماید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fortuna favet fortibus.

خدای بخت و اقبال خجسته

دل اندر یاری بی‌باک بسته.

Audentes Fortuna juvat.

خدای بخت مددکار شیرمردان است. (نقل قولی از ویرژیل Virgil است.)

یک نان‌خور کم‌تر.

در موقع شوهر دادن دختر می‌گویند.

اما اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Al hombre venturero, la hija le nace primero.

هر زمانی شانس مردی بهتر است

اولین فرزند او یک دختر است.

یک نظر حلال است.

که گفت در رخ خوبان نظر خطا باشد؟

خطا بُود که نبینند روی زیبا را.   سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An enemy to beauty is a foe to nature.

دشمن زیبایی خصم طبیعت است.

A thing of beauty is a joy forever.

چیز قشنگ یک خوشی جاودانه است. (مصرعی از کیتز Keats است.)

یک نظر در رسالهٔ فقها

جیرهٔ سوزه‌جلق یک عمر است.   م.ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The more prudish the more sinful.

هرکه پرگناه‌تر است ظاهرالصلاح‌تر است.

یک نفر همسر زیبای بلایی دارد
و دم حوزهٔ علمیه سرایی دارد
حال، خوانندهٔ عاقل، تو خودت حدس بزن
عفت همسر او شانس بقایی دارد؟ م. ا.

تو جگربندی میان گربگان
اندر اندازی و جویی زان نشان؟
در میان صد گرسنه گرده‌ای؟
پیش صد سگ گربهٔ پژمرده‌ای؟ مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:
It is a pound of butter amongst a kennel of dogs.
یک پوند کره میان یک گله سگ است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:
L’homme est bien heureux qui a une belle femme auprès d’une abbaye.
ای خوش آن مرد که یک همسر زیبا دارد
دم یک صومعه هم مسکن و مأوا دارد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Ilde giemmer man Pölse i Hundehuus.
لانهٔ سگ جای نگهداری یک سوسیس نیست.

یک نگار هات می‌سوزاندت
زیر بار سکس می‌گوزاندت. م. ا.

عاشق شمع که می‌شه حشره
باید اون‌قدر به دورش بپره
تا دم حجلهٔ رؤیایی عشق
آتشین‌کام بشه بالأخره
تن جزغالهٔ این شیرین‌عقل
عبرتی تلخ برای بشره
هرکه با دلبرکی آتیشی
عاشقیت کنه از بیخ خره. م. ا.

یک نه بگو، نه ماه رودل نکش.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He goes early to steal, that cannot say no.

او که نتواند جواب رد دهد

از همان اول به دزدی رو نهد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He'll soon be a beggar that canna say "No."

او که قادر نیست تا گوید که «نه»

زود انسان گدایی می‌شود.

A sturdy beggar should hae a stout nae-sayer.

یک گدای سمج باید یک نه‌گوی سرسخت داشته باشد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

De oui et non vient toute question.

پاسخی جز نه و آری هر جاست

از همان‌جاست که دعوا برخاست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Verheißen macht Schuld.

قول دِینی به گردنت باشد.

Wer nichts verspricht, braucht nichts zu halten.

هر کسی قول و وعده‌ای ندهد

هیچ دِینی به گردن او نیست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non è uomo chi non sa dir di nò.

او که نتواند جواب رد دهد یک مرد نیست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien promete, en deuda se mete.

او که قولی بدهد قرض به بار آورده.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Boca que diz sim, diz naõ.

آن دهانی که بگوید آری

می‌تواند نه بگوید باری.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Nei er et godt Svar naar det kommer i Tide.

پاسخ خوبی است «نه» وقتی بجا داده شود.

یک وجب زیر ناف و دیگر هیچ

بیش از این بر اصول عشق مپیچ. م. ا.

گرچه انگشت لایک بی‌ادب است

– شست در عرف عام یعنی چیز –

من تو را لایک می‌کنم با عشق

عشق در عرف عام یعنی... چیز! م. ا.

یک‌جوری حرف می‌زنی که انگار این تو بودی که ما را گاییدی.

شوی پندت دهد، سقط گویی

ریش گیری که چون غلط گویی

روزت این کبر و کینه در کالا

نیم‌شب هر دو لنگ در بالا

یا ز بالا چو شیر باید بود

یا چو روباه زیر باید بود. اوحدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Be not too bold with your betters.

پیش کسی که ز تو خیلی سر است

این‌همه پررو نشوی بهتر است.

یکی کم است، دو تا غم است، سه تا خاطرجمع است.

در مورد تعداد فرزندان می‌گویند. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) هم فرموده‌اند دو بچه کافی نیست!

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

One’s too few, three too many.

یکی خیلی کم است و سه تا خیلی زیاد است.

یواش بکن، تا ته بکن. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: یاواش گئدن چوخ گئدر. (او که آهسته می‌رود زیاد می‌رود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that runs fast will not run long.

چو تند می‌دود کسی

یقین نمی‌دود بسی.

Slow and steady wins the race.

آهسته و پیوسته مسابقه را می‌برد.

Fair and softly go far in a day.

به نرمی و سلانه‌سلانه است

که یک‌روزه رفته‌ست تا دوردست.

He that goes softly goes surely.

مطمئن می‌رود آن مرد که آهسته رود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Hooly and fairly men ride far journeys.

روی یک اسب چو آهسته و پیوسته روند

رهسپار سفر دور و درازی بشوند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Langsam und gut.

آهسته و مطمئن.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Molle molle, se vai longe.

به نرمی و سلانه‌سلانه تا دوردستان روند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Velocem tardus assequitur.

آهسته از شتابان

سبقت بگیرد آسان.

یواش بکن، همیشه بکن. م. ا.

این دلبر تازه‌کار آسان ندهد
آن را ندهد به بنده تا جان ندهد
از دوش به یادگار دردی دارد
کامروز به صد هزار تومان ندهد.   م. ا. نقیضه بر مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Easily led but dour to drive.

به مهر اگر ببری، نرم‌نرم می‌آید
به زور اگر بکشانی، چموش و سرسخت است.

Oppression causeth rebellion.

ظلم و ستم باعث شورش شود.

یه مجرد که تو کف کونه
اونه که قدر کونو می‌دونه.   م. ا.

بی تو بر من شبی نمی‌گذرد
که عمودم چو سنگ خارا نیست.   سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The worth of a thing is best known by the want of it.

لنگ چیزی همین که می‌مونی
بیش‌تر قدر اونو می‌دونی.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Müllers Henn’ und Wittwers Magd hat selten über Noth geklagt.

مرغ آسیابان و دختر کلفت مرد بیوه هیچ وقت لازم نیست از تنگدستی بترسند.

پیوست

چند ضرب‌المثل و حکمت طنز فارسی دربارهٔ موضوعات دیگر

همراه با معادل‌ها و مشابه‌هایی از زبان‌های دیگر

الف

آب از دستش نمی‌چکد.

آن سنگ که روغنکش عصاران است

گر بر شکمش نهند، تیزی ندهد.   نقل از *اخلاق‌الاشراف* عبید زاکانی

چند گویی خواهر من پارساست

گپ مزن، گرد حدیث او مگرد

پارسا در خانهٔ تو نان توست

زانکه نانت را نه زن بیند، نه مرد.   انوری

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He hath left his purse in his other hose.

مثل این‌که کیف پولش داخلِ

آن‌یکی تنبان او جا مانده است.

He gives little to his servants who licks his own trencher.

کسی که تخته‌ساطور خودش را نیز می‌لیسد

به نوکرهای خود چیز زیادی او نخواهد داد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He'll gie his bane to nae dog.

استخوانش را به هیچ سگی نخواهد داد.

He left his siller in his ither pocket.

پول خود را در آن‌یکی جیبش

مثل این‌که به جا گذاشته است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ondt er at sanke Ax efter gierrig Agermand.

در پس مرد کشاورز بخیل

خوشه‌چینی عملی دشوار است.

آب پیاز در چشم چکاندن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To weep over an onion.

بر احوال پیازی گریه کردن.

آب در غربال ریختن.

معادل انگلیسی:

To pour water into a sieve.

ریختن آب درون سرند.

معادل هلندی:

Water in eenen korf putten.

ریختن آب درون سبد.

معادل لاتین:

Cribro aquam haurire.

به غربال آب از چاهی کشیدن.

آب نایافته گران باشد
چون بیابند، رایگان باشد
آب را هر کسی به جان جویند
چون بیابند، کون از آن شویند.   سنایی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

We never know the worth of water till the well is dry.

ارزش آب را نمی‌دانیم
تا زمانی که چاه خشک شود.

آب راکد جانور می‌پرورد
مغز راکد قارچ درمی‌آورد.   م. ا.

هیچ آبی بدتر از یک آب خواب‌آلوده نیست
آب را ادراک و بیداری گوارا می‌کند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Idleness makes the wit rust.

هوش با بیکارگی زنگار می‌گیرد.

Sloth turneth the edge of thy wit.

تنبلی هوش تو را کُند کند.

He that is busy is tempted by but one devil; he that is idle, by a legion.

کسی را که سرگرم کاری بُود
یک ابلیس بی‌دین کند وسوسه
یک انسان بیکار را لشکری
ز خیل شیاطین کند وسوسه.

Constant occupation prevents temptation.

شغل و سرگرمی و کار دائم
جلوی وسوسه را می‌گیرد.

If the devil find you idle, he'll set you to work.

شیطان چو ببیند که تو یک بیکاری
فوراً بگذاردت سر یک کاری.

Idle hands are the devil's playthings.

دستان ما بیکار اگر مانند
اسباب‌بازی‌های شیطان‌اند.

He that brings up his son to nothing, breeds a thief.

مرد وقتی پسرش را بهرِ
هیچ کاری نکند آماده
این پدر آخر سر تنها یک
دزد تحویل خلایق داده.

Idle folks have the least leisure.

اوقات فراغت جناب بیکار
از باقی مردم است کم‌تر انگار.

The busiest men have the most leisure.

آن‌کسانی که بسی پرکارند

بیش‌تر وقت فراغت دارند.

Who more busy than he that hath least to do?

سر کی گرم‌تر از انسانی است

که به‌جز کار کمی او را نیست؟

As good be an addled egg as an idle bird.

یک تخم گندیده بودن با یک پرندهٔ بیکاره بودن فرقی ندارد.

Standing pools gather filth.

در استخر راکد لجن جمع گردد.

He that doth nothing doth ever amiss.

هرکه کاری ندارد او در دست

گرم یک اشتباه دائمی است.

Doing nothing is doing ill.

این‌که کاری نکنی کار بدی است.

It is better to wear out than to rust out.

فرسوده گشتن خوش‌تر از زنگار بستن.

Idleness is the greatest prodigality in the world.

بدترین اسراف و تبذیر جهان بیکارگی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

There's nane sae busy as him that has least to do.

آن‌کسی از همهٔ خلق گرفتارتر است

کز همه مشغله‌اش کم‌تر و کم‌کارتر است.

Idle dogs worry sheep.

توی صحرا سگان که بیکارند

سر آزار گله را دارند.

Staunin' dubs gather dirt.

برکهٔ راکد لجنزاری شود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui ne fait rien, fait mal.

او که کاری نکند کار بدی می‌کند او.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Müßiggang ist aller Laster Anfang.

ریشهٔ هر نوع شر بیکاری است.

”Rast ich, so rost ich,“ sagt der Schlüssel.

«چو از کارم بدارم دست

یقین زنگار خواهم بست»

کلام یک کلید این است.

Müßiggang ist des Teufels Ruhebank.

مغز آدم بیکار کارگاه شیطان است.

Nichts thun lehrt Uebel thun.

با همین کاری نکردن‌هایمان

یاد می‌گیریم کار بد کنیم.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il diavolo tenta tutti, ma l’ozioso tenta il diavolo.

همه را حضرت ابلیس اگر وسوسه کرد

کار بیکار ولی وسوسهٔ ابلیس است. (در اصل یک ضرب‌المثل ترکی است.)

Chi fatica è tentato da un demonio, chi sta in ozio da mille.

کسی را که همیشه گرم کار است

نماید وسوسه ابلیسی، اما

هزار ابلیس از سوی مقابل

نماید وسوسه بیکاره‌ای را.

Uomo lento non ha mai tempo.

یک آدم تنبل ابداً وقت ندارد.

Acqua cheta vermini mena.

هر آب راکدی حشره پرورش دهد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Luiheid is de aanvang van alle ondeugd.

تن‌پروری مقدمهٔ زشتکاری است.

Nog beter is het, verloren arbeid gedaan, dan in ledigheid zich te verliezen.

به که تو زحمت کشی پوچ و بدون هدف

تا که به بیکارگی وقت نمایی تلف.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Lediggang er Fandens Hovedpude.

تنبلی بالش شیطان باشد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nihil agendo male agere discimus.

هر زمان کاری نداری تا کنی

یاد می‌گیری که شر برپا کنی.

آب که سربالا بره، نیوتن آی ضایع می‌شه! م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Si el cielo se cae, quebrarse han las ollas.

هر زمان آسمان سقوط کند

هرکجا کوزه‌ای است می‌شکند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Viel den hemel, daar en bleef geen aarden pot heel.

کوزه‌ای سالم نخواهد ماند اگر

آسمان پایین بیفتد سربه‌سر.

آب نمی‌بیند، وگرنه شناگر قابلی است.

شاهد مثال:

آمد بر من دخترکی بس خوشگل

کردم به کسش چنان که می‌زد هی دل

این خرزهٔ من آب نمی‌بیند، لیک

در بحر شناوری بُود بس قابل. خاکشیر

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

La rana non morde perchè non può.

قورباغه گاز نمی‌گیرد، چون نمی‌تواند.

آبکش به کفگیر می‌گوید هفت تا سوراخ داری.

یا: آبکش به آفتابه می‌گوید دوسوراخه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One thief accuseth another.

یک نفر دزد را دگر دزدی
متهم می‌کند که تو دزدی.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein Esel schimpft den andern “Lang-ohr.”

خری روی خر دیگری اسم گوش‌دراز می‌گذارد.

آبم است و گابم است و نوبت آسیابم است.

یا: گاوم می‌زاید، آبم می‌آید، زنم هم دردش است.

ترک‌ها می‌گویند: بلا بلا اوستوندن گه‌لر. (بلا روی بلا آید.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Misfortunes seldom come alone.

مصیبت‌ها به ندرت تک‌تک آیند.

An evil chance seldom comes alone.

به ندرت بخت بد تنهایی آید.

Misery loves company.

شوربختی دوستدار همدم است.

It never rains but it pours.

مطلقاً باران نمی‌آید مگر سیلاب‌وار
(= شوربختی چون بیاید می‌شود دنباله‌دار).

Misfortunes come by forties.

مصیبت چهل تا چهل تا بیاید. (در اصل یک ضرب‌المثل ویلزی است.)

'Tis a good ill that comes alone.

شر اگر تنها بیاید چیز خیلی خوبی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Hardships seldom come single.

بدبیاری‌ها به ندرت تک به تک نازل شوند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un malheur ne vient jamais seul.

درد و غصه‌ها هرگز تک به تک نمی‌آیند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Le disgrazie non vengon mai sole.

مصائب تک به تک هرگز نیایند.

Benedetto è quel male che vien solo.

بدبیاری چه مبارک چیزی است
هر زمانی تک و تنها آید.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Bien vengas, mal, si vienes solo.

بدبیاری، قدمت بر سر چشم
هر زمانی تک و تنها آیی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het eene kwaad brengt het andere mede.

هر مصیبت دیگری را در پی‌اش می‌آورد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Sielden kommer Sorg ene.

به ندرت ماتم و درد و بلایی
به تنهایی شود نازل به جایی.

یونانیان باستان می‌گفتند:

Pêm' epi pêmati.

دردسر روی دردسر آید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Malis mala succedunt.

مصائب در پی یکدیگر آیند.

آخر شاه‌منشی کاه‌کشی است.

معادل اسکاتلندی:

Pride will hae a fa'.

غرور آخرش سرنگون می‌شود.

معادل آلمانی:

Hochmuth kommt zu Fall.

پایان غرور یک سقوط است.

معادل ایتالیایی:

La superbia andò a cavallo, e tornò a piedi.

کبر و نخوت سواره بیرون رفت

لیک پای پیاده بازآمد.

معادل دانمارکی:

Hovmod gaaer for Fald.

سرانجام تکبر یک سقوط است.

آخوند دستی را که به او غذا می‌دهد گاز می‌گیرد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not bite the hand that feeds you.

هیچ هنگام تو آن دستی را

که غذا می‌دهدت گاز نگیر.

I will never keep a dog to bite me.

من سگی را نگه نمی‌دارم

که بیاید خود مرا بگزد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O perro com raiva a seu amo morde.

سگی که هار باشد صاحبش را گاز می‌گیرد.

آخوند فقط دست بگیر دارد.

جیب او پرشدنی نیست که نیست

شیخ بیل گیتس شود باز گداست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No penny, no paternoster.

پنی اگر ندهی، دیگر از دعا خبری نیست. (= کشیش بدون مزد دعا نمی‌خواند.)

آخوند وقتی سوار خری می‌شود، دیگر پیاده نمی‌شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Priests eat up the stew and then ask for the stewpan.

کشیش‌ها تاس‌کباب را تا ته می‌بلعند و بعدش قابلمه‌اش را مطالبه می‌کنند.

آدم با کسی که علی گفت، عمر نمی‌گوید.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er aaben Fjende end Hykle-Ven.

دشمن یکرو به از یار دوروست.

آدمِ بر ما مگوزید.

= متکبر.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den er en Giek sig selv roser, og en Gal sig selv vil laste.

او که خود را می‌ستاید جز مشنگی خنگ نیست
او که خود را می‌نکوهد آدم دیوانه‌ای است.

آدم پرمدعای کون‌گشاد
حاصل کارش اگرچه اندک است
لیک باشد گوزگوز او زیاد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You cackle often, but never lay an egg.

زیادی قدقد از خود درمی‌آری
ولی حاشا که تخمی هم بذاری.

Never cackle till your egg is laid.

پیش از آنی که تخم بگذاری
بی‌خودی قدقد اضافه نکن.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Cacarrear, y no poner huevo.

قدقدی کردن و تخمی ننهادن.

هلندی‌ها می‌گویند:

Hij kan geen ei leggen, maar hij kan kakelen.

نتواند که تخم بگذارد
قدرت قدقد البته دارد.

Het hoen, dat het meest kakelt, geeft de meeste eijers niet.

مرغی که بیش‌تر قدقد می‌کند نیست که بیش‌ترین تخم‌ها را می‌گذارد.

آدم پول داشته باشد، کوفت داشته باشد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An ass laden with gold overtakes everything.

آن الاغی که طلا بار وی است
از همه پیش زدن کار وی است.

An ass laden with gold would enter the gates of any city.

گر خری بار طلا می‌برد این‌سو آن‌سو
خوش ز دروازهٔ هر شهر گذر می‌کند او.

An ass loaded with gold climbs to the top of the castle.

روی هر خر که طلا بار شود
تا سر کنگرهٔ کاخ رود.

There is no fence or fortress against an ass laden with gold.

هیچ پرچین و حصاری نتواند هرگز
جلوی یک خرِ با بار طلا را گیرد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Asno con oro alcánzalo todo.

خر زرین ز هرکجا گذرد.

آدم پول را پیدا می‌کند، پول آدم را پیدا نمی‌کند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Keep thy shop, and thy shop will keep thee.

تو نگه دار آن دکانت را

تا که او هم تو را نگه دارد.

آدم پولدار روی سبیل شاه نقاره می‌زند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Rich people have the world at will.

دنیا به کام مردمان پولدار است.

آدم ترسو همیشه سالم است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The virtue of a coward is suspicion.

بدگمانی فضیلت ترسوست.

Valour would fight, but discretion would run away.

شجاعت پی جنگ با دشمن است

درایت به سودای در رفتن است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui n’y va, n’y chet.

او که ریسک نمی‌کند نمی‌بازد.

Qui doute ne se trompe point.

هر کسی شک بکند هیچ خطایی نکند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Miedo guarda viña.

ترس نگهبان تاکستان است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Timidi mater non flet.

هر آن‌کس که ترسوی بی‌خایه‌ای است

کجا مادر او بخواهد گریست.

آدم تنبل عقل چهل وزیر را دارد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Rathen ist leichter denn helfen.

پند دادن از کمک آسان‌تر است.

Weniger Rath und viele Hände.

پند کم‌تر، دست‌هایی بیش‌تر.

آدم چرا روزهٔ شک‌دار بگیرد؟

معادل‌های انگلیسی:

When in doubt, do nothing.

چو شک داری
نکن کاری.

When in doubt, leave out.

چو شک داری به یک چیزی ولش کن.

If in doubt, mumble.

اگر تردید داری، مِن‌ّومِن کن.

آدم دستپاچه کار را دو بار می‌کند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A work ill done must be done twice.

کاری که در آغاز بد انجام شود
آن کار دوباره باید انجام شود.

Do it well that thou mayest not do it twice.

کار را خوب بکن تا که نگردی ناچار
که همان را بکنی بار دگر هم تکرار.

Do it good, or do it again.

یا درست انجام ده یا که دو بار انجام ده.

آدم زنده وکیل وصی نمی‌خواهد.

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man who is his own lawyer has a fool for his client.

مردی که وکیل خویش باشد

یک مشتری مشنگ دارد.

آدم سیر روزه می‌گیره

آدم گشنه روزه‌خور می‌شه. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Dem Hungrigen ist: harr’, ein hart Wort.

از برای گرسنگان زمین

«صبر کن» حرفی است بس سنگین.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A boca naõ admitte fiador.

شکم وثیقه قبول نمی‌کند.

آدم کله‌پوک مسکینی است

گر نداند که روی کپهٔ گه

جای خوبی برای اسکی نیست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is a time and a place for everything.

هرچه را وقت و مکانی باشد.

آدم گدا، این‌همه ادا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Poor and proud, fy, fy.

تنگدست و متکبر، اَه، اَه.

آدم گدا چه صنار بهش بدهی، چه صنار ازش بستانی.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Rien n’a qui assez n’a.

او که به اندازهٔ کافی ندارد هیچ ندارد.

آدم گرسنه سنگ را هم می‌خورد.

معادل‌های انگلیسی:

A hungry horse makes a clean manger.

هر زمانی گرسنه شد یابو
آخورش را تمیز می‌کند او.

The cat is hungry when a crust contents her.

گرسنگی چه فشاری به طفلک آورده
چنین که گربه قناعت به خرده‌نان کرده.

معادل فرانسوی:

Il n’y a sauce que d’appétit.

هیچ سسی اشتها نمی‌شود.

معادل آلمانی:

Hunger ist der beste Koch.

گرسنگی بهترین آشپز است.

معادل‌های ایتالیایی:

Buon appetito non vuol salsa.

یک اشتهای خوب سس لازم ندارد.

La fame muta le fave in mandole.

گرسنگی لوبیا را مغز بادام می‌کند.

معادل پرتغالی:

Asno, que tem fome, cardos come.

گر الاغی گرسنه‌اش باشد
گزنه و خار نیز خواهد خورد.

معادل هلندی:

Honger is de beste saus.

بهترین سس گرسنگی باشد.

معادل لاتین:

Cibi condimentum esse famem.

گرسنگی نمک و فلفل غذا باشد.

آدم ناشی سرنا را از سر گشادش می‌زند.

معادل انگلیسی:

Do not put your cart before the horse.

گاری‌ات را جلوی اسب نبند.

معادل اسکاتلندی:

Ne'er put the plough before the owsen.

خیش خود را جلوی گاو نبند.

معادل لاتین:

Currus bovem trahit.

گاو را گاری به دنبالش کشد.

آدم هر گهی را یک بار می‌خورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better to leave than to maintain folly.

ترک حماقت بهتر است از پافشاری روی آن.

Do not make the same mistake twice.

یک خطا را دو مرتبه نکنید.

He deserves no pity that chooseth to do a miss twice.

نباشد او ترحم را سزاوار
که عمداً یک خطا را کرده تکرار.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les plus courtes folies sont les meilleures.

حماقت‌های زودگذر بهترین‌اند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Multum sapit qui non diu desipit.

عقل و ادراک زیادی دارد او
بر حماقت پای اگر نفشارد او.

آدم هزارکاره کم‌مایه می‌شود.

معادل انگلیسی:

A man of many trades begs his bread on Sundays.

اون که خیلی شغل داره نونشو

روز یکشنبه گدایی می‌کنه.

آدمی با طناب پوسیده

زودتر توی چاه خواهد رفت. م. ا.

آدمی پیر چو شد، حرص جوان می‌گردد

خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد. صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The older the more covetous.

هرچه آدم پیرتر، طماع‌تر.

Old birds are hard to pluck.

کندن پرهای مرغی پیر خیلی مشکل است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Quand tous péchés sont vieux l'avarice est encore jeune.

وقتی که گناهان همگی پیر شوند

آنگاه طمع باز جوان است هنوز.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Alderdom giör mangen hvidere, men ikke bedre.

پیری خیلی از مردها را سفیدتر می‌کند، اما بهتر نمی‌کند.

آدمی که مرغ ندارد هزار تا کیش پیش است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A poor man's table is soon spread.

میز غذای آدم بی‌پول و تنگدست

خیلی سریع چیده و آماده گشته است.

آدمی وقتی بخواهد خر شود

شک نکن از هر خری خرتر شود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If wise men play the fool, they do it with a vengeance.

وقتی که شوند احمق مردان خردمند

دستان هر احمق را از پشت ببندند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Nane can play the fool sae weel as a wise man.

کیست تا مانند مرد عاقلی

نقش یک گاگول را بازی کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Le insalate pazze, le fanno i savj.

عاقلان مسخره وقتی بشوند

تا ته مسخره‌بازی بروند.

آدمیان را سخنی بس بُود

گاو بُود کش خله در پس بُود. امیر خسرو دهلوی

خله: سیخونک.

معادل ترکی: عاغیللیبا ایشاره، دلی‌یه کؤتک. (برای عاقل اشاره، برای دیوانه کتک.)

معادل عربی: العاقلُ یکفیه الاشارة. (عاقلی را اشاره‌ای کافی است.)

معادل‌های انگلیسی:

A nod for a wise man, and a rod for a fool.

بهر عاقل سری تکان دادن

ترکه‌ای هم برای یک کودن. (در اصل یک ضرب‌المثل عبری است.)

Few words to the wise suffice.

چند واژه عاقلان را کافی است.

Send a wise man on an errand and say nothing to him.

عاقلی را پی کاری بفرست

و به او هیچ سفارش منمای.

معادل اسکاتلندی:

Half a tale is enough for a wise man.

برای مرد عاقل نیمی از یک داستان کافی است.

معادل آلمانی:

Zartem Ohre halbes Wort.

برای گوش تیزی نیمی از یک واژه هم کافی است.

معادل‌های ایتالیایی:

A buon intenditor poche parole.

برای عاقلان یک واژه کافی است.

Accenna al savio e lascia far a lui.

به عاقل فقط یک اشاره کن و

رها کن که کار خودش را کند.

معادل‌های پرتغالی:

Acenai ao discreto, dai-o por feito.

به عاقل فقط یک اشاره بکن

و انگار کن کارت انجام شد.

Manda o sabio com embaixada, e naõ lhe digas nada.

عاقلی را به وکالت پی کاری بفرست

حاجتی نیست به او هیچ سفارش بکنی.

معادل لاتین:

Verbum sat sapienti.

خردمند را واژه‌ای کافی است.

آدمیان گم شدند، ملک خدا خر گرفت.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wären wir alle gescheidt, so gält' ein Narr hundert Thaler.

همهٔ مردم اگر عاقل و دانا بودند

یک تهی‌مغز مشنگ آدم ممتازی بود.

آدمیزاد شیر خام خورده است.

عرب‌ها می‌گویند: الانسان السهو و النسیان. (انسان خطا و فراموشکاری است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If the wise erred not, it would go hard with fools.

عاقلان از هر خطایی گر مبرا می‌شدند

کار کس‌خل‌های دنیا بیخ پیدا کرده بود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's lifeless that's faultless.

مرد بی‌اشتباه یک مرده‌ست.

They're queer folk that hae nae failings.

یقین مردمانی عجیب و غریب‌اند

کسانی که از هر خطا بی‌نصیب‌اند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het moet wel een goed meester zijn, die nimmer fouten maakt.

او که هرگز خطا نمی‌کند انصافاً باید استاد خوبی باشد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Humanum est errare.

آدمیزاد همان سهو و خطاست.

آدمیزاد عجب جانوری است

نوهٔ حضرت بوزینه خری است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Knaves and fools divide the world.

گروه رذل‌ها و کس‌ببوها

جهان را بین خود تقسیم کردند.

آدمیزاد مستعد خطاست

لیکن اصرار بر خطاکاری

کار یک کس‌مشنگ خنگ خداست. م. ا.

معادل لاتین:

Hominis est errare, insipientis perseverare.

هرچند خطا جزو سرشت بشر است

تکرار خطا کار ببوهای خر است.

آرزوی قلبی یک بی‌خرد

اعتقاد قلبی او می‌شود.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To deceive oneself is very easy.

فریب خویشتن بسیار سهل است.

آستین نو، بخور پلو.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The tailor makes the man.

مرد را خیاط مردی می‌کند.

The man is his clothing.

یک مرد همان جامهٔ روی تن اوست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Gude claes open a' doors.

یک لباس خوب و زیبا

می‌گشاید هر دری را.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A veste logorata poca fede vien prestata.

کتی ژنده را اعتبار کمی است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een zindelijk kleed is eene goede aanbeveling.

یک کت شیک معرفی‌نامهٔ خوبی است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Saa er hver hædt som han er klædt.

هر لباسی که مرد می‌پوشد

طبق آن ارج و قرب خواهد داشت.

رومیان باستان می‌گفتند:

Vestis virum facit.

مرد را جامهٔ او می‌سازد.

In vili veste nemo tractatur honeste.

کسی کی احترامی می‌گذارد
به آن مردی که رختی ژنده دارد.

آسوده کسی که خر ندارد
از کاه و جوش خبر ندارد.

ترک‌ها می‌گویند: مال باشا بلادیر. (مال بلایی به سر آدمی است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He laughs the loudest who has least to lose.

صدای خندهٔ او از همه بلندتر است
که بهر باخت ندارد جز اندکی در دست.

Little wealth, little sorrow.

ثروتی اندک و غمی اندک.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Little gear, little care.

مال کم، دغدغه‌هایی اندک.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

En sûreté dort qui n'a que perdre.

هر کسی چیزی ندارد بهر باخت
طعم خوب خواب خوش را او شناخت.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien compra cavallo, compra cuidado.

او که اسبی می‌خرد اندوه خاطر می‌خرد.

چون حاصل آدمی در این جای دودر
جز درد دل و دادن جان نیست دگر
خرم دل آن که یک نفس زنده نبود / و
آسوده کسی که خود نزاد از مادر. خیام

تفو بر تو ای چرخ گردون، تفو
بگا مردمان را، ولی مرگ من
بزن قبل کردن درِ کون تفو.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

We are born crying, live complaining, and die disappointed.

گریان به دنیا می‌آییم، شکوه‌کنان زندگی می‌کنیم و ناامید می‌میریم.

آسه برو، آسه بیا، که گربه شاخت نزنه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Discretion is the better part of valour.

بهترین بخش شجاعت احتیاط است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A muita cautela, damno naõ causa.

احتیاط زیاد بی‌ضرر است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Die kruipt en valt niet.

کسی که می‌خزد هرگز نیفتد.

آسیا به نوبت.

معادل هلندی:

Die eerst komt, die eerst maalt.

هر کس اول به آسیاب آید
غله‌اش اول آرد خواهد شد.

آش دهن‌سوزی نیست.

معادل ترکی: نه آغیز یاندیران آشدیر، نه باش سیندیران داش.
(نه آش دهن‌سوزی است، نه سنگ سرشکنی.)

آش را با جاش خوردن.

شاهد مثال:

ای که گفتی ادب نمی‌دانی
مایهٔ ننگ شعر ایرانی
شدی از دست شعر من عصبی؟
وای مامان، چقد تو باادبی
من که رک گفته‌ام که عین یه خر
آشو با جاش می‌خورم جیگر
تو چرا شعرهامو می‌خونی؟
کرم داری خودت؛ برو اونی
ادبو داشتی؟ نگفتم کون
او و و و و وف، اون، اونِ خوشگل و دون‌دون.   م. ا.

آش کشک خالته، بخوری پاته، نخوری پاته.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Que queira, que naõ queira, o asno ha de ir á feira.

خره میلش بکشه یا نکشه
لازمه راهی بازار بشه.

آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.

معادل انگلیسی:

Too many cooks spoil the broth.

آشپزها هر زمان خیلی شوند
آش خود را می‌کشند از دم به گند.

معادل اسکاتلندی:

Ower mony cooks spoil the broth.

آشپزها گر زیاد از حد بُود
آششان چیز پلشتی می‌شود.

معادل آلمانی:

Viele Köche verderben den Brei.

آشپز در هرکجا بسیار شد
آششان چیزی تأسف‌بار شد.

معادل ایتالیایی:

Dove sono molti cuochi, la minestra sarà troppo salata.

آشپز هر جا که بسیار است

سوپِ خیلی شور بر بار است.

معادل هلندی:

Veel koks verzouten de brij.

آشپزها هر زمان خیلی شوند

شوربا را شورتر خواهند کرد.

معادل دانمارکی:

Jo flere Kokke, jo værre Spad.

آشپز هرقدر باشد بیش‌تر

شوربای بدتری خواهند پخت.

آفتاب به زردی افتاد، تنبل به جلدی افتاد.

معادل آلمانی:

Abends wird der Faule fleißig.

وقت غروب خورشید تنبل سرش شلوغ است.

آفتابه خرج لحیم است.

معادل‌های انگلیسی:

Do not burn out a candle in search of a pin.

در جست‌وجوی سوزنی یک شمع را تا ته نسوز.

He is a fool who digs for lead with a silver shovel.

او که جایی را بکاود بیل سیمینی به دست

تا در آن‌جا سرب یابد، مطمئناً کس‌خل است.

آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچ‌چی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many a fine dish has nothing on it.

چه بسیار است بشقاب قشنگی

که تویش هیچ چیز خوردنی نیست.

Better sell than live poorly.

به که بفروشید مال خویش را
تا که با فقر و فلاکت سر کنید.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La belle cage ne nourrit pas l’oiseau.

قفسی هرچقدر هم زیبا
به پرنده غذا نخواهد داد.

Mieux vaut bon repas que bel habit.

یک شام خوب از یک کت زیبا سر است.

آقا خوبه، آقا جونه.

سطری از یک ترانهٔ گوگوش است که امروزه معنای تازه‌ای یافته است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Schreibe dem Teufel auf ein Horn: “guter Engel!” und manche glaubens.

روی یکی از شاخ‌های شیطان بنویس «فرشتهٔ خوب» تا خیلی‌ها آن را باور کنند.

آمد ابرویش را درست کند، زد چشمش را کور کرد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Leave it if you cannot mend it.

از اصلاح چیزی اگر عاجزی
همان به که کلاً رهایش کنی.

Striving to better, oft we mar what's well.

در جدال و جنگ بهر کسب چیزی خوب‌تر
آنچه را خوب است معمولاً خرابش می‌کنیم.
(نقل قولی از شکسپیر Shakespeare در پردهٔ اول *شاه لیر* King Lear است.)

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il faut laisser l’enfant morveux plutôt que lui arracher le nez.

اگر کثیف بماند دماغ یک بچه
از آن به است که آن را ز بیخ و بن بکنی.

آمد بگوزد، رید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Omne nimium vertitur in vitium.

هر افراطی به شری ختم گردد.

یک قطرهٔ آب بود و با دریا شد
یک ذرهٔ خاک و با زمین یکتا شد
آمد شدن تو اندر این عالم چیست؟
آمد مگسی پدید و ناپیدا شد.   خیام

زمین در جنب این نه طاق مینا
چو خشخاشی بُود بر روی دریا
تو خود بنگر کز این خشخاش چندی
سزد گر بر بروت خود بخندی.   شیخ محمود شبستری

یونانیان باستان می‌گفتند:

Pompholox ho anthrôpos.

آدمیزاد حبابی است.

آمدی، جانم به قربانت، ولی حالا چرا؟
بی‌وفا، حالا که من افتاده‌ام از پا چرا؟   شهریار

فرانسوی‌ها می‌گویند:

C'est quand l'enfant est baptisé qu'il arrive des parrains.

پس از مراسم تعمید و غسل یک فرزند
برای بچه پدرخواندگان فراوان‌اند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A hija casada salen nos yernos.

بعد از آنی که دگر دخترمان شوهر کرد
تازه یک‌عالمه داماد به ما روی آورد.

آن امیدی که می‌کند تأخیر
می‌کند توی کون آدم کیر.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Hope deferred makes the heart sick.

آن امیدی که دیر می‌آید

قلب ما را مریض بنماید. (یکی از امثال سلیمان است.)

آن را که داده‌اند، همین‌جاش داده‌اند

وان را که نیست، وعده به فرداش داده‌اند. نقل از *اخلاق الاشراف* عبید زاکانی

ترک‌ها می‌گویند: بیر بو گون ایکی صاباحدان یاخشیدیر. (یک امروز از دو فردا بهتر است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Talk about things of tomorrow and the mice inside the ceiling laugh.

دربارهٔ امور فردا حرف بزن تا موش‌های توی سقف بخندند.

One today is worth two tomorrows.

یک امروز همچون دو فردا بیرزد. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

One hour today is worth two tomorrow.

یک ساعت امروز به اندازهٔ دو ساعت فردا می‌ارزد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein Heute ist besser als zehn Morgen.

یک امروز بهتر از ده فرداست.

Heute muß dem Morgen nichts borgen.

امروز نباید چیزی از فردا قرض بگیرد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A cabo de cien años todos seremos calvos.

صد سال پس از این همهٔ ما کچلیم.

آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت.

معادل ترکی: سن گؤرن آغاجلاری دیبیندن کسیبلر. (آن درخت‌هایی را که تو دیده بودی از بیخ بریده‌اند.)

معادل اسپانیولی:

Perro que lobos mata, lobos le matan.

آن سگی که گرگ‌ها را می‌کشد

گرگ‌ها دیری است او را کشته‌اند.

آن شنیدستی که در اقصای غور
بارسالاری بیفتاد از ستور؟
گفت: «چشم تنگ دنیادوست را
یا قناعت پر کند یا خاک گور.» سعدی – گلستان

معادل ترکی: تاماهکارین گؤزونو تورپاق دولدورار. (چشم طمعکار را خاک پر می‌کند.)

معادل اسکاتلندی:

He'll hae enough some day, when his mouth's fu' o' mools.

او یک روزی به مقدار کافی خواهد داشت، وقتی دهانش از خاک گور پر شود.

معادل هلندی:

Gierigheid is niet verzadigd voor zij den mond vol aarde heeft.

طمع هرگز سیر نمی‌شود، مگر زمانی که دهانش پر از خاک شود.

رؤیای حیات جاودانی زیباست
زیباست، ولی حیف، فقط یک رؤیاست
آن فوت که کوزه‌گر به آن معروف است
آه از دل ساده‌لوح ما آدم‌هاست
با خوب و بد زمانهٔ خویش بساز
خود را بشناس و با خودت عشق بباز
با هر نفسی که می‌کشی، از دل و جان
سرنای ثنای زندگی را بنواز. م. ا.

ای آن که نتیجهٔ چهار و هفتی
وز هفت و چهار دایم اندر تفتی
می خور که هزار بار بیشت گفتم
بازآمدنت نیست، چو رفتی، رفتی. خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Quackery has no friend like gullibility.

حقه‌بازی را رفیقی همچنان
ساده‌لوحی نیست توی این جهان.

تقدیر من است غلت خوردن
در دامن چرک مام میهن
آن کرم که هست موطنش عن
پروانه نمی‌شود اصولاً.   م. ا.

یک بشکهٔ گه دچار نشتی شده است
این شد که وطن بدین پلشتی شده است
دنبالهٔ شعر زیر گه مدفون شد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The frog cannot come out of her bog.

قورباغه عاجز از این است که
پای از گنداب خود بیرون نهد.

Fish bred up in dirty pools will taste of mud.

ماهیان برکه‌های گندومند
دست آخر مزهٔ گِل می‌دهند.

آن که در بحر قلزم است غریق
چه تفاوت کند ز بارانش.   سعدی – غزلیات

معادل انگلیسی:

Pour not water on a drowned mouse.

روی یک موش غریق آب نریز.

آن گورکنی که کاروان‌سالار است
این قافله را به سوی گورستان برد.   م. ا.

هر آن کو زاغ باشد رهنمایش
به گورستان بُود همواره جایش.   فخرالدین اسعد گرگانی

زیر سر آن امام راحل رِه بود
زیر سر آقای معظم لِه بود
هر چیز که بر سر اهالی آمد

زیر سر شیخ کدخدای ده بود.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند:

Kılavuzu karga olanın burnu boktan çıkmaz.

کسی که رهنمایش یک کلاغ است

همیشه توی گه او را دماغ است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ne'er throw the bridle o' your horse ower a fool's arm.

سر افسار اسبت را مبادا

به دست آدم ابله سپاری.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Fisch fängt am Kopf an zu stinken.

ماهی از سوی سرش می‌گندد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als de herder doolt, doolen de schapen.

تا که از راه به در شد چوپان

گله از راه به در خواهد شد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ut populus, sic sacerdos.

مردمان چون کشیش خود باشند.

آن ممه را لولو برد.

شاهد مثال:

اعضای مرا چو درد در هم بفشرد

گفتم به خود ای رفیق، می‌باید مرد

پرسید زنم دگر مرا می‌گایی؟

گفتم که دگر آن ممه را لولو برد.   خاکشیر

معادل اسکاتلندی:

Gane is the goose that laid the muckle egg.

غازی که تخم بزرگ را گذاشت رفته.

آن‌جای آدم را سه نفر می‌بینند: مادر آدم، دکتر و مرده‌شور.

جمله‌ای است که پزشکان به بیمارانی که از نشان دادن آن‌جایشان خجالت می‌کشند می‌گویند.

ترک‌ها می‌گویند: حکیم محرم دیر. (طبیب محرم است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not lie to your doctor.

به پزشک خودت دروغ نگو.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Al confessore, medico, e avvocato, non tenere il ver celato.

از کشیش و از پزشک و از وکیل خویشتن

هیچ چیزی را نباید کرد پنهان مطلقاً.

آنچه آسان به زبان می‌آید

کردنش کون تو را می‌گاید. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

’Tis sooner said than done.

زودتر گفته شود تا کرده.

Easier said than done.

گفتن آن ساده‌تر از کردن است.

Talking is easier than doing, and promising than performing.

حرف خالی از عمل آسان‌تر است

وعده دادن نیز از انجام آن.

“Well done” is better than “well said”.

«خوب‌کرده» ز «خوب‌گفته» سر است.

معادل‌های فرانسوی:

Du dire au fait il y a grand trait.

از سخن تا به عمل گام بلندی داریم.

Aisé à dire est difficile à faire.

کار اگر گفتنش آسان کاری است

کردنش کار بسی دشواری است.

معادل‌های آلمانی:

Reden ist leichter als thun, und versprechen leichter als halten.

حرف از عمل آسان‌تر است و وعده از انجام آن.

Wissen ist leichter als thun.

دانستن از کردن بسی آسان‌تر است.

معادل ایتالیایی:

Dal detto al fatto vi è un gran tratto.

از سخن تا به عمل راه درازی داریم.

معادل اسپانیولی:

Del dicho al hecho hay gran trecho.

بین گفتن تا عمل یک جادهٔ طولانی است.

معادل دانمارکی:

Mellem sige og giöre er en lang Vei.

بین گفتار و عمل فاصلهٔ بسیاری است.

آنچه شیران را کند روبه‌مزاج

احتیاج است، احتیاج است، احتیاج.

معادل انگلیسی:

Want will be your master.

احتیاج ارباب آدم می‌شود.

معادل اسکاتلندی:

Need maks the naked quean spin.

جبر کاری کند که شهبانو

نخ بریسد چو لخت ماند او.

معادل‌های آلمانی:

Noth bricht Eisen.

احتیاج آهن را می‌شکافد.

Noth lehrt auch den Lahmen tanzen.

احتیاج حتی به چلاق‌ها رقصیدن یاد می‌دهد.

معادل اسپانیولی:

La necesidad hace á la viega trotar.

نیاز کاری می‌کند که پیرزن یورتمه برود.

معادل هلندی:

Geen beter meesters dan armoede en nood.

بهتر از فقر و نیاز ارباب نیست.

معادل لاتین:

Necessity knows no law.

احتیاج هیچ قانونی نمی‌شناسد.

شاعری تو، مدار روی گران
شاعران روی را گران نکنند
نکنی آنچه گویی و نشگفت / کـ
آنچه گویند شاعران، نکنند. مسعود سعد سلمان

اشاره دارد به آیاتی از قرآن که می‌گوید: والشعراء یتَّبِعهم الغاوون. ألم تَرَ أنَّهم فی کلٍّ واد یهِیمون. و أنَّهم یقُولُون ما لایفعلُون. (و شاعران، که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی‌ای سرگردان‌اند. و آنان‌اند که چیزهایی می‌گویند که نمی‌کنند.) قرآن، شعراء: ۲۲۴ تا ۲۲۶

آنچه ما را کرده یاران حماس
اسکناس است، اسکناس است، اسکناس. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: وئرن الی هر کس اؤپر. (همه دست بده را می‌بوسند.)

آنچه موضوع بحث کس‌خل‌هاست
فوتبال است و وضع آب‌وهواست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Change of weather is the discourse of fools.

آنچه موضوع حرف احمق‌هاست
بحث تغییر وضع آب‌وهواست.

آن‌قدر بار کن که بکِشد، نه آن‌قدر که بکُشد.

معادل آلمانی:

Viele Säcke sind des Esels Tod.

یک‌عالمه کیسه مایهٔ مرگ خر است.

آن‌قدر بایست تا زیر پایت علف سبز شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not let the grass grow under your feet.

اجازه نده زیر پایت علف سبز گردد.

آن‌قدر بپز که بتوانی بخوری.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not run away with more than you can carry.

با بیش از مقداری که می‌توانی حمل کنی فرار نکن.

آن‌قدر خر هست که ما پیاده نرویم.

ترک‌ها می‌گویند: کیم ائششک اولار، بیز اونا پالان اولاریق. (هر کسی خر گشت، پالانش شویم.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

We may make ourselves asses, and then everybody will ride us.

خویش را ممکن است خر بکنیم
تا که هر کس سوارمان بشود.

One man makes a chair, and another man sits in it.

یک نفر صندلی‌ای می‌سازد
می‌نشیند کس دیگر رویش.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il cherche son âne et il est monté dessus.

او به دنبال خرش می‌گردد و
مفت و مجانی سوارش می‌شود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Eine schlagt den Nagel ein, der Andere hängt den Hut daran.

یکی میخ را می‌کوبد و دیگری کلاهش را به آن می‌آویزد.

Der Esel trägt das Korn in die Mühle, und bekommt Disteln.

خر غله را به آسیاب می‌برد و خار گیر می‌آورد.

هلندی‌ها می‌گویند:

De een slaat op de haag terwijl de ander vogels vangt.

یک نفر بوته را بکوبد تا

فرد دیگر پرنده را گیرد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den Ene jager, den Anden æder Haren.

یک نفر خرگوش را می‌گیرد و

فرد دیگر نیز آن را می‌خورد.

Een plöier, en Anden saaer, den Tredie veed ei hvo det faaer.

یک نفر شخم زند، آن دگری می‌کارد

چه کسی می‌درود؟ هیچ کسی آگه نیست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Alii sementem faciunt, alii metent.

یک نفر می‌کارد و آن دیگری خواهد درود. (از انجیل یوحنا ۴:۳۷ گرفته شده است.)

آن‌قدر شور است که آشپز هم می‌گوید شور است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is an ill cook that cannot lick his own fingers.

بی‌گمان آشپز ناشی و بسیار بدی است

گر به لیسیدن انگشت خودش قادر نیست.

آن‌قدر مار خورده تا اژدها شده.

معادل ترکی: ایلان یئییب اژداها اولوب. (مار خورده‌ست و اژدها شده است.)

معادل لاتین:

Serpens ni edat serpentem, draco non fiet.

مار تا وقتی نبلعد مار را

او نخواهد گشت هرگز اژدها.

آن‌کس که لوای غیبت افراخته است
او از تن مردگان غذا ساخته است / و
آن‌کس که به عیب خلق پرداخته است
زان است که عیب خویش نشناخته است.

معادل ترکی: ساققالین چیخمامیش، کوسایا ریشخند ائلمه. (هنوز ریش درنیاورده کوسه را مسخره نکن.)

معادل انگلیسی:
He that mocks a cripple ought to be whole.

کسی که ریشخندی بر چلاقی
زند باید خودش بی‌عیب باشد.

معادل اسپانیولی:
El corcobado no vee su corcoba, y vee la de su compañon.

نبیند قوز خود را مرد قوزی
ولی قوز رفیقش را ببیند.

معادل دانمارکی:
Han skal være skiær som en anden vil skielde.

خودش باید که سالم باشد آن مرد
که خواهد دیگری را سرزنش کرد.

آن‌کس که بداند و بداند که بداند
اسب شرف از گنبد گردون بجهاند
آن‌کس که نداند و بداند که نداند
آخر خرک لنگ به منزل برساند
آن‌کس که نداند و نداند که نداند
در جهل مرکب ابدالدهر بماند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The less wit a man has, the less he knows that he wants it.

آدمی هرقدر عقلش کم‌تر است
کم‌تر آگاه است لازم داردش.

آن‌یکی خر داشت، پالانش نبود

یافت پالان، گرگ خر را درربود
کوزه بودش، آب می‌نامد به دست
آب را چون یافت، خود کوزه شکست.   مولوی

معادل آلمانی:
So geht es in der Welt: der Eine hat den Beutel, der Andere hat das Geld.
چنین است رسم سپنجی سرا:
یکی کیسه دارد، یکی هم طلا.

آواز خر در چمن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The ass brays when he pleases.
هر وقت که عشقش بکشد حضرت خر
یک چهچهه می‌زند که: عرعر عرعر.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Da begynde Svanerne at synge, naar Raagerne tie.
زاغ‌ها وقتی که ساکت می‌شوند
موقع آواز قوها می‌شود.

آواز دهل شنیدن از دور خوش است.

گویند بهشت عدن با حور خوش است
من می‌گویم که آب انگور خوش است
این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار
کاواز دهل شنیدن از دور خوش است.   خیام

معادل ترکی:
Davulun sesi uzaktan hoş gelir.
از دور صدای طبل خوش می‌آید.

معادل اسکاتلندی:
Far awa fowls hae fair feathers.
پر هر مرغکی از دور زیباست.

معادل ایرلندی:

Blue are the hills that are far away.

تپه‌های دوردستان آبی‌اند.

معادل فرانسوی:

Vache de loin a lait assez.

گاوی از دور چه شیری دارد.

آه ندارد که با ناله سودا کند.

معادل ترکی: ایته ده بیر چؤرک بورجلودور. (یک نان هم به سگه بدهکار است.)

آهنگری کاری نداره؛ آهنو گردش می‌کنی می‌شه میل، پهنش می‌کنی می‌شه بیل.

معادل آلمانی:

Dem Zuschauer ist keine Arbeit zu viel.

بهر فردی که تماشا می‌کند
هیچ کاری آن‌چنان دشوار نیست.

آینه چون نقش تو بنمود راست
خود شکن، آیینه شکستن خطاست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What the glass tells you will not be told by counsel.

آنچه را آینه به تو گوید
پندهای کسی نخواهد گفت.

اِ... این که علی‌یه.

بزرگان قریش چهل نفر از طوایف مختلف قریش را مأمور کردند تا شبانه به خانهٔ محمد بروند و او را بکشند. جبرییل جریان را به محمد اطلاع داد و محمد و ابوبکر شبانه به طرف مدینه به راه افتادند. علی آن شب در بستر محمد خوابید و پتو را روی سرش کشید. نیمه‌شب آن چهل نفر با شمشیرهای آخته پاورچین پاورچین کنار بستر محمد آمدند. یکی از آنان آهسته پتو را کنار زد. یک‌دفعه هر چهل نفر با هم گفتند: «اِ... این که علی‌یه.»

اِ... تو هم بلدی حرف بزنی؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you don’t have anything nice to say, don’t say anything at all.

نداری اگر حرف‌های نکویی

همان به که از بیخ چیزی نگویی.

ابابیل که نیستم باد بخورم، کف برینم.

معادل‌های انگلیسی:

A man cannot live by the air.

با باد هوا نمی‌توان زیست.

A man may live upon little, but he cannot live upon nothing.

ای بسا که آدمی با کم تواند زیست

زیستن با هیچ اما هیچ ممکن نیست.

ابر را بانگ سگ ضرر نکند.

ابر سیاه را به هوا اندر

از غلغل سگان چه زیان دارد. ناصر خسرو

معادل عربی: لایضر السحاب بناح الکلاب. (ابر با بانگ سگان هیچ زیانی نکند.)

ابله تحصیل‌کرده یک خر است

کز تمام ابلهان ابله‌تر است. م. ا.

معادل فرانسوی:

Un sot savant est sot plus qu'un sot ignorant.

ابله تحصیل‌کرده بی‌شک از

ابله جاهل بسی ابله‌تر است.

معادل آلمانی:

Gelehrte Narren sind über alle Narren.

دسته‌ای از ابلهان که فاضل و دانشورند

از تمام ابلهان این جهان ابله‌ترند.

ابلهی کو روز روشن شمع کافوری نهد
زود بینی کش به شب روغن نباشد در چراغ. سعدی - گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Keep something for a rainy day.

همیشه چیزکی را زانچه دارید
برای روز بارانی گذارید.

Keep something for a sore foot.

چیزی برای موقع پادرد خود گذار.

Who spends more than he should, shall not have to spend when he would.

او که جایی که نباید خرج بی‌خود کرده است
چون ضرورت پیش می‌آید بماند تنگدست.

ابلیس اگرچه مثل خدا مرده است، لیک
ابلیس زنده دلقک بالای منبر است. م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Hij heeft den bijbel wel in den mond, maar niet in het hart.

انجیل بر لبان وی است و نه در دلش.

هر جا سخن از عرعر یک حاج‌آقاست
تا بیخ یکی است گوشهٔ چپ با راست
اجماع عموم علما دانی چیست؟
این عرعر دسته‌جمعی ملاهاست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Due to the presence of fools, wise people stand out.

با عنایت به حضور خنگ‌ها
عاقلان بیرون در می‌ایستند.

اخم حاج‌آقا اگر دردآور است
قطعاً از لبخندشان خوشگل‌تر است. م. ا.

ادعایش کون خر را پاره می‌کند.

شاهد مثال:

ادعای ما نه تنها کون خر
پاره کرده کون فولاد و بتن
ادعا: اندازهٔ یک کهکشان
خایه‌ها: اندازهٔ یک میکرن.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: درویش اولان شاهلیق ایدیعاسی ائیله‌مز. (او که درویش است ادعای شاهی نمی‌کند.)

اُرد ناشتا دادن.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Come do teu, e chama-te meu.

از جیب خودت بخور، ولیکن
خود را تو بنام نوکر من.

ارزان‌خری، انبان‌خری.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many have been ruined by buying good pennyworths.

خیلی‌ها هستند که با زیاد خریدن چیزهای ارزان‌قیمت به خاک سیاه نشسته‌اند.

Beware of little expense.

بترس از خرج‌های خرده‌ریزه.

Penny goes after penny,
Till Peter hasn't any.

هر پنی اندر پس دیگر پنی از کف رود
تا بدان وقتی که پیتر آدمی مفلس شود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Buy what you dinna want and ye'll sell what you canna spare.

آنچه را لازم نداری تو بخر
آنچه را لازم بُود خواهی فروخت.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer kauft, was er nicht braucht, wird bald verkaufen, was er braucht.

هر کسی که آنچه را لازم ندارد می‌خرد
او به زودی آنچه را لازم بُود خواهد فروخت.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Le piccole spese son quelle che vuotano la borsa.

خرج‌های خرده‌ریزه آخرش
کیف پول مرد را خالی کنند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Quod non opus est, asse carum est.

چنانچه نداری نیازی به چیزی
گران است حتی به نرخ پشیزی.

اره‌برقی وسیله‌ای است مفید
لیک با آن سبیل را نزنید. م. ا.

معادل انگلیسی:

A hand-saw is a good thing, but not to shave with.

ارّه‌دستی وسیلهٔ خوبی است
مال اصلاح ریش اما نیست.

از آب گل‌آلود ماهی گرفتن.

معادل پرتغالی:

Na agoa envolta pesca o pescador.

توی آن آبی که ناآرام بود
مرد ماهیگیر خوش صیدی نمود.

معادل هلندی:

In troebel water is’t goed visschen.

توی آن رود که آرام نبود
ماهی خوب توان صید نمود.

از آخوند دوپا هرچه بگویی برمی‌آید.

بین حکام وطن جانوری نیست که نیست
گرگ و کفتار و سگ و جغد و خری نیست که نیست. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ce que moine pense, il ose le faire.

گر به فکر راهبی چیزی رسد
جرئت انجام آن را دارد او.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Frailes, viver con ellos, y comer con ellos, y andar con ellos, y luego vendellos, que así hacen ellos.

در مورد راهبان، با آنان زندگی کن، با آنان همسفره شو و با آنان گام بردار؛ سپس آنان را بفروش، همان‌گونه که خودشان خودشان را می‌فروشند.

از آن سر بام افتادن.

معادل‌های انگلیسی:

One extreme produces another.

یک افراط آن دیگری را به بار آورَد.

Extremes meet.

افراط و تفریط به هم می‌رسند.

از آن گویند گاهی لفظ قانون
که حرف آخر قانون بُود نون

اگر داخل شوند اندر سیاست
برای شغل و کار است و ریاست. ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The law is an ass.

قانون یک خر است.

Law catches flies, but lets hornets go free.

قانون مگس‌ها را به دام خویش اندازد
زان‌سوی زنبوران وحشی را رها سازد.

Laws, like spiders' webs, are wrought,

Large flies break through, the small are caught.

قوانین را چو تار عنکبوتی
تنیدند آن‌کسانی که تنیدند
مگس‌های بزرگ آن را دریده
و کوچک‌ها در آن ماندند دربند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Je mehr Gesetze, je weniger Recht.

هرچه قانون بیش‌تر باشد، عدالت کم‌تر است.

از آن نماز که خود هیچ از آن نمی‌فهمی
خدا چه فایده و بهره اکتساب کند؟ ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Prayer must not come from the roof of the mouth, but from the root of the heart.

دعا باید برآید خوب و کامل
نه از سقف دهان که از ته دل.

چو نیست ظاهر قرآن به وفق خواهش او
رود به باطن و تفسیر ناصواب کند
از او دلیل نباید سؤال کرد که گرگ
به هر دلیل که شد بره را مجاب کند. ایرج میرزا

آلمانی‌ها می‌گویند:

Vor Liebe frißt der Wolf das Schaf.

گرگ از سر عشق بره را می‌درّد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Burla burlando vase el lobo al asno.

گرگ از سر شوخی طرف خر برود.

از او نترس که های‌وهو دارد، از او بترس که سر به تو دارد.

معادل‌های انگلیسی:

Silent men, like still waters, are deep and dangerous.

مرد ساکت مثل آب راکدی

هم عمیق و هم خطرناک است او.

A still dog bites sore.

سگ خاموش بدجوری شما را گاز می‌گیرد.

Waters that are deep do not babble as they flow.

آب‌هایی که عمیق‌اند به هنگام گذر

شرشر و غلغلی از خویش نیارند به در.

Keep me from still water; from that which is rough I can keep myself.

مرا از آب راکد حفظ کن، زیرا به آسانی

خودم را حفظ خواهم کرد از آب خروشانی.

From a choleric man withdraw a little; from him that says nothing, for ever.

برای مدتی دوری کن از او

که وقت خشم با مردم ستیزد

ولیکن تا ابد از وی حذر کن

که خشمش را درون خویش ریزد.

معادل ایتالیایی:

Dove il fiume ha più fondo, fa minor strepito.

رود هر جا عمیق‌تر گذرد

بانگ و غوغای کم‌تری دارد.

معادل اسپانیولی:

Do va mas hondo el rio, hace menos ruido.

عمق جوی آن‌جا که باشد بیش‌تر

می‌رود آرام و بی‌تشویش‌تر.

معادل پرتغالی:

Onde vai mas fundo o rio, ahi faz menos ruido.

رود در هر جا که باشد ژرف‌تر

می‌شود ساکت‌تر و کم‌حرف‌تر.

معادل دانمارکی:

Det stille Vand har den dybe Grund.

آب راکد عمیق می‌گذرد.

معادل لاتین:

Cave tibi cane muto et aqua silente.

بترس از سگ ساکت و آب راکد.

از این امامزاده کسی معجزه نمی‌بیند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Tutti i santi non fanno miracoli.

همهٔ قدیسان معجزه نمی‌کنند.

Non credere al santo se non fa miracoli.

تو به قدیس نیاور ایمان
جز که یک معجزه بینی از آن.

از این مرد و زن شمس و قمر نام
نزاید جز عجب هر صبح و هر شام.   ایرج میرزا - عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Truth is stranger than fiction.

حقیقت از داستان هم عجیب‌تر است.

Time works wonders.

زمان شگفتی‌ساز است.

از این‌جا رانده و از آن‌جا مانده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Betwixt two stools thy arse must fall down.

مابین دو چارپایه باید
ماتحت تو بر زمین بیفتد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Tusschen twee stoelen valt de aars op de aarde.

مابین دو چارپایه باسن
افتد به زمین به نحو احسن.

رومیان باستان می‌گفتند:

Duabus sedere sellis.

نشستن بین دو چارپایه.

از بیخ عرب است.

شاهد مثال:

پیکان وطن دنده‌عقب دارد و بس
راننده‌ای از بیخ عرب دارد و بس
مغز سر راننده فقط یک گرم است
هفتاد و دو تُن اسم و لقب دارد و بس. م. ا.

آرنج اگرچه شد تماشاگه راز
کی می‌رسد او به بیضهٔ لنگ‌دراز
بیهوده شلوغ کرده‌ای حاج‌آقا
از تپهٔ موش کور یک کوه نساز. م. ا.

معادل ترکی: میلچکدن فیل قاییریر. (از مگس فیل می‌سازد.)

معادل لاتین:

Elephantem ex musca facis.

یک مگس را فیل داری می‌کنی.

از ترس کونت است.

معادل‌های انگلیسی:

A bully is always a coward.

زورگو همواره فردی بزدل است.

A coward is always cruel.

فرد بزدل همیشه سنگدل است.

معادل‌های فرانسوی:

Tel menace, qui a peur.

یک آدم ممکن است تهدید کند و در عین حال بترسد.

Qui menace, a peur.

او که تهدید کند می‌ترسد.

Tel menace, qui est battu.

گاهی آن‌کس که می‌کند تهدید
کتکی نیز نوش جان بکند.

معادل آلمانی:

Mancher droht und zittert vor Furcht.

خیلی‌ها تهدید می‌کنند و حال آن‌که از ترس می‌لرزند.

معادل هلندی:

Dreigers vechten niet.

همهٔ تهدیدکنندگان نمی‌جنگند.

از تفنگ خالی دو نفر می‌ترسند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I will not wear the wooden dagger.

حاشا به کمر خنجر چوبین بندم.

از تنگی چشم پیل معلومم شد
آنان که غنی‌ترند محتاج‌ترند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The more you get, the more you want.

هرقدَر بیش‌تر به دست آری
باز هم بیش‌تر طمع داری.

Avarice is never satisfied.

طمع حاشا که هرگز سیر گردد.

Avarice increases with wealth.

طمع با مال و ثروت بیش گردد.

Poor and liberal, rich and covetous.

فقیر و دست‌ودلباز
غنی و بندهٔ آز.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Muckle wad aye hae mair.

بسیار همیشه بیش‌تر می‌خواهد.

Wealth has made mair men covetous than covetousness has made men wealthy.

کسانی که ثروت طمعکارشان کرده بیش‌تر از کسانی هستند که طمع ثروتمندشان کرده.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien mas tiene, mas quiere.

هرقدَر بیش‌تر آدم دارد

طمع بیش‌تری هم دارد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Mange have formeget, men Ingen har nok.

خیلی‌ها زیاد دارند، اما هیچ‌کس در حد کافی ندارد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Crescit amor nummi, quantum ipsa pecunia crescit.

پول تو هرقدر افزون‌تر شود

در تمنایش دلت خون‌تر شود.

از چاله به چاه افتادن.

معادل فرانسوی:

Se jeter dans l'eau de peur de la pluie.

از وحشت باران در آب پریدن.

معادل آلمانی:

Mancher flieht einen Bach, und fällt in den Rhein.

خیلی‌ها از جویبار حذر می‌کنند و در رودبار می‌افتند.

معادل پرتغالی:

Fugir do fumo, e cahir no fogo.

از دود بیرون رفتن و در آتش افتادن.

معادل هلندی:

Den rook ontvlugtende valt hij in 't vuur.

از دود گریزد و در آتش افتد.

معادل لاتین:

De fumo in flammam.

ز ماهیتابه در آتش فتادن.

از چه‌ای کل، با کلان آمیختی

تو مگر از شیشه روغن ریختی؟ مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is comparison that makes men miserable.

مقایسه کردن است که آدم‌ها را بدبخت می‌کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

I paragoni son tutti odiosi.

هر قیاسی بوی گندی می‌دهد.

از خر افتاده، خرما پیدا کرده.

ترک‌ها می‌گویند: هر ضررده بیر خئییر وار. (در هر ضرری سودی است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No great loss without some small gain.

نباشد به جایی زیانی گران

که یک سود کوچک نیاید از آن.

از خر شیطان بیا پایین.

معادل ترکی: گل بو شئیطان آتیندان ائن. (بیا از این اسب شیطان پیاده شو.)

از خره حرف بزنید.

یک شب زن و شوهری با هم حرف می‌زدند و پسرشان که گوشه‌ای خوابیده بود گوش می‌داد. مرد گفت: «خوب است خره را بفروشیم و برای پسرمان زن بگیریم.» بعد حرف عوض شد و دربارهٔ چیزهای دیگری صحبت کردند. پسر چشم‌هایش را باز کرد و گفت: «از خره حرف بزنید.»

ترک‌ها می‌گویند: هر کس اؤز دردیندن دانیشار. (هر آدمی ز درد خودش حرف می‌زند.)

از خودت گذشته، خدا عقلی به بچه‌هایت بدهد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that is not handsome at twenty, nor strong at thirty, nor rich at forty, nor wise at fifty, will never be handsome, strong, rich, or wise.

مردی که در بیست‌سالگی دلپسند، در سی‌سالگی نیرومند، در چهل‌سالگی ثروتمند و در پنجاه‌سالگی خردمند نباشد، هرگز دلپسند، نیرومند، ثروتمند یا خردمند نخواهد شد.

Happy is he who knows his follies in his youth.

ای خوش آن‌کس که خریت‌هایش
را در ایام جوانی بشناخت.

از درد لاعلاجی به خر می‌گه خانم باجی.

معادل ترکی: درد گلنده لایلاجی، پیشییه دئیرلر خانیم باجی.
(درد لاعلاج که بیاید، به گربه می‌گویند خانم باجی.)

از دزدی که بدتر نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Betrügen ist ehrlicher als stehlen.

بر سر مردم کله بگذاشتن
آبرومندانه‌تر از دزدی است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het is beter te bedelen dan te stelen.

گدایی کنی بهتر از دزدی است.

از دماغ فیل افتاده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that is full of himself is very empty.

خالی است کسی که از خودش پر باشد.

از دماغش درآمد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

That pains are the wages of ill-pleasures.

این رنج‌ها سزای لذات نادرست‌اند.

از دیوار ما کوتاه‌تر پیدا نکرده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Any stick is good enough to beat a dog with.

هر چماقی مناسب است چنان

تا سگی را کتک زنی با آن.

If you want a pretence to whip a dog, say that he ate the frying-pan.

اگر خواهی که یک سگ را زنی، گو

که ماهیتابه‌ات را خورده است او.

He that would hang his dog gives out first that he is mad.

او که می‌خواهد سگش را زد به دار

چو بیندازد سگ او هست هار.

Give a dog an ill name, and you may as well hang him.

اسم بد روی سگی تو بگذار

تا که او را بکشی بر سر دار.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui veut noyer son chien, l’accuse de rage.

مدعی گردد سگش هار است مرد

هر زمان خواهد که او را غرق کرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Facilmente si trova un bastone per dar ad un cane.

ترکه‌ای یافت می‌شود آسان

تا سگی را کتک زنی با آن.

Chi vuol ammazzar il suo cane, basta che dica ch’è arrabbiato.

او که خواهد که سگش را بکشند

کافی است این‌که بگوید هار است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Para azotar el perro, que se come el hierro.

اگر خواهی که یک سگ را کتک زد

بگو او آهنت را خورده باشد.

Quien á su perro quiere matas, rabia le ha de levantar.

هرکه خواهد سگ خود را بکشد

کافی است این‌که بگوید هار است.

از زاهد شیاد مجو مغز که این پوچ

ریش است و همین جبه و دستار و دگر هیچ.   صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Reynard is Reynard still, though in a cowl.

رینارد عبا هم که بپوشد رینارد است. (رینارد: نام روباهی مکار در حکایات قرون وسطایی اروپا.)

رومیان باستان می‌گفتند:

Cucullus non facit monachum.

این ردا نیست که راهب سازد.

از سال قحطی آمده.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Homem pobre, depois de comer ha fome.

فقیری بعد خوردن هم گرسنه‌ست.

از سایهٔ خودش هم می‌ترسد.

معادل انگلیسی:

Afraid of his own shadow.

از سایهٔ خویش ترس دارد.

از سوتی‌های احمدی نژاد بدتر بود.

آن تاج که ارث کی‌قباد است

خیلی به سر شما گشاد است

هر دُر که فشانده‌اید همچون

صد سوتی احمدی نژاد است
هر جور تزی که لطف کردید
نوع نمکین اجتهاد است
یک پرسش ساده دارم، اما
شاکی نشوید کاین عناد است
وقتی که خزر به باد رفته
میدان جهاد اقتصاد است؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool's tongue runs before his wit.

زبان خنگ پیشاپیش عقل او دوان باشد.

از سوراخ حقهٔ وافور تریلی هم رد می‌شود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’y a que la première bouteille qui est chère.

فقط آن بطری اول گران است.

از شما عباسی، از ما رقاصی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He who pays the piper calls the tune.

هرکه انعامی به نی‌زن می‌دهد
او خودش گوید چه آهنگی بزن.

They that dance must pay the fiddler.

آنان که تن خود را در رقص دراندازند
مزد ویولن‌زن را باید که بپردازند.

Money answers all things.

پول پاسخگوی هر چیزی شود.

He that serves well need not be afraid to ask his wages.

کسی که پسندیده خدمت کند
نباید بترسد اگر در عوض

تقاضای یک مزد و اجرت کند.

If you pay not a servant his wages, he will pay himself.

مزد اگر نوکر خود را ندهی

او خودش مزد خودش را بدهد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Where there's naething the king tines his right.

هرکجایی کلهم چیزی نباشد توی دست

اختیارات جناب شاه از کف رفته است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Bezahlen wir die Musik, so wollen wir dabei auch tanzen.

اگر بابت آهنگ پول بدهیم، به رقص خواهیم پیوست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Gij hebt den dans begonnen, en kunt de muziek betalen.

خود را به میان رقص وقتی که دراندازی

تو اجرت مطرب را باید که بپردازی.

Geld beheert de wereld.

پول بر دنیا حکومت می‌کند.

زیباتر آنچه مانده ز بابا از آن تو

بد ای برادر، از من و اعلا از آن تو

این تاس خالی از من و آن کوزه‌ای که بود

پارینه پر ز شهد مصفا از آن تو

یابوی ریسمان‌گسل میخ‌کن ز من

مهمیز کله‌تیز مطلا از آن تو

آن دیگ لب‌شکستهٔ صابون‌پزی ز من

آن چمچهٔ هریسه و حلوا از آن تو

این قوچ شاخ‌کج که زند شاخ از آن من

غوغای جنگ قوچ و تماشا از آن تو

این استر چموش لگدزن از آن من

آن گربهٔ مصاحب بابا از آن تو

از صحن خانه تا به لب بام از آن من

از بام خانه تا به ثریا از آن تو.   وحشی بافقی

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A's yours frae the door out.

از در به آن‌طرف همه‌چیزی از آنِ توست.

(طعنه‌ای است به کسانی که دربارهٔ حقشان بر اسباب و دارایی خانه حرف می‌زنند.)

گویند که انگلیس با روس

عهدی کرده‌ست تازه امسال

کاندر پلتیک هم در ایران

زین پس نکنند هیچ اهمال

افسوس که کافیان این ملک

بنشسته و فارغ‌اند از این حال / کـ

از صلح میان گربه و موش

بر باد رود دکان بقال.   ایرج میرزا

معادل عربی: لا یُدبِر البقال الّا اذا تَصالَحَ السِنّورُ و الفار.

(بقال را بدبختی روی ننماید، مگر آنگاه که میان گربه و موش آشتی برقرار شود.)

معادل دانمارکی:

Naar Kat og Muus giör eet, har Bonden tabt.

اگر گربه و موش با هم بسازند

کشاورز بیچاره شانسی ندارد.

از طلا بودن پشیمان گشته‌ایم

مرحمت فرموده ما را مس کنید.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better so than worse.

گر بماند به همین‌گونه که هست

به از آن است که بدتر گردد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Aendern und bessern sind zwei.

تغییر دادن و بهبود بخشیدن دو چیز مختلف‌اند.

از عدو آنگه حذر بکن که شود دوست

از مغ ترس آن زمان که گشت مسلمان.   ابوحنیفهٔ اسکافی

معادل‌های انگلیسی:

Do not trust gifts or favors if they come from an enemy.

دل به هر لطفی و هر هدیه‌ای ای دوست، نبند

گر فرستاده‌ای از جانب دشمن باشند.

Beware of Greeks bearing gifts.

حذر کن ز یونانیانی که سوغاتی آرند. (یونانی)

(اشاره دارد به اسب چوبینی که سوغات یونانیان برای مردم تروی بود.)

معادل فرانسوی:

Il faut se défier d'un ennemi réconcilié.

جداً از دشمنی بپرهیزید

کز در دوستی درآمده است.

معادل ایتالیایی:

Amicizia riconciliata piaga mal saldata.

دوست وقتی بعد قهرش می‌نماید آشتی

هست زخمی که ضمادی بد بر آن بگذاشتی.

معادل اسپانیولی:

Amigo reconciliado, enemigo doblado.

دشمن اندر دشمن است آن دوستی که داشتی

کو پس از قهری که کرده می‌کند باز آشتی.

معادل پرتغالی:

Amigo quebrado soldará, mas naõ sarará.

اگر شکسته شود دوستی، لحیم شود

ولی شبیه همان اولش نخواهد شد.

از عرعر خر کسی نرنجد.

مرا شهابی گر هجو کرد صد خروار

نیافت خواهد پاسخ ز لفظ من تنگی

دراز کاری دارم که هر سگی را من

بهر خروشی خواهم همی‌زدن سنگی.   سنایی

معادل ترکی: ایتین پئشه‌سی هورمکدیر. (شغل سگ پارس کردن است.)

معادل انگلیسی:

What can you expect from a hog but a grunt.

به‌جز یک خرخر از خوکی که داری

به چیز دیگری امیدواری؟

معادل‌های آلمانی:

Laß die Leute reden und die Hunde bellen.

بگذار مردم حرف بزنند و سگ‌ها پارس کنند.

Wer nach jedem bellenden Hunden werfen will, muß viel Steine auflesen.

او که به طرف هر سگی که پارس می‌کند سنگ پرتاب می‌کند باید یک‌عالمه سنگ جمع کند.

از عزیزان جهان هر کس به دولت می‌رسد

آشنایی می‌شود از آشنایان کم مرا.   صائب

با سنایی سره بود او چو یکی دانگ نداشت

چون دو دانگش به هم افتاد، به غایت بد شد

به قبول دو سه نسناس به نزدیک خران

گر چه دی بی‌خردی بود، کنون بخرد شد

راست چون تا که جز آحاد شماریش نبود

چون مگس بر سر او رید، نهش نهصد شد.   سنایی

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Joyeuse vie père et mère oublie.

زندگانی که خوش و شاد شود

پدر و مادرت از یاد رود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Gli onori mutano i costumi.

جاه و مال تو چو افزون گردد

خلق و خوی تو دگرگون گردد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No dé Dios tanto buen á nuestros amigos que nos desconoscan.

خدا به دوستان ما آن‌قدر برکت ندهد که ما را فراموش کنند.

La buena vida padre y madre olvida.

حال و روز تو که بر وفق مراد
شود و زندگی‌ات باشد شاد
پدر و مادر تو رفته ز یاد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een hond aan een been kent geene vrienden.

سگی با یک استخوان هیچ دوستی نمی‌شناسد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hielp er god, saa nær som i Grödfadet.

کمک اندر همه‌جا مطلوب است
به‌جز البته سر کاسهٔ آش.

رومیان باستان می‌گفتند:

Honores mutant mores.

چو جاه و مقام تو افزون شود
خصالت به‌کلی دگرگون شود.

Canes socium in culina nullum amant.

سگان در آشپزخانه رفیقی را نمی‌خواهند.

Dum canis os rodit, sociari pluribus odit.

سگ در آن وقتی که دارد استخوانی می‌جود
همنشین یک سگ دیگر نمی‌خواهد شود.

از کاه کوه ساختن.

معادل انگلیسی:

Make not mickle of little.

ریزه‌میزه را الکی گنده‌منده‌اش نکنید.

از کرامات شیخ ما این است:

شیره را خورد و گفت شیرین است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never try to prove what nobody doubts.

هیچ موقع سعی در اثبات آن چیزی نکن
کاندر آن شکی ندارد هیچ‌کس از بیخ و بن.

Do not try to reinvent the wheel.

زور بی‌خود نزن که دیگربار
چرخ را از نو اختراع کنی.

از کیسهٔ خلیفه می‌بخشد.

معادل اسپانیولی:

De cuero ageno correas largas.

تسمه‌ای خیلی دراز از چرم مرد دیگری.

معادل هلندی:

Het is goed snijden riemen uit eens andermans leer.

ز چرم دیگری تسمه بریدن
همیشه هست مثل آبِ خوردن.

معادل لاتین:

Ex alieno tergore lata secantur lora.

مردم از چرم آدمی دیگر
تسمه‌هایی عریض می‌برّند.

از گوز ذوالجناح دوصد خصم کشته شد
ای کاش ریده بود به صحرای کربلا. یغمای جندقی

پشکل ذوالجناح پیدا شد
یالثارات ازش خبر داده
اولش شایعه شده الکی است
کار کار سیا و موساده
آزمایش گرفتن و دیدن

عطر و طعمش بدون ایراده
تازه و آبداره، انگاری
تازه از کون اسب افتاده
حضرت ذوالجلال و الاکرام
هدیه‌ای سوی ما فرستاده
تا که بیمارها شفا یابند
با روش‌های خارق‌العاده
باید اول به یاد اسب حسین
بنشینی به روی سجاده
بعد یک سجدۀ غلیظ کنی
و بگوزی صمیمی و ساده
چند تا فحش آبدار بدی
به زن خولی زنازاده
بکشی پشکلو به ماتحتت
محکم و سفت مثل سمباده
هر کس این کارو صد دفه بکنه
از بواسیر حاد آزاده
آی، ای زائر بواسیری
کاروان حاضر است و آماده. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fools are aye seeing ferlies.

همیشه کله‌پوکان چیزهایی
غریب و بس شگفت‌انگیز بینند.

از گیر دزد درآمد، به گیر رمال افتاد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

From bad to worse.

از بد به سوی بدتر.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Uscito è dal fango, ed è cascato nel rio.

از توی گِل درآمد، در رودخانه افتاد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Salir del lodo, y caer en el arroyo.

از باتلاق درآمدن و در رودخانه افتادن.

از ما اصرار، از او انکار.

معادل آلمانی:

Er hat Bohnen in den Ohren.

در گوش‌هایش لوبیا دارد.

غره مشو بدان که جهانت عزیز کرد
ای بس عزیزکردهٔ خود را که کرد خوار
مار است این جهان و جهانجوی مارگیر
از مارگیر مار برآرد همی دمار. عمارهٔ مروزی

معادل انگلیسی:

He who lives by the sword shall die by the sword.

او که عمری نان شمشیر خودش را خورد
در نهایت نیز با شمشیر خواهد مرد.

در قم چه وفور نعمتی ما داریم
این‌جا همه‌جور شیخ و ملا داریم
چپ، راست، میانه، عین آن عضو شریف
یک وحدتِ در کثرت زیبا داریم
این وحدتِ در کثرت ناب وطنی است
این گنج مراد قرن‌ها گورکنی است
از ماست که بر ماست که در ما هم هست
در رودهٔ ما رفته که خونین و عنی است. م. ا.

تاریخ حدیث خواب خرگوشی ماست
بیماری ما همین فراموشی ماست
اخبار همیشه خونی میهنمان
در گوش که نه، همیشه در گوشی ماست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pardon all but thyself.

بگذر از جرم هر کسی، جز خویش.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ingen kommer i Skaden, uden han selv hielper til.

هیچ‌کس بی مدد خویش نیفتد به بلا.

از مرده‌ها نترس، از زنده‌ها بترس.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Dead men don’t bite.

مرده‌ها گاز نمی‌گیرندت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Dead men do nae harm.

مرده‌ها هیچ زیانی نزنند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Doode honden bijten niet.

سگ‌های مرده گاز نمی‌گیرند.

از من گفتن و از تو نشنیدن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that will not be saved needs no preacher.

رستگاری را اگر فردی نخواست
بی‌نیاز از وعظ کردن‌های ماست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Castiga o bom, melhorará; castiga o máo, peorará.

آدم خوب به تنبیه تو بهتر بشود
و به تنبیه تو بدتر بشود آدم بد.

از موی سیه مترس و از ابر سپید
از موی سپید ترس و از ابر سیاه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not trust anyone over thirty.

به بالای سی‌ساله‌ای اعتمادی نکن.

Young saint, old devil.

قدیس جوان، ابلیس پیر.

از ناچاری بوسه به کون خر زنند.

یا: از ناچاری بوسه به دم خر زنند.

از برای مصلحت مرد حکیم
دم خر را بوسه زد، خواندش کریم. مولوی

هلندی‌ها می‌گویند:

Men moet zomwijl de duivel een kaars ontsteeken.

بعضی وقت‌ها آدم باید شمعی جلوی پای شیطان بگیرد.

از نخورده بگیر، بده به خورده.

= آنان که غنی‌ترند محتاج‌ترند.

ترک‌ها می‌گویند: نه وارلیبا بورجلو اول، نه یوخسولدان آلاجاقلی. (نه به دارا بدهکار باش، نه از نادار طلبکار.)

از ندار بگیر، بده به دارا.

معادل ایتالیایی:

Dà del tuo a chi ha del suo.

به او بده که دارد.

از نوکیسه قرض نکن، قرض کردی خرج نکن.

ترک‌ها می‌گویند: ناکسه بورجلو اولما. (به ناکس بدهکار نشو.)

پربستهٔ آن دام که خود گستردیم
از هیبت دود رو به آتش کردیم

از وحشت مار دوزخ پس‌فردا

امروز به اژدها پناه آوردیم. م. ا.

به قدر فهم تو کردند وصف دوزخ را
که مار هفت‌سر و عقرب دوسر دارد
خدای خواهد اگر بنده را عذاب کند
ز مار و عقرب و آتش گزنده‌تر دارد
از آن گروه چه خواهی که از هزار نفر
اقل دویست نفر روضه‌خوان خر دارد
دویست دیگر جن‌گیر و شاعر و رمال
دویست واعظ از روضه‌خوان بتر دارد. ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that fears death lives not.

زندگانی نکند هر کسی از مرگ هراسان باشد.

از هر گهی یک قاشق خوردن.

چو یک قاشق ز هر گه خورده باشی
به هر کاری بپردازی توانی
به زیبایی درون آن بشاشی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He teacheth ill who teacheth all.

کسی که همه‌چیز درس بدهد بد درس می‌دهد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi fa quel ch’e’ può, non fa mai bene.

او که همه‌کاری می‌کند هیچ وقت نمی‌تواند خوب کار کند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Cuidar muitas cousas, fazer huma.

به خیلی چیزها فکر کن، یکی را انجام بده.

از هرچه نه بر مراد تو خواهد بود

گر رنجه شوی، دراز رنجی داری.   نقل از *جوامع الحکایات* عوفی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wink at small faults.

به روی خطاهای ناچیز چشمک بزن.

رومیان باستان می‌گفتند:

Injuriarum remedium est oblivio.

بهین درمان توهین‌های هر کس
ز خاطر بردن آن باشد و بس.

از همسایگی زاهدان دوری جویید تا به کام دل توانید زیست.   عبید زاکانی – صد پند

پشّه با شب‌زنده‌داری خون مردم می‌خورد
زینهار، از زاهد شب‌زنده‌دار اندیشه کن.   صائب

هلندی‌ها می‌گویند:

Een aap, een paap, en eene weegluis, zijn drie duivels in één huis.

یک میمون، یک کشیش و یک شپش سه شیطان در یک خانه هستند.

از هول حلیم توی دیگ افتادن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Hasty men never lack woe.

آنان که عجول و بی‌قرارند
کمبود بلا و غم ندارند.

آن شنیدی که لاغری دانا
گفت باری به ابلهی فربه
اسب تازی اگر ضعیف بُود
همچنان از طویلهٔ خر به.   سعدی – گلستان

معادل ترکی: ایکی ائششکدن بیر آت یاخشیدیر. (یک اسب از دو خر بهتر است.)

اسب و خر را که یک جا ببندند، اگر همبو نشوند، همخو می‌شوند.

معادل انگلیسی:

Asses must not be tied up with horses.

الاغان را نباید در کنار اسب‌ها بندید.

معادل فرانسوی:

Il ne faut pas lier les ânes avec les chevaux.

خران را در کنار اسب‌ها هرگز نبندید.

معادل آلمانی:

Wer mit Hunden zu Bette geht, steht mit Flöhen wieder auf.

هر کسی کو در کنار سگ بخفت
همره یک مشت کک بیدار شد.

معادل ایتالیایی:

Chi vive tra lupi, impara a urlare.

هر کسی همدم گرگان باشد
یاد گیرد که چه‌سان زوزه کشد.

معادل اسپانیولی:

Quien con perros se echa, con pulgas se levanta.

با سگا هرکی بخوابه، با ککا بیدار می‌شه.

معادل هلندی:

Die bij kreupelen woont, leert hinken.

با چلاقان زندگی وقتی کند آقا
یاد گیرد لنگ‌لنگان راه رفتن را.

معادل دانمارکی:

Hvo der omgaaes med Ulv, han lærer at tude.

همدم گرگ که باشد یارو
زوزه را خوب بیاموزد او.

معادل یونانی:

Φθείρουσιν ἤθη χρήσθ' ὁμιλίαι κακαί.

وقتی که همنشین بشوی با رفیق بد
اخلاق دلپذیر تو نابود می‌شود.

معادل‌های لاتین:

Corrumpunt bonos mores colloquia prava.

با مردمان بد چو کسی یار می‌شود

حسن سلوک آدمی از بین می‌رود. (نقل قولی از انجیل است: نامهٔ اول پاول به کورنتی‌ها ۱۵:۳۳.)

Si claudo cohabites, subclaudicare disces.

زندگی وقتی کنی با مرد لنگ

شل زدن را یاد می‌گیری قشنگ.

اسپری تأخیری را در دهانش خالی کرده.

= خیلی کشدار حرف می‌زند.

استاد معلم چو بُود بی‌آزار

خرسک بازند کودکان در بازار. سعدی - گلستان

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

La madre pietosa fa la figliuola tignosa.

مادری کو دل نازک دارد

دختر چرک و جرب بار آرد.

استفاده از فیلترشکن شرعاً اشکال دارد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

فیلترشکن چرا حرام شد؟

برای این‌که صد هزار کاربر

توی سایت ایکس ایکس ایکس دات کام

با هم آه می‌کشند و گردباد می‌شود

و مملکت به باد می‌رود. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui veut vivre à Rome, ne doit pas se quereller avec le pape.

کسی که دوست دارد در رم زندگی کند نباید با پاپ یکی‌به‌دو کند.

اصلاً تو رونالدو هستی.

شاهد مثال:

تو رهبر و سرور معظم

تو عارف کامل مکرم

تو مرجع اعلم مسلم

اصلاً تو رونالدویی عزیزم.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Since you know all and I nothing, tell me what I dreamed last night.

تو که هر چیز را دانی دقیقاً

و این‌جانب ندانم چیزی اصلاً

بگو دیشب چه خوابی دیده‌ام من.

اصلاً من کی‌ام؟ این‌جا کجاست؟

مردی پسرکی را به خرابه‌ای برده بود و مشغول امر خیر بود که برادران بسیجی سررسیدند. مرد از روی پسر بلند شد، شلوارش را بالا کشید، نگاهی به اطراف کرد و گفت: «اصلاً من کی‌ام؟ این‌جا کجاست؟ اِ... اینو کی کرده؟»

رومیان باستان می‌گفتند:

Aliquis non debet esse judex in propria causa.

هیچ مردی نمی‌تواند که

قاضی دادگاه خود باشد.

افاده‌ها طبق طبق

سگ‌ها به دورش وغ و وغ.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Gloria vana florece, y no grana.

ستایش از خود و خود را مدام کردن باد

شکوفه‌ای کند و میوه‌ای نخواهد داد.

اگر از قبل می‌دانستم این را

بُود ورد زبان کس‌ببوها.   م. ا.

فکر این را نکرده بودم من

هست ورد زبان هر کودن.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is the part of a fool to say, I had not thought it.

بخشی از خصلت خل کودن
هست این که مدام می‌گوید:
فکر این را نکرده بودم من.

The fool saith, who would have thought it?

بی‌عقل اگر باشد مرد
این حرف را می‌گوید:
«کی فکر این را می‌کرد؟»

Beware of Had I known this before.

از این «از قبل می‌دانستم ای کاش»
بپرهیز و به‌کلی برحذر باش.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Guardatevi dal "Se io avessi sospettato."

برحذر باش از «ای کاش که می‌دانستم».

رومیان باستان می‌گفتند:

Stulti est dicere non putârim.

عادت کس‌خلاست این‌که بگن:
فکر اینو نکرده بودم من.

اگر استکبار جهانی قمر مصنوعی دارد، ما قمر بنی هاشم داریم.

لندن الآن روزه
قم ولی نصف‌شبه
موندم اونه جلوئه
یا که اینه عقبه.   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fortunam debet quisque manere suam.

هر کسی در حد امکانات خویش
زندگانی را به سر باید برد. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

اگر اسکلی دم تکان می‌دهد
که حق خودش را بیارد به دست
دریغا بر او نام انسان که او
ز سگ سگ‌تر است و ز خر خرتر است. م. ا.

حضرت عباسی این ایرانیان
نوبر اندر نوبر اندر نوبرند
در تمام عمر رام و سربه‌زیر
خلق کالأنعام پای منبرند
خمس مال خویش را با دست خویش
سوی بیت شیخ دزدی می‌برند
در نُه دی توی سرما، زیر برف
هم گلو، هم کون خود را می‌درند
آزمند پول نفت و گاز خود
چشم بر دست چلاق رهبرند
نامهٔ زشت گدایی توی دست
در پی ماشین رهبر پرپرند
هر چرایی صاحب زیرایی است
جز چرا ایرانیان خیلی خرند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
It is a rank courtesy when a man is forced to give thanks for his own.
آخر ادب و نزاکت وقتی است که مردی مجبور می‌شود برای چیزی که حق خودش است تشکر کند.

اگر بخت ما بخت بود، دسته‌خر برای خودش درخت بود.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Wär’ ich ein Hutmacher worden, so kämen die Leut’ ohne Kopf zur Welt.
اگر من یک کلاه‌دوز بودم، مردم بدون سر به دنیا می‌آمدند.

به یک ناتراشیده در مجلسی
برنجد دل هوشمندان بسی

اگر برکه‌ای پر کنند از گلاب

سگی در وی افتد، کند منجلاب.   سعدی – گلستان

معادل انگلیسی:

One drop of poison infects the whole tun of wine.

قطره‌ای زهر می‌تواند زود

بشکه‌ای از شراب را آلود.

معادل آلمانی:

Ein faules Ei verdirbt den ganzen Brei.

چو یک تخم‌مرغ تو گندیده است

کشد کل شیرینی‌ات را به گند.

معادل اسپانیولی:

Poca hiel hace amarga mucha miel.

کمی زرداب اگر افتد در آن‌جا

نماید تلخ یک‌عالم عسل را.

معادل پرتغالی:

Pouco fel damna muito mel.

اندکی زرداب مقداری زیاد

از عسل را کلهم بر باد داد.

اگر بی‌غذایی، گهت را نخور

چو سردرد داری، سرت را نبر.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Do not cut off your nose to spite your face.

از لج صورتتان بینی خود را نبرید.

معادل فرانسوی:

Qui cope son nès, sa face est despechie.

هر کس ببرد دماغ خود را

با چهرهٔ خویش درفتاده.

معادل لاتین:

Male ulciscitur dedecus sibi illatum, qui amputat nasum suum.

سر ننگی که سرش آمده است
هر کسی بینی خود را ببرد
انتقامی الکی بگرفته
چوب آن را خودش اول بخورد.

اگر پیش همه روسیاهم، پیش گوزو روسفیدم.

جمعی در مجلسی نشسته بودند که صدای گوزی بلند شد. همه به جوانی نگاه کردند و او را نوازندهٔ آن نت خیال‌انگیز دانستند. جوان گفت: ...

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A clear conscience laughs at false accusations.

اگر وجدان فرد آسوده باشد
بخندد هر زمانی اتهامی
بر او بندند که بیهوده باشد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Giör ærligen, og svar diærveligen.

شرافتمندانه عمل کن و گستاخانه پاسخ بده.

اگر پیل با پشّه کین آورد
همه رخنه در داد و دین آورد. فردوسی

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

L'elefante non sente il morso della pulce.

فیل نیش کک را حس نمی‌کند.

اگر تو را زر باشد، عالمی تو را برادر باشد.

معادل‌های انگلیسی:

Every one is kin to the rich man.

همه فامیل مرد پولدارند.

He that has a full purse never wanted a friend.

جیب پرپول چو دارد یارو

لنگ یک دوست نمی‌ماند او.

Everybody loves a lord.

هر کسی دوستدار یک لرد است.

معادل اسکاتلندی:

A rich man has mair cousins than his faither had kin.

پسرعمو و پسرعمه‌های مرد غنی

فزون‌ترند ز فامیل‌های بابایش.

معادل فرانسوی:

Le riche a plus de parents qu'il ne connaît.

بیش از آنی که خودش پندارد

قوم و خویش آدم دارا دارد.

معادل ایتالیایی:

Abbiamo pur fiorini che troveremo cugini.

بگذار فلورین‌هایی داشته باشیم، آن‌وقت است که پسرعموهایی خواهیم یافت.

معادل اسپانیولی:

Agora que tengo oveja y borrego, todos me dizen: En hora buena estais, Pedro.

حالا که من میشی و بره‌ای دارم، همه به من می‌گویند: صبح به خیر پدرو.

معادل هلندی:

Rijke lui hebben veel vrienden.

دوستان پولداران خیلی‌اند.

معادل لاتین:

Felicium omnes consanguinei.

هرکه با آدم ثروتمندی

هست بی‌شائبه خویشاوندی.

اگر تو عقل داشتی، من چه غمی داشتم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Your brains are addle.

مغز تو فاسد و گندیده شده.

You have a head and so has a pin.

تو سری داری و سوزن هم سری.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Elle tem cabeça, pois tambem hum alfinete a tem.

او سری دارد و سنجاق سری.

اگر حرف نزنی سنگین‌تری.

معادل انگلیسی:

Better to remain silent and be thought a fool than to open your mouth and remove all doubt.

اگر زیپ دهانت را ببندی
و پندارند یک خنگ خدایی
از آن به که دهان را باز کرده
و هر تردید را زایل نمایی. (نقل قولی از مارک تواین Mark Twain است.)

اگر خیر داشت، اسمش را می‌گذاشتند خیرالله.

آخر این آمدنم نزد تو تا چند بُود
تا کی این شعبده و وعده و این بند بُود
تا تو پنداری کاین خادم تو کیر خصی است
که به آمدشد بی‌فایده خرسند بُود؟ سنایی

ترک‌ها می‌گویند: سندن کور ایت خئییر گؤرمه‌ییب. (سگ کوری ز تو خیری ندیده.)

اگر دانی که نان دادن ثواب است
خودت می‌خور که بغدادت خراب است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He has nothing to eat and yet invites guests.

ندارد بهر خوردن هیچ یارو
و مهمان نیز دعوت می‌کند او.

Who hath no more bread than need must not keep a dog.

نباید سگی را نگه دارد آن مرد

که بیش از نیاز خودش نان ندارد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien no tiene mas de un sayo no puede prestarlo.

هر کسی یک کت اگر دارد و بس

نتواند دهدش قرض به کس.

A quien no le sobra pan, no crie can.

اگر بیش از نیازت نان نداری

نباید توی خانه سگ بیاری.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Naõ tem que comer, assenta-se a mesa.

برای شام من چیزی ندارم

بیا بنشین سر سفره کنارم.

اگر در گلهٔ خرشیعیانی
تو هم خر باش تا تنها نمانی

در این دوران فقط با چشم بسته

خر خود را به منزل می‌رسانی. م. ا.

توی شهر الاغ‌های دوپا

خردت ریسمان دار شود

عرعری کن که جان به در ببری

هر کس آمد بگو سوار شود. م. ا.

پیر هری می‌گوید که چون بوعلی دقاق را سخن عالی شد، مجلس او از خلق خالی شد. تذکرة الأولیاء

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il vaut mieux être fou avec tous que sage tout seul.

بهتر است با همهٔ دنیا دیوانه باشی تا این‌که به تنهایی عاقل باشی.

Il faut hurler avec les loups.

زوزه باید کشید با گرگان.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Melhor he errar com muitos, que acertar com poucos.

بهتر است با اکثریت بر خطا باشی تا با اقلیت بر حق.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Man skal Sæd fölge, eller Land flye.

یا به رسم و رسوم تمکین کن

یا که از مملکت فراری شو.

رومیان باستان می‌گفتند:

Necesse est cum insanientibus furere, nisi solus relinquereris.

چو با دیوانگان کار تو افتاد

تو هم هذیان بگو تا می‌توانی

والا آن میان تنها بمانی.

Consonus esto lupis, cum quibus esse cupis.

زوزه‌ای با گرگ‌ها باید کشید

تا که عضو گلهٔ آنان شوید.

اگر دعای بچه‌ها اثر داشت، یک معلم زنده نمی‌ماند.

معادل ترکی: ایتین دوعاسی قبول اولسا، گؤیدن ات یاغار.

(اگر دعای سگ مستجاب شود، از آسمان گوشت می‌بارد.)

اگر دیدی جواب حرف چوبی است

دهانت را ببندی کار خوبی است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The tongue breaketh bone,
Though itself have none.

زبان هرچند خود بی‌استخوان است

چه بسیار استخوان‌هایی که بشکست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fair words hurt ne'er a bane, but foul words break mony a ane.

حرف‌های دلفریب و دلپسند

استخوان را کی زیانی می‌زنند

لیک زان‌سو حرف‌های ناپسند

استخوان‌های زیادی بشکنند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha mala lingua, bisogna che abbia buone reni.

کسی که زبان بدی دارد باید گردهٔ خوبی داشته باشد. (تا بتواند ضربات شلاق را تحمل کند.)

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No diga la lengua por do pague la cabeza.

زبان نگذار چیزی را عیان سازد
که سر باید بهایش را بپردازد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Boca fechada, tira-me de baralha.

دهانی که صدایی برنیارد
مرا از جنگ و دعوا دور دارد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Munden taler tidt det Halsen maa gielde.

غالباً چیزی که می‌گوید زبان
سر بباید تا دهد تاوان آن.

اگر رشتهٔ آشی می‌خواندی بهتر بود.

به کسانی گفته می‌شود که در رشته‌هایی که بازار کار مناسبی ندارند تحصیل کرده‌اند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Labour in vain is loss of time.

زحمت بی‌فایده وقت تلف کردن است.

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی
برآورند غلامان او درخت از بیخ

به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ.   سعدی - گلستان

معادل آلمانی:

Wenn der Fürst einen Apfel will, so nehmen seine Diener den ganzen Baum.

دل سلطان همین که سیبی خواست

چاکرانش درخت را بکنند.

اگر ز دست بلا بر فلک رود بدخوی
ز دست خوی بد خویش در بلا باشد.   سعدی - گلستان

خوش بخور، خوش بخند، خوش می‌باش
تیز در ریش مردک بدخوی.   عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An angry man seldom wants woe.

آدم تندمزاج عصبی
ندرتاً لنگ بلا می‌ماند.

اگر زری بپوشی، اگر اطلس بپوشی، همان کنگرفروشی.

معادل انگلیسی:

It is not the gay coat that makes the gentleman.

کت پرزرق‌وبرق نیست که جنتلمن می‌سازد.

اگر سوزن خیاط گم نمی‌شد، روزی یک قبا می‌دوخت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Cripples are aye great doers—break your leg and try.

لنگ‌ها اهل عمل‌های بزرگ‌اند و خفن
خواستی تست کنی، پای خودت را بشکن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non può, sempre vuole.

هرکه از انجام کاری عاجز است
بدرقم مشتاق انجامش بُود.

اگر شریک خوب بود، خدا هم شریک می‌گرفت.

معادل ترکی: شریکلی اتی ایت یئمز. (گوشت شراکتی را سگ نمی‌خورد.)

معادل‌های انگلیسی:

Company makes cuckolds.

شراکت قرمساق‌ها را پدید آورَد.

Company's good if you are going to be hanged.

خوب است شریک فرد دیگر بشوی

هر وقت هوس کنی که بر دار روی.

اگر فضول می‌خواستیم، خبرت می‌کردیم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Give neither advice nor salt until you are asked for it.

تا هنوز از شما نخواسته‌اند

نه به مردم نمک دهید، نه پند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Rathe Niemand ungebeten.

مشورت از تو تا نخواسته‌اند

هیچ موقع به این و آن نده پند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ad consilium ne accesseris antequam voceris.

تا زمانی که نخواهد دگری

نده دربارهٔ کارش نظری.

اگر کوه نزد من نمی‌آید، من نزد او می‌روم.

معادل انگلیسی:

If the mountain will not go to Mahomet, let Mahomet go to the mountain.

اگر کوه نزد محمد نیاید

بهل تا به نزد وی آید محمد.

معادل اسپانیولی:

Si no va el otero á Mahoma, vaya Mahoma al otero.

کوه اگر نزد محمد نرود

باید آقای محمد شخصاً

نزد آن کوه مشرف بشود.

اگر که حکم شود در زمانه خر گیرند

هر آن که هست در این ملک، سربه‌سر گیرند.   خاکشیر

آن زن که نماد ذات خربندۀ ماست

الهام به دور شیخ چرخندۀ ماست

بزغالۀ گوساله که آن یارو گفت

گاهی چه دل‌آزار برازندۀ ماست.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

If folly were grief, every house would weep.

گر حماقت ماتمی بود، از تمام خانه‌ها

شور و شیون دم به دم می‌رفت تا عرش خدا.

If every fool wore a crown, we should all be kings.

هر مشنگ بدون عقل سلیم

گر به سر می‌گذاشت یک دیهیم

ما همه پادشاه می‌بودیم. (در اصل یک ضرب‌المثل ویلزی است.)

Common sense is not so common.

عقل سلیم فرد نه چندان عمومی است.

A wise man is a great wonder.

مرد عاقل شگفتی‌ای است عظیم.

معادل ایتالیایی:

I pazzi crescono senza innaffiarli.

احمق‌ها بدون آبیاری رشد می‌کنند.

معادل اسپانیولی:

Si la locura fuese dolores, en cada casa darian voces.

حماقت درد اگر می‌بود، قطعاً

صدای ناله در هر خانه‌ای بود.

معادل هلندی:

Zoo de gekken geen brood aten, het koren zogoed koop zijn.

گندم ارزان بود اگر که ابلهان

توی عمر خود نمی‌خوردند نان.

اگر لر به بازار نرود، بازار می‌گندد.

معادل‌های انگلیسی:

If fools went not to market, bad wares would not be sold.

اگر احمق‌ها به بازار نمی‌رفتند، اجناس بنجل فروخته نمی‌شدند.

When a fool hath bethought himself, the market is over.

همین که آدم خنگی به یاد خویش افتاد
درست موقع اتمام وقت بازار است.

A fool loseth his estate before he finds his folly.

پیش از آنی که به بی‌عقلی خود پی ببرد
مال و سرمایهٔ بی‌عقل ز دستش بپرد.

A fool may make money, but a wise man should spend it.

ای بسا یک خنگ پول آرد به دست
لیک خرجش کار مردی عاقل است.

معادل‌های اسکاتلندی:

A fool and his money are sune parted.

احمق و پولش سریع از هم جدا خواهند شد.

A fool may earn money, but it taks a wise man to keep it.

ای بسا پولی به دست آرد مشنگ بی‌خرد
لیک باید عاقلی آن را نگهداری کند.

He that gets gear before he gets wit is but a short time maister o't.

قبل عاقل گشتن او که صاحب اموال شد
مدتی کوتاه باشد صاحب اموال خود.

معادل فرانسوی:

A barbe de fol apprend-on à raire.

مرد سلمانی سر اصلاح ریش بی‌خرد
یاد می‌گیرد چگونه ریش می‌بایست زد.

معادل آلمانی:

An armer Leute Bart lernt der Junge scheeren.

مرد دلاک جوان آداب شغل خویش را

یاد گیرد روی ریش مردمان بی‌نوا.

معادل ایتالیایی:
A la barba de’ pazzi il barbier impara a radere.

مرد سلمانی سر اصلاح ریش یک مشنگ
یاد می‌گیرد چگونه ریش باید زد قشنگ.

معادل اسپانیولی:
A barba de necio aprenden todos á rapar.

هر کسی با زدن ریش خرفت
شیوهٔ ریش زدن یاد گرفت.

معادل پرتغالی:
Na barba do nescio aprendem todos a rapar.

هرکه روی ریش خنگی کس‌ببو
شیوهٔ اصلاح ریش آموزد او.

معادل هلندی:
Als de zotten ter markt kommen, so krijgen de kramers geld.
وقتی احمق‌ها به بازار می‌روند، دستفروش‌ها پول درمی‌آورند.

اگر لرزونک قوت داشت، خودش را نگه می‌داشت.

معادل عربی: طبیب یداوی الناس و هو مریض.
(پزشک مردم را مداوا می‌کند و حال آن که خودش بیمار است.)

اگر من شانس داشتم، بهم می‌گفتند شانس‌علی.

شانس من مثل یک الاغ نر است
که به چیزم همیشه چیز نمود
دست در شرت هر زنی بکنم
احتمالاً دوجنسه خواهد بود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
On some men's bread butter will not stick.

به نان بعضی از مردم کره هرگز نمی‌چسبد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Nae butter will stick to my bread.

به نان من کره هرگز نچسبد.

اگر مؤمنین غسل جمعه را انجام ندهند، مشکلات کمبود گاز مرتفع نمی‌شود. آیت الله حسنی، امام جمعهٔ ارومیه

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Fou qui se tait passe pour sage.

عاقل آید در نظر گاگول خر
از سخن گفتن چو بنماید حذر.

اگر هفت تا سگ صورتش را بلیسند سیر می‌شوند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As dirty as a pig.

مثل یک خوک کثیف.

اگرچند حلوا لذیذ است و خوش
بخور غوره را بر سر شاخ تاک
که تا غوره حلوا شود، ای بسا
که ما خفته باشیم در قعر خاک. م. ا.

ساقیا، عشرت امروز به فردا مفکن
یا ز دیوان قضا خط امانی به من آر. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No time like the present.

هیچ وقتی شبیه الآن نیست.

Best time is present time.

بهترین وقت همین الآن است.

"Now" is the watchword of the wise.

اسم رمز عاقلان «الآن» بُود.

Live for today for tomorrow never comes.

امروز زندگی کن تنها برای امروز
زیرا که صبح فردا هرگز نخواهد آمد.

Enjoy the present day, trusting little to what tomorrow may bring.

از همین امروز کام دل بگیر
وز همه لذات آن شو بهره‌مند
بر هر آن چیزی که فردا ای بسا
آورد با خویش، خیلی دل نبند.

Pluck the day.

امروز را دریاب.

As soon goes the young sheep as the old to pot.

بره نیز با همان شتاب ناگزیر
سوی دیگ می‌رود که گوسفند پیر.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es kommen eben so viel Kalbshäute zu Markt als Kuhhäute.

به همان اندازه که پوست گاو به بازار می‌آید، پوست گوساله هم می‌آید.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Tantos morrem dos cordeiros, como dos carneiros.

در همان حد بره می‌میرد که قوچ.

مدان دوزخ بدان گرمی که گویند
نه اهریمن بدان زشتی که جویند
اگرچه دزد را دزدی بُود کار
دروغش نیز هم گویند بسیار. فخرالدین اسعد گرگانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Make not the devil blacker than he is.

سیاه‌تر نکن ابلیس را از آنچه خودش هست.

It is a sin to belie the devil.

به شیطان تهمتی بستن گناه است.

Give the devil his due.

به ابلیس حق خودش را بده. (= دربارهٔ یک آدم بد واقعیت را بگو و اغراق نکن.)

Report makes crows blacker than they are.

شایعه رنگ کلاغان را سیه‌تر می‌کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Geschrei macht den Wolf größer als er ist.

شایعه گرگ را بزرگ‌تر از آنچه هست می‌کند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No es tan bravo el leon como le pintan.

شیر آن‌قدرها هم که تصویرش کرده‌اند درنده نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Naõ he o diabo taõ feio como o pintaõ.

شیطان آن‌قدرها هم که تصویرش کرده‌اند زشت نیست.

اگه بپوشی رختی، بنشینی به تختی، تازه می‌بینمت به چشم اون‌وختی.

= من هیچ وقت تو را داخل آدم حساب نمی‌کنم.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les belles robes pleurent sur des épaules indignes.

لباس‌های فاخر بر شانه‌های نالایق زار می‌زنند.

اگه پیرم و می‌لرزم

به صد تا جوون می‌ارزم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is a cracked pitcher that goes longest to the well.

همیشه هست کوزهٔ شکستهٔ ترک‌ترک

که مدتی درازتر به سوی چاه می‌رود.

A creaking gate hangs longest on its hinges.

آن دری که غیژغیژی می‌کند

روی لولایش فزون‌تر ایستد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les pots fêlés sont ceux qui durent le plus.

کوزه‌ای که ترکی دارد او

عمر او از همگان بیش‌تر است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Rappelige Räder laufen am längsten.

چرخ‌های معیوب طولانی‌تر از همه می‌گردند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Krakende wagens duuren het langst.

گاری‌هایی که غیژغیژ می‌کنند بیش از همه دوام می‌آورند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Senecta leonis præstantior hinnulorum juventa.

یک شیر پیر به ز الاغ جوانی است.

اگه هوس بود، همون یه بار بس بود.

معادل ترکی: هوسدیر، بسدیر. (اگر هوس است، بس است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Serving one's own passions is the greatest slavery.

خادم هر هوس خود بودن

بدترین بردگی این دنیاست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Appetitus rationi pareat.

بگذار منطق بر هوس فرمان براند.

الا تا نشنوی مدح سخنگوی

که اندک‌مایه نفعی از تو دارد

که گر روزی مرادش برنیاری

دوصد چندان عیوبت برشمارد. سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I cannot be your friend and your flatterer too.

این غیرممکن است که من درخصوص تو

هم دوست تو باشم و هم چاپلوس تو.

He is a good friend that speaks well of me behind my back.

او که پشت سر من خوب مرا
گوید او دوست خوبی باشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi dinanzi mi pinge, di dietro mi tinge.

او که در پیش رویم مرا رنگ‌آمیزی می‌کند در پشت سر سیاهم می‌کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Mellitum venenum, blanda oratio.

حرف متملق‌ها زهر عسل‌آمیز است.

الاغ چموشی که خیلی خر است
ز یک آدم کله‌خر بهتر است. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A wilfu' man ne'er wanted wae.

لجباز به هیچ وجه چیزی
از بابت غصه کم ندارد.

الاغ من پیره
ترمز نمی‌گیره.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wenn alte Gäul' in Gang kommen, sind sie kaum zu halten.

وقتی اسب‌های پیر گرم می‌شوند، به همین راحتی نمی‌شود مهارشان کرد.

علی‌الظاهر اگرچه شیخ هالوست
ولیکن زیر او ناکس‌تر از روست
الاغی خوش‌خیال و ساده‌لوح است
کسی که فکر کرده شیخ یابوست
گل لپ‌هایش از خون من و توست
که خون مفت خوردن کار زالوست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To stick to somebody like a leech.

مثل زالو به کسی چسبیدن.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Je fetter der Floh, je magerer der Hund.

هرقدَر کک چاق‌تر، سگ در عوض لاغرتر است.

شب در بساط احرار از التفات سردار
کنیاک بود بسیار تریاک بود بی‌مر
هر کس به نشوه‌ای تاخت با نشوه کار خود ساخت
من هم زدم به وافور از حد خود فزون‌تر
تریاک مفت دیدم هی بستم و کشیدم
غافل که صبح آن شب آید مرا چه بر سر
گشت از وفور وافور یبس مزاج موفور
چونان که صبح ماندم در مستراح مضطر
تریاکیان الدنگ سازند سنده را سنگ
چون قافیه شود تنگ وسعت فتد به مَدبر
یک ربع مات بودم زان پس به جد فزودم
تا جای تو نمودم خالی من ای برادر
تا سیل خون نیامد سنده برون نیامد
چیزی ز کون نیامد جز پشکل مُحَجَّر
الحق که ریدن ما تریاکیان بدبخت
باشد جهاد با نفس یعنی جهاد اکبر. ایرج میرزا

ذات شاهانه چون یبوست یافت
گشت کون مبارکش خونی
بس‌که در مستراح شاهنشاه
زور زد همچو مرد افیونی
پاره شد مقعد همایونش
از یکی سندهٔ همایونی. نقل از *توپ مرواری* صادق هدایت

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If at first you don’t succeed, try, try and try again.

چنانچه در تلاش اولت شکست خورده‌ای
تلاش کن، تلاش کن و باز هم تلاش کن.

Perseverance performs greater works than strength.

پشتکار از زور خیلی بیش‌تر
کارها را می‌برد او پیش‌تر.

اللهم بیر بیر.

بیر بیر به ترکی یعنی یکی یکی.

معادل اسکاتلندی:

First come, first ser'd.

اولین مشتری که آمده است
اول او را به راه اندازند.

المفلس فی امان الله.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A beggar pays a benefit with a louse.

به گدا قرضی و وامی اگه هر کس می‌ده
سود اون وامو گدا با یه شپش پس می‌ده.

If you sue a beggar, you will get but a louse.

وقتی از مرد گدایی تو شکایت کردی
سر جمعش شپشی را تو به دست آوردی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Sue a beggar and gain a louse.

از گدایی تو شکایت بنما
تا بگیری شپشی از آقا.

Gie a beggar a bed, and he'll pay you wi' a louse.

رختخوابی دهید اگر به گدا
شپشی در عوض دهد به شما.

الهی، آن را که عقل دادی، پس چه ندادی و آن را که عقل ندادی، پس چه دادی.   خواجه عبدالله انصاری

رومیان باستان می‌گفتند:

Quem Jupiter vult perdere dementat prius.

وقتی ژوپیتر آرزوی نابودی کسی را دارد، اول عقلش را می‌گیرد.

الهی که ازت درنیاید.

خطاب به کسی گفته می‌شود که غذای دیگری را خورده باشد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Pensé que no tenia marido, y comime la olla.

من خیال کردم شوهری ندارم و همهٔ شوربا را خوردم.

الهی مادرت دورت بگردد.

شاهد مثال:

سه تا از سوره‌ها را حفظ کرده
الهی مادرش دورش بگرده
سه تا حوری برای او رزروند
زهی تخم دوزرده؛ نه، سه‌زرده.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A child may have too much of his mother’s blessing.

قسمت هر بچه‌ای یک‌عالمه
از دعای خیر ماماں وی است.

امام خمینی یک حقیقت همیشه‌زنده است.   مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

زنده است آن امام لکن‌گوز
کیر او توی کون ماست هنوز.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A bad thing never dies.

یک چیز بد هرگز نمی‌میرد.

امان از دست شیخ ورپریده
درختی کو که پای آن نریده؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No mischief but a woman or a priest is at the bottom of it.

هر جا که شر و شیطنتی در زمانه است
پای کشیش یا که زنی در میانه است.

امان از کون‌گشادی.

ای کاش من هم
یک خوک بودم
با شادمانی
گه می‌نمودم

توی توالت
ظلم است ریدن
جایی دومتری
بی هیچ روزن

ناراحت و تنگ
هر پات یک ور
چون فیلسوفان
خیره به یک در

یک انقلابی
ای کاش می‌شد
می‌شد برینی
در بستر خود

با یک در باز
خیره به یک هال
هالی که در آن

یک داف باحال

مثل خود تو

کون‌لخت و جیگر

بوسی هوایی

بفرستد این ور. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Laziness begins with cobwebs and ends with iron chains.

تنبلی با تارهای عنکبوت آغاز شد

با غل و زنجیرهای آهنین پایان گرفت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Cauld water scauds daws.

آب سرد زن‌های شلخته را می‌سوزاند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O moço preguiçoso, por naõ dar huma passada, da oito.

نوکر تنبل هشت قدم برمی‌دارد تا یک قدم برندارد.

امت همیشه در صحنه.

یا: ساندیس‌خورها.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One barking dog sets all the street a-barking.

تا که یک سگ در خیابان واغ‌واغی می‌کند

یک خیابان سگ پس از آن واغ‌واغی می‌کند.

One sheep follows another.

هر گوسفندی در پی آن دیگری است.

One foolish sheep will lead the flock.

گوسفندی که خل و بی‌عقل بود

گله‌ای را رهبری خواهد نمود.

One dog can drive a flock of sheep.

گله‌ای از گوسفندان را سگی ره می‌برد.

Fools seldom differ.

به ندرت کس‌ببوها فرق دارند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Trinkt eine Gans, so trinken sie alle.

تا که غازی آب می‌نوشد

کل غازان آب می‌نوشند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Ovejas bobas, por do va una, van todas.

گوسفندان مشنگی، هر جا

که یکی رفت تماماً بروند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als één schaap over den dam is, volgen de anderen.

یک گوسفند تا ز سر جوی می‌پرد

باقی گله نیز بدان سوی می‌پرد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Latrante uno, latrat statim et alter canis.

هر زمانی که سگی پارس کند

دیگری نیز چنین خواهد کرد.

یک کار نکرده در جهان بالمره

خوابیده، نجنبیده ز جا یک ذره

امروز بکن کار که فردا نکنند

در کون تو چوب بید و خاک اره. خاکشیر

ترک‌ها می‌گویند: ایشله، دیشله. (کار کن، بجو.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Footprints on the sands of time are not made by sitting down.

ردپاها روی شن‌های زمان

با نشستن بر زمین ظاهر نشد.

No man is born into this world, whose work is not born with him.

هیچ‌کس به این دنیا نمی‌آید که کارش هم با او متولد نشود.

Hands are to do the work.

دست‌ها مال کار کردن ماست.

The back is made for the burden.

پشت از برای بار کشیدن درست شد.

دل سر حیات اگر کماهی دانست
در مرگ هم اسرار الهی دانست
امروز که با خودی، ندانستی هیچ
فردا که ز خود روی چه خواهی دانست.   خیام

هلندی‌ها می‌گویند:

Het eindje is de dood.

مرگ پایان تمام چیزهاست.

اندرون از طعام خالی دار
تا در او نور معرفت بینی
تهی از حکمتی به علت آن
که پری از طعام تا بینی.   سعدی – گلستان

معادل انگلیسی:

Fat paunches make lean pates.

شکم گنده کله را کوچک می‌کند.

انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست.

این یکی با اون دو تا می‌شه سه تا
هر سه تا مال شما ای شیخنا
هم کلاهک داره و هم دسته‌ای
هسته داره مثل بمب هسته‌ای
کل این حق مسلم مال تو
بلکه قدری خوش بشه احوال تو
کلهٔ جدت، بیا و مرگ من
هی نرین تو طول و عرض این وطن

ای تو جالینوس و افلاطون ما
لطف کن بیرون بکش از کون ما.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
A fool will not give his bauble for the Tower of London.

ابلهی خرت و پرت خود را با
برج لندن عوض نخواهد کرد.

Fools are fain of nothing.

ابله برای هیچ دلش ضعف می‌رود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:
A chaque fou plaît sa marotte.

هر مشنگی خرت و پرت خویشتن را دوست دارد.

انشاء الله که گربه بوده.

سگی به کاسهٔ روغن درویشی زبان زد. به درویش گفتند روغن نجس شده و باید آن را دور بریزی. درویش که دلش نمی‌آمد روغن را دور بریزد، گفت: «انشاء الله که گربه بوده.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Believe well and have well.

تو خوشبین باش تا خوشبخت باشی.

انقلاب آن زمان که کودک بود
پدرم انقلاب را کرده
انقلاب این زمان بزرگ شده
در عوض توی بنده جا کرده.   م. ا.

روی سر ما باز کلاهی دگر است
پایان مسیر اول راهی دگر است
وقتی هدف قیام ما بی‌هدفی است
هر رهبر انقلاب شاهی دگر است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Sometimes the majority only means all the fools are on the same side.

گاهی اوقات اکثریت معنی‌اش این است
که تمام ابلهان در یک طرف هستند.

انکر الاصوات.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every ass is pleased with his bray.

هر خری با عرعر خود عالمی دارد.

انگار آپولو هوا کرده.

آپولو که در اساطیر یونان نام خدای آفتاب و موسیقی است، نام فضاپیمایی بود که دو فضانورد آمریکایی را به ماه برد. خبر قدم نهادن انسان بر سطح ماه در همهٔ جهان انعکاس وسیعی یافت و در ایران نیز این ضرب‌المثل ساخته شد.

متأسفانه به‌خاطر نفوذ صهیونیست‌ها بر رسانه‌های جهان، خبر کشف دوبارهٔ انرژی هسته‌ای توسط یک دختر ایرانی، آن هم در آشپزخانه، در جهان منعکس نشد تا در آمریکا هم ضرب‌المثلی ساخته شود که: انگار تو آشپزخونه‌شون انرژی هسته‌ای کشف کرده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Little things please little minds.

چیز کوچک ذهن کوچک را خوش است.

انگار دارم با دیوار حرف می‌زنم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

In vain he craves advice who will not follow it.

یارو به نصیحت ولعی بیهده دارد
وقتی که نخواهد که بدان گوش سپارد.

A nod's as good as a wink to a blind horse.

تفاوتی نکند بهر اسب کور که تو
سری تکان بدی یا که چشمکی بزنی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that winna be counselled canna be helped.

آن‌کس که هیچ پند نخواهد ز کس شنود
حاشا اگر به وی بتوانی کمک نمود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Pour néant demande conseil qui ne le veut croire.

بیهوده تمنای نصیحت دارد
چون گوش نخواهد که بدان بسپارد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Parieti loqueris.

داری با یک دیوار حرف می‌زنی.

Verba fiunt mortuo.

بهر یک مرده قصه می‌گویی.

او چو آید، همه را می‌گاید
شاید این جمعه بیاید، شاید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Long looked for comes at last.

هر چیز که انتظار آن را بکشی بالأخره می‌آید.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

On compte les défauts de ceux qu'on attend.

مردم عیب‌های کسانی را که منتظرشان می‌گذارند می‌شمارند.

او که با شمشیر کیکی می‌برد
نیست جنگاور، فقط گه می‌خورد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He takes a spear to kill a fly.

نیزه برداشته تا که مگسی را بکشد.

Never draw your dirk when a dunt will do.

اگر یک مشت کافی بود، دیگر
تو هرگز خنجرت را درنیاور.

To use a steam-hammer to crack nuts.

از یک چکش بخار برای شکستن بادام‌ها استفاده کردن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ne'er use the taws when a gloom will do.

گر به یک اخم شود کار درست

مدد از ترکه نمی‌باید جست.

او که در جانش حسد اندوخته

آتشی در زیر خویش افروخته

هر حسودی دشمن خویش است و بس

او فقط کون خودش را سوخته. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Envy never enriched any man.

حسادت کسی را توانگر نکرده.

Envy shoots at others and wounds herself.

حسادت به این و آن شلیک می‌کند و خودش را زخمی می‌کند.

معادل آلمانی:

Wer neidet, der leidet.

رنج کشد او که حسد می‌برد.

معادل پرتغالی:

Ao invejoso emmagrece-lhe o rosto, e incha-lhe o olho.

چهرهٔ مرد حسود آب می‌رود و چشم او باد می‌کند.

معادل‌های دانمارکی:

Avindsyg er sin egen Böddel.

حسادت شکنجه‌گر خویش است.

Rust æder Jern og Avind æder sig selv.

زنگار آهن را می‌خورد و حسادت خودش را.

ظاهرش دیدی، سِرش از تو نهان

اوستا ناگشته بگشادی دکان. مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He can ill be master that never was scholar.

بد استادی شود آن آدمی که

به عمر خویش شاگردی نکرده.

He that teaches himself has a fool for his master.

او که آموزش به خود می‌داده است

گیر استاد خری افتاده است.

He that will too soon be his own master, will have a fool for his scholar.

او که خیلی زود استاد خود است

دارد او شاگرد خنگی زیر دست.

If you would be a smith, begin with blowing the fire.

گر تو می‌خواهی که یک استاد آهنگر شوی

با دمیدن توی آتش کار را آغاز کن.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer sein eigener Lehrmeister sein will, hat einen Narren zum Schüler.

او که آموزش به خود می‌داده است

گیر شاگرد خری افتاده است.

اول این را که زاییدی بزرگ کن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Drive not a second nail till the first is clenched.

تا سر میخ اول خود را

پرچ و محکم نکرده‌ای در جا

دومین میخ را نکوب آقا.

اول بچش، بعد بگو بی‌نمک است.

معادل آلمانی:

Siehe erst auf dich, dann richte mich.

تو اول نگاهی به خانه بکن

سپس عیب و ایراد از من بگیر.

اول چاه را بکن، بعد منار را بدزد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You are a fool to steal if you can’t conceal.

اسکلی وقتی که دزدی می‌کنی از دیگران
گر نداری عرضه تا سرپوش بگذاری بر آن.

اول خویش، سپس درویش.

معادل‌های ترکی: پئیغمبر اول اؤز جانینا دوعا ائدیب. (پیغمبر اول برای جان خودش دعا کرده.)

سنی ایسته‌ییرم، اؤزومو سندن آرتیق ایسته‌ییرم.
(تو را دوست دارم، خودم را از تو بیش‌تر دوست دارم.)

معادل‌های انگلیسی:

Charity begins at home.

کار خیر تو از سرای خودت
شود آغاز و از برای خودت.

Near is my shirt, but nearer is my skin.

گر بُود پیراهنم نزدیک من
پوستم باشد ولی نزدیک‌تر.

The priest christens his own child first.

کشیش اول بچهٔ خودش را غسل تعمید می‌دهد.

معادل اسکاتلندی:

Charity begins at hame, but shouldna end there.

نکوکاری از خانه آغاز گردد
ولیکن نباید همان‌جا سرآید.

معادل فرانسوی:

Charité bien ordonnée commence par soi-même.

نکوکاری و کار خیر بجا
در آغاز بر خویش باشد روا.

معادل آلمانی:

Pfaffen segnen sich zuerst.

کشیشان اول خودشان را متبرک می‌کنند.

معادل‌های ایتالیایی:

San Francesco prima si faceva la barba per sè, poi la faceva a' suoi frati.

فرانچسکوی قدیس اول ریش خود را اصلاح کرد، بعد ریش برادرانش را.

Più mi tocca la camicia che la gonnella.

گرچه نزدیک است روپوشم به من

زیرپوش من بُود نزدیک‌تر.

معادل اسپانیولی:

La caridad bien ordenada comenza de sí propia.

عمل خیر اگر درست و بجاست

جای آغاز آن سرای شماست.

معادل هلندی:

De liefde begint eerst met zich zelven.

از خانه کار خیر تو آغاز می‌شود.

معادل دانمارکی:

Den Korset haver signer sig selv först.

او که صلیب را حمل می‌کند اول خودش را متبرک می‌کند.

معادل لاتین:

Prima sibi charitas.

خود آدم هدف اول نیکوکاری است.

اون کسی که اون بالا، روی تخت می‌شینه

چشم برزخی داره، ما رو گاو می‌بینه

آی گلهٔ گاوا، اونم عینهو خود ماست

ویسکی نمی‌شاشه، بستنی نمی‌رینه

پاشو و هوار بزن، مغزشو شیار بزن

جسم ناقصی داره، گوش‌هاش سنگینه.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is a fool that thinks not that another thinks.

اگر فردی نیندیشد که فرد دیگری جز او

تواند تا بیندیشد، یقیناً هست یک هالو.

One may think that dares not speak.

قدرت فکر کردن او دارد
که بترسد که بر زبان آرد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Necio he quem cuida, que outro naõ cuida.

او یک انسان مشنگ است که می‌اندیشد
به‌جز او هیچ کسی هیچ نمی‌اندیشد.

اون که کارش همینه که بکشه
تا که هی گیج و منگ و نشئه بشه
کارتن‌خواب خونهٔ خودشه. م. ا.

اونی که به ما نریده بود، کلاغ کون‌دریده بود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Et tu, Brute?

حتی تو بروتوس؟

(جملهٔ معروف ژولیوس سزار پیش از مرگ است. سناتورهای رومی علیه سزار توطئه کردند و او را در سنا به قتل رساندند. هرکدام از سناتورها با خنجر ضربه‌ای به سزار زد. آخرین نفر بروتوس، دوست سزار، بود که ضربهٔ آخر را زد. سزار به او گفت: ...)

نقد صوفی نه همه صافی بی‌غش باشد
ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد. حافظ

پارسا بین که خرقه در بر کرد
جامهٔ کعبه را جل خر کرد. سعدی – گلستان

صوفی‌ای را گفتند: «جبهٔ خویش بفروش.» گفت: «اگر صیاد دام خود را بفروشد با چه چیز صید کند؟»
عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا، حکایات عربی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better wear a cloak for religion than religion for a cloak.

خرقه‌ای که برای دین پوشند
به ز دینی که بهر یک خرقه
دم به دم در نمایشش کوشند.

A wolf in sheep's clothing.

گرگی اندر جامهٔ یک گوسفند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

En Skalk kan vel skiules under en Messesærk.

یک‌عالمه رذل ناکس گند
در زیر عبای خود نهان‌اند.

Ofte er Ulvesind under Faareskind.

گرگ‌ها زیر لباس گوسفند
غالب اوقات پنهان می‌شوند.

ای پسر، چوب معلم چو گل است
هر کز آن چوب نخورده‌ست خل است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The best horse needs breaking, and the best child needs teaching.

بهترینِ اسب‌ها را رام باید کرد و نیز
بهترینِ بچه‌ها را تربیت بایست کرد.

Corn is cleansed with the wind, and the soul with chastening.

غله با باد پاک می‌گردد
روح با گوشمالی و تنبیه.

Bend the twig while it is young.

شاخه را در نوجوانی خم بکن.

As the twig is bent the tree’s inclined.

نهال رو به هر آن سمت خم شود
درخت رو به همان سمت می‌رود. (بخشی از مصرعی از الکساندر پوپ Alexander Pope است.)

A stitch in time saves nine.

بخیه‌ای کان را سر موقع زنی

کار نه تا بخیه را خواهد نمود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better bairns greet than bearded men.

بچه‌ها بهتر است گریه کنند
نه که مردان گندهٔ ریشو.

For want o' a steek a shoe may be tint.

بهر یک بخیه بسا کفش تو از دست رود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es ist besser das Kind weine, denn der Vater.

گریهٔ بچه به از گریهٔ بابای وی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ben ama, ben gastiga.

او که خوب عشق می‌ورزد خوب هم تنبیه می‌کند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Die wel bemind kastijdt zijn kind.

مهر فرزند چو مردی دارد
گاهی او را کتکی خواهد زد.

Wie zijn kind straft, die heeft eere van hem; wie het niet straft, die zal schande beleven.

او که فرزندش را تنبیه می‌کند، به او سرافراز خواهد شد؛ او که تنبیهش نمی‌کند، به‌خاطر او سرافکنده خواهد شد.

Eene barmhartige moeder maakt eene schurftige dochter.

مادری که رئوف و دلرحم است
دخترش را شلخته خواهد کرد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Jo kiærere Barn, jo skarpere Riis.

هرچه یک کودک بُود دردانه‌تر
ترکه را باید زنی جانانه‌تر.

Bedre at Barn græder end at Moder sukker.

گریهٔ بچه به از نالهٔ مامان وی است.

Bedre er at Barn græder, end gammel Mand.

به که یک بچه بگرید تا پیر.

Man skal Vidien vride medens hun er ung.

بید را در نونهالی خم کنید.

Barneryg vil böies i Tide.

پشت کودک زود باید خم شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Qui parcit virgam, odit filium.

او که شلاق را کنار گذاشت
از پسرهای خویش نفرت داشت.

بنی‌اسراییل می‌گفتند:

Spare the rod and spoil the child.

ترکه‌ات را فروگذار ای مرد
کودکت را تباه خواهی کرد.

ای دل، طریق رندی از محتسب بیاموز
مست است و در حق او کس این گمان ندارد. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Who shall keep the keepers?

کی نگهبان نگهبانان شود؟

ای شگفتا که این الاغ دوپا
گاهی از هر خری الاغ‌تر است. م. ا.

به سرانجام تکامل بنگر
که چه‌سان بچهٔ میمون شد خر. م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Sunt asini multi solum bino pede fulti.

الاغ‌های زیادی فقط دو پا دارند.

راستی کردند و فرمودند مردان خدای

ای فقیه، اول نصیحت گوی نفس خویش را.   سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Practice what you preach.

به آنچه موعظه‌اش می‌کنی عمل بنما.

He that preacheth giveth alms.

هر کسی موعظه‌ای می‌کند او

صدقه می‌دهد از دیگر سو.

A good example is the best sermon.

بهترین موعظه سرمشق نکوست.

ای قوم به حج رفته، کجایید؟ کجایید؟

دردا و دریغا که همه توی فضایید.   م. ا. مصرع اول از مولوی است.

ابوالعلاء معری می‌گوید:

و قوم اتوا من اقاصی البلاد

لرمی الجمار و لثم الحجر

فوا عجبا من مقالاتهم

ایعمی عن الحق کل تا بشر؟

(و مردمان از بلاد دوردست می‌آیند تا دسته‌جمعی سنگ بیندازند و آنگاه حجرالاسود را ببوسند. عجب کار مسخره‌ای؛ آیا مردم از دیدن حق نابینا هستند؟)

ای مگس، عرصهٔ سیمرغ نه جولانگه توست

عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری.   حافظ

آلمانی‌ها می‌گویند:

Mit großen Herren ist nicht gut Kirschen essen, sie werfen Einem die Stein' und Stiel' ins Angesicht.

کسانی که با بزرگان گیلاس می‌خورند مایل‌اند هسته و ساقه توی صورتشان پرت شود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Man skal skiemte med sin Lige.

به که با همتای خود شوخی کنی.

وقتی طرف سخن خری در چمن است
یک جفتک سفت پاسخ هر سخن است
از منظر شیخ ما که یک مشت‌زن است
این پاسخ مشت سخت دندان‌شکن است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When guns speak it is too late to argue.

وقتی که تفنگ‌ها به گفتار آیند
آنگاه برای بحث خیلی دیر است.

این تمرین است؛ مسابقه بعداً است.

خطاب به کسی گفته می‌شود که تند غذا می‌خورد.

حکیمان دیردیر خورند و عابدان نیم‌سیر و زاهدان سد رمق و جوانان تا طبق برگیرند و پیران تا عرق بکنند، اما قلندریان چندان که در معده جای نفس نماند و بر سفره روزی کس.   سعدی – گلستان

ترک‌ها می‌گویند: بوغازیندا قالار، آستا ییئ. (در گلویت گیر خواهد کرد، آهسته بخور.)

این چیزها واسه فاطی تنبون نمی‌شه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

"Pretty Pussy" will not feed a cat.

«پیشی خوشگل» غذای گربه نیست.

Honour buys no beef.

افتخار و شرفت گوشت برایت نخرد.

Honour without profit is a ring on the finger.

فخر اگر فایده‌ای در وی نیست
فقط انگشترِ در انگشتی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Per dir gran mercè, la mia gatta morì.

مرسی پیشی خوشگل مرگ گربهٔ من بود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Tanto val a cousa, quanto daõ por ella.

قدر هر چیز به سودی است که با خویش آرد.

رومیان باستان می‌گفتند:

The worth of a thing is what it will bring.

ارزش هر چیز در سود وی است.

این چیزهایی را که تو خوانده‌ای ما از حفظیم.

معادل ترکی: سن موللایا گئدنده، من موللادان گلیردیم.

(آن‌موقعی که تو پیش ملا می‌رفتی، من از پیش ملا می‌آمدم.)

معادل دانمارکی:

Det duer ikke for Svanen, at lære Örneunger at synge.

به قو نیامده که به عقاب‌ها پرواز بیاموزد.

بویی ز بوستان محبت نبرده‌اند

سالوس زاهدان حقیقت مجازکن

این حاجیان به حشر عنان در عنان روند

با اشتران طی طریق حجازکن.   ایرج میرزا

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wallfahrer kommen selten heiliger nach Hause.

زائران به ندرت قدیس به خانه برمی‌گردند.

این دغل دوستان که می‌بینی

مگسان‌اند گرد شیرینی.   سعدی - گلستان

ترک‌ها می‌گویند: یاخشی دوست یامان گونده معلوم اولار. (دوست خوب در روزگار بد معلوم می‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The friend of one's table is of very little value.

رفیق میز غذا ارزش کمی دارد.

Bought friends are not friends indeed.

دوستانی که خریداری شوند

دوستان راستینی نیستند.

Never trust much to a new friend or an old enemy.

نه به یک دشمن کهنه، نه رفیقی تازه

اعتمادی ننما بیش‌تر از اندازه.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ami de table est variable.

رفیق میز غذا مستعد تغییر است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Siedet der Topf, so blühet die Freundschaft.

تا زمانی که دیگ می‌جوشد

دوستی چون درخت باغ بهار

جامه‌ای از شکوفه می‌پوشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha de' pani, ha de' cani.

هرکه نان داشت صاحب سگ‌هاست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Quem tem bom ninho, tem bom amigo.

هر کسی را آشیانی خوب هست

دوستانی خوب می‌آرد به دست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fervet olla, vivit amicitia.

تا زمانی که دیگ می‌جوشد

دوستی بادوام خواهد بود.

این را که ننه قمر هم می‌دانست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One may see that with half an eye.

هر کسی با نیمی از یک چشم هم

می‌تواند دید آن را بیش و کم.

رومیان باستان می‌گفتند:

Vel cæco appareat.

مرد کوری نیز درکش می‌کند.

این کلاه به سرت گشاد است.

شاهد مثال:

طرفه کیری خدا به من داده‌ست
هرچه شرحش دهم، زیادتر است
هرچه او را به کار اندازم
کله‌اش گرم و پر ز بادتر است
کس ز من خواهد او، نه کون، چه کنم؟
این کله از سرش گشادتر است.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Limit your wants by your wealth.

احتیاجات و نیاز خویش را
در حدود ثروتت محدود کن.

یک آدم بی‌تقلب و صاف مجوی
غیر از کپ و لپ ز قاف تا قاف مجوی
این کیر به آن می‌زند، آن کیر به این
زین مردم کیرزن تو انصاف مجوی.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Solitude is often the best society.

غالباً هیچ همنشینی نیست
که خوشایندتر ز تنهایی است.

Plain dealing is a jewel.

رفتار صادقانه و روراست گوهری است.

این گوز مال این کون نیست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi asino è, e cervo esser si crede, al saltar del fosso sè ne avvede.

گر کسی در واقعیت یک خر است

لیک پندارد گوزنی باشد او
اشتباهش را بفهمد هر زمان
لازم آید بپرد از روی جو.

هرکه را پست و مقامی آرزوست
عمر آن کوتاه مانند وضوست
این وضو را مشت آبی آورد
آنچه را آب آورد، بادی برد
گلعذارانی که جان را سوختند
بی‌وفایی از وضو آموختند. آقای هالو

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Easy come, easy go.

آسان برود هرآنچه آسان آید.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Come wi' the wind and gang wi' the water.

با باد بیامده‌ست و بر آب رود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Tôt gagné, tôt gaspillé.

آنچه فوری به دست می‌آید
به هدر می‌رود، نمی‌پاید.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A agoa o dá, a agoa o leva.

چیز آب‌آورده را آبی برد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Ligt gekomen, ligt gegaan.

آنچه آسان آید آسان می‌رود.

اینا رو خودم یادت دادم، دور کیرم تابت دادم، با آفتابه آبت دادم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I taught you to swim, and now you’d drown me.

من شنا یاد تو دادم، حالا

قصد داری که کنی غرق مرا.

A stream cannot rise above its source.

هیچ رودی نتواند طغیان
بکند بر سر سرچشمهٔ آن.

این‌جا این کیرها نیست.

= زیادی خوش‌خیالی. این‌جا این خبرها نیست.

رومیان باستان می‌گفتند:

The wish is father to the thought.

آرزویی پدر این فکر است.

ای دل، تو به ادراک معما نرسی
در نکتهٔ زیرکان دانا نرسی
این‌جا ز می و جام بهشتی می‌ساز
کان‌جا که بهشت است رسی یا نرسی. خیام

به دنبال جهانی ماورایی
شبیه منگ‌ها توی فضایی
تو انسانی و اینک زنده هستی
چه می‌جویی ورای روشنایی؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Tomorrow come never.

فردا هرگز نمی‌آید.

این‌جا کوچهٔ آب‌منگل‌هاست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A good man is hard to find.

یافتن مرد نکو مشکل است.

این‌قدر خایهٔ یارو را نمال، پوستش کنده می‌شود.

ترک‌ها می‌گویند: دالینجا آفتافا آپاریر. (پشت سرش آفتابه می‌برد.)

آلمانی‌ها می‌گویند:

Schmeichler sind Katzen die vorne lecken und hinten kratzen.

چاپلوسان گربه‌هایی هستند که از روبرو می‌لیسند و از پشت سر چنگ می‌زنند.

ب

با آب جوب بزرگ شده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Manners maketh man.

مرد را طرز سلوک و ادبش می‌سازد.

You know good manners, but you use but few.

ادب و تربیت بلد هستی
ولی آن را به کار کم بستی.

Do not leave your manners on the doorstep.

ادب و تربیتت را دم در جا نگذار.

Civility costs nothing.

نزاکت داشتن خرجی ندارد.

Politeness costs nothing and gains everything.

ادب خرجی برای تو ندارد
و هر چیزی برایت حاصل آرد.

Good words cost nought.

گفتن حرف خوب مجانی است.

A civil denial is better than a rude grant.

آن جواب منفی‌ای کو را نزاکت زیور است
از جواب مثبت دور از ادب نیکوتر است.

Mind your manners.

رفتار و سلوک خویشتن را دریاب.

A civil question deserves a civil answer.

آن سؤالی که با ادب پرسند
لایق یک جواب باادب است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

If ye had as little money as ye hae manners, ye would be the poorest man o' a' your kin.

اگر پول تو چون شعور تو کم بود

تو مسکین‌ترین فرد فامیل بودی.

Ye hae gude manners, but ye dinna bear them about wi' you.

ادب و تربیت تو داری، لیک

با خودت هیچ جا نمی‌بری‌اش.

مردمانی خسته و افسرده‌ایم

در بهار زندگی پژمرده‌ایم

ما همان خرشیعیان ساکنِ

کشوری ویران و صاحب‌مرده‌ایم

بر سر یک سفرهٔ خوش‌آب‌ورنگ

سال‌ها شامی خیالی خورده‌ایم

با امید مرگ یک ملای پیر

زندگانی را به پایان برده‌ایم. م. ا.

در حیرتم از عمر درازی که تو داری

از کی شده عمر خر نر چندبرابر؟ محمدرضا حاجرستم‌بگلو

هلندی‌ها می‌گویند:

Hij wacht lang, die naar eens anders dood wacht.

کسی که منتظر مرگ دیگری بنشست

چه انتظار درازی در انتظار وی است.

با این چیزها قبر آقا درست نمی‌شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many words will not fill a bushel.

یک‌عالمه حرف بشکه را پر نکند.

Music helps not the toothache.

موسیقی دوای درد دندان نیست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Veele woorden vullen geen zak.

یک‌عالمه حرف کیسه را پر نکند.

با پنبه سر بریدن.

معادل انگلیسی:

To cut one's throat with a feather.

گلوی کسی را به یک پر بریدن.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Plumer l'oie sans la faire crier.

کندن پرهای غازی بی که جیغ او درآید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Pela la gazza, e non la far strillare.

پرهای کلاغ را بکن و جیغش را درنیاور.

با تخم‌های خود یک‌قل‌دوقل بازی کردن.

شاهد مثال:

تا زنده‌ای ای مشنگ خل، بازی کن
با دخترکی تپل‌مپل بازی کن
اما اگه دختری دم دستت نیست
با تخم خودت یه‌قل‌دوقل بازی کن. م. ا.

معادل ترکی: مشغولیت اوچون ساقیز چئینه. (آدامس بجو، سرت گرم شود.)

معادل انگلیسی:

Hang yourself for a pastime.

خودتو دار بزن، بلکه سرت گرم بشه.

با تن‌تاک هم مشکلت حل نمی‌شود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ai mali estremi, estremi rimedi.

بهر درمان مریضی‌های حاد

دل به درمانی خشن باید نهاد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Extremis malis extrema remedia.

از برای دردسرهای شدید

دل به رفتاری خشن باید نهید.

با تو نقش‌ها توانم زد

غم نان اگر بگذارد. شاملو

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A hungry man is an angry man.

یک مرد گرسنه خشمگین است.

A hungry wolf is fixed to no place.

یک گرگ گرسنه هیچ هنگام

در هیچ‌کجا نگیرد آرام.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Hungry folk are soon angry.

مردان گرسنه زودخشم‌اند.

A hungry man's deaf to reason.

گوش آدم گرسنه برای منطق و استدلال کر است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

C'est un long jour qu'un jour sans pain.

یک روزِ بی‌نانی یک روز طولانی است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Leichte Magen, schwerer Sinn.

شکم هر کسی که خالی شه

دل یارو به‌جاش پر می‌شه.

Den Hungrigen ist nicht gut predigen.

نیست سودی در آن نصیحت و پند

که به گوش گرسنه‌ای خوانند.

Der Bauch ist ein böser Rathgeber.

شکم ما مشاور بدی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El vientre ayuno no oye á ninguno.

شکمی که گرسنه‌اش باشد

گوش بر حرف هیچ‌کس ندهد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Lobo faminto naõ tem assento.

یک گرگ گرسنه بی‌قرار است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Naar Krybben er tom rives Hestene.

آخور آن وقتی که خالی از غذاست

موقع جنگ و جدال اسب‌هاست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fames bilem acuit.

گرسنگی است که بر خشم ما بیفزاید.

Jejunus venter non audit verba libenter.

یک شکم گرسنه را گوش سخن‌شنو کجاست.

با توسل، عبادت، خیرات و توبه می‌شود جلوی زلزله را گرفت.   آیت الله جنتی (بی‌نیاز از دعای دامت برکاته)

علت زلزلهٔ اخیر تبریز اظهارات اعلمی، نمایندهٔ تبریز، در مورد سیدالشهدا بود.   امام جمعهٔ تبریز

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O mal, que naõ tem cura, he loucura.

بدترین نوع درد بی‌درمان

هست حمق و بلاهت انسان.

تلهٔ خربگیری است اسلام

با سر افتاده توی آن بابام

جیب من مثل کله‌اش خالی است

می‌دهد او به شیخ سهم امام

بنده هر شب گرسنه می‌خوابم
می‌خورد او غم خرابهٔ شام

با چنین مؤمنان کالأنعام
مستدام است تا همیشه نظام. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Easy fool is knave's tool.

کس‌خل خوش‌باوری ابزار دست ناکس است.

با خرابات‌نشینان ز کرامات ملاف
هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد. حافظ

گو بفرما عدد موی زهار زن خویش
شیخ زن‌قحبه اگر صوفی صاحب‌نظر است. یغمای جندقی

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The more one knows, the less one believes.

آدم هرچه بیش‌تر می‌داند، کم‌تر باور می‌کند.

با خودش اختلاط می‌کند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
If you talk to yourself, you speak to a fool.

با خویش اگر گپ می‌زنی
همصحبت یک کودنی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
He that speaks to himsel speaks to a fool.

هر کسی با خویش گرم گفت‌وگوست
گرم صحبت با مشنگی کس‌بیوست.

با خودش درگیر است.

شاهد مثال:
مجنون جنون گاوی واگیریم
یابو متولد شده، خر می‌میریم

سال دو هزار و شانزده رفت و هنوز
در عصر حجر با خودمان درگیریم.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To fight with one's own shadow.

با سایهٔ خویش جنگ کردن.

بس تجربه کردیم در این دیر مکافات
با دردکشان هرکه درافتاد، برافتاد.   حافظ

ترک‌ها می‌گویند: سرخوشدان دلی ده قورخار. (دیوانه هم از مست می‌ترسد.)

سرخوشو ایت ده توتماز. (مست را سگ هم نمی‌گیرد.)

با دعای گربه‌سیاه باران نمی‌آید.

هی داد زدیم مرگ بر آمریکا
آه دل ما گرفت در آمریکا
دیشب خبر بیست و سی را دیدی؟
ویران شده است سربه‌سر آمریکا.   م. ا.

معادل ایتالیایی:

Ragghio d'asino non arriva al cielo.

عرعر خر به آسمان نرسد.

با دو درد کمرشکن تو و من
گریه باید کنیم هم‌میهن
تو برای حسین گریه کن و
من برای تو و خریت تو.   م. ا.

خانهٔ داریوش مالامال
روضه‌خوان است و سید و رمال
دسته و سینه‌زن علامت خر
با علامت الی القیامت خر

در کدامین طویله‌ای از دیر
دیده‌ای خر به خود زند زنجیر؟
گر نبودیم ما ز خر خرتر
نشدی کار ما از این بدتر.   عارف قزوینی

آلبرت اینشتین Albert Einstein گفته است:

Two things are infinite: the universe and human stupidity; and I'm not sure about the universe.

دو چیز لایتناهی هستند: جهان کائنات و بلاهت آدمی؛ و من دربارهٔ جهان کائنات مطمئن نیستم.

با ریا هرکه می‌گذارد ریش
گوییا ریده روی صورت خویش.   م. ا.

آن را که محاسنش تو باشی
گویی که مقابحش چه باشد.   نقل از *ریش‌نامهٔ* عبید زاکانی

با زبان خوش مار از سوراخ درمی‌آید.

ضرر حرف دلنشینی چیست؟
گفتن آن که مفت و مجانی است.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: گولر اوز، دادلی دیل ایلانی یوواداِن چیخاردار.

(روی خندان و زبان خوش‌بیان
مار را از لانه بیرون می‌کشد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is great force hidden in a sweet command.

توی فرمانی که نرم و با محبت می‌دهند
زور و اجبار عظیم و سهمگینی می‌نهند.

An obedient wife commands her husband.

همسر فرمانبری فرمان به شوهر می‌دهد.

All doors open to courtesy.

هر دری روی ادب باز شود.

Soft words hurt not the mouth.

کجا واژه‌های خوش و دلپسند

برای دهانی زیان‌آورند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fleying a bird is no the way to grip it.

ترساندن پرنده راه گرفتنش نیست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui veut prendre un oiseau, qu'il ne l'effarouche.

ترساندن مرغ راه صید او نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Bezerrinha mansa todas as vaccas mamma.

می‌مکد گوسالۀ آرام ما

شیر کل گاوهای گله را.

با زبانش آدم را می‌گاید.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is no venom like that of the tongue.

هیچ زهری ز زهرهای جهان

نرسد او به پای زهر زبان.

Wounds may heal, but not those made by ill words.

ای بسا که زخم‌ها درمان شوند

غیر زخم حرف‌های ناپسند.

The tongue is not steel, yet it cuts.

زبان می‌برد، گرچه فولاد نیست.

A good tongue is a good weapon.

زبانی نکو یک سلاح نکوست.

Words wound worse than swords.

زخم کلمه سخت‌تر از شمشیر است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Evil words cut mair than swords.

حرف‌های تند و زشت و ناپسند

بدتر از شمشیرها برنده‌اند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un coup de langue est pire qu’un coup de lance.

شدت زخم زبان از زخم زوبین بدتر است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Sanan llagas, y no malas palabras.

زخم‌ها بالجمله درمان می‌شوند

غیر زخم حرف‌های ناپسند.

La lengua del mal amigo mas corta que cuchillo.

زبان نارفیقی بدتر از یک کارد می‌برد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mais val callar, que mal fallar.

خامشی از بدزبانی بهتر است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Distels en doornen steken zeer, maar kwade tongen nog veel meer.

نیش خار و گزنه بس دردآور است

لیک نیش بدزبانی بدتر است.

با ستمکاران گیتی بد نمی‌گردد سپهر

عید قربان است دائم خانهٔ قصاب را. کلیم کاشانی

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Jo argere Skalk, jo bedre Lykke.

هرچه انسان رذل‌تر، خوش‌شانس‌تر.

با سیاست کاری نداریم، سیاست با ما کار دارد. صادق هدایت

انگلیسی‌ها می‌گویند:

That government is best which governs least.

آن حکومت از حکومت‌ها سر است

کو حکومت کردنش اندک‌تر است.

هر بار که روی منبرش بنشیند
بر هیکل ما مستمعان می‌رینند
با عینکی از گه که به چشمش زده است
کون همه را شیخ گهی می‌بیند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To the jaundiced eye all things look yellow.

یرقانی چو دو چشم مرد است
در نگاهش همه‌چیزی زرد است.

They who seek only for faults see nothing else.

کسانی که دنبال عیب‌اند و بس
نبینند چیزی به‌جز عیب کس.

Nothing is safe from fault-finders.

نیست در کل امورات جهان
هیچ چیز از عیبجویان در امان.

Praise Peter, but don't find fault with Paul.

مدح و تحسین نمای پیتر را
عیبجویی ولی نکن از پاول.

A carper will cavil at anything.

نق‌نقو دربارهٔ هر چیز نقی می‌زند.

Praise God more, and blame neighbours less.

بیش‌تر حمد خدا را گوی و نیز
کم‌تر از همسایه‌ها ایراد گیر.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Böse Augen sehen nie nichts Gutes.

هیچ موقع چشم‌هایی بد
چیز خوبی را نمی‌بیند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ondt Öie skal intet Godt see.

دیدگانی که بد و معیوب‌اند

عاجز از دیدن چیز خوب‌اند.

با کون توی عسل افتاده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Like a mouse in a cheese.

مثل یک موش در میان پنیر.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Cayósele el pan en la miel.

نان او توی عسل افتاده.

ای روسپیان، دم از بکارت نزنید

با کون گهی دم از طهارت نزنید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Be as you would seem to be.

چنان شو که خواهی چنانت بدانند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Sois vraiment ce que tu veux qu’on te croie.

بشو آن‌گونه انسانی که خواهی

تو را آن‌گونه انسانی بدانند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Sey, was du seyn willst.

همان شو که خواهی همانت بخوانند.

با که گردون سازگاری کرد تا با ما کند

بر مراد دانه هرگز آسیا گردیده است؟ کلیم کاشانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The mirth of the world dureth but awhile.

نشاط و شادی دنیا فقط یک‌چند می‌پاید.

با گرگ دنبه می‌خورد، با چوپان گریه می‌کند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Hij huilt met de wolven, en blaat met de schapen.

با گرگ‌ها زوزه می‌کشد و با گوسفندان بع‌بع می‌کند.

با مردم زمانه سلامی و والسلام
تا گفته‌ای غلام توام، می‌فروشنت.

در دیاری که در او نیست کسی یار کسی
کاش یا رب، که نیفتد به کسی کار کسی. شهریار

مرا ز روز قیامت غمی که هست این است
که روی مردم عالم دوباره باید دید. صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Friends are thieves of time.

دوستان دزدان وقت آدم‌اند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha compagno, ha padrone.

هرکه یک همنشین و همدم داشت
لابد ارباب و سروری هم داشت.

با نیزهٔ ده زرعی هم نمی‌شود سنده زیر دماغش گرفت.

معادل انگلیسی:

Proud as a peacock.

خودپسند چون طاووس.

با همه آره، با ما هم آره؟

معادل ترکی: هامیبا کلک، بیزه ده کلک؟ (به همه کلک، به ما هم کلک؟)

با یک دست دو هندوانه نمی‌شود برداشت.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No man can do two things at once.

هیچ مردی نمی‌تواند در
آنِ واحد دو کار را بکند.

He that doth most at once doth least.

او که خیلی کارها دارد به دست
حاصل کارش یقیناً اندک است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi molte cose comincia, poche ne finisce.

او که خیلی کار را با یکدگر آغاز کرد
زان میان تعدادی اندک را به پایان می‌برد.

بابا، تو دیگه کی هستی
دست شیطونو بستی
زدی سرشو شکستی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Keep out o' his company that cracks o' his cheatery.

از کسی که ادعای حقه‌بازی می‌کند دوری کنید.

باد اگر کونْت را به فرمان نیست
غم مخور، هیچ کون سلیمان نیست.   سنایی

شکم زندان باد است ای خردمند
ندارد هیچ عاقل باد در بند.   سعدی

چو باد اندر شکم پیچد، فرو هل
که باد اندر شکم باری است بر دل.   سعدی

گوز را در کون خود انبار کن
خویش را از راه کون بیمار کن.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Past cure, past care.

درمان اگر ندارد، درماندگی ندارد.

بادآورده را باد می‌برد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Quickly come, quickly go.

آنچه سریع آمده، نیز سریع می‌رود.

Things hardly attained are longer retained.

هرآنچه سخت برآید دراز می‌پاید.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Soon gotten, soon spent.

آنچه فوری به دست می‌آید
نیز فی‌الفور خرج خواهد شد.

Eith learned soon forgotten.

فوری از یاد می‌رود آنی
که بیاموزی‌اش به آسانی.

بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ

در معرضی که تخت سلیمان رود به باد. حافظ

معادل‌های انگلیسی:

Nothing comes of nothing.

برنیاید ز هیچ الا هیچ.

Nothing for nothing.

هیچ چیزی در قبال هیچ چیز.

Where nothing is, nothing can come on’t.

هیچ چیزی گر نباشد در میان
هیچ چیزی درنمی‌آید از آن.

معادل‌های فرانسوی:

On n’a rien pour rien.

هیچ چیزی در ازای هیچ چیز

گیر یک آدم نمی‌آید عزیز.

Rien n’arrive pour rien.

هیچ اتفاقی برای هیچ نمی‌افتد.

On ne fait pas de rien grasse porée.

آبگوشت چرب‌وچیلی را نمی‌توان با هیچ درست کرد.

معادل لاتین:

Ex nihilo nihil fit.

از هیچ به‌غیر هیچ حاصل نشود.

بادنجان بم آفت ندارد.

معادل اسپانیولی:

Vaso malo nunca cae de mano.

ظرف بی‌ارزش و مزخرف و بد
هرگز از دست ما نمی‌افتد.

معادل پرتغالی:

Erva má, naõ lhe empece a geada.

علف‌های هرز از یخبندان آسیبی نمی‌بینند.

معادل دانمارکی:

Ukrud forgaaer ikke.

علف‌های هرز هرگز نمی‌میرند.

معادل لاتین:

Malum vas non frangitur.

ندرتاً کوزهٔ بی‌ارزش و بد
چون ز دست تو بیفتد شکند.

باده با محتسب شهر ننوشی، زنهار
بخورد باده‌ات و سنگ به جام اندازد. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Choose thy company before thy drink.

قبل از این‌که مشروبت را انتخاب کنی همپیاله‌ات را انتخاب کن.

ذهن ما را خوب مشغولانده‌اند
با تماشای همین تلویزیون
باز شد دروازهٔ کون وطن
باز ما محو رئال و بارسلون. م. ا.

تا دقیقاً پانزده سال دگر
گر بماند این حکومت روی پا
بنده خوشبینانه تخمین می‌زنم
– البته با عرض پوزش از شما –
می‌رود در کون هر ایرانی‌ای
حاصل جمع تمام کیرها. م. ا.

موسم رأی دادن آمده است
داده‌ام، می‌دهی و خواهد داد
مش حسن گاو بود، گاو نشد
ای عزادار عمر رفته به باد
باز ما رأی می‌دهیم به بد
از هراس مصیبتی بدتر
باز لطفاً سوارمان بشوید
ما کماکان خریم: عرعرعر. م. ا.

چون‌که این دزد است و آن هم قاتل است
انتخاب رذل اصلح مشکل است
بین مردم شایعاتی هست که
ظاهراً آقا به آن گه مایل است
هر زمان ایشان به یک گه میل کرد
خوردن آن دیگری بی‌حاصل است
هرکه چون میمون از او تقلید کرد
طالعش میمون و فالش مقبل است
من به لیلا رأی خواهم داد و بس
چون‌که بیش از هر دوتاشان خوشگل است

گرچه لیلا دزد و قاتل نیز هست
قاتل خواب من و دزد دل است
اختلاسی که به عمرش کرده است
چند سانت از یک دل ناقابل است
گرچه در آمار بیکارم، ولی
آدم عاشق همیشه شاغل است
عشوه از لیلا، خریدن از من است
عشقبازی کسب‌وکاری کامل است
موشک سجیل توی حلق من
گر بگویم عاشقیت کنسل است
رأی یک مجنون فقط لیلای اوست
جز به دلبر رأی دادن باطل است
سعدیا، نزدیک رأی عاشقان
خلق مجنون‌اند و مجنون عاقل است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is an ill battle where the devil carries the colours.

جنگ شومی است چنانچه شیطان
شد علمدار دو سوی میدان.

Two blacks do not make a white.

دو سیاه یک سفید نمی‌شوند.

Two wrongs don’t make a right.

دو غلط یک درست نمی‌شوند.

باز هم رنگ سیاه
باز هم نوحه، عزا
ای فلان بن فلان، باز که کشتند تو را! م. ا.

هر سال دو ماهشو عزا می‌گیریم
از دم همه از اون مرضا می‌گیریم
با معده و کله‌ای که هر دو خالی است

از هیئت شمرها غذا می‌گیریم. م. ا.

بازی اشکنک داره، سرشکستنک داره.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that never climbed never fell.

او که در عمر خود نکرد صعود

هیچ موقع سقوط هم ننمود.

It is only those who do nothing that make no mistakes.

فقط آنان که به‌کل بیکارند

از خطا دامن پاکی دارند.

He who makes no mistakes, makes nothing.

هر کسی هیچ خطایی نکند

هیچ کار بسزایی نکند.

A man's walking is a succession of falls.

راهپیمایی ما آدمها

دوری از دم به دم افتادن‌هاست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's a poor man that's never missed.

هر کس به عمر خویش خطایی نکرده است

مردی نیازمند و فقیر است و تنگدست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non fallisce, non arricchisce.

هر کس به عمر خویش شکستی نخورده است

هرگز به هیچ مال و منالی نمی‌رسد.

Chi è ritto può cadere.

هر کسی می‌ایستد شاید بیفتد.

بازی بازی، با دودول بابا هم بازی؟

یا: بازی بازی، با سبیل بابا هم بازی؟

ترک‌ها می‌گویند: سیلاحلا اویناماق اولماز. (با سلاحی نتوان بازی کرد.)

ساققالینی اوشاق موشاق الینه وئرمه. (سبیلت را به دست بچه‌مچه نده.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not play with edged tools.

با اشیاء برنده بازی نکن.

It is ill meddling with edged tools.

فضولی در اشیاء برنده کار بدی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui s'y frotte, s'y pique.

با اشیاء برنده شوخی نکن.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het is kwaad gekken met scherp gereedschap.

شوخی با اشیاء برنده شوخی بدی است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ne puero gladium.

شمشیر نده به دست بچه.

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حقه‌باز کرد
بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه
زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد. حافظ

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A'sottili cascano le brache.

شنل‌های مردان مکار گاهی می‌افتد.

Ad un uomo dabbene avanza la metà del cervello; ad un tristo non basta neanche tutto.

بهر انسان شرافتمندی
نیمی از عقل طرف هم کافی است
بهر موجود پدرسوخته‌ای
همهٔ عقل طرف کافی نیست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Af Falsk og Svig vorder ingen riig.

فریب و حقه و سالوس‌کاری
نکرده هیچ‌کس را پولداری.

صانع به جهان کهنه همچون ظرفی است
آبی است به معنی و به ظاهر برفی است
بازیچهٔ کفر و دین به طفلان بسپار
بگذر ز مقامی که خدا هم حرفی است. خیام

کو خدا؟ کیست خدا؟ چیست خدا؟
بی‌جهت بحث مکن، نیست خدا
آن که پیغمبر ما بود همی
ماعَرَفناک بفرمود همی
تو دگر طالب پرخاش مشو
کاسهٔ گرم‌تر از آش مشو
آنچه عقل تو در آن‌ها مات است
تو بمیری، همه موهومات است. ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool believes everything.

بی‌خرد هر چیز را باور کند.

بالاخانه‌اش را اجاره داده.

معادل انگلیسی:

You may truss up all his wit in an egg-shell.

در میان پوست یک تخم‌مرغ آسان و زود
کل عقل و هوش او را می‌توانی جا نمود.

بالأخره معلوم نشد کی‌ها انقلاب کردند.

هیچ‌کس حاضر نیست اعتراف کند در سال پنجاه و هفت مرگ بر شاه گفته است.

کی بود؟ کی بود؟ من نبودم
من که دروغزن نبودم.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Mann im Monde hat das Holz gestohlen.

مردِ در ماه چوب را دزدید.

(مرد در ماه: در افسانه‌های آلمانی مرد هیزم‌شکنی است که چون در روز یکشنبه که تعطیل مذهبی است سر کار رفته بوده، محکوم می‌شود که تا ابد روی ماه هیزم‌کشی کند.)

ببری مال مسلمان و چو مالت ببرند
بانگ و فریاد برآری که مسلمانی نیست. سعدی – غزلیات

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer Recht fordert, muß auch Recht pflegen.

او که خواهان عدالت است باید مجری عدالت باشد.

Es will dem Diebe kein Baum gefallen, daran er hänge.

دزد نمی‌تواند درختی را پیدا کند که چوبهٔ دار مناسبی برایش باشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A nessuno piace la giustizia à casa sua.

هیچ‌کس دوست ندارد عدالت به در خانهٔ او آورده شود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Justicia, mas no por mi casa.

عدالت، ولیکن نه در خانهٔ من.

ببین با کی‌ها شده‌ایم هشتاد میلیون نفر.

ایرانیان که جمع جمیع الطوایف‌اند
جمعاً کتاب جامع جمع اللطایف‌اند. م. ا.

در این زمانهٔ پرهای‌وهوی بی‌بنیاد
بگو به تخمم و چون ابر و باد باش آزاد
و بعد با دلی آرام و جانی آسوده
به ریش مردم این کشور خراب‌آباد

تمام هستی خود را بشاش همچون ابر
تمام هیکل خود را بگوز همچون باد.   م. ا. بیت آخر نقیضه بر مشفق کاشانی است.

من و تو هموطن، دو بی‌بخاریم
که کیر و خایه‌ای اصلاً نداریم
اگر این حرف را باور نداری
بیا شلوار خود را دربیاریم.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is nowt so queer as folk.

چیزی به‌سان مردم دنیا عجیب نیست.

بترکد چشم حسود و بخیل.

شاهد مثال:

ای دبیرستانی
ماه لپ‌های قشنگت شب و روز
مست نورافشانی است
در مدار تن تابان تو یک جاذبهٔ کیهانی است
تا ابد حال عمومیت بلوغی ـ بحرانی
قلب تو طوفانی
شرت تو
— بترکد چشم حسود —
چار فصلش بارانی باد.   م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Var Avind en Feber, var al Verden syg.

رشک اگر تب بود، دنیا کلهم بیمار بود.

Nabos Öie er avindsfuldt.

چشم همسایه غرقه در حسد است.

بچه حکم طوطی را دارد.

معادل انگلیسی:

Children have wide ears and long tongues.

بچه‌ها گوش‌هایی پهن و زبان‌هایی دراز دارند.

معادل فرانسوی:

Petit chaudron, grandes oreilles.

کوزه‌های کوچک گوش‌های درازی دارند.

معادل هلندی:

Laat geen kind vuile reeden hooren, want kleine potten hebben groote ooren.

از بچه‌هایی که دارند گوش می‌کنند بترسید، چرا که کوزه‌های کوچک گوش‌های بزرگی دارند.

بچه می‌ترسانی؟

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's mair fleyed than hurt.

ظاهراً او بیش‌تر ترسیده باشد

تا که آسیبی اساساً دیده باشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Più son i minacciati che gli uccisi.

کسانی که ترسانده شده‌اند از کسانی که کشته شده‌اند بیش‌ترند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Gammel Ulv ræddes ei ved höie Raab.

گرگ پیر از داد و فریادی نمی‌ترسد.

بچه هر وقت که ساکت باشد
شک نکن دسته‌گلی داده به آب. م. ا.

معادل انگلیسی:

When children stand quiet they have done some ill.

هر زمان که بچه ساکت ایستاده است

یعنی این‌که دسته‌گل به آب داده است.

بچهٔ ریشدار.

بزرگی به عقل است، نه به سال و توانگری به هنر است، نه به مال. سعدی – گلستان

ترک‌ها می‌گویند: عاغیل یاشدا دئییل، باشدادیر. (عقل در سن نیست، در سر است.)

بحث سیاسی ممنوع.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Kings have long ears.

شهان را گوش‌هایی بس دراز است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Kings hae lang hands.

شهان را بازوانی بس بلند است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Fürsten haben lange Hände und viele Ohren.

شهان را بازوانی بس بلند است

و ایضاً گوش‌های بی‌شماری.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Con el Rey y con la Inquisicion, chitos!

در مورد شاه و تفتیش عقاید، هیش!

بخت و اقبال نیک تا بوده

یار مردان بی‌حیا بوده. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Cheek brings success.

بی‌حیایی مایهٔ پیروزی است.

بخشیدن چیزی که از آن دگری است

از بهر گدای کوچه هم مشکل نیست. م. ا.

معادل انگلیسی:

Men are very generous with that which costs them nothing.

خلایق به بخشش چه دستی برآرند

در آن چیزهایی که خرجی ندارند.

معادل اسکاتلندی:

Folk are aye free to gie what's no their ain.

مردمان در بخشش آن چیز که
مال آن‌ها نیست خیلی راحت‌اند.

بخور و بخواب کار منه، خدا نگهدار منه.

او که در عمرش فقط خوابیده است و خورده است
ظاهراً زنده‌ست، اما در حقیقت مرده است. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: تنبله هفته‌نین هر گونو جومه دیر. (برای تنبل هر روز هفته جمعه است.)

رومیان باستان می‌گفتند:
Ignavis semper feriæ sunt.

برای آدم بیکار و بیعار
همیشه روز تعطیل است انگار.

بدان رأیی که ما آن روز دادیم
به منویات ایشان گوز دادیم
و ایشان در عوض باتوم در دست
مسیر گوز ما را کلهم بست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
It is hard to sit in Rome and strive against the Pope.

سخت است که در رم بنشیند یک مرد
با حضرت پاپ هم درآید به نبرد.

رومیان باستان می‌گفتند:
Cum principe non pugnandum.

بپرهیز از جدل با زورمندان.

بدبخت اگر مسجد آدینه بسازد
یا طاق فرود آید و یا قبله کج آید.

معادل ترکی: بدبختین آتی چوخ گئتمز.
(اسب یک آدمِ با طالع بد

راه بس دور و درازی نرود.)

معادل انگلیسی:

An unfortunate man would be drowned in a teacup.

ای بسا او که هست شانسش بد

توی فنجان چای غرق شود.

معادل آلمانی:

Wer Unglück soll haben, der stolpert im Grase, fällt auf den Rücken und bricht seine Nase.

او که بدبخت زاده شده، همان‌طور که راه می‌رود، سکندری می‌خورد و گرچه به پشت بیفتد دماغش له می‌شود.

بدبختی شرقی‌ها زیر سر دین باشد

تا بوده چنین بوده، تا هست چنین باشد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It will be all the same a hundred years hence.

صد سال پس از این هم اوضاع همین‌جوری است.

He that would know what shall be must consider what hath been.

هرکه می‌خواهد بداند بعد از این چی می‌شود

در نظر باید بگیرد قبل از این‌ها چی شده.

History repeats itself.

تاریخ خودش را تکرار می‌کند.

بدبیاری محکم و یک‌ضرب در کون می‌رود

لیک میلی‌متر میلی‌متر بیرون می‌رود. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Misfortunes come on wings and depart on foot.

مصیبت‌ها پروازکنان می‌آیند و قدم‌زنان می‌روند.

Agues come on horseback, but go away on foot.

تب‌ولرزها سواره می‌آیند، اما پیاده می‌روند.

معادل فرانسوی:

Le mal vient à cheval et s’en va à pied.

بدبیاری سواره می‌آید

لیک پای پیاده خواهد رفت.

معادل ایتالیایی:

Il male per libra viene, va via per once.

بدبیاری خروار خروار می‌آید و مثقال مثقال می‌رود.

معادل هلندی:

De ziekten komen te paard, en gaan te voet weêr heen.

یک مریضی سواره می‌آید

لیک پای پیاده خواهد رفت.

ساده‌لوحی سر پیری بتر است

بدترین گونهٔ خر پیر خر است.   م. ا.

پیرها غالباً خرف باشند

از ره راست منحرف باشند.   ایرج میرزا

معادل‌های انگلیسی:

No fool like an old fool.

هیچ خنگی مثل پیری خنگ نیست.

The older a fool is, the worse he is.

اسکل خرفت خر

هرچه پیرتر، بدتر.

An old fool is the worst of fools.

یک پیر خرفت بدترین نوع خرفت است.

معادل‌های اسکاتلندی:

Nae fools like auld anes.

هیچ خرفتی نرسد به پای پیران خرفت.

Aye to eild, but never to wit.

همیشه پیرتر گردد، ولیکن

نمی‌گردد طرف عاقل‌تر اصلاً.

معادل آلمانی:

Je älter der Geck, je schlimmer.

ابلهی هرچه پیرتر، بدتر.

معادل دانمارکی:

Gammel Giek er værre end ung Daare.

پیر خنگی از جوان ساده‌لوحی بدتر است.

بدخواب نشوی یک‌وقت.

شاهد مثال:

ای چیز سیاه، ای بلال حبشی
مثل خودمی، تنبل و بی‌عار و لشی
چیزی تو و چیز دیگران هم چیز است
یک وقت خدا نکرده بدخواب نشی.   م. ا.

بدن سالم نباید تحویل کرم‌ها داد.

مارک تواین Mark Twain گفته است:

The only way to keep your health is to eat what you don't want, drink what you don't like, and do what you'd rather not.

تنها راه حفظ سلامتی‌ات این است که چیزهایی را بخوری که نمی‌خواهی، چیزهایی را بنوشی که دوست نداری و کارهایی را بکنی که ترجیح می‌دهی نکنی.

بنا به گفتهٔ الهام جان چرخنده
فلان عشق من از چیز خر رشیدتر است

بدون مغز و پروستات و خایه کار خداست
که برد تیر تنش از خلیج تا خزر است.   م. ا.

ای شیخ که خیلی گلی و آقایی
تو معجزه‌ای شگفت و بی‌همتایی
با هیکل ناقص و پروستات مریض
تا دسته تمام خلق را می‌گایی.   م. ا.

تو ای گایندهٔ تک‌تاز و ممتاز

تو ای معنای شورانگیز اعجاز
بدون خایه و کیر و پروستات
تو کون ملتی را کرده‌ای باز.   م. ا.

مملکت وامصیبتاست هنوز
لنگ مام وطن هواست هنوز
با پروستات تخمی و کیری
کار آقا بگابگاست هنوز
کون ما تا به حلق جر خورده
دست فرعون ما عصاست هنوز.   م. ا.

و مکَرُوا و مَکَر الله والله خیرُ الماکرین! (و کفار حقه زدند و خدا حقه زد و خدا بهترین حقه‌بازان است!)
قرآن، آل عمران، ۵۴

[ابوالحسن خرقانی] گفت: الهی، بوالحسن در ولایت تو نیاید که مکر تو بسیار است.   تذکرة الأولیاء

ترک‌ها هم می‌گویند: آللاهین ایشینی بیلمک اولماز. (نمی‌شود از کار خدا سر درآورد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
All things are possible with God.
با خدا هر جور چیزی ممکن است. (نقل قولی از انجیل است: متی ۱۹:۲۶.)

God works in mysterious ways.

با روش‌های مملو از اسرار
ایزد انجام می‌دهد هر کار.

It is little of God's might, to make a poor man a knight.

یه بخش کوچکی از قدرت خداونده
اگه یه مرد فقیرو شوالیه بکنه.

یونانیان باستان می‌گفتند:
With the gods all things can be done.
با خدایان همه‌چیزی شدنی است. (نقل قولی از فصل ۱۰ *اودیسهٔ* همر است.)

بده عقلت را عوض کنند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Some are wise, and some are otherwise.

یک دستهٔ خلق عقل دارند به سر

یک دستهٔ دیگرند جوری دیگر.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Toutes têtes ne sont pas coffres à raison.

هر سری صندوق عقل و هوش نیست.

بر بنگ صباحی و شراب صبوحی ملازمت واجب شمرید تا دولت روی به شما آرد که فسق در همه‌جا یمنی عظیم دارد.

عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The devil looks after his own.

ابلیس به فکر پیروان خویش است.

بر خرمگس معرکه لعنت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's like a flea in a blanket.

او همانند ککی در یک پتوست.

بر خودپسندان سلام مدهید. عبید زاکانی – صد پند

تعریف خودپسند سخن‌ناشنو مکن

او خود کر است، پنبه به گوشش تو هم منه. کلیم کاشانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A proud look makes foul work in a fine face.

خودپسندی هر زمان ره در نگاهی می‌برد

چیز زشتی بر سر رخسار زیبا آورد.

بر در ارباب بی‌مروت دنیا

چند نشینی که خواجه کی به درآید. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not knock at the deaf man's door.

در خانهٔ مرد کر را نزن.

Who depends upon another man's table, makes many a late dinner.

هر کسی وابستهٔ میز غذای دیگری است

شام‌های دیروقت بی‌شماری می‌خورد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui s'attend à l'écuelle d'autrui, dîne souvent par cœur.

او که منتظر پس‌ماندهٔ غذای دیگری می‌شود اغلب در خیال شام می‌خورد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Qui escudella daltri espera, freda la menja.

هرکه چشمش در پی دیس غذای دیگری است

در نهایت قسمتش غیر از غذایی سرد نیست.

بر وعدهٔ مستان کیسه مدوزید. عبید زاکانی – صد پند

چنین داد پاسخ که از مرد مست

خردمند چیزی نگیرد به دست. فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wine neither keeps secrets nor fulfils promises.

می نه رازی نگاه می‌دارد

نه به یک وعده‌اش وفادار است.

برای کشف حقیقت بگو قسم بخورند

دروغگو قسم سفت و سخت خواهد خورد. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: یالانچی چوخ آند ایچر. (دروغگو زیاد قسم می‌خورد.)

برعکس نهند نام زنگی کافور.

بر آن کافی نباشد اعتمادی

بسی باشد سیه را نام کافور. ابوالفرج رونی

معادل ترکی: کئچه‌لین آدی، زولفه‌لی. (اسم کچل، زلف‌علی.)

برو فکر نان کن که خربزه آب است.

ترک‌ها می‌گویند: بوش سؤزله قارین دویماز. (شکم با حرف خالی پر نگردد.)

ساققیز چئینمکله قارین دویماز. (با آدامس جویدن شکم پر نمی‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Promises don’t fill the belly.

قول‌ها هرگز شکم را پر نخواهد کرد.

The best words give no food.

بهترینِ سخنان هیچ غذایی ندهند.

A nod from a lord is a breakfast for a fool.

بهر آن مرد که او اسکل دیوانه‌ای است

سر تکان دادن یک لرد چو صبحانه‌ای است.

Words are fools' pence.

کلمات پنی‌های احمق‌ها هستند.

Beauty buys no beef.

خوشگلی گوشت برایت نخرد.

Prettiness makes no pottage.

قشنگی آش و شوربا

نمی‌پزد برای ما.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Versprechen füllt den Magen nicht.

قول‌ها هرگز شکم را پر نخواهد کرد.

Nichts ist gut für die Augen, aber nicht für den Magen.

هیچ برای چشم‌ها خوب است، نه برای شکم.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Le parole non pascono i gatti.

واژه‌ها برای گربه‌ها غذا نمی‌شوند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Palavras naõ enchem barriga.

واژه‌ها حاشا شکم را پر کنند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Praatjes vullen geen gaatjes.

شکم با حرف‌های چرب و شیرین پر نخواهد شد.

بری دیگه برنگردی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Go to Hecklebirnie.

برو به هکلبیرنی. (هکلبیرنی: نام جایی است که می‌گویند سه مایل آن‌طرف‌تر از جهنم است.)

بز هم ریش دارد.

معادل ترکی: کئچیده ساققال وار، آما شئیخ دئییل. (بز هم ریش دارد، اما شیخ نیست.)

معادل دانمارکی:

Dersom Skiægget gialdt, kunde Giedebukken præke.

گر به همین ریش بُود اصل کار
موعظه می‌کرد بز ریش‌دار.

بزرگ می‌شی، یادت می‌ره.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Sorrow will wear away in time.

ماتم زمان که می‌گذرد آب می‌رود.

Time is a great healer.

زمان شفادهندهٔ بزرگی است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Barne Sorg varer stakket.

عمر اندوه بچه کوتاه است.

بزرگ‌زادهٔ هستی به باد دادهٔ ما

گدای نازفروش پر از افادهٔ ما. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There’s nothing agrees worse,
Than a prince’s heart, and a beggar’s purse.

دل یک شاهزاده، جیب گدا
بین اضداد بدترین نوع‌اند.

Send your noble blood to market, and see what it will bring.

خون اشرافی خود را تو به بازار فرست
تا ببینی که برای تو چه خواهد آورد.

Beggars cannot be choosers.

گداها حق انتخاب ندارند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Bare gentry, bragging beggars.

بزرگان ز هستی اوفتاده
گدایان پر از فیس و افاده.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A quien dan, no escoge.

گداها نباید گزینش کنند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Herre uden Land, er Fadet uden Viin.

لرد بی‌املاک مثل خمرهٔ بی‌باده است.

بزک نمیر، بهار می‌آد، کنبزه با خیار می‌آد، علفا دراز دراز می‌آد.

معادل انگلیسی:

Live, thou ass, until the clover sprouts.

آی خر، زنده بمان تا این‌که
موقع رویش شبدر بشود.

معادل فرانسوی:

Ne meurs cheval, herbe te vient.

نمیر ای اسب فعلاً، علف دارد می‌آید.

معادل هلندی:

Eer het gras gewassert is, is de hengst dood.

تا علف توی دشت سبز بشه

اسبه باید گرسنگی بکشه.

بزن بر طبل بی‌عاری که آن هم عالمی دارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is not a wise man who cannot play the fool on occasion.

عاقل آن فرد نباشد که به هنگام نیاز

نتواند بشود بی‌خردی گوش‌دراز.

بسا گشاد که در بستگی شود ظاهر

کلید روزی استاد قفل‌گر قفل است. امید قزلباش

معادل‌های انگلیسی:

After clouds comes clear weather.

هر زمانی ابر از این‌جا می‌رود

آسمان باز آفتابی می‌شود.

After rain comes fair weather.

پس از باران هوایی آفتابی است.

A foul morn may turn to a fair day.

ای بسا یک صبح طوفانی بد

در نهایت روز آرامی شود.

After a storm comes a calm.

پس از طوفان هوا آرام گردد.

معادل فرانسوی:

Après la pluie le beau temps.

پس از باران هوایی صاف می‌آید.

معادل‌های هلندی:

Na regen komt zonneschijn.

هر زمان باران به پایان می‌رسد

نوبت خورشید تابان می‌رسد.

Het is eene lange laan, die geen’ draai heeft.

کوچهٔ دور و درازی است
که در او پیچ و خمی نیست. (= در نومیدی بسی امید است.)

معادل‌های لاتین:

Post nubila Phoebus.

پس از ابر خورشید سر می‌زند.

Nunc pluit, et claro nunc Jupiter æthere fulget.

این زمان باران ببارد، لیک قدری بعد از آن
بار دیگر می‌دمد خورشید توی آسمان.

بس‌که بد می‌گذرد زندگی اهل جهان
مردم از عمر چو سالی گذرد عید کنند.   لاادری

نیست جز داغ عزیزان حاصل پایندگی
خضر حیرانم چه لذت می‌برد از زندگی.   صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The fewer his years, the fewer his tears.

هرکه عمرش کم‌تر، اشکش کم‌تر است.

بسیج مدرسهٔ عشق است.   امام خمینی

احسنت بر درایت این شیخ خودپسند
عقل و شعور ملت ما را خرید چند؟
هر بچه‌ای به مدرسهٔ عشق رفته است
یا یک مشنگ خر شده یا یک روان‌نژند
شغل بسیج مسجد ما سد معبر است
دنبال هم روند چو یک گله گوسفند
تا اولی شعار دهد، باقی گروه
تکرار می‌کنند همان چیز را بلند

مثل سگان، همین که یکی پارس می‌کند
با اقتدا به او همگی پارس می‌کنند
با گوسفند و سگ چه بگوییم هموطن؟
فعلاً به باغ وحش وطن هروهر بخند
کون گشاد هرکه بر این مرزوبوم رید
بادا به سیخ دامپزشکان نیازمند
باتوم می‌کنند به ماتحت شاعران
شاعر، به‌هوش باش و در گاله را ببند.   م. ا.

بشکند این دست که نمک ندارد.

گر انصاف خواهی، سگ حق‌شناس
به سیرت به از مردم ناسپاس.   سعدی - بوستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To do good to the ungrateful is to throw rosewater into the sea.

با آدم ناسپاس نیکی کردن
چون ریختن گلاب توی دریاست.

He may freely receive courtesies that knows how to requite them.

او که می‌داند چگونه لطف را جبران کند
هر کسی در حق او با جان و دل احسان کند.

You can call a man no worse than unthankful.

لقبی بدتر از نمک‌نشناس
نتوان روی هیچ مرد گذاشت.

Never speak ill of those whose bread you eat.

زان‌کسان که نانشان را می‌خوری
هیچ موقع چیز ناجوری نگو.

Ingratitude is the daughter of pride.

ناسپاسی دختر خودبینی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Eaten meat is ill to pay.

از برای غذای خورده‌شده
پول دادن همیشه دشوار است.

A's tint that's put in a riven dish.

هرچه باشد توی بشقابی ترک‌خورده
کل آن را با خودش باد فنا برده.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Morceau avalé n’a plus de goût.

لقمهٔ خورده‌شده طعم ندارد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Undank ist der Welt Lohn.

ناسپاسی پاداش جهان است.

Undank macht wohlthun krank.

ناسپاسی نیکوکاری را بیمار می‌کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il pane mangiato è presto dimenticato.

نانی که خورده می‌شود از یاد می‌رود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mal haja o ventre, que do paõ comido se esquece.

نفرین بر شکمی که نان خورده‌شده را فراموش می‌کند.

Sal vertido, nunca bem colhido.

نمک ریخته‌شده هیچ وقت خوب جمع نمی‌شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Perit quod facis ingrato.

لطف کردن در حق یک ناسپاس
اجر آن از دست رفته از اساس.

بشنو و باور مکن.

معادل‌های انگلیسی:

Believe nothing of what you hear, and only half of what you see.

هیچ‌کدام از چیزهایی را که می‌شنوی باور نکن و فقط نیمی از آنچه را می‌بینی باور کن.

Do not all you can; spend not all you have; believe not all you hear; and tell not all you know.

هرچه می‌توانی نکن، هرچه داری خرج نکن، هرچه می‌شنوی باور نکن و هرچه می‌دانی نگو.

One eye-witness is better than ten hearsays.

شاهدی عینی به از ده شایعه‌ست. (نقل قولی از پلاوتوس Plautus است.)

معادل‌های اسکاتلندی:

Believe a' ye hear, an' ye may eat a' ye see.

هرچه را می‌شنوی باور کن

تا که هر چیز که دیدی بخوری.

Words are but wind, but seein's believing.

واژه‌ها باد هوایند و همین

دیدن است آنی که باور کردن است.

معادل فرانسوی:

On dit est un sot.

«چنین گویند» خنگی کله‌پوک است.

معادل‌های آلمانی:

Die Augen glauben sich selbst, die Ohren andern Leuten.

چشم‌ها خودشان را باور می‌کنند، گوش‌ها دیگران را.

Was die Augen sehen, glaubt das Herz.

آنچه را چشم‌ها می‌بینند دل باور می‌کند.

معادل‌های ایتالیایی:

Chi con l’occhio vede, di cuor crede.

دیدن است آنی که باور کردن است.

Aver sentito dire è mezza bugia.

«این‌طور می‌گویند» نصف یک دروغ است.

Si dice è mentitore.

«می‌گویند» یک دروغگوست.

معادل هلندی:

Hooren zeggen is half gelogen.

شایعه نیمه‌دروغین باشد.

بصیرتت را بخورم.

عرب‌ها می‌گویند: الناس علی دین ملوکهم. (مردمان بر دین شاهان خودند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Jack is as good as his master.

جک هم به همان خوبی ارباب خود است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Tel maître, tel valet.

نوکری مثل سرور خودش است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Qual es el rey, tal es la grey.

شاه هر جوری که باشد، ملتش آن‌جوری‌اند.

Qual el dueño tal el perro.

هر سگی مثل صاحب خودش است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Qual o Rei, tal a lei; qual a lei, tal a grei.

شاه هر جوری که باشد، قانون هم همان‌جور است؛ قانون هر جوری که باشد، مردم هم همان‌جورند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Zulke heer, zulke knecht.

نوکری مانند ارباب خود است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Som Herren er saa fölge ham Svende.

سروری هر جور باشد، نوکرش آن‌جوری است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Qualis rex, talis grex.

مردمان شکل پادشاه خودند.

بعد از آنی که بلا نازل شد

تازه این کس‌خل خر عاقل شد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Experience may teach a fool.

تجربه شاید به فردی بی‌خرد

در نهایت چیزی آموزش دهد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Après dommage chacun est sage.

پس از بدبیاری همه عاقل‌اند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Despues del daño cada uno es sabio.

بعد از این‌که فتنه‌ای برپا شود

هر کسی یک عاقل دانا شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Malo accepto stultus sapit.

بعدِ گندی که به کارش زده است

تازه یارو سر عقل آمده است.

بعد از آنی که مرده است مریض

سر رسیده پزشک مادرچیز.   م. ا.

معادل انگلیسی:

After death, the doctor.

پس از مرگ بیمار، آقای دکتر.

معادل فرانسوی:

Après la mort le médecin.

بیمار که مرد، دکتر آمد.

بعد از یک عمر گدایی شب جمعه‌مان را می‌شناسیم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not teach your Grandma to suck eggs.

روش تخم‌مرغ میک زدن

را به ننجون خویش یاد نده.

رومیان باستان می‌گفتند:

Aquilam volare doces.

خواهی که عقابی را پرواز بیاموزی.

بعضی‌ها زندگی می‌کنند و بعضی‌ها را زندگی می‌کند.

یا: ما زندگی نکردیم، زندگی ما را کرد.

تلاش معاش
تلاش معاش
به این زندگانی بشاش.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The world is a ladder for some to go up and some down.

جهان یک نردبان باشد به زیر پای آدم‌ها
که یک دسته از آن پایین روند و دسته‌ای بالا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il mondo è fatto a scale, chi le scende e chi le sale.

این جهان یک پلکان باشد که از آن مردمان
دسته‌ای پایین روند و دسته‌ای بالا روند.

بغداد خراب است.

شاهد مثال:

سرتاسر بازار همه‌ش دود کباب است
لب تشنه و دل گشنه و بغداد خراب است.   ترانهٔ عامیانه

معادل ایتالیایی:

Povero come un topo di chiesa.

به تهیدستی یک موش کلیسا بودن.

بکشید و لایکم بکنید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Parva leves capiunt animos.

ذهن‌هایی که کوچک و خوارند
شادی از خرده‌ریزه‌ها دارند.

بگو بلد نیستم و خلاص.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien las sabe, las tañe.

بگذارید کسی ساز زند
که طریق زدنش را بلد است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Ninguem se metta no que naõ sabe.

توی چیزی که نمی‌فهمی که چیست
خویشتن را بی‌خودی قاطی نکن.

بگو رفیقم هم سوخت.

پادشاهی می‌خواست بداند در بین رعایایش تنبل‌ترین فرد کیست. امر کرد تا همهٔ افرادی که به تنبلی معروف بودند را از اطراف و اکناف کشور بیابند و نزد او بیاورند. آن‌ها را داخل خزینهٔ حمامی فرستاد و دستور داد گلخن را آتش کنند تا آب خزینه داغ شود. همان‌طور که آب داغ‌تر و داغ‌تر می‌شد، تنبل‌ها یکی یکی بلند شدند و از خزینه بیرون رفتند، تا جایی که تنها دو تنبل باقی ماندند. چندی بعد، وقتی آب داشت به درجهٔ جوش می‌رسید، یکی از آن دو تکانی به خود داد و بلند شد که بیرون برود. دیگری به او گفت: «بگو رفیقمم سوخت.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As lazy as Ludlam’s dog, that leaned his head against a wall to bark.

به تنبلی سگ لودلام، که سرش را به دیواری تکیه داد تا پارس کند.

بگو گه خوردم و خلاص.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fault once excused is twice committed.

توجیه خطا خودش خطایی دگر است.

Denying a fault doubles it.

انکار اشتباه خطایی مضاعف است.

A fault confessed is half redressed.

تا به انجام خطایی اعتراف
می‌کنی، یک نیمهٔ آن گشته صاف.

Confession is the first step to repentance.

اولین گام پشیمانی ما
اعترافی است به هر جرم و خطا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Une faute niée est deux fois commise.

انکار خطا خودش خطایی دگر است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Peccado confessado, he meio perdoado.

تا به انجام خطایی اعتراف
می‌کنی، یک نیمش آمرزیده است.

بگیر و ببند، بده دست پهلوان.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A child may beat a man that's bound.

کودکی قادر است یک مردِ
دست و پا بسته را کتک بزند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Funiculis ligatum vel puer verberaret.

مرد وقتی دست‌هایش بسته است
کودکی هم می‌دهد او را شکست.

بنشین تو تشت آب سرد.

بدان‌سان سوخت ماتحتش که دریافت
چه سوزی توی کون دودکش هست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He frieth in his own grease.

دارد درون چربی خود سرخ می‌شود.

بنویس روی یخ.

شاهد مثال:

به برفاب رحمت مکن بر خسیس
چو کردی، مکافات بر یخ نویس.   سعدی – بوستان

معادل لاتین:

In aqua scribis.

تو داری روی آبی می‌نویسی.

بوی تحقیق از مقلد نشنوی
کس نگیرد از گل کاغذ گلاب.   جویا تبریزی

به هر صورت مقلد با محقق برنمی‌آید
کف آبی تواند شستنِ تصویر دریایی.   آفرین لاهوری

هلندی‌ها می‌گویند:

Gemaalde bloemen ruiken niet.

گل‌های نقاشی بی‌عطر و بو هستند.

خمس‌خوار بی‌حیا از راهزن هم بدتر است
بوی سالوس و ریا از بوی عن هم بدتر است.   م. ا.

حافظا، مِی خور و رندی کن و خوش باش، ولی
دام تزویر مکن چون دگران قرآن را.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You have a face to God, and another to the devil.

چهره‌ای رو به خدا داری تو
چهره‌ای نیز به سوی شیطان.

بوی گل را از که جوییم؟ از گلاب

بوی گه را هم ز چاه فاضلاب. م. ا. مصرع اول از مولوی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Cada cuba huele al vino que tiene.

هر خمی بوی شرابی را دهد کاندر وی است.

به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد

گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Where shall the ox go but he must labour?

گاو نر کجا برود که زحمت نکشد؟

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Naar det regner Vælling, saa har Stodderen ingen Skee.

حلیم از آسمان وقتی ببارد

گدای طفلکی قاشق ندارد.

به آدمی نتوان گفت ماند این حیوان

مگر دراعه و دستار و نقش بیرونش

بگرد در همه اسباب و ملک و هستی او

که هیچ چیز نبینی حلال جز خونش. سعدی – گلستان

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Debajo del buen sayo está el hombre malo.

در پس یک شنل خوب بسا

آدم بی‌شرفی پنهان است.

به آیات تخم حرام عظام

فقط خر دهد خمس و سهم امام. م. ا.

ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: یک مرید خر بهتر از یک ده ششدانگ است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Pabst frißt Bauern, säuft Edelleute, und schießt Mönche.

پاپ دهقان‌ها را می‌خورد، نجیب‌زادگان را می‌بلعد و راهب‌ها را استفراغ می‌کند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Elk is een dief in zijne nering.

هرکه در حرفهٔ خود یک دزد است.

به امامزادهٔ اشتباهی دخیل بستن.

معادل‌های انگلیسی:

To beg at the wrong door.

گدایی پشت درب اشتباهی.

Saddling the wrong horse.

زین کردن اسب اشتباهی.

To take the wrong sow by the ear.

گوش خوک اشتباهی را گرفتن.

به اندازهٔ کوپنت حرف بزن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many speak much that cannot speak well.

چه بسیار مردان بسیارگو
که از حرف خوبی زدن عاجزند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Spare to speak, spare to speed.

صرفه‌جویی در کلام و صرفه‌جویی در شتاب.

حقوق برابر، زهی حرف مفت

به بالا نظر کن، به پایین بیفت. م. ا.

معادل انگلیسی:

You gazed at the moon and fell in the gutter.

به مَه خیره گشتی، به جوی اوفتادی.

به پفی مشتعل‌اند و به تفی خاموش‌اند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Soon hot, soon cold.

آنچه زود گرم می‌شود، زود سرد می‌شود.

به پیش هر کس و ناکس دراز کردن دست

همیشه سنت پیغمبران و شیخان است. م.ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The highest price a man can pay for a thing is to ask for it.

بالاترین نرخی که هر مردی تواناست

از بهر هر چیزی بپردازد تقاضاست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Kaufen ist wohlfeiler als Bitten.

خریدن ز درخواست ارزان‌تر است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Melhor he dar a ruins, que pedir a bons.

این که ناچار شوی بذل و عطایی بکنی

به که ناچار شوی تا که گدایی بکنی.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er selv at have, end Söster at bede.

هر زمان داشته باشی خود تو چیزی را

به که از خواهرت آن را تو گدایی بکنی.

به تخم چپ اسب ابوالفضل.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A pound of care will not pay an ounce of debt.

یک من اندوه و عذابی که تو را بگدازد

یک نخود قرض تو را باز نمی‌پردازد.

Care is no cure.

چیزی که دوا نیست

دلشورهٔ خالی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Sturt pays nae debt.

حرص و جوش قرضی را بازپس نخواهد داد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Cent ans de chagrin ne payent pas un sou de dettes.

حرص و جوشی که به صد سال تو را بگدازد

یک نخود قرض تو را باز نمی‌پردازد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Hundert Jahren Kummer bezahlen keinen Heller Schulden.

آن ندامت که به صد سال تو را بگدازد

یک نخود قرض تو را باز نمی‌پردازد.

به تریج قبایش برخورد.

معادل انگلیسی:

His nose will abide no jests.

دماغش طاقت شوخی ندارد.

به توجیه هوس‌های خود آخوند
همیشه آیه‌هایی از خدا خوند. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

”O was müßen wir der Kirche Gottes halber leiden!” rief der Abt, als ihm das gebratene Huhn die Finger versengt.

«آه، برای کلیسای خدا چه رنج‌ها که باید متحمل شویم!» آبوت گفت، وقتی مرغ بریان انگشتانش را سوزاند.

به چی‌چی تو دلم را خوش کنم؟

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amico da sternuti, il più che se ne cava è un Dio ti aiuta.

او رفیق موقع یک عطسه است

جز فقط یک «عافیت باشد» دگر

هیچ چیز از وی نمی‌آید به دست.

چه بسیارند القاب فلانی
همه از دم چرند و لن‌ترانی
به حال عن مگر توفیر دارد
که او را حضرت آقا بخوانی؟ م. ا.

فرزانهٔ شهر، عارف وارسته
علامهٔ دهر، شاعر برجسته
آقای الاغ با همان دست چلاق
یک خیک لقب را به دم خود بسته. م. ا.

معادل انگلیسی:

What good can it do an ass to be called a lion?

به حال خر مگر توفیر دارد
که او را هر کسی شیری شمارد؟

تو را یزدان خرد داده‌ست و دانش
و زین دانش ندادت هیچ رامش
به خر مانی که دارد بار شمشیر
ندارد سود وی را چون رسد شیر. فخرالدین اسعد گرگانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

All weapons of war cannot arm fear.

تمام اسلحه‌ها هم اگر شوند فراهم
چه دست‌خالی و تنهاست ترسِ در دل آدم.

به خیالش علی‌آباد هم شهری است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

They think a calf a muckle beast that never saw a cow.

کسانی خیال می‌کنند گوساله حیوان بزرگی است که تا حالا گاو ندیده‌اند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es ist nicht gut der Poet im Dorfe zu sein.

شاعر ده‌کوره‌ای بودن بد است.

به در می‌گوید، دیوار بشنود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that chastiseth one amendeth many.

آن‌کسی که یک نفر را گوشمالی می‌دهد
موجب اصلاح خیلی‌های دیگر می‌شود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Battre le chien devant le lion.

پیش چشم شیر یک سگ را زدن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi un ne castiga, cento ne minaccia.

کسی که یک نفر را گوشمالی می‌دهد صد نفر را تهدید می‌کند.

به درد عمه‌ات می‌خورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

That cock won't fight.

آن خروس نمی‌جنگد.

A blind man would be glad to see it.

کوری از دیدن آن شاد شود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Desaprovechado como unto de mona.

بی‌فایده مثل چربی بوزینه.

به درد لای جرز می‌خورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better lost than found.

اگر گم شود به که پیدا شود.

Better sold than bought.

فروشش از خریدش هست بهتر.

Better spent than spared.

خرج آن از ذخیره‌اش خوش‌تر.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Send you to the sea, and ye'll no get saut water.

گر به دریا روانه‌ات بکنند
نتوانی که آب شور آری.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No halla agua en la mar.

به دریا هم که بفرستید او را
بدون آب بازآید ز دریا.

به درویش گفتند «بساطت را جمع کن» دستش را گذاشت روی دهانش.

معادل انگلیسی:

The singing man keeps his shop in his throat.

خواننده توی حنجرهٔ خود دکان زده.

فرستاده گفت ای خداوند رخش
به دشت آهوی ناگرفته مبخش. فردوسی

معادل آلمانی:

Man soll die Beute nicht vor dem Siege theilen.

پیش از کسب پیروزی غنایم را تقسیم نکن.

معادل ایتالیایی:

Egli vende l'uccello in su la frasca.

او مرغِ روی شاخه‌ای را می‌فروشد.

به دور باده دماغ مرا علاج کنید
گر از میانهٔ بزم طرب کناره کنم. حافظ

فرانسوی‌ها می‌گویند:

On voit plus de vieux ivrognes que de vieux médecins.

تعداد الکلی‌های پیر از تعداد پزشکان پیر بیش‌تر است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dio mi guardi da chi non bee.

خداوند از من در برابر کسی که مشروب نمی‌خورد محافظت کند.

به راه عقل برفتند سعدیا، بسیار

که ره به عالم دیوانگان ندانستند.   سعدی - غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A little nonsense now and then,
Is relished by the wisest men.

گاه مردانی که خیلی عاقل‌اند

با کمی خل‌بازی خود خوشدل‌اند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Zu viel Weisheit ist Narrheit.

عقل خیلی زیاد بی‌عقلی است.

به روباه گفتند شاهدت کیست، گفت دمم.

ترک‌ها می‌گویند: مئیخاناچیدان شاهید ایسته دیلر، سرخوشو گؤستردی.

(از میخانه‌دار شاهد خواستند، مست را نشان داد.)

به ریش نیست، به ریشه است.

دیالوگی است در فیلم *آژانس شیشه‌ای* ابراهیم حاتمی‌کیا.

آن‌یکی ریش می‌زند با تیغ

این‌یکی تیغ می‌زند با ریش.   آقای هالو

هرکه را ریش نیست، چیزی هست

هرکه را ریش هست، چیزی نیست.   نقل از *ریش‌نامهٔ* عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

'Tis not the beard that makes the philosopher.

این ریش نباشد که حکیمی سازد.

به زهد گربه شبیه است زهد حضرت شیخ

نه، بلکه گربه تشبه به آن جناب کند.   ایرج میرزا

الشیخ: ابلیس.   عبید زاکانی - تعریفات

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Homme ne connaît mieux la malice que l’abbé qui a été moine.

هیچ مردی بهتر از آبوتی که قبلاً راهبی بوده معنی رذالت را نمی‌داند. (آبوت: رییس راهبان، راهب بزرگ.)

به شترمرغ گفتند بپر، گفت شترم؛ گفتند بار ببر، گفت مرغم.

چون شترمرغی شناس این نفس را
نی کشد بار و نه پرد بر هوا
گر بپر گوییش، گوید اشترم
ور بگویی بار، گوید طائرم. مولوی

معادل عربی: کالنعامه تکون جملاً اذا قیل لها طیری و طائراً اذا قیل لها احملی.

(مثل شترمرغ که وقتی بگویند پرواز کن، خود را شتر نماید و هنگامی که بگویند بار بردار، خود را مرغ نماید.)

به طول زندگی نگاه نکن، به عرضش نگاه کن.

عمر اگر خوش گذرد زندگی خضر کم است
ور به سختی گذرد نیم‌نفس بسیار است. حسن بیگ رفیع

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is not how long, but how well we live.

مهم مدت عمر افراد نیست
مهم شیوهٔ خوب یک زندگی است.

A life spent worthily should be measured by deeds, not years.

زندگی‌ای که به طور شایسته‌ای سپری شده باشد را باید با اعمال سنجید، نه با سال‌ها.

One day is sometimes better than a whole year.

گاه یک روز ز یک سال سر است.

One day of a wise man is better than the whole life of a fool.

فقط یک روز عاقل هست برتر
ز یک عمر جناب اسکل خر.

به عجب علم نتوان شد ز اسباب طرب محروم

بیا ساقی که جاهل را هنی‌تر می‌رسد روزی. حافظ

آلمانی‌ها می‌گویند:

Weiber, Glück und Gold, sind allen Narren hold.

زنان و بخت و طلا را همیشه انگاری

به مردهای ببو هست میل بسیاری.

سعدیا، گرچه سخندان و مصالح‌گویی

به عمل کار برآید، به سخندانی نیست. سعدی – غزلیات

معادل ترکی: حئیوانین دیشینه باخارلار، اینسانین ایشینه. (به دندان حیوان نگاه می‌کنند و به کار انسان.)

معادل‌های انگلیسی:

A man is judged by his deeds, not by his words.

دربارهٔ آدمی نه از گفتارش

بر پایهٔ کردار طرف حکم کنند.

Deeds are fruits, words are leaves.

عمل‌ها میوه‌اند و حرف‌ها برگ.

Say well is good, but Do well is better.

گرچه گفتار نیک بس نیکوست

لیک کردار نیک بهتر از اوست.

Better to do well than to say well.

کار نیک از حرف نیکو بهتر است.

Saying and doing are two different things.

عمل و حرف دو چیز متفاوت هستند.

Saying is one thing and doing another.

حرف چیزی است، عمل چیز دگر.

Words are but words.

واژه‌ها واژه‌اند و دیگر هیچ.

Words are wind.

واژه‌ها باد هوایند.

Actions speak louder than words.

اعمال بلندتر از کلمات حرف می‌زنند.

Talk is cheap.

قیمت حرف زدن ارزان است.

Good words and no deeds.

سخن‌های نیک و بدون عمل.

Good words without deeds are rushes and reeds.

گفتار نیکِ بی‌عمل همچون حصیر و بوریاست.

Many talk like philosophers and live like fools.

بسا آنان که همچون فیلسوفان
سخن گویند، اما زندگی‌شان
بُود مانند احمق‌های نادان.

The shortest answer is doing.

کوتاه‌ترین پاسخ عالَم عمل است.

When a fool has spoken he has done all.

در همان وقت که یک آدم خنگ
حرف خود را به زبان آورده
همهٔ کار خودش را کرده.

معادل اسکاتلندی:

A man o' words, and no o' deeds, is like a garden fu' o' weeds.

مردی که مرد حرف شد و مرد کار نیست
مانند باغ غرق علف‌های هرزه‌ای است.

معادل آلمانی:

Sagen und Thun ist zweierlei.

گفتن و کردن دو تا چیزند.

معادل‌های ایتالیایی:

Altra cosa è il dire, altra il fare.

سخن چیزی، عمل چیزی است دیگر.

Fra dir e far si guastano scarpe assai.

بین سخن و عمل همیشه

یک‌عالمه کفش پاره می‌شه.

معادل هلندی:

Deugd bestaat in de daad.

فضیلت در عمل رخ می‌نماید.

معادل دانمارکی:

Fagre Ord uden Fynd naae ikke langt.

حرف زیبای بدون عملی

راه بس دور و درازی نرود.

معادل لاتین:

Re opitulandum non verbis.

دستگیری می‌کنیم از مردمان

با عمل‌هامان، نه با گفتارمان.

به فاک عظمی رفتن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Between the upper and nether millstone.

بین سنگ رو و زیر آسیا.

به قاطر گفتند بابات کیه، گفت اسب آقا داییمه.

تو از گوهر همی‌مانی به استر

که چون پرسند، فخر آرد به مادر. فخرالدین اسعد گرگانی

معادل انگلیسی:

Mules deliver great discourses because their ancestors were horses.

قاطرها دربارهٔ این‌که اجدادشان اسب بوده‌اند سخنرانی‌های مفصلی ارائه می‌کنند.

معادل آلمانی:

Maulesel treiben viel Parlaren daß ihre Voreltern Pferde waren.

قاطرها دربارهٔ این‌که اجدادشان اسب بوده‌اند زیاد هارت و پورت می‌کنند.

به کاهل کار فرما، پند بشنو.

ترک‌ها می‌گویند:

Tembele iş buyur, sana akıl öğretsin.

تو به تنبل حواله کن کاری

تا به تو او خرد بیاموزد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The tongue of idle persons is never idle.

زبان مردم بیکاره نیست بیکاره.

Advice is cheap.

پند و اندرز چیز ارزانی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Rien ne se donne si libéralement que les conseils.

هیچ چیزی همچون یک پند سخاوتمندانه داده نمی‌شود.

به کجایت بزنم نمیری؟

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

L’aquila non fa guerra ai ranocchi.

عقاب با قورباغه‌ها نمی‌جنگد.

Non è onore all’aquila il vincer la colomba.

برای یک عقاب شکست دادن کبوتر مایهٔ افتخار نیست.

به کچل پولدار می‌گویند پیشانی‌بلند.

پولداران همگی بی‌عیب‌اند

هرچه عیب است برای فقراست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Rich men have no faults.

اغنیا را هیچ عیب و نقص نیست.

A thief passes for a gentleman when stealing has made him rich.

دزد را خوانند آقایی نجیب و پاکدست

آن زمان که پول دزدی پولدارش کرده است.

Success makes a fool seem wise.

عاقل به نظر می‌رسد انسان ببو

وقتی به موفقیتی می‌رسد او.

به کونش می‌گوید دنبالم نیا، بو می‌دهی.

معادل انگلیسی:

Proud as Lucifer.

خودپسند چون ابلیس.

به کیرم.

شاهد مثال:

مزن بر دل ز نوک غمزه تیرم

زدی هم... خب، زدی دیگر؛ به کیرم.   م. ا. نقیضه بر حافظ

به گدا که رو بدهی صاحبخانه می‌شود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Muckle gifts mak beggars bauld.

صدقات زیاد روی گداها را زیاد می‌کند.

به گدا که رو بدهی فامیل می‌شود.

معادل انگلیسی:

I gave the mouse a hole, and she is become my heir.

زمانی یه سوراخ دادم به موش

و حالا طرف وارث من شده.

معادل اسپانیولی:

Mete mendigo en tu pajar, y hacer se te ha heredero.

گدا را تو در آغلت جا بده

طرف خویش را وارثت می‌کند.

به گدا گفتند خوش اومد، توبره رو کشید پیش اومد.

معادل انگلیسی:
Give someone an inch and they will take a mile.

یک اینچ به آدمی بده تا
یک مایل بگیرد از تو آقا.

معادل ایتالیایی:
Al villano, se gli porgi il dito, ei prende la mano.

تو انگشتی به یک دلقک بده تا
بگیرد توی مشت خود مچت را.

معادل هلندی:
Zoo gij een gek de vingers bied, ’t is vreemd neemt hij de vuisten niet.

تعارف کن به یک دلقک یک انگشت
که گیرد او مچت را زود در مشت.

معادل دانمارکی:
Giv Skalken et Spand, han tager vel heel Alen.

یک سانت به ناکسی بده تا
یک متر بگیرد از تو آقا.

به گربه گفتند گهت درمان است، رویش خاک پاشید.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Ask a kite for a feather, and she’ll say, she has but just enough to fly with.

از زغن یک پر بخواه، آن‌وقت او
در جوابت زود می‌گوید: چه بد!
من فقط آن‌قدر پر دارم که در
موقع پرواز لازم می‌شود.

به لعنت خدا نمی‌ارزد.

معادل ترکی: ایت آپاران اولسون. (الهی که سگ ببردش.)

به مارماهی مانی، نه این تمام، نه آن

منافقی چه کنی؛ مار باش یا ماهی.   نقل از *کلیله و دمنه*

معادل انگلیسی:

Never carry two faces under one hat.

دو چهره زیر کلاهی به هیچ رو منمای.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He wears twa faces aneath ae cowl.

به زیر کلاهی دو تا چهره دارد.

به مرده که رو بدهی، می‌رینند توی کفنش.

چو با سفله گویی به لطف و خوشی
فزون گرددش کبر و گردنکشی.   سعدی – گلستان

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A blate cat maks a proud mouse.

گربه وقتی خجالتی باشد
موش رویش زیاد خواهد شد.

به نفع من تو دروغی بگو که من مفتی
برای تو قسمی می‌خورم که حق گفتی.   م. ا.

مردی لاشهٔ سگ خویش را در قبرستان مسلمین مدفون ساخت. مردمان برآغالیدند. وی را بگرفتند، سخت بکوفتند و نیمه‌جان به قاضی بردند. قاضی، به سابقهٔ عداوتی، نشاندن آتش فتنه را به سوختن او فرمان داد. مرد الحاح کرد که مرا سخنی مانده است، اگر قاضی اجازت فرماید، بگویم. قاضی رخصت داد. گناهکار گفت: «چون اجل این سگ برسید، امری عجیب پدید گشت؛ یعنی به ناگاه مهر زبان حیوان صامت بشکست و مانند ما آدمیان به سخن درآمد. مرا به نام بخواند و وصیت کرد که بدرهٔ زر از نیاکان به میراث دارم و در زیر فلان سنگ به صحرا نهفته‌ام. تا نفسی از من باقی است سبک بدان‌جا شو، سنگ بردار و مرده‌ریگ برگیر و انگاه که وداع این دار فانی گویم، جسد مرا به جوار صلحا به خاک سپار و یک نیمه از زر نزد یکی از قضات اسلام بر تا در تخفیف عقوبات من به امور حسبیه صرف کند و مرا به دعاهای خیر یاد فرماید. من چون خارقهٔ سخن گفتن سگ بدیدم، بر راستی گفتهٔ او اعتماد کردم. در ساعت بشتافتم و زر به نشان بیافتم و اکنون آن بدره بر جای است.»

قاضی به طمع نیمهٔ دیگر زر گفت: «سبحان الله، این حیوان بی‌شبهه از احفاد سگ اصحاب کهف بوده است و البته از دفن چون او شریف‌نسبی در گورستان مسلمانان بر تو حرجی نیست. آن مرحوم دیگربار چه گفت؟»

مرد چون به حکم صریح قاضی، بر حیات خویش ایمن شد، نفسی به آسودگی برآورد و گفت: «ایها القاضی، چون از صحرا به خانه بازگشتم، از سگ رمقی بیش نمانده بود. مرا بدید، آب در دیدگانش بگشت، با تعب و رنجی تمام دهان بگشاد و با آن‌که نفسش به شماره افتاده بود، شمرده و روشن به مسمع عدول حاضر گفت: زنهار زنهار، ماترک من به قاضی این محلت نبری که مردی سخت سست‌ایمان است. ترسم این مال [را] نیز چون دیگر وجوه، بر در هوای خویش خرج کند و بار گران عصیان همچنان بر من باقی ماند.» علی اکبر دهخدا – امثال و حکم

معادل اسکاتلندی:

Lee for him and he'll swear for you.

خالی‌ای گر تو به نفعش بندی

او برایت بخورد سوگندی.

به هر جا بوی خون و گند و گه بود

نشان از شیخ‌های ددمنش هست. م. ا.

با شیخان و رمالان و فالگیران و مرده‌شویان و دیگر فلک‌زدگان صحبت مدارید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The bishop has blessed it.

اسقف متبرکش نموده. (= خراب شده است.)

The bishop has put his foot in it.

اسقف پایش را توی آن گذاشته. (= غذا سوخته است.)

به هر جا شاعری آزاده دیدی

بدان در جیب او تنها شپش هست

بدان توی سرش خیلی خیال است

بدان توی تنش خیلی تنش هست. م. ا.

با شاعر این زمان عملی شوم می‌کنند

او را به شغل فاحشه محکوم می‌کنند

این شاعران انجمن بیت آبکی
خود را شهید خایهٔ مخدوم می‌کنند
هی چکه‌چکه ترتر همراه خون و کرم
هی سکه‌سکه زرزر منظوم می‌کنند
ناشاعران مثل مرا توی شعرشان
محکوم می‌کنند و معدوم می‌کنند
مدحی بگویمت که ببینی که بی‌دلیل
ما را ز سکه‌های تو محروم می‌کنند:

گاوان چاق مصر تماماً نرند، وای
تا هفت سال روی زنت زوم می‌کنند
فیلان ابرهه همه‌شان گرچه ماده‌اند
اما به چیز والده خرطوم می‌کنند

با این‌چنین مدیحه‌ای آن پیر انجمن
مزد تو را حواله به باتوم می‌کنند
اما نترس، حضرتشان کان رحمت‌اند
ایشان همیشه رحم به مظلوم می‌کنند
حتماً دو سطر توصیه‌نامه به خط خویش
بر هر دو سوی کان تو مرقوم می‌کنند
با در نظر گرفتن این که تو شاعری
باتوم را به کان تو آروم می‌کنند. م. ا.

به ریشی که اصلاً نداری نخند

به هر دسته‌بیلی دخیلی نبند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Hope often blinks at a fool.

به یک آدم کس‌خل بی‌خرد
امید اکثراً چشمکی می‌زند.

بهانه‌های بنی‌اسراییلی گرفتن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Unwillingness easily finds an excuse.

اگر میلی نباشد در میانه
به آسانی بیابی یک بهانه.

بهتر سگ شهر خویش بودن
تا ذل غریبی آزمودن.

ترک‌ها می‌گویند: غوربت گؤرمه‌یه‌ن آدام وطن قدری بیلمز. (او که غربت را ندیده قدر میهن را نداند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Dry bread at home is better than roast meat abroad.

نان خشک سرای خود خوش‌تر
از کبابی که هست جای دگر.

بدترین دشمنت در این دنیا
داخل سینهٔ خودت باشد
علت رنجش تو از دگران
دل پرکینهٔ خودت باشد
بهترین جا برای هر نقدی
پیش آیینهٔ خودت باشد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
You would spy faults if your eyes were out.

چند تا عیب و خطا می‌بینی
اگه چشمای تو بیرون باشند.

به‌جای همهٔ نداشته‌هایش رو دارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Ignorance is the mother of impudence.

جاهلیت مادر بی‌شرمی است.

Impudence is not courage.

گستاخی و بی‌شرمی بی‌باکی و جرئت نیست.

به‌خاطر یک مشت لایک.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that seeks motes gets motes.

هر کسی دنبال چیزی بی‌خودی است

قسمتش جز چیز بی‌خود هیچ نیست.

به‌خودبگیرت را خاموش کن.

= بهت برنخورد. منظورم فقط تو نیستی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that has a great nose thinks everybody is speaking of it.

بینی هرکه بزرگ است گمانش این است

خلق را ورد زبان بینی این مسکین است.

بهر کیکی تو گلیمی را مسوز

وز صداع هر مگس مگداز روز. مولوی

معادل انگلیسی:

You burn your house to rid it of the mouse.

خانهٔ خود را تو آتش می‌زنی

تا از آن یک موش بیرون افکنی.

آن قصر که بهرام در او جام گرفت

آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟ خیام

کمند صید بهرامی بیفکن، جام جم بردار

که من پیمودم این صحرا، نه بهرام است و نه گورش. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Death when it comes will have no denial.

مرگ هر وقتی که نازل می‌شود

پاسخ رد از کسی او نشنود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Death defies the doctor.

مرگ دکتر را به یک پیکار دعوت می‌کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Junge kann sterben, der Alte muß sterben.

جوانان شاید بمیرند، پیران باید بمیرند.

(این ضرب‌المثل در اصل یونانی است و داستانی دارد: زنی که دو خواستگار داشت که یکی پیری ثروتمند و دیگری جوانی فقیر بود، خواستگار جوان را انتخاب کرد. از او پرسیدند: «چرا با پیرمرد ازدواج نمی‌کنی که ثروتمند هم هست؟» زن گفت: «برای این‌که او پیر است و به زودی می‌میرد.» گفتند: «جوان هم ممکن است بمیرد.» زن گفت: ...)

رومیان باستان می‌گفتند:

Contra vim mortis non herbula crescit in hortis.

نمی‌روید گیاهی هیچ جایی
که از مردن دهد ما را رهایی.

ز من به حضرت آصف که می‌برد پیغام
که یاد گیر دو مصرع ز من به نظم دری
بیا که وضع جهان را چنان که من دیدم
گر امتحان بکنی، مِی خوری و غم نخوری. حافظ

هلندی‌ها می‌گویند:

Goede drank verdrijft kwade gedachten.

مشروب خوب فکرهای بد را بیرون می‌راند.

بیچاره آن‌کسی که گرفتار عقل شد
خوشبخت آن که کره‌خر آمد، الاغ رفت. ادیب الممالک فراهانی

الفکر: آنچه مردم را بی‌فایده بیمار کند. عبید زاکانی – تعریفات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool’s paradise is better than a wise man’s purgatory.

البته بهشت اسکل خر
از برزخ عاقل است خوش‌تر.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better be happy than wise.

شاد بودن به ز عاقل بودن است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Vie de pourceau, courte et bonne.

زندگانی یک خوک، کوته است و شیرین است.

بوده‌ست خری که دم نبودش
روزی غم بی‌دمی فزودش
در دم‌طلبی قدم همی‌زد
دُم می‌طلبید و دَم نمی‌زد
یک ره نه ز روی اختیاری
بگذشت میان کشتزاری
دهقان مگرش ز گوشه‌ای دید
برجست و از او دو گوش ببرید
بیچاره خر آرزوی دم کرد
نایافته دم، دو گوش گم کرد. منسوب به ایرج میرزا

بر این بر یکی داستان زد کسی
کجا بهره بودش ز دانش بسی
که خر شد که خواهد ز گاوان سرو (= شاخ)
به یک‌بار گم کرد گوش از دو سو. فردوسی

معادل ترکی: دوه بوینوز آختاریردی، قولاقدان دا اولدو.
(در پی شاخی شتر راه اوفتاد
گوش‌هایش را ولی از دست داد.)

معادل عربی: ذَهَبَ الحمارُ یَطلُبُ قَرنَینِ، فعادَ مَضَلومَ الاُذُنین.
(به جست‌وجوی دو تا شاخ خر به راه افتاد
و با دو گوش بریده به خانه بازآمد.)

معادل انگلیسی:

The camel going to seek horns lost his ears.

شتر در پی شاخ راه اوفتاد

دو تا گوش خود را هم از دست داد.

معادل لاتین:

Camelus desiderans cornua etiam aures perdidit.

شتر به شوق وصال دو شاخ راه افتاد

ولیک در عوض آن دو گوش از کف داد.

بی‌حیایی پلهٔ پیروزی است

باحیا را دستهٔ خر روزی است. م. ا.

آن که کند پیشهٔ خود را ادب

در همه‌کار از همه ماند عقب. ایرج میرزا – زهره و منوچهر

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Sielden bliver blu Hund fed.

ندرتاً یک سگِ با شرم و حیا چاق شود.

بی بخت چه برسازم تا بر خورم از وصلت

بی‌مایه زبون باشد، هرچند که بستیزد. سعدی – غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that cannot pay, let him pray.

بذار تا که همون که نداره مایه بده

تملقی بگه و مالشی به خایه بده.

He that is down, down with him.

بره گم شه کسی که بدبخته.

Poor folk must say "Thank ye" for little.

باید آنان که تهیدست و فقیرند و زبون

بهر کم نیز بگویند که خیلی ممنون.

Let not poverty part good company.

مهل تا تنگی دست یک انسان

کند جمع رفیقان را پریشان.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui n’a, ne peut.

او که ندارد نتواند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

An der Armuth will jeder den Schuh wischen.

هر کسی دوست دارد کفش‌هایش را روی فقر پاک کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha qualche cosa, è qualche cosa.

هرکه چیزی دارد او یک چیزی است.

Chi non ha nulla, non è nulla.

هر کسی چیزی ندارد هیچ نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Dai-mo pobre, dar-vo-lo-hei lisonjeiro.

تو مرد فقیری نشانم بده

که من چاپلوسی نشانت دهم.

بی‌مایه فطیر است.

معادل‌های انگلیسی:

A toom purse makes a blate merchant.

تاجر بی‌مایه ترسو می‌شود.

Beauty without riches, goeth a begging.

مایه‌تیله نباشه هر جایی

به گدایی می‌افته زیبایی.

He is at ease who has enough.

او که در حد کفایت دارد

دلی آسوده و راحت دارد.

Money is often lost for want of money.

غالباً پول از سر بی‌پولی از کف می‌رود.

He that hath nought shall have nought.

کسی کاکنون ندارد او پشیزی

پس از این هم نخواهد داشت چیزی.

معادل‌های فرانسوی:

Un seigneur de paille mange un vassal d’acier.

اربابی کاهی رعیتی پولادی را می‌بلعد.

L’argent ne se perd qu’à faute d’argent.

پول فقط به دلیل بی‌پولی از دست می‌رود.

معادل پرتغالی:

Dinheiro he a medida de todas as cousas.

پول معیار تمام چیزهاست.

دنیای ضعیف‌کش که از حق دور است
حق را به قوی می‌دهد و معذور است
بیهوده سخن ز حق و باطل چه کنی
رو زور به دست آر که حق با زور است. فرخی یزدی

در بن یک بیشه ماکیانی هر روز
بیضه نهادی و بردی آن را یک کرد
بس‌که ز راه آمد و ندید به جا تخم
خاطرش از دستبرد کرد بیازرد
بود در آن بیشه پادشاه یکی شیر
داوری از کرد پیش شیر همی‌برد
داد بدو پاسخی چنین که بباید
پاسخ شاهانه‌اش به حافظه بسپرد
گفت: چرا ماکیان شدی، نشدی شیر
تا نتوانند خلق تخم تو را خورد؟ ایرج میرزا

ترک‌ها می‌گویند: زور گلنده قانون قاچار. (زور که می‌آید، قانون فرار می‌کند.)

عرب‌ها می‌گویند: الحقُ لِمَن غَلَب. (حق با همان کسی است که پیروز گشته است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Providence is always on the side of the big battalions.

مشیت الهی همیشه طرف گردان‌های بزرگ را می‌گیرد.

God is on the side of the biggest cock.

خدا طرف بزرگ‌ترین خروس را می‌گیرد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Force n’a pas droit.

قدرت هیچ حقی را به رسمیت نمی‌شناسد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer den Sieg behält, der hat Recht.

او که پیروز شده حق دارد.

Wer zur Gewalt schweigt, verliert sein Recht.

او که سر را پیش قدرت خم نمود

حق خود را می‌دهد از دست زود.

Wer nicht kann fechten, gewinnt nichts im Rechten.

او که نمی‌تواند بجنگد، با حق چیزی را به دست نمی‌آورد.

Das Recht hat eine wächserne Nase.

عدالت بینی‌ای از موم دارد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Onde força naõ ha, direito se perde.

هرکجا زوری نباشد هیچ حقی نیز نیست.

هلندی‌ها می‌گویند:

God helpt de sterkste.

خدا به قوی‌ترین کمک می‌کند.



آن که چون پسته دیدمش همه مغز

پوست بر پوست بود همچو پیاز

پارسایان روی در مخلوق

پشت بر قبله می‌کنند نماز. سعدی – گلستان

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er at Verden veed du er en Synder end at Gud veed du er en Hykler.

اینی که تو را خلق گنهکار بخواند

به زان‌که خداوند ریاکار بداند.

پاسخ چرت و پرت یک اسکل:

با شما من موافقم بالکل. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Answer a fool according to his folly.

پاسخ هر سؤال احمق را

بر اساس حماقتش بدهید.

پاسخ سفسطهٔ یک ابله:

تو ارسطوی زمانی، به به. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better fleech a fool than fight him.

چاپلوسی کردن از یک بی‌خرد

بهتر از جنگیدنِ با وی بُود.

پاسخ موعظهٔ ملا چیست؟

گوزی اندر پی گوز دگری است. م. ا.

بر پای منبر واعظان بی‌وضو تیز مدهید که علمای سلف جایز ندانسته‌اند. عبید زاکانی – صد پند

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A palabras locas orejas sordas.

برای حرف‌هایی ابلهانه گوش‌هایی کر.

پای خر یک بار به چاله می‌رود.

معادل‌های انگلیسی:

Wherever an ass falleth, there will he never fall again.

در آن مکان که به روی زمین خری افتد
محال باشد اگر بار دیگری افتد.

If you stumble twice over the same stone, you deserve to break your shins.

دو بار اگر سر سنگی سکندری بخوری
چو هر دو ساق تو هم بشکند سزاوار است.

He complains wrongfully on the sea that twice suffers shipwreck.

کشتی هر کس دو دفعه غرق شد
بی‌خودی از دست دریا شاکی است.

معادل فرانسوی:

Un âne ne trébuche pas deux fois sur la même pierre.

هیچ الاغی دو بار پی در پی
روی سنگی سکندری نخورد.

معادل اسپانیولی:

Quien en una piedra dos veces tropieza, no es maravilla se quiebre la cabeza.

عجیب نیست اگر بشکند سر یارو
دو بار اگر سر سنگی سکندری خورد او.

معادل هلندی:

Een ezel stoot zich geen tweemaal aan een' steen.

هرگز خری دو بار به سنگی نمی‌خورد.

معادل‌های لاتین:

Improbe Neptunum accusat qui iterum naufragium facit.

کشتی هر کس دو دفعه غرق شد
بی‌خودی از دست نپتون شاکی است.

Vulpes non iterum capitur laqueo.

روباه دو بار هیچ هنگام
حاشا که بیفتد او به یک دام.

پسرانی همه با هم در جنگ
منگ افیون و خیالاتی بنگ
عاشق عشوهٔ جادویی پایپ
کشتهٔ غمزهٔ خونریز سرنگ
پایپ‌ها جام‌جم این نسل‌اند
تا ببینند در آن شهر فرنگ. م. ا.

وقتی که زمین پر از کثافت باشد
آدم هوس عالم بالا دارد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fancy goes a long way.

خیال و وهم مسیری دراز خواهد رفت.

پایت را به اندازهٔ گلیمت دراز کن.

معادل‌های انگلیسی:

Stretch not your feet beyond the sheet.

پایت را از ملافه‌ات درازتر نکن.

Ask thy purse what thou shouldst buy.

از جیب خود بپرس چه چیزی خریدنی است.

Do not spend more than you can afford.

از وسع خودت زیادتر خرج نکن.

Let your purse be your master.

کیف پولت را بکن ارباب خویش.

Who more than he is worth doth spend,
He makes a rope his life to end.

بیش‌تر ز حد خودش هرکه پول خرج کند

یک طناب می‌بافد خویش را به دار زند.

معادل اسکاتلندی:

Dinna stretch your arm farther than your sleeve 'ill let ye.

دست خود را درازتر نکن از
هرقدَر آستین تو برسد.

معادل‌های هلندی:

Snijd uw mantel naar uw laken.

کت خود را به قد پارچۀ خویش ببر.

Zet u teeringe, na u neeringe.

خرج خود را وفق ده با شغل خود.

معادل دانمارکی:

Man skal sætte Tæring efter Næring.

تو در حد وسع خودت زندگی کن.

پایش را توی یک کفش کرده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If wilful will to water, wilful must be drowned.

اگر کله‌شق سوی آبی رود
یقین کله‌شق غرق باید شود.

پختن یک کبک پیش از صید او
هست کار خوش‌خیال کس‌ببو. م. ا.

معادل انگلیسی:

First catch your hare.

اولش خرگوش خود را تو بگیر
(بعد اگر که خواستی آن را بپز).

معادل اسکاتلندی:

God send ye readier meat than running hares.

خدا برایت گوشتی آماده‌تر از خرگوش‌های گریزان بفرستد.

پدر و مادرش او را توی شانسی پیدا کرده‌اند.

معادل انگلیسی:

He hath but one fault.

در وجود او به‌جز یک عیب نیست

(: این‌که از هر خوبی و لطفی بری است).

پدرت را بشناس.

ضرب‌المثل دیگری می‌گوید: اگر پدرش را ندیده بود، ادعای پادشاهی می‌کرد.

هر کس که پایه و نسبت خود را فراموش کند به یادش میارید. عبید زاکانی – صد پند

هلندی‌ها می‌گویند:

Een geëdelde boer kent zijn vader niet.

یک دهاتی همین که شد ارباب

پدرش را به جا نمی‌آرد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er et klogt Barn der kiender sin egen Fader.

بچهٔ عاقلی است او که بداند پدرش کیست.

پراید تابوت متحرک است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Cheapest is the dearest.

ارزان‌ترین گران‌ترین است.

The best goods are cheapest in the end.

بهترینِ جنس‌ها در انتها

می‌شوند ارزان‌ترینِ جنس‌ها.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Das Beste kauft man am Wohlfeilesten.

بهترین ارزان‌ترین است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

La buona roba non fu mai cara.

هیچ موقع جنس خوب گران نبوده.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O caro he barato, e o barato he caro.

گران ارزان و ارزان هم گران است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het beste goed is de beste koop.

بهترینِ جنس‌ها ارزان‌ترینِ جنس‌هاست.

پژو با موتور پیکان.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A wooden dagger in a painted sheath.

خنجری چوبی در غلافی پرزرق‌وبرق.

He is an ass in a lion's skin.

او خری در پوستین شیری است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

In guaina d’oro coltello di piombo.

در غلافی زرین، چاقویی سربی.

رومیان باستان می‌گفتند:

In eburna vagina plumbeus gladius.

شمشیر سربی در نیام عاج.

پس از صرف کبابی و شرابی
یهو نازل شود صورتحسابی. م. ا.

معادل ترکی: شراب کاباب، های های؛ حساب کیتاب، وای وای.
(شراب کباب، های های؛ حساب کتاب، وای وای.)

معادل‌های انگلیسی:

After dinner comes the reckoning.

شام وقتی صرف شد صورتحسابش می‌رسد.

Merry is the feast-making until we come to the reckoning.

مهمانی راه انداختن کار مسرت‌بخشی است، تا وقتی که به حساب و کتاب مخارج می‌رسیم.

معادل فرانسوی:

Après la fête on gratte la tête.

بعد از مهمانی آدم سرش را می‌خاراند.

دو تا توپ داری که تا پای مرگ
مرا در پی خویش خواهد دواند
بیا تا خود صبح بازی کنیم

پسربچه‌ها بچه خواهند ماند. م. ا.

معادل انگلیسی:

Boys will be boys.

پسرک‌ها پسرک می‌مانند.

ضرب‌المثل انگلیسی دیگری می‌گوید:

Boys will be men.

پسربچه‌ها مرد خواهند شد.

پنجاه تومانی پاره قاطی تراول‌ها چکار می‌کند؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Play with your peers.

با همتایان خود بازی کن.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Legen gaaer bedst med Jævnlige.

برای هر کسی نیکوتر این است
که با همتای خود بازی نماید.

دریغا، موش کوچولو
دریغا، آرزوهای خودش را زود باور کرد
گمان می‌کرد خیلی رند و باهوش است
ولی طفلک نمی‌دانست در دنیای آدم‌ها
پنیر مفت و مجانی
فراخوانی به جایی در فراسوی فراموشی است

پنیر مفت و مجانی

پنیر مرگ خاموش است

پنیر مفت و مجانی

فقط توی تله‌موش است. م. ا.

معادل انگلیسی:

The only free cheese is in the mouse trap.

پنیر مفت فقط داخل تله‌موش است. (در اصل یک ضرب‌المثل روسی است.)

پوست خرس نزده را می‌فروشد.

معادل انگلیسی:

Sell not the hare's skin before you have caught him.

قبل از این‌که خرگوش را بگیری پوستش را نفروش.

معادل فرانسوی:

Il ne faut pas vendre la peau de l'ours avant de l'avoir mis par terre.

پیش از آنی که خرس را بکشی

پوستش را به هیچ‌کس نفروش.

معادل دانمارکی:

Sælg ikke Bælgen för du har fanget Ræven.

نگرفته هنوز روبه را

پوستش را به دیگری نفروش.

پول است، نه جان است که آسان بتوان داد.

ترک‌ها می‌گویند: ایمام عزیزدیر، قارا پول ایمامدان دا عزیزدیر.

(امام عزیز است، پول سیاه از امام هم عزیزتر است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Money makes friends enemies.

دوستان را پول دشمن می‌کند.

Money makes not so many true friends as real enemies.

پول آن‌قدری که دشمن واقعی می‌سازد دوست حقیقی نمی‌سازد.

Money in purse will be always in fashion.

پول آماده که در جیب خود است

تا جهان باقی است همواره مد است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Dai-me dinheiro, naõ me deis conselho.

تو به من پول بده، پند نده.

Darei a vida, e alma, mas naõ a albarda.

زندگی و روح من در خدمت توست، ولی پالان نه.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Sölv og Guld er hver Mand Huld.

سیم و زر محبوب کل مردم‌اند.

پول بادآورده چند و چون ندارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Money is welcome though it come in a dirty clout.

مقدم پول گرامی است؛ ولو

به تنش جامهٔ چرکی باشد.

Money has no smell.

پول را بویی نباشد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Bem cheira a ganancia, donde quer que vem.

منفعت بوی خوشی دارد، حال

از هر آن سمت بیاید عشق است.

پول حرام یا خرج شراب شور می‌شود یا شاهد کور.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Evil gotten, evil spent.

بد به دست آمده بد خرج شود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ill won, ill wair'd.

آنچه از راه بدی آمد به دست
نیز در راه بدی از دست جست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wie gewonnen, so zerronnen.

با هر روش که کسب شده، خرج هم شده.

هلندی‌ها می‌گویند:

Zoo gewonnen, zoo geronnen.

آن‌چنان آمده آن‌سان برود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Male partum male disperit.

مالِ از راه بدی کسب شده
نیز در راه بدی خرج شود. (نقل قولی از پلاوتوس Plautus است.)

پول حلّال مشکلات است.

معادل‌های انگلیسی:

Money makes the world go round.

باعث گردش دنیا پول است.

A penny in one’s pocket is a good companion.

یک پنی در جیب آدم همنشین خوبی است.

There is no companion like a penny.

هیچ یار و رفیق و همراهی
همچنان یک پنی نخواهد شد.

That's my good that does me good.

آنچه اندر حق من نیکی کند
ثروت و دارایی شخص من است.

Money talks.

پول حرف می‌زند.

معادل‌های آلمانی:

Reiche Leute sind überall daheim.

اغنیا هر جا که بنشستند
در سرای خویشتن هستند.

Die besten Freunde stehen im Beutel.

بهترینِ دوستان در کیف پول آدم‌اند.

معادل اسپانیولی:

Mas ablanda el dinero que palabras de caballero.

پول بیش از سخنان یک جنتلمن دردها را تسکین می‌دهد.

معادل دانمارکی:

Penge tale meer end tolv Tingmænd.

پول خوش‌بیان‌تر از یک دوجین اعضای پارلمان است.

پول خوابیده پای هر منبر
گنج چال است زیر هر محراب. م. ا.

یک ساعت اگر خواسته‌ای خوش باشی
برخیز و برو به مجلس مهمانی
یک روز اگر خواسته‌ای خوش باشی
برخیز و یکی بره بکن قربانی
یک هفته اگر خواسته‌ای خوش باشی
برخیز و برو یک سفر اعیانی
یک ماه اگر خواسته‌ای خوش باشی
برخیز و بگیر یک زن مامانی
یک عمر اگر خواسته‌ای خوش باشی
برخیز و بپوش جامهٔ روحانی. م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Iglesia, ó mar, ó casa real, quien quiere medrar.

کلیسا، دریا یا خانوادهٔ سلطنتی، برای هر کس که می‌خواهد به مال و منالی برسد.

پول درآوردن چه مشکل، خرج کردن چه آسان.

اولی: «برعکس همه که می‌گن پول درآوردن چه مشکل، خرج کردن چه آسون، من یه رفیقی دارم که می‌گه پول درآوردن چه آسون، خرج کردن چه مشکل.» دومی: «مگه شغل رفیقت چیه؟» اولی: «اسکناس تقلبی چاپ می‌کنه.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Money doesn’t grow on trees.

پول بر درخت نمی‌روید.

If you put nothing into your purse, you can take nothing out.

در جیب خودت تا نگذاری چیزی
حاشا که از آن جیب درآری چیزی.

پول دکتر نداری اسکل خر؟
یک کتاب دعا به‌جاش بخر. م. ا.

زنک مریض شده نذر کرده آش بده
خدا شفاش بده. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: بو عاغیل منده، او دوعا سنده. (این خرد نزد من و آن دعا هم نزد تو.)

پولدارها به کباب، بی‌پول‌ها به بوی کباب.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Naar jeg har Penge i min Pung, da har jeg Mad i min Mund.

توی جیبم پول تا دارم
در دهانم هم غذا دارم.

پولش از پارو بالا می‌رود.

معادل انگلیسی:

As rich as a Jew.

به ثروتمندی فردی یهودی.

پول‌های مفت آوردن به دست
حرفهٔ شیرین و لذتبخشی است. م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het is goed warmen by een anders vuur.

خویش را با آتش آن دیگری
گرم کردن هست کار خوش‌تری.

پیش قاضی و معلق‌بازی؟

معادل ایتالیایی:

Perde le lagrime chi piange avanti al giudice.

گر بگرید پیش قاضی یک نفر
اشک‌های خویش را داده هدر.

گرگی آن‌جاست که یک برهٔ مامانی هست
شیری آن‌جاست که گوسالهٔ پرواری هست
لاشه‌ای باشد اگر، دوروبرش لاشخوری است
پیش هر پینوکیو روبه مکاری هست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If there were no fools, there would be no knaves.

ابلهی گر هیچ جا پیدا نبود
هیچ شیادی در این دنیا نبود.

پینوکیو آدم شد، تو آدم نشدی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that is a fool at Christmas will not be wise in May.

چو باشد در کریسمس یک خل‌وچل
به ماه مِی نخواهد بود عاقل.

پینوکیو دوباره گول خورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is a silly fish that is caught twice with the same bait.

ماهی کس‌مشنگیه که دو بار
با یه طعمه به دام می‌افته.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that cheats me ance, shame fa' him; he that cheats me twice, shame fa' me.

یک بار سرم شیره بمالد آقا
گوییم که خاک بر سر او بادا
دو بار سرم شیره بمالد، اما
گوییم که خاک بر سر من حالا.

ت

اندیشهٔ ملای گه‌اندیش گهی است
فحوای رساله‌ها کمابیش گهی است
تا با متد شیخ طهارت نکنی
ناریده بدان، کون تو از پیش گهی است.   م. ا.

معضل شاش و گه به تنهایی
نیمی از حجم فقه جعفری است
نیمهٔ دیگرش هم البته
فوت‌وفن‌های سکس و دلبری است.   م. ا.

انگلیسی‌ها هم می‌گویند:

Cleanliness is next to godliness.

پاکیزگی از خداشناسی است.

تا تریاق از عراق آرند، مارگزیده مرده باشد.

معادل اسکاتلندی:

The cow may dee ere the grass grow.

تا زمان رسیدن علف است
ای بسا ماده‌گاو ما تلف است.

معادل دانمارکی:

Medens græsset groer döer Horsemoder.

تا زمان رسیدن علف است
مادیان از گرسنگی تلف است.

تا تو را دارم، دشمن می‌خواهم چکار.

معادل انگلیسی:

With friends like that, who needs enemies?

با وجود دوستانی مثل او

کیست کو محتاج دشمن می‌شود؟

تا توانید سخن حق مگویید تا بر دل‌ها گران مشوید و مردم بی‌سبب از شما نرنجند.   عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Follow not truth too near the heels, lest it dash out thy teeth.

به پروپای حقیقت تو نپیچ

نکند با لگدی دندان‌هایت را

بزند خرد کند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Del vero s’adira l’uomo.

حقیقت است که یک مرد را به خشم آرد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Sandhed er en suur Kost.

حقیقت یک غذای تلخ باشد.

تا خر در جهان است، مفلس درنمی‌ماند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Narren bauen Häuser, der Kluge kauft sie.

خانه می‌سازند آنان که خرند

عاقلان آن را از آنان می‌خرند.

تا خران در جهان فراوان‌اند

عاقلان چارنعل می‌رانند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool gives; a wise man takes.

ابلهی می‌دهد و عاقلی می‌گیرد.

تا بوده خریت تو بارت شده است

بیگاری شیخ افتخارت شده است

تا خم نشوی کسی سوارت نشود

تو خم شده‌ای، طرف سوارت شده است. م. ا.

آدمیزاد همانی است که خود پندارد
ارزش فرد به درکی است که از خود دارد. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

He that makes himself a sheep shall be eaten by the wolf.

هرکه خود را گوسفندی می‌کند
در نهایت گرگ او را می‌خورد.

Do not make yourself a mouse, or the cat will eat you.

خویش را موش نکن، گربه تو را خواهد خورد.

Make yourself into a doormat, and all will wipe their shoes on you.

خودتو پادری بکن که همه
کفش‌هاشونو رو تو پاک کنند.

If you agree to carry the calf, they'll make you carry the cow.

گر پذیرفتی که یک گوساله را گیری به دوش
مردمان یک گاو را بر دوش‌هایت می‌نهند.

He that serves must serve.

نوکری باید کند هر کس که نوکر می‌شود.

No one can make you feel inferior without your consent.

وقتی تو اجازه ندهی هیچ کسی قادر نیست
کاری بکند پیش وی احساس حقارت بکنی. (نقل قولی از النور روزولت Eleanor Roosevelt است.)

معادل ایرلندی:

Every foot will tread on him who is in the mud.

او که در گِل خفته را هر پا لگد خواهد نمود.

معادل فرانسوی:

Qui se fait brebis, le loup le mange.

خودت را گوسفندی چون نمودی
تو را گرگی بدرّاند به زودی.

معادل آلمانی:

Wer sich mausig macht, den fressen die Katzen.

چون که خود را موش کرد آقا

گربه‌ها خواهند خورد او را.

معادل‌های ایتالیایی:

Chi si fa pecorella, i lupi la mangiano.

خودت را گوسفندی کن که گرگانت بدرّانند.

Chi si lascia mettere in spalla la capra, indi a poco è sforzato a portar la vacca.

آخرش یک گاو را بر دوش آن یارو نهند

کو گذارد تا بزی را روی دوش او نهند.

Se ti lasci metter in spalla il vitello, quindi a poco ti metteranno la vacca.

گر پذیرفتی که یک گوساله بر دوشت نهند

می‌گذارند آخرش بر دوش تو یک گاو را.

Chi colomba si fa, il falcon se la mangia.

او که کفتر می‌نماید خویش را

طعمهٔ قوشی شود در انتها.

Chi si fa fango, il porco lo calpestra.

هر زمان خود را کثافت کرد مرد

خوک‌ها او را لگد خواهند کرد.

معادل هلندی:

Wie zich onder den draf mengt, dien eten de zwijnen.

خوک او را می‌خورد وقتی طرف

با تفاله خویش را قاطی کند.

معادل دانمارکی:

Hvo sig blander med Saader, ham æde Sviin.

هر کسی بر تفاله لم بدهد

خوک او را درسته خواهد خورد.

معادل لاتین:

Taurum tollet qui vitulum sustulerit.

گر پذیرفتی که یک گوساله بر دوشت بری

می‌گذارند این و آن بر دوش تو گاو نری.

تا زمانی که دهان خنگ دارد چفت و بست

کاملاً مانند فردی عاقل و فهمیده است. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Fools are like wise men until they open their mouths.

خنگ‌ها نیز چو عاقل‌هایند

تا زمانی که دهان بگشایند.

The fool is wise, or may at least be so reputed, when he is silent.

خنگ هم وقتی دهانش را ببندد عاقل است

یا اقلاً این‌چنین او را تصور می‌کنند.

A silent fool is counted wise.

ابله ساکت را عاقلی پندارند.

معادل ایتالیایی:

Ogni pazzo è savio quando tace.

تا زبان خنگ در بند است

او هم انسانی خردمند است.

معادل اسپانیولی:

El bobo, si es callado, por sesudo es reputado.

تا دهان خنگ دارد چفت و بست

خلق پندارند او هم عاقل است.

معادل پرتغالی:

O parvo, se he callado, por sabio he reputado.

چنانچه کس‌خلی ساکت بماند

طرف را هر کسی عاقل بداند.

معادل هلندی:

Zweegen de dwazen zij waren wijs.

اگر بی‌عقل‌ها ساکت بمانند

علی‌الظاهر شبیه عاقلان‌اند.

معادل دانمارکی:

Narren er andre Folk liig saa længe han tier.

تا دهان خنگ دارد چفت و بست
کاملاً مانند دیگر مردم است.

تا سه نشه، بازی نشه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Third time lucky.

بار سوم شانس آدم می‌زند.

تا شیخ کفن نشود
این وطن نشود.

شیخ ما مثل زن بولهب است: از دستش
کون خونین‌شدهٔ شعله‌وری نیست که نیست. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Man muß mit Pfaffen nicht anfangen oder sie todtschlagen.

با کشیشان یا نبرد اصلاً نکن
یا که آنان را بکش از بیخ و بن.

تا که یک عالم فاضل نشود
کس‌خلی کس‌خل کامل نشود. م. ا.

ابلهان فاضل و دانشورند
که به معنای دقیق آن خرند. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Jean a étudié pour être bête.

ژان زمانی به مدرسه رفته
تا بیاموزد ابلهی باشد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Tonto, sin saber latin, nunca es gran tonto.

مشنگی کس‌مشنگ کاملی نیست

مگر وقتی که لاتین هم بداند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Magis magni clerici non sunt magis sapientes.

در هر زمان بزرگ‌ترین عالمان دهر

عاقل‌ترینِ مردم عالم نمی‌شوند.

تا کی از سیم و زرت کیسه تهی خواهد بود؟

تا وطن دست فقیهان گهی خواهد بود. م. ا. مصرع اول از حافظ است.

ته‌رنگ ترانه‌هایمان نوحه‌گر است

بابا کرم زمانه مرغ سحر است

یا گوش جناب شیخ از بیخ کر است

یا این‌که جناب شیخ از بیخ خر است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that is hated of his subjects, cannot be counted a king.

او که منفور رعایای خود است

نتوان شاه قلمدادش کرد.

تا مزاحمت مزاحمت نشده، برایش مزاحمت درست نکن. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never trouble trouble till trouble troubles you.

تا نشد دردسر مزاحم تو

هیچ موقع مزاحمش تو نشو.

Do not meet troubles half-way.

به پیشواز بلاها و مشکلات نرو.

When sorrow is asleep, wake it not.

غصه وقتی خفته بیدارش نکن.

Make not a toil of your pleasure.

لذتت را زحمت و محنت نکن.

Do not cross the bridge till you come to it.

رد نشو از روی پل تا نرسیدی به آن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

When ye are weel, haud yoursel sae.

چنانچه به کام تو شد روزگار

بکوش و همان‌گونه خود را بدار.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Quand on est bien il faut s'y tenir.

زمانی که آسوده‌ای از فشار

بکوش و همان‌گونه خود را بدار.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Rücke nicht, wenn du wohl sitzest.

چو راحت نشستی سر جای خود

تو از جای خود مطلقاً جم نخور.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non bisogna fasciarsi il capo prima di romperselo.

تا زمانی که کله نشکسته

احتیاجی به بستن آن نیست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando la mala ventura se duerme, nadie la despierte.

شانس بد هر موقعی خوابیده است

هیچ‌کس نگذار بیدارش کند.

تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها.

ترک‌ها می‌گویند:

Ateș olmayan yerden duman çıkmaz.

هرکجا آتش نباشد در میان

هیچ دودی برنمی‌خیزد از آن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It must be true that all men say.

باید آن حرف درستی باشد

اگر آن را همگان می‌گویند.

If all men say that thou art an ass, then bray.

اگر همه به تو گفتند خر، بگو عرعر.

Where there is smoke there is fire.

هرکجا دود هست، آتش هست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

There ne'er was a fire without some reek.

هیچ موقع به هیچ جای نبود
آتشی که نداشت قدری دود.

There's nae reek but there's some heat.

هیچ دودی نبوده در جایی
که کنارش نبوده گرمایی.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Nul feu sans fumée.

آتشی نیست که دودی نکند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Kein Rauch ohne Feuer.

هیچ دودی بدون آتش نیست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non si dice mai tanto una cosa che non sia qualche cosa.

ز هر چیزی سخن بسیار اگر شد
در آن قدری حقیقت هست لابد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando todos te dijeren que eres asno, rebuzna.

همه گر بگویند هستی تو خر
تو، جان برادر، بگو عرّوعر.

Si uno dos y tres te dicen que eres asno, ponte un rabo.

اگر یک نفر یا دو تن یا سه تن
بگویند تو یک خری جان من

درِ کون خود تو دمی را بزن.

Donde huego se hace, humo sale.

هرکجا آتشی است، دودی هست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als alle de waerelt ziet dat gij een verken zijt, eu moet gij niet in ’t schot?

وقتی همه می‌بینند که تو یک خوکی، چرا نمی‌روی توی خوکدانی؟

تاریخ را فاتحان می‌نویسند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Losers are always in the wrong.

بازنده‌ها همیشهٔ دوران مقصرند.

Success is never blamed.

فتح را سرزنش کسی نکند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les absents ont toujours tort.

آنان که غایب‌اند همیشه مقصرند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi perde, ha sempre torto.

او که می‌بازد همیشه برخطاست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Ni absente sin culpa, ni presente sin disculpa.

از غایبان حتی یکی بی‌اشتباه
از حاضران حتی یکی بی‌عذر نیست.

هلندی‌ها می‌گویند:

De afwezigen krijgen altijd de schuld.

غایبان همواره بار سرزنش را می‌کشند.

تجربه کاری است که خر می‌کند
مرد خردمند از آغاز کار
از خطر البته حذر می‌کند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Experience is the mistress of fools.

تجربه معشوقهٔ بی‌عقل‌هاست.

Experience is a dear school, but fools learn in no other.

تجربه مدرسهٔ گران‌قیمتی است، اما احمق‌ها در هیچ مدرسهٔ دیگری چیزی یاد نمی‌گیرند.

(نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

تخم‌مرغ‌دزد شتردزد می‌شود.

معادل‌های انگلیسی:

Once a thief, always a thief.

یکباره یک دزد
همواره یک دزد.

He that will steal an egg will steal an ox.

آن‌کسی که می‌تواند تخم‌مرغی کش رود
دارد استعداد این که سارق گاوی شود.

Once a knave, always a knave.

یکباره رذل و ناکس
همواره رذل و ناکس.

معادل‌های اسکاتلندی:

He that steals a preen may steal a better thing.

آن‌کسی که سوزنی کش می‌رود
دزد چیزی بهتر از آن می‌شود.

Begin wi' needles and preens, and end wi' horn'd nowte.

با سوزن و سنجاق بیاغاز و به یک گاو برس.

معادل‌های آلمانی:

Wer ein Kalb stiehlt, stiehlt eine Kuh.

هر کسی گوساله‌ای کش می‌رود
در نهایت گاودزدی می‌شود.

Wer einmal stiehlt, der bleibt ein Dieb.

هرکه یک بار دزدی‌ای کرده
او برای همیشه یک دزد است.

معادل اسپانیولی:

Quien una vez hurta, fiel nunca.

او که یک بار دزدی‌ای بکند
قابل اعتماد هرگز نیست.

معادل پرتغالی:

O ladraõ da agulha ao ouro, e do ouro à forca.

دزد در سیر و سلوکش رهسپار
می‌شود از سوزنی سوی طلا
وز طلا هم جانب سکوی دار.

معادل‌های هلندی:

Die eens steelt is altijd een dief.

تا ابد یک دزد ماند آن مرد
کو فقط یک بار دزدی کرد.

Erst eene raap, en dan een schaap; daarna eene koe, dan de galg toe.

اولش یک شلغم، بعد یک گوسفند، بعد یک گاو و بعدش چوبهٔ دار.

ترب هم جزو مرکبات شده.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wij appelen zwemmen, zei de paardenkeutel.

بر روی آب پشکل اسبی به خویش گفت:
ما جمع سیب‌ها چه شنایی که می‌کنیم!

تربت اصل پنی‌سیلین شیعیان علی بن ابی‌طالب است. صادق هدایت - توپ مرواری

گر مغز عفونی شده و چرکین است
در تربت کربلا پنی‌سیلین است
در ضمن، اگر شعورتان درد گرفت
یک روضهٔ دبش بهترین مرفین است. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fools are fain o' naething.

ابلهان با هیچ سرخوش می‌شوند.

ترسم که روز حشر عنان بر عنان رود

تسبیح شیخ و خرقهٔ رند شرابخوار. حافظ

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Contas na maõ, e o demonio no coraçaõ.

تسبیح در دست، ابلیس در دل.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی

این ره که تو می‌روی به ترکستان است. سعدی - گلستان

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was hilft laufen, wenn man nicht auf dem rechten Weg ist?

چه سودی به دست آوریم از دویدن

اگر در مسیر درستی نباشیم؟

ترک دنیا به مردم آموزند

خویشتن مال و غله اندوزند. سعدی - گلستان

پابلو پیکاسو Pablo Picasso گفته است:

I'd like to live like a poor man - only with lots of money.

من دوست دارم مثل یک مرد فقیر زندگی کنم؛ منتها با یک‌عالمه پول.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is more easy to praise poverty than to bear it.

مدح فقر و بی‌نوایی بی‌گمان

از تحمل کردنش آسان‌تر است.

ترک عادت موجب مرض است.

ترک‌ها می‌گویند: هر کسه اؤز عادتی خوش گه‌لر. (عادت هر کس برایش دلکش است.)

معادل‌های انگلیسی:

Old habits die hard.

عادات کهن مشکل و بد می‌میرند.

Habits are at first cobwebs, at last cables.

رسم و عاداتی که بنیادین شوند

اولش هستند تار عنکبوت

آخرش زنجیر پولادین شوند.

Man is a bundle of habits.

آدمی بقچه‌ای از عادات است.

معادل اسپانیولی:

Mudar costumbre a par de muerte.

ترک یک عادت شبیه مردن است.

معادل پرتغالی:

Mudar costume, parelha da morte.

ترک عادت‌های آدم سیلی مرگ‌آوری است.

معادل‌های لاتین:

Usus est altera natura.

عادت طبیعت ثانوی است.

Consuetudinis magna vis est.

قدرت عادات انسان خیلی است. (نقل قولی از سیسرو Cicero است.)

از وی لجاجت است و ز من هم سماجت است

ترمزبریده را به بفرما چه حاجت است. م. ا. بازی با شعر حافظ

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Egoa cançada prado acha.

مادیان خسته‌ای سوی علف

می‌رود مشتاق و با شور و شعف.

تره به تخمش می‌ره، حسنی به باباش.

معادل ترکی:

Armut dibine düşer.

گلابی پای درخت می‌افتد.

معادل‌های انگلیسی:

Like parents, like children.

بچه‌ها چون والدین خود شوند.

Like father, like son.

هر پسر شکل پدر خواهد شد.

Good seed makes a good crop.

بذر خوبی حاصل خوبی دهد.

The fruit falls under the tree.

میوه پای درخت می‌افتد

(= بچه مانند والدین خود است).

معادل پرتغالی:

Qual o pai, tal o filho.

پدر را ببین و پسر را شناس.

معادل هلندی:

Goede boom, goede vrucht.

درخت نکو میوه‌اش هم نکوست.

معادل دانمارکی:

Deilig er Frugten som Dyden er i Træet.

هر حسن که در درخت باشد

در میوهٔ آن درخت هم هست.

معادل لاتین:

Fortes creantur fortibus.

دلیران از دلیران زاده گردند. (نقل قولی از هوراس Horace است.)

تعارف آمد نیامد دارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

“No, thank you” has lost many a good butter-cake.

«نه، ممنون» کلی کیک کره‌ای خوب از دست داده.

Fools refuse favours.

بی‌خردها لطف را رد می‌کنند.

Modest dogs miss much meat.

سگ‌های خجالتی یک‌عالمه گوشت را از دست می‌دهند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer ekel ist, entbehrt manchen guten Bissen.

او که زیادی خوب و ناز است، بازندۀ یک‌عالمه لقمۀ گرد و دراز است.

Es wird kein blöder Hund fett.

یک سگ خجالتی هیچ وقت چاق نمی‌شود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A tavola non vi vuol vergogna.

سر سفره خجالت سخت بیجاست.

تعارف کم کن و بر مبلغ افزا.

معادل انگلیسی:

Less of your courtesy, and more of your purse.

از تعارف‌های خود کم‌تر بکن
لیکن از جیب مبارک بیش‌تر.

تغاری بشکند، ماستی بریزد
جهان گردد به کام کاسه‌لیسان.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Se piovesser maccheroni, che bel tempo pei ghiottoni!

اگر از آسمان ماکارونی می‌بارید، چه روزگار خوشی برای شکمباره‌ها می‌بود!

تف سربالا برمی‌گردد به ریش صاحبش.

معادل انگلیسی:

Who spits against heaven, it falls in his face.

هر کسی رو به آسمان تف کرد
تف او توی صورتش افتد.

معادل فرانسوی:

Qui crache contre le ciel, il lui tombe sur la tête.

هر کسی رو به آسمان تف کرد

تف او روی کله‌اش افتد.

معادل آلمانی:

Wer einen Stein über sich wirft, dem fällt er leicht auf den Kopf.

هر کسی سنگ به بالای سرش اندازد

ای بسا روی سر شخص خودش می‌افتد.

معادل ایتالیایی:

Chi contra il cielo getta pietra, in capo gli ritorna.

او که سنگی به آسمان انداخت

سنگ او بر سر خودش افتد.

معادل اسپانیولی:

Quien al cielo escupe, en la cara le cae.

رو به بالا هر آن که تف بکند

تف او توی صورتش افتد.

تقلید کار میمون است.

معادل انگلیسی:

Monkey see, monkey do.

میمون می‌بیند، میمون می‌کند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Alt leer folsk Mand, naar Anden leer.

دگران هر زمان که می‌خندند

آدم کله‌پوک می‌خندد.

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف

مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every shoes fits not every foot.

هر کفش که اندازهٔ هر پایی نیست.

All men can’t be masters.

همه نمی‌توانند ارباب باشند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Doktor Luthers Schuhe sind nicht allen Dorfpriestern gerecht.

کفش‌های دکتر لوتر اندازهٔ پای هر کشیش بخشی نیست. (دکتر لوتر مؤسس مذهب پروتستان است.)

تن آدمی شریف است به جان آدمیت؟

نه، همین لباس زیباست نشان آدمیت. بازی با شعر سعدی

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Debaixo de huma ruim capa jaz hum bom bebedor.

در پس یک ردای بی‌مقدار

هست شاید عرقخوری قهار.

تنبل، نرو سایه، سایه خودش می‌آیه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The sluggard makes his night till noon.

تنبل شب خودش را تا ظهر می‌کشاند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den lade Dreng og den varme Seng kunne ei vel skilles ad.

پسری تنبل و لحافی گرم

مشکل از یکدگر جدا گردند.

تنگی قافیه چو تنگی کون

گوز منظوم می‌دهد بیرون. م. ا.

تنگی قافیه و کون گشاد

ای بسا شعر شل و کور که زاد. م. ا.

تنها به قاضی رفته خوشحال برمی‌گردد.

معادل اسکاتلندی:

Every man's tale's gude till anither's tauld.

قصهٔ هر کسی البته که خوب است، اما

تا زمانی که بگویند یکی دیگر را.

معادل آلمانی:

Richter sollen zwei gleiche Ohren haben.

قاضیان را گوش‌هایی هر دو یکسان لازم است.

معادل پرتغالی:

Se queres ser bom juiz, ouve o que cada hum diz.

خواستی قاضی خوبی باشی

حرف‌های همگان را بشنو.

معادل یونانی:

Mête dikên dikasês, prin amphoin mythou akousês.

پیش از آنی که دهی حکمت را

گوش باید بکنی با دقت

به سخن‌های دو سوی دعوا.

معادل لاتین:

Audi alteram partem.

حرف آن سوی دگر را بشنو.

تو از کدام سر طویله در رفته‌ای؟

معادل انگلیسی:

You were born when wit was scant.

در زمان تولدت گویا

قحطی عقل بوده در دنیا.

تو اگر بیل‌زنی، باغچهٔ خودت را بیل بزن.

هرکه عقلش بهر او سودی نداشت

اسم عاقل روی او نتوان گذاشت. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is not wise that is not wise for himself.

هرکه عقلش نشود چارهٔ درد خود او عاقل نیست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nequicquam sapit qui sibi non sapit.

او که در کار خودش عاقل نیست

عقل او بی‌هدف و بی‌خودکی است.

تو اگر حرف نزنی، کسی نمی‌گوید لالی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He was scant of news that told his father was hanged.

یارو واقعاً هیچ چیزی برای تعریف کردن نداشت که گفت پدرش را دار زده‌اند.

Speak fitly or be silent wisely.

یا بگو حرفی بجا و دلنشین

یا خردمندانه خاموشی گزین.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Dinna lee for want o' news.

از سر بی‌خبری لب به دروغی نگشا.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

They're scarce of news who speak ill of their mother.

آن‌ها واقعاً حرفی برای گفتن ندارند که از مادرشان بد می‌گویند.

تو آنا بُود هرکه دانا بُود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Abajanse los adarves y alzanse los muladares.

دیوارها نشست می‌کنند و تل‌های فضله بلند می‌شوند.

تو اون‌ور جوب، من این‌ور جوب.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The best remedy against an ill man is much ground between.

بهترین دارو علیه یک شرور

این بُود کز وی بمانی سخت دور.

تو اون‌ور جوب، من این‌ور جوب؛ فحش بده، فحش بشنو.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E facile far paura al toro dalla finestra.

از پشت پنجره خط و نشان کشیدن برای یک گاو نر آسان است.

تو باید توپچی می‌شدی.

معادل اسکاتلندی:

He that's fraid of a fart should never hear thunder.

او که با گوزی ز جا درمی‌رود
غرش تندر نباید بشنود.

تو باید رانندهٔ فرغون باشی.

طعنه‌ای است به رانندگان ناشی.

البته فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’est si bon charretier qui ne verse.

بهترین کالسکه‌ران هم گاهگاه
می‌زند کالسکه را چپ می‌کند.

تو بدم، بمیر و بدم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Idle folks lack no excuses.

یک تنبل کون‌گشاد بیعار
کمبود بهانه‌ای ندارد.

تو بگو با کی تو می‌گردی
بنده می‌گویم چه‌ها کردی. م. ا.

معادل انگلیسی:

A man is known by the company he keeps.

آدمی را می‌شناسند از همان
جمع یاران وی و از همدمان.

معادل پرتغالی:

Dize-me com quem andas, dirte-hei que manhas has.

تو بگو تا همدم و یار تو کیست
تا بگویم کار و کردار تو چیست.

معادل هلندی:

Zegt ons met wie dat gij verkeert, en heb ik uwen raad geleerd.

بگو دوست و همدم کیستی
که من هم بگویم که تو چیستی.

تو به پیش نرو تا ایستادهٔ من بر تو پیشی گیرد. شاملو

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you have no enemies it is a sign that fortune has forgotten you.

اگر دشمن نداری، این نشانی است
که خوشبختی تو را از یاد برده.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Mal alheio naõ cura minha dor.

بدبیاری و ذلت دگری
درد من را دوا نخواهد کرد.

تو به روح اعتقاد داری؟

یک آبادانی با تی‌شرت در خیابان راه می‌رفت. یک برادر بسیجی آتش به اختیار جلوی او را گرفت و گفت: «چرا آستین‌کوتاه پوشیدی؟» آبادانی از او پرسید: «تو به روح اعتقاد داری؟» برادر بسیجی گفت: «چرا پرت‌وپلا می‌گی؟ به تو می‌گم چرا آستین‌کوتاه پوشیدی؟» آبادانی گفت: «تو فقط اینو به من بگو، به روح اعتقاد داری؟» برادر بسیجی گفت: «آره، اعتقاد دارم؛ حالا چرا آستین‌کوتاه پوشیدی؟» آبادانی گفت: «خب آخه کیرم تو روحت، برای این‌که هوا گرمه.»

کردیم من و برادر عماری
دربارهٔ روح صحبت پرباری
پرسید که تی‌شرت چرا پوشیدی
گفتم تو به روح اعتقادی داری؟ م. ا.

تو چیزی را ببخش و بازپس گیر

به مامانت حواله می‌شود کیر.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Give a thing and take again
And you shall ride in hell’s wain.

تو چیزی را ببخش و پس بگیرش

که بر کالسکهٔ دوزخ نشینی.

تو خلا هم که بیفتد، دست‌هایش پر کمرش است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is good beating proud folks, for they will not complain.

خوب است اگر کتک بزنی عن‌دماغ را

زیرا به هیچ وجه شکایت نمی‌کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il fait bon battre l’orgueilleux quand il est seul.

اگر کتک بزنی عن‌دماغ را چه بجاست

علی‌الخصوص زمانی که یکه و تنهاست. (او به‌خاطر غرورش قضیه را به کسی نخواهد گفت.)

تو را که خانه نیین است، بازی نه این است.   سعدی – گلستان

هندویی نفط‌اندازی همی‌آموخت. حکیمی گفت: ...

معادل‌های انگلیسی:

Those who live in glass houses shouldn’t throw stones.

کسانی که در خانه‌های بلورین زندگی می‌کنند نباید سنگ پرتاب کنند.

He is a poor smith who cannot bear smoke.

آهنگر بی‌نوایی است او

کش طاقت دود و دم نباشد.

معادل‌های اسکاتلندی:

He that's scant o' wind shouldna meddle wi' the chanter.

نفس‌تنگی اگر دارد یک آقا

نباید پیشه گیرد نی‌زنی را.

Barefooted folk shouldna tread on thorns.

کسانی که در پای کفشی ندارند

نباید قدم روی خاری گذارند.

معادل فرانسوی:

Qui a tête de cire ne doit pas s'approcher du feu.

کسی که سر از موم دارد نباید

که هرگز به نزدیک آتش بیاید.

معادل آلمانی:

Ein schlechter Schmidt, der den Rauch nicht vertragen kann.

بد آهنگری باشد آن آدمی که

به‌کل طاقت دود و دم را ندارد.

معادل ایتالیایی:

Chi ha capo di cera, non vada al sole.

معقول نیست آن که سر از موم دارد او

گامی در آفتاب گذارد به هیچ رو.

معادل اسپانیولی:

No seais hornéra si teneis la cabeza de manteca.

نانوا نشو وقتی که سری از کره داری.

معادل دانمارکی:

Den er ilde skikket til Bager, der har et Hoved af Smör.

گر سری از کره دارد یارو

آدم حرفهٔ نانوایی نیست.

تو رو سَنَه نَه؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Curiosity is ill manners in another's house.

کنجکاوی به سرای دگری بی‌ادبی است.

Curiosity killed the cat.

گربه را کنجکاوی او کشت.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Er stecht seine Nase in Alles.

دماغش را به هر چیزی می‌چسباند.

تو سر پیازی یا کون پیاز؟

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Di cosa che non ti cale, non dir nè ben nè male.

اگر چیزی به تو ربطی ندارد
از آن حرفی نزن، نه خوب، نه بد.

تو عمامه‌ای را نشانم بده
که زیرش الاغی نشانت دهم. م. ا.

گر به عمامه کسی کوس فضیلت می‌زد
گنبد مسجد شه از همه فاضل‌تر بود. صائب

تو قاچ زین را نگه دار، اسب‌دوانی پیشکشت.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Learn to say before you sing.

پیش از آنی که بخوانی آواز
تو بیاموز سخن گفتن را.

First creep and then go.

اول بخز و سپس قدم زن.

Do not try to run before you can walk.

قبل از این‌که بتوانی بروی
بی‌خودی سعی نکن تا بدوی.

Do not try to walk before you can crawl.

قبل از این‌که بتوانی بخزی
بی‌خودی سعی نکن تا بروی.

Learn to creep before you leap.

پیش از آن که بپری یاد بگیر

که چگونه بخزی روی زمین.

تو کلاه خودت را بچسب که باد نبردش.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is a fool that forgets himself.

او که از یاد خودش غافل شود

بی برو برگرد خیلی کس‌خل است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's a fool that forgets himsel.

هر کسی خود را ز خاطر می‌برد

هست یک موجود خنگ بی‌خرد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il est bien fou qui s'oublie.

هر کسی از یاد خود غافل شود خیلی خر است.

تو کوچهٔ ما هم عروسی می‌شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is a good time coming.

روزگاری خوش فرا خواهد رسید. (سطری از یک ترانه، سرودهٔ چارلز مَکِی Charles Mackay، ترانه‌سرای اسکاتلندی قرن نوزدهم، است.)

The worse luck now, the better another time.

شانس بدتر این زمان و شانس بهتر بعدتر.

Better luck next time.

در دفعهٔ بعد شانس بهتر داری.

If hope were not, heart would break.

دل می‌شکست اگر که امیدی نداشتیم.

Hope is a lover's staff.

غذای آدم عاشق امید است.

Hope well and have well.

امیدوار بشو تا که نیکبخت شوی.

Hope is as cheap as despair.

امیدم همون‌قدر ارزونه که ناامیدی.

To travel hopefully is a better thing than to arrive.

سفر با امید از رسیدن به است.

He that wants hope is the poorest man.

آن مرد که محتاج امید است

بیش از همگان است تهیدست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Were it no for hope the heart wad break.

اگر یار و یاور نمی‌بود امید

دل آدمیزادگان می‌پکید.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui pourrait vivre sans espoir?

چه کسی هست کو بدون امید

بتواند که زندگی بکند؟

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Em quanto ha vida, ha esperança.

تا زندگی‌ای هست امیدی هم هست.

تو کون خودت را بر آتش بنه

و بعدش بر آن نام تقدیر ده. م. ا.

طرح تقدیر خودت را خودت انداخته‌ای

خانهٔ بخت خودت را تو خودت ساخته‌ای

زندگی بازی نردی است فقط در یک دست

تو خودت را که ببازی، همه را باخته‌ای. م. ا.

معادل اسکاتلندی:

Put your finger in the fire, and say it was your fortune.

تو در آتش بنه انگشت خود را

بگو تقدیر تو این‌گونه بوده.

تو که بال نداری، گه می‌خوری گوزگوز می‌کنی.

یک کلاغ و یک خرس سوار هواپیما بودند. کلاغ دکمهٔ زنگ اضطراری را می‌زند. خانم مهماندار می‌آید و می‌پرسد: «اتفاقی افتاده؟» کلاغ می‌گوید: «نه، فقط گفتم بیایید یه‌خورده بخندیم.» مهماندار چیزی نمی‌گوید و می‌رود. بعد از مدتی کلاغ دوباره دکمهٔ زنگ را می‌زند. دوباره مهماندار می‌آید و می‌پرسد: «امری داشتید؟» کلاغ می‌گوید: «نه، فقط خواستم یه‌خورده بخندیم.» مهماندار باز چیزی نمی‌گوید و می‌رود. خرس که جریان را می‌بیند، او هم زنگ را می‌زند. مهماندار می‌آید و می‌پرسد: «می‌تونم کمکتون کنم؟» خرس می‌گوید: «نه، فقط خواستم یه‌خورده بخندیم.» مهماندار می‌رود دیگر مهمانداران هواپیما را صدا می‌زند و با هم خرس را می‌گیرند و به طرف در هواپیما می‌برند تا او را به بیرون پرت کنند. خرس که انتظار چنین چیزی را نداشت، می‌پرسد: «پس چرا به کلاغ چیزی نگفتید؟» مهماندار می‌گوید: «تو که بال نداری، گه می‌خوری گوزگوز می‌کنی.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Don't bark if you can't bite.

گاز وقتی نتوانید گرفت

بی‌خودی واغّ‌وواغی نکنید.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Zorn ohne Macht wird verlacht.

خشمِ بی‌زور حماقت باشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Can ringhioso e non forzoso, guai alla sua pelle.

وای بر پوست آن سگ که شرور است و قوی نیست.

تو که راست می‌گویی، اما کیرم دهن دروغگو.

ترک‌ها می‌گویند: یالانچیا ائششکینکی. (مال خری حوالهٔ فرد دروغگو.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ye're an honest man, and I'm your uncle—that's twa big lees.

مردی شریف هستی و من دایی توام

این شد دو تا دروغ بزرگ کنار هم.

تو که لالایی بلدی، چرا خوابت نمی‌برد؟

آلمانی‌ها می‌گویند:

Alle wissen guten Rath, nur der nicht, der ihn nöthig ist.

همه اندرز نکو را بلدند

به‌جز آن‌کس که بدان محتاج است.

تو کی را زده‌ای که من نکرده‌امش؟

ضرب‌المثل دیگری می‌گوید: تو توی چه پیتی گوزیده‌ای که من توی آن نریده‌ام؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Keep from the anger of a great man.

بپرهیز از خشم مردی بزرگ.

تو گفتی و من هم باور کردم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I had not cut my wise teeth.

دندان عقلم را نکشیده‌ام.

تو مو می‌بینی و من پیچش مو

تو ابرو، من اشارت‌های ابرو.   وحشی بافقی

آلمانی‌ها می‌گویند:

Mancher sieht mit einem Auge mehr als ein Anderer mit zweien.

خیلی‌ها با یک چشم بیش‌تر می‌بینند تا دیگران با دو چشم.

تو هم دل خوشی داری.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that is at ease seeks dainties.

دلی آسوده دارد او که دلش

خوردنی‌های خوب می‌خواهد.

تو هم وقت گیر آورده‌ای.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not stop the plough to catch a mouse.

گاوآهن خود را متوقف نکنید
تا این‌که در آن میانه موشی گیرید.

توبه کردم که دگر می نخورم
به‌جز این امشب و شب‌های دگر.

اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود
ببین که جام زجاجی چه طرفه‌اش بشکست. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Once a drunkard, always a drunkard.

یکباره مست و پاتیل
همواره مست و پاتیل.

Ever drunk, ever dry.

همیشه مست و همیشه تشنه.

توبهٔ گرگ مرگ است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een wolf hapt noch na ’t schaap als hem de ziele uit gaat.

گرگ حتی در آخرین نفسش
گوسفند است خوش‌ترین هوسش.

توبه‌کار مشوید تا مفلوک و مدبور و بخت‌کور و گرانجان مشوید. عبید زاکانی – صد پند

من همان ساعت که از مِی خواستم شد توبه‌کار
گفتم این شاخ ار دهد باری، پشیمانی بُود. حافظ

توی حلقوم گشادی که فقیهان دارند
بخشی از نان شب کارگری نیست که نیست. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

”Ei ist Ei,” sagte der Küster, aber er nahm das Gans Ei.

کشیش گفت: «تخم تخم است» اما تخم غاز را برداشت.

آدمیزاد مفت خر گردد
و بدین خر شدن چه مفتخر است
یک ششم از حیات هر مؤمن
حیف‌ومیل محرم و صفر است
توی عصر فضا هنوز این خر
دشمن شمر و خولی و عمر است. م. ا.

چارده قرن پیش مرده حسین
توی این مملکت عزاست هنوز
غربیان رفته‌اند تا مریخ
عقل ما توی کربلاست هنوز. م. ا.

مردگان را به حال خود بگذار
دل یک زنده را به دست بیار. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Once a use, ever a custom.

باری یک استفاده، همواره رسم و سنت.

Custom makes all things easy.

رسم و سنت هرچه را آسان کند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Costumbre buena, costumbre mala, el villano quiere que vala.

یک رسم چه خوب باشد و چه بد، دهاتی با قدرت ادامه‌اش می‌دهد.

توی کونش عروسی است.

ترکه یک کیف پر از پول پیدا می‌کند. توی کونش عروسی می‌شود. توی عروسی دعوا می‌شود. توی دعوا چاقوکشی می‌شود. کون ترکه پاره می‌شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Everything in the garden is rosy.

همه‌چیزی در باغ روشن و گلگون است

(= وضع من خوب است و بخت هم میمون است).

تیزی که ز رندکان به مستی بجهد

از سبلت شیخکان بنگی خوش‌تر.   عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Parson Palmer used to preach over his liquor.

کشیش پالمر عادت داشت در مستی موعظه کند.

تیمت را بیاور.

= برو با همهٔ دوست و آشناهایت برای دعوا با من بیا تا ببینی همه‌تان را حریفم.

گوسفندان گر برون‌اند از حساب

زانبهی‌شان کی بترسد آن قصاب.   مولوی

معادل انگلیسی:

It never troubles a wolf how many the sheep be.

برای گرگ توفیری ندارد

که اصلاً گوسفندان چند تایند.

معادل لاتین:

Lupus non curat numerum.

نترسد هیچ گرگ تیزدندان

ز تعداد زیاد گوسفندان.

ج

جان به جانمان کنند، جهان سومی هستیم.

گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگردد
با طینت اصلی چه کند، بدگهر افتاد.   حافظ

فرانسوی‌ها می‌گویند:

On ne saurait faire d'une buse un épervier.

سنقری را قوش نتوانی نمود.

جان به عزراییل نمی‌دهد.

بر او تا نام دادن برنیفتد
گر از قولنج میرد، تیز ندهد.   نقل از *اخلاق الاشراف* عبید زاکانی

دیگ خواجه ز گوشت دوشیزه‌ست
مطبخ او ز دود پاکیزه‌ست
خواجه چون نان خورد در آن موضع
مور در آرزوی نان ریزه‌ست.   سنایی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Moles and misers live in their graves.

موش‌های کور و مردان خسیس
توی گور خویش گویی می‌زیند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

L'avare et le cochon ne sont bons qu'après leur mort.

خوک و آدم خسیس خیرشان به این و آن
مطلقاً نمی‌رسد جز که بعد مرگشان.

رومیان باستان می‌گفتند:

Avarus, nisi cum moritur, nil recte facit.

کی گداطبع کند کار نکو

مگر آن دم که بمیرد یارو.

جای آن است که خون موج زند در دل لعل
زین تغابن که خزف می‌شکند بازارش.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Thou art a bitter bird, said the raven to the starling.

زاغ به سار گفت: تو پرندهٔ گوشت‌تلخی هستی.

جای سفت نشاشیده‌ای.

ترک‌ها می‌گویند: هله قویروغو قاپی آراسیندا قالماییب. (دم او لای در نمانده هنوز.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Adversity is a great schoolmaster.

بدبیاری معلم خوبی است.

Adversity makes a man wise.

بدبیاری مرد را عاقل کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Vent au visage rend un homme sage.

مرد را بادی که توی صورتش
می‌وزد فهمیده و عاقل کند
(= دردها و رنج‌های زندگی
عقل و فهم مرد را کامل کند).

جایی را که نمی‌خارد نخاران.

رنج و غم بیهوده منه بر دل و بر جان
وانچت بنخارد بمخار ای پسر خوش.   سنایی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If it ain’t broke, don’t fix it.

هرآنچه را نشکسته تو هم درست نکن.

Let well alone.

چیز سالم را به حال خود گذار.

تف به این کشور که توی اقتصاد تخمی‌اش

جمله‌ای پر آب و نان‌تر از أنا العمار نیست. م. ا.

داغ دیده‌ست سینهٔ پُرمان
هی عوض می‌شود تفکرمان
نانمان نرخ روز را دارد
باثباتیم زیر چادرمان
مثل الهام جان چرخنده. مزدک نظافت

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Speak fair and think what you will.

حرف‌های خوب و دلچسبی بگو
بعد هر فکری که می‌خواهی بکن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non sa adulare, non sa conversare.

او که بلد نیست چاپلوسی کند بلد نیست حرف بزند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvo der ei har Penge i Pungen, maa have gode Ord paa Tungen.

او که در جیب ندارد پولی
باید اندر دهن او باشد
سخن خوب و خوش و مقبولی.

جناب شیخ از بس عاشق هر چیز مجانی است
طناب مفت اگر یابد، خودش را دار خواهد زد. م. ا.

معادل انگلیسی:

Give a rogue rope enough, and he will hang himself.

تو به رذلی طناب کافی ده
تا خودش را به دار آویزد.

جنسش خوب بوده.

= مثل این‌که سرحالی. چقدر باانگیزه‌ای. چقدر حرف می‌زنی.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Porcos com frio, e homens com vinho, fazem grande ruido.

خوک‌ها در سرما و مردها در مستی قشقرق راه می‌اندازند.

جنگ اول به از صلح آخر.

معادل ترکی: صاباحین شری آخشامین خئیریندن یاخشیدیر. (شر صبح از خیر شب نیکوتر است.)

جنگ برکت است. امام خمینی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Who preacheth war is the devil’s chaplain.

هر کسی بهر جنگ موعظه کرد

او کشیش جناب ابلیس است.

He that will not have peace, God gives him war.

خدا برای طرف جنگ می‌فرستد اگر

خیال صلح و صفایش نباشد اندر سر.

Make love not war.

عشق بیافرین، نه جنگ.

War is death’s feast.

جنگ جشن و ضیافت مرگ است.

Ill comes upon war's back.

بلا سوارهٔ بر پشت جنگ می‌آید.

When war begins hell opens.

جنگ هر وقت که آغاز شود

دوزخ البته درش باز شود.

Of all wars, peace is the final end.

پایان تمام جنگ‌ها یک صلح است.

Better a lean peace than a fat victory.

یک صلح لاغر بهتر از یک فتح چاق است.

By wisdom peace, by peace plenty.

از خرد صلح به بار آید و از صلح فراوانی نعمت.

Blessed are the peacemakers.

خوشا سعادت آنان که صلح می‌سازند.

Where there is peace, God is.

هر جا که صلح هست، خدا هست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better the end o' a feast than the beginning o' a fray.

پایان جشنی بهتر از آغاز جنگی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Guerra cominciata, inferno scatenato.

جنگ آغاز شد و بند جهنم وا شد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Fred skal man dyrt kjöbe.

صلح را باید خریدن بی‌گمان
گرچه حتی با بهایی بس گران.

رومیان باستان می‌گفتند:

Dulce bellum in expertis.

جنگ از دید او بُود زیبا
که ندیده هنوز جنگی را.

Felix qui non litigat.

خوشا سعادت مردی که از جدال گریخت.

جواب ابله بی‌پول و بدبخت
اگر باشد به‌کل خاموش بودن
جواب ابلهی که پولدار است
چه می‌باشد؟ سراپا گوش بودن. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Celui est homme de bien qui est homme de biens.

مرد خوب اوست که مالی دارد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wem das Glück wohl will, dem will niemand übel.

هرکه را بخت پسندید، جهان بپسندد.

جواب ابلهان خاموشی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

A paroles lourdes oreilles sourdes.

لایق حرف وقیحانه فقط گوش کری است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Intet Svar er ogsaa Svar.

جوابی ندادن خودش یک جواب است.

جواب های هوی است.

معادل ترکی: بو گون سن دئییرسن، صاباح سنه دئیرلر. (امروز تو می‌گویی، فردا به تو می‌گویند.)

معادل‌های انگلیسی:

As the call, so the echo.

یک صدا هر جور اگر باشد
انعکاسش هم همان‌جور است.

If you make a jest, you must take a jest.

یک متلک بار کسی گر کنی
یک متلک باید از او بشنوی.

One jeer seldom goeth forth but it bringeth back its equal.

به ندرت ریشخندی رفته جایی
که جفتش را به همراهش نیارد.

No sin to cheat the devil.

فریب دادن شیطان گناه نیست.

Of one ill comes many.

چه بسیار شرها ز یک شر برآید.

One ill word asketh another.

یک واژهٔ زشت خواستار دگری است.

One hard word brings on another.

هر کلام و گفتهٔ ناجور و بد
دیگری را در پی‌اش می‌آورد.

معادل اسکاتلندی:

A crafty man's ne'er at peace.

آدم نیرنگ‌بازی هیچ وقت آسوده نیست.

معادل فرانسوی:

Une tromperie en attire une autre.

هر فریبی دیگری را در پی‌اش می‌آورد.

معادل‌های آلمانی:

Wer redet was er will, muß hören was er nicht will.

او که هر چیزی دلش می‌خواست گفت
بشنود آنچه نمی‌خواهد شنفت.

Wer austheilen will, muß auch einnehmen.

کسی که می‌دهد باید بگیرد. (منظور متلک است.)

List gegen List.

کلکی در برابر کلکی.

معادل‌های اسپانیولی:

Justa razon engañar el engañador.

فریب یک فریبکار درست و عادلانه است.

Con una cautela otra se quiebra.

هر فریبی به فریب دگری ختم شود.

La burla dineros cuesta.

متلک خرج برایت دارد.

معادل‌های دانمارکی:

Har du sagt hvad du vil, skal du höre hvad du ikke vil.

او که گفت آنچه نمی‌بایست گفت
بشنود آنچه نمی‌خواهد شنفت.

Hvo der saaer Had, skal höste Anger.

نفرت و کینه چو می‌کارد مرد
آه و افسوس درو خواهد کرد.

معادل لاتین:

Contumeliam si dices, audies.

آدمی وقتی که حرفی زشت گفت
حرف زشتی در عوض خواهد شنفت.

جوانا، چو خواهی نگردی تو پیر
جهان را سراسر به کیرت بگیر. م. ا.

دولت دیروز اسهال شدید
مملکت در دست مردی فالگیر
دولت امروز دزدی با کلید
چاه نفتی توی جیب هر وزیر
غصهٔ نودولتان را کم خورید
هر دو دولت را به دودولت بگیر. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Sorrow and an evil life maketh soon an old wife.

غصه و بد زندگانی زودِ زود
هر زنی را پیرزن خواهد نمود.

The stone that lieth not in your way need not offend you.

اگر سنگ توی مسیر تو نیست
چنانچه برنجی از آن بی‌خودی است.

Do not make troubles of trifles.

از خرده‌ریزه‌ها الکی دردسر نساز.

جوانی همان قطرهٔ شبنمی است
که همراه باد سحر می‌رود
دریغا که این سرگل زندگی

به پای جوانان تلف می‌شود.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Youth will have its course.

جوانی به راه خودش می‌رود.

They who would be young when they are old must be old when they are young.

باید آنانی که می‌خواهند در پیری جوان باشند

توی دوران جوانی جزو پیران جهان باشند.

A young man old maketh an old man young.

هرکه هنگام جوانی پیر بود

موقع پیری جوانی می‌کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Quæ peccamus juvenes ea luimus senes.

در جوانی رو به افراط ار نهی

موقع پیری بهایش را دهی.

جوش زیاد شده.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

De la panse vient la danse.

شکم پر آدم را به جست‌وخیز وا می‌دارد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als de ezel te wel is, soo gaat hij op ’t ÿs danssen.

کیف خر وقتی که کوک کوک شد

روی یخ می‌رقصد آن خر خودبه‌خود.

جوجه را آخر پاییز می‌شمارند.

معادل فرانسوی:

A l’aventure on met les œufs couver.

تخم‌مرغ‌ها شانسی جوجه می‌شوند.

معادل آلمانی:

Ungelegte Eier sind ungewisse Hühnlein.

تخم‌های توی کون مرغ‌ها
جوجه‌های مطمئنی نیستند.

معادل‌های ایتالیایی:

Far conto dell’uovo non ancor nato.

تخم‌های توی کون مرغ‌ها را نشمرید.

Anche delle pecore contate ne mangia il lupo.

ای بسا گرگ بدرّد حتی
گوسفندان شمارش‌شده را.

معادل اسپانیولی:

De lo contado come el lobo.

می‌خورد گرگ ز چیزی که شمارش شده است.

معادل هلندی:

Hij telt zijne kiekens, eer de eijers gelegd zijn.

می‌شمارد جوجه‌های خویش را
پیش از آن کز تخمشان خارج شوند.

جوجه گفتا که مادرم ترسوست
به خیالش که گربه هم لولوست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Youth and age will never agree.

جوانی و پیری محال است که
توافق کنند و به سازش رسند.

Young men think old men fools, and old men know young men to be so.

جوانان در خیال خویش پیران را ببو دانند
ولی دانند پیران که ببو قطعاً جوانان‌اند.

We should not expect to find an old head on young shoulders.

نباید که بر شانه‌هایی جوان
سری پیر جستن توقع کنیم.

I’m too old a bird to be caught by chaff.

مرغکی پیرتر از آن هستم
که به یک کاه بیفتم در دام.

If you wish good advice, consult an old man.

پند خوب اگر خواهی، پیرمرد را دریاب.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Alte Krähen sind schwer zu fangen.

زاغ و کلاغ‌های پیر سخت شکار می‌شوند.

Alte Leute sehen am Besten in die Ferne.

پیرمردان دورها را نیک‌تر بینند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Tras los dias viene el seso.

عقل با سن و سال می‌آید.

هلندی‌ها می‌گویند:

Oude vossen zijn kwaad te vangen.

روبهان پیر را مشکل توانی صید کرد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Gammel Mands Sagn er sielden usand.

ندرتاً گفتهٔ پیری غلط است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Consilium senum est sanum.

پندهای پیرمردان منطقی است.

جهانا، چنینی تو با بچگان
که گه مادری، گاه مادندرا. رودکی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fortune to one is mother, to another is stepmother.

اقبال برای یک نفر مادری است
نامادری یک نفر دیگری است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het geluk is rond; den eenen maakt het koning den anderen stront.

بخت می‌گردد چنان نقاله‌ای
یک نفر را پادشاهی می‌کند
دیگری را کپهٔ تاپاله‌ای.

جهان‌آفرین تا جهان آفرید
بلایی چو ملا نیامد پدید.   م. ا. نقیضه بر فردوسی

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
Ni buen frayle por amigo, ni malo por enemigo.
نه راهبی خوب برای دوست، نه راهبی بد برای دشمن.

رومیان باستان می‌گفتند:
Cave ab homine unius libri.
ز مرد یک‌کتابه برحذر باش. (منظور از یک کتاب *کتاب مقدس* و منظور از مرد یک‌کتابه کشیش است.)

جهان‌آفرین غرب را آفرید
و فارغ که شد، شرق را نیز رید.   م. ا.

خداوندا، تو که رب العبادی
تویی که مظهر انصاف و دادی
چرا در بین شرق و غرب عالم
ترازوی خودت را کج نهادی؟
سر تقسیم نعمت‌هات ریدی
به ما نفت و به آنان عقل دادی
عطا کردی به آنان کون تنگی
به ما انداختی کون گشادی
به آنان نیچه و سقراط و ولتر
به ما پورازغدی بی‌سوادی
به آنان وینستون چرچیل دانا
به ما ملای معتاد جوادی
چنانچه خویش را عادل بخوانی
فقط گه خورده‌ای، آن هم زیادی.   م. ا.

جهاندیده بسیار گوید دروغ.

معادل اسکاتلندی:

A travelled man has leave to lee.

دروغ مرد مسافر مجاز می‌باشد.

معادل فرانسوی:

A beau mentir qui vient de loin.

او که از دوردست می‌آید

با جسارت دروغ می‌زاید.

معادل ایتالیایی:

Egli ha bel dir bugie chi viene da lontano.

هر کسی از جای دوری آمده

راحت و آسوده می‌گوید دروغ.

معادل اسپانیولی:

De luengas vias luengas mentiras.

دروغ دور و درازی از آن سفر که دراز است.

معادل هلندی:

Die van verre komt heeft goed liegen.

آنان که به دوردست ره می‌پویند

البته مجازند دروغی گویند.

جهود هرچه در توبرهٔ خودش هست، به خیالش در توبرهٔ همه هست.

معادل فرانسوی:

Il est avis au renard que chacun mange poules comme lui.

چنین فکری اندر سر روبه است

که چون وی همه ماکیان می‌خورند.

جیب آخوند حدیثی است دراز

که سر دیگر آن غار حراست. م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Præstesæk er ond at fylde.

پر کردن کیسهٔ کشیشی سخت است.

جیب خالی، پز عالی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A proud heart and a beggar’s purse agree not well together.

یک دل مغرور و یک جیب گدا
سخت ناجورند با هم این دو تا.

A lord’s stomach and a beggar’s purse agree not.

معدهٔ لرد و کیف پول گدا
ابداً جور درنمی‌آیند.

Your purse and your palate are ill met.

جیب تو با ذائقه‌ات جور نیست.

Be ruled by your purse.

تحت فرمان کیف پولت باش.

As proud as Lucifer and as poor as Job.

به خودپسندی ابلیس و بی‌نوایی ایوب.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A proud mind and an empty purse gree ill thegither.

ذهن مغرور و کیف پول تهی
ابداً جور درنمی‌آیند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wohlgeschmack bringt Bettelsack.

معدهٔ مشکل‌پسندت دیر و زود
کیف پولت را گدا خواهد نمود.

جیب خالی، دل پر.

معادل ترکی: فقیرین جیبی بوش، قلبی دولودور. (جیب فقیر خالی و دلش پر است.)

معادل‌های انگلیسی:

A light purse makes a heavy heart.

جیب آدم همین که خالی شه

دل آدم به‌جاش پر می‌شه. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

A heavy purse makes a light heart.

جیب سنگین سبک کند دل را.

معادل آلمانی:

Geld im Beutel vertreibt die Schwermuth.

حال بد را پول توی جیب زایل می‌کند.

معادل دانمارکی:

Fattig Mands Kæde haver mange Ulæde.

شادی یک آدم بی‌پول خیلی غل‌وغش دارد.

جیب‌های یک قبا بی‌انتهاست

جان به جانش هم کنی ملا گداست. م. ا.

معادل انگلیسی:

Give the priests all thou hast, and thou wilt have given them nearly enough.

هرچه داری به کشیشان چو دهی

تازه نزدیک به حد کافی است. (در اصل یک ضرب‌المثل روسی است.)

جیک‌جیک مستونه‌ت که بود، فکر زمستونت نبود؟

ترک‌ها می‌گویند: یازدا اوینایار، گولر، قیشدا آجیندان اؤلر.

(در بهار می‌رقصد، می‌خندد، در زمستان از گرسنگی می‌میرد.)

یازدا چالان، قیشدا اوینار. (او که در بهار ساز می‌زند، در زمستان می‌رقصد.)

جاوانلیقدا زحمت چکن، قوجالدیقدا مؤحنت چکمز.

(او که در جوانی زحمت می‌کشد، در پیری محنت نمی‌کشد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

None preaches better than the ant, and she says nothing.

گرچه هرگز سخنی نیز نمی‌گوید او

واعظی خوب‌تر از مورچه در عالم کو. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

He that sings on Friday will weep on Sunday.

جمعه آواز که می‌خواند مرد
روز یکشنبه فغان خواهد کرد.

For age and want, save while you may
No morning sun lasts a whole day.

برای وقت پیری و نیازت
پس‌اندازی بکن تا می‌توانی
که هرگز هیچ خورشید سحرگاه
نکرده تا به شب پرتوفشانی.

No alchemy like saving.

چون پس‌انداز کیمیایی نیست.

Frugality is an estate.

صرفه‌جویی مثل یک دارایی است.

Frugality makes an easy chair for old age.

صرفه‌جویی صندلی راحتی برای ایام پیری می‌سازد.

Industry is fortune's right hand, and frugality her left.

تلاش دست راست خوشبختی است و صرفه‌جویی دست چپ آن.

Thrift is the true philosopher's stone.

صرفه‌جویی کیمیای واقعی است.

Young prodigal in a coach will be old beggar barefoot.

جوان ولخرج سوار بر کالسکه پیر گدای پابرهنه خواهد شد.

Who nothing save shall nothing have.

چون نیندوزد یک انسان هیچ چیز
او نخواهد داشت حتی یک پشیز.

Finding's keeping.

یافتن سفت نگه داشتن است.

Finders keepers, losers weepers.

یابنده کسی است کو نگه می‌دارد

بازنده فقط سرشک غم می‌بارد.

Get what you can, and what you get hold,
’Tis the stone which will turn your lead into gold.

هر آن چیز را قادری وقت کار
به دست آور و هم نگاهش بدار
همین باشد ای دوست، آن کیمیا
که سرب تو را می‌نماید طلا.

It is too late to spare when the bottom is bare.

وقتی که دگر هیچ نداری در دست
از بهر پس‌انداز تو خیلی دیر است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Hain'd gear helps weel.

مالِ پس‌اندازشده خوب مددکار شود.

Frae saving comes having.

از پس‌انداز داشتن آید.

To hain is to hae.

صرفه‌جویی دارایی است.

Spare when ye're young, and spend when ye're auld.

در جوانی صرفه‌جویی کن، به پیری خرج کن.

He puts in a bad purse that puts in his pechan.

هر کسی در شکمش جای دهد
توی یک کیسهٔ ناجور نهد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Tel qui rit vendredi, dimanche pleurera.

ای بسا جمعه که می‌خندد مرد
روز یکشنبه فغان خواهد کرد.

Qui épargne, gagne.

پس‌انداز کسب است.

Mieux vaut règle que rente.

صرفه‌جویی به از مقرری‌ای است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Zu spät ist es, am Ende zu sparen.

زمان پس‌انداز آن‌وقت نیست
که جیب تو دیگر به‌کلی تهی است.

Kluge Männer suchen wirthliche Frauen.

یقین مردان محتاط و خردمند
زنان صرفه‌جو برمی‌گزینند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Lo sparagno è il primo guadagno.

پس‌اندازها اولین صرفه‌اند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien come y dexa, dos veces pone la mesa.

هر یک پنی که فرد پس‌انداز کرده است
انگار کن که یک پنی آورده او به دست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het is te laat gespaard, als het vat ten einde gaat.

زمان پس‌انداز آن‌وقت نیست
که دیگر چلیکت به‌کلی تهی است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Magnum est vectigal parsimonia.

صرفه‌جویی درآمد خوبی است.



نه محقق بُود، نه دانشمند

چارپایی بر او کتابی چند

آن تهی‌مغز را چه علم و خبر

که بر او هیزم است یا دفتر. سعدی – گلستان

اشاره دارد به آیهٔ قرآن که می‌گوید: مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا. (حکایت آن‌کسان که به تورات مکلف شدند، اما تحمل آن نکردند، چون خر است که کتاب‌ها بردارد.)

جمعه: ۵

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A book that ia shut is but a block.

کتاب بسته همون کندهٔ درخته که بود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mas vale puñado de natural que almozada de ciencia.

یک ارزن هوش مادرزاد

به یک من علم و فضل ارزد.

چاه مکن بهر کسی، اول خودت، دوم کسی.

معادل‌های انگلیسی:

Who digs a trap for others ends up in it himself.

تله هر کس بکند بهر کسان دیگر

آخرش در تلهٔ خویش بیفتد با سر.

He that seeks others to beguile,
Is oft o'ertaken in his own wile.

او که خواهد دیگران را گول زد

غالباً در حقهٔ خویش اوفتد.

معادل اسکاتلندی:

He that invented the maiden first handselled her.

کسی که دوشیزه را اختراع کرد، خودش اول از همه آن را نوبر کرد.
(جیمز James، اِرلِ مورتون Morton، که مخترع نوعی از گیوتین بود که به آن دوشیزه می‌گفتند، اولین کسی بود که با آن اعدام شد.)

معادل آلمانی:
Wer Andern eine Grube gräbt, fällt selbst hinein.

چاله هر کس بکند بهر کسان دیگر
توی آن چاله سرانجام بیفتد با سر.

معادل اسپانیولی:
Quien lazo me armó, en él cayó.

برای بنده همانی که دام بنهاده
درون دام خودش مثل این‌که افتاده.

معادل لاتین:
Incidit in foveam quam fecit.

توی آن چاله که خود می‌کندش می‌افتد.

چاه‌کن ته چاه است.

ساعی و نمّام روز خوب نبیند
چاه‌کن آسودگی ز چاه ندارد.   ایرج میرزا

معادل‌های انگلیسی:
Malice drinketh up the greatest part of its own poison.

خباثت بیش‌تر زهرش را خودش می‌نوشد.

Malice hurts itself most.

خباثت بیش‌تر به خودش آسیب می‌زند.

معادل فرانسوی:
Tricherie revient à son maître.

نیرنگ به سوی صاحبش برگردد.

چرا استاد استبراست ملا؟

برای این‌که یک موجود شاشوست.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ogni cosa ha cagione.

برای هر پدیده علتی هست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Sua cuique rei tempestivitas.

هر چیز دلیل خاص خود را دارد.

چرا؟ برای این‌که زیرا.

دلیل و منطق رفتار آقا:
برای این‌که آخه چون‌که زیرا.   م. ا.

چرا در گنجه بازه؟

طعنه‌ای است به کسانی که به هر چیزی گیر بی‌خود می‌دهند که چرا این این‌چنین است و آن آن‌چنان.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pigs grunt about everything and nothing.

خوک‌ها همواره خرخر می‌کنند
بر سر هر چیز یا که هیچ چیز.

An ignorant thinks all things wrong which he cannot understand.

جاهل اندیشد که هر چیزی که او
عاجز از فهمیدنش باشد خطاست.

چرا شعری می‌گویی که در قافیه‌اش بمانی؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

In every beginning think of the end.

در هر آغازی به پایان فکر کن.

چرا؟ محض اِرا.

معادل انگلیسی:

Why? Because I.

چرا؟ چون‌که من.

چراغی را که ایزد برفروزد
هر آن کش پف کند، ریشش بسوزد.

آن که بر شمع خدا آرد پفو
شمع کی سوزد، بسوزد پوز او.   مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It that God will give, the devil cannot reave.

هرگونه نعمتی که خداوند می‌دهد
شیطان به هیچ رو نتواند بدزددش.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was Gott zusammenfügt, das soll der Mensch nicht scheiden.

آنچه را خدا به هم پیوسته نگذار کسی جدا کند.

چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است.

معادل ترکی: شیر اؤز دیشینی هئچ‌کسه بورج وئرمز. (شیر دندان خودش را به هیچ‌کس قرض نمی‌دهد.)

معادل عربی: ابدء بنفسک. (از خودت آغاز کن.)

معادل‌های انگلیسی:

I love my friends well, but myself better.

دوستان را دوست می‌دارم بسی
لیک خود را بیش‌تر از هر کسی.

Self loves itself best.

خود خودش را دوست‌تر دارد.

معادل اسپانیولی:

Primero son mis dientes que mis parientes.

دندان‌هایم پیش از فامیل‌هایم.

معادل پرتغالی:

Mais quero para meus dentes, que para meus parentes.

من بیش‌تر برای دندان‌هایم می‌خواهم تا فامیل‌هایم.

معادل دانمارکی:

Enhver Fugl har sine Fieder behov.

هر پرنده‌ای پرهای خود را لازم دارد.

چس رفته، گوز اومده
حاکم دهن‌دوز اومده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Absolute power corrupts absolutely.

قدرت مطلق بشر را مطلقاً ویران کند.

(نقل قولی از جان اکتون John Acton مورخ است. او در کتاب *مقالات و مطالعات تاریخی* گفته است: قدرت میل به ویرانگری دارد و قدرت مطلق بشر را مطلقاً ویران کند. مردان بزرگ تقریباً همیشه مردان بدی هستند.)

If you want to judge a man's character, give him power.

اگر می‌خواهی شخصیت مردی را بسنجی، به او قدرت بده.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Jo ædlere Blod, jo mindre Hovmod.

هرکه با اصل و نسب‌تر، نخوتش اندک‌تر است.

چشم باز و گوش باز و این عمی
حیرتم از چشم‌بندی خدا. مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As blind as a bat.

به کوری یک خفاش.

He hath ears but hears not.

گوش دارد، ولی نمی‌شنود.

Deaf as a post.

کر به مانند دیرکی چوبین.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Tauben Ohren ist bös prediger.

موعظه در گوش‌های کر خطاست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ad un cieco mal può mostrarsi il cammino.

ره نشان کور دادن ساده نیست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ingen er mere döv end den som ikke vil höre.

هیچ فردی شبیه انسانی

که نخواهد که بشنود کر نیست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Surdo fabulam narras.

با کری دارید صحبت می‌کنید.

چشم تو خالی ز خواب است و دلت از سنده پر؟

قرص خواب و قرص مسهل را ولی با هم نخور.   م. ا.

قرص خواب و قرص مسهل را شبی با هم بخورد

تا سحرگه روده‌های خویش را هم رید و مرد.   م. ا.

چشمت کور، می‌خواستی مرگ بر شاه نگویی.

از شاه زی فقیه چنان بود رفتنم

کز بیم مور در دهن اژدها شدم.   ناصر خسرو

دلبستهٔ عکس گرگ در ماه شدیم

سرمست شعار مرگ بر شاه شدیم

پایان سخن شنو که ما را چه رسید

از چاله درآمدیم و در چاه شدیم.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Count your blessings.

موهبت‌های خودت را بشمار.

Misfortunes tell us what fortune is.

بدبختی‌ها به ما می‌گویند که خوشبختی چیست.

If you trust before you try,
You may repent before you die.

چون که اطمینان کنی بی‌امتحان

روزی از کارت پشیمان می‌شوی.

Better be sure than sorry.

مطمئن گردی اگر اول کار
به از آنی که پشیمان بشوی.

He that repents of his own act either was, or is, a fool.

او که از کردهٔ خود سخت پشیمان شده است
یا خلی بوده طرف یا خلی الآن شده است.

In every fault there is folly.

در هر خطایی یک بلاهت هست.

He that doth what he should not shall feel what he would not.

کسی که کاری را می‌کند که نباید بکند احساسی خواهد داشت که دلش نمی‌خواهد داشته باشد.

Better to cry over your goods than after them.

گریه بکنی به حال مالی
به تا که به یاد آن بنالی.

Hold fast when you have it.

چنگ بزن به آنچه آن هنوز توی چنگ توست.

Fools never know when they are well.

ابلهان هرگز نمی‌دانند کی
حال و روز و وضعشان باشد اُکی.

It is no use crying over spilt milk.

بهر شیری که ریخت روی زمین
گریه کاری عبث بُود به یقین.

When all is consumed repentance comes too late.

وقتی همه‌چیز آدمی رفت از دست
از بهر پشیمانی و توبه دیر است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's wise that kens when he's weel enough.

عاقل آن باشد که می‌داند که کی
حال و اوضاعش اُورت است و اُکی.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Après le fait ne vaut souhait.

آرزوی بعدِ انجام عمل بیهوده است.

چگونه شکر این نعمت گزاری
که توی کلهات مغزی نداری. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: چوخ بیلن تئز قوجالار. (او که خیلی می‌داند زود پیر می‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Where ignorance is bliss, ’tis folly to be wise.

هرکجا جهل سعادت باشد
خرد و فهم حماقت باشد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Hänschen, lerne nicht zu viel, du mußt sonst viel thun.

خیلی چیز یاد نگیر هانس، وگرنه مجبور می‌شوی خیلی کارها بکنی.

چندان که حیات باقی است، از حساب میراث‌خوارگان خود را خوش دارید. عبید زاکانی - صد پند

خزینه‌داری میراث‌خوارگان کفر است
به قول مطرب و ساقی، به فتوی دف و نی. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The prodigal robs his heir, the miser himself.

ولخرج ز وارث، کنس از خویش بدزدد.

The world is his who enjoys it.

دنیا از آن اوست کز آن کام دل گرفت.

Goods are theirs who enjoy them.

صاحب واقعی مال‌ومنال آنان‌اند
که از آن مال مراد دل خود بستانند.

Do not live poor to die rich.

تو منما زندگی مرد فقیری
که بعداً مرد دارایی بمیری.

He is not fit for riches who is afraid to use them.

او برازندهٔ دارایی نیست

گر بترسد که به کارش گیرد.

Shrouds have no pockets.

کفن‌ها مطلقاً جیبی ندارند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A' that ye'll tak wi' ye will be but a kist and a sheet, after a'.

همهٔ آنچه تو با خود ببری

کلهم یک کفن و تابوت است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

S'io dormo, dormo a me; s'io lavoro, non so a che.

اگر بخوابم، برای خودم می‌خوابم؛ اگر کار کنم، نمی‌دانم برای کی دارم کار می‌کنم.

La roba non è di chi la fa, ma di chi la gode.

ثروت نه زانِ او که به دستش بیاورد

بلکه از آن اوست کز آن بهره می‌برد.

L'ultimo vestito ce lo fanno senza tasche.

آخرین جامهٔ ما بی‌جیب است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Mangen qvider for den Dag han ikke bider.

چه بسیارند کسانی که برای روزی رنج می‌برند که هرگز زنده نخواهند ماند تا آن را ببینند.

چنین است رسم سرای درشت

گهی از جلو می‌کند، گه ز پشت. م. ا. نقیضه بر فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

God send you joy, for sorrow will come fast enough.

خدا شادی نصیب تو نماید

چرا که غم خودش فوری بیاید.

چو با زوبین زرینی بجنگی

کنی هر دشمنی را خایه‌فنگی. م. ا.

معادل لاتین:

Argenteis hastis pugna, et omnia expugnabis.

نیزه‌ای سیمین اگر گیری به دست

لشکر هر خصم را خواهی شکست.

چو بر گورم بخواهی بوسه دادن

رخم را بوسه ده کاکنون همانیم. مولوی

امروز که در دست توام مرحمتی کن

فردا که شوم خاک، چه سود اشک ندامت. حافظ

ترک‌ها می‌گویند: ساغلیغیندا کور فاطما، اؤلنده بادام گؤزلو.

(در زنده بودنش فاطمه‌کوره، بعد از مرگش چشم‌بادامی.)

آلمانی‌ها می‌گویند:

Man darf nur sterben um gelobt zu werden.

آدمی باید بمیرد تا

مردمان تحسین کنند او را.

Leichenpredigt, Lügenpredigt.

نطق خاکسپاری، نطق دروغین.

رومیان باستان می‌گفتند:

Exstinctus amabitur idem.

هر کسی بعد مرگ محبوب است.

چو چیز خویش دزدان را سپاری

از ایشان بیش یابی استواری. فخرالدین اسعد گرگانی

معادل انگلیسی:

An old poacher makes the best gamekeeper.

یک کهنه‌شکارچی غیرمجاز بهترین شکاربان می‌شود.

چو طفلان تا کی ای زاهد، فریبی

به سیب بوستان و شهد و شیرم.   حافظ

هر الاغی مدافع حرم است
به خیالش که صاحب هنر است
توی سوریه جنگ ما سر چیست؟
یک عدد اسکلت که در خطر است
مردمان می‌روند و می‌میرند
غافل از این‌که خونشان هدر است
خوش‌خیالانه باوری دارند
که پس از مرگ عالمی دگر است
نره‌خر را بگو که بعد از مرگ
باغ فردوس غرق ماچه‌خر است
خوش‌خوشانک کنار سبزه و جوی
طعم آن کارها چنان شکر است
نفسش بستهٔ تلنبهٔ توست
ماچه‌حوری که سخت خرحشر است
جو بجو، سکس کن، هوار بکش
آن چمنزار انگ عرّوعر است
پوزخندی زند که خر خودتی
زر بی‌خود نزن که بی‌ثمر است
من خر روضه‌ات نخواهم شد
خر شدن لایق بنی‌بشر است.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi più sa, meno crede.

او که بیش‌تر از همه می‌داند کم‌تر از همه باور می‌کند.

چو فردا شود، فکر فردا کنیم.

فکر شنبه تلخ دارد جمعهٔ اطفال را
عشرت امروز بی اندیشهٔ فردا خوش است.   صائب

مارک تواین Mark Twain گفته است:

Never put off till tomorrow what you can do the day after tomorrow just as well.

هیچ وقت کاری را که می‌توانی پس‌فردا هم بکنی به فردا نینداز.

ترک‌ها می‌گویند: بو گون ییئ، صاباحا قیسمت نه اولسا. (امروز بخور تا چه بُود قسمت فردا.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never do today what you can put off till tomorrow.

هرگز کاری را که می‌توانی به فردا بیندازی امروز انجام نده.

Give and spend,
And god will send.

ببخش و خرج کن، راضی و دلشاد
خدا بار دگر خواهد فرستاد.

Hang saving, let's be merry.

گور بابای پس‌انداز، بیا خوش باشیم.

Feast today and fast tomorrow.

امروز سورچرانی کن و فردا روزه بگیر.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Chaque demain apporte son pain.

هر فردایی نان خود را می‌آورد.

چو قسمت ازلی بی حضور ما کردند
گر اندکی نه به وفق رضاست، خرده مگیر. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bear with evil, and expect good.

با شر بساز و چشم امیدی به خیر دار.

Into every life a little rain must fall.

نرمه‌بارانی سر هر زندگی باید ببارد.

Bear and forbear.

بسوز و بساز.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La fortune ne peut nous ôter que ce qu’elle nous a donné.

بخت چیزی ز ما نمی‌گیرد

مگر آن را که خود به ما داده.

گشادم دست بر آن یار زیبا

چو ملا بر پلو، مؤمن به حلوا. ایرج میرزا – عارف‌نامه

ترک‌ها می‌گویند: دلی دلیدن خوشلانار، مولا حالوادان. (دیوانه با دیوانه خوش می‌شود، ملا با حلوا.)

آلمانی‌ها می‌گویند:

Pfaffenknechte essen mit Schweiß, von Arbeit werden sie nicht heiß.

ناکسانی در لباس کشیشان سر غذایشان سخت عرق می‌کنند، اما سر کار هرگز گرم نمی‌شوند.

چوب خدا صدا ندارد، ولی وقتی توی کونت می‌رود صدای تو را درمی‌آورد. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

God comes wi' leaden feet, but strikes wi' iron hands.

خدا با پای سربی آید، اما

چو آمد، مشت‌هایش آهنین است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Deos consente, mas naõ sempre.

خدا زیرسبیلی رد می‌کند، اما نه برای همیشه.

هلندی‌ها می‌گویند:

God betaalt alle weken niet, maar hij betaalt eens op het einde.

خدا هفتگی پرداخت نمی‌کند، ولی دست آخر پرداخت می‌کند.

یونانیان باستان می‌گفتند:

Ὀψὲ Θεῶν ἀλέουσι μύλοι, ἀλέουσι δὲ λεπτά.

کند می‌گردد آسیاب خدا

آسیا کردنش خوش است اما.

چوب دو سر نجس.

یا: چوب دو سر گهی. یا: چوب دو سر طلا.

شاهد مثال:

سرگشته و ملتمس شده خرزهٔ من
بی صبر و قرار و حس شده خرزهٔ من
نه کس دهدش راه، نه کون؛ او چه کند؟
چون چوب دو سر نجس شده خرزهٔ من.   خاکشیر

چوب را که برمی‌داری گربه‌دزده فرار می‌کند.

معادل‌های ترکی: اوغرو کؤلگه‌سیندن قورخار. (دزد از سایهٔ خود می‌ترسد.)

اوغرو ایت خوفلو اولار. (سگ دزد ترسو می‌شود.)

اوغرو ایت اؤزونو بیلدیرر. (سگ دزد خودش را می‌شناساند.)

معادل عربی: الخائنُ خائف. (خائن می‌ترسد.)

معادل‌های انگلیسی:

He that commits a fault thinks every one speaks of it.

او که کار بد و زشتی بکند پندارد
هر کسی قصهٔ آن را به زبان می‌آرد.

The faulty stands on his guard.

خطاکار حالت دفاعی به خود می‌گیرد.

He that does ill, fear follows him.

هرکه بدی می‌کند ترس به دنبال اوست.

Do right and fear no man.

کار درست را بکن و از کسی نترس.

معادل ایتالیایی:

Al ladro fa paura anche un sorcio.

دزد از یک موش هم وحشت کند.

معادل دانمارکی:

Hvo der flyer, gjör sig selv sagfældig.

همان فردی که دارد می‌گریزد
گواهی می‌دهد مجرم خود اوست.

معادل‌های لاتین:

Fatetur facinus is qui judicium fugit.

او که از دادگاه دربرود
معترف بر گناه خویش شود.

Veritas non quærit angulos.

حقیقت در پی کنجی نگردد.

چوپان دروغگو شدن.

معادل ایتالیایی:

Al bugiardo non si crede la verità.

هر زمانی دروغگو شد مرد
سخن راست هم که می‌گوید
هیچ‌کس باورش نخواهد کرد.

چون خودت هم خورندهٔ آشی
پس چرا توی دیگ می‌شاشی؟ م. ا.

معادل فرانسوی:

Ne crachez pas dans le puits, vous pouvez en boire l'eau.

توی چاه تف نکن، شاید مجبور شوی آبش را بنوشی.

معادل پرتغالی:

Aquella ave he má, que em seu ninho suja.

پرنده‌ای که آشیان خویش را
به گند می‌کشد پرندهٔ بدی است.

چون دزدان به هم افتند، کالا ظاهر شود.

معادل عربی: اذا تخاصم السارقان ظهر المسروق. (وقتی دو تا دزد دعوا کنند جنس دزدی پیدا می‌شود.)

معادل‌های انگلیسی:

When the cook and the maid fall out we shall know what has come of the butter.

کلفت و آشپز آن‌وقت که دعوا بکنند

کره این بین مشخص بشود چی شده است.

When rogues fall out, honest men get their own.

بی‌شرف‌ها چون که دعوا می‌کنند

باشرف‌ها جنس‌های خویش را

یک به یک آن بین پیدا می‌کنند.

معادل فرانسوی:

Les larrons s’entrebattent et les larcins se découvrent.

بین دزدان تا که دعوا می‌شود

راز دزدی‌ها هویدا می‌شود.

معادل اسپانیولی:

Pelean los ladrones y descubrense los hurtos.

تا که بین دزدها دعوا شود

راز دزدی‌هایشان افشا شود.

معادل پرتغالی:

Peleijaõ os ladrones, descobrem-se os furtos.

بین دزدان هر زمان دعوا شود

نابکاری‌هایشان پیدا شود.

معادل‌های هلندی:

Wanneer dieven kijven bekomen vrome lieden hare goederen.

بین دزدان تا که دعوا می‌شود

جنس‌های مردمان باشرف

یک به یک آن بین پیدا می‌شود.

Als de kok met den bottelier kijft, dan hoort men waar de boter blijft.

آشپز و مباشر که دعواشان بشود می‌فهمیم چه کسی کره را دزدیده است.

چون طفل نی‌سوار به میدان اختیار

در چشم خود سوار، ولیکن پیاده‌ایم. صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Hanging and wiving go by destiny.

رفتن سر دار و زن گرفتن

مربوط به بخت و طالع ماست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He that's born to be hanged will never be drowned.

هر کسی تقدیر او مرگی است بر بالای دار

غرق در آبی نخواهد بود در پایان کار.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Cada hum canta como tem graça, e casa como tem ventura.

هر کسی آواز خواند طبق استعداد خویش

زن بگیرد طبق بخت و شانس مادرزاد خویش.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Han drukner ikke, der hænge skal, uden Vandet gaaer over Galgen.

مرد وقتی متولد شده تا آخر کار

به سر دار رود، غرق نگردد، مگر آن

که رسد آب به بالای سر چوبهٔ دار.

چون قافیه تنگ آید
شاعر به جفنگ آید.

عربی در خاک بختیاری و چهارمحال برای حاج محمدرضاخان حری – که از نژاد حر بن یزید ریاحی بوده – شعری سروده به مطلع:

ایها الحاجی رضاخان الحری

دشمنانت کلهم ... می‌خوری.

شاعر بیت اول را که خواند، ممدوح صله را به تمامی داد تا بقیهٔ شعر را نخواند.

شفیعی کدکنی – موسیقی شعر

چون می‌گذرد غمی نیست، ولی تا بگذرد، دردش درد کمی نیست.

ترک‌ها می‌گویند: دونیا بئله ده قالماز. (دنیا این‌طوری هم نمی‌ماند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

All things must pass.

هر چیز باید بگذرد.

This, too, shall pass.

این نیز بگذرد.

The longest day has an end.

روز هرقدر هم که طولانی است
آخر او را تهی و پایانی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’y a si grand jour qui ne vienne pas a vêpres.

هیچ روزی بلند نیست چنان
که نیاید غروب در پی آن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ogni dì vien sera.

هر روز شبانگاه خودش را دارد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Naõ há dia sem tarde.

هیچ روزی بدون یک شب نیست.

چه آسان می‌نمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی‌ارزد. حافظ

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui veut apprendre à prier, aille souvent sur la mer.

بگذار که بسیار به دریا برود
هر کس که بخواهد که دعاخوان بشود.

چه خودش را تحویل می‌گیرد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Self exaltation is the fool's paradise.

به خود غره گشتن بهشت خل است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

It's stinking praise comes out o' ane's ain mouth.

بوی گندی می‌دهد تحسین اگر

از دهان خویشتن آید به در.

رومیان باستان می‌گفتند:

Proprio laus sordet in ore.

خودستایی بوی گندی می‌دهد.

Self-praise is no recommendation.

خودستایی معرفی‌نامه نیست.

به جای هر کتاب سبز و آباد
خراب خواندن جوشن‌کبیریم
که شاید قلعه‌های حوریان را
به شمشیر دعاهامان بگیریم
به دنبال بهشتی ناکجایی
در اوهامی اساطیری اسیریم
چه راحت آنچه را خواهان آنیم
به جای واقعیت می‌پذیریم. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer mit der Hoffnung fährt, hat die Armuth zum Kutscher.

هر کسی با امید رفته سفر
فقر کالسکه‌ران او باشد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien a mano agena espera, mal yanta y peor cena.

او که با امید زندگی می‌کند بد صبحانه می‌خورد و بدتر از آن هم شام می‌خورد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Haabet er de Vaagendes Dröm.

امید رؤیای بیداری است.

Haabet er et Æg hvoraf Een faaer Blommen, en Anden Hviden, en Tredie Skallen.

امید تخم‌مرغی است که از آن یک نفر زرده را برمی‌دارد، دیگری سفیده را و سومی پوسته را.

رومیان باستان می‌گفتند:

Quod quisque sperat, facile credit.

آنچه را مشتاق آن باشیم خیلی زود باور می‌کنیم.

به عصمت نیست مربوط این طریقه

چه ربطی گوز دارد با شقیقه؟   ایرج میرزا - عارف‌نامه

ترکه هوس می‌کنه حاجی بشه. بلیط قم می‌خره می‌ره مشهد. وامیسه جلوی حرم می‌گه: «یا امام صادق، قربون لبای تشنه‌ت برم، پس کی ظهور می‌کنی من دیگه این‌همه راه نیام نجف.»

با غریو سگان پوشالی

گربه کردند هر پلنگی را

چه نیازی است تا کسی بکِشد

خایهٔ فرد خایه‌فنگی را.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

We have nothing to fear but fear itself.

به‌جز ترس، از هیچ چیزی نباید بترسیم.

There is no medicine for fear.

هیچ دارویی برای ترس نیست.

Have you goods, have you none,
Lose heart and all’s gone.

تو – چه دارا و چه نادار – خودت را که ببازی، همه را باخته‌ای.

Danger is next neighbour to security.

امنیت انسان و خطر یار هم‌اند

همسایهٔ دیوار به دیوار هم‌اند.

Dangers are overcome by dangers.

می‌توان با یک خطر بر یک خطر پیروز شد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A coward's fear maks a brave man braver.

ترس یک ترسو دلاور را دلاورتر کند.

A bauld fae is better than a cowardly friend.

یک دشمن بی‌باک به از دوست ترسوست.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

He that flees not will be fled from.

از کسی که نگریزد بگریزند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A cuor vile forza non giova.

قدرت به کار آدم ترسو نمی‌خورد.

A can che fugge, dagli, dagli.

وقتی سگی دارد فرار می‌کند، بزنش! بزنش!

پرتغالی‌ها می‌گویند:

De ruim a ruim, quem acommette vence.

از دو ترسو او که حمله می‌کند
می‌شود پیروز بر آن دیگری.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Jo mere Frygt, jo nærmere Skaden.

هرچه ترس بزرگ‌تر، خطر نزدیک‌تر.

چهار و پنج جمعش می‌شود نه
غرور و فقر جمعش می‌شود گه. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pride and poverty are ill met, yet often live together.

غرور و فقر دو تا چیز سخت ناسازند
اگرچه اغلب اوقات یار و انبازند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Fattig Mands Hovmod varer stakket.

تکبر فقرا بی‌دوام خواهد بود.

چی فکر می‌کردیم، چی شد.

ترک‌ها می‌گویند: تورپ اکدیم، شلقم چیخدی. (ترب کاشتم، شلغم درآمد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nothing is certain but the unforeseen.

هیچ چیزی قطعی نیست، مگر امر پیش‌بینی نشده.

چیزی که شده پاره
وصله برنمی‌داره.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Campana cascada, nunca sana.

ناقوس ترک‌خورده تعمیر نخواهد شد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er heelt end med Guld bödet.

چیز سالم نکوتر از چیزی است
که به زر وصله‌پینه گردیده.

چیزی که عوض داره، گله نداره.

معادل عربی: فَمنِ اعتَدی علَیکُم فَاعتَدوا علَیهِ بِمثلِ ما اعتَدی علَیکُم.
(پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید.)
قرآن، بقره: ۱۹۴

معادل‌های انگلیسی:

Tit for tat is fair play.

این به آن در بازی عادلانه است.

An eye for an eye, a tooth for a tooth.

چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان.

(از احکام انجیل است [متی ۵:۳۸] که احتمالاً از قوانین حمورابی اقتباس شده است و از انجیل وارد قرآن شده است. در آیۀ ۵۴ سورۀ مائده آمده: أنَّ النَّفس بِالنَّفسِ والعینَ بِالعینِ والأنف بِالأنف والاُذن بِالاُذن والسنَّ بِالسنِّ. [جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان.] در قرن بیست و یکم قانون کشور ما هنوز مطابق با فرامین حمورابی است. این یعنی این‌که ما ملتی اصیل، با سنت‌های هزاران‌ساله هستیم!)

معادل اسکاتلندی:

Pay him in his ain coin.

با سکۀ خودش به خودش دستمزد ده.

معادل لاتین:

Par pari refero.

آنچه را بگرفته‌ام پس می‌دهم.

چیست در چشم عقل ناخوش‌تر

در جهان از گدای کبرآور.   سنایی

المضحک: مفلس باداعیه.   عبید زاکانی – تعریفات

معادل ایتالیایی:

Brutta cosa è il povero superbo e 'l ricco avaro.

یک گدای عن‌دماغ و نیز دارای خسیس

قابل تحقیر هستند این دو موجود خبیث.

ح

حاج آقا، به شما بنز نرسید؟

به آخوندی که منتظر تاکسی باشد می‌گویند. در اول انقلاب به بعضی از آخوندها واقعاً بنز دادند، اما به بعضی‌هایشان هم بنز نرسید و خودروهای دیگری دریافت کردند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that serves God for money will serve the devil for better wages.

او که به‌خاطر پول به خدا خدمت می‌کند، با دستمزدی بهتر به شیطان خدمت خواهد کرد.

حاجت بر گدازادگان مبرید. عبید زاکانی – صد پند

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Vilain enrichi ne connaît parent ni ami.

همینی که شد غربتی مایه‌دار
نه فامیل یادش بیاید، نه یار.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando el villano está rico, no tiene pariente, ni amigo.

تا دهاتی پولداری می‌شود
دوست و فامیل یادش می‌رود.

حاجی تو نیستی، شتر است، از برای آنک
بیچاره خار می‌خورد و بار می‌برد. سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Virtue is the queen of labourers.

فضیلت شاهبانوی همه زحمتکشان باشد.

حاصل بیکارگی بیچارگی است
کون‌گشادی آخرش کون‌پارگی است. م. ا.

تنبلی ای دوست، بد اندر بد است
کون گشادت بکند تنگدست
کون گشاد تو مسیر بلاست
راه میانبر طرف ناکجاست
کونت از آن روی چنین باز شد
تا که برینی به سراپای خود. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Idle people take the most pains.

هرکجا زحمت است و آزار است
اکثراً سهم خلق بیکار است.

He has hard work who has nothing to do.

هر کسی کاری ندارد پیش رو
کار دشواری است پیش روی او.

They that sow the wind, shall reap the whirlwind.

مردمانی که باد می‌کارند
در عوض گردباد بردارند. (نقل قولی از تورات است: هوشع ۸:۷)

معادل آلمانی:

Siegen kommt nicht vom Liegen.

فتح با بیکارگی حاصل نخواهد شد.

معادل لاتین:

Senem juventus pigra mendicum creat.

به بیکارگی چون جوانی گذشت
به بیچارگی پیر خواهیم گشت.

حاصل دانش چه باشد؟ دسته‌خر
هرچه انسان گاوتر، خرشانس‌تر. م. ا.

معادل اسکاتلندی:

Fools are aye fortunate.

کله‌پوکان همیشه خوش‌شانس‌اند.

حاصل کون گشاد تو بلا خواهد شد
یک جوان تن‌لش پیر گدا خواهد شد.   م. ا.

معادل انگلیسی:

A young idler, an old beggar.

جوان تنبلی، پیر گدایی.

حاضرم سگ را ببینم، او را نبینم.

کس نیاید به پای دیواری
که بر آن صورتت نگار کنند
گر تو را در بهشت باشد جای
دیگران دوزخ اختیار کنند.   سعدی – گلستان

معادل ترکی: ایتی گؤروم، قوردو گؤروم، اونو گؤرمگیم. (سگ را ببینم، گرگ را ببینم، او را نبینم.)

معادل اسکاتلندی:

His absence is gude company.

غیبتش همنشینی خوبی است.

حاضری‌خور است.

معادل انگلیسی:

You have a ready mouth for a ripe cherry.

برای بلع گیلاسی رسیده
دهانی حاضر و آماده داری.

حالا امامزاده‌ای که خودمان درست کرده‌ایم دارد کمرمان می‌زند.

معادل‌های انگلیسی:

A man may cause his own dog to bite him.

آدم ممکن است کاری کند که سگِ خودش گازش بگیرد.

He makes a rod for his own back.

ترکه‌ای بهر کتک خوردن خود می‌سازد.

The axe goes to the wood where it borrowed its helve.

تبر به جانب آن جنگلی عزیمت کرد
که چوب دستهٔ خود را از آن به دست آورد.

افسوس که نامهٔ جوانی طی شد
وان تازه بهار زندگانی دی شد
حالی که ورا نام جوانی گفتند
معلوم نشد او که کی آمد، کی شد. خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The morning sun never lasts a day.

خورشید سحرگاهی تا شام نمی‌پاید
(= وقتی که جوانی رفت، او باز نمی‌آید).

Life is half spent before we know what it is.

زندگی
تا بیاییم بفهمیم که چیست
نصف آن دیگر نیست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:
La vie est moitié usée avant qu'on ne sache ce qu'est la vie.

نیمی از زندگی ما به هدر رفته و نیست
پیش از آنی که بفهمیم که معنایش چیست.

حتماً باید زور بالای سرت باشد؟

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
Quien hace lo que quiere, no hace lo que debe.

کسی که کاری را می‌کند که دوست دارد بکند مجبور نمی‌شود کاری را بکند که باید بکند.

حج مکنید تا حرص بر مزاج شما غلبه نکند و بی‌ایمان و بی‌مروت نگردید. عبید زاکانی – صد پند

الحاجی: آن که قسم دروغ به کعبه خورد. عبید زاکانی – تعریفات

حجت الاسلام نابغه‌مان
جهشی خوانده و مرجع شده است

هرچه عنوان و لقب بود و نبود
همه را شیخ به دمّ خود بست.   م. ا.

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت
به غمزه مسئله‌آموز صد مدرس شد.   حافظ

رومیان باستان می‌گفتند:

Nullum magnum ingenium sine mixtura dementiæ.

به هر جا یک نبوغ راستین است
کمی دیوانگی با آن عجین است. (نقل قولی از سنکا Seneca است.)

حذر کن ز نادان ده‌مرده‌گوی
چو دانا یکی گوی و پرورده گوی.   سعدی – بوستان

وینستون چرچیل Winston Churchill گفته است:

A good speech should be like a woman's skirt: long enough to cover the subject and short enough to create interest.

یک گفتار خوب باید مثل دامن یک زن باشد: آن‌قدر بلند باشد که موضوع را در بر بگیرد و آن‌قدر کوتاه باشد که جلب توجه کند.

ترک‌ها می‌گویند: سؤزو آغزین دا بیشیر، سونرا دئ. (حرف را در دهن خود بپز و بعد بگو.)

ایکی قولاق ایکی ائشیتمک اوچوندور، بیر آغیز بیر دئمک اوچون.
(دو گوش برای دو بار شنیدن است، یک دهان برای یک بار گفتن.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Speak little and to the purpose.

سخنی اندک و باربط بگو.

First think and then speak.

اولش فکر کن و بعد بگو.

Think today and speak tomorrow.

امروز بیندیش و فردا سخنت را گوی.

Be swift to hear, slow to speak.

در شنیدن تند و در هنگام صحبت کند باش.

Think twice before you speak once.

پیش از آن‌که یک بار حرف بزنی دو بار فکر کن.

Wide ears and a short tongue is best.

بهترین نوع گوش‌ها و زبان

گوش پهن و زبان کوتاه است.

Wider ears and a shorter tongue.

گوش‌هایی پهن‌تر و زبانی کوتاه‌تر.

Nature has given us two ears, two eyes, and but one tongue; to the end we should hear and see more than we speak.

طبیعت به انسان عطا کرده است

دو چشم و دو گوش و فقط یک زبان

که چیزی که بینیم یا بشنویم

بسی بیش باشد ز گفتارمان.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

In ower muckle clavering truth is tint.

توی وراجی بسیار زیاد

می‌رود حق و حقیقت از یاد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il faut tourner sept fois sa langue dans sa bouche avant de parler.

قبل از حرف زدن هفت بار زبانت را بچرخان.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Weise hat die Ohren lang, die Zunge kurz.

مرد عاقل گوش‌هایی بلند و زبانی کوتاه دارد.

Zwei Augen, zwei Ohren, nur ein Mund.

دو چشم و دو گوش و فقط یک زبان.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dell’amico bene; del nemico nè bene nè male.

از دوست خود چیز نکویی تو بگو

از دشمن خود نه بد بگو و نه نکو.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Entienda primero, y habla postrero.

اولش گوش بکن، بعد از آن

سخنت را تو بیاور به زبان.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Muito fallar, pouco saber.

زرزر بسیار و عقل اندکی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Met al te veel kakelens, wordt de waarheid verloren.

در دل یک بحث زیاد و شدید

گشت حقیقت ز نظر شد ناپدید.

حرص و آز یک گدا بی‌انتهاست

هر گدایی تا دم مرگش گداست. م. ا.

معادل انگلیسی:

A beggar’s purse is always empty.

جیب‌های گدا همیشه تهی است.

معادل هلندی:

Der bedelaren hand is eene bodemlooze mand.

دست گدا یک سبد بی‌ته است.

حرف پیشکی، مایه شیشکی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Always you are to be rich next year.

همیشه قرار است یک سال دیگر

تو مردی شوی مایه‌دار و توانگر.

حرف حساب جوب آب ندارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Hearken to reason, or she will be heard.

به حرف منطقی گوش کن؛ والا خودش مجبورت می‌کند بهش گوش کنی.

Truth has no answer.

به حقیقت جواب نتوان داد.

Truth hath always a fast bottom.

حقیقت همیشه پی‌اش محکم است.

A single fact is better than a ship-load of argument.

فقط یک نکتۀ ریز حقیقی

به از یک بار کشتی جروبحث است.

حرف خودت را کجا شنیدی؟ آن‌جا که حرف مردم را شنیدی.

معادل انگلیسی:

Who chatters to you will chatter of you.

هرکه پیش تو ز مردم بد گفت

پیش مردم ز تو بد خواهد گفت.

حرف راست را از بچه بشنو.

معادل ترکی: سؤزون دوزونو اوشاقدان خبر آل. (حرف راست را از بچه بپرس.)

معادل انگلیسی:

Children and fools speak the truth.

بچه‌هایند و نیز کس‌خل‌ها

دو گروهی که راست می‌گویند.

معادل فرانسوی:

Pour savoir vrai de chose toute, yvre, enffant, sot et femme escoute.

اگر دربارۀ هر چیز و هر کس

حقیقت را تو می‌خواهی بدانی

به مستان، بچه‌ها، خل‌ها و زن‌ها

همیشه گوش کن تا می‌توانی.

معادل آلمانی:

Kinder und Narren sagen die Wahrheit.

بچه‌ها حرف راست می‌گویند

با کسانی که خنگ و هالویند.

معادل اسپانیولی:

Los niños y los locos dicen la verdad.

بچه‌ها و آن‌کسانی که خرند

راستش را بر زبان می‌آورند.

معادل دانمارکی:

Sandhed skal man lære af Börn og drukne Folk.

دو گروهی که راستگو هستند

بچه‌هایند و مردم مست‌اند.

حرف مرد از دهنش درمی‌آید، نه از کونش.

معادل انگلیسی:

An honest man’s word is as good as his bond.

مرد شریفی سخنش چون سندش معتبر است.

معادل‌های اسکاتلندی:

An honest man's word's his bond.

حرف هر مرد شریفی سند است.

The word o' an honest man's enough.

حرف هر مرد شریفی کافی است.

A nod o' honest men's enough.

سر تکان دادن هر مرد شریفی کافی است.

معادل آلمانی:

Ein Mann, ein Wort; ein Wort, ein Mann.

یک مرد، یک حرف؛ یک حرف، یک مرد.

معادل ایتالیایی:

Fra galantuomini parola è istrumento.

بین مردان شرافتمند

واژه‌ای حکم سند دارد.

معادل پرتغالی:

Homem de bem, tem palavra, como Rei.

حرف یک مرد امین و پاکدست
معتبر همچون کلام شاهی است.

معادل هلندی:

Een eerlijk man's woord is zijn zegel.

حرف یک آدم صادق سند است.

معادل دانمارکی:

Mands Ord, Mands Ære.

حرف مردی شرف آن مرد است.

حرف‌های دلفریب و دلپسند

بهترین ابزار کار ناکس‌اند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fair words make a fool fain.

حرف‌های دلفریب و دلپسند
مایهٔ دل‌ضعفهٔ احمق شوند.

A honey tongue, a heart of gall.

زبانی از عسل، قلبی ز زهراب.

Love in the heart is better than honey in the mouth.

عشق که توی دل آدم نشست
از عسل توی دهان خوش‌تر است.

Pity, promises, and blame, are cheap and plentiful.

وعده و سرزنش و دلسوزی
هرسه ارزان و فراوان هستند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Belle parole, ma guarda la borsa.

حرف‌های دلفریب و دلربا
لیک کیف پول خود را هم بپا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Buenas palabras y ruines hechos engañan sabios y locos.

گفته‌های نیک و کردار بدی همراه آن
عاقلان و ابلهان را می‌فریبد توأمان.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Fagre Ord fryde en Daare, og stundom fuldvis en Mand.

حرف‌های دلفریب و دلپسند
مایهٔ خرسندی نابخردان
همچنین گاهی خردمندان شوند.

حرف‌هایی قشنگ می‌گویی
راستش را به من بگو لطفاً
از من ای بی‌شرف، چه می‌جویی؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
All are not true that speak fair.

هر کسی حرفی قشنگ و دلفریب
می‌زند یک آدم روراست نیست.

Too much courtesy, too much craft.

نزاکت بسیار، نیرنگ بسیار.

Apothecaries would not sugar their pills unless they were bitter.

عطارها به قرص‌هایشان شکر نمی‌زنند، مگر وقتی که تلخ باشند.

If the pills were pleasant, they would not be gilded.

اگر طعم قرصی بُود دلپسند
کجا روی آن روکشی می‌زنند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
A' are no friends that speak us fair.

هر کسی حرفی قشنگ و دلفریب
می‌دهد تحویل ما یک دوست نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Bittre Pillen vergoldet man.

روکشی بر قرص‌های تلخ هست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Palabras azucaradas por mas son amargas.

کلمات شکرین معمولاً

حامل معنی تلخی هستند.

حریف باخته با خود همیشه در جنگ است.

معادل انگلیسی:

He that is thrown is ever wrestling.

کسی که سرنگون شده همیشه در کشاکش است.

حساب حساب است، کاکا برادر.

معادل عربی: تعاشروا کالاخوان، تعاملوا کالاجانب. (چون برادران معاشرت کنید و چون بیگانگان معامله.)

معادل انگلیسی:

Weight and measure take away strife.

اندازه و وزن آدمی را

از جنگ و نزاع دور دارند.

معادل‌های اسپانیولی:

Entre dos amigos un notario y dos testigos.

بین دو دوست یک دفتر اسناد رسمی و دو شاهد.

Peso y medida quitan al hombre fatiga.

از اذیت شدن و درد و گزند

وزن و اندازه تو را دور کنند.

Dos amigos de una bolsa, el uno canta, el otro llora.

یکی وقتی که باشد کیسهٔ پول دو یار و دوست

یکی آوازخوان این‌سو، یکی با چشم تر آن‌سوست.

معادل پرتغالی:

Meu dinheiro, teu dinheiro, vamos a taverna.

پول من، پول تو، بیا به میخانه برویم.

معادل هلندی:

Effene rekeningen maken goede vrienden.

حساب و کتاب‌های کوتاه دوستی‌های طولانی می‌سازد.

حسنی نگو، بلا بگو

تنبل تنبلا بگو.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A lazy sheep thinks its wool heavy.

گوسفند تنبل فکر و ذکرش این است:

پشم‌های تن من چقدَر سنگین است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er ondt Faar der ei gider baaret sit eget Fæt.

گوسفندی که آن‌قدر تنبل است که حاضر نیست پشم خودش را هم حمل کند گوسفند بدی است.

هر که گفت آخوند مادرقحبه است

نسبتی داده که زشت و نارواست

حضرت آخوند مادرقحبه نیست

مادر مجموع مادرقحبه‌هاست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As crafty as a friar.

به دغلکاری مردی راهب.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A clérigo hecho de fraile, no le fies tu comadre.

راز خود را به هیچ روی نگو

به کشیشی که راهبی بود او.

حقا که با عقوبت دوزخ برابر است

رفتن به پایمردی همسایه در بهشت. سعدی – گلستان

معادل ترکی: میننت ایله جنته گئتمکدنسه، میننت سیز جهننمه گئتمک یاخشیدیر.

(بی منت به جهنم رفتن از با منت به بهشت رفتن بهتر است.)

حکم حکومتی است.

= حرف زور است.

شاهد مثال:

فتوای شیخ شهر صریح است هموطن:

حکم حکومتی است، بشین روش و زر نزن.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La loi dit ce que le roi veut.

قانون چیزی را می‌گوید که باب میل شاه باشد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was die Fürsten geigen, müssen die Unterthanen tanzen.

هر جوری که شاهان ویولن بزنند رعایا باید برقصند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Allá van leyes, do quieren reyes.

قوانین به همان راهی می‌روند که سلاطین هدایتشان می‌کنند.

حکمت به لقمان آموختن غلط است.

معادل لاتین:

Sus Minervam.

خوکی که چیزی یاد مینروا دهد. (مینروا: الههٔ خرد در روم باستان.)

حمام نرفتن بی‌بی از بی‌چادری است.

یا: خانه‌نشینی بی‌بی از بی‌چادری است.

معادل ترکی: چادرسیزلیقدان ائوده اوتوروب. (از بی‌چادری در خانه نشسته.)

معادل انگلیسی:

When it thunders the thief becomes honest.

هر زمانی رعد و طوفان می‌شود

دزد هم دارای وجدان می‌شود.

معادل ایتالیایی:

Quando tuona, il ladro divien uomo dabbene.

آن زمانی که هوا طوفانی است

دزد هم آدم باوجدانی است.

حیض مرد دیدن طلبکار است.

برای زن
عادتی که ماهیانه است
فقط برای تنبلی و اشک و آه و غرغر زنانه یک بهانه است
ولی برای مرد
عادتی که ماهیانه است
و درد و سوزشش هزار بار بدتر از پدیدهٔ مشابه زنانه است
خون دل برای موعد کرایه‌خانه است.   م. ا.

حیف جو.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is a bad dog that deserves not a crust.

سگی که لایق یک نان خشک نیست
بدون شک سگ بی‌ارزش و بدی است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een goed paard is zijn voeder waard.

یک اسب خوب لایق کاه و جو خود است.

حیف نان که تو بخوری.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's better fed than bred.

تغذیه‌اش بهتر از تربیتش بوده است.

خ

خانه ویران می‌شود چون طفل گردد خانه‌دار.

معادل انگلیسی:

Do not send a boy to do a man’s job.

به دنبال کاری که مردانه است
پسربچه‌ای را روانه نکن.

خایه دارد اندازهٔ پیک‌نیک.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He who dares wins.

برنده می‌شود آن‌کس که جرئتی دارد.

خایه‌مالو سگ بگاد.

زبان‌بازی و با اشعار سبک سکه ـ ساندیسی
چه عالی می‌توانی مدح‌های خیس بنویسی
زبانت کارکردی ویژه دارد، آورین شاعر
بلیس آن‌جای آقا را که داری خوب می‌لیسی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When the flatterer pipes, the devil dances.

هر زمانی خایه‌مالی نی‌نوازی می‌کند
حضرت ابلیس آن‌جا پای‌بازی می‌کند.

When flatterers meet, the devil goes to dinner.

چاپلوسان جمع وقتی می‌شوند
می‌رود شیطان برای صرف شام.

خایه‌هایش رفته توی کونش.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A coward may die many times before his death.

فرد بزدل قبل مرگش بارها شاید بمیرد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A wee thing fleys cowards.

بزدلان از چیز خیلی کوچکی وحشت کنند.

خبرهای بد بال دارند، لیک
خبرهای خوش را دو پای شل است. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Bad news has wings.

خبر بد بال دارد.

Bad news travels fast.

خبر بد سریع می‌آید.

معادل فرانسوی:

Les mauvaises nouvelles ont des ailes.

خبرهای بد را دو تا بال هست.

معادل آلمانی:

Wer schlechte Botschaft bringt, kommt früh genug.

او که خبر بد را می‌آورد، تا دلت بخواهد زود می‌آید.

معادل‌های ایتالیایی:

Cattive nuove presto corrono.

خبرهای بد زود سر می‌رسند.

Le cattive nuove sono le prime.

خبر بد نخست می‌آید.

معادل هلندی:

Kwade tijding komt tijds genoeg.

خبرهای بد تا دلت بخواهد زود می‌آیند.

خجالت هم خوب چیزی است.

یا: خجالت را خورده و آبرو را قی کرده.

یا: شرم را خورده و آبرو را قی کرده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that has no shame has no conscience.

هر کسی شرم و حیا در وی نیست

آدم ناکس بی‌وجدانی است.

Where there is no shame, there is no honour.

هرکجا نیست در آن شرم و حیا

شرف و فخر نباشد آن‌جا.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Modesty is the beauty of women.

زیبایی زنانه حیا و فروتنی است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wo Scham ist, ist Tugend.

هرکجا شرم و حیا هست، فضیلت هم هست.

خدا از دلت بپرسد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Mund und Herz sind eine ganze Spanne von einander.

دهان و دل ز هم بسیار دورند.

خدا این چشم را به آن چشم محتاج نکند.

معادل ترکی: آللاه ساغ الی سول اله مؤحتاج علمه‌سین. (خدا دست راست را محتاج دست چپ نکند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Laugh and the world laughs with you, weep and you weep alone.

بخند تا که جهان نیز با تو خنده کند

و گریه کن که خودت گریه می‌کنی و خودت.

Many kinsfolk and few friends.

فامیل زیاد و دوستان کم.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Amigos y mulas fallescen á as duras.

ما را رفقا و همچنین قاطرها
در گردنه‌های سخت جا بگذارند.

Amigo del buen tiempo mudará con el viento.

دوست روزهای سرخوش و شاد
راه خود را عوض کند با باد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Amigo de bom tempo, muda-se com o vento.

رفیق روزهای سرخوش و شاد
دگرگون می‌شود همراه هر باد.

خدا بدهد شانس.

ترک‌ها می‌گویند: دلی اول، بختین اولسون. (دیوانه باش، بخت داشته باش.)

نئیله‌ییرم قیزیل تاختی، بیر قیزیل باختیم اولایدی.
(من دل از تخت طلا برداشتم
کاشکی بخت طلایی داشتم.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Give a man luck, and throw him into the sea.

تو به یک مرد فقط شانس بده
و بینداز به دریا او را.

We desire but one feather out of your goose.

یک پر از غاز تو را ما آرزومندیم و بس.

All is fish that comes to his net.

ماهی است که توی تور او می‌افتد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

His eggs hae a' twa yolks.

مرغ او تخمی اگر بگذارد
جای یک زرده دو زرده دارد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’y a qu’heur et malheur en ce monde.

در این دنیا فقط شانس است و بدشانسی.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er Held end hundrede Mark.

شانس از صد مارک هم نیکوتر است.

Der hvor Forstanden slipper, tager Lykken ved.

عقل هر جا ناتوان از کار بود
بخت و طالع یاوری خواهد نمود.

خدا بعضی کسا رو آفریده
و بعضی دیگه رو انگار ریده.   م. ا.

شتر اسبی است که آن را الله
آفریده‌ست به عنوان مزاح.   م. ا.

خدا به تو عقل بدهد، به من هم یک گونی پول.

معادل اسکاتلندی:

God send ye mair sense, and me mair siller.

الهی مرحمت می‌کرد بر ما ایزد داور
به تو یک عقل افزون‌تر، به من هم پولی افزون‌تر.

خدا خر را شناخت شاخش نداد.

آن دو شاخ گاو اگر خر داشتی
یک شکم در آدمی نگذاشتی.   سعدی - گلستان

خداوند خر را چه نیکو شناخت
که لج کرد و شاخی برایش نساخت
اگر هر الاغی دو تا شاخ داشت
به یک جای ما هر دو را می‌گذاشت.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

An ill-willy cow should have short horns.

چو گاوی سرکش و بدخواه باشد
بباید شاخ او کوتاه باشد.

A curst cow has short horns.

شاخ‌های گاو ملعون کوته است.

معادل اسکاتلندی:

An ill-willy cow should hae short horns.

شاخ‌های گاو تخس و کله‌خر
اندکی باید شود کوتاه‌تر.

معادل ایتالیایی:

A cattiva vacca Dio dà corte corna.

ماده‌گاو سرکش و بدذات را
شاخ‌های کوتهی بخشد خدا.

معادل هلندی:

Het is goed dat kwade koeijen korte horens hebben.

شاخ‌های گاوهای تخس و پست
اندکی کوتاه باشد بهتر است.

معادل لاتین:

Dat Deus immiti cornua curta bovi.

به گاوی که بدذات و تخس است و بد
خدا شاخ کوته عطا می‌کند.

خدا روزی‌رسان است، اما اِهِنی هم می‌خواهد.

با دو تا دست به یک حرفه و کسب
مرد میدان عمل باش و بچسب
اسب باید سوی آخور برود
نه که آخور برود جانب اسب. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Pray devoutly,
And hammer stoutly.

یک دعای از صمیم قلب و خوب
تو به درگاه خدا کن، همزمان
قاطعانه چکش خود را بکوب.

Pray to God, but keep the hammer going.

دعا کن به درگاه پروردگار
چکش را ولی باز در کار دار.

Pray to God, sailor, but pull for the shore.

مرد ملاح، دعا کن، اما
سوی ساحل حرکت هم بنما.

Trust in God, and keep your powder dry.

به خدا توکل کن و باروتت را هم خشک نگه دار. (جملهٔ معروف کرامول است.)

Nothing enters a closed hand.

هیچ چیزی وارد یک مشت بسته نمی‌شود.

God reacheth us good things with our own hands.

خدا را سنت این باشد که نعمت‌های خوبش را
میان دست‌های ما نهد با دست‌های ما.

God helps them that help themselves.

همانان را کند یاری خداوند
که آنان خویش را یاری نمایند.

Use the means, and God will give the blessing.

استفاده کن از آنچه داری
و خدا هم برکت خواهد داد.

معادل‌های اسکاتلندی:

A ganging fit is aye getting.

یک پای رونده دم به دم یابنده‌ست.

A close mouth catches nae flees.

دهان که بسته بماند مگس نمی‌گیرد.

معادل‌های فرانسوی:

Qui se remue, Dieu l'adjue.

همان‌کس را خدا یاری نماید
که او هم خویش را یاری نماید.

Ne croire à Dieu que sur bons gages.

به خداوند توکل نکنید
به‌جز آن‌وقت که خاطرجمعید.

معادل‌های ایتالیایی:

Chi s'aiuta, Dio l'aiuta.

شود یاور و یار آن‌کس خدا
که او نیز یاری کند خویش را.

In bocca chiusa non cade pera.

هیچ گلابی‌ای توی یک دهان بسته نمی‌افتد.

A tela ordita Dio manda il filo.

برای پارچه‌ای که بافتنش شروع شده خدا نخ می‌فرستد.

Vien la fortuna a chi la procura.

بخت خوش رو جانب او می‌کند
کز برای او تکاپو می‌کند.

Anco il cane col dimenar la coda si guadagna le spese.

حتی سگه با تکان دم نان یابد.

معادل‌های اسپانیولی:

A la vulpeja dormida, no le cae nada en la boca.

توی حلق روبه خفته
مفتکی چیزی نمی‌افته.

A Dios rogando y con el mazo dando.

دعا کردن به درگاه خداوند
و با چکش زدن تک‌ضربه‌ای چند.

Fiar de Dios sobre buena prenda.

به خداوند توکل بکنید
فقط آن‌وقت که خاطرجمعید.

Viene ventura á quien la procura.

بخت تنها نصیب آنان است

که به دنبال بخت می‌گردند.

معادل‌های پرتغالی:

Deos ajuda aos que trabalhaõ.

شود یاور آن‌کسانی خدا

که یاری کنند اولش خویش را.

Raposa dormida, naõ lhe cahe nada da boca.

هیچ چیزی در دهان روبه خفته نمی‌افتد.

A gallinha aparta-lhe o ninho, e pôr-te-ha o ovo.

لانه‌ای بهر مرغ حاضر کن

او برای تو تخم خواهد کرد.

معادل‌های هلندی:

God geeft de vogelen de kost, maar zij moeten er om vliegen.

خدا روزی پرندگان را می‌دهد، ولی باید به‌خاطرش پرواز کنند.

Een vliegende kraai vangt altijd wat.

یک کلاغ در حال پرواز همیشه چیزی گیر می‌آورد.

معادل‌های دانمارکی:

Hielp dig selv da hielper dig Gud.

به خودت خیز و کمک کن ای مرد

و خدا هم کمکت خواهد کرد.

Gud giver hver Fugl sin Föde, men kaster den ei i Reden til ham.

خدا روزی هر پرنده‌ای را می‌دهد، اما آن را داخل آشیانه نمی‌اندازد.

Liggende Ulv löber ikke Lam i Munde.

بره‌ها توی دهان گرگ خفته نمی‌دوند.

معادل‌های لاتین:

Dii facientes adjuvant.

خدایان یاور زحمتکشان‌اند.

Otiosis nullus adsistit Deus.

هیچ خدا یاور بیکاره نیست.

خدا کشتی آن‌جا که خواهد برد

وگر ناخدا جامه بر تن درد. سعدی – بوستان

معادل اسپانیولی:

No es en mano del piloto que dexe el viento su soplo.

ناخدا را اختیاری نیست تا

باد را گوید که سوی ما نیا.

خدا کیر خر آفریده، ولی

نه تنها برای کس ماچه‌خر

که از بهر کون همان کس‌خلی

که رفته‌ست دنبال علم و هنر. م. ا.

الدانشمند: آن که عقل معاش ندارد. عبید زاکانی – تعریفات

آلمانی‌ها می‌گویند:

Glück und Weiber haben die Narren lieb.

بخت و زن‌ها دوستدار مردهای ابله‌اند.

خدا گر ز حکمت ببندد دری

گر آن را بکوبی تو، خیلی خری. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quando Dio non vuole, i santi non possono.

خدا که نخواهد، قدیسان نمی‌توانند.

خدا می‌خواهد بار را به منزل برساند؛ من نه، یک خر دیگر.

معادل انگلیسی:

When God wills, all winds bring rain.

هر موقعی ارادهٔ باران کند خدا

باران بیاورند تمامی بادها.

خدای بخت را عادت بر این است
که جای ریدنش ایران‌زمین است. م. ا.

آهای خدا، دِ جان بکن لامصب
ایران شده یک کپهٔ عن لامصب
بی آف تو آفریده‌ای ایران را
آن دکمهٔ آف را بزن لامصب. م. ا.

خدای بخت مددکار لاشی و کونی است
کمک به باشرف اصلاً تخصص او نیست. م. ا.

معادل انگلیسی:

The more knave, the better luck.

هر کسی نابکارتر باشد
شانس او برقرارتر باشد.

خدایا، چه کم گردد از جود تو
که بخشی به رادان و آزادگان
هزاران یک از آنچه بخشیده‌ای
به نابخردان و زنازادگان. محمدرضا شفیعی کدکنی

در عن‌آبادی که نامش میهن است
بخت یار بی‌حیای چلمن است
توی کون باشرف‌ها کیر خر
توی کون عاقلان تیرآهن است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fools are fortunate.

مردم کله‌پوک خوش‌شانس‌اند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

God sends fools fortunes.

خداوند بخت خوش و شانس را
عطا می‌نماید به کس‌میخ‌ها.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer gute Beine hat, hat oft schlechte Stiefeln.

او که پاهایش بُود باب پسند

چکمه‌هایش غالباً خیلی بدند.

خر آخور خود را گم نمی‌کند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Every sow to her ain trough.

هر خوک به سوی لاوک خود برود.

نه منعم به مال از کسی بهتر است

خر، ار جل ز اطلس بپوشد، خر است.   سعدی – بوستان

اگر دانادل و صافی‌ضمیر است

فقیری با تهیدستی امیر است

به دوش منعم بی‌دین و دانش

قبایی نیست، پالان حریر است.   اقبال لاهوری

معادل انگلیسی:

A monkey in silk is a monkey no less.

عنتری در جامهٔ ابریشمین

عنتری باشد، نه چیزی بیش از این.

معادل آلمانی:

Affen bleiben Affen, wenn man sie auch in Sammet kleidet.

حتی میان جامه‌های مخملین

بوزینه‌ها بوزینه‌ای خواهند ماند.

معادل اسپانیولی:

Aunque la mona se vista de seda, mona so queda.

گر بپوشد جامه‌ای ابریشمین

باز هم بوزینه یک بوزینه است.

معادل دانمارکی:

En Bonde bliver Bonde, sov han end paa Silkebolster.

یک غربتی یک غربتی ماند، اگرچه
بر روی بالش‌های ابریشم بخوابد.

نصیحت کردن خر حیف باشد
خر از خر بودنش خرکیف باشد. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Fools are pleased with their own blunders.

همیشه آدمای خنگ و کودن
ز سوتی‌های خود خرکیف می‌شن.

A fool is pleased with his own folly.

بی‌عقل ز بی‌عقلی خود خرسند است.

Fools are pleased with their babblings.

ابلهان با زرزر خود سرخوش‌اند.

Fools laugh when they are drowning.

موقع غرق شدن بی‌خردان می‌خندند.

خر از لگد خر ناراحت نمی‌شود.

معادل فرانسوی:

Jamais coup de pied de jument ne fit mal à un cheval.

لگدی ز مادیانی
ابداً به نره‌اسبی
نرسانده او زیانی.

معادل ایتالیایی:

Calcio di cavalla non fece mai male a poledro.

لگدی ز مادیانی
ابداً به کره‌اسبی
نرسانده او زیانی.

خر چه داند قیمت نقل و نبات.

یا: قدر لوزینه خر کجا داند. یا: گاو لوزینه چه داند.

معادل‌های انگلیسی:

A barley-corn is better than a diamond to a cock.

پیش خود یک خروس پندارد
جو به الماس هم شرف دارد.

Do not cast your pearls before swine.

دانه‌های دُر خود را جلوی خوک نریز. (نقل قولی از انجیل است: متی ۷:۶.)

معادل‌های فرانسوی:

Le miel n’est pas pour les ânes.

عسل برای خران نیست.

Truie aime mieux bran que roses.

درون سر خوکی این باور است:
سبوس از گل سرخ هم بهتر است.

معادل آلمانی:

Was soll der Honig in Esels Maule?

چه سودی دارد این کار تو آخر
که بگذاری عسل در کام یک خر؟

معادل ایتالیایی:

Gettar le margherite ai porci.

بذل مرواریدها در پای خوک.

معادل اسپانیولی:

No se hizo la miel por la boca del asno.

عسل برای دهان الاغ ساخته نشده.

معادل پرتغالی:

Naõ he o mel para a boca do asno.

عسل برای دهان الاغ نیست.

معادل هلندی:

Paarlen voor de varkens strooijen.

ریختن دانهٔ دُر پیش خوک.

معادل‌های لاتین:

Asinus stramenta mavult quam aurum.

چنین فکری اندر سر هر خر است
که کاه و علف از طلا بهتر است.

In asini aures canere.

برای یک الاغ آواز خواندن.

خر خودتی.

یا: خودتی.

ترک‌ها می‌گویند: بو بؤرکو قوی بابانین باشینا. (این کلاهو سر بابات بذار.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Tell that to the the marines.

این را برای آبزیان بگو.

Wise men are not caught by wiles.

خردمندان به نیرنگ و به ترفند
درون یک تله هرگز نیفتند.

خر داغ می‌کنند.

معادل ترکی: گئتمیشدی کاباب ایینه، گؤردو کی ائششک داغلاییرلار.

(او به بوی کباب رفت، اما
دید خر داغ می‌کنند آن‌جا.)

خر رو به طویله تند می‌رود.

معادل پرتغالی:

Asno máo, junto de casa corre sem páo.

دم خانه الاغ ناقبراق
یورتمه می‌رود بدون چماق.

آخوند فقط جانوری مفلوک است
عمامه چه سود کله وقتی پوک است

خر روی دو پا بایستد باز خر است

یک خوک عبا هم که بپوشد خوک است.   م. ا.

خر اگه بار طلا هم ببره

اگه تا عرش خدا هم بپره

اگه عمامه بذاره به سرش

اگه نعلین و عبا هم بخره

روضه‌خونی بشه و رو منبر

حلق و کونش رو یه‌جا هم بدره

زحماتش همه از دم هدره

چون خر طفلک ما باز خره.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Apes are never more beasts than when they wear men's clothes.

میمون‌ها هیچ وقت مثل وقتی که لباس انسان‌ها را می‌پوشند حیوان نیستند.

در زمان همین دعا خواندن

عمر تو مثل باد در گذر است

اسکلت را رها بکن در گور

که توسل به مرده بی‌اثر است

گیرم آن مرد مرده شیر خداست

تو خری زنده‌ای که باربر است

نشنیدی که در مثل گویند

خر زنده ز شیر مرده سر است.   م. ا.

معادل انگلیسی:

A living ass is better than a dead lion.

خری زنده ز شیری مرده بهتر.

معادل ایتالیایی:

Val più un asino vivo che un dottore morto.

یک خر زنده به از یک دکتر مرده بُود.

چو بُود اصل گوهری قابل

تربیت را در او اثر باشد
هیچ صیقل نکو نداند کرد
آهنی را که بدگهر باشد
سگ به دریای هفتگانه بشوی
که چو تر شد، پلیدتر باشد
خر عیسی گرش به مکه برند
چون بیاید، هنوز خر باشد. سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never went out an ass and came home horse.

حاشا که خری ز خانه بیرون زده است
کو اسب شده به خانه بازآمده است.

If an ass goes a-travelling, he'll not come home a horse.

به سفر هم که الاغی برود
وقت برگشتنش اسبی نشود.

The fool wanders, the wise man travels.

تهی‌مغز مشغول ولگردی است
خردمند اما سفر می‌کند.

Send a fool to the market, and a fool he'll return.

اسکلی را تو به بازار فرست
اسکلی سوی تو برخواهد گشت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Send a fool to France, and a fool he'll come back.

اسکلی را به فرانسه بفرست
اسکلی سوی تو برخواهد گشت.

خر ما از کرگی دم نداشت.

معادل ترکی: بیزیم ائششک اولدن قویروقسوز ایدی. (خر ما از اول بی‌دم بود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Agree, for the law is costly.

رضایت ده، شکایت خرج دارد.

As a man is friended, so the law is ended.

چون دوست باشی با کسی قانون به پایان می‌رسد.

He that loves law will get his fill.

هر کسی عاشق قانون باشد
جیره‌اش را به تمامی گیرد.

A lawyer never goes to law himself.

شخص وکیل بر سر چیزی ز دیگری
هرگز به دادگاه شکایت نمی‌کند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A lawsuit breeds twenty.

یک دعوای حقوقی بیست تای دیگر را می‌زاید.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ungerechter Frieden ist besser als gerechter Krieg.

سازشی ناعادلانه باز هم
از نبردی عادلانه بهتر است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Nessun buon avvocato piatisce mai.

هر اتفاق هم که بیفتد وکیل خوب
هرگز به دادگاه شکایت نمی‌برد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er et magert Forliig, end en fed Trætte.

یک توافق اگرچه معیوب است
بهتر از یک شکایت خوب است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Cum licet fugere ne quære litem.

بشر باید که تا مقدور باشد
ز دعوای حقوقی دور باشد.

خر مانده کز ریش نالان بُود
چه سود ار ز دیباش پالان بُود

چو کاهل بُود ناقه در خاستن
چه باید به خلخالْش آراستن. امیر خسرو دهلوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A broken leg is not healed by a silk stocking.

اگر پای کسی بشکسته باشد
به جوراب حریری به نگردد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Num, tibi cum fauces urit sitis, aurea quæris pocula?

چون گلوت از تشنگی خشکیده است
دوست داری که به‌جای آب خوش
جام زرینی بگیری توی دست؟ (نقل قولی از هوراس Horace است.)

خر می‌آید و گاو می‌رود.

معادل ترکی: دونیایا ائششک گلیب، ائششک ده گئتدی. (خر به دنیا آمد و خر نیز رفت.)

زر نداری، تو را که باشد امیر
خر نداری، چه ترسی از خرگیر. سنایی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Riches bring care and fear.

مال ترس و دغدغه می‌آورد.

Much coin, much care.

سکه بسیار که شد، دغدغه هم بسیار است.

A rich man's money hangs him oftentimes.

پول‌های جناب ثروتمند
اغلب او را به داری آویزند.

A man's wealth is his enemy.

دارایی مرد دشمن اوست.

Wealth rarely brings happiness.

به ندرت مال و ثروت ارمغانی

بیارد از سرور و شامانی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

If ye hae little gear ye hae less care.

گر تو را خواسته و چیز کم است

غصه و دغدغه‌ات نیز کم است.

Muckle corn, muckle care.

غله بسیار که شد، دغدغه هم بسیار است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui terre a, guerre a.

هر کسی املاک دارد جنگ دارد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi compra terra, compra guerra.

هر آدمی زمین بخرد جنگ می‌خرد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Rigdom har Sorg, og Armod har Tryghed.

مال آزار روان می‌باشد

فقر در امن و امان می‌باشد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Crescentem sequitur cura pecuniam.

هرچه اموال تو افزون گردد

بیش‌تر هم دل تو خون گردد. (نقل قولی از هوراس Horace است.)

Fortuna miserrima tuta est.

بخت خیلی کوچکی ایمن‌تر است. (نقل قولی از اوید Ovid است.)

خر و گاو را می‌زنند.

معادل ترکی: دلی چوماغا راست گلیب. (دیوانه برای چماق ساخته شده.)

معادل عربی: العبد یضرب بالعصا و الحر یکفیه الاشاره.

(برده را با عصا می‌زنند و آزاده را اشاره‌ای کافی است.)

معادل ایتالیایی:

La pelle d’asino è usa al bastone.

گردهٔ خر به چماق عادت دیرین دارد.

خرتر از شیعهٔ اثناعشری نیست که نیست
نیمی از عمر برای عربی مرده گریست.   م. ا.

نیمی از عمر را گریسته‌اند
سوگواران یک بت عربی
همه لب‌تشنگان لبخندند
باز از این مردم اشک می‌طلبی
آی تقویم مرگ در پی مرگ
چارده قرن از زمان عقبی.   م. ا.

بشنو که لطیفهٔ قشنگی است
این است حقیقت اصل معنیش
در دستهٔ شاحسین بنگر
کان ترک کفن فکنده در پیش
خواهد که کُشد سنان و خولی
کوبد قمه را به کلهٔ خویش
آن ترک دگر ز سینه‌زن‌ها
فریاد کند ز سینهٔ ریش
کوبیدن اشقیا از این به؟
دانایی و معرفت از این بیش؟   ایرج میرزا

آلمانی‌ها می‌گویند:

Lasset die Todten ruhen.

بهل تا مردگان آسوده باشند.

خرج چو از کیسهٔ مهمان بُود
حاتم طایی شدن آسان بُود.

بخشش چیزی که مال دیگری است

کار لذتبخش شادی‌آوری است.   م. ا.

معادل انگلیسی:

It is easy to be generous with another man's money.

دست‌ودلباز شدن با پولِ

دیگری کار بسی آسانی است.

معادل هلندی:

Het is goed mild zijn uit eens anders beurs.

خرج اگر از جیب فردی دیگر است

دست‌ودلبازی بسی آسان‌تر است.

معادل دانمارکی:

Det er godt at være kostfri af en andens Pung.

خرج اگر از کیسهٔ آن دیگری است

بذل و بخشش کار بس آسان‌تری است.

معادل‌های لاتین:

Facile largiri de alieno.

با هر آن چیز که مال دگری است

دست‌ودلباز شدن مشکل نیست.

De alieno largitor, et sui restrictor.

دست‌ودلباز در آن چیز که مال دگری است

لیک در مال خودش سفت‌تر از وی کس نیست. (نقل قولی از سیسرو Cicero است.)

خرش از پل گذشت.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The danger's past, and God's forgotten.

خطر از سر گذشته و دل‌ها

باز غافل شده ز یاد خدا.

Vows made in storms are forgotten in calms.

عهدی که در هنگام طوفان با خدا بسته شود

وقتی هوا آرام شد از خاطر ما می‌رود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Danger past, God forgotten.

خطر گذشت و خداوند هم ز خاطر رفت.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Passato il fiume, è scordato il santo.

از رود که بگذشتیم، قدیس ز خاطر رفت.

Passato il pericolo, gabbato il santo.

خطر از سر گذشته و قدیس
یک کلاه گشاد رفته سرش.

خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم

دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم.   سعدی

همینت بسنده‌ست اگر بشنوی
که گر خار کاری، سمن ندروی.   سعدی – بوستان

معادل فرانسوی:

Qui sème des chardons, recueille des épines.

خار اگر مردی کاشت
تیغ برخواهد داشت.

معادل اسپانیولی:

Quien abrojos siembra espinas coje.

خاربن هر کس کاشت
خار برخواهد داشت.

خروس بی‌محل.

ترک‌ها می‌گویند:

Vakitsiz öten horozun başı kesilir.

سر خروس بی‌محل را می‌برند.

خری را که تیمار خربنده کشت

سه جو در شکم به که سی من به پشت.   امیر خسرو دهلوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An ass, though loaded with gold, feeds on thistles.

گر طلا روی الاغی بار است
باز هم خوردوخوراکش خار است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bær Asenet en Guldsæk, det æder dog Tidsel.

گرچه بر پشت خری کیسه‌ای از زر باشد
باز هم خار و خسک روزی آن خر باشد.

همان مردی که آرام و متین است
به ناگه کون آدم می‌گذارد
به هر چیزی که می‌بینی نزن دست
خریت با شهامت فرق دارد. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Nothing so bold as a blind horse.

هیچ چیزی همچنان یک اسب کور
نیست بی‌پروا و گستاخ و جسور.

Mettle is dangerous in a blind horse.

در وجود یک اسب نابینا
جرئت و جربزه خطرناک است.

Valour can do little without discretion.

گر شجاعت ز درایت عاری است
کار چندانی از او ساخته نیست.

Valour is worth little without discretion.

گر شجاعت ز درایت عاری است
صاحب ارزش چندانی نیست.

The more wit the less courage.

هرقدَر عقلی فزون‌تر در سر است
در همان حد جرئت دل کم‌تر است.

Fools rush in where angels fear to tread.

جایی که فرشتگان بترسند روند

با کله خلان وارد آن‌جا بشوند. (مصرعی از الکساندر پوپ Alexander Pope است.)

A fool always rushes to the fore.

همیشه و همه‌جا یک نفهم بی‌کله

به سوی خط مقدم هجوم خواهد برد.

معادل فرانسوی:

Mieux vaut couard que trop hardi.

یک انسان ترسوی بزدل شدن

ز بی‌کله بودن بسی بهتر است.

خشت اول چون نهد معمار کج

تا ثریا می‌رود دیوار کج.

معادل‌های انگلیسی:

A bad beginning makes a bad ending.

آغاز بدی چو کار دارد

پایان بدی به بار آرد.

Such beginning, such end.

چنان آغاز را پایان چنین است.

Beware beginnings.

از آغازها سخت پرهیز کن.

A good beginning is half the battle.

نیمی از جنگ شروعی خوب است.

معادل اسکاتلندی:

A gude beginning maks a gude ending.

شروعی خوب را پایان خوبی است.

معادل‌های آلمانی:

Wer’s links anfängt, dem geht’s links.

اشتباهی هر کسی آغاز کرد

اشتباهی هم به پایان می‌برد.

Anfang und Ende reichen einander die Hände.

آغاز و پایان دست هم را می‌فشارند.

معادل ایتالیایی:

Chi mal comincia, peggio finisce.

گر بد آغاز کرده باشد مرد
بدتر از آن تمام خواهد کرد.

معادل اسپانیولی:

Quien mal anda en mal acaba.

او که بد آغاز کرده بد به پایان می‌برد.

معادل‌های هلندی:

Kwalijk begonnen, kwalijk geslaagd.

بد آغاز گشت و بد انجام یافت.

Zulk begin, zulk einde.

آن‌چنان آغاز گشت و این‌چنین پایان گرفت.

معادل‌های لاتین:

Boni principii finis bonus.

آغاز خوب بود که پایان خوب ساخت.

Principium dimidium totius.

یک‌نیمهٔ هر کار شروع آن است.

Capo a cosa fatta.

کار را خوب اگر شروع کنی
گوییا نصف آن تمام شده.

خلایق هرچه لایق.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bring a cow to the hall, and she will run to the byre again.

بیار توی شبستان کاخ گاوی را
که او دوباره به سوی طویله‌اش بدود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Setzt einen Frosch auf goldenen Stuhl, er hüpft doch wieder in den Pfuhl.

هرچند قورباغه را روی چارپایه‌ای زرین بنشانی، او به زودی دوباره توی برکه می‌پرد.

در صراطَ الذینَ أنعمتَ
هر کسی شاعر است مغضوب است
خَلَقَ اللهُ شاعراً، سرّش
در عن روی اسم منصوب است. م. ا.

چنان است که گویی لازمهٔ شاعری، در این سرزمین و در این فرهنگ، حتماً و حتماً در حزن و ماتم و محنت و عذاب و رنج و مسکنت و گدایی و فقر و آه و ناله و فغان و درد و امثال آن زندگی کردن بوده است. شفیعی کدکنی – روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی

خنده بر هر درد بی‌درمان دواست. لاادری

معادل‌های انگلیسی:

Laughter is the best medicine.

خنده نیکوترین دوا باشد.

Laugh and grow fat.

بخند تا چاق شی.

معادل ایتالیایی:

Il riso fa buon sangue.

خنده حال مرد را خوش می‌کند.

معادل لاتین:

Ridentibus arride.

با هر آن فردی که می‌خندد بخند.

اعتراضی نکن به ملاها
مملکت را به باد اگر دادند
خنگ‌ها، مست‌ها و ملاها
هر سه از هفت دولت آزادند. م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Dwazen zijn vrij in alle landen.

ابلهان در همه‌جا آزادند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Herrer og Narre have frit Sprog.

لردها و احمق‌ها آزادانه صحبت می‌کنند.

خواب دیدی، خیر باشد.

خران را نمایند هر شب به خواب
که پالانگران را ببرده‌ست آب. ربیع

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What you see is what you get.

آنچه می‌بینی‌اش همان چیزی است
که تو آن را به دست می‌آری.

If the sky falls, we shall catch larks.

آسمان چون که بیفتد به زمین
ما بگیریم چکاوک‌ها را.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Songes sont mensonges.

رؤیاها دروغ‌اند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Träume sind Schäume.

رؤیاها حرف مفت‌اند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nequaquam recte faciet qui cito credit.

خوش‌باور سادهٔ خدایی
هرگز نرسد به هیچ جایی.

خواجگان و بزرگان بی‌مروت را به ریش تیزید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Grace is best for the man.

مروت بهر انسان بهترین است.

خواستی شب‌ها سر آسوده بگذاری زمین
آنچه می‌دانی ندان و آنچه می‌بینی نبین.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Del tutto non è savio chi non sa far il pazzo.

نیست او آخر ادراک و خرد
گر به وقتش نتواند از بیخ
خویشتن را به خریت بزند.

خواستی شر کسی رو بکنی
تا تو رو ول کنه و گم شه بره
موبر موی دماغت اینه:
یه‌کمی پول بهش قرض بده.   م. ا.

بن فرانکلین Ben Franklin (۱۷۹۰–۱۷۰۶) گفته است:

If you'ld lose a troublesome visitor, lend him money.

اگر می‌خواهی از شر یک آدم سرخر خلاص شوی، به او پول قرض بده.

معادل ایتالیایی:

T'annoia il tuo vicino? Prestagli uno zecchino.

همسایه‌ات حوصله‌ات را سر می‌برد؟ قدری پول به او قرض بده.

خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو.

معادل‌های انگلیسی:

Do as most men do, and men will speak well of you.

کاری بکن که اکثر مردم چنان کنند
این‌گونه ذکر خیر تو را مردمان کنند.

Go with the flow.

با جریان راه بیفت و برو.

Never puff against the wind.

ابداً رو به باد فوت نکن.

Say as men say, but think to yourself.

مثل مردم سخن بگو، اما
مستقل فکر کن برای خودت.

معادل‌های اسکاتلندی:

He that spits against the wind spits in his ain face.

رو به باد او که تف کند، لابد
تف نموده‌ست توی صورت خود.

Ne'er strive against the stream.

برخلاف جریان زور نزن.

معادل‌های فرانسوی:

A Rome comme à Rome.

به رم آن بکن که رمی‌ها کنند.

Selon le vent la voile.

باد از هر سو که آید بادبان رو سوی اوست.

معادل‌های آلمانی:

Wer dem Haufen folgt, hat viele Gesellen.

پی مردم که قدم برداری
همنشینان زیادی داری.

Wider den Strom ist schwer schwimmen.

شنا کردن برخلاف جریان آب سخت است.

معادل ایتالیایی:

Pazzo è chi non sa da che parte vien il vento.

او که نداند که باد از چه طرف می‌وزد
هست سرش خالی از عقل و شعور و خرد.

معادل اسپانیولی:

Do fueres, harás como vieres.

آنچه می‌بینی که مردم می‌کنند
هرکجا هستی، تو نیز آن را بکن.

معادل پرتغالی:

Como me tangerem, assim bailarei.

هر جور که نی‌لبک برایم بزنند
من نیز همان‌جور قری خواهم داد.

معادل‌های هلندی:

Wie tegen wind spuwt, maakt zijn baard vuil.

او که تف رو به باد بنموده
ریش خود را نموده آلوده.

Door wind en stroom is goed stuuren.

خوب است سکان را طبق جریان باد و مد بگردانیم.

معادل دانمارکی:

Far som de Fleste, saa spotte dig de Færreste.

همان کاری را بکن که دیگران می‌کنند تا کم باشند کسانی که مسخره‌ات می‌کنند.

معادل لاتین:

Quum Romæ fueris, Romano vivite more.

توی رم وقتی که هستی، با مد رم زندگی کن.

خود را از بند نام و ننگ برهانید تا آزاد توانید زیست. عبید زاکانی – صد پند

خود را تا ضرورت نباشد در چاه میفکنید تا سر و پای مجروح نشود. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you leap into a well, Providence is not bound to fetch you out.

هر زمانی بپری داخل چاهی
نیست مسئول درآوردنت از آن
حکمت قدسی و الطاف الهی.

خود را فضیحت، دیگران را نصیحت.

پندم چه دهی، نخست خود را
محکم کمری ز پند دربند
چون خود نکنی چنان که گویی
پند تو بُود دروغ و ترفند. ناصر خسرو

معادل آلمانی:

Viele Prediger sind, die selbst nicht hören.

موعظه‌کنندگان بسیاری هستند که به حرف خودشان گوش نمی‌دهند.

معادل لاتین:

Bonus orator, pessimus vir.

خطیبی خوب، اما آدمی بد.

خود گویی و خود خندی.

ترک‌ها می‌گویند: دلی اؤزو دئیر، اؤزو ده گولر. (دیوانه خودش می‌گوید، خودش هم می‌خندد.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fools laugh at their ain sport.

به شوخی‌های خود خندند آنان
که هستند ابلهان خنگ نادان.

نیکنامی خواهی ای دل؟ با بدان صحبت مدار

خودپسندی، جان من، برهان نادانی بُود. حافظ

معادل عربی: من مدح نفسه فقد ادی زکوة حمقه.

(زکات تهی‌مغزی‌اش را دهد
همان خودستاینده‌ای که فقط
بنای ستایش ز خود را نهد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When pride cometh there cometh shame.

تکبر هر زمان رو می‌نماید
پی آن شرمساری هم بیاید. (یکی از امثال سلیمان است.)

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi si loda, s’imbroda.

به خود لای و لجن می‌پاشد آن مرد
که خود را مدح و تحسین و ثنا کرد.

خودپسندی را فقط تأیید کن

از اراجیفش فقط تمجید کن

زود خواهد شد الاغی نازنین

روی او بنشین و فرمان ده که هین.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You look like a runner, quoth the devil to the crab.

خواند شیطان به گوش خرچنگی:

تو شبیه دونده‌ای هستی

(و – به مرگ خودت – نمی‌لنگی).

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Quem te faz festa, naõ soendo fazer, ou te quer enganar, ou te há mister.

هر کسی از تو ستایش می‌کند

بیش‌تر زانی که عادت دارد او

یا به دنبال فریب توست یا

انتظار یک عنایت دارد او.

خودت را جر نده.

رومیان باستان می‌گفتند:

Qui fortiter emungit, elicit sanguinem.

هرکه خیلی سفت و محکم فین کند

او دماغ خویش را خونین کند.

خودت فهمیدی چی گفتی؟

فرانسوی‌ها می‌گویند:

L'entente est au diseur.

گوینده معنای حرف را بهتر می‌داند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Jeder ist seiner Worte bester Ausleger.

هر کسی بهترین مفسر حرف‌های خودش است.

خودخوری نکن.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید: «من گه بخورم.»

طبق قول رساله این مایع
یا ودی یا مذی است یا منی است
نکند شاش باشد این... ای وای
پس چرا فرش‌ها همه عنی است؟

این رساله هم این وسط... اُه اُه
صفحهٔ چنده حکم شستن گه؟
می‌گه با آب کر بشور و خلاص
و به ماتحت خود نشو حساس
مزه و بو مخل پاکی اوست
پاکه وقتی بدون مزه و بوست
یعنی این گه چه مزه‌ای می‌ده؟
صبر کن... اُه... چه مزه‌ای می‌ده!
امتحانش ضرر نداره، بخور
حقت اینه، بخور، صداتو ببر
ما که کلاً گهیم؛ تو، او، من
گه‌خوری خودخوری است هم‌میهن. م. ا.

خودستایان ناز خود را می‌خرند
لیک کون دیگران را می‌درند
عیب‌های دیگران را دیده و
مال خود را هم ز خاطر می‌برند. م. ا.

محتسب کون‌برهنه در بازار
قحبه را می‌زند که روی بپوش. سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The eye that sees all things else sees not itself.

نبیند خویش را آن دیده‌ای که
تمام چیزها را او ببیند.

Self love’s a mote in every man’s eye.

خودپرستی خار چشم هر کسی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fools aye see ither folk's fauts and forget their ain.

آن‌کسان که کس‌ببوهای مشنگ‌اند و خرند

عیب‌های دیگران را در نظر می‌آورند

عیب‌های خویشتن را هم ز خاطر می‌برند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Eigenliefde maakt blind.

خودپرستی کور است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Aliena vitia in oculis habemus; a tergo nostra sunt.

خطای دیگران را پیش چشم خویش بگذاریم

خطای خویشتن را لیک پشت سر نهان داریم. (نقل قولی از سنکا Seneca است.)

خودش است و کیرش.

هلندی‌ها می‌گویند:

Hij is zoo arm als Job.

به تهیدستی ایوب نبی است.

خودم کردم که لعنت بر خودم باد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Clouds that the sun builds up darken him.

ابرهایی که خود خورشید ساخت

روی او را تیره و تاریک کرد.

He is no man’s enemy but his own.

دشمن هیچ کسی نیست، مگر شخص خودش.

خورد کاروانی غم بار خویش

نسوزد دلش بر خر پشت‌ریش. سعدی – بوستان

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Van a misa los zapateros, ruegan a Dios que mueran carneros.

پینه‌دوزها به مراسم عشای ربانی می‌روند و دعا می‌کنند گوسفندها بمیرند.

خوردن برای زیستن و ذکر کردن است

تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است. سعدی – گلستان

معادل انگلیسی:

Eat to live, but do not live to eat.

بخور که زندگی کنی، نه این‌که زندگی کنی تا بخوری.

خوردن حرف خودت تلخ غذایی باشد

لیک در گفتن حرفت شکری نیست که نیست. م. ا.

معادل دانمارکی:

Det er haard Kost at æde sine egne Ord.

خوردن حرف خود غذایی تلخ است.

خوردن حرف خودت گه‌خوریه

من که عمراً بخورم، شرمنده. م. ا.

ای بی‌خبران، شکل مجسم هیچ است

وین طارم نه سپهر ارقم هیچ است

خوش باش که در نشیمن کون و فساد

وابستهٔ یک دمیم و آن هم هیچ است. خیام

رومیان باستان می‌گفتند:

Dona præsentis rape lætus horæ.

از هر دم خویش شادمان کام بگیر. (نقل قولی از هوراس Horace است.)

خوش بُود گر محک تجربه آید به میان

تا سیه‌روی شود هرکه در او غش باشد. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nothing is lasting that is feigned.

وقتی که تصنعی است یک چیز
حاشا که دوام آورد نیز.

خوش به حال دیوونه که همیشه خندونه.

معادل‌های ترکی: دلییه گونده بایرامدیر. (برای دیوانه هر روز عید است.)

دلی آغلاماز، عاغیللی گولمز. (دیوانه نمی‌گرید، عاقل نمی‌خندد.)

معادل‌های انگلیسی:

A fool is ever laughing.

هر مشنگی همیشه خندان است.

A fool dances without a fiddle.

بی‌عقل بدون ویولن می‌رقصد.

There is no jollity but hath a smack of folly in it.

هیچ جا سرخوشی‌ای نیست، مگر
در وی از بی‌خردی هست اثر.

معادل فرانسوی:

Plus on est de fous, plus on rit.

هرچه خل بیش‌تر است، خنده هم بیش‌تر است.

معادل پرتغالی:

Onde ha muito riso, ha pouco siso.

خندهٔ بسیار و عقل اندکی.

معادل لاتین:

Risus abundat in ore stultorum.

خنده توی دهن مردم احمق خیلی است.

خوش عروسی است جهان از ره صورت، لیکن
هرکه پیوست بدو، عمر خودش کاوین داد. حافظ

ترک‌ها می‌گویند: دونیا سنین، دونیا منیم، دونیا هئچ کیمین. (دنیا مال تو، دنیا مال من، دنیا مال هیچ‌کس.)

خوشا آنان که هر از بر ندانند

نه حرفی وانویسند و نه خوانند.   بابا طاهر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Ignorance is bliss.

جاهلیت سعادت و خوشی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Tête de fou ne blanchit jamais.

موی یک احمق هرگز سفید نمی‌شود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Weise sein ist nicht allzeit gut.

عاقل بودن همیشه هم خوب نیست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nihil scire est vita jucundissima.

خوش‌ترین نوع حیات آنی بُود

کو قرین جهل و نادانی بُود.

خویشتن را بزرگ پنداری

راست گفتند یک دو بیند لوچ

زود بینی شکسته پیشانی

تو که بازی کنی به سر با قوچ.   سعدی - گلستان

آلمانی‌ها می‌گویند:

Starker Leute Spiel ist kranker Leute Todt.

تفریح مرد قوی مرگ مرد نحیف است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi divide il miele con l’orso ha la minor parte.

او که با خرسی عسل تقسیم کرد

صاحب آن سهم کم‌تر می‌شود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvad skal Spurve i Tranedands, deres Been ere saa korte.

گنجشک‌ها نباید با درناها برقصند، پاهایشان خیلی کوتاه است.

خیال می‌کند از اول این‌قدی بوده.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il est avis à vieille vache qu’elle ne fût oncques veau.

خیالی گاو پیر ما نموده

که او گوساله‌ای هرگز نبوده.

خیرت نمی‌رسد اگر اصلاً به هیچ‌کس

یک کپه از کثافت و تاپاله‌ای و بس. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: تویومدا ویناماسان، یاسیمدا آغلاماسان، داها نییمه لازیمسان؟

(در عروسی‌ام نمی‌رقصی، در عزایم گریه نمی‌کنی، دیگر به چه دردم می‌خوری؟)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's mair worth hanging than hauding.

این‌که بر دار بیاویزیدش

بهتر از زنده نگه داشتن است.

خیلی کون داده.

= هفت‌خط است.

معادل هلندی:

Hij is een extract van schurken.

عصارهٔ همهٔ رذل‌های بی‌شرف است.

د

داخل آدم.

یا: تو از کی تا حالا قاطی آدم‌ها شده‌ای؟ یا: این هم برای ما آدم شده.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

"We hounds slew the hare," quo' the messan.

«ما سگ‌های شکاری خرگوش را کشتیم.» سگ بازاری چنین گفت.

دادگاه خلخالی است

حال متهم عالی است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fox should not be of the jury at a goose trial.

وقتی غازی دارد محاکمه می‌شود یک روباه نباید جزو هیئت منصفه باشد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Gud bedre Faarene naar Ulven er Dommer.

در آن زمانه که یک گرگ می‌شود قاضی

خدا به داد همه گوسفندها برسد.

داروی یأس با همه دردی موافق است

زین یک دوا هزار مرض را دوا کنیم. کلیم کاشانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Blessed is he who expects nothing, for he shall never be disappointed.

خوشا سعادت فردی کش انتظاری نیست

چرا که با غم سرخوردگیش کاری نیست. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

Will is the cause of woe.

خواستن مایهٔ اندوه شود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Con la voglia cresce la doglia.

با آرزو اندوه می‌آید.

داری جلوی لوطی معلق می‌زنی.

معادل ترکی: چاروادارا یول گؤسترمزلر. (به چاروادار راه را نشان نمی‌دهند.)

معادل‌های انگلیسی:

It is hard to halt before a cripple.

جلوی آدم شل دشوار است

خودمان را به چلاقی بزنیم.

Never offer to teach monkeys to climb up trees.

هیچ وقت پیشنهاد نکن به میمون‌ها بالا رفتن از درخت را یاد بدهی.

To teach the dog to bark.

به یک سگ پارس کردن یاد دادن.

To teach a fish to swim.

به یک ماهی شنا را یاد دادن.

معادل اسکاتلندی:

It's ill limping before cripples.

پیش شل‌ها الکی لنگ زدن دشوار است.

معادل فرانسوی:

Il ne faut pas enseigner les poissons à nager.

شنا کردن به ماهی‌ها نیاموز.

معادل اسپانیولی:

En casa del moro no hables algarabía.

داخل خانهٔ یک مرد عرب

به زبان عربی حرف نزن.

معادل لاتین:

Bubo canit lusciniæ.

جغد دارد برای بلبل می‌خواند.

داشتم داشتم حساب نیست، دارم دارم حسابه.

معادل‌های انگلیسی:

What is lost is lost.

آنچه از کف رفته از کف رفته است.

There are no birds in last year’s nest.

در آشیانهٔ سال گذشته مرغی نیست.

معادل اسکاتلندی:

Better say "Here it is" than "Here it was."

این‌که بگویی که هست، به که بگویی که بود.

معادل‌های آلمانی:

”Habe gehabt” ist ein armer Mann.

«داشته‌ام» مرد تهیدستی است.

Hin ist hin, da leihet kein Jude mehr darauf.

چیزی که از دست تو رفته، رفته او بر باد
هرگز جهودی روی آن وامی نخواهد داد.

معادل اسپانیولی:

Agua passada no muele molino.

آب رفته آسیابی را نگرداند.

داغ شکم از داغ عزیزان بدتر است.

ترک‌ها می‌گویند: آج قورد بالاسینی یئیر. (گرگ گرسنه تولهٔ خود را می‌خورد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Who goes to bed supperless, all night tumbles and tosses.

بی‌شام هر کسی برود توی رختخواب
تا صبح غلت می‌زند و وول می‌خورد.

The empty leech sucks sore.

زالوی گرسنه بدرقم میک زند.

It is a hard winter when one wolf eats another.

زمستان بدی از ره رسیده

که گرگی گرگ دیگر را دریده.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A hungry louse bites sair.

شپشی که گرسنه باشد او

نیش خود را کند عمیق فرو.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Vilain affamé, demi enragé.

یک غربتی گرسنه نیمه‌دیوانه است.

De maigre poil âpre morsure.

یک جانور نحیف و لاغر

گازی بد و دردناک گیرد.

Il fait bien mauvais au bois quand les loups se mangent l'un l'autre.

گرگ‌ها گر یکدگر را می‌خورند

توی جنگل روزگار سختی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Cane affamato non ha paura di bastone.

سگ گرسنه از چماقی نترسد.

Città affamata tosto è espugnata.

شهر قحطی‌زده بردارد دست

از نبرد و بخورد زود شکست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Magere vlooijen bijten scherp.

پشه‌های گرسنه بدجوری

نیش خود را به تن فرو بکنند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Der skal ædes, vare end alle Træer Galger.

ناگزیرند از غذا خوردن تمام مردمان

گرچه حتی هر درختی چوبهٔ داری شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Asinus esuriens fustem negligit.

خر گرسنه ز مشت و لگد نمی‌ترسد.

دانشمندان فیزیک، شیمی، باران‌شناسی و زمین‌شناسیِ بدون پسوند اسلامی نفهم‌اند.   آیت الله جوادی آملی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool is known by his speech.

بی‌عقل را با حرف‌هایش می‌شناسند.

دانه دیدی، دام ندیدی؟

آلمانی‌ها می‌گویند:

"Die Worte sind gut," sprach jener Wolf, "aber ich komm ins Dorf nicht."

گرگ گفت: «گفتارت خوب و عالی است از دم

بنده مطلقاً اما توی ده نمی‌آیم.»

دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند؟

زرزر نکن که در دهنت کیر می‌کنند.   م. ا. نقیضه بر حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A man may hold his tongue in an ill time.

آدم می‌تواند وقتی هوا پس است جلوی زبانش را بگیرد.

دایهٔ مهربان‌تر از مادر.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nurses put one bit in the child's mouth and two in their own.

دایه‌ها یک لقمه در دهان بچه می‌گذارند و دو لقمه در دهان خودشان.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No hay tal madre como la que pare.

مادری پیدا نگردد هیچ جا

مثل آن مادر که ما را زاده است.

دختر، به تو می‌گویم؛ عروس، تو بشنو.

معادل ایتالیایی:

Dico a te figliuola, intendilo tu nuora.

دختر، با تو حرف می‌زنم، عروس، بشنو.

آن غریبی خانه می‌جست از شتاب
دوستی بردش سوی خانه‌ی خراب
گفت او این را اگر سقفی بُدی
پهلوی من مر تو را مسکن شدی
هم عیال تو بیاسودی اگر
در میانه داشتی حجره‌ی دگر
گفت: آری، پهلوی یاران خوش است / لیک ای جان،
در اگر نتوان نشست. مولوی

معادل انگلیسی:

'Tis good fish if it were but caught.

این ماهی خوبی است، اگر صید شده بود.

معادل آلمانی:

Alles wäre gut, wär kein "aber" dabei.

همه‌چی روبه‌راه می‌شد اگر
فقط از یک «ولی» نبود اثر.

در انتقام لذتی است که در عفو نیست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Revenge is sweet.

انتقام شیرین است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Vindicta bonum vita jucundius ipsa.

انتقام از زندگی شیرین‌تر است.

در ایران تا بُود ملا و مفتی
به روز بدتر از این هم بیفتی. ایرج میرزا - عارف‌نامه

ای شیخ، تخصصت فقط ترمالی است

این شیوهٔ ریدن مدل اسهالی است
ما را نبُود شائبه در جوهر فرد
مغز تو در این نکته خوش استدلالی است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What was good the friar never loved.

مرد راهب هیچ وقت و هیچ جا
خوش ندارد چیزهای خوب را.

در جنگل اگر نبود شیری موجود
کفتار چه حیوان مهیبی می‌بود
تاریخ وطن اگر رضاشاه نداشت
آخوند عجب افاده‌ای می‌فرمود. م. ا.

یک ضرب‌المثل آفریقایی می‌گوید:

If there were no elephant in the jungle the buffalo would be a great animal.

در جنگل اگر نبود فیلی موجود
بوفالو چه حیوان بزرگی می‌بود.

در جوانی پاک بودن شیوهٔ پیغمبری است
ور نه هر گبری به پیری می‌شود پرهیزکار.

معادل انگلیسی:

A young whore, an old saint.

فاحشه‌ای جوان، قدیسه‌ای پیر.

معادل آلمانی:

Als David kam ins Alter, sang er fromme Psalter.

داوود وقتی پیر شد، سرودهای زاهدانه خواند.

معادل ایتالیایی:

Il diavolo, quand'è vecchio, si fa romito.

شیطان سر پیری عزلت‌نشین می‌شود.

در خانه کنون بستن چه سود است

که دزدم هرچه در خانه ربوده‌ست.   فخرالدین اسعد گرگانی

معادل انگلیسی:

You need not lock the stable door when the steed is stolen.

وقتی که اسب را دزدیده‌اند، دیگر لازم نیست در اصطبل را قفل کنی.

معادل آلمانی:

Wenn’s Kalb gestohlen ist, bessert der Bauer den Stall.

وقتی گوساله را دزدیده‌اند، دهاتی طویله را تعمیر می‌کند.

معادل ایتالیایی:

Dopo che i cavalli sono presi, serrar la stalla.

بر در اصطبل خود قفلی زدن

بعد از آن که اسب‌ها را برده‌اند.

در خانه‌ات را ببند، همسایه‌ات را دزد نکن.

چو بر صندوق من قفلی گران است

روان دزد در امن و امان است.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

The hole calls the thief.

رخنهٔ دیوار می‌گوید به دزد:

من به قربانت، بیا چیزی بدزد.

The postern door makes thief and whore.

درب مخفی خانه دزد و جنده می‌سازد.

The back door robs the house.

درب پشتی خانه را غارت کند.

’Tis easy to rob an orchard when no man keeps it.

باغ وقتی که بی‌نگهبان است

دزدی از آن چقدر آسان است.

A careless hussy makes many thieves.

هر زمان سربه‌هوا شد بانو

ای بسا دزد که می‌سازد او.

At open doors dogs come in.

سگان از در باز وارد شوند.

A low hedge is easily leaped over.

از حصار کوته آسان می‌پرند.

معادل‌های اسکاتلندی:

Lock your door, that you may keep your neighbours honest.

در خانهٔ خویشتن را ببند

که همسایه‌ها باشرافت شوند.

A reckless house maks mony thieves.

یک سرای بدون قفل و کلید

دزد بسیار می‌کند تولید.

A careless watch invites the thief.

یک نگهبان شلخته دزد را دعوت کند.

At open doors dogs gae ben.

سگ‌ها ز در باز به داخل بروند.

معادل فرانسوی:

Où la haie est plus basse on saute dessus.

می‌پرند افراد این‌سوی چپر

هرکجایی باشد آن کوتاه‌تر.

معادل‌های آلمانی:

Wo der Zaun am niedrigsten ist, da springt der Teufel hinüber.

می‌پرد ابلیس این‌سوی چپر

هرکجایی باشد آن کوتاه‌تر.

Vorsicht schadet nicht.

هرچه را سخت نگه می‌داری

راحت از دست نخواهی دادش.

معادل‌های ایتالیایی:

Ad arca aperta il giusto pecca.

در صندوق اگر باشد باز

فرد صالح به گنه می‌افتد.

La porta di dietro è quella che ruba la casa.

سارق یک خانه درب پشتی است.

معادل‌های اسپانیولی:

Cierra tu puerta, y harás tu vecina buena.

هر زمانی که در خانهٔ خود را بندی
زن همسایه شود فرد شرافتمندی.

Mas vale vuelta de llave que conciencia de frayle.

چرخش یک کلید داخل قفل
به ز وجدان راهبی باشد.

Puerta abierta al santo tienta.

گر دری باز بماند چه بسا
بکند وسوسه قدیسی را.

معادل‌های پرتغالی:

Cerra tua porta, farás tua visinha boa.

بهتر آن است در خانهٔ خود را بندی
تا که همسایه شود مرد شرافتمندی.

A chave na cinta faz a mim boa, e á minha visinha.

آویزان بودن کلید به کمربند، مرا آدم خوبی نگه می‌دارد و همسایه‌ام را هم ایضاً.

O buraco chama ao ladraõ.

دزد را رخنه فرا می‌خواند.

Na arca aberta o justo pecca.

یک صندوق باز مردی شریف را وسوسه می‌کند.

Minha arca cerrada, minha alma sã.

در صندوقم و یک قفل گران
روح من هست کنون امن و امان.

معادل‌های هلندی:

De open deur roept den dief.

آن دری که باز باشد دزد را دعوت کند.

Tijd en plaats doen den dief stelen.

دزد را وقت و مکان می‌سازد.

Waar de dijk het laagst is, loopt het water ’t eerst over.

از همان‌جایی که سد کوته‌تر است

آب اول از همان‌جا سر رود.

معادل دانمارکی:

Enhver vil gjerne over Gierdet hvor det er lavest.

سعی دارد هر کسی تا رد شود از یک چپر

از همان‌جایی که باشد آن چپر کوتاه‌تر.

معادل لاتین:

Occasio facit furem.

فرصت است آنچه دزد می‌سازد.

مردک نخورده‌مست

بال‌های یک فرشته را به دوش‌های خویش بست

از فراز بام جست

و دست و پای خویش را شکست

آفرین

در خریت آدمی همیشه اول است

دست دست دست.   م. ا.

آلبرت اینشتین Albert Einstein گفته است:

The difference between stupidity and genius is that genius has its limits.

فرق بین بلاهت و نبوغ این است که نبوغ حد و مرز خود را دارد.

در خیال خویش هر دیوانه‌ای

هست فرد فاضل و فرزانه‌ای.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The fool thinks himself wise to the very last, but the wise man knows him to be a fool.

احمق اندیشد که عقل مطلق است
عاقل اما داند او یک احمق است.

Every one thinks he knows much.

هر کسی پیش خودش پندارد
دانش و فهم زیادی دارد.

No man is always wise except a fool.

هیچ مردی همیشه عاقل نیست
غیر از آن‌کس که کس‌خل خنگی است.

"God help the fool!" said the idiot.

«به داد مردم احمق رسد خدای احد!»
جناب کس‌خل گاگول این‌چنین زر زد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A fool is happier thinking weel o' himself, than a wise man is o' others thinking weel o' him.

ابلهی که خویش را آدم‌حسابی داند او
شادتر از عاقلی باشد که او را دیگران
می‌شناسند آدمی باارزش و باآبرو.

در خیال هر مشنگ کس‌ببو
حد اعلای خرد باشد همو. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Every fool thinks himself wise to the very last.

هر مشنگ کس‌خل اندیشد که عقل مطلق است.

A fool is wise in his own conceit.

خنگ در پندار موهوم غرورش عاقل است.

A fool thinketh himself wise.

هر مشنگی خویشتن را عاقلی داند.

در دروازه را می‌شود بست، در دهان مردم را نمی‌شود بست.

معادل‌های انگلیسی:

Few people are out of the reach of slander.

چه کم آن دسته‌ای از مردمان‌اند
که از بهتان و تهمت در امان‌اند.

Whatever any one does or says, I must be good.

این و آن هرچه بگویند و کنند
لازم است آدم خوبی باشم.

معادل هلندی:

Het heeft veel meels van noode, die iedereen den mond stoppen zal.

او که می‌خواهد دهان همه را ببندد یک‌عالمه آرد لازم دارد.

در زمان بحث کردن با الاغ
نیست برهانی چو برهان چماق. م. ا.

معادل انگلیسی:

To a rude ass a rude keeper.

لایق یک الاغ گَنده‌دماغ
یک خرکچی است قلچماق و الاغ.

معادل‌های فرانسوی:

A dur âne dur aiguillon.

لایق یک الاغ یک‌دنده
یک چماق کلفت و کوبنده.

A rude âne rude ânier.

لایق یک الاغ گَنده‌دماغ
خرسواری است قلچماق و الاغ.

اسلام خدای روزی ملاهاست
یک غاز هزارسالهٔ تخم‌طلاست
در ژانر هزاررنگ منبرخوانی
وا جیب منا همیشه وا اسلاماست. م. ا.

امروز که اطراف چمن می‌خندد
گل جلوه‌کنان به صد دهن می‌خندد
در سایهٔ گل هر آن که مِی می‌نخورد
گه می‌خورد و به کون زن می‌خندد.   عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that is in a town in May loseth his spring.

هر کس که ماه مِی را در شهر بگذراند
فصل بهار خود را از دست رفته داند.

با دلی آرام و قلبی مطمئن
رید توی مملکت آن تخم جن
گولمان زد راحت و خواباندمان
بعد هم گاییدمان سفت و خشن
آفرین بر کیر بی‌پیرت امام
مام میهن را چه خوش کردی اُپن
در سر انسان غربی عقل هست
در سر انسان شرقی هم پهن.   م. ا.

در سرت مغز خر است.

شاهد مثال:

با کارت بسیج و دستمالی خوشدست
چلغوز شعارمست بارش را بست
هی نان و پنیر سق بزن، شعر بگو
شاعر، به خدا که در سرت مغز خر است.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He has mair wit in his wee finger than ye hae in your hale bouk.

او در انگشت کوچکش باری
بیش از آن عقل دارد انگاری
که تو در کل هیکلت داری.

در سه سوت.

معادل‌های انگلیسی:

Before you could say Jack Robinson.

قبل از این‌که بتوانی بگویی جک رابینسون. (= در یک چشم به هم زدن.)

Quick as lightning.

سریع مثل صاعقه.

در شعر مپیچ و در فن او

چون اکذب اوست احسن او. نظامی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Painters and poets have leave to lie.

دروغ شاعر و نقاش جایز است و مباح.

در شهر کورها یک‌چشم شاه است.

معادل آلمانی:

Unter den Blinden ist der Einäugige König.

آدم یک‌چشم شاه کورهاست.

معادل هلندی:

In het land der blinden is een-oog koning.

در مملکت کوران

یک‌چشم بُود سلطان.

معادل لاتین:

Beati monoculi in regione cæcorum.

خوشا سعادت یک‌چشم در دل کوران.

در عالم هپروت سیر می‌کند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Your mind is chasing mice.

هوش و حواس تو رفته موش بگیره.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Cieco è l'occhio, se l'animo è distratto.

چشم نابیناست وقتی ذهن انسان غایب است.

در فرار مغزها راهی شدند

مغزهای پنتیوم وان نیز هم.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Change of pasture makes fat calves.

تغییر چراگاه گوساله‌ها را پروار می‌کند.

Where it is well with me, there is my country.

هر جا که به من خوش گذرد میهنم آن‌جاست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's a poor beggar that canna gang by ae door.

او چه بدبخت گدایی باشد

هر زمانی که ز پیش یک در

نتواند برود جای دگر.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi muta paese, muta ventura.

کسی که کشور عوض می‌کند شانس عوض می‌کند.

Chi muta stato, muta fortuna.

کسی که شرایطش را عوض می‌کند بختش را عوض می‌کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ubi bene, ibi patria.

میهنم آن‌جاست که خوش بگذرد.

در کارگه کوزه‌گری کردم رای

بر پلهٔ چرخ دیدم استاد به پای

می‌کرد دلیر کوزه را دسته و سر

از کلهٔ پادشاه و از دست گدای.   خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

At the end of the game the king and the pawn go into the same bag.

چون که بازی به سرانجام رسد

شاه و سرباز به یک کیسه روند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Tanto morre o Papa, como o que naõ tem capa.

مرگ نه به پاپ رحم می‌کند، نه به گدا.

در کجا دیدی کسی با مردمان تنگدست

ادعای دوستی یا قوم و خویشی کرده است؟ م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Poor folk have few kindred.

خویش و فامیل فقیران اندک است.

No one claims kindred with the poor.

هیچ فردی خویش را فامیل بی‌چیزان نمی‌داند.

When poverty comes in at the door, friendship goes out at the window.

فقر از در هر زمان وارد شود

دوستی از پنجره بیرون رود.

Poverty parts friends.

تنگدستی جمع یاران را پریشان می‌کند.

An empty purse frights away friends.

جیب خالی دوستان را رم دهد.

No longer foster, no longer friend.

ناهار و شام اگر که نباشد، رفیق نیست.

Rats desert a sinking ship.

موش‌ها از کشتی در حال غرق

هرکجایی هست خارج می‌شوند.

Poverty trieth friends.

تنگدستی دوستان را آزمایش می‌کند.

معادل‌های اسکاتلندی:

When gude cheer is lacking friends go a-packing.

گر نباشد شادی و لبخند

دوستان بار سفر بندند.

Poor folk's friends soon misken them.

دوستان مردمان مستمند
زود آنان را ز خاطر می‌برند.

معادل‌های ایتالیایی:

Povertà non ha parenti.

تنگدستی خویش و فامیلی ندارد.

Parente, o non parente, mal per quel che non ha niente.

او چه فامیل شما هست و چه نیست
وای بر او اگر او بی‌پولی است.

معادل اسپانیولی:

No hay pariente pobre.

آدم بی‌پول خویشاوند نیست.

معادل‌های دانمارکی:

Fattig Mand har faa Kyndinger.

مرد بی‌پول آشنایانش کم‌اند.

Fattige Frænder faae liden Hæder.

برای خویش و فامیل تهیدست
همیشه احترام اندکی هست.

معادل‌های لاتین:

Cum fortuna perit nullus amicus erit.

بخت وقتی که تو را ترک کند
دوستان تو رهایت بکنند.

Mendico ne parentes quidem amici sunt.

حتی پدر و مادر یک مرد گدا
توی دل خود دوست ندارند او را.

در کوچه‌ای که مناره باشد وثاق مگیرید تا از دردسر مؤذنان بدآواز ایمن باشید. عبید زاکانی – صد پند

یکی در مسجد سنجار به تطوع بانگ گفتی، به ادایی که مستمعان را از او نفرت بودی و صاحب مسجد امیری بود عادل نیک‌سیرت. نمی‌خواستش که دل‌آزرده گردد، گفت: «ای جوانمرد، این مسجد را

مؤذنان‌اند قدیم؛ هر یکی را پنج دینار مرتب داشته‌ام. تو را ده دینار می‌دهم تا جای دیگر روی.» بر این قول اتفاق کردند و برفت. پس از مدتی در گذری پیش امیر بازآمد. گفت: «ای خداوند، بر من حیف کردی که به ده دینار از آن بقعه به در کردی که اینجا که رفته‌ام بیست دینارم همی‌دهند تا جای دیگر روم و قبول نمی‌کنم.» امیر از خنده بی‌خود گشت و گفت: «زنهار تا نستانی که به پنجاه راضی گردند.»

به تیشه کس نخراشد ز روی خارا گل
چنان‌که بانگ درشت تو می‌خراشد دل. سعدی - گلستان

در لباس آدم و حوا.

معادل‌های انگلیسی:

To be in one's birthday suit.

در لباس روز تولد خود بودن.

Naked as a needle.

مثل یک سوزن برهنه.

در ماه رمضان شراب در برابر مردم مخورید تا منکر شما نشوند. عبید زاکانی - صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Credit lost is a Venice glass broken.

اعتبار از دست رفته یک بلور ونیزی شکسته است.

در مملکتی که صنعتی ندارد صنایع بدیعی می‌تواند بهترین صنعت باشد. محمدرضا شفیعی کدکنی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every man in his way.

هرکه در راه خودش.

خاری همیشه در وسط دشت لاله هست
در هر گروه و انجمنی یک نخاله هست. م. ا.

معادل ترکی: ائل دلیسیز اولماز. (ایل بی‌دیوانه نمی‌شود.)

معادل انگلیسی:

There is a black sheep in every flock.

به هر گله‌ای گوسفند سیاهی است.

معادل ایتالیایی:

Anco gli apostoli ebbero un Giuda.

حتی میان حواریون یک یهودا بود.

معادل لاتین:

Omni malo punico inest granum putre.

در میان هر اناری دانه‌ای گندیده هست.

در هفت آسمان یک ستاره ندارد.

معادل ترکی: آدی ایت دفترینده ده یوخدور. (اسم او در دفتر سگ نیز نیست.)

درآمدهای یک بی‌پول گاگول:
امید و انتظار غیرمعقول. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool's paradise.

بهشت آدمی بی‌عقل و گاگول
(= خیالات محال و غیرمعقول).

He that lives upon hopes will die fasting.

هر کس که زندگی بکند با فقط امید
در آخر از گرسنگی او می‌شود شهید. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

رومیان باستان می‌گفتند:

Qui spe aluntur, pendent, non vivunt.

با امید او که زندگانی کرد
برود گم شود که در عمرش
زندگانی نکرده است آن فرد.

درخت‌ها نمی‌گذارند جنگل را ببینی.

معادل انگلیسی:

You cannot see the city for the houses.

خانه‌ها نمی‌گذارند شهر را ببینی.

دردسر نیز شبیه گوز است
هر دو دعوت‌نشده می‌آیند.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Sorrow comes unsent for.

اندوه بدون دعوت آید.

معادل اسکاتلندی:

Sorrow an' ill weather come unca'd.

اندوه و هوای ناخوشایند
همواره بدون دعوت آیند.

معادل‌های لاتین:

Mala ultro adsunt.

دردسر بی‌جست‌وجو نازل شود.

Mala ultro adsunt.

اندوه‌ها بی‌دعوت آیند.

دروغ است آنچه فریادی برآرد
حقیقت پاسخی آهسته دارد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Truth needs not many words.

حقیقت از کلمات زیاد مستغنی است.

Truth gives a short answer.

حقیقت پاسخی کوتاه دارد.

Where hearts are true
Few words will do.

هرکجایی قلب‌ها رو‌راست‌اند
چند واژه کار را آراستند.

Truth needs no colours.

حقیقت بی‌نیاز از هرچه رنگ است.

Truth’s best ornament is nakedness.

بهترین زیور حقیقت برهنگی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui se fâche, a tort.

آن آدمی که خشم بگیرد مقصر است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wahrheit giebt kurzen Bescheid, Lüge macht viel Redens.

حقیقت پاسخی کوتاه می‌دهد، دروغ حرفش را دور سر می‌گرداند.

دروغ چرا؟ تا قبر آ آ آ آ.

دیالوگی است در سریال *دایی جان ناپلئون*. یعنی چرا دروغ بگویم وقتی تا قبر چهار انگشت راه است.

حقیقت است که روی سمند بخت سوار است

دروغ گام نخستین به سوی چوبهٔ دار است. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: یالانین آخیری یوخدور. (دروغ آخر ندارد.)

یالانچی اؤزونون دوشمنیدیر. (دروغگو دشمن خویش است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Of all the crafts honesty is the master-craft.

صداقت شاه‌نیرنگ است بین هرچه نیرنگ است.

A man never surfeits of too much honesty.

آدمی از صداقت بسیار

هیچ موقع نمی‌شود بیزار.

Honesty is the best policy.

کاری‌ترین سیاست دنیا صداقت است.

Honesty is the best policy; but he who acts on this principle is not an honest man.

کاری‌ترین سیاست دنیا صداقت است

او بی‌صداقت است که اینش سیاست است.

Jesting lies bring serious sorrows.

دروغی کز سر شوخی بیان شد
غمی جدی بیارد در پی خود.

The best lie is the worst.

نیکوترین دروغ بُود بدترین دروغ.

The truth shall set you free.

حقیقت تو را می‌رهاند.

Fair fall truth and daylight.

حقیقت و نور روز فرودشان دلکش است.

Speak little, but speak the truth.

کم سخن گوی، ولی راست بگو.

A lie begets a lie.

هر دروغی را دروغ دیگری اندر پی است.

One lie leads to another.

هر دروغی به دروغ دگری ختم شود.

Lying and stealing live next door to each other.

همواره دروغگویی و دزدی
همسایهٔ دیوار به دیوارند.

He that once deceives is ever suspected.

او که یک بار به فرد دگری زد ترفند
دیگر او را همه با دیدهٔ شک می‌نگرند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Tell the truth and shame the deil.

سخن راست بر زبان آور
تا که ابلیس روسیاه شود.
(نقل قولی از شکسپیر Shakespeare در پردهٔ سوم بخش اول *هنری چهارم* Henry IV است.)

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La plus grande finesse est de n’en avoir point.

برترین نیرنگ بی‌نیرنگی است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Lügen zerschmelzen wie Schnee.

دروغ‌ها شبیه برف آب می‌شوند.

Lügen haben kurze Beine.

پاهای دروغ‌ها بسی کوتاه است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Benchè la bugia sia veloce, la verità l'arriva.

هرآنچه تیزپا باشد دروغی
حقیقت فوری از وی پیش افتد.

Una bugia ne tira dieci.

دروغی ده دروغ دیگری را
همیشه در پی خود می‌کشاند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wijst mij een' leugenaar, en ik wijs u een' dief.

دروغگویی نشانم بده تا دزدی نشانت دهم.

دروغ شاعر و آخوند جایز است، ولی
اگر که راست بگوییم مزه‌اش دگر است.   م. ا.

پول‌های نفت
جیب‌های باز
سکه‌های زرد
گونه‌های سرخ
شاعران چاق
با کت و شلوار
توی هر جیبی
شعر آیینی
هی پذیرایی
کیک و شیرینی

موز در سینی
خواهری هم هست؟
آره، اوناهاش
یک عدد بینی
نوحهٔ مجری
گریهٔ حضار
ده سخنرانی
هشت تاش آخوند
بعد هم سکه
آی، کی جا موند؟

تا ابد جاوید
کار فرهنگی
سوپر رنگی.   م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Sänger, Buhler und Poeten, lügen viel.

آوازه‌خوانان، عاشقان و شاعران مجازند دروغ بگویند.

دروغگو کم‌حافظه می‌شود.

آبراهام لینکلن Abraham Lincoln، رییس جمهور آمریکا، گفته است:

No man has a good enough memory to be a successful liar.

هیچ‌کس حافظه‌ای به آن خوبی ندارد که دروغگوی موفقی شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Mendacem memorem, esse oportet.

دروغگو باید حافظهٔ خوبی داشته باشد.

دوباره خواب که بودی، الهه آمده و
میان دفتر شعرت گلی گذاشته است
نه، اتفاق عجیبی که نیست، این بدجنس
همیشه شوخی ناجور با تو داشته است
دوباره محو گلت می‌شوی، چه رؤیایی است

گلی که با قلمی خون‌چکان نگاشته است

درون باغ بسا چیزها که می‌رویند

که هیچ وقت در آن‌جا کسی نکاشته است.   م. ا.

معادل اسپانیولی:

Nace en la huerta lo que no siembra el hortelano.

بیش از آنی که باغبان کِشته

داخل باغ چیز می‌روید.

آن را که جای نیست، همه شهر جای اوست

درویش هرکجا که شب آید سرای اوست.   سعدی – غزلیات

معادل انگلیسی:

The beggar is never out of his way.

مرد گدا توی هر راه و به هر جاده است

هیچ زمان از رهش دور نیفتاده است.

معادل فرانسوی:

Les gueux ne sont jamais hors de leur chemin.

به هر راهی و توی هر جاده‌ای است

گدا هرگز از مقصدش دور نیست.

معادل هلندی:

Bedelaars erf ligt in alle landen.

املاک گدا در همهٔ مزرعه‌هاست.

دریا به هوای خویش موجی دارد

خس پندارد که این کشاکش با اوست.

پشه‌ای گردان چو گردی در فضا

پشت یال شیر افتاد از قضا

بس‌که آن ناچیز خودبینیش بود

پیش خود بر شیر سنگینیش بود

لحظه‌ای نگذشته با شیر کلان

گفت آن مسکین لاغر کای فلان

گر تو را بر یال سنگینیم ما
بازگو تا بیش ننشینیم ما
شیر گفت از این زمان تا هر زمان
هرکجایی، هرچه می‌خواهی بمان
گر نه خود گفتی به یالم جسته‌ای
من ندانستم کجا بنشسته‌ای. دکتر مهدی حمیدی

معادل عربی: قالت البعوضه للنخله: استمسکی فانی عنک ناهضه. فقالت: ما احسبت وقوعک فکیف نهوضک. (پشه‌ای به نخلی گفت: خویشتن را استوار نگه دار که می‌خواهم از روی تو برخیزم. نخل گفت: من از نشستنت آگاه نشدم تا برخاستنت چه باشد.)

عشق سازد ز هوس پاک دل آدم را
دزد چون شحنه شود، امن کند عالم را. صائب

معادل ترکی: اوغرونو اوغرو ایله توتارلار. (دزد را با دزد می‌گیرند.)

معادل انگلیسی:

It takes a thief to catch a thief.

یک دزد می‌تواند یک دزد را بگیرد.

معادل اسکاتلندی:

Set a thief to grip a thief.

دزدی بفرست تا که دزدی گیرد.

معادل دانمارکی:

Med Ræv skal man Ræv fange.

بهر صید روبهی روبهی راهی کنید.

غزلی برده رندکی از من
که نگویم ز ننگ نامش باز
سخن عاشقان نمایان است
بلهوس کی شده‌ست محرم راز؟
گر نه آیین امتیاز بُدی
سحر هم می‌زدی دم از اعجاز
یک دو بیتک مناسب آمده است

یادم – از باستان سحرطراز –
نمکین خوش نموده است رقم
نکته را خامهٔ سخن‌پرداز:
دزد شاعر به ماکیان ماند
که به زیرش نهند بیضهٔ غاز
بچگانش به سوی بحر روند
او به کون دریده ماند باز. حزین لاهیجی

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Sempre o alheio suspira por seu dono.

آنچه در دست تو، اما مال فردی دیگر است
در فراق صاحب خود بی‌قرار و مضطر است.

دزد وقتی پای او بشکسته است
می‌شود مردی شریف و پاکدست. م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Ægrotat Dæmon, monachus tunc esse volebat;
Dæmon convaluit, Dæmon ut ante fuit.

یک زمان شیطان زد و بیمار شد
راهبی شاید که باشد آن لعین
بعد از آن هم حال شیطان خوب شد
راهبی بوده‌ست شیطان پیش از این.

دزدی که از دزد بدزدد شاه‌دزد است.

دزدی در خانهٔ ابوبکر ربابی رفت. او بیدار بود. خود را پیش در کشید. دزد در پس خانه بماند، راه بیرون رفتن نداشت. ابوبکر بانگ زد که: «هی، شادی.» دزد ناچار جواب داد. گفت: «بیا پایم بمال.» دزد پایش مالید. کیرش برخاست. گفت: «شادی، پیش آی، جماعی بده.» مسکین تن درداد. یک بارش بگایید. بعد از زمانی گفت: «شادی، پیش آی.» یک بار دیگرش بگایید. باری، چهار و پنج بار دزد را بگاد. همسایگان را اسبی لاغر در خانهٔ او بسته بود. گفت: «شادی، اسب را آب ده.» دزد پیش چاه رفت. دلو دریده بود، چندان که دلو بالا می‌کشید، اسب سیر نمی‌شد. بعد از تعذیب بسیار، ابوبکر خود را در خواب ساخت. دزد فرصت یافت و به در جست. دزدان دیگر را دید که بر دیوار همین خانه نقب می‌زنند. گفت: «ای یاران،

زحمت مکشید که در این خانه هیچ متاعی نیست، خلاف از مردکی که سقنقور خورده است و از جماع سیر نمی‌شود و اسبی که استسقا دارد و از آب سیری نمی‌داند.»   عبید زاکانی - رسالهٔ دلگشا

این ابوبکر ربابی خودش یک دزد معروف بوده است. این‌جاست که آلمانی‌ها می‌گویند:

Es ist schwer stehlen, wo der Wirth selbst ein Dieb ist.

میزبان وقتی که دزد قابلی است
دزدی از وی کار خیلی مشکلی است.

معادل‌های انگلیسی:

One thief robs another.

دزدی از دزد دیگه می‌دزده.

It is ill stealing from a thief.

دزدی از دزد دزدی بدی است.

معادل‌های فرانسوی:

Bien est larron qui larron dérobe.

او که از دزدی بدزدد واقعاً دزد است.

Voler un voleur n’est pas voler.

دزدی از دزدِ دگر دزدی نیست.

معادل ایتالیایی:

E mal rubare a casa de’ ladri.

دزدی از خانهٔ دزدان عملی آسان نیست.

معادل هلندی:

Het is kwaad stelen waar de waard zelf een dief is.

میزبان وقتی خودش طراری است
دزدی از وی کار بس دشواری است.

دست بر هم زند طبیب ظریف
چون خرف بیند اوفتاده حریف.   سعدی - گلستان

الطبیب: جلاد.   عبید زاکانی - تعریفات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If the doctor cures, the sun sees it; but if he kills, the earth hides it.

خورشید می‌بیند اگر دکتر دوا درمان کند
اما چو کشت، آن را زمین از چشم‌ها پنهان کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le médecin est souvent plus à craindre que la maladie.

اغلب باید از دکتر بیش از بیماری ترسید.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Neuer Arzt, neuer Kirchhof.

دکتر جدید، قبرستان جدید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Di rado il medico piglia medicina.

پزشکان به ندرت دوا می‌خورند.

Gli errori del medico gli copre la terra.

اشتباه دکتری را خاک پنهان می‌کند.

Dio guarisce, e il medico è ringraziato.

شفا از خدا و تشکر نصیب پزشک است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Los yerros del medico, la tierra los cubre.

اشتباهات پزشکان را زمین پنهان کند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Se tens physico teu amigo, manda-o a casa de teu inimigo.

گر رفیق تو پزشکی باشد
خانهٔ دشمنت او را بفرست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het is God, die geneest en de dokter trekt het geld.

گرچه بیمارا شفاشون از خداست
حق ویزیتش برای دکتراست.

دست به دنبک هرکی بزنی صدا می‌دهد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every man hath his weak side.

هر کسی نقطهٔ ضعفی دارد.

دست پیش را می‌گیرد که پس نیفتد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The best defence is a good offence.

بهترین نوع دفاعت حمله‌ای جانانه است.

دست تضرع چه سود بندهٔ محتاج را

وقت دعا بر خدای، وقت کرم در بغل. سعدی - گلستان

ترک‌ها می‌گویند: یوز ایلین عیبادتیندن بیر گونون سخاوتی. (سخاوت یک روز به عبادت صد سال می‌ارزد.)

پای ما لنگ است و منزل بس دراز

دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Like a cat round hot milk.

مثل یک گربه کنار شیر داغ.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

It's a sair time when the mouse looks out o' the meal barrel wi' a tear in its ee.

زمانهٔ بدی است وقتی که موش با چشمی اشکبار به بشکهٔ آرد نگاه می‌کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Er geht herum, wie die Katze um den heißen Brei.

دوروبر آن چرخ می‌زند، مثل گربه‌ای که دوروبر شیر داغ چرخ می‌زند.

دست من از کون ملا پاک‌تر است.

کون ملا از دل ما پاک‌تر

دست ما از کون ایشان نیز هم. م. ا.

دستمال یزدی بدهم خدمتتان؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Flattery will get you nowhere.

تملق تو را هیچ جایی نخواهد رساند.

Flatterers are the worst kind of enemies.

آن‌کسانی که چاپلوسان‌اند
بدترین دشمنان انسان‌اند.

دستمان داده سیخ و سنگی را
پایپ و سیگاری و سرنگی را
تا ببینیم لای آتش و دود
خواب‌های خوش‌آب‌ورنگی را

تا نفهمیم هیچ دردی را
تا نبینیم هیچ ننگی را
تا سواری دهیم مثل خری
روبه ناکس زرنگی را
بر بتی بی‌وقار سجده بریم
و ببوسیم دست لنگی را
گورکن سخت دوست می‌دارد
این‌چنین مرده‌های منگی را.   م. ا.

دستی را که نمی‌توان برید باید بوسید.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Muitos beijaõ a maõ, que quizeraõ ver cortada.

بسا آنان که دستی را ببوسند
که روز قطع آن را می‌بیوسند.

دشمن!   مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

هر وقت که پشت میکروفن بنشیند
از توی بلندگو به ما می‌ریند
عمری به خود و به دیگران بد کرده
اینک همه را دشمن خود می‌بیند.   م. ا.

یک عمر رید در وطن و گه زیاد خورد
افسار خویش را به کف روس‌ها سپرد
چون دوستی نداشت که یادی از او کند
زد در بیان واژهٔ دشمن فقط رکورد
دشمن که بود؟ فارس، عرب، ارمنی و لر
ترک و بلوچ و ترکمن و تنگسیر و کرد
گفتم برای ماده‌تاریخ مرگ او:
از دست دشمنان خودش سکته کرد و مرد
نشمرده‌ام که جمع حروفم چه می‌شود
او سال‌های سوخته‌مان را نمی‌شمرد
پیری پلید بود که همراه نعش خویش
صدها هزار عمر جوان را به گور برد. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Muckle power maks mony faes.

قدرتی که زیاد باشد او
دشمنانی زیاد می‌سازد.

دشمنان در زندان با هم دوست شوند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Adversity makes strange bedfellows.

بدبیاری و حال و روزی بد
رفقایی عجیب می‌سازد. (= بدبیاری مشترک مردمان کاملاً متفاوتی را دور هم جمع می‌کند.)

رومیان باستان می‌گفتند:

Conciliant homines mala.

بدبیاری رفیق می‌سازد.

مرد بقال از من پرسید:
چند من خربزه می‌خواهی؟
من از او پرسیدم:
دل خوش سیری چند؟ سهراب سپهری

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A happy heart is better than a full purse.

یک دل خالی از غم و شنگول

بهتر است از دو جیب غرقۀ پول.

A handful of good life is better than a bushel of learning.

دمی آسودگی خوش‌تر ز یک خروار دانایی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E meglio il cuor felice che la borsa.

یک دل شاد به از جیب پری است.

دلاک‌ها که بیکار می‌شوند سر هم را می‌تراشند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un barbier en rase un autre.

می‌تراشد این‌یکی دلاک ما

ریش و پشم آن‌یکی دلاک را.

دلت بیاید.

خطاب به کسی گفته می‌شود که در شستن خودش تنبلی می‌کند. یعنی دلت بیاید که چرک‌های تنت را از دست بدهی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never stint soap and water.

دریغت نیاید ز صابون و آب.

به دست تو مراد و نامرادی است

دلیل تنگدستی کون‌گشادی است. م. ا.

مرد وقتی که سخت می‌کوشد

بخت او چون درخت باغ بهار

جامه‌ای از شکوفه می‌پوشد. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Sloth is the mother of poverty.

کون‌گشادی مادر بی‌چیزی است.

Poverty is the reward of idleness.

این‌که تو را خالی و تنگ است دست
جایزهٔ کون گشاد تو است.

All play and no work,
Gives Tom a ragged shirt.

هیچ کاری نکردن و بازی
تام را ژنده‌پوش خواهد کرد.

He that will not work will want.

زیر بار کار هر کس که نرفت
آخرش محتاج مردم می‌شود.

Idleness is the key of beggary.

بیکارگی است آنچه کلید گدایی است.

Poverty waits at the gates of idleness.

پشت دروازه‌های بیکاری
منتظر مانده است ناداری.

Lazy folks take the most pains.

زحمت و آزار را بیش از همه
مردم تنبل تحمل می‌کنند.

Honour and ease are seldom bedfellows.

حقا که افتخار و تن‌آسانی بشر
بسیار کم شوند رفیقان یکدگر.

Of sufferance cometh ease.

آسودگی از رنج برآید.

Rest is won only by work.

فقط از کار آسایش برآید.

Hard work never did anyone any harm.

سختکوشی و تلاش بسیار

به کسی هیچ گزندی نرساند.

Diligence is a good patrimony.

سختکوشی مرده‌ریگ خوبی است.

معادل آلمانی:

Faulheit ist der Schlüssel zur Armuth.

تن‌پروری کلید در تنگدستی است.

معادل‌های اسپانیولی:

Pereza, llave de pobreza.

کون‌گشادی کلید بی‌چیزی است.

Ara por enjuto ó por mojado, no besarás á tu vecino en el rabo.

خشک و تر، شخم بزن تا که نگردی مجبور

کون همسایهٔ خود را تو ببوسی با زور.

معادل پرتغالی:

Preguiça, chave de pobreza.

کلید تنگدستی کون‌گشادی است.

معادل هلندی:

Armoede is luiheids loon.

پاداش کون‌گشادی فقر است و تنگدستی.

معادل لاتین:

Qui fugit molam, fugit farinam.

شانه خالی کن ز کار و لنگ نان شب بمان.

دلیل راحت ملک عدم همین کافی است

که هرکه رفت به آن راه، برنمی‌گردد.   صائب

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer im Grabe liegt, dem ist wohl gebettet.

او که در خاک گور جا کرده

خوب جایی به دست آورده.

دم خروس را باور کنم یا قسم حضرت عباس را؟

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No creais, marido, lo que veeredes, sino lo que yo os dixeré.

شوهرم، نه آنچه را می‌بینی، که فقط آنچه را من به تو می‌گویم باور کن.

دماغ دیگران را پاک کردن

همیشه عشق افراد دماغوست. م. ا.

معادل فرانسوی:

Les morveux veulent toujours moucher les autres.

دماغوها همیشه می‌خواهند دماغ دیگران را پاک کنند.

دنبال خر مرده می‌گردد، نعلش را بکند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He gangs lang barefoot that waits for dead men's shune.

کسی که منتظر کفش مرده‌ها ماند
زمان دور و درازی برهنه‌پا ماند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui attend les souliers d'un mort risque d'aller pieds nus.

کسی که منتظر کفش مرده‌ای بنشست
برای او خطر پابرهنه ماندن هست.

دندان اسب پیشکشی را نمی‌شمرند.

معادل انگلیسی:

Throw no gift again at the giver's head;
Better is half a loaf than no bread.

هدیه‌ای را بر سر هدیه‌دهنده تو نزن
هرچه باشد، تکه‌نانی بهتر از بی‌نانی است.

معادل لاتین:

Noli equi dentes inspicere donati.

توی دهان اسب پیشکشی را نگاه نکن.

دنیا به کیرش است.

یا: دنیا به تخمش است.

به بایزید گفتند به چه چیز بدین درجت رسیدی؟ گفت: «همه اسباب دنیا را در هم پیچیدم و به ریسمان قناعت بربستم و در منجنیق صدق نهادم و در بحر نومیدی افکندم و برآسودم!» دفتر روشنایی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The best physicians are Doctor Diet,
Doctor Cheeriman, and Doctor Quiet.

پرهیز و شادمانی و آرامش روان
هستند بهترینِ پزشکان این جهان.

It is good to be merry at meat.

کار خوبی است که شاد و شنگول
بر سر سفرهٔ خود بنشینیم.

All happiness is in the mind.

تمام شادمانی‌ها درون ذهن انسان‌اند.

Felicity lies much in fancy.

شادمانی بیش‌تر توی خیال آدمی است.

He is happy that thinks himself so.

خوش و شاد است آن یارو
که خود را شاد داند او.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A man's weel or wae as he thinks himsel sae.

آدمی یا شاد است یا که غمگین باشد
بسته به فکر خودش که کدامین باشد.

دنیا پس مرگ من چه دریا، چه سراب.

معادل عربی: مِن بعدنا الطوفان. (بعد ما طوفان.)

معادل انگلیسی:

After us the deluge.

ما که مُردیم بهل سیل جهان را ببرد.

معادل فرانسوی:

Après moi le déluge.

من که مُردم بگذارید که سیل
آید و کل جهان را ببرد.

دنیا را آب ببرد، او را خواب می‌برد.

معادل ترکی: دونیادان خبری یوخدور. (از دنیا خبر ندارد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

"I don't care," is a deadly snare.

«خیالی نیست» دامی مرگبار است.

دنیا را هخامنشی‌ها اختراع کرده‌اند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is no such flatterer as man's self.

چاپلوسی به همه دنیا نیست
که به پای خود آدم برسد.

دو تا پا داشت، دو تای دیگر هم قرض کرد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fear lends wings.

هول و هراس بال به ما قرض می‌دهد.

دو کلام از مادر عروس.

معادل اسپانیولی:

Habló el buey y dijó Mu.

گاو نر حرف زد و گفت که «ما».

دو گروه‌اند که در میهن ما
راستش را به شما می‌گویند:
مردم تندمزاج عصبی

و کسانی که به‌کل هالویند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fools and madmen speak the truth.

آن‌کسانی که راست می‌گویند
مردم خشمگین و هالویند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer will wissen, wer er sei, erzürne seiner zwei oder drei.

چو خواهد بداند کسی با یقین
که او چیست، راهش فقط باشد این
که همسایه‌اش را کند خشمگین.

دو نفر دزد خری دزدیدند
سر تقسیم به هم جنگیدند
آن دو بودند چو گرم زد و خورد
دزد سوم خرشان را زد و برد.   ایرج میرزا

معادل آلمانی:

Wo sich zweie zanken, gewinnt der Dritte.

دو تن که گرم نزاع‌اند، سومی برده.

معادل هلندی:

Als twee honden vechten om een been, loopt de derde er meê heen.

سر استخوانی دو سگ گرم جنگ
سگ سومی گیرد و جیم‌فنگ.

دوباره؟ مزه‌ش به همین یه باره.

یا: دوباره؟ اخبار یه باره.

معادل انگلیسی:

A tale twice told is cabbage twice sold.

قصه‌ای که دو بار گویی چیست؟
کلمی که دو بار بفروشی است.

دود از کنده بلند می‌شود.

معادل‌های انگلیسی:

An old dog bites sore.

گاز می‌گیرد سگ پیری
دردناک و محکم و کیری.

An old dog barks not in vain.

یک سگ پیر همین‌جور الکی
واغ‌واغی نکند بی‌خودکی.

An old fox needs no craft.

روباه پیر دیگر محتاج حیله‌ای نیست.

An old fox needs no tutor.

روباه پیر را به مربی نیاز نیست.

معادل فرانسوی:

Vieux chien n'aboie pas en vain.

پارس‌های سگ پیر
را تو بیهوده مگیر.

معادل آلمانی:

Bellet ein alter Hund, so soll man aufschauen.

یک سگ پیر اگر پارس کند
خویشتن را تو بپا و دریاب.

معادل ایتالیایی:

Cane vecchio non abbaia indarno.

پارس‌های هر سگ پیری
نیست چیزی بی‌خود و کیری.

معادل لاتین:

Prospectandum vetulo latrante.

پارس وقتی بکند یک سگ پیر
خویشتن را تو از او دور بگیر.

دوست وقتی بی‌سواد و کودن است

دشمن اندر دشمن اندر دشمن است.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: عاغیللی دوشمندن قورخما، دلی دوستدان قورخ.

(از دشمن عاقل نترس، از دوست دیوانه بترس.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better it is to meet a bear bereaved of her whelps, than a fool in his folly.

بهتر است با خرسی که عزادار توله‌هایش است رودررو شوی تا با ابلهی در بلاهتش.

Better unfed than untaught.

آدمی بی‌غذا بماند هم

بهتر از بی‌سواد ماندن اوست.

Better unborn than untaught.

گر قرار است نیاموزی هیچ

به که هرگز متولد نشوی.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Ignorance is a heavy burden.

جهل یک بار گران است به دوش.

دوست همه‌کس دوست هیچ‌کس نیست.

او که یار همه‌جور انسانی است

یاور هیچ کسی نیست که نیست.   م. ا.

معادل انگلیسی:

He that has no enemies has no friends.

هر کسی دشمن ندارد

دوستی اصلاً ندارد.

معادل‌های آلمانی:

Jedermanns Gesell ist Niemands Freund.

هر کسی همدم هر انسانی است

دوست هیچ کسی نیست که نیست.

Jedermanns Freund, Jedermanns Narr.

هر کسی همدم و یار همگان است

اسکل و مسخرهٔ خلق جهان است.

Wer Allen dient, macht sich Keinem verbindlich.

او که با هر کسی رفیق شود

هیچ‌کس را نگه نمی‌دارد.

معادل ایتالیایی:

Amico d’ognuno, amico di nessuno.

هر کسی دوست هر انسانی است

دوست هیچ کسی نیست که نیست.

معادل‌های اسپانیولی:

Amigo do todos y de ninguno todo es uno.

دوست هر کسی و هیچ کسی یک چیز است.

Quien de todos es amigo, ó es muy pobre, ó es muy rico.

او که دوست همه است، یا خیلی فقیر است یا خیلی پولدار.

معادل پرتغالی:

Amigo de todos, e de nenhum, tudo he hum.

دوست هر کس و هر ناکس با

دوست هیچ کسی یک چیز است.

معادل هلندی:

Allemans vriend, is allemans gek.

اسکل خلق جهان است هر آن‌کس که رفیق همگان است.

معادل دانمارکی:

Hvermands Ven, hvermands Nar.

هرکه شد همدم و یار همگان

می‌شود مسخرهٔ خلق جهان.

دوستان آدمی که راستگوست

کم‌تر از انگشت‌های دست اوست.   م. ا.

الراستگو: دشمن همه‌کس. عبید زاکانی – تعریفات ملا دوپیازه

معادل‌های دانمارکی:

Sandtalende Qvinde har faae Venner.

دوستان آن زنی که راستگو باشد کم‌اند.

Dören lukkes haardt i Laas for sandför Mand.

یک راستگو درها را به روی خویش بسته می‌یابد.

معادل لاتین:

Obsequium amicos, veritas odium parit.

چاپلوسی دوستانی آورد

راستگویی دشمنی می‌پرورد. (نقل قولی از ترنس Terence است.)

دوستی با پیلبانان یا مکن

یا طلب کن خانه‌ای درخورد پیل. سعدی – گلستان

معادل ترکی: دوه‌چی ایله دوست اولانین، داروازاسی گئن گرک.

(اگر با شتربان کسی دوستی کرد

در خانه‌اش پهن باید که باشد.)

دوستی به دوستی در، جو بیار، زردآلو ببر.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The purse-strings are the best ties of friendship.

بندهای کیف پول دوستان

بهترینِ رشته‌های دوستی است.

دوستی خاله خرسه.

سِر ریچارد بیکر Sir Richard Baker گفته است:

The kind fool, of all kinds of fools, is worst.

بدترینِ ابلهان این جهان

هست آن ابله که باشد مهربان.

ترک‌ها می‌گویند: جاهیلدن قورخ، دلیدن قورخما. (ز نادان بترس و ز دیوانه نه.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The love of the wicked is more dangerous than their hatred.

عشق آنان که بُود فطرتشان پست

بس خطرناک‌تر از نفرتشان است.

It is foolish to deal with a fool.

با ابلهی طرف شدنت ابلهانه است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's no the fool that the fool is, but he that wi' the fool deals.

هالو نبُود او که خودش یک هالوست

هالو بُود او که سروکارش با اوست.

دوستی دوستی از سرت می‌کَنند پوستی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Save me from my friends.

مرا از دوستان من نگه دار.

God defend me from my friends; from my enemies I can defend myself.

خدا از دوستان من مرا حفظم کند، زیرا

خودم را می‌توانم حفظ کرد از دست دشمن‌ها.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Love your friend and look to yoursel.

عاشق دوست خود باش و خودت را دریاب.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Fra gli amici guardami Iddio, che fra’ nemici mi guarderò io.

خدا ز دست رفیقان بُود نگهدارم

که خویش را خودم از دشمنان نگه دارم.

Amico, e guardati.

یک دوست، و خود را دریاب.

دوصد گفته چون نیم کردار نیست

بزرگی سراسر به گفتار نیست.

تو فقط عرضهٔ قدقد داری

تخم می‌میری اگر بگذاری.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Between promising and performing a man marries his daughter.

مرد بین قول دادن تا عمل

دخترش را نیز شوهر می‌دهد.

Doing is better than saying.

کردن از گفتن بسی نیکوتر است.

Promise little, but do much.

کم وعده بده، اما

بسیار عمل بنما.

Hell is full of good meanings and wishes.

جهنم پر از آرزوها و نیات نیک است.

The road to hell is paved with good intentions.

جادهٔ جهنم با نیات نیک سنگ‌فرش شده است.

Words and feathers are tost by the wind.

حرف و پر هر دو به بادی بندند.

Neither praise nor dispraise thyself; thy actions serve the turn.

نه خود را ستایش کن و نه نکوهش

که اعمالت این کار را می‌نمایند.

The greatest talkers are always the least doers.

کسی که بیش‌تر وراج باشد

همیشه کار او اندک‌ترین است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Tak the will for the deed.

عوض کار همان نیت آن را بپذیر.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

There is no greater fraud than a promise unfulfilled.

حقه‌ای بدتر از آن قولی نیست
که به آن قول وفایی نکنی.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Promettre et tenir sont deux.

قول و عمل دو چیزند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Nichts wiegt leichter als ein Versprechen.

هیچ چیزی سبک‌تر از یک قول نیست.

Worte sind gut, wenn Werke folgen.

سخن‌ها خوب هستند و خوشایند
ولی وقتی عمل‌ها در پی آیند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Di buona volontà sta pieno l'inferno.

دوزخ از نیات نیک آکنده است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El infierno está lleno de buenas palabras.

جهنم مملو از نیات نیک است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Beloven is een, en woord houden is twee.

قول چیزی است، عمل چیز دگر.

Groot-sprekers zijn geene groot-daders.

هر کسی بسیار وراجی کند
کار و کردارش همیشه کم‌تر است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Loven er ærlig, Holden er besværlig.

قول دادن همیشه آسان است
دردسر در اجابت آن است.

ده آدمی بر سفره‌ای بخورند و دو سگ بر مرداری با هم به سر نبرند. سعدی – گلستان

معادل ترکی: ایکی ائششک بیر آخوردان آرپا یئمز. (دو خر از یک آخور جو نمی‌خورند.)

معادل آلمانی:

Zwei Hunde an einem Bein, kommen selten überein.

دو تا سگ سر تکه‌ای استخوان

نخواهند شد یک‌دل و یک‌زبان.

توی حرف دیگری هرگز نپر

ده نفر با هم که صحبت می‌کنند

نشنوی چیزی به‌غیر از عرّوعر. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When all men speak, no man hears.

همه با هم که سخن می‌گویند

نشنود هیچ کسی حرف کسی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

There's an act in the Laird o' Grant's court, that no abune eleven speak at ance.

در دربار لردِ گرانت قانونی هست که بیش از یازده نفر نباید همزمان حرف بزنند.

(وقتی گفته می‌شود که چند نفر همزمان حرف می‌زنند.)

دهنت سرویس ژاپن!

= این وسیله عجب تکنولوژی پیشرفته‌ای دارد!

آلمانی‌ها می‌گویند:

Die Kleinen reden gar so gern von dem, was die Großen thun.

آدم‌های کوچک خیلی دوست دارند دربارهٔ کارهای آدم‌های بزرگ حرف بزنند.

دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتیم یافت می‌نشود، جسته‌ایم ما

گفت آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست. مولوی

نوهٔ جاکش میمون را باش

شده ترکیب گه سگ با شاش.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Good people are scarce.

مردم نیک سخت کمیاب‌اند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Gude folk are scarce, tak care o' me.

مردم نیک سخت کمیاب‌اند

پس حواس شما به من باشد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Fromme Leute wohnen weit auseinander.

مردمان خوب خیلی دور از هم زندگانی می‌کنند.

همنشین مردم محتاج اندر زحمت است

دیده کم‌نور است، بینی بار عینک می‌کشد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Help yourself and your friends will like you.

یار خود باش تا که یارانت

همه باشند دوستدارانت.

Be a friend to thyself, and all will befriend thee.

تو در آغاز دوست شو با خود

همه‌کس با تو دوست خواهد شد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ser' yoursel', and your friends will think the mair o' ye.

تو خودت خیز و به خود خدمت کن

دوستان بیش عزیزت دارند.

دیر آمد، ولی شیر آمد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ce qui est différé n’est pas perdu.

هرچه یک‌خرده معطل کرده‌ست

نتوان گفت به‌کل رفته ز دست.

دیگ به دیگ می‌گه روت سیاه.

معادل ایتالیایی:

La padella dice al paiuolo: Fatti in là, che tu mi tigni.

گفت ماهیتابه دیگی را که آه

دور شو از من، مرا کردی سیاه.

معادل اسپانیولی:

Dijó la sarten á la caldera, Tirte allá, cul negra.

گفت ماهیتابه کتری را که آه

دور شو از پیش من ای کون‌سیاه.

معادل هلندی:

De pot verwijt den ketel, dat hij zwart is.

به کتری دیگ می‌گوید سیاهی.

معادل دانمارکی:

“Fy dig an, saa sort du er!” sagde Gryden til Leerpotten.

«اَه اَه که چه‌سان سیاه هستی.»

کتری به کماجدان چنین گفت.

دیگی که برای من نجوشد، سر سگ تویش بجوشد.

اگر من بی‌نصیب از آش باشم

درون دیگ آن باید بشاشم. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You think all is lost that goes beside your own mouth.

تو خیال می‌نمایی که هرآنچه از کنارِ

دهن تو رد شد و رفت، به‌کل به باد رفته.

دین ما توی مغز ما شاشید

ذهن ما توی شاش غوطه‌ور است. م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El que no duda, no sabe cosa alguna.

او که شکی نکند جاهل مطلق باشد.

زاهد ار رندی حافظ نکند فهم، چه شد

دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When the devil preaches, the world’s near an end.

چو ابلیس بالای منبر رود

زمین و زمان رو به آخر رود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Detras de la cruz está el diablo.

شیطان پشت صلیب کمین می‌کند.

Quando el diablo reza, engañarte quiere.

هر زمان ذکر بگوید شیطان

شیره خواهد که بمالد سرمان.

دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد.

معادل ترکی: هر دیوارین قولاغی وار. (هر دیواری گوش دارد.)

معادل‌های انگلیسی:

There are always ears on the other side of the wall.

همیشه در پس دیوار گوشی است.

Hedges have eyes and walls have ears.

چپر چشم دارد و دیوار گوش.

The day has eyes, the night has ears.

روز را چشمی و شب را گوشی است.

Fields have eyes, and woods have ears.

دشت‌ها چشم دارند و جنگل‌ها گوش.

معادل آلمانی:

Der Wald hat Ohren, das Feld hat Augen.

جنگل گوش دارد، دشت چشم دارد.

معادل‌های ایتالیایی:

Le siepi non hanno occhi, ma orecchie.

پرچین‌ها چشم ندارند، اما گوش دارند.

Anche i boschi hanno l’orecchie.

حتی جنگل‌ها گوش دارند.

معادل اسپانیولی:

Tras pared ni tras seto, no digas en secreto.

رازهای خویشتن را ای عمو
پشت پرچین یا که دیواری نگو.

معادل پرتغالی:

As paredes tem ouvidos.

دیوارها گوش دارند.

دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید.

ترک‌ها می‌گویند: دلی دلییه خوش گه‌لر. (دیوانه به چشم دیوانه خوش می‌آید.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Feckless folk are fain o' ane anither.

ابلهان دلبستهٔ یکدیگرند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein Narr lobt den andern.

مشنگی مشنگ دگر را ستایش کند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Krage söger vel sin Mage.

جفت خود را کلاغ خواهد یافت.

رومیان باستان می‌گفتند:

Asinus asino, et sus sui pulcher.

خری خوشگل است از نگاه خری
و خوکی هم از چشم آن دیگری.



راستی و انصاف و مسلمانی از بازاریان مطلبید.   عبید زاکانی – صد پند

البازاری: آن که از خدا نترسد.   عبید زاکانی – تعریفات

ترک‌ها می‌گویند: کاسیبدان آللاه دا بئزاردیر. (خدا هم از کاسب بیزار است.)

بازار شئیطان یوواسیدیر. (بازار لانهٔ شیطان است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The first article that a young trader offers for sale is his honesty.

آن نخستین قلم ز کالاها
آن که چون دشت اول طرف است
که فروشنده‌ای جوان آن را
می‌فروشد به مشتری شرف است.

Sell not thy conscience with thy goods.

هنگام فروش جنس خود باش به هوش
وجدان خودت را نگذاری به فروش.

Happy is the man whose father went to the devil.

ای خوشا آن پسری که پدرش
سوی ابلیس فتاده گذرش
(= پدر ارثیهٔ هنگفت حرام
مرد و بگذاشت برای پسرش).

Near is my purse, but nearer is my soul.

گرچه نزدیک است جیب من به من
روح من باشد ولی نزدیک‌تر.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il ne faut que tourner le dos à Dieu pour devenir riche.

هر کس که بخواهد بشود یک دارا

باید بکند پشت خودش را به خدا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein Krämer, der nicht Mausdreck für Pfeffer aufschwatzen kann, hat sein Handwerk nicht gelernt.

دستفروشی که نتواند فضلهٔ موش را به‌جای فلفل جا بزند، هنوز حرفه‌اش را یاد نگرفته.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi ha paura del diavolo, non fa roba.

مرد دارایی نخواهد شد کسی
گر ز شیطان می‌هراسد او بسی.

Per diventar ricco, non ci vuol altro che voltar le spalle a Dio.

هر کس که بخواهد بشود ثروتمند
باید به خدا پشت نماید یک‌چند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Abrenuncio Satanas, mala capa llevarás.

حضرت ابلیس را انکار کن
تا ردای ژنده‌ای بر تن کنی.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Guai do filho, que o pai vai ao paraiso.

وای بر آن پسری که پدرش
سوی فردوس فتاده گذرش
(= پدرش مرد شریفی بود و
ارث نگذاشت برای پسرش).

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Retfærdig bliver aldrig braadrig.

کی یک انسان شریف و پاکدست
با شتابی پولداری گشته است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Dives aut iniquus, aut iniqui hæres.

هرکه مال و ثروتی دارد به دست
ناکسی یا وارث یک ناکس است.

پول نفت بی‌زبان مملکت

در فلسطین است و لبنان نیز هم

راه قدس از روی ما رد می‌شود

از مسیر شرت مامان نیز هم.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi dà del pane a' cani d'altri, spesso viene abbaiato da suoi.

او که به سگ‌های مردم نان می‌دهد معمولاً سگ خودش به طرفش پارس می‌کند.

رفاقت‌ها بوی شاش گرفته.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is wise who can make a friend of a foe.

او که دشمن را تواند کرد دوست

آدم فهمیده و عاقل هموست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Mieux vaut avoir ami en voye qu'or ou argent en corroye.

دوستی داشتن اندر جاده

بهتر از سیم و زری در جیب است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein Feind ist zu viel, und hundert Freunde sind zu wenig.

هست یک دشمن برایت بس زیاد

زان‌طرف صد دوست هم خیلی کم است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een goed vriend is beter dan zilver en goud.

یک دوست خوب بهتر از سیم و زر است.

Een vriend is beter dan geld in de beurs.

یک دوست به از پول درون جیب است.

رندی دیدم نشسته بر خنگ زمین

نه کفر و نه اسلام و نه دنیا و نه دین

نه حق، نه حقیقت، نه شریعت، نه یقین

اندر دو جهان که را بُود زهرهٔ این؟   خیام

کسی خوشبوترین انسان دنیاست
که از هر بوی میرایی مبراست
میان مسجد و میخانه راهی است
که رد کفش‌های حافظ آن‌جاست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
He smells best that smells of nothing.
او که بویی ندهد از همه خوشبوی‌تر است.

رومیان باستان می‌گفتند:
Mulier recte olet ubi nihil olet.
هر زنی از بوی هر چیزی بری است
صاحب بوی خوش و شیرین‌تری است. (نقل قولی از پلاوتوس Plautus است.)

زنهار، مکن تا بتوانی طلب علم
کاندر طلب راتب هرروزه بمانی
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز
تا داد خود از کهتر و مهتر بستانی.   انوری

لولی‌ای با پسر خود ماجرا می‌کرد که تو هیچ کاری نمی‌کنی و عمر در بطالت به سر می‌بری. چند با تو گویم که معلق زدن بیاموز، سگ ز چنبر جهانیدن و رسن‌بازی تعلم کن تا از عمر خود برخوردار شوی. اگر از من نمی‌شنوی، به خدا تو را در مدرسه اندازم تا آن علم مرده‌ریگ ایشان بیاموزی و دانشمند شوی و تا زنده باشی، در مذلت و فلاکت و ادبار بمانی و یک جو از هیچ جا حاصل نتوانی کرد.   عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

آلمانی‌ها می‌گویند:
Wer Ehre verdient, bekommt sie nicht; und wer sie hat, verdient sie nicht.
کسانی که لیاقت جاه و مقام را دارند، آن را از دست می‌دهند و کسانی که آن را به دست می‌آورند، لیاقتش را ندارند.

روبرو خاله، پشت سر چاله.

بیچاره که نیست غیر رنج و تعبش

روزش سیه و سیه‌تر از روز شبش
برگو چه بُود چارهٔ آن بیچاره
چاهی جلویش باشد و کیری عقبش.   خاکشیر

معادل انگلیسی:

Between Scylla and Charybdis.

بین سیلا و خاریبدیس.

(سیلا و خاریبدیس: طبق روایت *اودیسهٔ* همر دو هیولای آدمخوار دریایی بودند که اولیس باید با قایقش از میانشان می‌گذشت.)

معادل‌های لاتین:

A fronte præcipitium, a tergo lupus.

پرتگاهی پیش رو، گرگی ز پس.

Inter malleum et incudem.

در میان چکش و سندان.

Incedit in Scyllam qui vult vitare Charybdim.

در تلاش برای فرار از خاریبدیس به چنگ سیلا می‌افتد.

رودهٔ تنگ به یک نان تهی پر گردد
نعمت روی زمین پر نکند دیدهٔ تنگ.   سعدی – گلستان

معادل‌های انگلیسی:

His eye is bigger than his belly.

چشم او از شکمش گنده‌تر است.

The niggard never hath enough.

خسیس را ابداً هیچ سیرمونی نیست.

He is not poor that hath little, but he that desireth much.

فقیر او که دارایی‌اش کم بُود نیست
فقیر است آن‌کس که خواهان خیلی است.

معادل‌های اسکاتلندی:

Your een's greedier than your guts.

حرص چشمانت فزون از روده‌هاست.

A greedy ee never had a fu' wame.

هیچ زمان چشم حریصی شکمی سیر نداشت.

معادل هلندی:

De oogen zijn groter dan de buik.

چشم‌ها از شکم بزرگ‌ترند.

معادل‌های دانمارکی:

Man fylder för Maven paa en Skalk end Öiet.

سیر کردن شکم یک رذل آسان‌تر از سیر کردن چشم اوست.

Gierrig Mands Taske bliver aldrig fuld.

کیسهٔ مرد حریصی ابداً پر نشود.

روده‌های شیخ ما یک معجزه‌ست
از خود قم ریده تا واشنگتن. م. ا.

آن شیخ که با هر عمل و هر سخنش
شاشیده و ریده است توی وطنش
کیر همهٔ مردم خرکیر وطن
در کون و کس و دهان و لاپای زنش. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Priests and doves, make foul houses.

کبوتران و کشیشان به خانه گند زنند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui veut tenir nette maison, il n’y faut prêtre ni pigeon.

کسی که خانهٔ خود را تمیز می‌خواهد
به هیچ وجه نباید اجازه‌ای بدهد
کبوتری و کشیشی قدم بدان بنهد.

روز نُه دی حماسه‌ای تاریخی است
این روز ولنتاین مدل کس‌میخی است. م. ا.

این خواهر منگِ از خریت سرمست

عاشق شد و دل به حضرت آقا بست
شاید که خدا ریده و روز نُه دی
با روز ولنتاین مصادف شده است.   م. ا.

آخرین خنده‌های من کی بود؟
آخرین خنده‌های من کی بود؟
آخرین خنده‌های من کی بود؟
...
یادم اومد، همون نه دی بود
توی اخبار عمه‌مو دیدم
آی خندیدم، آی خندیدم!   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The mob has many heads, but no brains.

عوام‌الناس را سر گرچه خیلی است
ولیکن توی آن مغزی به‌کل نیست.

روزگار ار به کام ما نبُود
کیر در کون روزگار کنیم.   عبید زاکانی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Accusing the times is but excusing ourselves.

این سرزنش دور و زمونه
توجیه خطای خودمونه.

باز فصل انتخابات آمده
دیگر از هر وعده‌ای سرخورده‌ایم
وعده‌ای مانده که ما خوش‌باوران
مثل خرها دل به آن نسپرده‌ایم؟
روزگاری خوش فرا خواهد رسید
گرچه تا آن‌وقت دیگر مرده‌ایم.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Living in hope is like dancing without music.

زندگی با امید دانی چیست؟
مثل رقص بدون موسیقی است.

روزه گرفتن برای سلامتی مفید است.

پزشکان تلویزیون جمهوری اسلامی یازده ماه از سال دربارهٔ لزوم خوردن صبحانه و نوشیدن مایعات کافی حرف می‌زنند، اما در ماه رمضان، با انقلاب شگفتی که در عرصهٔ علم پزشکی رخ می‌دهد، از فواید روزه گرفتن داد سخن می‌دهند.

روزه هرچند که مهمان عزیز است ای دل
صحبتش موهبتی دان و شدن انعامی. حافظ

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Det er bedre at möde vred Mand end fastende.
بهتر است با یک مرد عصبانی روبرو شوی تا یک مرد روزه‌دار.

روزی که برف سرخ ببارد از آسمان
بخت سیاه اهل هنر سبز می‌شود. صائب

او که عمرش را سر علم و هنر بنهاده است
دسته‌بیلی گویی او در کون خود جا داده است
بعد مثل یک خر نر، از خریت مستِ مست
با کمال حدت و شدت خودش را گاده است. م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:
De rozen vallen af, maar de doornen blijven over.
گل‌های سرخ فرو می‌ریزند، اما خارها پابرجا می‌مانند.

روزی ما درِ کون خر حواله شده بود.

معادل ترکی: روزیمیز دوشوب کور ملیگین الینه. (روزی ما به دست فرشتهٔ کور افتاده.)

روی گدا سیاه است، ولی کیسه‌اش پر است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Viele Handwerke, Betteln das Beste.

میان این‌همه حرفه، گدایی بهترین باشد.

روی گه کسی اسکی رفتن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Imitation is the sincerest form of flattery.

تقلید خالصانه‌ترین خایه‌مالی است.

ریدی با رهٔ رهبری.

یا: ریدی با رهٔ رسول الله.

= به طرز فجیعی خرابکاری کردی یا کم آوردی.

ریدی، دیگر همش نزن.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Plus on remue la merde et plus elle pue.

هرقدَر بیش‌تر همش بزنی
گند آن بیش‌تر بلند شود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Je mehr man den Dreck rüttelt, je mehr stinkt er.

باتلاقی را هرآنچه بیش‌تر هم می‌زنی
بوی گند و نکبتش هر دم فزون‌تر می‌شود.

هلندی‌ها می‌گویند:

Hoe meer men de stront roert, hoe meer ze stinkt.

هرچه گه را بیش‌تر هم می‌زنی
بوی گند آن فزون‌تر می‌شود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Desmere man rörer ved Skarn desværre lugter det.

یک نجاست را هرآنچه بیش‌تر هم می‌زنی
بوی گند و نکبتش هر دم فزون‌تر می‌شود.

Hvo som vil röre i Skarn, faaer og lugte det.

اگر هم می‌زنی گندابه‌ای را
تو مجبوری که با بویش بسازی.

ریز می‌بینمت.

رومیان باستان می‌گفتند:

Pica certat cum luscinia!

زاغ با بلبل رقابت می‌کند!

ز

ز بی‌پولی بنالد آدمیزاد
ولیکن هیچ‌کس را دیده‌ای که
ز بی‌عقلی برآرد بانگ و فریاد؟   م. ا.

معادل اسکاتلندی:

A' complain o' want o' siller, but nane o' want o' sense.

ز بی‌پولی بشر شکوا برآرد
ز بی‌عقلی شکایت کس ندارد.

ز راه میکده یاران، عنان بگردانید
چرا که حافظ از این راه رفت و مفلس شد.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every one has a penny to spend at a new ale-house.

هر مردی یک پنی دارد که در یک آبجوفروشی جدید خرج کند.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Take your thirst to the stream, as the dog does.

تشنگی‌ات را طرف نهر بر
مثل همان کار که سگ می‌کند. (= موقع تشنگی آب بخور، نه مشروب.)

ز شیر شتر خوردن و سوسمار
عرب را به جایی رسیده‌ست کار
که تاج کیانی کند آرزو
تفو بر تو ای چرخ گردون، تفو.   فردوسی

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Abaixaõ-se as cadeiras, levantaõ-se as tripeças.

صندلی‌ها فرو می‌روند و چارپایه‌ها بلند می‌شوند.

ز ناپاکزاده مدارید امید

که زنگی به شستن نگردد سفید. فردوسی

معادل ترکی: دلییه عاغیل، قارایا صابون کار ائیله‌مز. (عقل برای دیوانه و صابون برای سیاه کاری نمی‌کند.)

معادل‌های انگلیسی:

A crow is never the whiter for washing herself often.

هرچه هم شست‌وشو کند یک زاغ

رنگ و رویش سفیدتر نشود.

You cannot wash charcoal white.

نخواهی توانست با شست‌وشو

زغال سیه را سپیدش کنی.

معادل اسکاتلندی:

A craw will no wash white.

زاغ با شستن خود مرغ سفیدی نشود.

معادل‌های فرانسوی:

A laver la tête d'un âne on ne perd que le temps et la lessive.

کلهٔ یک الاغ را شستن

یعنی اتلاف وقت با صابون.

Lavez chien, peignez chien, toutefois n'est chien que chien.

سگی را بشوی و بر او شانه زن

ولی باز یک سگ فقط یک سگ است.

معادل پرتغالی:

Ensaboar a cabeça do asno, perda do sabão.

کلهٔ یک الاغ را شستن

یعنی اتلاف کامل صابون.

معادل هلندی:

Het is den moriaan geschuurd.

سفید کردن کاکاسیاه با شستن.

معادل دانمارکی:

Kragen er ikke des hvidere, at hun tidt toer sig.

هرقدر هم کلاغ کند شست‌وشو، دگر
رنگش از این که هست نگردد سفیدتر.

زانچه یک کس‌خل خر فرماید
ای بسا فتنه که برمی‌آید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool’s tongue is long enough to cut his own throat.

زبان یک ابله بلند آن‌قدَر هست
که راحت گلوی خودش را ببرد.

A fool's mouth is his destruction.

دهان ابلهی نابودی اوست. (یکی از امثال سلیمان است.)

زاهد خام که انکار می و جام کند
پخته گردد چو نظر بر می خام اندازد. حافظ

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Buon vino fa buon sangue.

شراب خوب اخلاق آدم را خوب می‌کند.

زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد.

بسته وقتی می‌شود زیپ دهان
هیچ شری درنمی‌آید از آن. م. ا.

معادل‌های ترکی: آدامی سؤزوندن توتارلار، حئیوانی بوینوزوندان.
(انسان را از حرفش می‌گیرند، حیوان را از شاخش.)

دیل باشا بلادیر. (زبان بلای سر است.)

معادل‌های انگلیسی:

The tongue talks at the head’s cost.

زبان به قیمت سر حرف می‌زند.

An ox is taken by the horns, and a man by the tongue.

گاو را از شاخ او و مرد را
از زبان مرد در دام آورند.

A dumb man has no enemy.

آدم لال را عدویی نیست.

Temper your tongue.

زبان خودت را ملایم بکن.

A wise head keeps a still tongue.

سری فرزانه و باهوش
زبان را می‌کند خاموش.

He that can rule his tongue shall live without strife.

مرد وقتی که مسلط بر زبان خویش بود
او بدون جنگ و دعوا زندگی خواهد نمود.

Mrs. Chatterbox is the mother of mischief.

خانم چترباکس مادر شرارت است. (چترباکس: جعبهٔ وراجی.)

معادل‌های اسکاتلندی:

A wise head maks a close mouth.

سری عاقل دهان را بسته دارد.

Fair words are nae cause o' feuds.

حرف‌های دلفریب و دلپسند
منشأ دعوا و جنگی نیستند.

Keep your gab steekit when ye kenna your company.

دهانت را ببند آن‌موقعی که
ندانی همدم و هم‌صحبتت کیست.

معادل‌های فرانسوی:

Mieux vaut glisser du pied que de la langue.

به که ما را پا بلغزد تا زبان.

Le bœuf par la corne et l'homme par la parole.

گاو را از شاخ او و مرد را

از کلام و گفته‌اش در بند کش.

معادل آلمانی:

Schweigen und Denken kann Niemand kränken.

خامشی و حوصله در کار خود

مایهٔ اندوه نخواهند شد.

معادل ایتالیایی:

De’ grandi e de’ morti o parla bene, o taci.

از مردگان و نیز بزرگان — به هوش باش

یا حرف‌های خوب بزن یا خموش باش.

معادل اسپانیولی:

Yo sé que me sé, mas de esto callar me he.

بنده می‌دانم آنچه می‌دانم

لیک حتی کلامی از آن را

این محال است بر زبان رانم.

معادل یونانی:

Ou legein deinos, alla sigan adynatos.

هیچ چیز هولناک‌تر از سخنگویی نیست که نمی‌تواند جلوی زبانش را بگیرد.

معادل لاتین:

Quod scis, nescis.

فکر خود را پیش خود محفوظ دار.

زبان یأجوج و مأجوج است.

معادل انگلیسی:

It is Greek to me.

این برایم زبان یونانی است

(= این سخن یا نوشته‌ای گنگ است

من ندانم که معنی آن چیست).

زبانش رفته توی کونش.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Quiet as a mouse.

خاموش مثل یک موش.

They are as mute as fishes.

خاموش همچون ماهیان‌اند.

زبانش مثل فرفره می‌چرخد.

معادل انگلیسی:

He has more tongue than teeth.

تعداد زبان‌های طرف بیش‌تر از دندان‌هاست.

زبان‌ها لال گردند آن زمانی
که چوب تر کند شیرین‌زبانی.   م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No hay tal razon como la del baston.

هیچ برهانی چو برهان چماقی نیست.

زر زدن که مالیات ندارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fair words break no bones.

حرف‌های دلفریب و دلپسند
استخوان هیچ‌کس را نشکنند.

Honey in the mouth saves the purse.

عسل توی دهان ناجی کیف پول است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Douce parole n'écorche pas langue.

کجا واژه‌های خوش و دلپسند
زبان کسی را خراشی دهند.

زرنگ ته چاه است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A tricky man's easiest tricket.

آن‌کسی که حقه‌باز و ناتو است

خلق راحت‌تر فریبش می‌دهند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les plus rusés sont les premiers pris.

آن‌کسان کز همه مکارترند

از همه زودتر افتند به بند.

زرنگی زیاد فقر می‌آورد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Per saper troppo, perdè la sua coda la volpe.

دم روباه اگر رفت به باد

علتش بود زرنگی زیاد.

زرنگی زیاد مایهٔ جوانمرگی است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that will be rich before night, may be hanged before noon.

او که می‌خواهد شود یک‌روزه مردی پولدار

احتمالاً نصفه‌روزه می‌رود بالای دار.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi vuol arricchire in un anno, è impiccato in sei mesi.

او که می‌خواهد سر یک سال گردد پولدار

او سر شش ماه خواهد رفت بر بالای دار.

Non ride sempre la moglie del ladro.

زن یک دزد همواره نخندد.

زعفران که زیاد شد، به خورد خر می‌دهند.

معادل ترکی: وسمه بول اولاندا قاشا دا چکرلر، گؤزه ده.

(وسمه که مفت باشد، هم به ابرو می‌کشند، هم به چشم.)

زکات تخم‌مرغ یک پنبه‌دونه‌ست.

= مورچه چیه که کله‌پاچه‌ش چی باشه.

معادل ترکی: تویوغون جریمه‌سی بیر یومورتادیر. (جریمهٔ مرغ یک تخم‌مرغ است.)

زمانه با تو نسازد، تو با زمانه بساز.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If your hand be bad, mend it with good play.

اگر دست بدی آمد برایت

درستش کن تو با بازی خوبی.

Every one puts his fault on the times.

اشتباهات خویش را هر کس

پای دور و زمانه بگذارد.

Lots of people confuse bad management with destiny.

سوءتدبیر را عموماً با

سرنوشت اشتباه می‌گیرند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Schick dich in die Zeit.

خویشتن را با زمانه وفق ده.

زمانه بس‌که پلید و پلشت و مسخره شد

عیارسنجی خورشید کار شب‌پره شد. محمدرضا شفیعی کدکنی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Like a treatise on light and colours by a blind man.

مثل رساله‌ای دربارهٔ نور و رنگ‌ها؛ تألیف مردی کور.

A blind man’s wife needs no paint.

هر زنی همسر مردی کور است

از بزک کردن خود معذور است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A blind man's wife needs nae painting.

عیال مرد نابینا نیازی

به سرخاب و سفیدابی ندارد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il cieco non dee giudicar dei colori.

در مورد رنگ‌ها قضاوت کردن

از آدم کور برنیاید ابداً.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

La muger del ciego para quien se affeyta?

زن مردی که هست نابینا

بهر کی پس بزک کند خود را؟

زمانی که سری روی تنم نیست

نیازی هم به سر خم کردنم نیست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is no time to stoop when the head is off.

زمانی که سری روی تنت نیست

دگر هنگام سر خم کردنت نیست.

زندگی با نسخه‌های یک پزشک

هست توی مایه‌های ای زرشک. م. ا.

معادل لاتین:

Qui medice vivit, misere vivit.

او که با نسخهٔ دکتر بزید

با غم و درد و تأثر بزید.

زنگیان دشمن آیینهٔ بی‌زنگارند

طمع روی دل از تیره‌دلان نیست مرا. صائب

آلمانی‌ها می‌گویند:

Es steckt nicht im Spiegel, was man im Spiegel sieht.

آنچه بینند که در آینه‌ای است

هرکجا هست در آن آینه نیست.

زورش به خر نمی‌رسد، پالان خر را برمی‌دارد.

معادل آلمانی:

Man schlägt auf der Sack und meint den Müller.

ما گونی را می‌زنیم و منظورمان آسیابان است.

معادل ایتالیایی:

Chi non può batter il cavallo, batte la sella.

او که نمی‌تواند اسب را بزند، بگذار زین را بزند.

معادل اسپانیولی:

Zurrar á uno la badana.

ژاکت فردی را زدن.

زیادی از بالا نگاه نکن، یهو دیدی عقاب شدی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Set a stout heart to a stey brae.

آدم متکبر را به دامنه‌ای با شیب تند بفرست.

زیر شالش قرص است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A full purse makes the mouth to speak.

کیسه‌ای پر هر دهانی را به گفتار آورد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Teem bags rattles.

کیسه‌های پر جرینگ جرینگ می‌کنند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui a de l’argent a des pirouettes.

هرکه پول‌وپله‌ای دارد او
جست‌وخیزی بنماید که نگو.

Je ne vis oncques riche muet.

من به عمرم ندیده‌ام جایی
آدم کم‌صدای دارایی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als de zak vol is, reegt hij zijn oren.

کیسه وقتی سربه‌سر آکنده است
سیخ می‌گیرد دو گوش خویش را.

گاوی است بر آسمان، قرین پروین
گاوی است دگر، نهفته در زیر زمین
گر بینایی، چشم حقیقت بگشا
زیر و زبر دو گاو مشتی خر بین. خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The world is full of fools.

جهان مملو از کس‌ببوها بُود.

زیره به کرمان بردن.

معادل‌های انگلیسی:

Like carrying coals to Newcastle.

مثل زغال سنگ به نیوکاسل بردن. (منطقهٔ نیوکاسل در انگلستان معادن زغال سنگ بسیاری دارد.)

Do not carry water to the river.

آب را سوی رودخانه نبر.

معادل فرانسوی:

Porter de l’eau à la rivière.

آب را جانب رود آوردن.

معادل اسپانیولی:

Vender miel al colmenero.

به زنبورداری عسل فروختن.

معادل پرتغالی:

Levar agoa ao mar.

آب را جانب دریا بردن.

معادل هلندی:

Spaanderen naar Noorwegen brengen.

درختان صنوبر را به نروژ بردن.

معادل یونانی:

Γλαῦκας είς Ἀθήνας.

بردن جغدها سوی آتن.

معادل‌های لاتین:

In sylvam ligna ferre.

بردن هیزم به سوی جنگلی.

Juxta fluvium puteum fodit.

در کنار رود چاهی می‌کند.

زین حسن تا آن حسن صد گز رسن.

معادل انگلیسی:

There is some distance between Peter and Peter.

فاصله‌ای هست بین پیتر و پیتر.

معادل اسکاتلندی:

A' Stuarts are no sib to the king.

همهٔ استوارت‌ها فامیل شاه نیستند. (استوارت نام خانوادگی تعدادی از شاهان اسکاتلند بوده است.)

معادل اسپانیولی:

Algo va de Pedro á Pedro.

بین پدرو و پدرو یک‌نموره فاصله هست.

زین خران تا چند باشی نعل‌دزد
گر همی‌دزدی، بیا و لعل دزد. مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As well be hanged for a sheep as for a lamb.

چه فرقی می‌کند که گوسفندی
بدزدی یا به‌جایش بره‌ای را
برای هر دوی این‌ها به یک شکل
ز چوب دار خواهی رفت بالا.

س

ساعت خواب.

رومیان باستان می‌گفتند:

Septem horas dormisse sat est juvenique, senique.

هم برای پیر و هم بهر جوان
هفت ساعت خواب در شب کافی است.

سالی به دوازده ماه ما می‌بینیم، یک دفعه هم تو ببین.

گوسفندی از جویی پرید. دنبه‌اش بالا رفت و فلانش آشکار شد. بز داد زد: «دیدم.» گوسفند گفت: ...

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mal se cubre la cabra con el rabo.

بز نمی‌تواند خودش را با دمش خوب بپوشاند.

سبو به راه آب شکند.

معادل دانمارکی:

Krukken gaaer saa længe til Kilde, til hun faaer knæk.

کوزه‌ای سر می‌زند چندان به چاه
تا بیفتد بشکند در بین راه.

سجیل دسته‌بیلی است، تولید می‌شود تا
در کون نسل شصت و هفتاد رفته باشد.   م. ا.

این شعله که بر بام خود انداخته‌ایم
سجیل و شهابی است که خود ساخته‌ایم
زیبایی صلح را پس از آن‌همه جنگ
ای وای به ما، هنوز نشناخته‌ایم.   م. ا.

سخت ممنوع که شد آسان است

زشت وقتی قدغن شد زیباست.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Forbid a thing, and that everybody will do.

تو فقط کاری‌یو بکن قدغن

تا همون کارو دیگران بکنن.

سخن شیخان باور مکنید تا گمراه نشوید و به دوزخ نروید.   عبید زاکانی – صد پند

الشیخ: ابلیس.   عبید زاکانی – تعریفات

آلمانی‌ها می‌گویند:

Gott ist überall, außer wo er seinen Statthalter hat.

خداوند در هرکجا هست، جز

در آن‌جا که دارد نماینده‌ای.

سخنت دلفریب و شیرین است

شک ندارم به‌کل دروغین است.   م. ا.

معادل اسکاتلندی:

I can scarce believe ye, ye speak so fair.

بهر من باور این گفتهٔ تو سنگین است

سخنان تو دل‌انگیز و خوش و شیرین است.

سر بار مال خر بردبار است.

معادل انگلیسی:

All lay load on the willing horse.

بارها را همگان بار همان اسب کنند

که خودش از دل و جان طالب این بارکشی است.

معادل اسکاتلندی:

The willing horse is aye worked to death.

اسب اگر مشتاق کار و زحمت است

تا به حد مرگ در کارش کشند.

معادل فرانسوی:

On touche toujours sur le cheval qui tire.

هر زمان یک اسب بهتر بار برد

بیش‌تر از دیگران شلاق خورد.

معادل آلمانی:

Das Pferd, das am Besten zieht, bekömmt die meisten Schläge.

هر زمان اسبی فزون‌تر بار برد

بیش‌تر از دیگران شلاق خورد.

سر باشد، کلاه بسیار است.

یا: گوش باشد، گوشواره بسیار است.

معادل فرانسوی:

Qui a bonne tête ne manque pas de chapeaux.

سری خوب لنگ کلاهی نماند.

معادل آلمانی:

Wer einen Kopf hat, bekommt leicht einen Hut.

مردی که سری دارد محتاج کلاهی نیست.

سر بریده سخن نگوید.

معادل‌های انگلیسی:

Dead men tell no tales.

مرده‌ها قصه‌ای نمی‌گویند.

Dead men tell no lies.

مرده‌ها حرف دروغی نزنند.

Dead dogs bark not.

سگ‌های مرده واغّوواغی نمی‌کنند.

معادل پرتغالی:

Homem morto, naõ falla.

مرد مرده سخن نمی‌گوید.

معادل دانمارکی:

Den Gaas kiække rikke mere som Hovedet er af.

غاز وقتی سرش رود بر باد
بانگ و فریاد سر نخواهد داد.

سر قبرم نرین، از فاتحه خواندنت گذشتم.

زنبور درشت بی‌مروت را گوی
باری چو عسل نمی‌دهی، نیش مزن.   سعدی - گلستان

امیدوار بُود آدمی به خیر کسان
مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان.   سعدی - گلستان

معادل ترکی: درویشه بیر شئی وئرمیسن، کشکولون بس نییه سیندیریرسان؟
(حالا که به درویش هیچ چیز نداده‌ای، چرا کشکولش را می‌شکنی؟)

سر قبری گریه کن که مرده توش باشد.

یا: این قبری که داری سرش گریه می‌کنی مرده توش نیست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
To drop a bucket into an empty well.

توی چاهی خشک سطل انداختن.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
En el rio do no hay pezes por demas es echar redes.

توی رودی که در آن ماهی نیست
تور انداختن یک آدم
عمل بی‌خود و بی‌فایده‌ای است.

سر کچل و عرقچین؟ کون کج و کمرچین؟

هلندی‌ها می‌گویند:
Geen kroon heeft hooftzweer.

تاج دوای سردرد نیست.

سر گرگ باید هم اول برید

نه چون گوسفندان مردم درید.   سعدی – بوستان

معادل انگلیسی:

When the wine is run out, you’d stop the leak.

وقتی که شراب نشت کرده رفته

تازه جلوی رخنهٔ آن را گیری.

معادل آلمانی:

Den Brunnen decken, so das Kind ertrunken ist.

پوششی روی چاه بنهادن

بعد از اینی که بچه غرق شده.

سرت تو گوشی خودت باشد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The fool is busy in every one’s business but his own.

سر احمق به کار هر کسی، غیر از خودش، گرم است.

سرش به کونش پنالتی می‌زند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Like a bull in a china shop.

چو گاوی در دکان چینی‌آلات.

سرّش را پیراهنش هم نمی‌داند.

ترک‌ها می‌گویند: دلینین اورگی دیلینده دیر، عاغیللی‌نین دیلی اورگینده دیر.

(دل دیوانه بر روی زبان است

زبان عاقل اندر دل نهان است.)

عاغیللی‌نین آغزی قلبینده اولور، آخماغین قلبی آغزیندا.

(دهان خردمند در دل نهان است

دل بی‌خرد در میان دهان است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If my shirt knew my design, I’d burn it.

چو پیراهن من بداند که چیست

درون سرم، آتشش می‌زنم. (نقل قولی از متلوس Metellus مقدونیه‌ای است.)

Three may keep a secret, if two of them are dead.

ای بسا که سه نفر رازی را

حفظ کردند، به شرط این‌که

مرده باشند دو تن از آن‌ها.

When three know it, all know it.

وقتی آن را سه تن از خلق جهان می‌دانند

هیچ شک نیست که آن را همگان می‌دانند.

He that revealeth his secret maketh himself a slave.

خودش را برده‌ای کرده‌ست آن مرد

که راز خویشتن را برملا کرد.

Tell your secret to your servant, and you make him your master.

راز خود را بازگو با نوکرت

تا کنی او را بدین‌سان سرورت.

Thy secret is thy prisoner.

راز تو زندانی توست.

Wise men have their mouths in their hearts, fools their hearts in their mouths.

دهان عاقلان در دل نهان است

دل بی‌عقل‌ها توی دهان است. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

As the fool thinks the bell clinks.

بیندیشد جناب اسکل خر

همان‌گونه که ناقوسی نوازد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Que ta chemise ne sache ta guise.

نگذار که پیراهن تو بو ببرد

توی سر تو چه رای و اندیشه‌ای است.

Il n’est secret que de rien dire.

تنها روش حفظ و نگهداری راز
ناگفتن آن راز بُود از آغاز.

Rien ne pèse tant qu’un secret.

هیچ چیزی همچنان رازی توانفرسا و سنگین نیست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Tua camicia non sappia il secreto.

نگذار که پیراهن تو راز تو را کشف کند.

Tre lo sanno, tutti lo sanno.

سه نفر چون‌که بدانند همه می‌دانند.

Segreto confidato non è più segreto.

راز افشاگشته دیگر راز نیست.

Di’ il fatto tuo, e lascia far al diavolo.

کار خود را به همه بگو تا شیطان آن را برایت انجام دهد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Puridad de dos, puridad de Dios; puridad de tres, de todos es.

راز دو نفر راز خدای یکتاست
راز سه نفر راز تمام دنیاست.

Lo que saben tres, sabe toda res.

آنچه آن را سه نفر می‌دانند
همهٔ خلقِ دگر می‌دانند.

Quien guarda su poridad escusa mucho mal.

هرکه از افشای راز خویش بنماید حذر
دور دارد خویش را از ضدحال و دردسر.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A quem dizes tua puridade, dás tua liberdade.

هرکجا راز خویش را گفتی
گنج آزادی و رهایی را
داده‌ای دست دیگران مفتی.

Dize ao amigo teu segredo, e por-te-ha o pé no pescoço.

دوستت را محرم رازت بکن

تا که پایش را نهد بر گردنت.

هلندی‌ها می‌گویند:

Dat gij wilt alleen weten, zeg het niemand.

تو نگو پیش هر کس و ناکس

آنچه خواهی خودت بدانی و بس.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Man tör ei ved at hænge Klokke paa Giekken, han ringer sig nok selv.

بر گردن یک خنگ به زنگوله چه حاجت

او قصهٔ خود را به تو البته بگوید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nesciat manus dextra, quid faciat sinistra.

نگذار که دست راستت بو ببرد

دست چپت تو گرم چه کاری باشد.

سرکهٔ نقد به از حلوای نسیه.

یا: سیلی نقد به از حلوای نسیه.

معادل آلمانی:

Rede wenig, rede wahr; Zehre wenig, zahl baar.

کم حرف بزن، راست بگو؛ کم خرج کن، نقد بده.

سرم را می‌شکند، نخودچی تو جیبم می‌کند.

معادل اسکاتلندی:

Bid a man to a roast and beat him wi' the spit.

تعارف کن به یک آدم کبابی

و با سیخش بزن او را حسابی.

سرمایهٔ کار شیخ جهل است

خر کردن یک الاغ سهل است. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

L’ignorance des hommes fait bouillir le pot aux prêtres.

نادانی انسان‌ها باعث می‌شود دیگ برای کشیشان بجوشد.

سرنوشت را نمی‌شود از سر نوشت.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No flying from fate.

گریز از سرنوشت خود محال است.

No man makes his own hap.

هیچ‌کس تقدیر خود را خود نمی‌سازد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Flee as fast as you will, your fortune will be at your tail.

تو به هر سرعت ممکن بگریز

طالعت پشت سرت خواهد بود.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

The fated will happen.

سرنوشت اتفاق می‌افتد.

سرنوشت نقشه‌های ابلهان اغلب دو تاست:

نصفشان رفته بر آب و نصفشان باد هواست. م. ا.

معادل‌های اسکاتلندی:

Muckle fails that fools think.

خیلی از اندیشه‌های خنگ‌ها

در نهایت می‌شود باد هوا.

A' fails that fools think.

فکرهای ابلهان باد هواست.

سرنوشت نقشه‌های مردمان کون‌گشاد:

نصفشان بر یخ نوشته، نصف دیگر روی باد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Idleness is the sepulchre of a living man.

کون گشاد مقبرهٔ مرد زنده است. (نقل قولی از انسلم Anselm است.)

رومیان باستان می‌گفتند:

Corrumpunt otia corpus.

کون‌گشادی مایهٔ نابودی است.

سری را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند.

چون نیی رنجور، سر را برمبند
اختیارت هست، بر سبلت مخند. مولوی

معادل ترکی: ساغ باشینا ساققیز یاپیشدیرما. (به سر سالمت آدامس نچسبان.)

معادل هلندی:

Wat u niet brand, dat koel niet.

آنچه را نمی‌سوزاندت خاموش نکن.

معادل دانمارکی:

Det dig ikke brænder, behöver du ei at blæse paa.

نیازی به فوت کردن چیزی که تو را نمی‌سوزاند نیست.

کی برای یک آدم لاشی
دین و ایمان مفید خواهد شد
سفله وقتی به کربلا برود
کربلایی یزید خواهد شد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It matters not what religion an ill man is of.

این مهم نیست که یک آدم بد
متعلق به چه دینی باشد.

Much religion, but no goodness.

دینِ بسیار، ولی بی‌نیکی.

سقش را با بوق حمام برداشته‌اند.

= خیلی داد و بیداد می‌کند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Esel singen schlecht, weil sie zu hoch anstimmen.

خرها بد آواز می‌خوانند، چون صدایشان را زیاد بالا می‌برند.

سگ

بدون هیچ ننگ و عار

پدرسگ است. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: ایت بالاسی ایت اولور. (بچهٔ سگ نیز یک سگ می‌شود.)

سگ داد و سگ‌توله گرفت.

معادل‌های انگلیسی:

He has given the hen for the egg.

مرغ را با تخم‌مرغی تاخت زد.

To give a lark to catch a kite.

چکاوک دادن و زاغی گرفتن.

معادل آلمانی:

Er hat die Henne für das Ei gegeben.

مرغ را داد و به‌جایش تخم‌مرغی را گرفت.

سگ در حضور به از برادر دور.

معادل آلمانی:

Das Nächste das Liebste.

او که نزدیک‌تر به یک نفر است

خاطرش از همه عزیزتر است.

معادل ایتالیایی:

Meglio un prossimo vicino che un lontano cugino.

همسایهٔ نزدیک به از پسرخالهٔ دور.

معادل دانمارکی:

God Nabo er bedre end Broder i anden By.

همسایه‌ای خوب بهتر از برادر دوری است.

معادل یونانی:

Τηλου ναιοντες φιλοι ουκ εισι φιλοι.

دوستی در دوردستان دوست نیست.

سگ در خانهٔ صاحبش پارس می‌کند.

معادل ترکی: هر خوروز اؤز حَیَطینده بانلار. (هر خروسی در سرای خویش می‌خواند.)

معادل اسکاتلندی:

Every cock craws crousiest on his ain midden head.

هر خروسی روی تل فضله‌اش

با غروری بیش قوقولی کند.

معادل آلمانی:

Auf seinem Miste ist der Hahn ein Herr.

هر خروسی روی تل فضلهٔ خود لردی است.

معادل ایتالیایی:

E ardito il gallo sopra il suo letame.

خروس روی تل فضله‌اش چه بی‌باک است.

معادل پرتغالی:

Muito pòde o gallo no seu poleiro.

هر خروسی روی تل فضله‌اش پرجرئت است.

معادل لاتین:

Gallus in sterquilinio suo plurimum potest.

روی تل فضلهٔ خود چون جلوس

می‌کند، گردد دلاور هر خروس.

سگ در سایهٔ دیوار راه می‌رود، گمان می‌کند سایهٔ خود اوست.

معادل انگلیسی:

The fly sat upon the axletree of the chariot-wheel and said What a dust do I raise!

مگس روی محور چرخ ارابه نشست و گفت: من چه گردوخاکی به پا می‌کنم!

سگ را که چاق کنند هار می‌شود.

ضرب‌المثل دیگری می‌گوید: سگ گرسنه، زاغ کور، بز لاغر به.

معادل‌های ایتالیایی:

Cavallo ingrassato tira calci.

اسب فربه‌گشته جفتک می‌زند.

Cavallo magro non tira calci.

اسب لاغرمیان لگد نزند.

سگ زرد برادر شغال است.

معادل ترکی: ساری ایت چاققالین داییسیدیر. (سگ زرد دایی شغال است.)

سگ سیر دنبال کسی نمی‌رود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Dogs wag their tails not so much in love to you as to your bread.

سگ دم خود را تکانی می‌دهد

بیش‌تر از عشق نانت تا خودت.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Muove la coda il cane, non per te, ma per il pane.

سگ دم خود را اگر دیدی تکانی می‌دهد

این تکان را بهر تو نه، بهر نانی می‌دهد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Bole com o rabo o caõ, naõ por ti, senaõ pelo paõ.

سگ دم خود را تکان گر می‌دهد

بهر نان توست، نه بهر خودت.

سگ که می‌خواهد استخوان بخورد، به زیر دمش نگاه می‌کند.

فقط آن‌قدر بکن در شکم آب و نان را

که توانی که بشاشی و برینی آن را.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not bite off more than you can chew.

بیش از آنچه بتوانی بجوی گاز نزن.

سگ گر و قلادهٔ زر؟

معادل فرانسوی:

A vieille mule frein doré.

افساری مطلا برای قاطری پیر.

معادل اسپانیولی:

A mula vieja cabezadas nuevas.

یراقی نو برای قاطری پیر.

معادل هلندی:

Een oud muilezel met een vergulde toom.

قاطری پیر و لگامی زرین.

سگ لاید و کاروان گذرد.

معادل‌های ترکی: ایت هورر، کاروان گئچر. (سگ پارس می‌کند، کاروان می‌گذرد.)

بیر ایت هورمکله کاروان قاییتماز. (به‌خاطر پارس یک سگ کاروان برنمی‌گردد.)

ایت دوه‌یه هورر، دوه ائشیتمز. (سگ رو به شتر پارس می‌کند، شتر نمی‌شنود.)

معادل انگلیسی:

Dogs bark, but the caravan goes on.

سگان بهر خود واغواغی کنند
ولی کاروان همچنان می‌رود. (در اصل یک ضرب‌المثل عربی است.)

معادل ایتالیایی:

Cane abbaia, e bue pasce.

سگ واغواغ می‌کند و گاو می‌خورد.

سگ ماده به لانه شیر نر است.

معادل ترکی: ایت ده اؤز قاپیسیندا آغادیر. (سگ هم جلوی لانهٔ خود یک آقاست.)

معادل‌های انگلیسی:

Every dog is valiant at his own door.

هر سگ جلوی لانهٔ خود بی‌باک است.

Every groom is a king at home.

مرد میرآخور درون خانهٔ خود شاهی است.

Every man is a king at home.

هر مرد درون خانهٔ خود شاهی است.

Every one is master in his own house.

هرکه در خانهٔ خود ارباب است.

A man’s house is his castle.

خانهٔ هر آدمی کاخ وی است.

An Englishman’s house is his castle.

خانهٔ یک انگلیسی کاخ اوست.

My house is my castle.

خانه‌ام کاخ من است.

معادل‌های فرانسوی:

Chien sur son fumier est hardi.

سگ روی کپهٔ گه خود باشهامت است.

Charbonnier est maître chez soi.

حمال زغال در سرایش آقاست.

معادل آلمانی:

Ein jeder ist Kaiser in seinem Lande.

بر زمین خویش هر کس امپراطوری است.

معادل ایتالیایی:

Ogni cane è leone a casa sua.

هر سگی در لانهٔ خود شیری است.

معادل اسپانیولی:

Mientra en mi casa me estoy, rey me soy.

من درون خانهٔ خود شاهی‌ام.

معادل پرتغالی:

Cada hum em sua casa he Rei.

هر کسی در سرای خود شاهی است.

معادل هلندی:

Een ieder is meester in zijn eigen huis.

هر مرد درون خانه‌اش ارباب است.

معادل لاتین:

Domi suæ quilibet rex.

مرد در خانهٔ خود یک شاه است.

سگ هفت تا جان دارد.

معادل ترکی: ایت کیمی یئددی جانی وار. (مثل سگ هفت تا جان دارد.)

معادل‌های انگلیسی:

A cat has nine lives.

گربه نه جان دارد.

A cat has nine lives, yet care will kill a cat.

گربه نه جان دارد، اما باز هم
گربه را دلشوره آخر می‌کشد.

A woman hath nine lives like a cat.

زن نیز شبیه گربه نه جان دارد.

معادل آلمانی:

Eine Katze hat neun Leben, wie die Zwiebel sieben Häute.

یک گربه نه جان دارد، چنان‌که پیاز هفت پوست.

سگ‌خور.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not quarrel with the beggar for a bone.

با گدایی بر سر یک استخوان دعوا نکن.

سگی که پارس کند نمی‌گیرد.

معادل ترکی:

Havlayan köpek ısırmaz.

سگی که واغواغی می‌کند گازت نمی‌گیرد.

معادل‌های انگلیسی:

Barking dogs seldom bite.

سگان واغواغویی به ندرت گاز می‌گیرند.

Dogs that bark at a distance never bite.

سگ‌هایی که از دور پارس می‌کنند هیچ وقت گاز نمی‌گیرند.

معادل‌های ایتالیایی:

Can che morde non abbaia in vano.

هر سگی گاز اگر می‌گیرد
الکی واغّوواغی نکند.

Can ch’abbaia non morde.

سگ ولگردی که پارس می‌کند گاز نمی‌گیرد.

معادل پرتغالی:

Caõ que muito ladra, pouco morde.

سگی که واغواغو بود کم‌تر گاز می‌گیرد.

معادل لاتین:

Canem timidum vehementius latrere quam mordere.

سگ ولگرد ترسویی است
طرف گازی نمی‌گیرد
ولیکن واغواغویی است.

سلام لر بی‌طمع نیست.

معادل آلمانی:

”Mit allem Pläsir,” sagt der Bauer, wenn er muß.

مردک دهاتی می‌گوید: «به روی چشم» هر زمان مجبور باشد.

معادل اسپانیولی:

Gana tiene de coles quien besa al hortelano.

زنی که باغبانی را ببوسد

یقیناً عشق سبزیجات دارد.

سلطان غم هرآنچه تواند بگو بکن
من برده‌ام به باده‌فروشان پناه از او.   حافظ

چون نقش غم ز دور ببینی شراب خواه
تشخیص کرده‌ایم و مداوا مقرر است.   حافظ

بن فرانکلین Ben Franklin (۱۷۹۰ –۱۷۰۶) گفته است:
Beer is proof that God loves us and wants us to be happy.
آبجو مدرکی است که ثابت می‌کند خدا ما را دوست دارد و می‌خواهد شاد باشیم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Wine gladdeneth the heart of man.

دل مرد را باده شادان کند.

سن احمق که می‌رسد به چهل
دیگر اصلاً نمی‌شود عاقل.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:
A fool at forty is a fool forever.

احمق چل‌ساله تا پایان عمرش احمق است.

He that has no sense at thirty will never have any.

هرکه در سی‌سالگی باشد ببو
تا دم مرگش ببو می‌ماند او.

معادل اسکاتلندی:
A fool at forty will ne'er be wise.

ابله چل‌ساله‌ای حاشا اگر عاقل شود.

معادل اسپانیولی:
Quien á treinta no asesa, no comprará dehesa.

هرکه در سی‌سالگی یک بی‌مخ است
ملک و املاکی نمی‌آرد به دست.

سن که رسید به پنجا

فشار می‌آد به چن جا.

ترک‌ها می‌گویند: هامی چوخ یاشاماق ایستر، آما قوجالیق ایسته‌مز.

(همگان طالب یک عمر درازند، اما

هیچ‌کس نیست که طالب بشود پیری را.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Old age is a heavy burden.

سالمندی بار سنگینی بُود.

An old sack wanteth much patching.

گونی‌ای که قدیمی و کهنه‌ست

وصله‌پینه زیاد می‌خواهد.

Poverty on an old man's back is a heavy burden.

تنگدستی روی دوش مرد پیر

بار سنگینی برای بردن است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Eild and poortith are a sair burden for ae back.

پیری و جیبی تهی از سیم و زر

بار سنگینی است روی یک کمر.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui vit longtemps, sait ce qu'est douleur.

هر کسی مدت درازی زیست

خوب داند که درد و محنت چیست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Alle ville længe leve, men Ingen vil gammel hedde.

همگان طالب یک عمر درازند، اما

هیچ‌کس پیر نخواهد که بخوانند او را.

Længe at leve er længe at lide.

معنی عمر درازی کردن

محنت و رنج درازی باشد.

یونانیان می‌گویند:

Phobou to gêras, ou gar erchetai monon.

بترس از موسم پیری که او تنها نمی‌آید.

سنگ بزرگ علامت نزدن است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Dove è manco cuore, quivi è più lingua.

هرکجایی جرئت دل کم‌تر است
لحن اصوات زبان محکم‌تر است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Han skiender, som ei kan skade.

کسی بیش‌تر اخم‌وتخم می‌کند که کم‌تر می‌تواند صدمه بزند.

سنگ بینداز، بغلت وا شود.

معادل اسکاتلندی:

Gae shoe the goose.

برو نعل در پای غازی بکن.

سنگی را که نتوان برداشت، باید بوسید و گذاشت.

معادل انگلیسی:

Wise men care not for what they cannot have.

عاقلان را غصه‌ای از بابت آن چیز نیست
گر به دست آوردن آن کار غیرممکنی است.

سوار از پیاده خبر ندارد، سیر از گرسنه.

معادل ترکی: توخ نه بیلیر آج نه چکیر. (سیر چه می‌داند گرسنه چه می‌کشد.)

معادل ایتالیایی:

Corpo satollo non crede al digiuno.

شکم پر گرسنگی را باور نمی‌کند.

معادل دانمارکی:

Den fede So veed ei hvad den sultne lider.

خوک پروار نمی‌داند خوک لاغر چه رنجی می‌کشد.

سوزن همه را می‌پوشاند، اما خودش لخت است.

الاغ
اگرچه در تمام عمر خود سواری حسابی‌ای به هر کسی که دیده بود داده بود
ولی خودش همیشهٔ خدا پیاده بود. م. ا.

سوزنش روی فلان چیز گیر کرده.

شاهد مثال:

این گرامافون عن میهن
سوزنش گیر کرده رو دشمن
من، تو، او، ما، شما، تمام جهان
عمه صغرای بنده هم ایضاً
همگی دشمنان آقاییم
ای بمیرم برای ایشان من. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that knows little soon repeats it.

هرکه اندک چیزکی می‌داند او
هر دم آن را بر زبان می‌راند او.

سیاست پدر و مادر ندارد.

معادل ترکی: سییاست ننه باجی بیلمز. (سیاست مادر و خواهر نمی‌شناسد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nearest the king, nearest the widdie.

نزدیک‌ترین فرد به سلطان
نزدیک‌ترین فرد به دار است.

He who rides on a tiger can never dismount.

بر ببری اگر سوار گردد انسان

هرگز نتواند که فرود آید از آن. (در اصل یک ضرب‌المثل چینی است.)

Leave the court, ere the court leave thee.

رها کن تو دربار را پیش از آن

که دربار ناگه رهایت کند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Highest in the court, nearest the widdie.

برجسته‌ترین مقام دربار

پیوسته‌ترین به چوبهٔ دار.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

En la cour du roi chacun y est pour soi.

به دربار هر کس به فکر خود است.

Un courtisan doit être sans humeur et sans honneur.

یک مرد درباری باید بی‌احساس و بی‌شرف باشد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hoflevnet er ofte Helvedes Gienvei.

زندگیِ داخل دربارها

راه میانبر طرف دوزخ است.

Hvo der ei vil til Helvede, kommer ikke til Hove.

او نباید ابداً راهی دربار شود

گر نخواهد که پس از مرگ به دوزخ برود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Brevis est magni fortuna favoris.

نظر لطف بزرگان گذراست.

سیاست چماق و هویج.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Speak softly and carry a big stick.

به نرمی سخن گوی و در عین حال

چماق بزرگی به دستت بگیر.

اما پرتغالی‌ها می‌گویند:

Paz de cajado guerra he.

صلح با یک چماق اندر دست

هیچ شک نیست که خود جنگ است.

سیب زرد نصیب شغال است.

یا: انگور خوب نصیب شغال می‌شود.

معادل انگلیسی:

Into the mouth of a bad dog often falls a good bone.

غالباً در دهان یک سگ بد

استخوانی لذیذ می‌افتد.

معادل ایتالیایی:

Cadono le miglior pere in bocca a' porci.

بهترین نوع گلابی‌ها

در دهان خوک‌ها افتند.

معادل پرتغالی:

O peior porco come a melhor lande.

بدترین خوک روزی‌اش اغلب

بهترین دانهٔ بلوط بُود.

سیر نشوی الهی.

معادل ترکی: ایچ دئدیلر، چئشمه‌نی قوروت دئمه‌دیلر. (گفتند بنوش، نگفتند که چشمه را خشک کن.)

سیر یک روز طعنه زد به پیاز

که تو مسکین چقدر بدبویی

گفت از عیب خویش بی‌خبری

زان ره از خلق عیب می‌جویی. پروین اعتصامی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One false knave accuseth another.

نابکاری نابکاری را شماتت می‌کند.

سیری زده زیر دلش.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ueberfluß bringt Ueberdruß.

سیر بودن مایهٔ چندش شود.



شاش
توی یک گلابپاش هم
بوی شاش می‌دهد. م. ا.

معادل انگلیسی:

An ape is an ape, though clad in purple.

با ردای شاه هم عنتر فقط یک عنتر است.

شاشیدن در چاه زمزم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There are many ways to fame.

بهر مشهور شدن راه و روش بسیار است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Alla fama si va per varie strade.

آدم از راه‌های گوناگون
می‌تواند به شهرتی برسد.

شاگرد زد روی دست استاد.

معادل انگلیسی:

The scholar may waur the master.

ای بسا آن‌کس که شاگردی کند
روی دست اوستاد خود زند.

شانس در کار است، آن هم مثل خر
هر کسی خرکارتر، خرشانس‌تر. م. ا.

با دو تا دست پینه‌بستهٔ مست
مرد معمار سرنوشت خود است. م. ا.

خدای بخت نعمت‌های رنگارنگ دنیا را
فقط با دست‌های ما نهد در دست‌های ما.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Diligence is the mother of good luck.

سختکوشی مادر خوش‌شانسی است.

Care and diligence bring luck.

احتیاط و سختکوشی شانس خوش می‌آورد.

معادل آلمانی:

Fleiß ist des Glückes Vater.

هرکجا بخت خوش و شانس نکوست
سختکوشی پدر و مادر اوست.

معادل هلندی:

Waar de vlijt de deur uit gaat, komt de armoede het venster in.

سختکوشی و تلاش از در که بیرون می‌رود
تنگدستی از میان پنجره داخل شود.

شانس مرا گیر بیاوری، چوب بکنی توی کونش.

اگر انوری خواهد از روزگار
که یک لحظه بی زای زحمت زید
مگس را پدید آورد روزگار
که تا بر سر رای رحمت رید.   انوری

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Hanging gaes by hap.

رفتن سر دار بسته به اقبال است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Para los desdichados se hizo la horca.

طناب و چوبه‌های دار هر جاست
برای مردم بدشانس برپاست.

شاه می‌بخشد، شیخ علی‌خان نمی‌بخشد.

شیخ علی‌خان، وزیر کریم‌خان زند، مردی خسیس بود که هر وقت کریم‌خان به او امر می‌کرد که صله یا پاداشی به کسی بدهد، در پرداخت آن تعلل می‌کرد.

معادل عربی: یعطی الحر و العبد یألم قلبه. (مرد آزاده می‌بخشد و دل بنده‌اش به درد می‌آید.)

شاید را کاشتند، درنیامد.

معادل‌های انگلیسی:

The chapter of accidents is the bible of the fool.

انجیل مرد احمق فصل تصادفات است.

He that leaves certainty and sticks to chance,
When fools pipe he may dance.

او که امر قطعی‌ای را ول کند
بعد آویزد به شانس و اتفاق
موقعی که ابلهان نی می‌زنند
ای بسا که قر دهد بااشتیاق.

Luck is the idol of the idle.

شانس بت آدم بیکاره است.

Every "may be" hath a "may not be".

شاید بشودها را شاید نشودهایی است.

Never leave a certainty for an uncertainty.

هیچ موقع یک امر قطعی را
بر سر احتمال ول نکنید.

معادل اسکاتلندی:

What may be mayna be.

آنچه شاید بشود شاید از آن‌سو نشود.

معادل فرانسوی:

On ferait un bien gros livre de tous les peut-être qui se disent en un jour.

اگر همهٔ شایدهایی را که در یک روز گفته می‌شود جمع کنند، کتاب خیلی بزرگی می‌شود.

معادل ایتالیایی:

Mille verisimili non fanno un vero.

هزار احتمال یک حقیقت نمی‌سازد.

شب خفتهٔ مست و روز تا چاشت خمار

اوقات عزیز بین که چون می‌گذرد. خواجه عبدالله انصاری

ترک‌ها می‌گویند: واختینی ایتیرن بختینی ایتیرر. (او که وقتش را گم می‌کند بختش را گم می‌کند.)

واختین قییمتی پولدان باهادیر. (قیمت وقت ز پول افزون است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Time fleeth away without delay.

بدون هیچ تأخیر و درنگی

زمان از دست انسان می‌گریزد.

Time is precious.

وقت گران‌قیمت است.

What greater crime than loss of time?

از وقت‌کشی بزرگ‌تر جرمی هست؟

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Quoique fol tarde, jour ne tarde.

گرچه احمق منتظر می‌ماند، اما روز نه.

On achète tout fors le jour et la nuit.

به‌جز روز و شب هرچه را می‌توانی خرید.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Zeit, Ebbe und Fluth, warten auf Niemand.

زمان و جزر و مد معطل کسی نمی‌شوند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ad ora ad ora vola tutto il tempo.

ساعت به ساعت وقت دارد می‌رود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Vai-se o tempo, como o vento.

وقت مانند باد در گذر است.

Tempo, e hora naõ se ata com soga.

زمان و ساعت را نمی‌شود با طناب بست.

Perdendo tempo, naõ se ganha dinheiro.

پول با اتلاف وقت به دست نمی‌آید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Tempus fugit.

زمان از دست انسان می‌گریزد.

شب سیاه و گاو سیاه.

معادل اسکاتلندی:

A' cats are grey in the dark.

توی تاریکی تمام گربه‌ها خاکستری هستند.

معادل ایتالیایی:

Di notte tutti i gatti sono neri.

تمام گربه‌ها شب‌ها سیاه‌اند.

معادل هلندی:

Bij nacht zijn alle katten graauw.

شب‌ها تمام گربه‌ها خاکستری هستند.

شب‌پره گر وصل آفتاب نخواهد
رونق بازار آفتاب نکاهد.   سعدی – گلستان

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ben è cieco chi non vede il sole.

او که نمی‌تواند خورشید را ببیند خیلی کور است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Himlen er dog blaa, om end den Blinde ei seer det.

آسمان کم‌تر آبی نیست، فقط به‌خاطر این‌که مرد کور آن را نمی‌بیند.

شپش در جیبش چارقاب بازی می‌کند.

معادل ترکی: جیبینده سیچان اویناییر. (توی جیبش موش می‌رقصد.)

شپشش منیژه خانم است.

معادل انگلیسی:

All his geese are swans.

همهٔ غازهاش قو هستند.

شتر خوابیده از خر ایستاده بلندتر است.

معادل‌های انگلیسی:

A leg of a lark is better than the body of a kite.

یک پای چکاوک به سراپای زغن می‌ارزد.

One honest man is better than two rogues.

یک نفر آدم شرافتمند
به دو تا بی‌شرف شرف دارد.

معادل اسکاتلندی:

King's cauff's worth ither folk's corn.

کاه یک پادشاه می‌ارزد
همچنان غلهٔ کسان دگر.

معادل آلمانی:

Des Königs Spreu gilt mehr, als andere Leute Korn.

کاه شاه از غلهٔ باقی مردم بهتر است.

شتر در خواب بیند پنبه‌دانه
گهی لپ لپ خورد، گه دانه دانه.

گفت در ره موسی‌ام آمد به پیش
گرگ بیند دنبه اندر خواب خویش.   مولوی

معادل فرانسوی:

Toujours truye songe bran.

خوک خواب سبوس می‌بیند.

شتر هم بزرگ است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Groß sein thut’s nicht allein, sonst holte die Kuh den Hasen ein.

بزرگی تنها کافی نیست، وگرنه گاو از خرگوش جلو می‌زد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Em quanto a grande se abaixa, a pequena varre a casa.

تا کلفت لندهور دولا بشود، کلفت ریزه‌میزه خانه را جارو می‌کند.

شترگاوپلنگ.

معادل فرانسوی:

Moitié figue, moitié raisin.

نیمی انجیر و نیمه‌ای کشمش.

شخصی همه شب بر سر بیمار گریست

چون روز شد، او بمرد و بیمار بزیست. سعدی – گلستان

هلندی‌ها می‌گویند:

De dood kent geen’ almanak.

مرگ تقویمی به همراهش ندارد.

شراب ار خر خورد، پالان ببخشد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Guter Wein verdirbt den Beutel, und Schlechter den Magen.

شراب خوب کیف پول را نابود می‌کند و شراب بد معده را.

شراب مفت را قاضی هم می‌خورد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Hae! gars a deaf man hear.

گوش یک کر را «بگیرش» وا کند.

شراب‌فروشان و بنگ‌فروشان را دل به دست آرید تا از عیش ایمن باشید. عبید زاکانی – صد پند

شرم و حیا طریقهٔ اسکل‌مشنگ‌هاست

دنیا از آن اوست که از بیخ بی‌حیاست.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non ha vergogna, tutto il mondo è suo.

هر کس که بی‌حیاست جهان مال شخص اوست.

شریعتی پدر معنوی کس‌خل‌هاست

نوشته است ابوذر ابوی روی ذر است.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: جاهیلی جاهیللر مدح ائیلر. (جاهلی را جاهلان تحسین کنند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fools praise fools.

ابلهان را ابلهان تحسین کنند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un sot trouve toujours un plus sot qui l'admire.

یک احمق همیشه احمق بزرگ‌تری پیدا می‌کند که تحسینش کند. (نقل قولی از بوئیلو Boileau است.)

شریک دزد و رفیق قافله.

معادل انگلیسی:

You cannot run with the hare and hunt with the hound.

نمی‌شه همره خرگوش تو فرار کنی

و هم که با سگ تازی بری شکار کنی.

شش‌ماهه به دنیا آمده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Zeal without prudence is frenzy.

شوقِ بی‌احتیاط کله‌خری است.

The world is his who knows how to wait for it.

جهان از آنِ کسی می‌شود که می‌داند

چگونه چشم به راه رسیدنش ماند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Trop de zèle gâte tout.

شور و شوق زیاد و پرنیرو

همگان را تباه می‌کند او.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Mit Geduld und Zeit wird’s Maulbeerblatt zum Atlas-Kleid.

وقتی زمان و حوصله با هم قرین شود

یک برگ توت جامهٔ ابریشمین شود.

هلندی‌ها می‌گویند:

Goede dingen moeten tijd hebben.

هرچه نیکوست زمانبر باشد.

شعر من هرکجا چرند شده

تنگی قافیه مقصر بود

هرکجا هم که دلپسند شده

هنر بی‌بدیل شاعر بود.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Success has many fathers, while failure is an orphan.

پیروزی و فتح را پدر بسیار است

حال آن‌که همیشه یک یتیم است شکست.

شعر می‌گویم و معنی ز خدا می‌طلبم.

عرب‌ها می‌گویند: المعنی فی بطن الشاعر. (معنا در دل شاعر است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When a goose dances, and a fool versifies, there is sport.

چون‌که غازی گرم رقصیدن شود

ابلهی هم گرم شعر و شاعری

موقع تفریح و خندیدن شود.

شغال بیشهٔ مازندران را

نگیرد جز سگ مازندرانی.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Willst Du ’nen Juden betrügen, mußt Du ein Jude seyn.

کسی که می‌خواهد سر یک جهود کلاه بگذارد باید یک جهود باشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Un diavol scaccia l’altro.

شیطانی شیطان دیگری را بیرون می‌راند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Med Ondt skal Ondt fordrives.

بدی را با بدی باید برون راند.

شغال پوزش به انگور نمی‌رسد، می‌گوید ترش است.

معادل انگلیسی:

Foxes, when they cannot reach the grapes, say they are not ripe.

«انگورهایی نارس‌اند.»
این حرف روباه است
آن‌موقعی که دستش از انگور کوتاه است.

معادل اسکاتلندی:

"Soor plooms," quo' the tod when he couldna climb the tree.

«آلوهای ترش.» روباه گفت، وقتی نتوانست از درخت بالا برود.

معادل فرانسوی:

Ainsi dit le renard des mûres, quand il n’en peut avoir: elles ne sont point bonnes.

«توت‌های خوبی اصلاً نیستند.»
حرف روباه است
موقعی که دست او از توت کوتاه است.

معادل ایتالیایی:

La volpe dice che l’uva è agresta.

روباه گفت انگورها ترش‌اند.

معادل اسپانیولی:

Así dijó la zorra á las uvas, no pudiendolas alcazar, que no estarvan maduras.

«انگورها ترش‌اند.»
این گفتهٔ روباه بود
آن‌موقعی که دستش از انگورها کوتاه بود.

شکم آخوند، تغار خدا؛ شکم سید، پناه بر خدا.

معادل ایتالیایی:

Preti, frati, monache e polli non si trovan mai satolli.

کشیشان، راهبان، راهبه‌ها و مرغ‌ها هیچ وقت سیرمونی ندارند.

شکنندهٔ کالا خریدار بُود.   رابعهٔ عدویه – تذکرة الأولیاء

معادل انگلیسی:

He that blames would buy.

او که توی سر جنسی بزند می‌خردش.

معادل اسکاتلندی:

He that lacks my mare may buy my mare.

او که عیب از مادیان من گرفت
ای بسا آن مادیان را می‌خرد.

معادل فرانسوی:

Qui en dit du mal, veut l'acheter.

کسی که بر سر جنسی زند خریدار است.

معادل ایتالیایی:

Chi biasima, vuol comprare.

هر کسی می‌زنه توی سر جنس
شک نکن مایله اونو بخره.

شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است
کلاهی دلکش است، اما به ترک سر نمی‌ارزد.   حافظ

آلمانی‌ها می‌گویند:

Theurer Honig, den man aus Dornen muß lecken.

عسلی که باید از روی خارها لیسیده شود عسل گران‌قیمتی است.

شنونده باید عاقل باشد.

معادل اسپانیولی:

Aunque el decidor sea loco, el escuchador sea cuerdo.

گرچه گویندهٔ حرف ابله و جاهل باشد

شنونده بگذارید که عاقل باشد.

شیخ از آن آغاز دزدی بوده است

دزد ماند تا به پایان نیز هم. م. ا.

خواجه‌ای شیخی را به مهمانی برد و بر سر نهالی نشاند. دیناری چند در زیر نهالی بود. شیخ دست کرد و بدزدید. خواجه زر طلب می‌کرد، نیافت. شیخ گفت: «از حاضران به هر کس که گمان می‌بری بگو تا از او طلب داریم.» خواجه گفت: «ای شیخ، من به حاضران گمان می‌برم و به تو یقین.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Frailes sobrand’ojo alerte.

راهبان هر جا تجمع می‌کنند

خوب چشمان خودت را باز کن.

شیخ اگر کم‌حرف هم باشد بلاست

چس همان گوز است، اما بی‌صداست. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: آغ کؤپک، قارا کؤپک، ایکیسی ده کؤپکدیر. (سگ سفید، سگ سیاه، هر دو تا سگ‌اند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One devil is like another.

یک ابلیس مانند آن دیگری است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hund er Hund om han er aldrig saa broget.

سگ، به هر رنگی که باشد، یک سگ است.

این حکایت بشنو از صاحب‌بیان

در طریق و عادت قزوینیان

بر تن و دست و کتف‌ها بی‌گزند
از سر سوزن کبودی‌ها زنند
سوی دلاکی بشد قزوینی‌ای
که کبودم زن، بکن شیرینی‌ای
گفت چه صورت زنم ای پهلوان؟
گفت برزن صورت شیر ژیان
طالعم شیر است، نقش شیر زن
جهد کن رنگ کبودی سیر زن
گفت بر چه موضعت صورت زنم؟
گفت بر شانه‌گهم زن آن رقم
چون که او سوزن فرو بردن گرفت
درد آن در شانه‌گه مسکن گرفت
پهلوان در ناله آمد کای سنی
مر مرا کشتی، چه صورت می‌زنی؟
گفت آخر شیر فرمودی مرا
گفت از چه عضو کردی ابتدا؟
گفت از دمگاه آغازیده‌ام
گفت دم بگذار ای دو دیده‌ام
از دم و دمگاه شیرم دم گرفت
دمگه او دمگهم محکم گرفت
شیر بی‌دم باش گو ای شیرساز
که دلم سستی گرفت از زخم گاز
جانب دیگر گرفت آن شخص زخم
بی‌محابا، بی‌مواسائی و رحم
بانگ زد او کاین چه اندام است از او؟
گفت او گوش است این ای نیکخو
گفت تا گوشش نباشد ای حکیم
گوش را بگذار و کوته کن گلیم
جانب دیگر خلش آغاز کرد
باز قزوینی فغان را ساز کرد
کاین سوم جانب چه اندام است نیز؟
گفت این است اشکم شیر ای عزیز
گفت گو اشکم نباشد شیر را

خود چه اشکم باید این ادبیر را؟
خیره شد دلاک و بس حیران بماند
تا به دیر انگشت در دندان بماند
بر زمین زد سوزن آن دم اوستاد
گفت در عالم کسی را این فتاد؟
شیر بی‌دم و سر و اشکم که دید؟
این‌چنین شیری خدا خود نافرید
چون نداری طاقت سوزن زدن
از چنین شیر ژیان رو دم مزن.   مولوی

ترک‌ها می‌گویند: نه باشی وار، نه آیاغی. (نه سر دارد، نه پا.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It has neither arse, nor elbow.

نه یک کون و نه یک آرنج دارد.

شیر را گاه موش می‌گاید
اتفاق است، پیش می‌آید.   م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Couard souvent coup mortel au preux donne.

غالباً بزدلی به شیردلی
ضربه‌ای سخت و مرگبار زند.

شیعهٔ فرزانهٔ اندیشمند
عینهو یک کونی قداره‌بند
در میان گوسفندان شیری است
در میان شیرها یک گوسفند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A lion among sheep and a sheep among lions.

شیری میان گوسفندان، گوسفندی بین شیران.

شیعیان ماه محرم گویا

دسته‌جمعی پریود می‌گردند. م. ا.

زن‌قحبه، چه می‌کشی خودت را
دیگر نشود حسین زنده
کشتند و گذشت و رفت و شد خاک
خاکش علف و علف چرنده
من هم گویم یزید بد کرد
لعنت به یزید بدکننده
اما دگر این کُتَل مُتَل چیست
وین دستهٔ خنده‌آورنده
تخم چه کسی برید خواهی
با این قمه‌های نابُرنده
آیا تو سکینه‌ای که گویی
سو ایستَمیرَم عَمیم گَلَندَه (عمویم که بیاید، آب نمی‌خواهم.)
کو شمر و تو کیستی که گویی
گَل قُویما مَنی شِمیر اَلِندَه (بیا، مرا در دست شمر رها نکن.)
تو زینب خواهر حسینی
ای نره‌خر سبیل‌گنده؟
خجلت نکشی میان مردم
از این حرکات مثل جنده؟
در جنگ دو سال قبل دیدی
شد چند کرور نفس رنده
از این‌همه کشتگان نگردید
یک مو ز زهار چرخ کنده
در سیزده قرن پیش اگر شد
هفتاد و دو سر ز تن فکنده
امروز چرا تو می‌کَنی ریش
ای درخور صد هزار خنده
کی کشته شود دوباره زنده
با نفرین تو برکشنده

باور نکنی، بیا ببندیم
یک شرط به صرفهٔ برنده
صد روز دگر برو چو امروز
بشکاف سر و بکوب دنده
هی بر سر و ریش خود بزن گِل
هی بر تن خود بمال سنده
هی با قمه زن به کلهٔ خویش
کاری که تبر کند به کُنده
هی بر سر خود بزن دودستی
چون بال که می‌زند پرنده
هی گو که حسین کفن ندارد
هی پاره بکن قبای ژنده
گر زنده نشد، عنم به ریشت
گر شد، عن تو به ریش بنده.   ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Custom without reason is but ancient error.

هر آن سنت که منطق پشت آن نیست
فقط یک اشتباه باستانی است.

Custom is the plague of the wise and the idol of the fool.

این رسم‌ها که در همه‌جای جهان بُود
طاعون عاقلان و بت ابلهان بُود.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Learn you an ill habit and ye'll ca't a custom.

به کاری بد و زشت عادت بکن
سپس روی آن نام سنت گذار.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Costumbre hace ley.

عاقبت هر رسم قانون می‌شود.

A mal costumbre, quebrarle la pierna.

پای یک عادت بد را بشکن.

رومیان باستان می‌گفتند:

Usus est tyrannus.

رسم یک پادشاه خودکامه‌ست.

Consuetudo est altera natura.

رسم و سنت طبیعت ثانی است. (نقل قولی از سیسرو Cicero است.)

ص

صد تا چاقو بسازد، یکیش دسته ندارد.

معادل ترکی: سنین یومورتانین ساریسی اولماز. (تخم‌مرغ تو زرده ندارد.)

معادل اسکاتلندی:

His corn's a' caff.

غلهٔ او سراسرش کاه است.

صنار بده آش، به همین خیال باش.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Will without reason is blind.

آرزوی بی‌منطق آرزوی نابیناست.

صوفی ار باده به اندازه خورد، نوشش باد
ور نه اندیشهٔ این کار فراموشش باد.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Eat at pleasure,
Drink by measure.

غذا را همیشه درست و حسابی بخور
ولی باده را با حساب و کتابی بخور.

صیاد نه هر بار شگالی ببرد
افتد که یکی روز پلنگی بخورد.   سعدی – گلستان

مرغکی اندر شکار کرم بود
گربه فرصت یافت، او را درربود.   مولوی

معادل انگلیسی:

Some days you get the bear, other days the bear gets you.

بعضی روزها تو خرس را می‌گیری، بقیهٔ روزها خرس تو را می‌گیرد.

ط

طاس اگر نیک نشیند همه‌کس نراد است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that hath the world at will, seems wise.

عاقل به نظر می‌رسد آن‌کس که جهان

بر وفق مراد او بُود در گذران.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A chi la riesce bene, è tenuto per savio.

هر کسی پیروزی‌ای آرد به دست

شهرهٔ آفاق گردد عاقل است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er godt at raade naar Lykken er med.

هر زمان بخت کسی خندان است

کردن هر عملی آسان است.

طالع اگر داری، برو دمر بخواب.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Lucky men need no counsel.

خوش‌شانس را به پند و نصیحت نیاز نیست.

An ounce of fortune is better than a pound of forecast.

یک نخود اقبال نیکو داشتن

به ز یک خروار دوراندیشی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Hap an' a ha'penny is world's gear enough.

از همه ملک جهان نصف پنی

با کمی شانس برایت کافی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Mieux vaut une once de fortune qu’une livre de sagesse.

یک نخود اقبال نیکو مثل یک من عقل می‌ارزد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Sorte, e dormi.

تو خوش‌شانس باش و بگیر و بخواب.

طبق کشفیات مستر داروین

گورخر فامیل دور ترک‌هاست. م. ا.

مش غضنفر به بیت رهبر رفت
خسته از حال و روز کشور رفت
دست آقا رو ماچ کرد و گریست
گفت: دوزار توی جیبم نیست
آخه آگا، تو سیدی، ماهی
به علوم گریبه آگاهی
علم و فضلت ورای ادراکه
نفست گدسیه، دلت پاکه
چون هواتو همیشه داره خدا
مستجابه دعای تو آگا
دَدَه جان، سید نظرکرده
تو دعا کن که شاه برگرده. م. ا.

طبل توخالی.

معادل‌های انگلیسی:

An empty vessel gives a greater sound than a full barrel.

بانگ ظرف تهی از بشکهٔ پر بیش‌تر است.

Shallow streams make most din.

جوی‌هایی که عمق کم دارند
بانگ و فریادِ دم به دم دارند.

The full cask makes no noise.

بشکهٔ پر سروصدا نکند.

معادل اسکاتلندی:

Toom barrels mak maist din.

صدای بشکهٔ خالی همیشه بیش‌تر است.

معادل فرانسوی:

Les tonneaux vides sont ceux qui font le plus de bruit.

خم‌های تهی صدایشان بیش‌تر است.

معادل‌های آلمانی:

Je voller das Faß, je gelinder der Klang.

هرچه خم پرتر، صدایش گنگ‌تر.

Volle Fässer klingen nicht.

ظروف پر صدای کم‌تری دارند.

معادل دانمارکی:

Tomme Vogne buldre meest.

صدای گاری خالی بسی بلندتر است.

معادل لاتین:

Vacuum vas altius pleno vase resonat.

صدای ظرف و ظروف تهی بلندتر است.

طبیب بی‌مروت خلق را رنجور می‌خواهد.

العطار: آن که همه را بیمار خواهد. عبید زاکانی – تعریفات

آلمانی‌ها می‌گویند:

Husaren beten um Krieg, und der Doktor um das Fieber.

سواره‌نظام برای جنگ دعا می‌کند و دکتر برای تب.

طبیبی که خود باشدش زرد روی

از او داروی سرخرویی مجوی. سعدی – بوستان

معادل عربی: و من العجایب اعمش کحال. (و از شگفتی‌ها، کور چشم‌پزشک.)

طفل چون صاحب احسان گردد

زود از داده پشیمان گردد. جامی

معادل اسکاتلندی:

O' bairns' gifts ne'er be fain; nae sooner they gie than they tak it again.

با هدایایی که کودک می‌دهد

سرخوش و شادان نباید شد؛ چرا؟

چون به محض این‌که آن را می‌دهد

بازپس می‌گیرد آن را از شما.

طفل را هر کس که محرم ساخت رسوا می‌شود. جامی

غلامباره‌ای را گفتند: «چون است که راز دزد و زناکار نهان ماند و تو رسوا گردی؟» گفت: «کسی که رازش با کودکان باشد چون رسوا نگردد؟» عبید زاکانی - رسالهٔ دلگشا

ترک‌ها می‌گویند: اوشاقلی ائوده قیبیت اولماز. (در خانهٔ بچه‌دار غیبت نتوان کرد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The child says what father says.

بچه در هنگام صحبت گوید آن

که پدر آورده باشد بر زبان.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Dicen los niños en el solejar lo que oyen á sus padres en el hogar.

بچه وقتی که در خیابان است

بر زبانش همان سخن برود

کز پدر مادر خودش آن را

در کنار اجاق می‌شنود.

طلا وقتی به طنازی درآید

دمار از روزگار دل برآید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Gold dust blinds all eyes.

چشم‌های همه را خاک طلا کور کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Pour de l’argent les chiens dansent.

پول سگ‌ها را به رقص آرد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Sei Hur ober Dieb, hast du Geld so bist du lieb.

جنده‌ای یا دزد هستی، تا که در جیبت طلاست
یار ما هستی، قدومت روی تخم چشم ماست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Guld bliver vel Guld, om end det ligger i Skalkepung.

گرچه در کیسهٔ یک رذل بلاست
شک مدارید طلا باز طلاست.

طمع از خیر کسان ببرید تا به ریش مردم توانید خندید. عبید زاکانی – صد پند

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Covetousness brings nothing home.

طمع هیچ چیزی به خانه نمی‌آورد.

طمع را نباید که چندان کنی
که صاحب‌کرم را پشیمان کنی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A shameless beggar must have a shameful denial.

یک گدا وقتی که بی‌شرم است و پست
پاسخ او یک نهٔ شرم‌آور است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien ménos procura, alcanza mas bien.

هر کسی درخواست‌هایش اندک است
پاسخ نیکوتری آرد به دست.

طمع زیاد مایهٔ جوانمرگی است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

That fish will soon be caught that nibbles at every bait.

ماهی‌ای زود صید خواهد شد
که به هر طعمه نوک زند سرخود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

El tramposo presto engaña al codicioso.

مرد شیاد پدرسوخته‌ای خیلی زود
از سر مرد طمعکار کله را بربود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O tramposo asinha engana ao cobiçoso.

مرد شیاد تواند که سریع و راحت
بر سر مرد طمعکار کله بگذارد.

طمعش از کرم مرتضی علی بیش‌تر است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One of his hands is unwilling to wash the other for nothing.

برای هر یه دستش حرف زوره
که دست دیگه رو مفتی بشوره.

A greedy man God hates.

از آدم طماع خدا بیزار است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Greedy folk hae lang arms.

هر کس اسیر آز است
دستان او دراز است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den er næst Gud som mindst behöver.

هر کسی خواسته‌هایش کم‌تر
به خدا اوست که نزدیک‌تر است.

رومیان باستان می‌گفتند:

A covetous man is good to none, but worst to himself.

خیر یک آدم طماع و حریص
نرسد هیچ به افراد دگر

شر او لیک همیشه به خودش
می‌رسد از دگران افزون‌تر.

ع

عاقل آسوده بُود تا به جهان خر باقی است

تا دو سرکرده به سنگان و به لنگر باقی است
می‌کنم حکم و همه حکم مرا گوش کنند
وز شعف مصلحت خویش فراموش کنند.   ایرج میرزا

تا خران دوپا فراوان‌اند
خرسوارن سوار آنان‌اند.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fools mak feasts and wise men eat them.

میهمانی می‌دهند آنان که گاگول و خرند
عاقلان هم می‌خورند و حال آن را می‌برند.

عاقل به کنار آب تا پل می‌جست
دیوانهٔ پابرهنه از آب گذشت.

معادل ترکی: عاغیللی فیکیرلشینجه دلی چایی کئچدی. (تا عاقل فکر کند، دیوانه از رود رد شد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Life is a mystery to be lived, not a problem to be solved.

زندگی رازی است بهر زیستن
نه معمایی برای حل شدن.

عاقل گوشت می‌خورد، بی‌عقل بادنجان.

یا: دانا گوشت می‌خورد، نادان چغندر.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every poor man is a fool.

هر مرد فقیر کله‌پوکی است.

چون کونی واجب الوجود است
در حالت سکسی سجود است
هرقدر به کله‌خر جماعت
اندرز دهی بدون سود است
این حرف که بچه‌جان، خدا نیست
سخت است، برای بچه زود است
منطق به چه کار یک خر آید
او عاشق مرتع شهود است

عاقل نظرش عوض شود، لیک
احمق نظرش همان که بود است. م. ا.

معادل انگلیسی:

A fool is ashamed to change his purpose.

احمق از تغییر رأی خود خجالت می‌کشد.

معادل اسکاتلندی:

A wise man wavers, a fool is fixed.

خردمند شک دارد، اما خرفت
جسورانه تصمیم خود را گرفت.

عالم بی‌عمل به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل. سعدی – گلستان

علم چندان که بیش‌تر خوانی
چون عمل در تو نیست، نادانی. سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Action is the proper fruit of knowledge.

عمل میوهٔ درخور دانش است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O sisudo naõ ata o saber á estaca.

دانش خود را چو عاقل بود مرد
روی یک قلاب آویزان نکرد.

عالم شدن چه آسون، آدم شدن چه مشکل.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

An ounce o' wit is worth a pound o' lear.

یک نخود زیرکی و هوش و خرد
قدر یک من دانش می‌ارزد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Val più un’oncia di discrezione che una libra di sapere.

یک نخود بینش ز یک خروار دانش بهتر است.

عالم ناپرهیزکار، کوری است مشعله‌دار.

معادل ترکی: علمینه عمل ائتمه‌ین عالیم، الینده چیراق گزدیرن کورا بنزر.

(عالم بی‌عملی مثل چه است؟
مثل کوری است چراغی در دست.)

عالمان را زر بده تا دیگر بخوانند و زاهدان را چیزی مده تا زاهد بمانند. سعدی – گلستان

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Evêque d’or, crosse de bois; crosse d’or, évêque de bois.

اسقف زرین، عصای چوبین؛ اسقف چوبین، عصای زرین.

عجب هاله‌ای هست گرد سرت.

نگاری ناز و هفده‌ساله دارم
دلی از عشق او جزغاله دارم
چنان منگم که مثل اوس محمود
به دور کلهٔ خود هاله دارم. م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A los bobos se les aperece la Madre de Dios.

مادر شخص خدا بر ابلهان ظاهر شود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Aos parvos apparecem os santos.

بر گروه ابلهان قدیس‌ها ظاهر شوند.

عجله کار شیطان است.

معادل عربی: العجله من الشیطان. (عجله از طرف شیطان است.)

معادل‌های انگلیسی:

Haste comes not alone.

عجله تنهایی نمی‌آید. (با خودش دردسر هم می‌آورد.)

Haste trips up its own heels.

عجله خودش به خودش پشت‌پا می‌اندازد. (نقل قولی از سنکا Seneca است.)

Nothing must be done hastily but killing of fleas.

هیچ کاری را نباید با عجله انجام داد، مگر کشتن کک‌ها.

What is done in a hurry is never done well.

آنچه آن را با شتابی کرده‌اند
با سر و شکل خرابی کرده‌اند.

Good and quickly seldom meet.

خوب با سریع اغلب جور درنمی‌آیند.

Things will never be bettered by an excess of haste.

هیچ چیزی با شتابی بیش‌تر بهتر نخواهد شد.

Quicker by taking more time.

تندتر با صرف وقتی بیش‌تر.

Too swift arrives as tardy as too slow.

بدان‌سان دیر می‌آید بسی تند
که آن‌سان دیر می‌آید بسی کند.
(نقل قولی از شکسپیر Shakespeare در پردهٔ دوم *رومئو و ژولیت* Romeo and Juliet است.)

People who are too sharp cut their own fingers.

مردمان تند و تیز انگشت خود را می‌برند.

Anger and haste hinder good counsel.

خشم و عجله نمی‌گذارند
تصمیم درست را بگیری.

Hasty judgment leads to repentance.

عجولانه وقتی قضاوت کنی
سرانجام حس ندامت کنی.

He thinks not well that thinks not again.

هر کس دوباره فکر نکرده
یک فکر خوب و بکر نکرده.

Deliberating is not delaying.

تأمل کردن آدم تعلل نیست.

معادل اسکاتلندی:

Fools' haste is nae speed.

شتاب ابلهان سرعت نباشد.

معادل‌های فرانسوی:

Habille-toi lentement quand tu es pressé.

آنگاه که تو شتاب داری
آهسته لباس بر تنت کن.

De fol juge brève sentence.

قاضی احمق سریعاً حکم خود را می‌دهد.

معادل آلمانی:

Man thut geschwind was lange gereut.

با شتابی کارهایی می‌کنیم
که سر فرصت پشیمانی کشیم.

معادل‌های ایتالیایی:

Presto e bene non si conviene.

سریع و خوب توافق نمی‌کنند.

Il secondo pensiero è il migliore.

افکار ثانویه همواره بهترین‌اند.

معادل پرتغالی:

Boa he atardança, que assegura.

آن تعلل که مطمئن بکند

مطمئناً تعلل خوبی است.

معادل‌های هلندی:

Hoe meerder haast, hoe minder spoed.

هرچه شتاب بیش‌تر، سرعت کار کم‌تر است.

Haast verkwist.

عجله باعث اسراف شود.

معادل دانمارکی:

Snart og vel ere sielden sammen.

سریع و خوب به ندرت قرین هم گردند.

معادل لاتین:

Festina lente.

آهسته شتاب کن.

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.

معادل اسپانیولی:

El buey que me acornó, en buen lugar me echó.

گاو نری که شاخم زد مرا به جای خوبی پرت کرد.

عرعر هر خری به گوش خودش
خوش‌تر از نغمه‌های داوود است. م. ا.

معادل ترکی: اؤز سسی اؤزونه خوش گلیر. (صدایش به گوش خودش خوش می‌آید.)

معادل‌های انگلیسی:

Every ass loves to hear himself bray.

دوست دارد که بشنود هر خر
بانگ خود را چو می‌کند عرعر.

Every ass is pleased with his bray.

سرخوش و خرکیف گردد هر خری
هر زمانی می‌نماید عرعری.

عرق ارمنی و چیپس و ماست

هدیه‌ای از طرف شخص خداست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Good ale will make a cat speak.

آبجو وقتی که باشد باب میل

گربه‌ای را هم به گفتار آورد.

Good ale is meat, drink and cloth.

چون خوب باشد آبجو

هم گوشت، هم نوشیدنی است

هم جامهٔ پوشیدنی است.

Wine makes old wives wenches.

باده عیال پیر را دخترکی هلو کند.

He was hanged that left his drink behind him.

آن‌کسی که بادهٔ خود را رها کرد و نخورد

در نهایت حلقهٔ داری گلویش را فشرد.

(اشاره به ماجرای کسی دارد که به شاهزادهٔ اورانژ Prince of Orange سوءقصد کرد. او بدون این‌که مشروبش را بخورد، به دنبال اجرای نقشه‌اش رفت و بعد از تروری ناموفق، به دار آویخته شد. این ضرب‌المثل وقتی به کار می‌رود که کسی بخواهد بدون این‌که مشروبش را تا آخر بخورد، جایی را ترک کند.)

Drink water like an ox, wine like a king of Spain.

مثل یک نره‌گاو آب بخور

میگساری که می‌کنی، چون یک

شاه اسپانیا شراب بخور.

Life is too short to drink bad wine.

زندگی کوتاه‌تر زانی بُود

کاندر آن انسان خورد مشروب بد.

Wine is old men’s milk.

شراب شیر همه پیرمردها باشد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A man was ance hang'd for leaving his drink.

یک زمان مردی مِی خود را رها کرد و نخورد

از همین رو حلقهٔ داری گلویش را فشرد. (اشاره به همان داستان شاهزادهٔ اورانژ دارد که در بالا ذکر شد.)

عروس رفته گل بچینه.

در جایی گفته می‌شود که کسی از جواب دادن طفره برود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un cerveau ne vaut guère sans langue.

چو مغزی هست، لیک او را زبان نیست

به‌غیر از بهره‌ای اندک در آن نیست.

عروس نمی‌توانست برقصد، می‌گفت اتاق کج است.

معادل انگلیسی:

A bad workman blames his tools.

صنعتگر بد که تر زدن کار وی است

گوید که فقط مقصر ابزار وی است.

معادل فرانسوی:

Mauvais ouvrier ne trouvera jamais bon outil.

یکی صنعتگر بی‌عرضه و بد

کجا ابزار خوبی را بیابد.

معادل ایتالیایی:

A nave rotta ogni vento è contrario.

بهر آن کشتی که معیوب است و سوراخ و خراب

بادها از دم همه باد مخالف می‌شوند.

معادل دانمارکی:

Heiren straffer Vandet, fordi han ei kan svömme.

حواصیل آب را شماتت می‌کند، چون بلد نیست شنا کند.

عضو حزب باد است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You are as inconstant as the wind.

مثل بادی بی‌ثبات و یلخی‌ای.

A straw in the wind.

پر کاهی در باد.

Straws tell which way the wind blows.

برگ‌های کاه می‌گویند باد
از کدامین سوی بر ما رو نهاد.

You may draw him which way you will, with a twine thread.

با یک نخ دولایه توانی
او را به هر طرف بکشانی.

عقل ایرانی به چه چیزها که نمی‌رسد.

شیعیان علی همه دزدند
هر یکی‌شان از آن‌یکی بدتر.   م. ا.

نمی‌دانی که ایران است این‌جا
حراج عقل و ایمان است این‌جا؟
نمی‌دانی که ایرانی چه چیز است؟
نمی‌دانی چقدر این جنس هیز است؟   ایرج میرزا – عارف‌نامه

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wit ill applied is a dangerous weapon.

اگر آزار و تبهکاری و ظلمش ثمر است
عقل و هوش بشری اسلحه‌ای پرخطر است.

Wit is folly, unless a wise man hath the keeping of it.

زیرکی غیر از بلاهت هیچ نیست
جز در آن وقتی که دست عاقلی است.

عقل سالم در بدن سالم است، نه در جسم ناقص.   م. ا.

یک قسمت جسم ناقصش، اون وسطا
هر جفتِ... بله، رفته به فاک عظما

چیز همهٔ ملتو چیزیده یه چیز
معلومه پروستات طرف می‌ره به گا.   م. ا.

ای همانی که ناقص است تنت
برج میلاد توی کون زنت
که چه خوش ریده‌ای تو در وطنت.   م. ا.

معادل عربی: رای العلیل علیل. (اندیشهٔ بیمار بیمار است.)

معادل انگلیسی:

A sound mind in a sound body.

یک ذهن سالم در تنی سالم.

معادل آلمانی:

Krankes Fleisch, krankes Geist.

تن بیمار، ذهن بیمار.

عقل که نباشد، جان در عذاب است.

علی بن ابی‌طالب در خطبهٔ ۱۲۱ نهج البلاغه دربارهٔ مسلمانان صدر اسلام می‌گوید: مُرهُ العُیونِ مِنَ البُکاءِ، خُمصُ البُطونِ مِنَ الصِّیامِ، ذُبُلُ الشِّفاهِ مِنَ الدُعاءِ، صَفرُ الاَلوانِ مِنَ السَّهَرِ!
(با گریه‌های طولانی چشم‌هایشان ناراحت و از روزه‌داری فراوان شکم‌هایشان لاغر و به پشت چسبیده بود. لب‌هایشان از فراوانی دعا خشک و رنگ‌های صورت از شب‌زنده‌داری‌ها زرد بود!)

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le fou cherche son malheur.

جناب خنگ بی‌خرد بلا شکار می‌کند.

عقل و گهش قاطی شده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Some are wise, and some are otherwise.

بعضی‌ها عاقل‌اند و بعضی‌ها در گروه مقابل‌اند.

عقلش پاره‌سنگ برمی‌دارد.

معادل انگلیسی:

His wits are wool-gathering.

عقل او داره پشم می‌چینه.

معادل اسکاتلندی:

There's brains enough ootside his head.

برون از کلهٔ او مغز در حد کفایت هست.

برای هیچ کسی نقد حرف خویش روا نیست

عقیدهٔ خود آدم به هیچ وجه خطا نیست.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Del cervello ognuno si pensa d'averne più che parte.

هر کسی در پیش خود دارد گمان

سهم مغز او سر است از دیگران.

عمر جنتی کردن.

خدا به آدم گفت: «تو نخستین انسانی هستی که آفریده‌ام.» آدم گفت: «پس جنتی چیه این‌وسط؟» خدا گفت: «به اون کاری نداشته باش؛ وقتی من اومدم، اون این‌جا بود.»

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The longest liver dies at last.

هرکه عمرش بسی درازتر است

او هم از مرگ خود نخواهد رست.

The more thy years, the nearer thy grave.

هرچه عمرت بیش‌تر، قبرت به تو نزدیک‌تر.

عنت گرفته؟

= چرا بی‌قراری؟

حال من پیش زنان دیدنی است

عینهو حال دم ریدنی است.   م. ا.

یک سفله شاه هم بشود باز سفله است

عنتر به عرش هم برسد باز عنتر است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The higher the ape goes, the more he shows his tail.

هرقدَر بوزینه بالاتر رود

بیش‌تر دمّش نمایان می‌شود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Plus le singe s’élève plus il montre son cul pelé.

هرقدَر بوزینه بالاتر رود

بیش‌تر کونش نمایان می‌شود.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als apen hoog willen klimmen, ziet men hun naakte billen.

هر زمان بوزینه بالا می‌رود

کون لخت او هویدا می‌شود.

عیب خود را کسی نمی‌بیند.

معادل ترکی: هئچ‌کس اؤز عئیبینی بیلمز. (عیب خود را کسی نمی‌داند.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Search others for their virtues, thyself for their faults.

در خلایق حسن‌هاشان را بیاب

در خودت هم عیب‌هاشان را بجو.

He is not laughed at that laughs at himself first.

هر کس خودش اول به خودش می‌خندد

بر خویش مسیر خنده را می‌بندد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Niemand sieht seine eigene Fehler.

کسی عیب‌های خودش را نبیند.

Pfau, schau deine Beine.

آی طاووس، به پایت بنگر.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Alle see hans bolde Arm, ingen seer hans slunkne Tarm.

هر کس کت شیک خویش را می‌بیند

اما شکم چروک خود را هرگز.

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت

که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

من اگر نیکم و گر بد، تو برو خود را باش

هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت. حافظ

معادل عربی: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزرَ أُخرَی. (هیچ باربرداری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.) قرآن، فاطر: ۱۸

عیب می جمله بگفتی، هنرش نیز بگو

نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Women, wealth, and wine have each two qualities, a good and a bad.

زنان و باده و ثروت دو ویژگی دارند

یکیش جنبهٔ خوب و یکیش جنبهٔ گند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Femme, argent, et vin, ont leur bien et leur venin.

پول و مشروب و زن چو در کارند

درد و درمان خویش را دارند.

علم را توی مستراح انداز

پول معیار ارزش بشر است

حُسن‌های فقیرها عیب است

عیب‌های توانگران هنر است

جندهٔ پولدار مریم عصر

عیسی تنگدست سگ‌پدر است

شمر با جیب پر امام حسین

علی بی‌نوا خود عمر است. م. ا.

هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور

که نان گندم درویش طعم جو دارد.   صائب

معادل انگلیسی:

Faults that are rich are fair.

عیب‌های ثروتمند

حسن‌های وی هستند.

عید ملا ختم تو، هفت من است

زین سبب با جشن و شادی دشمن است.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: آدامین اؤلومو، مولانین بایرامی. (مرگ آدم، عید ملا.)

کنده مولا گلیب، کیم اؤلور، اؤلسون. (ملا به ده آمده، هرکی می‌میرد، بمیرد.)

عید نه، حالا.

در جواب کسی گفته می‌شود که بگوید: «اِ!»

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Now's now, and Yule's in winter.

اکنون هم‌اکنونه و کریسمس تو زمستونه.

غ

غاز وقتی که غاز تخم‌طلاست
کشتن او خریت عظماست.   م. ا.

معادل انگلیسی:

To kill the goose that lays the golden eggs.

کشتن غازی که تخمش از طلاست
(کار اسکل‌های گاگول خداست).

پنجه با ساعد سیمین نه به عقل افکندم
غایت جهل بُود مشت زدن سندان را.   سعدی - غزلیات

معادل فرانسوی:

C’est folie de faire un maillet de son poing.

او که مشت خویش را چکش کند
هست موجودی مشنگ و بی‌خرد.

غلط‌های مردان که مال تو نیست
غذای یکی سم آن دیگری است.   م. ا.

معادل اسپانیولی:

Con lo que Sancho cura, Marta cae mala.

آنچه درمان درد سانچو بُود
مارتا را مریض خواهد کرد.

غوره‌نشده مویز شد.

فحش ننهٔ غلیظ شد دلبرکم
هی دست زدم که جیز شد دلبرکم
یک حاملهٔ چهارده‌ساله شده
غوره نشده مویز شد دلبرکم.   م. ا.

ف

فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دارقوزآباد سفلی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Like teacher, like pupil.

شاگرد چنان معلم خود باشد.

فاز به تخمم گرفتن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is the part of a wise man to take no notice of many things.

یکی از ویژگی‌های خردمند
به خیلی چیزها بی‌اعتنایی است.

Be still, and have thy will.

بنشین فارغ و آسوده ز هر استرسی
تا بدین‌سان به هر آن چیز که خواهی برسی.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il mondo è dei flemmatici.

دنیا از آن اوست که خونسرد و ساکت است.

فرق ذهن غربیان و ذهن ما
فرق خورشید است با لامپ نئون
آنچه از فرهنگ غرب آموختیم
یک کراوات است با یک پاپیون

فایل نوحه توی لب‌تاپ اپل
می‌شود اِند مدرنیزاسیون

خاک عالم بر سر ایرانیان
کامیون در کامیون در کامیون. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fair without, foul within.

برونش قشنگ و درونش پلشت.

ای دوست، بیا تا غم فردا نخوریم

وین یک دم عمر را غنیمت شمریم

فردا که از این دیر کهن درگذریم

با هفت‌هزارسالگان سربه‌سریم. خیام

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Quand on est mort, c’est pour longtemps.

وقتی کسی مرده، خیلی وقت است که مرده.

نشنیده‌ای که زیر چناری کدوبنی

برجست و بردوید بر او بر به روز بیست

پرسید از چنار که تو چندروزه‌ای

گفتا چنار عمر من افزون‌تر از دویست

گفتا به بیست روز من از تو فزون شدم

این کاهلی بگوی که آخر ز بهر چیست

گفتا چنار نیست مرا با تو هیچ جنگ

کاکنون نه روز جنگ و نه هنگام داوری است

فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان

آنگه شود پدید که نامرد و مرد کیست. انوری

معادل‌های انگلیسی:

He who swells in prosperity will shrink in adversity.

وقت سعادت او که پر از باد می‌شود

در موقع مصیبت خود آب می‌رود.

Calamity is man's true touchstone.

بدبیاری محک واقعی یک مرد است.

معادل اسکاتلندی:

Eith keeping the castle that's no besieged.

حفظ و نگاهداری یک قلعه هر زمان

در حلقهٔ محاصره‌ای نیست راحت است.

معادل فرانسوی:

Quand il n’y a point de vent chacun sait naviguer.

باد وقتی که نیاید هر کسی یک ناخداست.

معادل آلمانی:

Wenn das Schiff gut geht, will jeder Schiffherr sein.

چو دریاست آرام و بادی در او نیست

برای خودش هر کسی ناخدایی است.

معادل‌های ایتالیایی:

Ognun sa navigar per il buon tempo.

هر کسی وقتی هوا خوب است و صاف

می‌تواند پشت سکان ایستد.

Il buon marinaro si conosce al cattivo tempo.

این‌که کی دریانورد خوبی است

در هوای بد مشخص می‌شود.

معادل‌های دانمارکی:

God Styrmand kiendes ei naar Havet er stille og Veiret til Villie.

تا که آرام است دریا و هوا هم باصفاست

کِی مشخص می‌شود کی واقعاً یک ناخداست.

Godt er at sidde ved Styret i stille Veir.

نشستن پشت سکان هست آسان

زمانی که نباشد باد و بوران.

معادل لاتین:

Tranquillo quilibet gubernator est.

در هوایی صاف هر کس قادر است

تا که سکان را بگیرد توی دست.

فرزند عزیز نور دیده

از دبه کسی ضرر ندیده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Plain dealing is a jewel, though they that use it commonly die beggars.

صداقت گوهری است؛ هرچند کسانی که آن را بر خود می‌آویزند معمولاً گدا می‌میرند.

فرزند کسی نمی‌کند فرزندی
گر طوق طلا به گردنش بربندی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He to whom God gave no sons the devil gives nephews.

کسی که خدا به او پسر نداده شیطان به او برادرزاده و خواهرزاده می‌دهد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Pariente a la clara el hijo de mi hermana.

پسر خواهر من فامیلی است
و در این مسئله هم بحثی نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

O marido antes com hum só olho, que com hum filho.

شوهر یک‌چشم از آن شوهری
کو پسری داشته باشد سر است.

فرمون فرمون که می‌گفتند این بود؟

دیالوگی است در فیلم *قیصر* مسعود کیمیایی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A boaster and a liar are all one.

لافزن و دروغگو یک نفرند.

فضول را بردند اردبیل، تو کونش کردند دسته‌بیل.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that pryeth into every cloud may be stricken with a thunderbolt.

صاعقه سهم مردکی می‌شه
که به هر ابری او سرک بکشه.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

O' little meddling comes muckle care.

از فضولی‌های کوچک غصه‌های گنده آید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Chi fa li fatti suoi, non s’imbratta le mani.

مردی که فقط کار خودش را بکند
آلوده نمی‌کند سرانگشتان را.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
Quien las cosas mucho apura, no tiene vida segura.

او که دنبال فضولی در امور دگری است
زندگی کردن او کار بسی پرخطری است.

فقط تو بلدی و ملکهٔ انگلیس.

خطاب به کسی گفته می‌شود که به دانستن چیزی می‌نازد.

ترک‌ها می‌گویند: هر آرواد ساقیز چئینر، آما عاییشه کیمی چئینه‌یه بیلمز.
(هر زنی آدامس می‌جود، اما نمی‌تواند مثل عایشه بجود.)

فقط خواجه حافظ شیرازی نشنیده.

معادل انگلیسی:
Every barber knows that.

هر سلمانی‌ای آن را می‌داند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Det er ondt at skiule det hver Mand veed.

آنچه آن را همگان می‌دانند
سخت دشوار توان پنهان کرد.

فقط موی بلند است و تن چرکین و بوی گند
سه دستاورد این دنیا که بی‌زحمت به دست آیند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Nothing to be got without pains but poverty.

به‌غیر از تنگدستی هیچ چیزی
بدون زحمتی حاصل نگردد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Naething is got without pains but an ill name and lang nails.

چیزی که بی‌تلاش رسیدن به آن رواست
بدنامی است و ناخن خیلی دراز ماست.

فکرش را نکن؛ یا خودش می‌آید یا نامه‌اش.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:
Dinna sigh for him, but send for him: if he's unhanged he'll come.

در فراقش آه نکش، بلکه بفرست دنبالش؛ اگر دارش نزده باشند خواهد آمد.

فلان چیز را ندیده نمیر.

یا: فلان کار را نکرده نمیر.

گرچه صاحب کیرم
کس‌ندیده می‌میرم.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Vedi Napoli e poi muori.

ناپل را تو ببین و بعد بمیر.

فلسطینی اگر بودیم، آقا
یقیناً دوست‌تر می‌داشت ما را
تو گویی پول نفت ما حلال است
برای هر کسی، غیر از خود ما.   م. ا.

زان‌جا که رسم و عادت عاشق‌کشی توست
با دیگران قدح کش و با ما عتاب کن.   حافظ

چشم رضا و مرحمت بر همه باز می‌کنی
چون که به بخت ما رسد، این‌همه ناز می‌کنی.   سعدی – غزلیات

آلمانی‌ها می‌گویند:
Uebel Henne, die in Nachbars Häuser legt.

مرغی که در خانهٔ همسایه‌ها تخم می‌گذارد مرغ بدی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No es aquella gallina buena, que come en tu casa y pone en la agena.

او مرغ بدی است که در خانهٔ تو می‌خورد و در خانهٔ دیگری تخم می‌کند.

فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه.

معادل ایتالیایی:

E picciola la punta della spina, ma chi sente il dolore non se ne dimentica.

نوک خار کوچک است، اما کسی که آن را حس کرده فراموشش نمی‌کند.

فلک آن مرد را یاری نماید
که او با کار و کوشش کون خود را
چنان گاید که از حلقش درآید. م. ا.

زنده و پاینده بادا این دو دست
آدمی معمار تقدیر خود است. م. ا.

هنر آدمیان ساختن است
بهترین دوست من دست من است. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند:

Nerede hareket orada bereket.

هرکجایی حرکت هست
در همان‌جا برکت هست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Life is what you make it.

زندگی آن چیزی است که خودت می‌سازی.

Life is what you make of it.

زندگی هست همان چیزی که
خودت از زندگی‌ات می‌سازی.

A man’s own manners do shape him his fortune.

راه و روش زندگی یک آقا
می‌سازد و شکل می‌دهد بختش را.

Well thriveth that well suffereth.

خوب ترقی بکند هر کسی
کو بکشد رنج و مرارت بسی.

Fortune knocks once at least at every man’s gate.

لااقل یک بار خوشبختی درِ
خانهٔ هر آدمی را می‌زند.

The wheel of time, and of fortune is still rolling.

چرخ زمان و چرخ بخت هنوز چرخ می‌زنند.

He that runs fastest gets the prize.

جایزه مال او شود
کز همه تندتر دود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui reste dans la vallée ne passera jamais la montagne.

چون که در دره بماند یارو
قله را فتح نخواهد کرد او.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Jeder ist seines Glückes Schmidt.

هر کسی معمار اقبال خود است. (نقل قولی از سالوست Sallust است.)

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Di questo mondo ciascuno n’ha quanto se ne toglie.

هر کس از این جهان همان دارد
که خود او به چنگ می‌آرد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Muda-te, mudar-se-te-ha a fortuna.

خودت را عوض کن که اقبال تو
عوض می‌شود همرهت نو به نو.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Enhver er sin Lykkes Smed.

هرکه معمار سرنوشت خود است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fortuna meliores sequitur.

بخت را رسم و باور این باشد
که هوادار برترین باشد. (نقل قولی از سالوست Sallust است.)

فلک با تنگ‌چشمان گوشهٔ چشم دگر دارد
که چون فرزند کور آید، شود چشم گدا روشن. صائب

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
تو اهل فضلی و دانش، همین گناهت بس. حافظ

معادل ایتالیایی:

La fortuna aiuta i pazzi.

بخت و طالع یاور بی‌عقل‌هاست.

فلک را عادت دیرینه این است
که با آزادگان دائم به کین است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

A bon chien il ne vient jamais un bon os.

هر زمانی سگی سگ خوبی است
قسمتش استخوان خوبی نیست.

فیل خوابی می‌بیند و فیلبان خوابی.

معادل اسپانیولی:

Una cosa piensa el vayo, y otra el que lo ensilla.

اسب به یک چیز بیندیشد و
او که سوار است به چیزی دگر.

معادل هلندی:

De ezel en de drijver denken niet eveneens.

خره و خرسواره هیچ زمون
مثل هم نیست فکر تو سرشون.

ق

قاضی محکمهٔ خویش اگر که باشی

روی انصاف و عدالت سرِپا می‌شاشی. م. ا.

معادل پرتغالی:

Ninguem he bom juiz em causa propria.

هیچ فردی قاضی خوبی برای خویش نیست.

قر تو کمرش خشکیده.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

They love dancing well that dance among thorns.

در عشق به رقص کامل و بی‌نقص‌اند

آنان که میان خارها می‌رقصند.

قرآن بر سر زبان است و زر در میان جان. سعدی – گلستان

دریغا گردن طاعت نهادن

گرش همراه بودی دست دادن

به دیناری چو خر در گل بمانند

ور الحمدی بخواهی، صد بخوانند. سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is cheap enough to say, God help you.

گفتن این که خداوند به دادت برسد ارزان است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein: "Nimm hin" ist besser, als zehn: "Helf Gott!

یک «بگیرش» از ده «خدا کمکت کند» بهتر است.

قربون بند کیفتم، تا پول داری رفیقتم.

معادل‌های ترکی: وار گونون دوستو چوخ اولار. (دوستان روز دارایی همیشه خیلی‌اند.)

بار واختی باغبانا سالام وئرن چوخ اولار.
(موقع میوه‌چینی خیلی‌ها به باغبان سلام می‌کنند.)

معادل‌های انگلیسی:

A full purse never lacketh friends.

یک کیسهٔ پر هرگز بی‌دوست نمی‌ماند.

The rich knows not who is his friend.

مرد خرپول نداند چه کسی دوست اوست.

معادل آلمانی:

Viel Geld, viele Freunde.

پول بسیار و دوستان زیاد.

معادل‌های پرتغالی:

Bem estou com meu amigo, que come o seu paõ comigo.

با رفیقی که نونشو با من
می‌خوره، خوبِ خوب می‌سازم.

Paõ comido, companhia desfeita.

نان خورده که شد، جمع پراکنده شود.

معادل دانمارکی:

Runde Hænder gjöre mange Venner.

دست‌هایی که سخاوتمندند
بس رفیقان که به ما می‌بندند.

معادل یونانی:

Eutychia polyphilos.

زیادند آن‌کسان که میل کردند
که با مرد موفق دوست گردند.

معادل‌های لاتین:

Ubi amici, ibi opes.

ثروت و مایه‌تیله در هر جاست
اندر آن جمع دوستان برپاست.

Felicitas multos habet amicos.

دوستان روزگار نیکبختی خیلی‌اند.

قرص خواب و قرص مسهل را اگر با یکدگر
خورده باشی، می‌شوی تا صبح در گه غوطه‌ور
قرص خواب اسلام باشد، قرص مسهل فلسفه
گه اراجیف مدرن این مسلمانان خر. م. ا.

او که در کار بزک‌دوزک دین می‌کوشد
پرده‌ای بر سر صد عیب نهان می‌پوشد
کارش البته بدون هدفی والا نیست
گاو را با متد تازه‌تری می‌دوشد
خار با طعم گل سرخ، که با خوردن آن
جای شیر از بدنت خامه‌عسل می‌جوشد
شیخ زالوی مهیبی است که تا هستی و هست
شیرهٔ جان پریشان تو را می‌نوشد. م. ا.

قرص‌هایت را خورده‌ای؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool is known by his babbling.

کس‌خلی را بشناسند از آن
کس‌شعری که بیارد به زبان.

قرعهٔ بخت به نام فردی است
که در او شرم و حیا نیست که نیست. م. ا.

هر کس که بی‌شرمی پیشه گرفت و بی‌آبرویی مایه ساخت، پوست خلق می‌کند، هرچه دلش می‌خواهد می‌گوید، سر هیچ آفریده‌ای به گوزی نمی‌خرد، خود را از موانع به معارج اعلی می‌رساند و بر مخدومان و بزرگ‌تران از خود، بلکه بر کسانی هم که او را گاییده‌اند تنعم می‌کند و خلایق به واسطهٔ وقاحت از او می‌ترسند و آن بیچارهٔ محروم که به سمت حیا موسوم است، پیوسته در پس درها بازمانده و در دهلیز

خانه‌ها سر به زانوی حرمان نهاده، چوب دربانان خورد و پس گردن خارد و به دیدهٔ حسرت در اصحاب وقاحت نگرد و گوید:

جاهل فراز مسند و عالم برون در
جوید به حیله راه و به دربان نمی‌رسد.   عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il est dit habile, qui fraude ami et pile.

کسی که دوست خود را فریبد و چاپد
محقق است که وی را زرنگ می‌خوانند.

قسم نخور که باور کردم.

ترک‌ها می‌گویند: چوخ آند ایچنین آندینا اینانمازلار.
(قسم‌های کسی را که زیاد قسم می‌خورد جدی نمی‌گیرند.)

قضیه را از جای کلفتش گرفته‌ای.

= قضیه را اشتباه گرفته‌ای. با دید منفی به قضیه نگاه می‌کنی.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Se ben ho perso l'anello, ho pur anche le dita.

اگر انگشتر من رفته از دست
هنوز انگشت من در جای خود هست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Si se perdieron los anillos, aquí quedáron los dedillos.

اگر انگشتری‌ها رفته از دست
هنوز انگشت‌ها در جای خود هست.

پنداشته از دماغ فیل افتاده‌ست
بر تخت فریدون چه لمی هم داده‌ست
این نوکر روس‌ها نمی‌داند که
قلادهٔ زر هنوز هم قلاده‌ست.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Fetters of gold are still fetters.

زنجیر طلا هنوز هم زنجیر است.

No man loveth his fetters, be they made of gold.

هیچ‌کس زنجیرهای خویش را
خوش ندارد، گرچه باشند از طلا.

Better to reign in hell than serve in heaven.

پادشاهی اگرچه در دوزخ
بهتر از نوکری است توی بهشت.
(مصرعی از جان میلتون John Milton در *بهشت گمشده* Paradise Lost است.)

معادل پرتغالی:

Arrenego de grilhões, ainda que sejaõ de ouro.

من از زنجیر بیزارم، اگرچه از طلا باشد.

معادل لاتین:

Aureæ compedes.

زنجیرهای زرین.

قلعه‌ای توی هوا ساخته است
واحد مسکن مهرش مأواست. م. ا.

معادل انگلیسی:

’Tis easy to build castles in the air.

بنای کاخ‌هایی در هوا بسیار آسان است.

معادل فرانسوی:

Faire des châteaux en Espagne.

بنا کردن قلعه‌هایی در اسپانیا. (= خیالبافی کردن.)

معادل هلندی:

Kasteelen in de lucht bouwen.

کاخ‌هایی در هوا پی ریختن.

قلم دست دشمن است.

ندانم کجا دیده‌ام در کتاب

که ابلیس را دید شخصی به خواب
به بالا صنوبر، به دیدن چو حور
چو خورشیدش از چهره می‌تافت نور
فرا رفت و گفت: «ای عجب، این تویی؟
فرشته نباشد بدین نیکویی
تو کاین روی داری به حسن قمر
چرا در جهانی به زشتی سمر؟
چرا نقش‌بندت در ایوان شاه
دژم‌روی کرده‌ست و زشت و تباه؟»
شنید این سخن بخت‌برگشته دیو
به زاری برآورد بانگ و غریو
که: «ای نیکبخت، این نه شکل من است
ولیکن قلم در کف دشمن است». سعدی – بوستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Malice finds many faults.

خباثت عیب بسیاری بیابد.

Malice never spoke well.

هرگز خباثت خوبِ فردی را نگفته.

قم همان سانتی‌یه‌گو است.

در قم، این اقلیم هر سانتی یه گه
حضرت الله ملا ریده است. م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Kwaad kruid wast wel.

علف هرز زود می‌روید.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Onde Urter voxe mest, og forgaae senest.

علف هرز زودتر روید
بیش‌تر هم دوام می‌آرد.

قمارباز اگر نگوید به کیرم، می‌ترکد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Welcome death, quoth the rat, when the trap fell.

موش صحرایی ما تا تله رویش افتاد
بانگ برداشت که ای مرگ، قدومت خوش باد!

قمی‌ها انقلاب کردند، چوبش را ما خوردیم.

ز تخت شاه خمینی همین که بالا رفت
تمام زندگی ما به فاک عظما رفت. م. ا.

قوز بالای قوز.

ترک‌ها می‌گویند: درد بیر ایدی، ایکی اولدو. (درد یکی بود، دو تا شد.)

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Tras el vicio viene el fornicio.

پس از آن‌که یک شر به ما می‌رسد
یکی شر بدتر فرا می‌رسد.

قول و بولش یکی است.

معادل هلندی:

Hij blijft bij zijn woord, als de zon bij de boter.

او پای حرف خود می‌ماند، همان‌طور که خورشید کره را حفظ می‌کند.

قومی که نود درصدشان خر باشند
هر کس برسد سوارشان خواهد شد. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non vuol piedi sul collo, non s’inchini.

نباید خم شود گر خوش ندارد
که فرد دیگری بسیار راحت
به روی گردن او پا گذارد.

ک

کاچی به از هیچ‌چی.

معادل‌های انگلیسی:

A little is better than none.

اندک از هیچ نکوتر باشد.

A bad excuse is better than none.

بهانه‌ای الکی باز بهتر از هیچ است.

A wooden leg is better than no leg.

پای چوبینی به از بی‌پایی است.

From a bad paymaster get what you can.

ز یک کارفرمای بد ناگزیر
هر آن چیز را می‌توانی بگیر.

معادل‌های اسکاتلندی:

Better a sma' fish than an empty dish.

ماهی‌ای کوچک ز یک بشقاب خالی بهتر است.

Better sma' fish than nane.

ماهی کوچکی که دست من است
بهتر از ماهی‌ای نداشتن است.

A wee bush is better than nae beild.

بوته‌ای کوچک اگر آید به دست
بهتر از بی‌سرپناهی ماندن است.

Better a mouse in the pat than nae flesh.

توی دیگی گر به‌جز یک موش نیست
بهتر از دیگ بدون گوشتی است.

معادل آلمانی:

Besser ein Flick als ein Loch.

وصله‌ای بر لباس اگر پیوست
بهتر از یک لباس سوراخ است.

معادل‌های ایتالیایی:

Meglio è poco che niente.

صفر باز از هیچ‌چیزی بهتر است.

Da cattivo pagatore togliete paglia.

اگر کارفرما حسابش بد است
فقط یک پر کاه از وی بگیر.

معادل اسپانیولی:

Mas vale tuerto que ciego.

یک‌چشم بودن بهتر از کوری است.

معادل پرتغالی:

Melhor he palha, que nada.

برگ کاه از هیچ‌چیزی بهتر است.

معادل‌های هلندی:

Beter scheel dan blind.

لوچ بودن به ز نابینایی است.

Nooit ambtje zoo kleen, of het is beter dan geen.

مقام و منصبی هرقدر هم پست
ولیکن باز هم بهتر ز هیچ است.

معادل‌های دانمارکی:

Bedre er grov Traad, end bart Laar.

پارچه‌ای زبر به از پای لخت.

Bedre er tyndt Öl end tom Tönde.

آبجو گرچه نه عالی باشد
خوش‌تر از یک خم خالی باشد.

Bedre er halvt Bröd end Alt mist.

تکه‌نانی بهتر از بی‌نانی است.

Bedre er lidet Boskab end tomt Huus.

اسباب و وسایلی محقر
از خانهٔ خالی است خوش‌تر.

کار بوزینه نیست نجاری.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Did you ever hear an ass play on a lute?

هرگز شنیده‌ای که خری عود می‌زند؟

A sow may whistle, though it has an ill mouth for it.

بسا که سوت زند خوک، گرچه او دهنی
چرند و مسخره دارد برای سوت‌زنی.

Pigs might fly, but they are very unlikely birds.

شاید که خوک‌ها همه پرواز هم کنند
اما پرنده بودنشان غیرعادی است.

Pigs when they fly go tail first.

خوکان روزگار که پرواز می‌کنند
از سوی دمّ خویش شوند از زمین بلند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Like a sow playing on a trump.

مثل یک خوک که سرنا بزند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Anus saltat.

پیرزنی طالب رقصیدن است.

کار دنیا برعکس است.

یا: کار ما برعکس است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Wipe wi' the water and wash wi' the towel.

خشک کن با آب و با حوله بشوی.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il tombe sur le dos et se casse le nez.

به پشت می‌افتد و دماغش می‌شکند.

کار عاقل از همان اول بجاست

تجربه کردن برای خنگ‌هاست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Experience makes fools wise.

تجربه افراد احمق را سر عقل آورد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Experientia stultorum magistra.

تجربه آموزگار خنگ‌هاست.

کار مال تراکتور است.

معادل انگلیسی:

Only fools and horses work.

فقط هالوها و یابوها کار می‌کنند.

کار مال شتر است، ترک هم مال موتور است.

تریاک ناب و شیره و ناز پری‌رخان

این هر سه در کشاکش دوران کشیدنی است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Eat, drink and be merry, for tomorrow we die.

بخور و باده بنوش و خوش باش

چون‌که فردا همه‌مان می‌میریم.

کار هر بز نیست خرمن کوفتن

گاو نر می‌خواهد و مرد کهن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every man is not born to be a boatswain.

متولد نشده هر انسان

که سرانجام شود سرملوان.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Cane di cucina non fu mai buon per la caccia.

هیچ وقت یک سگ آشپزخانه به درد شکار نخورده.

کارها به صبر برآید و مستعجل به سر درآید.   سعدی – گلستان

معادل ایتالیایی:

Chi ha pazienza, vede la sua vendetta.

بردبارانه اگر بنشیند او

انتقام خویش را می‌بیند او.

معادل هلندی:

Geduld gaat boven geleerdheid.

بردباری روی دست یادگیری می‌زند.

معادل دانمارکی:

Har du lært at bie, kan du blive Dronning i Sverrig.

اگر انتظار کشیدن را آموخته باشی، ای بسا ملکهٔ سوئد بشوی.

کاسه را کاشی می‌شکند، تاوانش را قمی می‌دهد.

یا: دنده را شتر شکست، تاوانش را خر داد.

پرسید ز من جوانکی تهرانی

برگوی جواب من اگر می‌دانی

از چیست که کرد و داد اندر همه‌جا

کس را قمی و جریمه را کاشانی؟   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Who breaks, pays.

همو که می‌شکند می‌دهد خسارت را.

کاش می‌دیدم از اول این را

عذر خوبی است خل مسکین را.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Beware of Had I wist.

از ای کاش همواره پرهیز کن.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

"Had I wist," quo' the fool.

«کاشکی» این گفتهٔ یک ابله است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

"Hätte ich gewußt" ist ein armer Mann.

«کاش می‌دانستم» مردک بی‌پولی است.

کاشکی را کاشتند، درنیامد.

معادل انگلیسی:

Had-I-fish, was never good with garlic.

هیچ موقع «کاش ماهی داشتم»
با کمی هم سیر خوشمزه نشد.

معادل اسکاتلندی:

Had I fish was never gude to eat mustard.

هیچ موقع «کاش ماهی داشتم»
چیز خوبی با سس خردل نشد.

بی توشه و بی همسفر و بی همدرد
باید بروی چو لاک‌پشتی ولگرد
کافی است که یک بار بیفتی به زمین
هر کس برسد تو را لگد خواهد کرد. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

When a man is going downhill, everybody gives him a kick.

وقتی کسی از تپه فرو می‌آید
هر کس برسد به او لگد خواهد زد.

When the tree is fallen, all go with their hatchet.

به محض این‌که درختی به خاک می‌افتد
همه تبرچه به دستان به سوی او بروند.

معادل اسکاتلندی:

If a man's gaun down the brae ilka ane gies him a jundie.

وقتی کسی از تپه به پایین افتاد

هر کس سر راه است هلش خواهد داد.

معادل فرانسوی:

Quand l’arbre est tombé tout le monde court aux branches.

به محض این‌که درختی به خاک می‌افتد

همه به جانب سرشاخه‌های او بدوند.

معادل آلمانی:

Wer da fällt, über den läuft alle Welt.

یک بار که مرد بر زمین می‌افتد

او را همهٔ خلق لگدمال کنند.

معادل پرتغالی:

A caõ mordido todos o mordem.

سگ گازگرفته‌شده را همه گاز می‌گیرند.

معادل دانمارکی:

Det er let at krybe i Træ naar det er fældet.

بر درختی که سرنگون شده است

هر کسی گام می‌نهد سرمست.

کتاب خواندن یبوست می‌آورد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een groot boek, een groot kwaad.

کتاب بزرگی بلای بزرگی است.

کچل و شانه؟

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A blind man needs nae looking-glass.

مرد کوری بی‌نیاز از آینه‌ست.

رومیان باستان می‌گفتند:

Quid cæco cum speculo?

با آینه یک کور چه کاری دارد؟

کربلا، کربلا، ما داریم می‌آییم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Too much hope deceiveth thee.

امید زیادی فریبت دهد.

کس از سربزرگی نباشد به چیز
کدو سربزرگ است و بی‌مغز نیز.   سعدی – بوستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Mickle head, little wit.

یک‌عالمه کله، یک‌نمه عقل.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Grosse tête, peu de sens.

کله‌ای گنده و عقلی کوچک.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Capo grasso, cervello magro.

سر چاق و مغز لاغر.

کس‌شعر تلاوت نکن.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’y a ni rime ni raison.

نه منطق در آن هست و نه قافیه.

کس‌مشنگی را فقط تحسین بکن
بعد هم او را بگا تا بیخ و بن.   م. ا.

احمق را ستایش خوش آید.   سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Flattery sits in the parlour when plain dealing is kicked out of doors.

چاپلوسی در بالاخانه می‌نشیند وقتی روراستی را با لگد از در بیرون می‌اندازند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hver hörer helst sin egen Lov.

هر کسی تحسین خود را بیش‌تر
دوست دارد از سخن‌های دگر.

کس‌میخ را شمعی بده تا برفروزد
او شمع را با خانه‌ات یکجا بسوزد. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: نادان الیندن سو ایچمه، آب حیات اولسا دا.
(از دست نادان آب ننوش، حتی اگر آب حیات باشد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that sends a fool means to follow him.

ابلهی را چو فرستد پی کاری یارو
میل دارد که خودش هم برود در پی او.

Heaven and earth fight in vain against a dunce.

علیه او که یک خنگ مشنگ است
زمین و آسمان بی‌خود به جنگ است. (نقل قولی از شیلر Schiller است.)

A fool is fulsome.

بی‌خرد حال‌به‌هم‌زن باشد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Folly is a bonnie dog, but a bad ane.

حماقت سگ خوشگل اما بدی است.

Twa fools in ae house are a pair ower mony.

دو تا بی‌عقل در یک خانه خیلی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Basta un matto per casa.

توی یک خانه یک احمق کافی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien con tosco ha de entender, mucho seso ha menester.

او که کارش به خلی افتاده

ای بسا عقل که لازم دارد.

کسی پهن هم بارت نمی‌کند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that hath lost his credit is dead to the world.

کسی که اعتبارش رفته از دست
به چشم مردمان انگار مرده‌ست.

Take away my good name, and take away my life.

نام نیکم را بگیر و جان من را هم بگیر.

A good name is the best of all treasures.

نیکنامی برترینِ گنج‌هاست.

An ill wound is cured, not an ill name.

زخم بد را علاج و درمانی است
اسم بد را علاجی اما نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Glaub' ist besser als bares Geld.

اعتبار از پول نقدی بهتر است.

Ein guter Name ist ein reiches Erbtheil.

نام نیک ارثیه‌ای باارزش است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

La mala llaga sana, la mala fama mata.

زخم بد شاید شفا یابد، ولی
شهرت بد آدمی را می‌کشد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een goede naam is beter dan olij.

نام نیک از مال و ثروت بهتر است.

کسی را دنبال نخود سیاه فرستادن.

شاهد مثال:

این احمد شاملوی شاشوی فقید
رندانه به ریش شعر ایران شاشید
جمعی به هوای احمدایش رفتند
دنبال نخود سیاه با شعر سپید.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To find a mare's nest.

آشیان مادیان را یافتن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Cerca cinque piedi al montone.

به دنبال قوچی است با پنج پا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Buscar cinque pies al gato.

پنج پا در گربه‌ای جستن.

کسی کس‌خل‌ترینِ مردمونه
که خود رو آخر دانش بدونه.   م. ا.

معادل آلمانی:

Wer meint, daß er weise sei, dem wohnt ein Esel nahe bei.

الاغی دم دست دارد کسی
که خود را خردمند داند بسی.

کسی که از آفتاب صبح گرم نشد، از آفتاب غروب گرم نمی‌شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Lose an hour in the morning and you’ll be all day hunting for it.

یک ساعت صبح را به باطل گذران
تا باقی روز را بگردی پی آن.

An hour in the morning is worth two in the evening.

یک ساعتِ قبل ظهر همچون
دو ساعتِ بعد ظهر ارزد.

He who does not rise early never does a good day’s work.

هرگز آن‌کس که سحرخیز نبود
کار روزانهٔ خوبی ننمود.

He that riseth betimes hath something in his head.

از خواب کسی که زود سر بردارد
چیزی طرف انگار که در سر دارد.

He who lies long in bed his estate feels it.

هر کسی در بسترش دیری بخفت
حال او را مال او حس می‌کند.

Go to bed with the lamb and rise with the lark.

با بره به بستر رو و همراه چکاوک برخیز.

The early bird catches the worm.

کرم را مرغ سحرخیز بگیرد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Homme matineux, sain, alègre, et soigneux.

هر کسی صبح زود بیدار است
سالم و بانشاط و پرکار است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Früh zu Bett und früh wieder auf, macht gesund und reich in Kauf.

مرد وقتی که بخوابد سر شب
بعد هم صبح سحر پا بشود
با همین یک عمل سادهٔ خود
سالم و عاقل و دارا بشود.

Morgenstunde hat Gold im Munde.

صبحگاهان در دهان خود طلا دارد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A quien madruga, Dios le ayuda.

خداوند یار سحرخیزهاست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Se queres ter boa fama, naõ te tome o sol na cama.

اگر می‌خواهی نیکنام باشی، نگذار خورشید تو را در بستر بیابد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvo aarle riis, han vorder mangt viis.

خرد گرد آورد هر کس که صبح زود برخیزد.

کسی که با مادر خود زنا کند، با دیگران چه‌ها کند.

معادل انگلیسی:

He that is ill to himself will be good to nobody.

هر کسی شر او به خویش رسید
خیری از وی کسی نخواهد دید.

معادل فرانسوی:

A nul ne peut être ami qui de soi-même est ennemi.

هر کسی دشمن خود می‌باشد
عاجز از دوست شدن با دگری است.

معادل آلمانی:

Wer sich selbst nichts taugt, taugt keinem Andern.

او که خیرش به خودش هم نرسید
دیگری نیز از او خیر ندید.

معادل دانمارکی:

Den er ingen nyttig, som ei er sig selv nyttig.

او که خیرش به خویشتن نرسید
خیر او را کسی نخواهد دید.

کسی که خری را به بام برد به زیر هم تواند آورد.

به‌جای خر شتر هم می‌گویند.

معادل اسکاتلندی:

He that puts the cat in the pock kens best how to tak her out.

هر کسی که گربه را در کیسه‌ای کرده‌ست جا
نیک‌تر داند چگونه دربیارد گربه را.

کسی که کفش نداره

مریضه خار بکاره؟ م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien siembra abrojos, no ande descalzo.

آن‌کسی که خار می‌کارد نمی‌باید

هیچ موقع پابرهنه راه پیماید.

کسی هرگز به ریش خود نخندد

اگر زیپ دهانش را ببندد. م. ا.

آلبرت اینشتین Albert Einstein گفته است:

If A is success in life, then A is equal to X plus Y plus Z. Work is X; Y is play; and Z - keeping your mouth shut.

اگر A موفقیت در زندگی باشد، پس A مساوی است با X ضرب در Y ضرب در Z. کار X است، Y بازی است و Z بسته نگه داشتن دهانت است.

ترک‌ها می‌گویند: دئییلمیش سؤزدن دئییلمه‌میش یاخشیدیر. (حرف نگفته از حرف گفته بهتر است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Keep your purse and your mouth close.

جیب و دهان را همیشه بسته نگه دار.

There is a time to speak as well as to be silent.

سخن گفتن زمانی دارد و ساکت شدن وقتی.

Too much talking is the sign of fools.

روده‌درازی نشان بی‌خردان است.

Wise men silent, fools talk.

عاقلان خاموش، احمق‌های هالو گرم حرف.

Spare to speak and spare to spend.

صرفه‌جویی در کلام و صرفه‌جویی در مخارج.

Who speaks not, errs not.

او که دوری کند ز حرف زدن

اشتباهی نمی‌کند ابداً.

No wisdom like silence.

نمی‌رسد هوشی

به پای خاموشی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Keep your mouth shut and your een open.

دهانت را ببند و چشم‌ها را باز کن.

Keep your tongue within your teeth.

زبان را بین دندان‌ها نگه دار.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

Say little and say well.

کم سخن گوی و بگو

سخنانی نیکو.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Reden kommt von Natur, Schweigen vom Verstande.

سخن از طبیعت برآید، سکوت از درایت.

Verschlossener Mund und offene Augen haben Niemand was geschadet.

دهان بسته و چشمان باز هیچ زمانی

به هیچ‌کس نرسانده به هیچ روی زیانی.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Bocca chiusa ed occhi aperti.

دهان بسته‌ای، چشمان بازی.

Virtù di silenzio è gran scienza.

فضیلت سکوت بخش بزرگی از دانایی است.

Odi, vedi, e taci, se vuoi viver in pace.

بشنو، بنگر و هیچ نگو، اگر می‌خواهی در آرامش زندگی کنی.

Chi più sa, meno parla.

هرکه علمش بیش‌تر باشد کلامش کم‌تر است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A las malas lenguas, tixera.

علاج زبان‌های بد قیچی است.

La boca y la bolsa, cerrada.

دهان و کیف پولت بسته باشد.

Ver, oir y callar.

ببین، بشنو و ساکت باش.

Quien mucho habla, mucho yerra.

او که بسیار سخن می‌گوید
دم به دم راه خطا می‌پوید.

A mucho hablar, mucho errar.

حرف بسیار و خطای بسیار.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Bom saber he calar, até ser tempo de fallar.

خوب است آدم بداند چطوری ساکت بماند تا وقت حرف زدن برسد.

A má lingua, tesoura.

قیچی است سزای آن زبانی که بد است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Weinig gezegd is haast verbeterd.

آدمی هرقدر کم‌تر بر زبان آورد
زودتر رفع‌ورجوعش می‌تواند کرد.

Spreken is zilver, zwijgen is goud.

سخن نقره است و خموشی طلا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Giem din Mund, og giem din Ven.

زبانت را نگه داری، رفیقت را نگه داری.

رومیان باستان می‌گفتند:

Non est ejusdem et multa et opportuna dicere.

بسیار سخن گفتن یک چیز اگر باشد

مربوط سخن گفتن یک چیز دگر باشد.

کف دست من مو می‌بینی؟ بکن.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er ondt at plukke Haar af den Skaldede.

کندن موی ز یک کلهٔ کل آسان نیست.

Man faaer ei Ko af kolös Mand.

محال است آدمی گاوی درآرد

از آن مردی که او گاوی ندارد.

کف دستم را که بو نکرده‌ام.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ich sehe so tief in einen Mühlstein, als ein Anderer.

من هم همان‌قدری آن‌طرف سنگ آسیاب را می‌توانم ببینم که هر کس دیگری می‌تواند.

آخوند روی تخت رضاشاه دیدنی است

کفتار شاه می‌شود آن‌جا که شیر نیست. م. ا.

معادل فرانسوی:

Où chat na rat regne.

هرکجا گربه نباشد حاضر

موش البته در آن‌جا شاه است.

معادل ایتالیایی:

Dove non sono i cani, la volpe è re.

هر جا که سگ نباشد روباه پادشاه است.

کک افتاده تو تنبونم

می‌خوام خودمو بجنبونم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is a louse in my hose.

شپشی داخل تنبان من است

(= خواب و آرامش من رفته ز دست).

کل آدم‌ها در این دنیا به دردی می‌خورند
یا به درد کاری و یا که به درد لای جرز. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
There is nothing but is good for something.

هیچ چیزی بدون فایده نیست.

A lisping lass is good to kiss.

دختری که نوک‌زبانی حرف می‌زند به درد بوسیدن می‌خورد.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Kein Ding ist so schlecht, daß es nicht zu etwas nützen sollte.

هیچ چیزی نه چنان بد باشد
کز بن و بیخ به دردی نخورد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Ogni cosa serve a qualche cosa.

هر چیزی به یک دردی می‌خورد.

کل اگر طبیب بودی، سر خود دوا نمودی.

پزشکی که باشد به تن دردمند
ز بیمار چون بازدارد گزند. فردوسی

معادل ترکی: کئچل چاره بیلسه، اوْز باشینا ائیلر.
(چنانچه کچل چاره باشد بلد
سر خویشتن را دوا می‌کند.)

معادل عربی: یا طبیب، طب لنفسک. (ای طبیب، برای خودت طبابت کن.)

معادل ایتالیایی:
Medico, cura te stesso.

طبیبا، خودت را مداوا بکن. (نقل قولی از انجیل است: لوقا ۴:۲۳. البته این ضرب‌المثل پیش از نگارش انجیل هم در بین بنی‌اسراییل وجود داشته است.)

معادل لاتین:

Aliorum medicus, ipse ulceribus scates.

طبیب دیگرانی، لیکن از چیست

که از سر تا به پایت زخم‌وزیلی است.

کلاغ کونش پاره بود، داد می‌زد من جراحم.

یا: کلاغ روده‌اش بیرون آمده بود، می‌گفت من جراحم. یا: اگر الاغ جراح بود، کون خودش را بخیه می‌زد.
یا: اگر جراحی، رودهٔ خودت را جا بینداز.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is a good physician who cures himself.

پزشک حاذق و استاد هست آن

که درد خویشتن را کرد درمان.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Niemand ist klug genug sich zu rathen.

هیچ‌کس آن‌قدرها فرزانه نیست

تا خودش را نیز اندرزی دهد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Niemand is wijs in zijn eigen zaak.

هیچ فردی در امور خویشتن

آدمی عاقل نباشد مطلقاً.

کلمات شیخان و بنگیان در گوش مگیرید. عبید زاکانی – صد پند

آلمانی‌ها می‌گویند:

Gottes Freund, der Pfaffen Feind.

دوست خدا، دشمن کشیش.

کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Morder a quem morde.

گازگیرنده را تو گاز بگیر.

کلهٔ هر کس به‌کلی خالی است

وضع و اوضاعش همیشه عالی است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Children and fools have merry lives.

به احمق و بچه خوب خوش می‌گذرد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Aut regem aut fatuum nasci oportere.

آدم یا باید یک پادشاه به دنیا بیاید یا یک احمق.

بسا شکست کز او کارها درست شود

کلید رزق گدا پای لنگ و دست شل است.   صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is a blessing in disguise.

این نعمتی است با چهرهٔ مبدل.

کم بخور، همیشه بخور.

معادل انگلیسی:

He that saveth his dinner will have the more for his supper.

کسی که از سر ناهار خود کنار گذاشت

برای شام فزون‌تر خوراک خواهد داشت.

معادل‌های آلمانی:

Junger Schlemmer, alter Bettler.

جوانی شکمباره پیری گداست.

Wer allzeit säuft, und allzeit schlemmt, behält zuletzt kein ganzes Hemd.

او که مدام می‌نوشد و می‌لمباند، به موقعش یک ژنده‌پوش خواهد شد.

معادل ایتالیایی:

A grassa cucina povertà è vicina.

یک آشپزخانهٔ چاق همسایهٔ دیوار به دیوار فقر است.

کم نیاوری یک‌وقت.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The more said the less done.

هرچه سخن بیش، عمل کم‌تر است.

He that promises too much means nothing.

هر کسی وعده و قولش خیلی است

هیچ میلی به وفا در وی نیست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Grand vanteur, petit faiseur.

عمل کم است کسی را که لاف بسیار است.

Dites toujours fanfare, vous ne mourrez jamais.

همیشه حرف‌های گنده‌گنده بزن تا هیچ وقت فراموشت نکنند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Ik heb alles van goud en zilver, zelfs mijne koperen ketels, zei de grootspreker.

همهٔ وسایل من از نقره و طلاست، حتی کتری‌های مسی‌ام، لافزن چنین می‌گوید.

Veel praats en weinig werks.

گفتهٔ بسیار و کار اندکی.

کنجکاوی در بشر سرچشمهٔ هر دانشی است

لیک از آن‌سو هم فضولی حرفهٔ هر جاکشی است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Who meddleth in all things may shoe the gosling.

گر فضولی بکند توی هر کار آقا

ای بسا نعل کند جوجهٔ غازی را.

کنگر خورده و لنگر انداخته.

ترک‌ها می‌گویند: دلینی آپاردیلار تویا، دئدی: بورا بیزیم ائودن یاخشیدیر.

(دیوانه را بردند عروسی، گفت: این‌جا از خانهٔ ما بهتر است.)

کوتاه خردمند به که نادان بلند. سعدی - گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Little bodies have large souls.

جسم‌های کوچک روح‌های بزرگی دارند.

کور از خدا چه می‌خواهد؟ یک تلویزیون رنگی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A blind man will not thank you for a looking-glass.

تشکری نکند از تو مرد نابینا

در آن زمان که ببخشی به وی یک آینه را.

کور به کار خود بیناست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Eevery man knows his own business best.

هر کسی شغل خودش را حتماً

بهتر از هر کس دیگر بلد است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Sa meglio i fatti suoi un matto, che un savio quei degli altri.

یک احمق شغل خودش را بهتر از آنی بلد است که یک عاقل شغل دیگران را.

Più sa il matto in casa sua che, il savio in casa d'altri.

خنگ را در خانهٔ خود درک و فهم بهتری است

از خردمندی که توی خانهٔ آن دیگری است.

کور خود و بینای مردم.

معادل عربی: من نظر الی عیوب الناس عمی عن عیوب نفسه و من نظر فی عیوبه عمی عن عیوب الناس.

(او که عیب‌های مردم را می‌بیند، در دیدن عیب‌های خود کور است و او که عیب‌های خود را می‌بیند در دیدن عیب‌های مردم کور است.) ذوالنون مصری

معادل انگلیسی:

Men are blind in their own cause.

در مورد وضع خویش مردم کورند.

کوری نگر عصاکش کور دگر شده.

معادل فرانسوی:

Un aveugle mène l’autre en la fosse.

مرد کوری کور دیگر را به سوی چاله‌ای ره می‌برد.

معادل لاتین:

When the blind lead the blind, both shall fall into the ditch.

کور وقتی عصاکش کوری است
هر دوتاشان به چاله می‌افتند. (از عبری وارد لاتین شده است.)

کوزه‌گر از کوزه‌شکسته آب می‌خورد.

بدترین رخت و کفش در دنیا
رخت خیاط و کفش کفاش است
آن دو چیزی که هر هنرمندی
به تنش کرده است و در پاش است. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

The shoemaker’s son is worst shod.

پسر آن‌کسی که کفاش است
بدترین نوع کفش در پاش است.

Cobbler’s children always go barefoot.

بچه‌های کسی که کفاش است
پابرهنه همیشه می‌گردند.

Who is worse shod than the shoemaker’s wife?

او که کفشش بدتر از کفش عیال مرد کفاش است کیست؟

The tailor’s wife is worst clad.

رخت زن یک خیاط بی‌ریخت‌ترین رخت است.

معادل اسکاتلندی:

The smith's mear and the souter's wife are aye warst shod.

مادیان نعلبند و همسر کفاش
بدترینِ کفش‌ها را کرده باشد پاش.

معادل فرانسوی:

Les cordonniers sont toujours les plus mal chaussés.

هر کسی پینه‌دوز و کفاش است

بدترین نوع کفش در پاش است.

معادل ایتالیایی:

La vita de' medici, l'anima de' preti, e la roba de' legisti sono in gran pericolo.

زندگی پزشکان، روح کشیشان و اموال وکلا در خطر بزرگی است.

معادل اسپانیولی:

En casa del herrero cuchillo de palo.

چاقوی سرای یک چلنگر چوبی است.

معادل پرتغالی:

Alfaiate mal vestido, sapateiro mal calçado.

خیاط رختی ژنده داره

کفاش کفشی کهنه‌پاره.

کوسه دنبال ریش رفت، سبیلش را هم از دست داد.

معادل انگلیسی:

Many go out for clothes, and come home stript.

ای بسا آنان که دنبال لباسی می‌روند

لیک کون‌لخت و برهنه راهی خانه شوند.

معادل اسکاتلندی:

He gaed for woo but came hame shorn.

او در پی پشم رفت، اما

با پشم زده به خانه برگشت.

معادل فرانسوی:

Qui va chercher de la laine, revient tondu.

می‌رود پشم بچیند، اما

ای بسا پشم خودش چیده شود.

کون همه گهی است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every man has his faults.

عیب‌هایی در وجود هر کسی است.

می‌کند هر چیز ذاتش را عیان

کون همیشه بوی گه را می‌دهد.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il mortaio sa sempre d’aglio.

هاون همیشه بوی سیر می‌دهد.

کونت را با شاخ گاو جنگ انداخته‌ای.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nunca se matou ouriço cacheiro às punhadas.

خارپشتی را نمی‌باید به ضرب مشت کشت.

کون‌گشادی تنگدستی آورد

تنگدستی نیز کون را می‌درد.   م. ا.

معادل ترکی: ایشله‌مه‌ین دیشله‌مز. (او که کار نمی‌کند نمی‌جود.)

معادل‌های انگلیسی:

Of idleness comes no goodness.

خیری از بیکارگی حاصل نخواهد شد.

He’s up at five,
And he will thrive.

شده بیدار پنج صبح این مرد

لاجرم پیشرفت خواهد کرد.

There will be sleeping enough in the grave.

در دل گور خوابِ کافی هست.

It is more painful to do nothing than something.

زحمت کاری نکردن با دو دست

بیش‌تر از رنج کاری کردن است.

If anything stay, let work stay.

اگر چیزی توقف داشت، بگذار
توقف کرده باشد زحمت و کار.

Never be weary of well doing.

هرگز از کار خوب خسته نشو.

Think of ease, but work on.

به آسایش و راحتی فکر کن
ولی کار خود را ادامه بده.

Doing nothing is the hardest work.

همین هیچ کاری نکردن خودش
ز هر کار دیگر بُود سخت‌تر.

He works hard who has nothing to do.

هر کسی کاری ندارد تا کند
روز و شب کاری توانفرسا کند.

Genius is one percent inspiration, ninety-nine percent perspiration.

قدر یک درصد نیروی نبوغ الهامی ربانی است
نود و نه درصد
عرق پیشانی است. (نقل قولی از توماس ادیسون Tomas Edison است.)

Elbow grease is the best polish.

بهترین واکس چربی بازوست.

کونم تا پس گردنم جر خورده.

فرانسوی‌ها هم می‌گویند:

Mal sur mal n'est pas santé.

بدبختی روی بدبختی برای سلامتی مضر است.

که را خرما نسازد، خار سازد
که را منبر نسازد، دار سازد. فخرالدین اسعد گرگانی

معادل انگلیسی:

Who won't be ruled by the rudder will be ruled by the rock.

هرکه با سکان هدایت می‌نشد

صخره‌ای او را هدایت می‌کند.

معادل آلمانی:

Wer nicht hören will, muß fühlen.

او که نمی‌خواهد گوش کند باید حس کند.

زمانه گفت مرا خشم خویش دار نگاه

که را زبان نه به بند است، پای در بند است. رودکی

معادل انگلیسی:

Confine your tongue lest it confine you.

زبان خودت را بکن در کمند

والا تو را افکند او به بند.

معادل اسکاتلندی:

Keep your tongue a prisoner, and your body will gang free.

زبانت را تو زندانی بکن تا

تن تو فارغ و آزاد باشد.

کی می‌گوید مرده نمی‌گوزد.

ترک‌ها می‌گویند: اؤلونو اؤز باشینا قویسان، شیللاق آتار کفه‌نی جیرار.

(گر مرده به حال خود بماند

جفتک زند و کفن دراند.)

کِی؟ وقت گل نی.

معادل‌های انگلیسی:

When the devil is blind.

آن‌موقعی که حضرت ابلیس کور است.

When pigs fly.

آن‌وقت که خوکان همه پرواز کنند.

When two Sundays come in one week _ that is, never.

توی یک هفته دو یکشنبه که باشند – که یعنی هرگز.

معادل آلمانی:

Zu Sanct-Nimmerstag.

دو یکشنبه وقتی که با هم بیایند.

کیرت طلا.

عرب‌ها می‌گویند: الخیرُ فِی ماوَقَع. (خیر در چیزی است که رخ داده است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

'Tis a folly to fret; grief's no comfort.

حرص خوردن نشان بی‌عقلی است

غم و غصه دوای دردی نیست.

Grief pent up will at last burst the heart.

غصه‌های روی هم انباشته

دست آخر قلب را خواهد پکاند.

Sorrow is good for nothing but sin.

غصه به درد هیچ چیز غیر گنه نمی‌خورد.

Sorrow will pay no debt.

غصه هیچ قرضی را بازپس نخواهد داد.

A pennyworth of mirth is better than a pound of sorrow.

یک نخود شادی ز یک من غم سر است.

Things done cannot be undone.

چیزهای شده را ناشده نتوانی کرد.

What is done is done.

چیزی که شده شده‌ست دیگر.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Twa things ne'er be angry wi'—what ye can help and what ye canna.

از دو چیز اصلاً نباید خشم گیرد مرد:

اولی، چیزی که راه چاره‌ای داره

دومی، اون که نمی‌شه هیچ کارش کرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quel che è fatto non si può disfare.

چیزی که شده قابل تغییری نیست.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Giort Gierning staaer ikke til at vende.

شده را ناشده نشاید کرد.

کیست موجودی که بیش از مرد مست

شکل یک بوزینهٔ دیوانه است. م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nil similius insano quam ebrius.

هیچ‌کس چون مرد مستی شکل یک دیوانه نیست.

کیمیاگر ز غصه مرده و رنج

ابله اندر خرابه یافته گنج. سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Luck is all.

همه‌چیزی شانس است.

It is better to be lucky than wise.

خوش‌شانس بودن به ز عاقل بودن است.

Hap and mishap govern the world.

شانس و بدشانسی بر این دنیا حکومت می‌کنند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A little wit ser's a lucky man.

برای آدم خوش‌شانس عقل اندکی کافی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ventura aver poco senno basta.

شانس خوش را عقلی اندک کافی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Do falta dicha, por demas es diligencia.

شانس وقتی که نباشد، پشتکار
اصلاً و عمراً نمی‌آید به کار.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fata obstant.

الهگان سرنوشت اجازه‌اش نمی‌دهند.

Gutta fortunæ præ dolio sapientiæ.

قطره‌ای شانس خوش و بخت نکو
بهتر از بشکه‌ای از عقل است او.

گ

گاو در بغداد آید ناگهان
بگذرد از این سران تا آن سران
وز همه عیش و خوشی‌ها و مزه
او نبیند غیر قشر خربزه.   مولوی

معادل هلندی:

Geef een’ ezel haver, hij loopt tot de distels.

به خری جو بده، ولی باز او
در پی خار می‌دود هر سو.

گاو را رنگ از برون و مرد را
از درون جو رنگ سرخ و زرد را.   مولوی

معادل ترکی: ایلان اوزدن خال‌خال اولور، اینسان ایچریدن. (مار از رو، آدم از تو خال‌خالی می‌شود.)

گاو نه من شیر.

معادل آلمانی:

Was hilft’s, daß die Kuh viel Milch giebt, wenn sie den Eimer umstößt.

چه فایده‌ای دارد که گاو یک‌عالمه شیر بدهد، وقتی بزند سطل را برگرداند.

معادل اسپانیولی:

La mas ruin oveja se ensucia en la colodra.

بدترین میش توی سطل شیر می‌ریند.

گاوش زایید.

شاهد مثال:

ظاهراً این حسین فهمیده
معنی تانک را نفهمیده

فکر کرده که تانک هم حاجی است
رفته زیرش گرفته خوابیده
بعد دیده که اوووخ، تا حالا
حاجی او را چنین نگاییده
چیز حاجی کجا و لولهٔ تانک
لوله را تا چشیده لرزیده
طفلکی توی جبهه‌ها چیزی
با چنین طول و عرض کی دیده
سوزشش را که نوش‌جان کرده
توی شلوار خویش شاشیده
تازه حالی شده که ای بابا
گاو او مثل این‌که زاییده
جنگ جنگ است و بچه هم تنگ است
بچه ونگیده است و جنگیده
اشهد خویش را چنین خوانده:
اشهدُ أنَّ لا... و گوزیده
قُتِلوا فی سَبیل تانک شده
مثل گه روی خاک چسبیده
در بهشت او بخاطر سوزش
کون خود را به عرش کوبیده
توی کوثر پریده از کون‌سو
آی جیغیده، آی جیغیده

رهبر ما شده؛ چرا؟ چون‌که
گه‌خوری کرده او نسنجیده
هر دو تا رهبر صغیر و کبیر
قد هم عاقل‌اند و فهمیده
آن‌یکی توی خویش شاشیده
این‌یکی توی مملکت ریده. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: بلا گلنده دئمز گه‌لیرم. (بلا وقتی که می‌آید، نمی‌گوید که می‌آیم.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Adversity flattereth no man.

بدبیاری هر آن زمان که رسید

چاپلوسی ز هیچ‌کس نکند.

گاه از دروازه درون نمی‌آید، گاه از کون سوزن بیرون می‌رود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Men strain at gnats, and swallow camels.

مردها با پشه‌ها گلاویز می‌شوند و شترها را قورت می‌دهند.

Many stumble at a straw and leap over a block.

خیلی‌ها روی یک پر کاه سکندری می‌خورند و از روی یک کندهٔ درخت می‌پرند.

گهگاه به درد خود نمیری خوب است

تقدیر خودت را نپذیری خوب است

گاهی که دلت هوای جفتک دارد

افسار الاغ را نگیری خوب است.   م. ا.

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is good to hold the ass by the bridle.

سر افسار خر را در کف دست

اگر محکم نگه دارید خوب است.

فرانسوی‌ها هم می‌گویند:

Il fait toujours bon tenir son cheval par la bride.

کلهم افسار اسبت را بگیری بهتر است.

جمال در نظر و شوق همچنان باقی

گدا اگر همه عالم بدو دهند گداست.   سعدی - غزلیات

معادل انگلیسی:

A beggar's scrip is never filled.

کیسهٔ مرد گدا پرشدنی نیست که نیست.

معادل پرتغالی:

Fardel de pedinte nunca he cheio.

کیسهٔ مرد گدا هیچ زمانی پر نیست.

نگهبانی ملک و دولت بلاست

گدا پادشاه است و نامش گداست. سعدی – بوستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A beggar can never be bankrupt.

گدای کوچه محال است ورشکسته شود.

گدا را چو حاصل شود نان شام

چنان خوش بخسبد که سلطان شام. سعدی – بوستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The greatest wealth is contentment with a little.

قناعت به کم برترین ثروت است.

A contented mind is a continual feast.

ذهن قانع بزم جاویدانی است.

Where content is there is a feast.

هرکجایی که قناعت باشد

جای یک بزم و ضیافت باشد.

Content is the true philosopher's stone.

قناعت کیمیای راستین است.

Content is the philosopher's stone, that turns all it touches into gold.

قناعت همان کیمیاست

که هر چیز با آن طلاست.

He who wants content cannot find an easy chair.

او که محتاج قناعت باشد

هیچ پیدا نکند صندلی‌ای

که در آن راحتِ راحت باشد.

I live, and lords do no more.

بنده مشغول زندگی هستم

لردها نیز بیش از این نکنند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Goza tú de tu poco, mientras busca mas el loco.

تا پی بیش‌تر است اسکل خر

تو از آن اندک خود لذت بر.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fidelius rident tiguria.

خندهٔ کلبه‌ای از خندهٔ کاخی خوش‌تر.

گدا را کند یک درم سیم سیر

فریدون به ملک عجم نیم‌سیر.   سعدی – بوستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Content lodges oftener in cottages than palaces.

می‌کند منزل قناعت ای بسا

بیش‌تر در کوخ‌ها تا کاخ‌ها.

He has enough who is content.

هرکه با داشته‌هایش راضی است

او به اندازهٔ کافی دارد.

He is richest that has fewest wants.

یقین بیش از همه او پولدار است

که چیز کم‌تری را خواستار است.

He is rich enough that wants nothing.

توانگر اوست که چیزی دگر نمی‌خواهد.

He that longs most lacks most.

او که بیش از همگان می‌خواهد

بیش‌تر هم کم و کسری دارد.

Content is better than riches.

قناعت ز ثروت بسی بهتر است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Assez a qui se contente.

او به اندازهٔ کافی دارد

که به دل تخم قناعت کارد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Assai è ricco à chi non manca.

چو از هر تمنا کسی شد مبرا

به قدر کفایت طرف هست دارا.

رومیان باستان می‌گفتند:

Dives est, cui tanta possessio est, ut nihil optet amplius.

کسی یک مرد ثروتمند باشد

که با دارایی‌اش خرسند باشد. (نقل قولی از سیسرو Cicero است.)

گدا گدا را نمی‌تواند ببیند.

معادل انگلیسی:

’Tis one beggar’s woe, to see another by the door go.

قلب یک مرد گدا از درد و حسرت پرپر است

گر ببیند که گدای دیگری پشت در است.

معادل دانمارکی:

Den ene Stodder lider ikke at den anden har to Poser.

دل یک مرد گدا غمگین است

گر ببیند که گدایی دیگر

روی کولش دو عدد خورجین است.

معادل لاتین:

Etiam mendicus mendico invidet.

حسودی می‌کند مرد گدایی

اگر بیند گدایی را به جایی.

گدای میکده‌ام، لیک وقت مستی بین

که ناز بر فلک و حکم بر ستاره کنم. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When ale is in, wit is out.

آبجو که تو باشد، عقل و هوش بیرون است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

When drink's in wit's out.

هر زمان مشروب باشد توی خون
عقل و هوش آدمی رفته برون.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Vino dentro, senno fuora.

باده وقتی داخل خون می‌رود
عقل و هوش فرد بیرون می‌رود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Do entra beber, sale saber.

باده هنگامی که وارد می‌شود
عقل و هوش فرد بیرون می‌رود.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Onde entra o beber, sahe o saber.

باده وقتی که داخل خون است
عقل و هوش و حواس بیرون است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wanneer de wijn is in de man, dan is de wijsheid in de kan.

باده وقتی توی انسان می‌رود
توی قوطی می‌رود هوش و خرد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Naar Öllet gaaer ind, da gaaer Viddet ud.

آبجو وقتی که وارد می‌شود
عقل و هوش فرد بیرون می‌رود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Insanire facit sanos quoque copia vini.

خمره‌ای از بادهٔ جانانه‌ای
عاقلی را می‌کند دیوانه‌ای.

گدایی کار بی‌مایه است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

God help the rich, for the poor can beg.

خدا به مردم دارا کمک کند، زیرا
که قادرند گدایی کنند مسکین‌ها.

گدایی مثل یک بیکارهٔ پست
همانا سنت پیغمبران است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better die a beggar than live a beggar.

آدمیزاد را گدا مردن
به گدا زیستن شرف دارد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Caro costa quel che con preghi si compra.

بهای آنچه آن را با گدایی
به دست آورده باشی بس گران است.

Costa men del don quel che si compra.

چیز خریداری‌شده ارزان‌تر از یک هدیه است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Assaz caro compra, quem roga.

با بهای بس گزافی می‌خرد
او که چیزی را گدایی می‌کند.

Mais barato he o comprado, que o pedido.

آنچه آن را بخری، ارزان‌تر
باشد از هدیهٔ فردی دیگر.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bön er dyrest Kiöb.

بس گران است نرخ چیزی که
با گدایی به دست آمده است.

گذار عارف و عامی به دار می‌افتاد
اگر برای مجازات چوب داری بود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many without punishment, none without sin.

بی‌مجازات مانده بسیاری است
هیچ‌کس بی‌گناه اما نیست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Si trovano più ladri che forche.

تعداد دزدها از تعداد چوبه‌های دار بیش‌تر است.

گذر پوست به دباغ‌خانه می‌افتد.

معادل انگلیسی:

At length the fox is brought to the furrier.

بالأخره روباه را آوردند پیش پوستین‌دوز.

معادل ایتالیایی:

Tutte le volpi alla fine si riveggono in pellicceria.

سرانجام همهٔ روباه‌ها در دکان پوستین‌دوز یکدیگر را ملاقات می‌کنند.

یکی یهود و مسلمان نزاع می‌کردند
چنان‌که خنده گرفت از حدیث ایشانم
به طیره گفت مسلمان: «گر این قبالهٔ من
درست نیست، خدایا، یهود میرانم»
یهود گفت: «به تورات می‌خورم سوگند
وگر خلاف کنم، همچو تو مسلمانم»
گر از بسیط زمین عقل منعدم گردد
به خود گمان نبرد هیچ‌کس که نادانم. سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Folly is wise in her own eyes.

حماقت به چشم خودش عاقل است.

گر بر کناس بری یاس را

رنجه کنی شامهٔ کناس را.   ایرج میرزا

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Al gusto dañado lo dulce le es amargo.

هر کسی ذائقه‌اش رفته ز دست

طعم شیرین به مذاقش تلخ است.

گر به‌جز خود هیچ‌کس را داخل آدم ندانی

تو به‌سان پادشاهی خرمی و شادمانی.   م. ا.

معادل ایتالیایی:

Chi non stima altri che sè, è felice quanto un re.

او که جز خود به کسی هیچ محل نگذارد

مثل یک شاه دلی خرم و خندان دارد.

گر بی‌هنر به مال کند کبر بر حکیم

کون خرش شمار، وگر گاو عنبرست.   سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

As proud as an ass of a new packsaddle.

خودپسند است همانند خری

که به پالان نویی می‌نازد.

A king without learning is but a crowned ass.

شاهی که سوادکی نداره

تنها یه الاغ تاجداره.

گر پلیدی پیش ما رسوا بُود

خوک و سگ را شکر و حلوا بُود.   مولوی

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Soen er helst i Söle.

میل یک خوک به گِل بیش‌تر است.

آن‌یکی نایی نی‌ای خوش می‌زده‌ست

ناگهان از مقعدش بادی بجست
نای را بر کون نهاد او که ز من
گر تو بهتر می‌زنی، بستان بزن. مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many find fault without any end,
And yet do nothing at all to mend.

بسا آنان که وقت عیب‌گیری
بدون هیچ منعی می‌خروشند
ولیکن بهر اصلاحش نکوشند.

Every one knows how to find fault.

هر کس بلد است عیب گیرد.

It is easier to spy two faults than mend one.

دو تا عیب را هرکجا یافتن
از اصلاح یک عیب آسان‌تر است.

Fault-finders should be fault-menders.

هر کسی عیبجوست می‌باید
عیب را خود درست بنماید.

Speak not of my debts unless you mean to pay them.

دربارهٔ قرض‌های من حرف نزن
جز این‌که بخواهی که بپردازیشان.

Any fool can criticise, condemn and complain and most fools do.

هر ابلهی می‌تواند نقد کند، محکوم کند و شکایت کند، و بیش‌تر ابلهان همین کار را می‌کنند.

Do not judge a man until you have walked a mile in his boots.

دربارهٔ هیچ مردی قضاوت نکن، مگر وقتی که یک مایل با چکمه‌های او راه رفته باشی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He may find fault that canna mend.

او که از اصلاح عیبی عاجز است
می‌تواند عیب را پیدا کند.

Ne'er find faut wi' my shoon, unless you pay my souter.

مطلقاً از کفش من عیبی و ایرادی نگیر
جز که خواهی خرج کفاش مرا شخصاً دهی.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Tadeln kann ein jeder Bauer, besser machen wird ihm sauer.

هر دلقکی می‌تواند عیب پیدا کند، هرچند بهتر عمل کردن گیجش خواهد کرد.

Tadeln ist leicht, besser machen ist schwer.

سرزنش کردن از بهبود بخشیدن آسان‌تر است.

گر حکم شود که مست گیرند
در شهر هر آن که هست گیرند.

می‌خواره و سرگشته و رندیم و نظرباز
وان‌کس که چو ما نیست در این شهر کدام است؟ حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is a skeleton in every cupboard.

داخل هر کمدی اسکلتی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No hay casa do no haya su calla! calla!

خانه‌ای نیست در تمام جهان
«هیس، هیس»ی نباشد اندر آن.

هیچ موقع وقت خود را بی‌جهت
صرف صحبت با مشنگ خر نکن
گر خری در روی تو عرعر کند
خر نشو، در روی او عرعر نکن. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

He is an ass himself, who will bray against another ass.

هرکه در روی الاغی عرعری
می‌کند، باشد الاغ دیگری.

Never bray at an ass.

رو به یک خر مطلقاً عرعر نکن.

گر خواستی از کون کسی گه بخوری
از کون کسی خور که پلوخور باشد.   خاکشیر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Be it better, be it worse,
Be ruled by him that bears the purse.

اگر از بیخ بد است این و اگر که نیکوست
تحت فرمان کسی باش که کیفی با اوست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Die Armen müssen tanzen wie die Reichen Pfeiffen.

پولداران هر مدل نی می‌زنند
باید آن‌جوری فقیران قر دهند.

گر در همه دهر یک عدد کیر خر است
در کون کسی رود که بدشانس‌تر است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Flies go to lean horses.

مگس‌ها به اسبان لاغر هجوم آورند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A caval magro vanno le mosche.

چو اسبی لاغر و زار و نزار است
مگس گرد سر او بی‌شمار است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Al perro flaco, todo es pulgas.

سگ لاغر بدنش غرق کک است.

گر سگی بانگی کند بر بام کهدان، غم مخور.

معادل‌های انگلیسی:

At every dog's bark seem no to awake.

با صدای واغواغ هر سگی
که نباید دم به دم بیدار شد.

Reproof never does a wise man harm.

نزند سرزنش و طعنه زدن
به خردمند زیانی ابداً.

گر قسم خوردن بنای کارهاست
شرت مامان شما هم مال ماست. م. ا.

السوگند: نانخورش دروغگویان. عبید زاکانی – تعریفات ملا دوپیازه

معادل فرانسوی:

S'il ne tient qu'à jurer, la vache est à nous.

گر فقط سوگند اساس کارهاست
هیچ شکی نیست گاو از آن ماست.

گر گدا پیشرو لشکر اسلام بُود
کافر از بیم توقع برود تا در چین. سعدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One beggar is enough at a door.

پشت یک در یک گدا هم کافی است.

گر همه‌چیزی به همین ریش بود
بز ز همه جانوران پیش بود. م. ا.

گر ریش را بدی به جهان‌در فضیلتی
اهل بهشت را همه دادی خدای ریش. نقل از *ریش‌نامهٔ* عبید زاکانی

آدم به بهشت بود تا امرد بود
چون ریش برآورد، برونش کردند. نقل از *ریش‌نامهٔ* عبید زاکانی

معادل دانمارکی:

Var det giort med Skiægget, da vandt Giedebukken.

ریش اگر مایهٔ سرافرازی است
بز یقیناً برندهٔ بازی است.

گرانی به دست خداست.

بالأخره مدیر و مدبر این عالم خداست. گرما به دست خداشه، سرما به دست خداست، خوشی، ناخوشی، زندگی، مرگ، مریضی، همه‌چیز به دست خداست. یکیشم گرانیه؛ به دست خداست.

آیت الله جنتی (بی‌نیاز از دعای دامت برکاته)

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

Lie not in the mire, and say, "God help!"

تو در باتلاقی نخواب و بگو
خدایا، بیا و به دادم برس.

گربه دستش به گوشت نمی‌رسد، می‌گوید بو می‌دهد.

یا: گربه دستش به گوشت نمی‌رسد، می‌گوید سیرم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Honest is the cat when the meat is on the hook.

گوشت وقتی بر سر قلابی آویزان شود
گربه حیوانی شرافتمند و باوجدان شود.

گربه را هر جور که بیندازی، روی چهار تا پا فرود می‌آید.

معادل‌های اسکاتلندی:

Cast a cat ower the house and she'll fa' on her feet.

گربه‌ای را بر فراز خانه‌ای انداز
تا که روی چار تا پایش فرود آید.

Cast ye ower the house riggin', and ye'll fa' on your feet.

گر تو را روی بامی اندازند
روی پاها فرود می‌آیی.

معادل فرانسوی:

Il est du naturel du chat, il retombe toujours sur ses pieds.

مثل یک گربه است، همواره
روی پاها فرود می‌آید.

گربهٔ مسکین اگر پر داشتی
تخم گنجشک از زمین برداشتی.   سعدی - گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Set a beggar on horseback, and he'll ride to the devil.

گدایی را تو روی اسب بنشان
که خواهد تاخت در دم سوی شیطان.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wenn ein Bettler auf's Pferd kömmt, so kann ihm kein Teufel mehr voreilen.

گدایی را تو روی اسب بنشان
جلو خواهد زد او از شخص شیطان.

آن رآکتور که روس‌ها ریدند
کشور از بوی آن معطر شد
گرچه اینک اورانیوم غنی است
ما فقیریم، این به آن در شد.   م. ا.

شعورمان که عنی شد، همه حقیر شدیم
اورانیوم که غنی شد، همه فقیر شدیم
گرسنه‌ایم و به ما کیک زرد داد آقا
چه خوب مسخرهٔ این شغال پیر شدیم
بخواب کورش بدبخت تا نبینی ما
به دست روس‌جماعت چه خوب کیر شدیم.   م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

The cost owergangs the profit.

خرج آن از سود آن افزون‌تر است.

گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود
تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود.   حافظ

به که دنیا یک گنهکارت بخواند

لیک قلبت یک ریاکارت نداند.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A saint abroad and a devil at home.

خارج از خانه طرف قدیسی است

داخل خانه ولی ابلیسی است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's a causey saint and a house deil.

قدیس توی جاده و ابلیس خانه است.

گرهی را که با دست باز می‌شود با دندان باز نمی‌کنند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One good head is better than a hundred strong hands.

یک سر خوب به صد دست قوی می‌ارزد.

Wisdom is better than strength.

خرد بهتر از زور بازو بُود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Mieux vaut engin que force.

ابتکار از زور خیلی بهتر است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

List geht über Gewalt.

حیله روی دست قدرت می‌زند.

Worte thun oft mehr als Schläge.

اغلب اوقات زور واژه‌ها

از توان مشت‌ها افزون‌تر است.

Rathen ist oft besser denn fechten.

غالباً اندرز دادن بهتر از جنگیدن است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Lo que la fuerça no puede, ingenio lo vince.

آنچه بیرون از توان زور بود

ابتکار آدمی خواهد نمود.

گریز به‌هنگام و سر بر به جای

به از پهلوانی و سر زیر پای. فردوسی

ترک‌ها می‌گویند: دوشمن چوخ اولاندا قاچماق دا مردلیکدندیر.

(به هر جا دشمنان خیلی زیادند

فرار ما نشان مردی ماست.)

عرب‌ها می‌گویند: الفرار مما لایطاق من سنن المرسلین.

(فرار از آنچه نتوان تابش آورد

همانا سنت پیغمبران است.)

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better be a coward than a corpse.

فرد ترسو و بزدلی بودن

بهتر از یک جنازه بودن من.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mas vale que digan, Aqui huyó, que Aqui murió.

بهتر است بگویند «او آن‌جا فرار کرد» تا این‌که بگویند «او آن‌جا مرد».

گریه بر هر درد بی‌درمان دواست

درد جیب روضه‌خوان‌ها البته

حاصل رنج خران خوش می‌رود

توی جیب خرچران‌ها البته. م. ا.

طبق قول نسخهٔ طب الرضا

گریه بر هر درد بی‌درمان دواست

البته منظور آقای دُکی

درد جیب روضه‌خوان بی‌حیاست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There are tricks in every trade.

توی هر پیشه کلک‌هایی هست.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ogni bottega ha la sua malizia.

هر دکان حقهٔ خود را دارد.

گزنکرده نبر.

معادل عربی: قدر ثم اقطع. (اندازه بگیر، بعد ببر.)

معادل انگلیسی:

Measure thrice before you cut once.

پیش از آن‌که یک بار ببُری سه بار اندازه بگیر.

معادل اسکاتلندی:

Measure twice, cut but ance.

دو بار اندازه بگیر، فقط یک بار ببر.

گزی مطبخ به از صد گز طویله.

معادل فرانسوی:

Tout état, et rien au plat.

جمله املاک است و چیزی داخل بشقاب نیست.

گفت یک روز با جحی هیزی
کز علی و عمر بگو چیزی
گفت با وی جحی که انده چاشت
در دلم حب و بغض کس نگذاشت. سنایی

شخصی از مولانا عضدالدین پرسید که چون است که در زمان خلفا مردم دعوی خدایی و پیغمبری بسیار می‌کردند و اکنون نمی‌کنند. گفت: «مردم این روزگار را چندان از ظلم و گرسنگی افتاده است که نه از خدایشان به یاد می‌آید و نه از پیغامبر.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er Bröd end Fuglesang.

نان به از نغمهٔ مرغان غزلخوان باشد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Multa docet fames.

گرسنگی به بشر درس‌ها بیاموزد.

گفتم کلاه بیاور، سر آورده.

ترک‌ها می‌گویند: وور دئدیم، اؤلدور دئمه‌دیم کی. (گفتم بزن، نگفتم که بکش.)

گفتن از زشترویی دگران

نشود باعث نکورویی. پروین اعتصامی

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer Andere anschwärzt, ist darum nicht weiß.

او که دیگران را سیاه می‌کند، خود را سفید نمی‌کند.

گفت‌وگوی اهل غفلت قابل تأویل نیست

خواب پای خفته را تأویل کردن مشکل است. صائب

از دل کپهٔ گه گل مگر می‌روید؟

کس‌خلی جز کس‌شعر سخنی می‌گوید؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool's speech is a bubble of air.

سخن‌های ابله حباب هواست.

گفت‌وگوی هسته‌ای

تا انقلاب مهدی

حق مسلم ماست. م. ا.

هرچه آرزو بکنی، با دو دست خواهد شد

آنچه با دو دست نشد، با دو بست خواهد شد

آرزو بکن، اما در سرت فروکن که

حاصل هزار نبرد یک شکست خواهد شد

یک پلشت اسهالی شاه شهر شاشوهاست

ذکر بوش محتاج شرح و بسط خواهد شد

پیت نفت توخالی، گفت‌وگو بکن، لالی؟
هسته‌های بیمارت شیرمست خواهد شد
تا خود قیامت هم هرچه گفت‌وگو بکنید
کوله‌بار گه سهم نسل شصت خواهد شد
آی نسل آینده، خوش‌خیال‌های الاغ
آنچه شد دوباره شود، آنچه هست خواهد شد
پیش‌بینی‌ام این است: اقتصاد می‌خوابد
کارخانهٔ کاندوم ورشکست خواهد شد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Insanity is doing the same thing over and over, expecting different results.
دیوانگی این است که کاری را دوباره و دوباره انجام بدهی و انتظار داشته باشی که نتایج متفاوتی بگیری.
(نقل قولی از آلبرت اینشتین Albert Einstein است.)

گفتی، باور کردم؛ قسم خوردی، شک کردم.

القسم: شاهد دروغ. عبید زاکانی – تعریفات

انگلیسی‌ها می‌گویند:
An oath like an egg is soon broken.
قسم و تخم‌مرغ معمولاً
هر دو خیلی سریع می‌شکنند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Chi giura, è bugiardo.
هر آدمی قسم بخورد یک دروغگوست.

گل به خودی زدن.

شاهد مثال:
آقای گلی که ظاهراً عقل کل است
هی گل به خودی می‌زند، انگار خل است
دروازهٔ خالی است فلان همه‌مان
این است که او همیشه آقای گل است. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le fou se coupe de son couteau.

احمق خودش را با چاقوی خودش زخمی می‌کند.

گل خدا زیادی آمده، تو را ساخته.

معادل ترکی: سنی نه تاپان دئیر یاشا، نه ایتیرن دئیر هاییف.

(نه کسی که تو را پیدا می‌کند می‌گوید زنده باد، نه کسی که گم می‌کند می‌گوید حیف.)

شیخ ما خرمگس معرکه است
هر محل یک سرِخر می‌خواهد
گلهٔ آدمیان در هر عصر
چندتایی بز گر می‌خواهد
شیخ ما گفت خداوند کریم
عفت از نوع بشر می‌خواهد
گفتم ای شیخ محل، مسئلهٔ
دخترت دوست‌پسر می‌خواهد؟ م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is a scabby sheep in every flock.

به هر گله‌ای گوسفند گری است.

No garden without its weeds.

باغی بدون هرزه علف‌ها نمی‌شود.

گنج نابرده‌رنج می‌خواهید؟
زیر منبر، کنار محراب است. م. ا.

معادل انگلیسی:

If you would live well for a week, kill a hog; if you would live well for a month, marry; if you would live well all your life, turn priest.

اگر خواستی یک هفته خوش بگذرانی، خوکی بکش؛ اگر خواستی یک ماه خوش بگذرانی، زن بگیر؛ اگر خواستی یک عمر خوشگذرانی کنی، کشیش شو.

گنجشکِ به دست بهتر از کبک پریده.

معادل‌های انگلیسی:

A bird in the hand is worth two in the bush.

میزان بهای یک پرنده در دست
همچون دو پرنده در علفزاران است.

A feather in hand is better than a bird in the air.

یک عدد پر که توی مشت شماست
بهتر از یک پرنده توی هواست.

معادل اسکاتلندی:

A bird in the hand's worth twa fleeing by.

یک پرنده توی دستان شما
بهتر است از دو پرنده در هوا.

معادل فرانسوی:

Un moineau dans la main vaut mieux qu’une grue qui vole.

ارزش گنجشککی افتاده اندر دست
از یکی درنای در پرواز افزون است.

معادل‌های آلمانی:

Ein Sperling in der Hand ist besser denn eine Taube auf dem Dache.

گنجشککی به دست به از کفتری به بام.

Ein Vogel in der Schüssel ist besser als hundert in der Luft.

یک پرنده داخل بشقاب ما
بهتر است از صد پرنده در هوا.

معادل ایتالیایی:

E meglio un uccello in gabbia che cento fuori.

یک پرنده که توی یک قفس است
بهتر از صد پرنده‌ای باشد
که شکارش برون ز دسترس است.

معادل هلندی:

Één schacht is beter in de hand dan zeven ganzen op het strand.

یک پر غاز توی پنجهٔ ما
بهتر از هفت غاز در دریا.

معادل دانمارکی:

Bedre een Fugl i Haanden end to paa Taget.

یک پرنده فتاده اندر دست

بهتر از دو پرنده بر بام است.

معادل لاتین:

Plus valet in manibus avis unica quam dupla silvis.

یک پرنده فتاده اندر دست

بهتر از دو پرنده در بیشه‌ست.

گنجشک بین که صحبت شاهینش آرزوست

بیچاره در هلاک تن خویشتن عجول. سعدی - غزلیات

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Amicizia de'grandi vicinanza di leoni.

دوستی بزرگان عهد اخوت با شیران است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ildt er Rakke at lege med Biörnehvalp.

برای توله‌سگ‌ها بد است که با توله‌خرس‌ها بازی کنند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Tigridis evita sodalitatem.

از صحبت ببر برحذر باش.

دودی بگیر و در افق خواب‌ها بپر

گنجشک پر، کلاغ پر و نسل شصت پر. م. ا.

ما که از نسل شصت و هفتادیم

چون پفک کلهم فقط بادیم

ما همانی که دیر بالغ شد

ما همانی که زود وادادیم

چوب‌کبریت‌های سوخته‌ایم

نسل بدبخت رفته‌ازیادیم

نسل تلخ بدون لبخندیم

نسل لال بدون فریادیم
توی این کشور خراب‌آباد
ما به زور مواد آبادیم
بنگ، تریاک، گرد، شیشه، کراک
هرکدامش که باشد استادیم
جنس وقتی بد است، غمگینیم
هر زمان خوب می‌شود، شادیم
ما که در این هزارهٔ سوم
مثل اعصار قبل میلادیم
ساده‌لوحانه منگ حسرت آن
دومین روز ماه خردادیم
سالیانی دراز گوش به این
گفت‌وگوهای هسته‌ای دادیم
آشپزخانه مال آقا شد
این وسط ما خیار سالادیم
زندگی‌های ما تمام سگی است
ما فقط شکل آدمیزادیم
نوبت عاشقی گذشت و هنوز
زیر باتوم گشت ارشادیم
توسری‌خور شدیم، می‌فهمید؟
و به این توسری چه معتادیم
همه از دم پلید و پفیوزیم
همه از دم شرور و شیادیم
نسل نحس حرامزادهٔ پست
لایق فحش جدوآبادیم
ما ابرقدرتیم، باور کن
نشنیدی که دزد پهبادیم؟
کور بودی که یک عدد میمون
روی عرش خدا فرستادیم؟

نشنیدی که رهبری فرمود:
«ما از آن‌جای فیل افتادیم»؟
هرچه عیب است مال غربی‌هاست
ما که کلاً بدون ایرادیم
بی‌خیالش رفیق، لولم کو؟
ما که از هفت دولت آزادیم

«آورین، آورین، چه شعری بود
سکه‌ات را به مادرت دادیم». م. ا.

گنده بودن اگر دلیل بُود
سرور کائنات فیل بُود. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Muckledom is nae virtue.

گنده بودن فضیلتی نبُود.

گنده گنده می‌گوزد.

قرآن هم می‌گوید: کَبُرَت کَلِمَةً تَخرُجُ مِن أَفوَاهِهِم إِن یَقُولُونَ إِلَّا کَذِباً.
(سخن بزرگی از دهانشان خارج می‌شود؛ آن‌ها فقط دروغ می‌گویند!)

گنه کرد در بلخ آهنگری
به ششتر زدند گردن مسگری.

معادل انگلیسی:

One doth the scathe, and another hath the scorn.

یکی ضرر زد و آن دیگری ملامت شد.

گور ندارد که کفن داشته باشد.

معادل ترکی: ایته آتماغا داشی یوخدور. (سنگ ندارد که به طرف سگ پرت کند.)

گرچه زیر کیر گوزیدی تو زود

گوز تو در شأن کون تو نبود.   م. ا.

چه طلبکار هم شده یارو
گوز داده، رسید می‌خواهد.   م. ا.

وقتی هواشناس لپش سرخ می‌شود
یعنی که بادها همه باد مخالف‌اند.   م. ا.

گوز عاقل به در آید از کون
گوز بی‌عقل ولی از دهن است
گوز دادن وسط مهمانی
بهتر از حرف چرندی زدن است.   م. ا.

مرغکی را می‌توانی از صدای او شناخت
مرد را هم می‌شود از حرف‌های او شناخت.   م. ا.

عرب‌ها می‌گویند: المَرءُ مَخبودٌ تَحتَ لِسانِه.
(مرد در زیر زبانش مخفی است.)   حدیثی منسوب به علی بن ابی‌طالب

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Say well or be still.
یا حرف‌های خوب بزن یا سکوت کن.

The style is the man himself.
ویژگی‌های سخن گفتن هر کس خود اوست.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Rede, daß ich dich sehe.
حرف بزن تا که ببینم تو را.

Schweig, ober rede etwas, das besser ist denn Schweigen.
یا به‌کلی سکوت کن یا که
سخنی خوش‌تر از سکوت بگو.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Apri bocca, e fa ch’io ti conosca.

تو دهان بگشای تا بشناسمت.

A chi parla poco, gli basta la metà del cervello.

بهر او که آدم کم‌حرفی است

نیمی از یک مغز چیزی کافی است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Cada hum falla como quem he.

هر کس آن‌سان که خودش هست سخن می‌گوید.

گوز کدبانو صدا ندارد.

= رسوایی اصحاب زر و زور پوشیده می‌ماند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

One law for the rich and another for the poor.

یکی قانون برای اغنیا و

یکی دیگر برای بی‌نوایان.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Geld wird nicht gehenkt.

پول را دار نمی‌آویزند.

گوسفند به فکر جان است، قصاب به فکر دنبه.

معادل‌های عربی: العُصفورُ فِی النَزعِ و الصبیانُ فِی الطَرَب. (گنجشک جان می‌کند و کودک شادی می‌کند.)

الطفلُ یلعب و العُصفورُ فی الم. (کودک بازی می‌کند و گنجشک درد می‌کشد.)

گوش خر بفروش و دیگر گوش خر

کاین سخن را درنیابد گوش خر.   مولوی

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Forbid a fool a thing, an' that he'll do.

خنگ را از عملی منع بکن

تا که فی‌الفور همان را بکند.

هرکه او ارزان خرد، ارزان دهد

گوهری طفلی به قرصی نان دهد. مولوی

کودک خرد بی‌خرد بدهد

زر سی‌دانه را به نیم مویز. سنایی

معادل ترکی: جواهیرین قییمتینی صرراف بیلر، نه بیلر هر دیوانه.

(قیمت جواهر را صراف می‌داند، هر دیوانه‌ای چه می‌داند.)

گویندهٔ آن هر خری است

تو حرف را بشنو که چیست. م. ا.

معادل عربی: اُنظر الی ما قال و لاتنظر الی مَن قال. (ببین چه می‌گوید و نبین که می‌گوید.) حدیث نبوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If the counsel be good, no matter who gave it.

چو پندی سودمند افتد، مهم نیست

کسی که گفته است آن پند را کیست.

A wise man may learn of a fool.

عاقلی هم از مشنگ ابلهی

ای بسا چیزی بیاموزد گهی.

A fool may put something in a wise man's head.

در سر مردی فهیم و باخرد

ابلهی شاید که چیزی جا دهد.

A fool may give a wise man counsel.

ای بسا یک کس‌مشنگ بی‌خرد

عاقلی را پند و اندرزی دهد.

Fools may sometimes speak to the purpose.

پیش می‌آید که گاهی وقت‌ها

ابلهان حرف درستی می‌زنند.

An enemy may chance to give good counsel.

ای بسا که دشمنی اندرز خوبی می‌دهد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A fool may gie a wise man a counsel.

ای بسا که کله‌پوک جاهلی

می‌دهد پندی به مرد عاقلی.

Twa heads are better than ane, though they're but sheep's anes.

دو تا سر بسی بهتر از یک سرند

اگرچند باشد سر گوسفند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un fou avise bien un sage.

یک خردمند از مشنگی کس‌ببو

ای بسا که چیزکی آموزد او.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein Doktor und ein Bauer wissen mehr als ein Doktor allein.

یک دکتر و یک دهاتی بیش از یک دکتر تنها چیز بلدند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Anche il pazzo talvolta dice qualche parola da savio.

گاه یک گاگول هم حرف درستی می‌زند.

Sanno più un savio ed un matto, che un savio solo.

یک عاقل و یک احمق با هم بیش از یک عاقل تنها چیز بلدند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

De un hombre necio á vezes buen consejo.

گاهگاهی کس‌مشنگی بی‌خرد

پند و اندرز درستی می‌دهد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Homem nescio, dá ás vezes bom conselho.

پیش می‌آید که گاهی وقت‌ها

عاقلان را ابلهان پندی دهند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Interdum stultus bene loquitur.

گاه حتی یک ببوی کس‌مشنگ
حرف‌هایی می‌زند خوب و قشنگ.

هیکل تو مضحک و بی‌هارمونی است
خایهٔ یک موش، قد یک شتر
هموطن اسکل ترسوی من
گه بخور و حرف خودت را نخور. م. ا.

چنین است رسم سرای درشت
گهی پشت زین و گهی زین به پشت. فردوسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No fence against ill fortune.

حصاری پیش روی بخت بد نیست.

Joy and sorrow are today and tomorrow.

خوشحالی و اندوه امروز و فردایند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Freud' und Leid sind nahe Nachbarn.

خوشحالی و اندوه دو همسایهٔ دیوار به دیوارند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Geluk en glas breekt even ras.

شانس و شیشه سریع می‌شکنند.

گیر عجب خری افتاده‌ایم.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Bonne journée fait qui de fol se délivre.

او که با هر حقه‌ای از شر بی‌عقلی برست
ارزش کارش شبیه کار روزی کامل است.

گیرم پدر تو بود فاضل
از فضل پدر تو را چه حاصل؟ نظامی

تمام نسل بزرگان اگر نکو باشند

ز بحر زاده، تنک‌ظرفی حباب چراست؟   کلیم کاشانی

معادل‌های انگلیسی:

Never mind who was your grandfather. What are you?

مهم این نیست که جدت کی بود

تو بگو شخص خودت چی هستی؟

Many a good father has but a bad son.

پدرانی که نکوکردارند

ای بسا که پسری بد دارند.

Better a good cow than a cow of a good kind.

گاو خوبی بهتر از آن گاوی است

کز نژادی خوب می‌آید به دست.

معادل اسکاتلندی:

A gude goose may hae an ill gaiflin.

ای بسا غازی نکو

جوجه‌ای بد دارد او.

معادل آلمانی:

Manche gute Kuh hat ein übel Kalb.

چه بسیار گاوان خوبی که گوساله‌هاشان بدند.

معادل اسپانیولی:

Al hombre bueno, no le busques abolengo.

از نژاد و نسب مرد نکو هیچ نپرس.

معادل پرتغالی:

De pai santo, filho diabo.

پدر قدیسی، پسر ابلیسی.

ل

لابد از شهر خویش بی‌خبر است
که چنین در مدینه دربه‌در است
در تماشای این جهان کور است
هر نگاهی که آن‌جهان‌نگر است. م. ا.

بایزید را گفتند بنده به چه چیز به خدای تعالی رسد؟ گفت: «به گنگی و کری و کوری!» دفتر روشنایی

لاف از سخن چو دُر توان زد
آن خشت بُود که پر توان زد. نظامی

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Pensa molto, parla poco, e scrivi meno.

خیلی فکر کن، کم حرف بزن و از آن هم کم‌تر بنویس.

لاک‌پشت را رنگ می‌کند، جای فولکس می‌فروشد.

در بوس و کنار از بغل می‌جهدم
در وقت عمل کلاه سر می‌نهدم
از بس متقلب است آن قحبهٔ زشت
کون داخل کس می‌کند و می‌دهدم. خاکشیر

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Vender gato por lebre.

گربه‌ای را جای خرگوشی فروختن.

لایکم کن تا لایکت کنم.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You scratch my back and I'll scratch yours.

تو پشتم را بخاران تا که پشتت را بخارانم.

هلندی‌ها می‌گویند:

Kraauwt mij, en ik kraauw dij.

بخاران مرا تا بخارانمت.

لرها وقتی فوق لیسانس می‌گیرند، تازه ترک می‌شوند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He who is born a fool is never cured.

قابل درمان نباشد او که اسکل زاده شد.

لقمه را نمی‌جوند دهان آدم بگذارند.

معادل ترکی: چئینه، وئر آغزیما. (بجو، بده دهانم.)

معادل فرانسوی:

Il attend que les alouettes lui tombent toutes rôties dans le bec.

توقع دارد او تا که بیفتند
چکاوک‌های بریان در دهانش.

لگد به بخت خودت نزن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When fortune knocks, open the door.

هر زمانی بخت بر در می‌زند
پاشو و در را برایش باز کن.

When fortune smiles, embrace her.

بخت وقتی که می‌زند لبخند
محکم او را بغل بکن فرزند.

When fortune smiles take the advantage.

بخت وقتی که می‌زند لبخند
تو از آن سوءاستفاده بکن.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wenn das Glück anpocht, soll man ihm aufthun.

هر زمانی شانس بر در می‌زند، در را برایش باز کن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quando viene la fortuna, apri le porte.

بخت هر موقعی که می‌آید
پاشو درهای خانه را وا کن.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het geluk staat niet stil voor iemands deur.

بخت خوش پشت در هیچ کسی
مدتی دیر معطل نشود.

لنگ حمام است، هر کس بست، بست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Like a barber's chair, fit for every buttock.

عینهو صندلی سلمونی
چفته با هر کفل و هر کونی.

لنگه‌کفشی در بیابان نعمت است.

معادل‌های انگلیسی:

Where nothing is, a little doth ease.

هیچ چیزی هرکجا موجود نیست
اندکی هم موجب آسودگی است.

Where nothing is, a little goes a long way.

هیچ چیزی گر نباشد در میان
اندکی راه درازی می‌رود.

لی‌لی به لالاش نگذار.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Too much taking heed is loss.

توجه کردن خیلی زیادی
مساوی هست با از دست دادی.



ما انقلاب نکردیم، انقلاب ما را کرد.

انقلابی که نکردیم، خودش ما را کرد
شده یک سفرۀ بی‌صاحب خوشمزۀ مفت
نه برای من و تو، بلکه برای هر کس
دم تکان داده و لبیک به آن آقا گفت
ما که بر سفرۀ آخوند فقط گه خوردیم
با سس حرص و غم و حسرت و یک چیز کلفت.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wit may be bought too dear.

شعور ممکنه خیلی گرون خریده بشه.

Bought wit is best.

شعور اکتسابی بهترین است.

Bought wit is best, but may cost too much.

شعور اکتسابی بهترین است
ولی شاید گران گیریش در دست.

Bought wit makes folk wise.

با شعور اکتسابی هر کسی عاقل شود.

Experience that is bought is good, if not too dear.

خرید تجربه یک چیز خوب است
اگر خیلی گران‌قیمت نباشد.

An ounce of wit that's bought is better than a pound that's taught.

یک نخود بینش که خود در زندگی اندوختی
به ز خرواری از آن کز دیگران آموختی.

رومیان باستان می‌گفتند:

Empta dolore docet experientia.

تجربه وقتی گران آید به دست
می‌دهد درسی که خوب و کامل است.

ما اهل کوفه نیستیم
پول بگیریم، بایستیم.

رومیان باستان می‌گفتند:

Auro loquente nihil pollet quævis ratio.

طلا وقتی به گفتاری درآید
ز منطق هیچ کاری برنیاید.

ما اینیم دیگه.

رومیان باستان می‌گفتند:

Veni, vidi, vici.

آمدم، دیدم، فتح کردم.

(سخن معروف ژولیوس سزار پس از پیروزی در نبرد زیلا، در آسیای صغیر است که از آن زمان در زبان لاتین ضرب‌المثل شد.)

حقا که عجب حوصله‌ای ما داریم
حقا که چه عشقی به عرب‌ها داریم
ما بعد هزار و چارصد سال سیاه
با شمر و عمر هنوز دعوا داریم. م. ا.

بوی باران بهاران که به بالین بیابان برسد خواهی دید
خندهٔ خطمی‌ها
ناز نرگس‌ها را
بازی رازقی و لالهٔ عباسی و مریم‌ها را
جنگ ادیان که به پایان برسد خواهی دید
صلح آدم‌ها را. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Concerning the dead nothing but good.

ذکر خیر مردگان را گوی و بس.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Les morts sont bientôt oubliés.

مردگان فوری ز خاطر می‌روند.

Un homme mort n’a ni parents ni amis.

آدم مرده نه خویشی، نه رفیقی دارد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Vergieb und vergesse.

عفو بنما و فراموش بکن.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A mórtos, e a idos, naõ ha amigos.

مردگان و غایبان را دوست نیست.

رومیان باستان می‌گفتند:

De mortuis nil nisi bonum.

از مردگان چیزی نگو
غیر از سخن‌های نکو.

ما به این جمعیت نعلین‌پوش
خمس را دادیم و کون را نیز روش. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Was nicht nimmt Christus, das nimmt Fiscus.

آنچه را کلیسا نگرفته ادارهٔ دارایی گرفته.

ما خانه‌به‌دوشان غم سیلاب نداریم.

معادل انگلیسی:

He that has nothing is frighted at nothing.

هر کسی چیزی ندارد توی دست
ایمن از هر نوع ترس و وحشت است.

معادل‌های فرانسوی:

Qui n’a rien, ne craint rien.

کسی که هیچ ندارد ز هیچ چیز نترسد.

Surement va qui n'a rien.

هر کسی چیزی ندارد توی دست

توی هر راهی که باشد ایمن است.

معادل ایتالیایی:

Chi non ha niente, non teme niente.

هر کسی دست او به‌کل خالی است

هیچ ترسی درون جانش نیست.

معادل اسپانیولی:

A quien no tiene nada, nada le espanta.

او که دستش خالی است از ترس و وحشت ایمن است.

معادل لاتین:

Qui jacet in terra non habet unde cadat.

هر کسی پهن شده روی زمین

نتواند که بیفتد پایین.

ما را باش که از بز دنبه می‌خواهیم.

معادل انگلیسی:

He seeks wool on an ass.

بر تن خر پشم می‌جورد.

معادل فرانسوی:

Demander de la laine à un âne.

پشم از الاغی خواستن.

معادل آلمانی:

"Viel Geschrei und wenig Wolle," sagte der Narr und schor ein Schwein.

«سروصدای زیاد و پشم کم» احمق گفت، وقتی پشم یک خوک را چید.

معادل لاتین:

Asini vellera quæris.

از خری پشم طلب می‌داری.

ما را ساده گیر آورده‌ای؟

معادل انگلیسی:

Tell that tale to a deaf man.

این حکایت را تو در گوش کری تعریف کن.

ما صد نفر بودیم تنها، آن‌ها سه نفر بودند همراه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

United we stand, divided we fall.

متحد استاده‌ایم
تک به تک افتاده‌ایم.

هلندی‌ها می‌گویند:

Eendragt maakt magt.

متحد بودن توانایی بُود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Mange Sandkorn kommer Skib til at synke.

خیلی زیادِ دانه‌های شن
هر کشتی‌ای را غرق خواهد کرد.

ما علم غربی‌ها را می‌خواهیم، ولی فرهنگشان را نمی‌خواهیم!

ما که سیر شدیم، کون لق هرچی گرسنه است.

نوعی دعای پایان سفره است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

L'animal delle lunghe orecchie, dopo aver beveto dà calci al secchio.

خر همینی که آب خود را خورد
لگدی هم به سطل خواهد زد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als ’t varken zat is, zoo stoot het de trog om.

خوک وقتی خوب خورد و سیر شد
لاوکش را می‌زند چپ می‌کند.

ما مردم ایران همگی خر هستیم
یک مشت نفهم خاک بر سر هستیم
یک پیر خرفت روی ما جا خوش کرد
حقا که خر یک خر دیگر هستیم.   م. ا.

تو ای استاد فن خرچرانی
چه خوش ما را پی خود می‌دوانی
فقط یک نکته از من بشنو و بس
فلانم در فلانت ای فلانی.   م. ا.

اهل این ملک بی‌لجام خرند
به خدا جمله خاص و عام خرند
سربه‌سر کشوری که یک آدم
یافت نتوان در او، زنش گادم
این‌همه خر مگر تو را بس نیست؟
خر چه جویی؟ به‌غیر خر کس نیست
شاه و کابینه و وزیر خرند
از امیرانش تا فقیر خرند...
از مقامات‌های عالیه خر
برسد تا وزیر مالیه خر
از معارف گرفته تا به علوم
کار یک مشت خر بُود معلوم
آن که دارد ریاست وزرا
— به خداوند خالق دو سرا —
زین خران جملگی بزرگ‌تر است
می‌توان گفت یک طویله خر است
از خریت هویت است ورا
دیپلم از خریت است ورا...
از معلم گرفته تا شاگرد
عقل ایرانیان بُود همه گرد.   عارف قزوینی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Supple knees feed arrogance.

زانوانی شل غذای نخوت‌اند.

مادرت تو را نزاییده، ریده.

ای روی زردفام تو بر گردن نزار
همچون بلند نی که بُود بر بلندیی
آنگه که مادر تو تو را داشت در شکم
هر ساعتی ز رنج زمین را بکندیی
نه ماه رنجت از چه کشید او که بعد از آن
از کس همی‌فگند که از کون فگندیی.   سنایی

مار که پیر شد، قورباغه سوارش می‌شود.

معادل هلندی:

Als de wolf oud wordt regen hem de kraaijen.

گرگ آن‌موقعی که پیر شود
زاغ‌ها روی او سوار شوند.

ماسکت را گاییدم.

= ژست بچه‌مثبت‌ها را نگیر.

رومیان باستان می‌گفتند:

Nemo potest personam fictam diu ferre.

هیچ‌کس نمی‌تواند ماسکی را مدت زیادی نگه دارد. (نقل قولی از سنکا Seneca است.)

مال از بهر آسایش عمر است، نه عمر از بهر گرد کردن مال.   سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If money be not thy servant, it will be thy master.

اگر پول تو نوکر تو نشد
بدان سرورت می‌شود خودبه‌خود.

Command your wealth, else that will command you.

ثروتت را تحت امر خود بگیر
ور نه تحت امر خود می‌گیردت.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

L’argent est un bon serviteur, mais c’est un mauvais maître.

پول نیکو نوکری است
لیکن او بد سروری است.

مال بد بیخ ریش صاحبش.

اتابک سلغرشاه هر زمان به خط خود مصحفی نوشتی و با تحفه‌ای چند به کعبه فرستادی و در باقی سال به شراب مشغول بودی. چند سال مکرر چنین کرد و یک سال مجدالدین حاضر بود؛ گفت: «نیکی می‌کنی. چون نمی‌خواهی، به خانهٔ خداوندش می‌فرستی.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

آلمانی‌ها می‌گویند:

Böser Pfennig kommt immer wieder.

یک سکهٔ یک‌فنیگی بد
سوی تو دوباره بازگردد.

مال خودش که نیست، دلش بسوزد.

معادل‌های انگلیسی:

A hired horse tired never.

اسبی که کرایه کرده باشند او را
وامانده و خسته نشده تا حالا.

The common horse is worst shod.

بدترین نعل به پای اسبی است
کو یک اسب همگانی باشد.

What belongs to everybody belongs to nobody.

آنچه مال همگانی است
متعلق به کسی نیست.

معادل فرانسوی:

L’âne du commun est toujours le plus mal bâté.

گر خری مال همه مردان است
صاحب ژنده‌ترین پالان است.

معادل آلمانی:

Fremdes Pferd und eigene Sporen haben bald den Wind verloren.

اسب مردی دیگر و مهمیز تو
می‌برند از باد در تندی گرو.

معادل ایتالیایی:

Sproni proprii e cavalli d'altri fanno corte le miglia.

مهمیز شما و اسب مردم
کوتاه کنند مایل‌ها را.

معادل‌های اسپانیولی:

Cuidado ageno de pelo cuelga.

دلسوزی دیگری به مویی بند است.

Asno de muchos, lobos le comen.

آن خری که صاحبانش خیلی‌اند
دیر یا زود او غذای گرگ‌هاست.

Cuidados agenos matan el asno.

تیمار دیگران خر را می‌کشد.

معادل پرتغالی:

Asno de muitos, lobos o comem.

طعمهٔ گرگ‌ها شود یک خر
صاحبانی زیاد دارد اگر.

معادل‌های هلندی:

Gehuurde paarden maken korte mijlen.

اسب‌هایی که کرایه کرده‌ای
مایل‌ها را خوب کوته می‌کنند.

Gemeen goed, geen goed.

مال عمومی ابداً مال نیست.

معادل‌های دانمارکی:

En andens Hest og egen Svöbe, kan meget taale.

اسب مردی دیگر و شلاق تو
کارهای باشکوهی می‌کنند.

Laant Hest og egen Sporer giör korte Mile.

اسب قرضی همره مهمیز تو
مایل‌ها را خوب کوته می‌کنند.

مال خودم مال خودم، مال مردم هم مال خودم.

معادل انگلیسی:

What's yours is mine, and what's mine's my own.

هرچه مال تو بُود مال من و
مال من نیز برای خودم است.

مال مردم همیشه شیرین است

شیخ ما هم خوش‌اشتهاست هنوز
بعد چل سال مال مفت‌خوری
معده‌اش خندق بلاست هنوز.   م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Le feste sono belle a casa d'altri.

در سرای دگران بزم خوش است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het is goedt feest houden op een anders zaal.

بزم در تالار فرد دیگری
هست کار خوب و شادی‌آوری.

مال همه مال است، مال من بیت‌المال است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Naõ me pago do amigo, que come o seu só, e o meu comigo.

او دوست نیست که مال خودش را تنهایی می‌خورد و مال مرا با من.

ماماآورده را مرده‌شور می‌برد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The child was born, and cried,
Became a man, after fell sick, and died.

این بچه یک زمان متولد شد و گریست
مردی شد و مریض شد و مرد و... دیگه نیست.

The first breath
Is the beginning of death.

نفس اول هر فرد شروع مرگ است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ist der Mensch geboren so fängt er an zu sterben.

هر کس از لحظهٔ تولد خویش
مردن خویش را شروع کند.

ماهی و ماست؟ عزرائیل می‌گه بازم تقصیر ماست؟

جامع هفت چیز در یک روز
عجب است ار نمیرد آن دابه
سیر بریان و جوز و ماهی و ماست
تخم‌مرغ و جماع و گرمابه.   سعدی

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Bon guet chasse malaventure.

هوشیاری بدبیاری را فراری می‌دهد.

مترسک سر جالیز.

شاهد مثال:

این چیز که یک افعی رعب‌انگیز است
بی نفخهٔ صور مست رستاخیز است
مانند درفش کاویانی شده است
دیری است مترسک سر جالیز است.   م. ا.

مثل امام صادق علم لدنی دارد.

طعنه‌ای است به کسانی که خود را بی‌نیاز از مطالعه می‌دانند و نخوانده اظهار نظر می‌کنند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Despise school and remain a fool.

مدرسه را خوار دار و ابلهی باقی بمان.

The first chapter of fools is to think themselves wise.

اولین فصل کتاب ابلهان
خویشتن را باخرد دانستن است.

The owl of ignorance lays the egg of pride.

جغد جهالت بشر تخم غرور می‌نهد.

مثل این‌که یک چیزی هم بدهکار شده‌ایم.

نوشتم دو تا شعر و یک یادداشت
به وبلاگ خویش و شدم بازداشت
مرا بازجویی به یک تخت بست
و با شیشه‌نوشابه کونم گذاشت
بدهکار هم مثل این‌که منم
عجایب تمامی نخواهند داشت.   م. ا.

مثل بز اخفش.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wie mancher liest in der Bibel, und lebt doch sehr übel.

چه بسیارند آنانی که هر روز
کمی انجیل می‌خوانند، هرچند
که از راه رذیلت برنگردند.

مثل پروستات مقام معظم رهبری.

دریغا که این شیخ بزدل ندارد

نه تخم حقیقی، نه تخم مجازی.   م. ا.

مثل دست آقا.

شاهد مثال:

دست من از بدنش کوتاهه
عین دست خود آقاس آقا.   م. ا.

مثل جن نابسم‌الله.

معادل اسکاتلندی:

Speak o' the deil and he'll appear.

حرف شیطان را بزن تا ناگهان ظاهر شود.

معادل فرانسوی:

Quand on parle du loup, on en voit la queue.

از گرگ بگو تا که دمش را بینی.

معادل آلمانی:

Wenn man den Wolf nennt, so kömmt er gerennt.

تا سخن از گرگ می‌گویی، یهو
توله‌اش ظاهر شود در پیش تو.

معادل هلندی:

Als men van den duivel spreekt, dan rammelt reeds zijn gebeente.

حرف شیطان را بزن تا تق‌وتق استخوان‌های طرف را بشنوی.

مثل خر آسیاب.

شاهد مثال:

تا جهانگرد مشرقی باشد
خشک‌مغز ببوی بی‌دردی
یک بیابان خشک و خاک‌آلود
می‌شود مقصد جهانگردی
تو بگو، با چنین زنی چه کنیم؟
چه بگوییم با چنین مردی؟

زین سفر غیر تبلت شیکی
چه رهاورد نیکی آوردی؟
راستی، خوب شد که له نشدی
زیر بن فهد ناجوانمردی
تکه‌ای از شهاب‌سنگی بود
آنچه رفتی زیارتش کردی
تو خر آسیاب اعرابی
گرد یک تکه سنگ می‌گردی. م. ا.

مثل ریگ دروغ می‌گوید.

معادل انگلیسی:

He lies like an epitaph.

مثل قبرنوشته‌ای دروغ می‌گوید.

مثل سگ و گربه.

معادل ترکی: ایت پیشیک کیمی یولا گئدیرلر. (مثل سگ و گربه راه می‌روند.)

معادل‌های انگلیسی:

To agree like cat and dog.

شبیه سگ و گربه یک‌دل شدن.

By biting and scratching cats and dogs come together.

گربه و سگ چون که در آمیزش‌اند
گاز می‌گیرند و چنگی می‌کشند.

معادل هلندی:

Zij leven te zamen als honden en katten.

مثل سگ‌ها و گربه‌ها با هم
یک‌دل‌اند و موافق و همدم.

مثل لپ‌های رفسنجانی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Soft as silk.

نرم مثل ابریشم.

مجبور بودم؛ می‌فهمی؟

ترکه داشت تعریف می‌کرد: «توی دریا داشتم شنا می‌کردم که یک کوسه افتاد دنبالم. فوری از درخت بالا رفتم.» گفتند: «توی دریا درخت کجا بود؟» ترکه گفت: «مجبور بودم؛ می‌فهمی؟»

ترک‌ها می‌گویند:

Köşeye sıkışan sıçan kedi taşağı yalar.

بلیسه خایه‌های گربه رو موشه
همین که گیر می‌افته به یک گوشه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An ass pricked trots.

آن الاغی که نیشتر خورده
یورتمه می‌رود پدرمرده!

He must needs swim that is held up by the chin.

تا چانه اگر داخل آب است آقا
جداً به شنا نیاز دارد حالا.

Sink or swim.

یا غرق بشو یا که شنا کن.

Need teaches a plan.

هرکجا احتیاج پا بنهد
نقشه‌ای پیش پای ما بنهد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A naked man maun rin.

مرد کون‌لخت باید بدود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ane piqué convient qu'il trotte.

آن الاغی که نیشتر خورده
ناگزیر است یورتمه برود.

La peur est grand inventeur.

ترس یک مخترع معرکه است.

Celui peut hardiment nager à qui l'on soutient le menton.

تا چانه اگر داخل آب است این مرد
بی‌باک و جسورانه شنا خواهد کرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Asino punto convien che trotti.

آن خری که خورده او سیخونکی
یورتمه باید رود حیوونکی.

رومیان باستان می‌گفتند:

Qui non potest quod vult, velle oportet quod potest.

او که امکانی ندارد تا کند
کارهای باب میل خویش را
باید او آن کار ممکن را کند.

Non uti libet, sed uti licet, sic vivamus.

نه آن‌گونه که ما خود دوست داریم
در آن حدی که امکان و توان هست
بباید زندگانی را سر آریم.

مجو درستی عهد از جهان سست‌نهاد
که این عجوز عروس هزارداماد است. حافظ

ترک‌ها می‌گویند: بو دونیا وفاسیز دونیادیر. (این دنیا دنیای بی‌وفایی است.)

محتسب نمی‌داند این‌قدَر که صوفی را
جنس خانگی باشد همچو لعل رمانی. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The friar preached against stealing, and had a goose in his sleeve.

راهبی با غازی اندر آستین
موعظه می‌کرد که دزدی بد است.

هلندی‌ها می‌گویند:

De monnik preekte dat men niet stelen mogt, en hij zelf had de gans in zijne schapperade.

مرد راهب موعظه بر ضد دزدی می‌نمود
لیک در پستوی خود یک غاز پنهان کرده بود.

مدح خود کردن پنبه جویدن است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not sound the trumpet of your own praise.

سرنای ثنای خویشتن را ننواز.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Self-praise is nae honour.

خودستایی افتخار شخص نیست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Hizonos Dios, y maravillámonos nos.

خلقمان کرده‌ست دادار کریم
لیک ما خود را ستایش می‌کنیم.

هلندی‌ها می‌گویند:

Zelfs lief niemands lief.

خودپرست از عشق هر انسان دیگر عاری است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Laus in proprio ore sordescit.

خودستایی چیز نامطبوعی است.

هر واژه که شیخ شهر می‌فرماید
گندی به هوای شهر می‌افزاید
مدفوع کسی چو عزم معراج کند
از راه دهان او برون می‌آید. م. ا.

از بس سخنان شیخ عطرآگین‌اند
از بس تر و آبدار و آهنگین‌اند
از بس‌که ز دل برآمده هر کلمه

انگار که از راه دهان می‌ریینند.   م. ا.

یک آمریکایی گمنام گفته است:

Never hold your farts in. They travel up your spine into your brain, and that's where your crappy ideas come from.

هرگز گوزهایت را نگه ندار. آن‌ها از راه ستون فقراتت به مغزت می‌روند و بدین‌سان است که نظرات تخمی‌ات صادر می‌شوند.

ریش بد را داروی بد یافت رگ

مر سر خر را سزد دندان سگ.   مولوی

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

A carne de lobo, diente de perro.

برای گوشت گرگ دندان سگ.

مرا آن تشت زرین نیست درخور

که دشمن خون من ریزد در او در.   فخرالدین اسعد گرگانی

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Arrenego de tigelhina de ouro, em que hei de cuspir sangue.

من از آن تشت زرینی که باید

در آن خون تف نمایم دست شستم.

مرا ز دست هنرهای خویشتن فریاد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you want enemies excel others, if you want friends let others excel you.

هر وقت دشمن خواستی، از دیگران برتر بشو

گر دوست می‌خواهی، بهل برتر شوند آنان ز تو.

مرد اگر کله‌پوک بود و ببو

کمکی می‌کند کلاه به او؟   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A hog in armour is still but a hog.

یک خوک زره نیز که بر تن بکند
فرقی نکند، باز فقط یک خوک است.

مرد باید جوری بگوزد که صدایش تا هفت خانه آن‌طرف‌تر برود.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den er Mand, som giör Mands Gierning.

او که رفتارش چو یک مرد است یک مرد است.

مرده از نیشتر نمی‌ترسد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To flog a dead horse.

شلاق زدن به اسب مرده.

رومیان باستان می‌گفتند:

Jugulare mortuos.

خنجری بر تن یک مرده زدن.

مرغ بر بالا پران و سایه‌اش
می‌رود بر روی صحرا مرغوش
ابلهی صیاد آن سایه شود
می‌دود چندان که بی‌مایه شود. مولوی

معادل انگلیسی:

Catch not at the shadow and lose the substance.

چنگ در سایهٔ یک چیز نزن
تا خود آن نرود از چنگت.

معادل آلمانی:

Der Hund raset wider den Stein, und nicht wider den, so geworfen.

سگ رو به سنگ می‌غرد، نه رو به او که آن را پرتاب می‌کند.

مرغ بریان به چشم مردم سیر
کم‌تر از برگ تره بر خوان است

وان که را دستگاه و قدرت نیست

شلغم پخته مرغ بریان است.   سعدی - گلستان

معادل‌های انگلیسی:

Bitter is sweet to a hungry man.

برای مرد گرسنه شرنگ شیرین است.

Hunger finds no fault with the cookery.

گرسنگی از دستپخت ایراد نمی‌گیرد.

Poor folk are glad of pottage.

مردمان بی‌نوا با شوربایی دلخوش‌اند.

معادل‌های ایتالیایی:

Asino che ha fame mangia d'ogni strame.

یک الاغ گرسنه خواهد خورد

هر مدل کاه را که می‌بیند.

A colomba pasciuta la vescia par amara.

کفتری سیر اگر باشد، ماش

چیز بدمزه و تلخی است براش.

معادل اسپانیولی:

Hombre harto no es comedor.

مرد سیری به غذا بی‌میل است.

مرغ پخته را هم به خنده می‌اندازد.

معادل انگلیسی:

It is enough to make a cat laugh.

بهر خنداندن یک گربه کفایت بکند.

مرغ زیرک که می‌رمید از دام

با همه زیرکی به دام افتاد.   سعدی - غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The old fox is caught at last.

روباه پیر نیز سرانجام صید شد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ancor le volpi vecchie rimangono al laccio.

روبهان پیر هم در دام می‌افتند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mucho sabe la zorra, pero mas el que la toma.

روباه زیرک است، ولی کسی که او را شکار می‌کند زیرک‌تر است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Ainda que a garça voe alta, o falcaõ a mata.

گرچه درنا سخت بالا می‌پرد

در نهایت قوش او را می‌درد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Musen veed meget, men Katten veed mere.

موش داناست، ولی گربه بُود داناتر.

رومیان باستان می‌گفتند:

Anus simia sero quidem.

میمون پیر نیز سرانجام صید شد.

مرغ هرچه چاق‌تر است، کونش تنگ‌تر است.

معادل اسکاتلندی:

Fat hens are ill layers.

مرغان چاق تخم‌گذاران تخمی‌اند.

معادل آلمانی:

Fette Hühner legen wenig Eier.

مرغان چاق و فربه کم تخم می‌گذارند.

مرغ هم تخم می‌کند، هم چلغوز.

معادل ایتالیایی:

Non è tutto butiro che fa la vacca.

هرچه از گاو درآید کره نیست.

مرغ یک پا دارد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Wilful will do it.

آدم یک‌دنده آن را می‌کند.

A wilful man will have his way.

یک مرد لجباز آخرش کار خودش را می‌کند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A wilfu' man maun hae his way.

آدم یک‌دنده راه خویش را باید رود.

مرغی را که در هواست نباید به سیخ کشید.

یکی از طلحک پرسید که کلنگ را چگونه کباب کنند. گفت: «اول تو بگیر.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

معادل انگلیسی:

Never fry a fish till it's caught.

ماهی‌ای را نگرفته از آب
ابداً سرخ نباید بکنی.

معادل اسکاتلندی:

Gut nae fish till ye get them.

ماهی‌ای را نگرفته از آب
ابداً پاک نباید بکنی.

معادل‌های ایتالیایی:

Non gridar i pesci fritti prima d’esser presi.

ماهی‌ای را نگرفته از آب
ابداً داد نزن آی کباب.

Vender l’uccello in su la frasca.

فروختن پرندهٔ توی بوته‌زار.

مرگ خوب است، ولی برای همسایه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No churchyard is so handsome that a man would desire straight to be buried there.

حیاط هیچ کلیسا چنان مصفا نیست
کسی بخواد همین لحظه توش دفن بشه.

Every one wants to go to heaven but nobody wants to die.

همگان طالب رفتن به بهشت‌اند، اما
هیچ‌کس نیست که طالب بشود مردن را.

It is hard even to the most miserable to die.

بهر بدبخت‌ترین مردم هم
مرگ چیزی است که بس دشوار است.

مست از کجا، شرم از کجا.

معادل انگلیسی:

Where wine goes in, modesty goes out.

باده هنگامی که وارد می‌شود
عفت و آزرم بیرون می‌رود.

معادل آلمانی:

Wo Wein eingeht, geht Scham aus.

هر موقعی شراب رود داخل تنی
بیرون روند شرم و حیا و فروتنی.

معادل ایتالیایی:

Dove entra il vino, esce la vergogna.

باده از این سو که وارد می‌شود
زان طرف شرم و حیا بیرون رود.

مست بودم اگر گهی خوردم
گه فراوان خورند مستانا.

عبید زاکانی – موش و گربه

شاعریم و مبارز مدنی
شهره هستیم ما به بددهنی
واقعاً که چه خوب می‌گیرند
عرقیجات خالص وطنی

با دو تا بال مرغ پرکنده.   مزدک نظافت

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that hath killed a man when he was drunk shall be hanged when he is sober.

او که در مستی یکی را کشته است

وقت هشیاریش باید دار زد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

What ye do when you're drunk ye may pay for when you're dry.

چو کاری را کنی هنگام مستی

بسا که هر زمان هشیار هستی

بپردازی بهایش را دودستی.

مستی به آب یک دو عنب وضع بنده نیست

من سالخورده پیر خرابات‌پرورم.   حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A bird never flew on one wing.

نپریده پرنده‌ای تا حال

با فقط استفاده از یک بال

(= با فقط یک پیالهٔ مشروب

بنده عمراً نمی‌شوم سرحال).

مستی و راستی.

معادل‌های انگلیسی:

Drunken folks speak truth.

مست‌ها حرف راست می‌گویند.

What a man says drunk, he thinks sober.

آنچه آید بر زبان مرد مست

حاصل اندیشهٔ هشیاری است.

What soberness conceals, drunkenness reveals.

آنچه هشیاری کند آن را نهان

می‌کند مستی به چشم ما عیان.

Wine wears no mask.

شراب هیچ نقابی به چهره‌اش نزند.

معادل‌های اسکاتلندی:

A fu' heart never lee'd.

حاشا که دلی مست دروغی گفته.

A fu' man's a true man.

یک آدم مست آدم صادقی است.

He speaks in his drink what he thinks in his drouth.

موقع مستی بیارد بر زبان
آنچه در هشیاری اندیشد به آن.

Fair fa' gude drink, for it gars folk speak as they think.

بادهٔ ناب سلامت بادا
می‌شود باعث این‌که همه‌جا
به همان‌گونه که می‌اندیشند
حرف خود را بزنند آدم‌ها.

معادل‌های آلمانی:

Trunkener Mund redet aus Herzens Grund.

دهان مست اسرار دل را فاش می‌کند.

Nüchtern gedacht, voll gesagt.

آنچه در هشیاری اندیشی به آن
موقع مستی بیاری بر زبان.

Im Spiegel sieht man die Gestalt, im Wein das Herz.

درون آینه شکل و قیافهٔ خود را
درون باده دل خویش را عیان بینیم.

Im Wasser kannst du dein Antlitz sehn,
Im Wein des andern Herz erspähn.

رخ خویشتن را ببینی در آب
دل دیگری را درون شراب.

معادل اسپانیولی:

No hay tal testigo como buen moduelo de vino.

شاهدی به پای مقدار زیادی شراب نمی‌رسد.

معادل دانمارکی:

Det den Ædru har i Hiertet, har den Drukne i Munden.

آنچه توی دل یک هشیار است

می‌رود روی لبان یک مست.

معادل‌های لاتین:

In vino veritas.

راستی در شراب می‌باشد.

Quod est in corde sobrii est in ore ebrii.

آنچه توی دل یک هشیار است

می‌نشیند به زبان یک مست.

Aperit præcordia liber.

باده قفل سینه را وا می‌کند. (نقل قولی از هوراس Horace است.)

مسخرگی و قوادی و دف‌زنی و غمازی و گواهی به دروغ دادن و دین به دنیا فروختن و کفران نعمت پیشه سازید تا پیش بزرگان عزیز باشید و از عمر برخوردار گردید. عبید زاکانی – صد پند

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer zu Hof sein will, muß bald oben bald unten liegen.

او که می‌خواهد در دادگاه برنده شود باید گاهی آهسته دروغ بگوید، گاهی بلند.

مسکین خر اگرچه بی‌تمیز است

چون بار همی‌برد عزیز است. سعدی – گلستان

فرانسوی‌ها می‌گویند:

La patience est la vertu des ânes.

بردباری فضیلت خرهاست.

مُشک آن است که ببوید، نه آن که عطار بگوید. سعدی – گلستان

معادل‌های انگلیسی:

He cries wine and sells vinegar.

پشت هم جار می‌زند که شراب
می‌فروشد به‌جاش سرکه جناب.

You cannot know wine by the barrel.

شراب را نتوانی ز بشکه‌اش بشناسی.

Do not buy a pig in a poke.

خوک را داخل گونی نخرید.

معادل فرانسوی:

Il ne faut pas s’en rapporter à l’étiquette du sac.

به برچسب یک کیسه دل خوش نکن.

معادل‌های آلمانی:

Böse Waare muß man aufschwatzen.

جنس بنجل را بباید جار زد.

Man muß die Katze nicht im Sacke kaufen.

گربه‌ای را توی یک گونی نخر.

معادل‌های اسپانیولی:

El buen vino la venta trae consigo.

شراب خوب خود را می‌فروشد.

El vino bueno no ha menester pregonero.

باده‌ای اگر خوب است جارچی نمی‌خواهد.

معادل پرتغالی:

O bom vinho naõ ha mester ramo.

شراب خوب نیازی به عکس بوته ندارد.

(از قدیم رسم بوده که بر سردر میکده‌ها و روی بطری‌های شراب نقش بوتهٔ پیچک می‌نگاشته‌اند. پیچک گیاه محبوب باکوس Bacchus خدای شراب یونانیان و رومیان باستان بوده است.)

معادل‌های هلندی:

De uitkomst zal het leeren.

مدرک و برهان شیرینی
را زمان خوردنش بینی.

Goede waar prijst zichzelven.

شراب خوب خود را می‌ستاید.

معلم چون کند دستان‌نوازی

کند کودک به پیشش پای‌بازی. فخرالدین اسعد گرگانی

معادل عربی: اذا کان رب البیت بالدف مولعاً

فعادة اهل البیت کلهم الرقص.

(اگر صاحبخانه مشتاق دف‌زنی باشد، رقاصی عادت همهٔ اهل خانه است.)

معادل انگلیسی:

In the house of the fiddler all fiddle.

در سرای ویولن‌زن همه از دم ویولن‌زن هستند.

معادل فرانسوی:

En la maison du ménétrier chacun est danseur.

در سرای ویولن‌زن همگی رقاص‌اند.

معادل اسپانیولی:

En casa del gaitero todos son danzantes.

در خانهٔ نی‌زن همگی رقاص‌اند.

معما چو حل گشت آسان شود.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

All things are difficult before they are easy.

هرچه سخت است پیش‌تر زانی

که شود چیز سهل و آسانی.

معیار دوستان دغل روز حاجت است

قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب. صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you would know the value of money, try to borrow some.

ارزش پول چو خواهی که بدانی چون است

سعی کن قدری از آن را ز کسی قرض کنی.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Se queres saber quanto val hum cruzado, busca-o emprestado.

اگر می‌خواهی ارزش یک دلار را بدانی، سعی کن آن را قرض بگیری.

مغز ما یک غدهٔ تزئینی است
لحظه‌ای اندیشه کردن ننگ اوست
مغز ایرانی است، جنس چینی است
فرق آن با گه فقط در رنگ اوست. م. ا.

ای عنی که درون کون منی
لایق ریش مردم وطنی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A carrion kite will never be a good hawk.

عمراً اگر یک زغن لاشخور
قوش پسندیده و خوبی شود.

مغز خر خورده است.

شاهد مثال:

هرکه را احمقی بُود به تمام
خلق گویند مغز خر خورده‌ست
ور چنین است، مجد قزوینی
مغز تنها نه، مغز و سر خورده‌ست
در سرش مغز نیست، پنداری
مغز او را خری دگر خورده‌ست. کمال اسماعیل

معادل انگلیسی:

He hath no more wit than a stone.

عقل او افزون ز عقل تکه‌سنگی نیست.

مغزش آکبند است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Your wit will ne'er worry you.

بهر تو سهمت از شعور و خرد
هرگز اسباب دردسر نشود.

مغزم را دایورت کرده‌ام روی تخمم.

شاهد مثال:

مملکت بس‌که تخمی و هرت است
مغز ما روی تخم دایورت است.   م. ا.

رومیان باستان می‌گفتند:

What one knows, it is sometimes useful to forget.

گاهی از یاد بردن چیزی
که بدانی مفیدتر باشد.

مغزم گوزید.

یا: مخم گوزید.

شاهد مثال:

آن درس که انقلابتان آموزاند
دیدی چه قشنگ مغز ما را گوزاند؟
رفتن به سراب داغ جن‌های حجاز
سودای شما بود که ما را سوزاند.   م. ا.

مفت گران است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A bad thing is dear at any price.

جنس بی‌ارزش به هر نرخی گران است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

On n’a jamais bon marché d’une mauvaise marchandise.

از خرید جنس نامرغوب و پست
خیری و سودی نمی‌آید به دست.

مقلدهای شیخ مارمولک
درون کله‌شان دارند بی‌شک
ثبات فکری‌ای در حد پشمک
ضریب هوشی‌ای در حد جلبک. م. ا.

مگر آدم قحط بود؟

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Por falta de hombres buenos, á mi padre hicieron alcalde.

آدم به‌دردبخور قحط بود که پدر مرا شهردار کردند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Por falta de homens fizeraõ a meu pai juiz.

آدم قحط بود که پدر مرا قاضی کردند.

مگر خر کله‌ام را گاز گرفته است؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Neither for love nor money.

نه از بهر عشق و نه از بهر پول
(نخواهم نمود این عمل را قبول).

مگر خودم این‌جوری هستم؟

= مگر خودم چلاقم؟ در موقع گفتنش دست‌های خود را مثل آدم‌های شل کج می‌کنند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The fifer don’t pay a fiddler.

نی‌لبک‌زن به ویولن‌زن انعام نمی‌دهد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

De herrero á herrero no pasa dinero.

بین آهنگر و آهنگر پولی ردوبدل نمی‌شود.

مگر سر گنجشک خورده‌ای؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He hath a woman’s tongue.

این مرد زبان زنکی را دارد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Your tongue wags like a lamb's tail.

زبانت چون دم یک بره جنبد.

مگر میخ زیر کونت است؟

معادل انگلیسی:

Like a hen on a hot griddle.

مثل مرغی روی ماهیتابهٔ داغی.

مملکت امام زمان مملکت بی‌صاحب است.

خشکسالی آمده
و چشمه‌ها و رودهایمان تهی است
آب هم
شبیه صد هزار چیز دیگر وطن
– به‌جز حجاب و روضه و نماز و بمب هسته‌ای
به‌جز بصیرت و حماس و صادرات انقلاب و سانسور نوشته‌های من –
عجالتاً هلاک بی‌توجهی است

بس‌که ما سه‌نقطه‌ایم
کتاب پرفروش سال مملکت
کتاب راهکارهای جالب طهارت است
ولی دریغ، آب کو؟
ببخش شیخنا
– جسارت است –
کونمان – تصدق سر شما – گهی است.   م. ا.

مملکته داریم؟

نوک گلدستهٔ دودول‌آساست

آنچه در کون اهورامزداست
نذر ایرانی نه‌سوراخی است
پنج بیلاخ که در پرچم ماست
میهنم زیر جناب عظما
دیرگاهی است به فاک عظماست
کشور کن‌فیکونم، ایران
مثل سوراخ فلان دنیاست
پاک هرگز نشود، با این‌که
رشتهٔ حاکم او استنجاست.   م. ا.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم
تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Good counsel does no harm.

پند و اندرز خوب بی‌ضرر است.

Counsel breaks not the head.

نصیحت سر هیچ‌کس را نخواهد شکست.

Write down the advice of him who loves you, though you like it not at present.

پند او را که دوستت دارد
گوشه‌ای یادداشت کن؛ هرچند
که خوشت هم نیاید از آن پند.

The words of the wise are as goads.

گفته‌های عاقلان مانند یک سیخونک است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

O' gude advisement comes nae ill.

از پند خوب هیچ زیانی نمی‌رسد.

Though auld and wise still tak advice.

گرچه پیر و عاقلی، اندرز گیر.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Rathen ist nicht zwingen.

پند یک اجبار نیست.

من آنم که رستم بُود پهلوان.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many talk of Robin Hood that never shot in his bow,
And many talk of Little John that never did him know.

خیلی‌ها از رابین هود حرف می‌زنند، بدون این‌که با کمان او تیری انداخته باشند و خیلی‌ها از جان کوچولو حرف می‌زنند و حال آن‌که هرگز او را نمی‌شناخته‌اند.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Vi hum homem, que vio outro homem, que vio o mar.

من مردی را دیدم که مرد دیگری را دیده که دریا را دیده.

من از جحیم نترسم از آن‌که بارخدای
نه مطبخی است که در آتشم کباب کند. ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

God is a good man.

خداوند آدم خوبی است.

To err is human, to forgive divine.

هر خطایی عملی انسانی است
عفو کردن عملی رحمانی است.
(مصرعی از الکساندر پوپ Alexander Pope است. البته بخش اولش یک ضرب‌المثل لاتین است.)

خرسواری به خر چنین می‌گفت:
بردباری فضیلتی والاست
بردبارانه بار باید برد
بردباری فضیلت خرهاست
خر به او گفت: عرعر و عرعر
یعنی از ماست آنچه بر سر ماست
من اگر خر نبودم از اول
تو سوارم نمی‌شدی یک‌راست

بردباری فضیلت است، ولی
خر از این امتیاز مستثناست.   م. ا.

معادل انگلیسی:

He that makes himself an ass, must not take it ill if men ride him.

کسی که خودش را خری می‌نماید
نباید شود شاکی از دست یاران
اگر خم شدی تا سوار تو گردند
گناه از تو باشد، نه از خرسواران.

من پَه عنم؟

شاهد مثال:

قطره تویی
بحر تویی
لطف تویی
قهر تویی
قند تویی
زهر تویی
دانه تویی
دام تویی
باده تویی
جام تویی
پخته تویی
خام تویی

من پَه عنم؟   م. ا.

من چتم، تو چته؟

ابریق می مرا شکستی ربی
بر من در عیش را ببستی ربی
من مِی خورم و تو می‌کنی بدمستی؟

خاکم به دهن، مگر تو مستی ربی؟   منسوب به خیام

من خودم پدر پدرسوخته‌ها و مادر مادرقحبه‌ها هستم.

برایم فیلم می‌آیی؟ بیا، شاید نمی‌دانی
که من استاد هستم در فنون کارگردانی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Don't tell new lies to old rogues.

برای کهنه‌پدرسوخته‌ها خالی‌های تازه نبند.

An old knave is no babe.

نابکاری پیر یک نوزاد نیست.

من خودم کونم از لحاف بیرون است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You beg of him who is ready to steal.

از کسی داری گدایی می‌کنی
کو برای دزدی آماده شده.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Beg frae beggars and you'll ne'er be rich.

از گداها تو گدایی بنما
تا که هرگز نشوی یک دارا.

تا زهره و مه در آسمان گشته پدید
بهتر ز می ناب کسی هیچ ندید
من در عجبم ز می‌فروشان کایشان
زین به که فروشند چه خواهند خرید.   خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bread is the staff of life, but beer’s life itself.

نون گندم اگه که لازمهٔ زندگیه
آبجو زندگیه، آبجو هرچی بگیه.

He that buys land buys many stones;

He that buys flesh buys many bones;
He that buys eggs buys many shells;
He that buys good ale buys nothing else.

کسی که زمین می‌خرد یک‌عالمه قلوه‌سنگ هم با آن می‌خرد؛
کسی که گوشت می‌خرد یک‌عالمه استخوان هم با آن می‌خرد؛
کسی که تخم‌مرغ می‌خرد یک‌عالمه پوست تخم‌مرغ هم با آن می‌خرد؛
کسی که آبجوی خوب می‌خرد هیچ چیز دیگری نمی‌خرد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Puisque le vin est tiré il faut le boire.

حالا که شراب ساخته شده، باید نوشیده شود.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Die Fische haben gut leben, die trinken wann sie wollen.

ماهیان می‌زیند باب پسند
تا هوس می‌کنند می‌نوشند.

بر کوزه‌گری پریر کردم گذری
از خاک همی‌نمود هر دم هنری
من دیدم، اگر ندید هر بی‌بصری
خاک پدرم در کف هر کوزه‌گری. خیام

تابوت مرده‌ای دوش هشیار کرد ما را
پای به خواب رفته بیدار کرد ما را. غنی کشمیری

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Os mortos aos vivos abrem os olhos.

چشم‌های زندگان را مردگان وا می‌کنند.

من صد برابر تو کون داده‌ام.

معادل ایتالیایی:

Quando il tuo diavol nacque, il mio andava a scuola.

شیطان تو روزی که به دنیا آمد
شیطان من آن روز به مکتب می‌رفت.

من کاظم، پول لازم.

عرب‌ها می‌گویند: خیرُ الکلامِ ما قَلَّ و دَلَّ و لاتمَلَّ.

(بهترین سخن آنی است که مختصر و رساننده باشد و ملال‌آور نباشد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Brevity is the soul of wit.

ایجاز روح زیرکی است. (نقل قولی از شکسپیر Shakespeare در پردهٔ دوم *هملت* Hamlet است.)

Few words are best.

کم‌ترینِ حرف‌ها نیکوترینِ حرف‌هاست.

من کچلم، تو مودار

من می‌رینم، تو وردار.

خطاب به کسی گفته می‌شود که به دیگری گفته باشد «کچل».

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Too much knowledge makes the head bald.

علم خیلی زیاد و بیش از حد

کلهٔ فرد را کچل بکند.

من که رسوای جهانم غم عالم پشم است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Get the word o' soon rising, an' ye may lie in bed a' day.

به سحرخیزی معروف بشو

تا که آسوده بخوابی تا عصر.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il a beau se lever matin qui a le renom de dormir la grasse matinée.

چنانچه کسی شهرهٔ شهر شد

که او تا سر ظهر بیدار نیست

سحرخیزی‌اش کار بیهوده‌ای است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Cobra buena fama, y échate á dormir.

نام نیکویی به دست آر و بخواب.

من گرفتم که قمار از همه عالم بردی
دست آخر همه را باخته می‌باید رفت. صائب

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Nothing is certain but death and the taxes.

هیچ چیزی قطعی نیست، مگر مرگ و مالیات.

من گه بخورم.

شاهد مثال:

در خر شدن ای دل، زدی انگار رکورد
هر بار تو را دخترکی با خود برد
گفتی که دگر گه بخورم خر بشوم
گه خورده‌ای و می‌خوری و خواهی خورد. م. ا.

من مرده، جهان مرده؛ من زنده، جهان زنده.

چو بسپردم من اندر تشنگی جان
مبادا در جهان یک قطره باران. فخرالدین اسعد گرگانی

معادل ایتالیایی:

Morto io, morto ognun, ed il porco.

وقتی من مرده‌ام، همه مرده‌اند، خوک هم ایضاً.

من مریض، کرم نریز.

رومیان باستان می‌گفتند:

Certa sunt paucis.

در کلامی مختصر قطعیت است.

من مست و تو دیوانه، ما را که برد خانه؟
صد بار تو را گفتم کم زن دو سه پیمانه. مولوی

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Un boiteux ne veut aller avec un plus boiteux que lui.

شلی با شل‌تری همره نگردد.

من می‌گویم تاف، تو نگو تاف، تو بگو تاف.

یا: من می‌گویم انف، تو نگو انف، تو بگو انف.

معلم کُتّابی به علت لکنت کاف را تاف می‌گفت. از این‌رو شاگرد نیز تاف شنیده و همان را ادا می‌کرد. معلم برمی‌آشفت و می‌گفت: ... علی اکبر دهخدا – امثال و حکم

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do as I say, not as I do.

آنچه می‌گویم بکن، نه آنچه من خود می‌کنم.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Haz lo que bien digo, y no lo que mal hago.

گفتار نیکم را انجام بده، نه کردار بدم را.

من می‌گویم مو ندارد، او می‌گوید بکن.

معادل انگلیسی:

You cannot get blood out of a stone.

نتوان خون برون کشید از سنگ.

معادل فرانسوی:

On ne saurait tirer de l'huile d'un mur.

نتوانی ز هیچ دیواری
روغنی بهر خود برون آری.

معادل آلمانی:

Einen Nackten kann man nicht ausziehen.

از تن مرد برهنه نتوان رختی کند.

معادل ایتالیایی:

Dalla rapa non si cava sangue.

ز شلغم خون برون کردن محال است.

معادل هلندی:

Een eij scheeren.

پشم‌های تخم‌مرغی را زدن.

معادل لاتین:

Nudo vestimenta detrahere.

از آدم برهنه پیراهنی گرفتن.

من می‌گویم نر است، او می‌گوید بدوش.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You can pull and pull, but you can’t milk a bull.

هرچه کوشید و باز هم کوشید
گاو نر را نمی‌توان دوشید.

رومیان باستان می‌گفتند:

Mulgere hircum.

دوشیدن بز نر.

من میل ندارم، اما برای هرکی گذاشته‌اید کم است.

معادل اسپانیولی:

No lo quiero, no lo quiero, mas échadme lo en la capilla.

نمی‌خواهمش، نمی‌خواهمش، اما بگذارش توی کلاهم.

من نادرقلی‌ام و پول می‌خواهم.

گویند آنگاه که کار مصادرت و مطالبت نادرشاه بر مردمان دهلی توانفرسا شد، روزی جملهٔ ذیل را با خطی جلی نوشته، در رهگذر پادشاه ایران آویختند: «اگر خدایی، تو را بندگان باید و اگر پادشاهی، از رعیتت گزیر نباشد. با این‌همه ستم دیار هند خراب و بیاب و از مردم تهی ماند.» نادرشاه از میرزا مهدی خان پرسید چه نوشته‌اند. دبیر جلیل شرح بگفت. نادر شاه پس از لحظه‌ای تأمل فرمود: «به آن‌ها بگو من این‌گونه سخنان که خدایم یا شاهم ندانم. من نادرقلی‌ام و پول می‌خواهم.» علی اکبر دهخدا – امثال و حکم

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wo Gewalt Herr ist, da ist Gerechtigkeit Knecht.

هرکجایی که زور سرور بود
عدل آن‌جا همیشه نوکر بود.

من نبودم، دستم بود، تقصیر آستینم بود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A chi fa male, mai mancano scuse.

یک آدم مجرم خطاکار
کمبود بهانه‌ای ندارد.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Al que mal hace, nunca le falta achaque.

هر کسی آدم خطاکاری است
لنگ عذر و بهانه هرگز نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Bésteiro que mal atira prestes tem a mentira.

کمانداری که بد تیراندازی می‌کند پیشاپیش دروغی آماده کرده است.

من ندیدم سلامتی ز خسان
گر تو دیدی، سلام من برسان.   سنایی

من ندیدم جز شقاوت در لئام
گر تو دیدستی، رسان از من سلام.   مولوی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Knaves imagine nothing can be done without knavery.

در خیال رذل‌ها گویی بدیهی است
بی رذالت هیچ کاری کردنی نیست.

Better be a fool than a knave.

اگر که احمق و گاگول باشی
از آن بهتر که باشی رذل و لاشی.

Better be poor than wicked.

اگر بی‌نوایی تهیدست باشی
از آن به که یک لاشی پست باشی.

من نوکر سلطانم؛ بادنجان باد دارد، بلی؛ ندارد، بلی.

سلطان محمود را در حالت گرسنگی بادنجان بورانی پیش آوردند. خوشش آمد. گفت: «بادنجان طعامی است خوش.» ندیمی در مدح بادنجان فصلی پرداخت. چون سیر شد، گفت: «بادنجان سخت مضر چیزی است.» ندیم باز در مضرت بادنجان مبالغتی تمام کرد. سلطان گفت: «ای مردک، نه این زمان مدحش می‌گفتی؟» گفت: «من ندیم توام، نه ندیم بادنجان. مرا چیزی می‌باید گفت که تو را خوش آید، نه بادنجان را.» عبید زاکانی - رسالهٔ دلگشا

دبیر یکی از وزرای ناصرالدین شاه برای وزیر قصه می‌کرد که دیروز در خانهٔ فلان‌الدوله بودیم. سفرهٔ بزرگ گستردند... وزیر به سابقهٔ عداوتی که با آن‌کس داشت، سخن دبیر را بریده، گفت: «مرده‌شوی او را ببرد با سفره‌اش.» دبیر شتابان گفت: «بلی قربان، همین را می‌خواستم عرض کنم. سفرهٔ بدان بزرگی گستردند، تنها دو کاسه اشکنه.» علی اکبر دهخدا – امثال و حکم

آلمانی‌ها می‌گویند:

Bei großen Herren muß man fünf gerade sein lassen.

با بزرگان آدم باید بگذارد پنج یک عدد زوج باشد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Biasimare i principi è pericolo, e il lodarli è bugia.

سرزنش کردن شاهان عملی پرخطر است
مدحشان نیز دروغی الکی سربه‌سر است.

من هستم و سایه‌ام با دو تا خایه‌ام.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He travels fastest who travels alone.

تک و تنها هر آن که در سفر است
گام او از همه سریع‌تر است.

Eagles fly alone, and they are but sheep that always flock together.

عقاب‌ها تنها پرواز می‌کنند و آن‌هایی که همیشه دور هم جمع می‌شوند فقط گوسفندند.

منطق شرم سست و بی‌پایه‌ست
مرد کمرو همیشه کم‌مایه‌ست
پانزده پلهٔ طلایی بخت
هفت من رو و هشت من خایه‌ست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every step of life is a risk.

هر گام زندگی خطری پیش روی توست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui ne hasarde rien, n’a rien.

انسان بدون ریسک به چیزی نمی‌رسد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi non s’arrischia non guadagna.

او که از ریسک کند پرهیزی
نتواند به کف آرد چیزی.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Al hombre osado, la fortuna le da la mano.

بخت دستش را به دست یک دلاور می‌دهد.

Quien no se aventura, no ha ventura.

او که ریسک نمی‌کند شانسی ندارد.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Bom coraçaõ quebranta má ventura.

یک قلب ستبر بخت بد را شکند.

مواد زدی، پفک‌نمکی که نخوردی.

خطاب به معتادانی گفته می‌شود که در حال ترک‌اند و از درد خماری می‌نالند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Drunken days have all their tomorrow.

هر روز مست از باده را فردایی است.

Many there be that buy nothing with their money but pain.

ای بسا مرد که با پول خودش در بازار
هیچ چیزی نخرد غیر گزند و آزار.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He's weel worthy o' sorrow that buys it wi' his ain siller.

مستحق ماتم است آن بی‌خرد

کو به پول خویش آن را می‌خرد.

بنده چو جاه آمد و سیم و زرش
سیلی خواهد به ضرورت سرش
آن نشنیدی که فلاطون چه گفت:
مور همان به که نباشد پرش.   سعدی – گلستان

معادل عربی: فلیت النمل لم یطر. (کاشکی مورچه پرواز نمی‌کرد.)

معادل اسپانیولی:
Da Dios alas á la hormiga para que se pierda mas aina.

خدا بال‌هایی به موری دهد
که او زودتر سوی مرگش جهد.

موش آزمایشگاهی شدن.

رومیان باستان می‌گفتند:
Fiat experimentum in corpore vili.

بگذار هر آزمایشی خواهی کرد
روی کس بی‌ارزشی اجرا بشود.

موش زنده بهتر از گربهٔ مرده است.

معادل آلمانی:
Besser ein lebender Hund als ein todter Löwe.

سگ زنده ز شیر مرده سر است. (نقل قولی از تورات است: جامعه ۹:۴.)

معادل ایتالیایی:
E meglio un papa vivo che dieci morti.

یک پاپ زنده بهتر از ده پاپ مرده‌ست.

موش کور بخوردت؛ برای این‌که اگر ببیند چه عنی هستی، نمی‌خوردت.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
He that knows thee will never buy thee.

کسی که بداند که تو کیستی

تو را هیچ موقع نخواهد خرید.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

They were scant o' bairns that brought you up.

بدرقم کمبود بچه داشتند
که به فرزندی تو را برداشتند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien no te conoce te compre.

بگذار آن‌کسی تو را بخرد
که نداند به‌کل تو چی هستی.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nunca falta hum caõ, que vos ladre.

هیچ لنگ سگی نمی‌مانیم
که به سوی تو واغواغ کند.

مه فشاند نور و سگ عوعو کند

هر کسی بر خلقت خود می‌تند. مولوی

مه نور می‌فشاند و سگ بانگ می‌زند
مه را چه جرم، خاصیت سگ چنین بُود. نقل از *فیه ما فیه*

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To bark against the moon.

پارس کردن رو به ماه.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

La luna non cura dell'abbaiar de' cani.

به واغواغ سگان ماه اعتنا نکند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Latrantem curatne alta Diana canem?

آیا دیانای بلندمرتبه اهمیتی به سگی می‌دهد که رو به او پارس می‌کند؟ (دیانا: الههٔ ماه در اساطیر رومی.)

مهتری گر به کام شیر در است
هرکه جویای مهتری بشود

یا طرف شیشه‌ای است یا که خر است.   م. ا. مصرع اول از حنظلهٔ بادغیسی است.

هرکه بالاتر رود ابله‌تر است

کاستخوان او بتر خواهد شکست.   مولوی

شاعر رومی، کلاودیان Claudian (قرن چهارم میلادی) گفته است:

Tolluntur in altum Ut lapsu graviore ruant.

مردان به بالا صعود کرده‌اند، برای این‌که هرچه سنگین‌تر سقوط کنند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The higher standing the lower fall.

ایستادن هرچه بالاتر، سقوطی ژرف‌تر.

He sits not sure that sits too high.

مطمئن نیست جای آن مردی

که زیادی بلند بنشیند.

High places have their precipices.

ارتفاعات دره‌ای دارند.

He who flies high is a short step from a big fall.

او که بالا پرواز می‌کند یک گام کوتاه تا سقوطی بزرگ فاصله دارد.

Every tide has its ebb.

بعد هر مد جزری است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

The higher climb the greater fa'.

هرقدَر بیش‌تر صعود کنی

بیش‌تر هم سقوط خواهی کرد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer hoch klimmt, der fällt hart.

گر صعودش زیاد باشد مرد

سخت و محکم سقوط خواهد کرد.

Schnell Glück, schnell Unfall.

هر کسی یک‌هویی صعود نمود

سرنوشتش سقوط فوری بود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A gran salita gran discesa.

هر کسی بیش‌تر رود بالا

می‌کند یک سقوط واویلا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

De gran subida gran caida.

هرچه بالاتر روی وقت صعود

یک سقوط ژرف‌تر خواهی نمود.

هلندی‌ها می‌گویند:

Die laag blijft kan niet hard vallen.

هر کسی جای اوست در پایین

نکند یک سقوط بس سنگین.

Achter iederen berg ligt weer een dal.

پشت هر کوه دره‌ای خفته.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Ingen falder siidt, uden han vil stige höit.

هیچ‌کس پایین نمی‌افتد، مگر

وقت بالا رفتنِ هی بیش‌تر.

مهمان ناخوانده خرجش با خودش است.

معادل ترکی: واختسیز قوناق اؤز کیسه‌سیندن یئیر. (مهمان ناخوانده از کیسهٔ خود می‌خورد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An unbidden guest must bring his own stool with him.

ناخوانده میهانی اگر پیش دیگری

باید که چارپایهٔ خود را بیاوری.

An unbidden guest knows not where to sit.

هرکه بی‌دعوت به جایی آمده‌ست

او نمی‌داند کجا باید نشست.

He that comes un-call’d sits un-serv’d.

او که بی‌دعوت بیاید بی‌پذیرایی نشیند.

Come when you are called for.

هر زمان دعوتت کنند بیا.

Flies come to feasts unasked.

به مهمانی مگس بی‌دعوت آید.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Come unca'd, sit unserved.

چو بی‌دعوت تو می‌آیی

نشینی بی‌پذیرایی.

Fiddlers, dogs, and flesh-flies come aye to feasts unca'd.

مگس‌ها و سگان و مطربان‌اند

که سوی جشن بی‌دعوت روان‌اند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ungeladener Gast ist eine Last.

مهمان ناخوانده همیشه سرخر است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Die komt ongeroepen gaat weg ongedankt.

او که بی‌دعوت بیاید بی‌تشکر می‌رود.

مهمانی نرفتن فاطی از بی‌تنبانی است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He sits full still that has riven breeks.

آن‌کسی که خشتکش جر خورده است

صاف‌وصوف و شق‌ورق خواهد نشست. (نقل قولی از تاینمن Tineman، اِرلِ داگلاس Douglas، است.)

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quando tuona, il ladro divien uomo dabbene.

دزد در هنگام طوفان باشرافت می‌شود.

می بخور، منبر بسوزان، مردم‌آزاری نکن. همام اصفهانی

من از بازوی خود دارم بسی شکر
که زور مردم‌آزاری ندارم.   حافظ

دل بیازار تا خسی باشی
دل به دست آر تا کسی باشی.   م. ا.

خردمند دنبال آزار نیست
سگی هار را عمر بسیار نیست.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better be unmannerly than troublesome.

بی‌ادب از یک مزاحم بهتر است.

A good man can no more harm than a sheep.

هست یک نیکمرد خوش‌کردار
مثل یک گوسفند بی‌آزار.

هلندی‌ها می‌گویند:

Men moet leven en laten leven.

تو زندگی کن و بگذار زندگی بکنند
(= به کار خویش بپرداز و دردسر متراش
مزاحم دگران هم به هیچ روی مباش).

می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
چون نیک بنگری، همه تزویر می‌کنند.   حافظ

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quando el guardian juega á los naypes, qué haran los frayles?

وقتی پیر صومعه ورق‌بازی می‌کند، راهبان چه خواهند کرد؟

میان جنگ شرح می‌پرسد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Non è tempo da giuocar a scacchi quando la casa brucia.

وقتی خانه آتش گرفته موقع شطرنج‌بازی نیست.

میان دو کس جنگ چون آتش است

سخن‌چین بدبخت هیزم‌کش است.   سعدی - گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Put no faith in tale-bearer.

به حرف‌های سخن‌چین تو اعتماد مکن.

Remove the tale-bearer and contention ceaseth.

سخن‌چین را ز پیش خود بران تا

به‌کلی ختم گردد جنگ و دعوا.

The words of a tale-bearer are as wounds.

سخن‌های سخن‌چین مثل زخم‌اند. (یکی از امثال سلیمان است.)

A tattler is worse than a thief.

دوبه‌هم‌زن بدتر از هر دزدی است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer in’s Feuer bläst, dem fliegen die Funken in die Augen.

مرد هنگامی که در آتش دمید

اخگری در چشم او خواهد پرید.

کار را از راه آن انجام ده

خرق عادت غالباً دردآور است

می‌توان با دست‌ها هم راه رفت

گرچه با پا راه رفتن بهتر است.   م. ا.

می‌تونیم، ازمون می‌آد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Might is right.

حق با قدرت است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Der Stärkste hat Recht.

حق با قوی‌ترین است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il pesce grande mangia il picciolo.

ماهی بزرگ ماهی کوچک را می‌خورد.

می‌خواستم بدانم فضولم کیست.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Pry not into other people’s affairs.

در احوال مردم فضولی نکن.

می‌خواهد از جوی بگذرد، پایش هم تر نشود.

معادل ترکی: بالیق ایسته‌ین اؤزونو سویا وورار. (او که ماهی می‌خواهد خود را به آب می‌زند.)

معادل انگلیسی:

The cat would eat fish but would not wet her feet.

گربه ماهی خورد، ولی حاشا

که کند خیس دست و پایش را.

معادل اسکاتلندی:

Like the cat, fain fish wad ye eat, but ye are laith to weet your feet.

چون گربه اگرچه عشق ماهی داری

از تر شدن پای خودت بیزاری.

معادل پرتغالی:

Quem quer pescar, ha-se-de molhar.

هرکه را سودای ماهیگیری است

بی‌خیال تر شدن باید شود.

معادل لاتین:

Catus amat pisces, sed non vult tingere plantas.

گربه مشتاق ماهی است، اما

تر نخواهد نمود پایش را.

می‌خواهی عزیز شوی، یا دور شو یا گور شو.

معادل‌های انگلیسی:

No man is a hero to his valet.

هیچ مردی قهرمان نوکر خود نیست.

(= کسانی که فردی را از نزدیک می‌شناسند از او در ذهن خود بتی نمی‌سازند.)

Absence makes the heart grow fonder.

فراق اشتیاق دلت را فزاید.

معادل فرانسوی:

Chose trop vue n'est chère tenue.

هرچه را بسیار می‌بینند

بی‌بها و خوار می‌بینند.

معادل آلمانی:

Wer was will gelten, der komme selten.

او که دوست دارد عزیز باشد باید خود را کمیاب کند.

معادل لاتین:

Semper in absentes felicior aestus amantes.

اشتیاق به عشاق غایب همیشه گرم‌تر است.

مِید این مدینه.

= آیه‌های قرآن یا اعتقادات اسلامی.

شاهد مثال:

این کلام شخص مستر قادر است:

— آیهٔ مِید این مدینه فی الالست —

شاعری یک کار پوچ و واهی است

پیروی از شاعران گمراهی است

شاعران، ای جنستان از دم خراب

اُسکُتوا و الله اعلم بالصواب.   م. ا.

میل کودک به گردکان و مویز

بیش باشد که بر خدای عزیز.   اوحدی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Children are like chickens, they must be always picking.

بچه‌ها مانند مرغان‌اند
دائماً باید بلمبانند.

A growing youth hath a wolf in his stomach.

جوانی که قد می‌کشد دم به دم
یکی گرگ دارد درون شکم.

میمون هرچی زشت‌تره، بازیش بیش‌تره.

معادل انگلیسی:

The worst wheel of a cart creaks most.

بدترین چرخ درشکه بیش‌تر غژغژ کند.

معادل فرانسوی:

C’est toujours la plus mauvaise roue qui crie.

غیژغیژ بدترین چرخ از همه افزون‌تر است.

معادل آلمانی:

Die Kühe, die am meisten brüllen, geben am wenigsten Milch.

گاوهایی که بیش‌تر از همه مومو می‌کنند، کم‌تر از همه شیر می‌دهند.

معادل ایتالیایی:

E la peggior ruota quella che fa più rumore.

چرخ بدتر بیش‌تر غژغژ کند.

معادل‌های هلندی:

Hoe slimmer wiel, hoe meer het kraakt.

چرخ گاری هرچه بدتر، غیژغیژش بیش‌تر.

Hoe schurfter schaap, hoe harder geblaat.

گوسفندی هرچه گرتر، بع‌بع او بیش‌تر.

Veel geschreeuws, en luttel wol.

بع‌بع بسیار و پشم اندکی.

معادل دانمارکی:

Faar som bræge meest, malke mindst.

گوسفندی که بیش‌تر از همه بع‌بع می‌کند، کم‌تر از همه شیر می‌دهد.

میون این هیر و ویر
بیا زیر ابرو منو بگیر.

رومیان باستان می‌گفتند:

To fiddle while Rome is burning.

ویولن نواختن هنگامی که رم در آتش می‌سوزد.

(در سال ۶۴ میلادی و در زمان حکومت نرون Neron آتش‌سوزی بزرگی در رم رخ داد که شش روز به طول انجامید و قسمت عمدهٔ شهر را نابود کرد. می‌گویند هنگامی که رم در آتش می‌سوخت، نرون در ایوان کاخش آتش را تماشا می‌کرد و ویولن می‌نواخت.)

میهمان سخت عزیز است، ولی همچو نفس
خفقان آرد اگر آید و بیرون نرود.

الخناق: مهمان دائمی. عبید زاکانی – تعریفات

معادل عربی: تزاوروا و لاتجاوروا. (به دیدار یکدیگر روید و در جوار هم ماندگار نشوید.)

معادل‌های انگلیسی:

Visit your aunt, but not every day of the year.

از خاله‌ات دیدن بکن، اما نه که هر روز سال.

A constant guest is never welcome.

هر کسی میهمان هرروزی است
مقدمش مطلقاً گرامی نیست.

معادل فرانسوی:

L'hôte et le poisson en trois jours sont poison.

مهمان و ماهی چون سه روزی بگذرد سم‌اند.

معادل ایتالیایی:

Chi raro viene, vien bene.

همیشه مقدم یارو گرامی است اگر
که گاه‌گاه و به ندرت زند به آدم سر.

معادل‌های اسپانیولی:

A casa de tu tia, mas no cada dia.

برو به خانهٔ خاله، ولی نه که هر روز.

A casa de tu hermano no irás cada serano.

هر روز عصر خانهٔ داداش خود نرو.

معادل پرتغالی:

O hospede, e o peixe a os tres dias fede.

میهمان و ماهی‌ای بعد از سه روز

هر دوتاشان بوی گندی می‌دهند.

میهن ما خرابه‌ای شد و شیخ

همچنان در غم خرابهٔ شام

کار بیهوده: حفظ یوزپلنگ

اوجب الواجبات: حفظ نظام. م. ا.

غصهٔ غصب وطن سهم من است

غصهٔ غصب فدک را تو بخور. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wenn Gott ein Land strafen will, nimmt er den Herren die Weisheit.

وقتی خدا تصمیم می‌گیرد ملتی را کیفر دهد، عقل حاکمانش را می‌گیرد.

میهن مسلخ عزیز ماست. نقل از *توپ مرواری* صادق هدایت

سهم ما از این وطن میان خشتک جناب شیخناست

یکیش سمت چپ

یکیش سمت راست. م. ا.

میهنی داریم مانند خلا

ما در او همچون حسین در کربلا. نقل از *توپ مرواری* صادق هدایت

فلک کژروتر است از خط ترسا

صلیبی سرخ در ما می‌کند جا

به تثلیث سوسیس و تخم‌مرغش

چه شامی داده دست ملت ما. م. ا.



افلاک که جز غم نفزایند دگر
ننهند به جا تا نربایند دگر
ناآمدگان اگر بدانند که ما
از دهر چه می‌کشیم، نایند دگر.   خیام

میدان تیغ‌بازی برق است روزگار
بیچاره دانه‌ای که سر از خاک برکشید.   صائب

یک آمریکایی گمنام گفته است:

Learn from your parents' mistakes. Practice birth control.

از اشتباهات والدینت درس بگیر؛ کنترل موالید را به کار ببند.

ناگهان چقدر زود دیر می‌شود.   قیصر امین پور

انگلیسی‌ها می‌گویند:

By the street of By and by one arrives at the house of Never.

از خیابان صبر کن، الآن
خانهٔ هرگز است مقصدمان.

Better five hours too soon than a minute too late.

پنج ساعت زودتر باشد اگر
بهتر است از یک دقیقه دیرتر.

Now or never.

یا همین الآن و یا که هیچ وقت.

One of these days is none of these days.

یکی از همین روزها هیچ‌یک از همین روزها نیست.

Hereafter comes not yet.

بعداً به این زودی نمی‌آید.

Two anons and a by and by is an hour and a half.

دو همین الآن و یک یک‌خردهٔ دیگر

جمع وقتی می‌شود، یک ساعت و نیم است.

Any time means no time.

معنی هر وقت باشد هیچ وقت.

What may be done at any time will be done at no time.

آن کار که هر وقتی انجام توان دادن

حاشا که چنین کاری انجام شود اصلاً.

After a delay comes a let.

بعد هر مکث و تعلل مانعی

بر سر راه تو پیدا می‌شود.

Procrastination is the thief of time.

طفره رفتن دزد وقت آدمی است.

Procrastination often brings repentance.

طفره رفتن در اکثر اوقات

به پشیمان شدن بینجامد.

He that hath time, and looks for time, loseth time.

وقت را از دست خواهد داد

هر کسی که وقت دارد، لیک

باز هم دنبال وقت افتاد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better soon as syne.

زودتر از دیرتر نیکوتر است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

L’indugiare è pericoloso.

تعلل‌ها خطرناک‌اند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Por la calle de despues se va á la casa de nunca.

از خیابانِ بعداً آن که رود

خانهٔ هیچ وقت مقصد اوست.

هلندی‌ها می‌گویند:

Een wenig te laat, veel te laat.

اندکی خیلی دیر دیرِ دیرِ دیر است.

نامردا باس از بازوی آدم بترسند.

دیالوگی است در فیلم *قیصر* مسعود کیمیایی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A wight man ne'er wanted a weapon.

مرد وقتی که زورمند و قوی است
به سلاحش نیازی اصلاً نیست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Animo vence en guerra, que no arma buena.

نه سلاحی نکو که جرئت دل
فتح را بهر ما کند حاصل.

نان خود با تره و دوغ زنی
به که از خوان شه آروغ زنی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Never be ashamed to eat your meat.

از خوردن غذای خودت شرمگین مباش.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Pan ageno caro cuesta.

همیشه نان دیگری گران تمام می‌شود.

نان خودم را بخورم، حلیم حاج میرزا آقاسی را هم بزنم؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No silver, no servant.

پول وقتی که نباشد، نوکری هم نیست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quieres que te siga el can? Dale pan.

اگر خواستی سگ به دنبال تو

بیاید، به او اندکی نان بده.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Quereis que vos sirva, bom Rey, dai-me, de que viva.

ای شاه خوب، اگر می‌خواهی به تو خدمت کنم، وسایل امرار معاش مرا فراهم کن.

نان را به نرخ روز خوردن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He knows on which side his bread is buttered.

داند که کدام سوی نانش کره‌ای است.

نان را نمی‌جوند دهن آدم بگذارند.

ترک‌ها می‌گویند:

Emek olmadan yemek olmaz.

بی‌کار غذا نمی‌توان خورد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that will not labour must not eat.

هر کسی رنج نخواهد ببرد

او نباید که غذایی بخورد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Renard qui dort la matinée, n'a pas la langue emplumée.

صبحدم روبه اگر خواب رود

کی زبانش به پر آغشته شود.

نچسید، نگوزید که احمدک خیار کاشته.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Much ado about nothing.

هیاهوی بسیار برای هیچ.

The best work in the world is done on the quiet.

بهترین کار جهان کاری بُود
کو بدون هیچ غوغایی شود.

نخود هر آش.

معادل ترکی: دوز کیمی هر آشا گیرر. (چون نمک توی هر آشی می‌رود.)

ندانستن عیب نیست، پرسیدن عیب است.

اما انگلیسی‌ها می‌گویند:

The only stupid question is the one that is not asked.

تنها سؤال احمقانه همانی است که پرسیده نمی‌شود.

He that nothing questioneth, nothing learneth.

هر کسی هیچ سؤالی نکند
به یقین هیچ نخواهد آموخت.

Better to ask than go astray.

پرسیدن از گمراه گشتن بهتر است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E meglio domandar che errare.

گر نشانی را بپرسی زین و آن
بهتر از راه خطا پیمودن است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvem der skammer sig ved at spörge, skammer sig ved at lære.

هرکه از پرسش خجالت می‌کشد
او از آموزش خجالت می‌کشد.

Hvo meget spörger, bliver meget viis.

هرکه خیلی می‌نماید پرس‌وجو
بی‌گمان بسیار می‌آموزد او.

نرو کار می‌کن، بگو چیست کار.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The sluggard's guise,
Loth to go to bed and loth to rise.

همیشه شیوهٔ رفتار تنبل این باشه

نه حال داره بخوابه، نه مایله پا شه.

نسیه مرد.

النسیه: آنچه واپس ندهند.   عبید زاکانی – تعریفات

ترک‌ها می‌گویند: آج قالماق بورجلو اولماقدان یاخشیدیر. (گرسنه ماندن از بدهکار شدن بهتر است.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Neither borrow nor flatter.

نه قرض و نسیه بگیر و نه خایه‌مالی کن.

He goes a-sorrowing, who goes a-borrowing.

همیشه غصه می‌خورد کسی که قرض می‌کند.

Out of debt, out of danger.

بی‌بدهکاری و بی‌خوف و خطر.

He that borrows must pay again with shame or loss.

قرض وقتی می‌کنی از یک نفر

باید آن را پس دهی روزی دگر

یا که با شرمندگی یا با ضرر.

Darns are bad, but better than debts.

رفو بد است، ولی باز بهتر از قرض است.

Debt is the worst poverty.

مقروض بودن بدترین نوع تهیدستی است.

Nothing seems expensive on credit.

چیزی از جملهٔ اجناس جهان

موقع نسیه‌خری نیست گران.

The best use of money is to pay debts.

بهترین استفادهٔ از پول

بازپس دادن بدهکاری است.

Borrowed garments never sit well.

لباس عاریه‌ای زار می‌زند به تنت.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better buy as borrow.

خریدن بهتر است از قرض کردن.

Better gang to bed supperless than rise in debt.

به که بی‌شام به بستر بروی
تا بدهکار خلایق نشوی.

He's rich that has nae debt.

هر کسی قرضی ندارد فرد ثروتمندی است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui vit à compte, vit à honte.

هر کسی با نسیه و با قرض زیست
شرم او را تا همیشه همدمی است.

Argent emprunté porte tristesse.

پول قرضی مایۀ غم می‌شود.

Est assez riche qui ne doit rien.

اگر مرد دینی به گردن ندارد
به اندازۀ کافی او مایه‌دار است.

Qui s’acquitte, s’enrichit.

کل قرضش را اگر پس داد مرد
خویش را یک مرد ثروتمند کرد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Rechten und borgen macht Kummer und Sorgen.

جروبحث و قرض کردن آخرش
مایۀ حزن و پشیمانی شود.

Borgen thut nur einmal wohl.

قرض یک بار به کار آید و بس.

Wer seine Schulden bezahlt, verbessert seine Umstände.

قرض‌هایش را اگر پس داد مرد
وضع خود را بهتر از ماقبل کرد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Credenza è morta, il mal pagar l'uccise.

نسیه مرده است، بدحسابی او را کشت.

L'ammalato dorme quando il debitor non dorme.

تواند تا بخوابد مرد بیمار
ولی دور است خواب از یک بدهکار.

Senza debiti, senza pensieri.

بی‌بدهکاری و بی‌دلشوره.

Chi paga debito, fa capitale.

هر کسی کو قرض خود را پس دهد
بهر خود سرمایه‌ای بنیان نهد.

E ricco chi non ha debiti.

هر کسی قرضی ندارد روی دست
آدم بسیار ثروتمندی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Acuestate sin cena, y amanecerás sin deuda.

بی‌شام بخواب تا بدهکار
فردا نشوی ز خواب بیدار.

Paga lo que debes, sanarás del mal que tienes.

دِین خود را چو به مردم دادی
دیگر از رنج و عذاب آزادی.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Deita-te sem cea, amanhecerás sem divida.

بدون شام به بالین چو سر تو بگذاری
بدون قرض سحر سر ز خواب برداری.

Paga o que deves, sararàs do mal que tens.

تو دِین خودت را به مردم ادا کن

خودت را از آزار و ماتم رها کن.

Bácoro fiado, bom inverno, e máo veraõ.

یک خوک قرضی زمستان خوب و بهار بدی می‌سازد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Borgen maakt zorgen.

قرض کردن استرس می‌آورد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Felix qui nihil debet.

خوشا سعادت مردی که فارغ از قرض است.

نشاشیده شب دراز است.

ترک‌ها می‌گویند:

Son gülen iyi güler.

او که در پایان بخندد خوب می‌خندد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It ain’t over till it’s over.

تا به پایان نرسیده‌ست به پایان نرسیده‌ست.

Win at first and lose at last.

اول کار ببر، آخر سر نیز بباز.

He loseth indeed that loseth at last.

بازنده کسی است کو در آخر بازد.

At the end of the game you’ll see who’s the winner.

آخر بازی مشخص می‌شود کی برده است.

Good to begin well; better to end well.

آغاز خوب خوب است، پایان خوب بهتر.

He who laughs last laughs longest.

هر کسی در پایان می‌خندد

بیش‌تر از دگران می‌خندد.

Better the last smile than the first laughter.

آخرین لبخند کو بر لب نشست

از نخستین خندهٔ ما خوش‌تر است.

In fair weather prepare for foul.

وقتی که هوا خوب است، آمادهٔ طوفان شو.

There's many a slip 'twixt the cup and the lip.

میان لب آدم و جام می

چه بسیار لغزش که رخ می‌دهد.

Between the hand and the lip the morsel may slip.

ای بسا در مسیر دست و لبان

لقمه سر خورد و رفت از کفمان.

Call no man happy till he dies.

تا کسی نمرده نگو

شاد زندگی کرد او.

At the end of the work you may judge of the workmen.

در آخر کار می‌توان حکم نمود

کز کارگران کدامشان بهتر بود.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il ne faut pas se moquer des chiens qu'on ne soit hors du village.

پیش از آن کز روستا خارج شوی

بهر سگ‌ها مطلقاً بشکن نزن.

Rira bien qui rira le dernier.

او که طولانی بخندد خوب می‌خندد.

De la main à la bouche se perd souvent la soupe.

اکثراً در مسیر دست و دهان

سوپمان رفته است از کفمان.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Auf den Abend soll man den Tag loben.

یک روز خوش را می‌توان در عصرگاهانش ستود.

Schönen Tag soll man loben, wann es Nacht ist.

یک روز خوش را شب ستایش کن.

Wer zuletzt lacht, lacht am besten.

هر کسی در پایان می‌خندد
بهتر از آن دگران می‌خندد.

Rufe nicht "Juch!" bis du über den Graben bist.

تا از گودال رد نشده‌ای، داد نزن «هورا».

Von der Hand zum Munde, verschüttet mancher die Suppe.

در همین راه بین دست و لبان
ای بسا سوپ رفته از کفمان.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Al fin del giuoco si vede chi guadagna.

این که کی برده است بازی را
آخر بازی آشکار شود.

Dalla mano alla bocca si perde la zuppa.

در همین راه بین دست و دهان
سوپمان رفته است از کفمان.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Da maõ a boca se perde a sopa.

در همین راه بین دست و دهان
دیگر از سوپمان نمانده نشان.

Roga ao santo, até passar o barranco.

به درگاه قدیس دعا کن تا وقتی که از باتلاق رد شده باشی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Tusschen lepel en mond, valt het sop te grond.

ای بسا بین قاشق و لب‌ها
لقمه سر خورد و رفت از کف ما.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

En god Dag skal man rose om Aftenen.

دم غروب ز یک روز خوش ستایش کن.

Den leer bedst som leer sidst.

هر کسی آخر سر می‌خندد

به ز افراد دگر می‌خندد.

End vinder folsk Mand förste Leg.

کسی که یه هالوی خنگ و خره

فقط بازی اولو می‌بره.

یونانیان باستان می‌گفتند:

καὶ Πολλὰ μεταξύ πέλει κύλικος χείλεος ἄκρου.

میان لب آدم و جام می

بسا چیزهایی که رخ می‌دهند.

(یکی از شاهان ساموس Samos بی‌رحمانه بردگانش را وادار کرد تا برایش تاکستانی بسازند. یکی از آنان که از کار طاقت‌فرسا به جان آمده بود پیشگویی کرد که اربابش هرگز از شراب آن تاکستان نخواهد نوشید. شاه که مشتاق بود نادرست بودن این پیشگویی را ثابت کند، اولین خوشهٔ انگور تاکستان را برداشت و در جامی فشرد و برده‌اش را یک پیشگوی دروغین خواند. برده گفت: «میان لب آدم و جام می   بسا چیزهایی که رخ می‌دهند.» همان‌موقع صدای فریادی شنیده شد. گرازی وارد تاکستان شده بود. شاه جام را رها کرد و برای کشتن گراز رفت، اما در نبرد با گراز کشته شد.)

نشسته کنار گود، می‌گوید لنگش کن.

معادل انگلیسی:

The best horseman is always on his feet.

بهترین سوارکار همیشه روی پاهایش ایستاده است.

معادل آلمانی:

Weit vom Streite macht alte Kriegsleute.

خارج از میدان جنگی هر کسی سربازی است.

معادل هلندی:

De beste stuurlieden staan aan land.

بهترین دریانوردان روی ساحل ایستاده‌اند.

نشنیدی که صوفی‌ای می‌کوفت

زیر نعلین خویش میخی چند

آستینش گرفت سرهنگی

که بیا نعل بر ستورم بند.   سعدی – گلستان

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il buono a qualcosa è l'asino del publico.

او که به درد چیزی می‌خورد خر همگانی است.

نعوذبالله از آن قطره‌های دیدهٔ شیخ

چه خانه‌ها که از این آب کم خراب کند.   ایرج میرزا

فریب گریهٔ زاهد مخور ز ساده‌دلی

که دام در دل دانه‌ست سبحه‌داران را.   صائب

آلمانی‌ها می‌گویند:

Vor lachenden Wirthinn und weinenden Pfaffen hüte dich.

بترس از میزبانانی که می‌خندند و نیز از آن کشیشانی که می‌گریند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Crocodili lacrymae.

اشک تمساح.

نفتمان مزد گورکن‌ها شد

روضه‌خوانی ضرر سر ضرر است.   م. ا.

روضه‌خوان‌ها سوار بنز شدند

برکت داشت مزد گورکنی

حقت این است ای الاغ دوپا

با دو تا دست بر سرت بزنی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Let bygones be bygones.

گذشته را به تمامی گذشته انگارید.

نفرین بر دهانی که بی‌موقع باز شود.

فرانکلین روزولت Franklin Roosevelt (۱۹۴۵– ۱۸۸۲)، رییس جمهور آمریکا، گفته است:

It is better to swallow words than to have to eat them later.

بهتر است آدم کلمات را قورت بدهد تا این‌که بعداً مجبور شود آن‌ها را بخورد.

ترک‌ها می‌گویند: ساکیت باشین آغریسی اولماز. (سر ساکت درد نمی‌گیرد.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He tied a knot with his tongue he couldn’t undo with his teeth.

با زبانش گرهی را زده بود

که به دندان نتوانست گشود.

More have repented speech than silence.

کسانی که به دلیل حرف زدن پشیمان شده‌اند از کسانی که به دلیل سکوت کردن پشیمان شده‌اند بیش‌ترند.

From hearing comes wisdom, from speaking repentance.

خرد از شنیدن شود مایه‌دار

ز گفتن پشیمانی آید به بار.

Silence seldom doth harm.

خموشی به ندرت زیان می‌زند.

Quietness is best.

بهترین چیز همین خاموشی است.

Silence is wisdom, when speaking is folly.

خامشی عقل است وقتی که سخن بی‌عقلی است.

A word spoken is an arrow let fly.

واژه‌ای کز دهان ادا شده است

مثل تیر از کمان رها شده است.

While the word is in your mouth it is your own; when ’tis once spoken, ’tis another’s.

تا حرف در دهان تو باشد برای توست

وقتی که گفته می‌شود او مال دیگری است.

A word spoken is past recalling.

هر کلامی کز دهان خارج شود
برنخواهد گشت دیگر تا ابد.

Eating little and speaking little can never do harm.

کم خوردن و کم گفتن حاشا که زیان دارد.

Hear and see and be still.

گوش کن و بنگر و خاموش باش.

He cannot speak well that cannot hold his tongue.

نتواند سخنی گفت خوش و باب پسند
گر زبان را نتواند که بدارد در بند.

Speak well of your friend; of your enemy say nothing.

از رفیق خود بگو چیزی نکو
از عدوی خویش هم چیزی نگو.

Never say of another what you would not have him hear.

هیچ حرفی ز دیگری تو نگو
که نخواهی که بشنود خود او.

Better lose a jest than a friend.

بگذری از خیر یک شوخی به است
تا که از خیر رفیقی بگذری.

Thou canst not joke an enemy into a friend; but thou may'st a friend into an enemy.

به یک شوخی تو حاشا دشمنی را دوست گردانی
ولی می‌سازی از یک دوست یک دشمن به آسانی.

It is the frog's own croak that betrays him.

غورغور خود قورباغه است که او را لو می‌دهد.

The ass that brays most eats least.

هر الاغی بیش‌تر عرعر کند کم‌تر خورَد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Silence and thought hurt nae man.

سکوت و فکر زیانی به هیچ‌کس نزنند.

A still sow eats a' the draff.

خوک ساکت همهٔ تفاله‌ها را می‌خورد.

(منظور تفالهٔ مالت است که یکی از فرآورده‌های جنبی صنعت آبجوسازی است.)

Bitter jests poison friendship.

نیش شوخی‌های تلخ و ناپسند
زهر در جان رفاقت می‌کنند.

Affront your friend in daffin', and tine him in earnest.

تو به شوخی به رفیقت توهین
کن و جدی بده از دست او را.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Parole jetée va partout à la volée.

تا کلامی از دهان خارج شود
بال بگشوده به هر سو می‌رود.

Brebis qui bêle perd sa goulée.

گوسفندی که بع‌بعی بکند
لقمه‌ای این وسط ضرر کرده.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Mit Schweigen verräth sich Niemand.

هیچ‌کس با سکوت خودش را لو نمی‌دهد.

Wenn das Wort heraus ist, gehört's einem Andern.

از دهان تا حرف بیرون می‌رود
مال یک انسان دیگر می‌شود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Nessuno si pentì mai d'aver taciuto.

هیچ‌کس تا حالا از این‌که جلوی زبانش را گرفته پشیمان نشده.

Asino che ragghia poco fieno mangia.

آن خری که می‌نماید عرعری

می‌خورد او یونجه‌های کم‌تری.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Palabra de boca, piedra de honda.

واژه‌ای از یک دهان و سنگی از قلاب‌سنگ

(چون رها شد رفته است و برنمی‌گردد به چنگ).

Oveja que bala, bocado pierde.

لقمه‌ای این وسط ضرر کرده

گوسفندی که وقت صرف غذا

از خودش بع‌بعی درآورده.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

A pedra, e a palavra naõ se recolhe depois de deitada.

کلامی از دهان و سنگی از دست

چو ول شد، بازگشت آن محال است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Man angrer ofte sin Tale, men sielden sin Taushed.

آدم اغلب از حرف زدن پشیمان می‌شود، اما از سکوت به ندرت پشیمان می‌شود.

رومیان باستان می‌گفتند:

Audito multa, sed loquere pauca.

به همه گوش کن و هیچ نگو.

Sorex suo perit indicio.

موش با لو دادن خود کشته شد.

نفسش از جای گرم درمی‌آید.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that is warm thinks all are so.

جای او گرم که باشد، یارو

به خیالش همه گرم‌اند چون او.

When the stomach is full the heart is glad.

معده وقتی پر بُود، دل سرخوش است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

When the wame's fu' the tongue wags.

شکم وقتی که پر باشد، زبان فرد می‌جنبد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ventre plein conseille bien.

شکم سیر خوب پند دهد.

Qui a la bourse pleine prêche au pauvre.

طرف با جیب‌هایی مملو از زر
برای بی‌نوایی رفته منبر.

Il est bien aisé d’aller à pied quand on tient son cheval par la bride.

اگر باشد افسار اسبت به دست
پیاده‌روی کار مطبوعی است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Quando la cosa va bene, è buono dar consiglio.

چون بُود اوضاع بر وفق مراد
سهل و آسان می‌توانی پند داد.

E bello predicare il digiuno a corpo pieno.

هر زمانی شکمت سیر بُود
روزه را موعظه کردن سهل است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Bem canta Martha, depois de farta.

مارتا خوب که می‌لمباند
با همان حنجرۀ پایینی
وه، چه آواز خوشی می‌خواند.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als ’t wel gaat zo is het goet raden.

هر زمان حال و روز میزان است
پند دادن همیشه آسان است.

Als de buik zat is, is ’t harte vrolijk.

شکم وقتی که پر باشد، دل آدم خوش و شاد است.

Het is genoegelijk te zien regenen, als men in den drooge staat.

تماشای باران خوش آید بسی

اگر زیر باران نباشد کسی.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Mæt Mave roser Fasten.

معده‌ای پر روزه را تحسین کند.

نفهم، بفهم.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvo der ikke vil kjöbe Raad for godt Kjöb, skal kjöbe Anger dyret.

او که پند ارزان را نمی‌گیرد مجبور خواهد شد پشیمانی گران را بخرد.

نقدها را بُود آیا که عیاری گیرند

تا همه صومعه‌داران پی کاری گیرند. حافظ

هلندی‌ها می‌گویند:

Hoe verder van Rome, hoe nader bij God.

هرچه از رم دورتر، به خدا نزدیک‌تر.

نگر تا حلقهٔ اقبال ناممکن نجنبانی

سلیما، ابلها، لا بلکه مرحوما و مسکینا. انوری

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What is too high, that let fly.

هرچه دیدید که خیلی بالاست

بگذارید که پرواز کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Quod supra nos, nihil ad nos.

آنچه از دسترس ما دور است برای ما هیچ است.

نو که اومد به بازار، کهنه می‌شه دل‌آزار.

معادل ترکی: تزه گلدی بازاردان، کؤهنه دوشدو نظردن. (نو ز بازار آمد و کهنه ز چشمت اوفتاد.)

نور به قبرت ببارد محمدرضا شاه.

یک نفر محمدرضا شاه را در خواب می‌بیند که عینک دودی به چشم دارد. می‌پرسد: «اعلیحضرت، برای چی عینک دودی زدید؟» شاه می‌گوید: «از بس مردم این روزا می‌گن نور به قبرت بباره.»

از بهمن آن سال که شاه از بر ما رفت
جانا، چه بگویم که چه‌ها بر سر ما رفت. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Blessings brighten as they take their flight.

موهبت‌های الهی که میان مایند
می‌درخشند به پرواز که درمی‌آیند. (نقل قولی از یانگ Young است.)

نور گیتی‌فروز چشمهٔ هور
زشت باشد به چشم موشک کور. سعدی – گلستان

آلمانی‌ها می‌گویند:

Licht ist Licht, wenn’s gleich der Blinde nicht sieht.

نور نور است، اگرچند که کور
دیدنش نیست برایش مقدور.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Uglen priser ei Dagen, eller Ulven ei Hunden.

جغد از نور و گرگ هم از سگ
هیچ موقع ستایشی نکنند.

نوشدارو بعد مرگ سهراب.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When I am dead make me caudle.

بعد از آنی که مرده‌ام دیگر
جام معجون برای من آور.

Help which is long on the road is no help.

یاری‌ای که مدتی خیلی دراز
توی ره باشد کجا او یاری است.

Slow help is no help.

کمک وقتی که دیر آید کمک نیست.

A gift long waited for is sold, not given.

آن هدیه که خیلی بشوی منتظرش

گویی به فروش رفته، داده نشده.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

He doubles his gift that gies in time.

هدیه‌اش را دوبرابر کرده

اگر آن را سر موقع بدهد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Tardi si vien con l'acqua quando la casa è arsa.

دیر باشد که تو از راه رسی آب به دست

خانه گر سوخته در آتش و ویران شده است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Quien da presto, da dos veces.

دو بار می‌دهد آن‌کس که بی‌درنگ دهد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Raad voor daad.

پیش از انجام عمل اندرز گیر.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Raad efter Skaden er som Lægedom efter Döden.

پندِ بعد از بدبیاری مثل چیست؟

مثل دارو بعد مرگ آدمی است.

Raad efter giort Gierning er som Regn naar Kornet er höstet.

بعد از انجام عمل اندرز تو

مثل بارانی بُود بعد از درو.

رومیان باستان می‌گفتند:

Mortuum unguento perungis.

بر تن یک مرده مرهم می‌نهی.

Serum auxilium post prælium.

بسی دیر آمده آن یار و یاور
رسیده جنگ ما دیگر به آخر.

Inopi beneficium bis dat, qui dat celeriter.

در دست فرد محتاج گر چیزکی نهاده
فوری چو داده باشد، گویی دو بار داده.

نوکر بابات غلام سیاه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bid me and do it yourself.

به بنده امر کن، اما
خودت انجام ده آن را.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

I'm no every man's dog that whistles on me.

من سگ هر کس که سوتی زد برایم نیستم.

نوکر بی‌جیره و مواجب تاج سر آقاست.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better sit idle than work for nought.

بیکار نشستن به مفتی کار کردن شرف دارد.

نوکر ما چاکری داشت، چاکرشم مخلصی داشت.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Manda o amo ao moço, o moço ao gato, e o gato ao rabo.

ارباب به نوکر امر می‌کند، نوکر به گربه و گربه به دمش.

نونتو با آب بخور، منت آبدوغو نکش.

معادل ترکی: ایتین اتینی یئیرم، قصابین مینتینی چکمرم. (گوشت سگ می‌خورم و منت قصاب نمی‌کشم.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Scald not your lips with another’s porridge.

لبت را با حلیم آدمی دیگر نسوزانی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Dinna scaud your mouth wi' other folk's kail.

دهان خویش را با شوربای دیگران هرگز نسوزان.

Our ain reek's better than ither folk's fire.

دود خود ما از آتش مردم به.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mas vale humo de mi casa que fuego de la agena.

دودی اندر خانهٔ من خوش‌تر از
آتشی در خانهٔ آن دیگری است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Dar he honra, e pedir deshonra.

دهش سرفرازی، گدایی سرافکندگی است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Eigen haard is goud waard.

اجاق خانهٔ خود قیمت طلا دارد.

نونش نداره اشکنه، بادش درختو می‌شکنه.

به خرمن دو جهان سر فرو نمی‌آرند
دماغ و کبر گدایان و خوشه‌چینان بین.   حافظ

معادل انگلیسی:

A proud heart in a beggar’s breast.

یک دل پرمدعا در سینهٔ مردی گدا.

معادل فرانسوی:

Il n’est si grand dépit que de pauvre orgueilleux.

لجاجتی نبُود هیچ وقت و هیچ‌کجا
چنان لجاجت یک مرد عن‌دماغ گدا.

نه به آن شوری شوری، نه به این بی‌نمکی.

معادل عربی: خیرُ الاُمورِ اوسَطِها. (حد وسط هر چیزی بهترین است.)   حدیثی از جعفر بن محمد الصادق

معادل انگلیسی:

Extremes never last long.

افراط یا تفریط هرگز نمی‌پایند.

معادل فرانسوی:

Les extrêmes se touchent.

افراط و تفریط به هم می‌رسند.

معادل آلمانی:

Mittelweg ein sichrer Steg.

راه میانی راه امن است.

نه به داره، نه به باره، اسمش عمو علی‌یاره.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not make clothes for a not yet born baby.

برای بچه‌ای که هنوز به دنیا نیامده لباس ندوز.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Hijo no tenemos, y nombre le ponemos.

ما پسری نداریم و داریم برایش اسم انتخاب می‌کنیم.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Ainda nao sellamos, ja cavalgamos.

ما هنوز اسبمان را زین نکرده‌ایم، ولی داریم سواری می‌کنیم.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Haardt er ufödt Hest at binde ved Krybbe.

بستن اسب به دنیا نیامده به آخور سخت است.

نه چک زدیم، نه چونه، عروس اومد به خونه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

His net fills though the fisherman sleeps.

تور او پر می‌شود، هرچند که
مرد ماهیگیر در خواب خوش است.

یونانیان می‌گویند:

Εὕδοντι κύρτος αἱρεῖ.

مرد ماهیگیر در خواب است و باز

تور او مشغول ماهیگیری است.

نه چندان بخور کز دهانت برآید

نه چندان که از ضعف جانت برآید. سعدی – گلستان

هلندی‌ها می‌گویند:

Genoeg is even zoo goed als een feest.

کافی به همان خوبی یک سورچرانی است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Optima medicina temperantia est.

میانه‌روی بهترین نوع داروست.

نه خود خوری، نه کس دهی، گنده کنی به سگ دهی.

معادل ایتالیایی:

Chi serba, serba al gatto.

او که کنار می‌گذارد، برای گربه کنار می‌گذارد.

نه سرم را بشکن، نه گردو به دامنم بریز.

معادل انگلیسی:

He covers me with his wings, and bites me with his bill.

بپوشاند مرا با بال‌هایش

و با منقار خود گازم بگیرد.

معادل آلمانی:

In der einen Hand Brot, in der anderen einen Stein.

به دستی نان، به دستی سنگ.

معادل‌های اسپانیولی:

Quebrasteme la cabeza, y ahora me untas el casco.

تو سرم را شکسته‌ای و کنون

مرهم آورده‌ای که بگذاری.

Reniego del amigo, que cubre con las alas y muerde con el pico.

حذر زان دوست ناباب باید
که پوشاند تو را با بال‌هایش
و با منقار نابودت نماید.

معادل‌های لاتین:

Altera manu fert lapidem, altera panem ostentat.

به یک دست سنگی تکان می‌دهد
به یک دست نانی نشان می‌دهد.

Altera manu scabunt, altera feriunt.

به یک دستشان غلغلک می‌دهند
و با دست دیگر تو را می‌زنند.

نه شیر شتر می‌خواهم، نه دیدار عرب.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I would not have your cackling for your eggs.

به عشق تخم‌هایی که گذاری
محال است این‌که هرگز طاقت آرم
برایم قدقد از خود دربیاری.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Better a toom house than an ill tenant.

خانهٔ خود را تهی بگذاشتن
بهتر از مستأجر بد داشتن.

هزار نکتهٔ باریک‌تر ز مو این‌جاست
نه هرکه سر بتراشد قلندری داند. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Every light is not the sun.

نه هر نوری که بینی آفتاب است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Nicht jeder Glühwurm ist Feuer.

نه هر کرم شب‌تاب یک آتش است.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Le lucciole non sono lanterne.

نه هر کرم شب‌تاب فانوسی است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

No son soldados todos los que van á la guerra.

هرکه در میدان جنگی می‌رود سرباز نیست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nem todos os que vaõ à guerra, saõ soldados.

هرکه در جبههٔ جنگی باشد
نتوان گفت که یک سرباز است.

نه هرکه طرف کله کج نهاد و تند نشست
کلاهداری و آیین سروری داند. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Gilt spurs do not make the knight.

مهمیزهای مطلا شوالیه نمی‌سازند.

نیست کوری که به کوری نبُود ارزانی.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Many would have been worse if their estates had been better.

ای بسا آنان که گر اوضاعشان
بهتر از این بود بدتر می‌شدند.

نیست لایق غزو نفس و مرد غر
نیست لایق عود و مشک و کون خر. مولوی

هلندی‌ها می‌گویند:

Strooit geen rozen voor varkens.

گل‌های سرخ را جلوی خوک‌ها نریز.

نیمهٔ پر لیوان را ببین؛ هرکی نیمهٔ دیگرش را خورده، الهی که ازش درنیاید. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Look on the sunny side of life.

به طرف آفتابی زندگی نگاه کن.

و

واسه هرکی لاتی، واسه ما شکلاتی.

نقل است که یک روز مرقّع‌پوشی از هوا درآمد و پیش شیخ [ابوالحسن خرقانی] پای بر زمین زد و می‌گفت: «جنید وقتم و شبلی وقتم.» شیخ بر پای خاست و پای بر زمین می‌زد و می‌گفت: «مصطفای وقتم و خدای وقتم!» تذکرة الأولیاء

ترک‌ها می‌گویند: بؤیوکدن ده بؤیوک وار. (از بزرگ بزرگ‌تر هم هست.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A dwarf threatens Hercules.

کوتوله‌ای دارد برای هرکول شاخ‌وشانه می‌کشد.

Lions are not frightened by cats.

شیرها از گربه‌ها ترسی ندارند.

دانش شیخ همان جهل وی است
شاهد آن سخن واهی اوست
هرچه از حق و حقیقت گوید
آیهٔ روشن گمراهی اوست
وای از آن‌کس که خداخواهی او
پرده‌ای بر سر خودخواهی اوست. م. ا.

هم نوکر روس‌هاست، هم یک آقاست
هم دزد سر گردنه، هم مرد خداست
فرعون زمانه است و دارای عصاست
او جوهرهٔ کل پدرسوخته‌هاست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

No rogue like to the godly rogue.

حاش لله که یک الدنگ فرومایهٔ پست
مثل یک مردک رذل متشرع شده است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Ante la puerta del rezador, nunca eches tu trigo al sol.

هیچ وقت غله‌ات را برای خشک شدن جلوی در یک مرد متشرع پهن نکن.

وای مامانم اینا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Mother's darlings are but milksop heroes.

مردم لوس‌کردهٔ مامان

پهلوانان زن‌صفت هستند.

وزرا حکم ضرطه را دارند

که شنیده شوند و دیده نی‌اند. ایرج میرزا

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He is a good man whom fortune makes better.

آن‌کسی آدم خوبی است که در بازی عمر

چون به مالی برسد خوب‌تر از قبل شود.

If a good man thrive, all thrive with him.

آدم خوب موفق اگه شد

همه رو می‌کشه بالا با خود.

وسط دعوا حلوا خیرات نمی‌کنند.

در هجا گویی دشنام مده، پس چه دهم؟

مرغ بریان دهم و بره و حلوا و حریر؟ سوزنی سمرقندی

فرانسوی‌ها می‌گویند:

A la guerre comme à la guerre.

در جنگ آن کنید که در جنگ می‌کنند.

وسط معرکه شاشش گرفته.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do not change horses in midstream.

اسب خود را وسط رود تو تعویض نکن.

عین ریش مدرس روباه
روی یک اسکناس ده‌تومنی
بوی گندت مریض می‌کندم
ای وطن، ای مریض عن‌لگنی
همهٔ دشت‌هایت از دم لوت
همهٔ شهرهایت از دم هرت
وطن، ای دستِ تا همیشه بگیر
من دوباره تو را بسازم؟ زرت. م. ا.

هر وقت رباعی‌ام عنش می‌گیرد
از عشق وطن سرودنش می‌گیرد
هر وقت ادیپ شعر من می‌خارد
مداحی مام میهنش می‌گیرد. م. ا.

بعد از این بر وطن و بوم‌وبرش باید رید
بر چنین ملت و بر کروفرش باید رید. میرزادهٔ عشقی

وطن‌پرستی عین گاوپرستی است. آیت الله مصباح یزدی

هر کسی دشمن است با وطنش
برج میلاد توی کون زنش. م. ا.

ایرلندی‌ها می‌گویند:

It's difficult to give sense to a fool.

کار سختی است کنی عقل فرو
در سر مردک گاگول ببو.

وعدهٔ سر خرمن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

To promise and give nothing is comfort to a fool.

وعده‌های سر خرمن دادن

می‌شود دلخوشی یک کودن.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Belle promesse fol lie.

دست‌های مردک بی‌عقل را

وعده‌ای شیرین ببندد از قفا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Bella promessa lega il matto.

نوید و وعده‌های خوب و زیبا

ببندد دست‌های ابلهان را.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Prometter naõ he dar, mas a nescios contentar.

وعده دادن گرچه دادن نیست، لیک

ابلهان را خوب راضی می‌کند.

Mais val hum toma, que dous te darei.

یک «بگیرش» به یقین خوب‌تر است

از دو تا «بعد به تو خواهم داد».

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er strax at nægte, end længe at love.

یک جواب رد فوری دادنت

بهتر از هر قول با تأخیری است.

وقت بدمستی همینی که عرق

جرعه جرعه توی خونت می‌رود

مثل این باشد که کل بطری‌اش

ذه ذره توی کونت می‌رود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

More have been drowned in wine than water.

بشریت عملاً توی شراب

بیش‌تر غرق شده تا در آب.

Bacchus hath drowned more men than Neptune.

باکوس بیش از نپتون آدم غرق کرده است.

(باکوس: خدای شراب در یونان و روم باستان؛ نپتون: خدای دریاها در روم باستان، معادل پوسیدون یونانی.)

Wine is a turncoat, first a friend, then an enemy.

باده یک ناکس فرصت‌طلب است
اولش دوست، سپس یک دشمن.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Im Becher ersaufen mehr als im Meer.

آدمی در قدح می گویا
بیش‌تر غرق شده تا دریا.

وقت خوردن قلچماقم، وقت کار کردن چلاقم.

معادل اسپانیولی:

Al hacer temblar, y al comer sudar.

سر کار لرزیدن و سر غذا عرق کردن.

وقتی دو تا مهندس با هم صحبت می‌کنند، کارگر افغانی نمی‌آید بگوید استامبولی کجاست.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Cada qual com seu igual.

هرکه با همتای خویش.

وقتی شیر شد که شکار شغال قدغن شد.

معادل ایتالیایی:

Quando la gatta non v'è, i sorci ballano.

گربه وقتی که از این‌جا غایب است
موش‌ها مشغول رقاصی شوند.

معادل‌های هلندی:

Als de kat van huis is, dan hebben de muizen bruis.

گربه وقتی که از این‌جا غایب است

موقع جشن و سرور موش‌هاست.

Als de kat slaapt, spelen de muizen.

هر زمانی گربه خوابش می‌برد
موش‌ها مشغول بازی می‌شوند.

معادل دانمارکی:

Naar Katten er borte, löbe Musene paa Bænken.

گربه وقتی که از این‌جا غایب است
موش‌ها مشغول بازی می‌شوند.

وقتی که روح خود را رسماً دریده باشی
تا با هزار زحمت شعر آفریده باشی
وقتی به پای هر حرف مویی سفید کردی
وقتی به نرخ خونت بیتی خریده باشی
سانسور که می‌کنندش دانی چه درد دارد؟
انگار روی یک میخ با کون پریده باشی. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

I say little but I think the more.

ذکر من گرچه کم و مختصر است
فکر من لیک کمی بیش‌تر است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Thoughts are free, and if I daurna say I may think.

اندیشه‌ها آزادند و اگر من جرئت نکنم حرف بزنم، می‌توانم فکر کنم.

وقتی که شیر نر بمیرد
بوزینه‌ای هم می‌تواند
تا گردن او را بگیرد
وین‌سو و آن‌سویش کشاند. م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

Little birds may peck a dead lion.

چه بسا مرغ‌های کوچک هم

به یکی شیر مرده نوک بزنند.

It is a base thing to tear a dead lion's beard off.

یال یک شیر مرده را کندن
عملی پست و خفت‌آمیز است.

معادل آلمانی:
Den todten Löwen kann jeder Hase an der Mähne zupfen.

یال شیر مرده را خرگوش‌ها هم می‌کَنند.

معادل هلندی:
Ook hazen trekken een leeuw bij den baard als hij dood is.

شیران نر وقتی بمیرند
خرگوش‌ها هم می‌توانند
تا یال آنان را بگیرند
وین‌سو و آن‌سوشان کشانند.

معادل لاتین:
Mortuo leoni et lepores insultant.

توانند خرگوش‌ها نیز هم
به یک شیر مرده اهانت کنند.

وقتی که محتسب زد و حافظ‌شناس شد
دیوان شعر با کش تنبان جناس شد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
The devil can quote Scripture for his own ends.

شیطان برای رسیدن به اهداف خودش می‌تواند از *کتاب مقدس* نقل قول کند.

وقف شیخ از مال دزدی مثل چیست؟
مثل استبرای بعد از جلق اوست. م. ا.

جحی گوسفند مردم می‌دزدید و گوشتش صدقه می‌کرد. از او پرسیدند که این چه معنی دارد. گفت: «ثواب صدقه با بزهٔ دزدی برابر گردد و در میانه پیه و دنبه‌اش توفیر باشد.» عبید زاکانی – رسالهٔ دلگشا

معادل ترکی: حسیری اوغورلاییب مسجیده سالیر. (حصیر را می‌دزدد و در مسجد می‌اندازد.)

معادل‌های انگلیسی:

Steal the goose, and give the giblets in alms.

غازی بدزد و محض رضای خدا بیا
خیرات کن دل و جگرش را به بی‌نوا.

He robs Peter to pay Paul.

از پیتر می‌دزدد تا به پاول بدهد.

معادل فرانسوی:

Découvrir saint Pierre pour couvrir saint Paul.

برای لباس پوشاندن بر قدیس پاول قدیس پیتر را لخت کردن.

معادل‌های آلمانی:

Das Leder stehlen, und die Schuhe um Gottes willen vergeben.

دزدیدن چرم و کفش‌ها را
در راه خدا زکات دادن.

Besser nichts geben als geraubtes Almosen.

همان بهتر که چیزی ندهی، تا این‌که از مال دزدی صدقه بدهی.

معادل اسپانیولی:

Hurtar el puerco, y dar los pies por Dios.

دزدیدن خوک و پاچه‌اش را
در راه خدا زکات دادن.

حقیر اندر حقیر اندر حقیریم
ولی داریم، چون طفل صغیریم
به هر عصری و دور هر امیری
خر آمادهٔ کار امیریم. م. ا.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Where the head gaes the tail will follow.

هرکجا سر برود دم پی او خواهد رفت.

وه، چه حیوان غم‌انگیز پلشتی است بشر
شامپانزه به تکامل برسید و شد خر. م. ا.

هلندی‌ها می‌گویند:

Bij alle feesten dient een zotje.

توی هر مهمانی‌ای یک خنگ هست.

وه که گر مرده بازگردیدی
به میان قبیله و پیوند
رد میراث سخت‌تر بودی
وارثان را ز مرگ خویشاوند. سعدی – گلستان

فرانسوی‌ها می‌گویند:

On ne sait pas pour qui on amasse.

آدم نمی‌داند برای کی دارد جمع می‌کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Hæredis fletus sub persona risus est.

زاری و گریه‌های یک وارث
خنده‌ای زیر ماسک می‌باشد.

ه

هر آن‌کس خورَد مثل یک گاومیش

کند گور خود را به دندان خویش.   م. ا.

معادل‌های انگلیسی:

A man may dig his grave with his teeth.

ای بسا آدم به دندان‌های خود

دم به دم گور خودش را می‌کند.

Let not your mouth swallow you.

نگذار دهان تو تو را قورت دهد.

Do not dig your grave with your own knife and fork.

با کارد و چنگال خود گور خودت را تو نکن.

Surfeit has killed more than hunger.

پرخوری از گرسنگی هم بیش

آدمی را نموده کشتهٔ خویش.

Diet cures more than doctors.

مرض را شفا می‌دهد کم‌خوری

بسی بهتر از هر دوا دکتری.

Poor folk fare the best.

بهترین تغذیه مال فقراست.

Poverty is the mother of health.

تنگی دست آدمی مادر تندرستی است.

Light suppers make long lives.

شام‌های سبکی عمر درازی آرند.

With stomach, wife, and conscience keep on good terms.

با معده و وجدان و عیالت ای مرد

یک رابطهٔ خوب بنا باید کرد.

Kitchen physic is the best physic.

آشپزخانهٔ ما خبره‌ترین دکتر ماست.

معادل‌های اسکاتلندی:

Eat in measure and defy the doctor.

به اندازه غذا بخور و پزشک را به مبارزه بطلب.

Diet cures mair than doctors.

درد را درمان نماید کم‌خوری
بیش‌تر از هر دوا و دکتری.

Surfeits slay mair than swords.

کشتگان پرخوری تعدادشان
بیش‌تر از کشتهٔ شمشیرهاست.

Suppers kill mair than doctors cure.

بیش از آنی می‌کشند این شام‌ها
که پزشکان می‌دهند آن را شفا.

Muckle meat, mony maladies.

غذای زیاد و مرض‌های بسیار.

معادل فرانسوی:

La gourmandise a tué plus de gens que l'épée.

پرخوری بیش از دم شمشیر آدم کشته است.

معادل‌های دانمارکی:

Flere Folk dræbes af Nadver end af Sværd.

آنان که شهید شام‌های خویش‌اند
از کشتهٔ شمشیر بسا که بیش‌اند.

Fyrm og Faste læger mangen Sot.

خیلی از درد و مرض‌ها را همین
روزه و پرهیز درمان می‌کنند.

معادل لاتین:

Plures crapula quam gladius.

جمع شهیدان شکمبارگی
بیش‌تر از کشتهٔ شمشیرهاست.

هر آن‌کس که بدشانس زاییده شد
ز گهواره تا گور گاییده شد.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

What is worse than ill-luck?

چه چیزی بدتر از بدشانس بودن؟

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Al desdichado poco le vale ser esforzado.

در این دنیا کسی بدشانس اگر بود
دل و جرئت ندارد بهر او سود.

هر ببوی کس‌مشنگ بی‌خرد
میل دارد خلق را پندی دهد.   م. ا.

معادل انگلیسی:

Every one thinks himself able to advise another.

هرکه پندارد که لابد قادر است
دیگری را پند و اندرزی دهد.

معادل ایتالیایی:

Ogni pazzo vuol dar consiglio.

هر خلی می‌خواهد اندرزی دهد.

معادل پرتغالی:

O caõ velho, quando ladra, dà conselho.

هر سگی پیر است پندی می‌دهد
چون بنای واغواغی می‌نهد.

مرد وقتی هیچ چیزی را نکاشت
وقت خرمن کنگر خر بدرود

هر جوان کون‌گشادی آخرش

پیرمرد تنگدستی می‌شود.   م. ا.

معادل اسکاتلندی:

The lazy lad maks a stark auld man.

هر جوان تنبل و بیکاره‌ای
پیرمردی لخت و عوری می‌شود.

هر جیب یک مرد گدا یک تونل بی‌انتهاست
شخص خدا هم عاجز از پر کردن جیب گداست.   م. ا.

شیطان با مخلصان برنمی‌آید و سلطان با مفلسان.   سعدی - گلستان

معادل انگلیسی:

A beggar's purse is bottomless.

جیب‌های یک گدا بی‌انتهاست.

معادل اسکاتلندی:

A beggar's wallet is a mile to the bottom.

عمق انبان گدا یک مایل است.

معادل ایتالیایی:

Il sacco de' mendici non ha fondo.

کیسهٔ مرد گدا بی‌انتهاست.

ما را هوای رأی چه جوگیر می‌کند
یک چند هفته‌ای همه را شیر می‌کند
هر چار سال ما به یکی رأی می‌دهیم
او هم عجالتاً همه را کیر می‌کند
در ژرفنای زیرزمین کور می‌شویم
آقا در این خیال که اکسیر می‌کند
چیزی به قدر یک سر سوزن عوض نشد
این چهره‌های ماست که تغییر می‌کند
موها سفید می‌شود و گونه‌ها تهی
این عمر نیست، درد تو را پیر می‌کند
این آرزوی کوچک ما هم که سال‌هاست
وقت قرار می‌شود و دیر می‌کند.   م. ا.

به دود آتش ماخولیا دماغ بسوخت
هنوز جهل مصور که کیمیایی هست.   سعدی - غزلیات

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Never quit certainty for hope.

هیچ موقع امور قطعی را
به هوای امید ول نکنید.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:
Assai guadagna, chi vano sperar perde.

او که امیدی واهی را از دست می‌دهد خیلی چیزها به دست می‌آورد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:
Haabe og vente er Giekkerente.

امید و انتظارات زیادی
درآمدهای یک بی‌عقل هستند.

هر چیز برای رهبر ما خوب است
تا دسته برای کشور ما خوب است.   م. ا.

سینمای وطنی را بنگر
نقش اول شده مال رهبر
نقش ما چیست؟ سیاهی‌لشکر.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Master's will is law.

میل ارباب همان قانون است.

هر خری پیش خودش پندارد
که نبوغ نیوتن را دارد.   م. ا.

معادل دانمارکی:
Enhver Tosse mener, han er klog nok.

هر تهی‌مغز ببو پیش خودش پندارد
خرد و هوش به اندازهٔ کافی دارد.

هر دو تا یک گه‌اند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Between two evils 'tis not worth choosing.

گزینش کردنِ بین دو تا شر
به‌کلی ارزش آن را ندارد.

هر را از بر تشخیص نمی‌دهد.

معادل انگلیسی:

He knows not a hawk from a hand-saw.

جنابش فرق قوش و ارّه‌دستی را نمی‌داند.

هر زمانی خشمگینی از کسی
بی‌شتابی بشمر از یک تا به صد
بعد هم خیلی متین و باوقار
فک او را خرد کن با یک لگد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When angry, count a hundred.

هر زمانی خشمگینی بشمر از یک تا به صد.

Revenge is a dish best served cold.

انتقام است غذایی که اگر
سرد آن را بخوری خوب‌تر است.

Quick resentments are often fatal.

خشم‌گیری‌های فوری غالباً مرگ‌آورند.

Anger is a sworn enemy.

خشم یک دشمن قسم‌خورده‌ست.

Fury wasteth, as patience lasteth.

بردباری چون دوامی آورد
خشم را آرام با خود می‌برد.

Anger is short-lived in a good man.

عمر خشم نیکمردی کوته است.

Let not the sun go down upon your wrath.

نگذاری به هیچ رو خورشید

موقع خشم تو غروب کند. (نقل قولی از انجیل است: نامهٔ پاول به افسوسیان ۴:۲۶.)

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Moins vaut rage que courage.

حاصل خشم از شهامت کم‌تر است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Zornes Ausgang, der Reue Anfang.

پایان خشم تازه شروع ندامت است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Gramschap is een korte dolligheid.

خشم دیوانگی کوتاهی است.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvor Vrede blinder, der Sandhed forsvinder.

خشم هر جا دیدگان را کور کرد

واقعیت را ز منظر دور کرد.

از بس‌که مخش مثل خزانه خالی است

پنداشته اقتصاد یک بقالی است

هر سال چون اسم اقتصادی دارد

پس سیصد و شصت و پنج روزش عالی است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fine words butter no parsnips.

واژه‌های خوش و مقبول پسند

زردکی را کره‌مالی نکنند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Fair words winna mak the pat boil.

حرف‌های دلفریب و دلپسند

حاش لله دیگ را جوش آورند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Schöne Worte füllen den Sack nicht.

واژگان خوش و مقبول پسند
مطلقاً جیب تو را پر نکنند.

Schöne Worte machen den Kohl nicht fett.

واژگان خوش و مقبول پسند
کلمی را کره‌مالی نکنند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Belle parole non pascon i gatti.

سخن‌های دل‌انگیز و خوشایند
غذای گربه‌ای هرگز نگردند.

Belle parole e mele fracide.

حرف‌های زیبا و سیب‌های گندیده.

هلندی‌ها می‌گویند:

Schoone woorden vullen den zak niet.

حرف‌های دلفریب و دلپسند
حاش لله گونی‌ای را پر کنند.

هر قمی‌ای که چیز او جر خورد
زیر دست شیوخ مادرچیز
یک دل سیر اگر که گریه کند
شهر قم می‌شود شبیه ونیز. م. ا.

شهر من بیچارهٔ بدشانس قم است
آدم وسط این همه آخوند گم است
تنها زن قم که می‌شود بوسیدش
این عمهٔ مردهٔ امام نهم است

این شهرِ به کل مملکت گندزده
این شهرِ به ریش خلق لبخندزده
شهری که به‌جای زن در آن موجودی است

چون زاغِ به قورباغه پیوندزده

این مدرسهٔ فنون استبرایی
این لانهٔ هر بی‌وطن هرجایی
این صیغهٔ هر کسی از این‌جا رد شد
این معنی یک توالت صحرایی

این نوبر شهرهای ویران زمین
دشت یرقان چرک زخمی نمکین
این ورطهٔ آب شور و ماهی بی‌نور
این شهر که این شهر که این شهر که این... م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wenn eine Hölle ist, so steht Rom darauf.

اگر جهنمی وجود داشته باشد، رم روی آن بنا شده. (منظور کلیسای واتیکان است.)

هر کتابی در آن حدیث و دعاست
جای آن سطل آشغال شماست. م. ا.

مشتی آیات و احادیث چرند
نان و آب مردم خوش‌باورند. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The magician mutters, and knows not what he mutters.

زیر لب زمزمه‌ای می‌کند این جادوگر
و خودش نیز نداند که چه بلغور کند.

هر کره‌خری رسیده شاعر شده است
یک کس‌خل از خود متشکر شده است
مجموعه‌ای از هزارها گونهٔ گه
قاطی شده و شعر معاصر شده است. م. ا.

با ظهور نیما یوشیج و بالیدن شعر جدید پارسی، شاعران «نوپیشه» modern از بسیاری رسوم و آداب سنتی شعر فارسی رویگردان شدند و یکی از این سنت‌ها همین مسئلهٔ تخلص بود. در

ذهنتان مجسم کنید اگر قرار بود برای این‌همه «شاعر»ی که این روزها در مطبوعات «شعر» چاپ می‌کنند، تخلص غیرمکرر انتخاب شود، بر سر تخلص‌هایی از نوع «کفگیر» و «خربزه» هم دعوا راه می‌افتاد. شفیعی کدکنی – روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Poets are born, but orators are trained.

متولد شوند شاعرها

خطبا را بپرورند اما.

رومیان باستان می‌گفتند:

Poeta nascitur, non fit.

شاعری زاده شود، ساخته هرگز نشود.

Nascimur poetæ, fimus oratores.

ما شاعر به دنیا می‌آییم، ما خطیب می‌شویم. (نقل قولی از سیسرو Cicero است.)

هر کس ز تو پول قرض کرده

لابد تو رو گاو فرض کرده

گر گفته که می‌دهد پسش هم

مِن باب مزاح عرض کرده. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

If you would make an enemy, lend a man money, and ask it of him again.

بهر خود دشمن اگر خواسته‌ای جور کنی

به یکی قرض بده، بعد بگو پس بدهد.

He that doth lend doth lose his friend.

پول خود را هر آن که قرض دهد

دوستش را ز دست خواهد داد.

A little debt makes a debtor, but a great one an enemy.

بدهکاری بسازد قرض کوچک

بزرگش لیک یک دشمن بسازد.

Lend and lose; so play fools.

قرض ده تا به درآید از دست

روش بازی خل‌ها این است.

When I lent I was a friend,
When I asked I was unkind.

وقتی که قرض داده‌امت دوستت بُدم
تا گفته‌ام پسش بده نامهربان شدم.

He who likes borrowing dislikes paying.

او که از قرض خوشش می‌آید
خوش ندارد که پسش هم بدهد.

Quick to borrow is always slow to pay.

او که در قرض کردنش تند است
وقت پس دادنش بسی کند است.

A lender nor borrower be.

قرض‌ده و قرض‌بگیری نباش.

Debtors are liars.

قرضداران دروغگو هستند.

Lying rides on debt's back.

دروغگویی بر پشت قرض سواری می‌کند.

Creditors have better memories than debtors.

حافظهٔ طلبکار بهتره تا بدهکار. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

A loan should come laughing home.

وام باید با لبی خندان به خانه بازگردد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Lend your money and lose your friend.

پول خود را قرض ده تا دوستت از کف رود.

He that lends money to a friend has a double loss.

وقتی به یک رفیق کسی قرض داده است
انگاری او دو بار پیاپی دهد ز دست.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Au prêter ange, au rendre diable.

موقع قرض فرشته‌ست، ولی
وقت پس دادن آن شیطانی است.

Au prêter cousin germain, au rendre fils de putain.

موقع قرض کردن پسرخالهٔ تنی، موقع پس دادن مادرقحبه.

Toute chose qui est bonne à prendre est bonne à rendre.

هر چیز که ارزش گرفتن دارد
او ارزش باز دادن ایضاً دارد.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer gern borgt, bezahlet nicht gern.

زمان قرض کردن هرکه تند است
زمان بازپس دادن چه کند است.

Wer gern borgt, lügt gern.

زود و آسان هر آن که قرض کند
زود و آسان دروغ می‌گوید.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Dinheiro emprestaste, inimigo ganhaste.

پول وقتی که قرض داده شود
دشمنی هم بنا نهاده شود.

O pouco faz devedor, e o muito inimigo.

اندک یک بدهکار می‌سازد و بسیار یک دشمن.

هلندی‌ها می‌گویند:

Die op borg geeft, verliest zijn goed en zijn vriend.

او که قرضی بدهد پول و رفیقش رفته.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Laan din Ven, og kræv din Uven.

به دوستت قرض بده و پرداختش را از دشمنت بخواه.

هر کسی پابرهنه را می‌ره

خار اگر کاشت... خب، به گا می‌ره.   م. ا.

معادل انگلیسی:

He that goes barefoot must not plant thorns.

یه پابرهنه نباید که خار و گزنه بکاره.

هر کسی جیبش ز بیخ و بن تهی است
کلهم اوضاع و احوالش گهی است.   م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: درویش دیلریش اولار. (درویش دلریش می‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

An empty purse fills the face with wrinkles.

جیب خالی ز پول یک مفلوک
چهره را پر کند ز چین و چروک.

Wrinkled purses make wrinkled faces.

کیف‌های چروک‌خوردهٔ پول
چهره‌های چروک می‌سازند.

A light purse is a heavy curse.

کیف پول سبکی لعنت بس سنگینی است.

Poverty breeds strife.

فقر درگیری و دعوا زاید.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Pauvreté est une espèce de ladrerie.

تهیدستی خودش نوعی جذام است.

هر کسی عمامه دارد آدم است
ما فقط بزغالهٔ گوساله‌ایم.   م. ا.

از دید شیخ پشکل و تاپاله‌ایم ما
بزغاله‌ایم: بعـعَـعَ، گوساله‌ایم: ما ااااااااااااااااا
اصلاً سگیم: واغ، الاغیم: عرّوعر

بر سیخ شیخ جوجهٔ جزغالهایم ما
خمس و زکات را بخور و صیغه را بخوان
انگار کن که دختر نهسالهایم ما

شوخی سرت نمی‌شه مگه؟ او و و و و و وخ... دربیار
قدقدقدا، میومیو، جیک‌جیک، قارقار! م. ا.

هر کسی کار خودش، بار خودش، آتیش به انبار خودش.

معادل ترکی: وای او گوندن کی چؤرکچی چکمه تیکه، چکمه‌چی چؤرک یاپا.
(وای به روزی که نانوا چکمه بدوزد، کفاش نان بپزد.)

معادل‌های انگلیسی:

Every man to his trade.

هر کسی کار خودش را بکند.

Let every man do what he was made for.

بهل تا که هر مرد کاری کند
که بهر همان آفریده شده.

Sweep before your own door.

جلوی خانهٔ خود را تو بروب.

If every man would sweep his own doorstep the city would soon be clean.

هر زمانی بکند هر یارو
جلوی خانهٔ خود را جارو
شهر پاکیزه شود خیلی زود
کوی و میدانچه و برج و بارو.

Let every pedlar carry his own pack.

بگذار بساط خویش را دستفروش
بردارد و خود نیز بگیرد بر دوش.

Every man must bear his own burden.

بار خود را هر کسی باید کشد.

Let not the fiddler play the fife,

Nor fifer play the fiddle.

نگذار نه ویولن‌زن نی‌لبک بزند، نه نی‌لبک‌زن ویولن بزند.

Be captain of your own ship.

ناخدای کشتی خود باش.

معادل‌های اسکاتلندی:

"Every man to his ain trade," quo' the browster to the bishop.

«هر کسی کسب خودش را بکند.»

آبجوساز به یک اسقف گفت.

Ilka bird maun hatch her ain egg.

هر پرنده تخم خود را جوجه‌ای باید کند.

Souters shouldna gae ayont their last.

پینه‌دوزی ز سر قالب خویش

باید اصلاً ننهد گامی پیش

(= هر کسی کار خودش را بکند

و دخالت نکند از آن بیش).

معادل فرانسوی:

Qui se sent morveux, se mouche.

بگذار کسی که حس می‌کند دماغش کثیف است آن را پاک کند.

معادل‌های آلمانی:

Jeder für sich, Gott für Alle.

هر کسی مال خودش و خدا مال همه.

Jeder fege vor seiner Thür.

بگذارید کند هر یارو

جلوی خانهٔ خود را جارو.

معادل ایتالیایی:

Ognun va col suo sacco al molino.

گونی خویش را گرفته به دوش

هر کسی سوی آسیاب رود.

معادل‌های پرتغالی:

Cada qual em seu officio.

هر مردی و حرفهٔ خود او.

Cada hum trate de si, e deixe os outros.

بگذار هر کس حواسش به کار خودش باشد و کار دیگران را به خودشان وا بگذارد.

Cada carneiro por seu pé pende.

بگذار هر گوسفندی از پای خودش آویزان شود.

معادل‌های هلندی:

Schoenmaker, blijf bij u leest.

پینه‌دوزا، قالب خود را بچسب.

(= توی کاری که نمی‌فهمی که چیست

خویش را قاطی نمودن خوب نیست.)

Veeg eerst voor uwe eigene deur, en dan voor die uws buurmans.

جلوی خانهٔ خود را جارو کن، پیش از آنی که به جلوی خانهٔ همسایه‌ات نگاه کنی.

Als elk voor zijn huis veegt, zoo worden alle straten schoon.

اگر هر کسی جلوی خانهٔ خود را جارو می‌کرد، هر خیابانی تمیز می‌شد.

Elk een zie zichzelven, zoo gaat er niemandt verloren.

بگذار هر کسی هوای خودش را داشته باشد تا هیچ‌کس گم نشود.

معادل دانمارکی:

Præsten Bogen, Bonden Plogen.

کشیش به کتابش، کشاورز به خیشش.

هر کسی یک تخم تخمی کاشته

حاصلی کیری از آن برداشته. م. ا.

معادل ترکی:

Ne ekersen onu biçersin.

درو می‌کنی آنچه را کاشتی.

معادل‌های انگلیسی:

He that sows nothing plants thistles.

هر کسی هیچ نکارد

کنگر خر عمل آرد.

As you sow so shall you reap.

هرچه بکارید همان بدروید.

What a man sows, that shall he also reap.

مرد هر چیزی که می‌کارد همان را بدرود.

معادل آلمانی:

Wie gesät, so geschnitten.

هر جور بکاری، به همان‌گونه درو خواهی کرد.

معادل ایتالیایی:

Chi mal semina, mal raccoglie.

بد که می‌کارد مرد
بد درو خواهد کرد.

معادل پرتغالی:

Cada hum colhe, segundo semea.

هر کسی می‌درود آنچه خودش کاشته است.

معادل هلندی:

Zoo gij zaait zoo zult gij maaien.

تو هر جوری که می‌کاری
بدان‌سان نیز برداری.

معادل دانمارکی:

Hvo lidet saaer, lidet faaer.

او که کم کاشته کم می‌درود.

هر کسی یک لاشی بی‌چشم‌وروست
عشق و حال کل دنیا مال اوست. م. ا.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n'y a que les honteux qui perdent.

فقط خجالتی‌ها می‌بازند.

هر گردی گردو نیست.

معادل هلندی:

Het is alles niet goud wat er blinkt.

هر درخشنده‌ای طلا نبُود.

معادل لاتین:

Aurea ne credas quæcunque nitescere cernis.

تو مپندار که هر چیز درخشنده طلاست.

هر گِلی زدی، به سر خودت زدی.

معادل‌های ترکی: هر کس نه ائیلسه اؤزونه ائیلر. (هر کسی هرچه کند به خود کند.)

هر کس اؤز عملی‌نین مئیوه‌سینی درر. (هر کسی میوهٔ عمل خود را می‌چیند.)

معادل‌های انگلیسی:

As they brew, so let them drink.

هر جور که یک آبجو را می‌سازند
بگذار همان‌جور هم آن را بخورند.

Who sows reaps.

او که می‌کارد درو هم می‌کند.

معادل فرانسوی:

Qui sème, recueille.

هر کسی کاشت درو خواهد کرد.

معادل اسپانیولی:

Quien mala cama hace, en ella se yace.

بسترت را هر مدل می‌گستری
لاجرم باید بدان‌سان نیز هم
روی آن شب را به پایان آوری.

هر وقت که عشق حاجی‌آقا بکشه
اسلام عزیز کلهم آبکشه

از روی حدیث و آیه و فقه و اصول
ملای محله قهرمان پرشه. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Große Herren dürfen mit Heiligen scherzen.

بزرگان می‌توانند با قدیسان شوخی کنند.

هر شب خبر از بره‌کشانی دگر است
از بوی کباب مردی آتش‌به‌سر است
هر یک وجب از عبای هر آخوندی
یک لقمهٔ نان سفرهٔ یک پدر است. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wäre Holzhauen ein Orden, wären nicht so viele Mönche geworden.

اگر هیزم‌شکنی جزو دستورات دینی بود، تعداد راهب‌ها کم‌تر بود.

هر یک‌چندی یکی درآید که منم
با نعمت و با سیم و زر آید که منم
چون کارک او نظام گیرد روزی
ناگه اجل از کمین برآید که منم. منسوب به خیام

ترک‌ها می‌گویند: تویسوز ائو تاپیلار، وایسیز ائو تاپیلماز.

(خانهٔ بی‌عروسی پیدا می‌شود، خانهٔ بی‌عزا پیدا نمی‌شود.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Death is deaf and hears no denial.

مرگ از آن روی که از بیخ کر است
پاسخ خیر به او بی‌ثمر است.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Death comes in and speirs nae questions.

مرگ وارد شود و هیچ سؤالی نکند.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Döden blæser ei Lyd for sig.

مرگ سرنا نمی‌نوازد.

هرچقدر پول بدهی، همان‌قدر هم آش می‌خوری.

معتادی به قهوه‌خانه‌ای رفت و یک چای سفارش داد. وقتی قهوه‌چی چای را روی میز معتاد گذاشت، معتاد رفت توی چرت. چند دقیقهٔ بعد که چشمانش را باز کرد، دید یک مگس دارد توی استکان چای دست‌وپا می‌زند. به قهوه‌چی گفت: «نیاوردی، نیاوردی، حالام که آوردی، یه مگس داره توش می‌رقصه.» قهوه‌چی گفت: «خفه شو پدرسگ؛ یه قرون دادی، می‌خوای خانوم جمیله جلوت برقصه؟»

معادل‌های انگلیسی:

You pays your money and you takes your choice.

تو است آن که پول تو را می‌دهد
و تو انتخاب تو را می‌کند.

You get what you pay for.

آنچه را پول برایش بدهی می‌گیری.

Words are but sands, it’s money buys lands.

واژه‌ها شن‌دانه‌هایند و همین
پول می‌باشد خریدار زمین.

Prate is but prate; ’tis money buys land.

حرف‌های چرت چرت‌اند و همین
پول می‌باشد خریدار زمین.

Good words never filled a sack.

حرف‌های خوب هرگز گونی‌ای را پر نکردند.

Words pay no debts.

واژه‌ها قرض تو را باز نمی‌پردازند.

معادل لاتین:

Verbis non solvendum est quidquam.

حرف‌ها قرض تو را پس ندهند. (نقل قولی از ترنس Terence است.)

هرچه آدم بیش‌تر خر می‌شود
شانس او انگار بهتر می‌شود. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fortune favours fools.

بخت یار مردمان ابله است.

هرچه بگندد نمکش می‌زنند
وای به روزی که بگندد نمک.

رومیان باستان می‌گفتند:

Corruptio optimi pessima.

تبه گشتن بهترین بدترین است.

هرچه تو را خوش آید می‌کن و می‌گوی.   عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi fa à suo modo, non gli duole il capo.

کسی هرگز نمی‌گیرد سرش درد
که هر کاری که عشقش می‌کشد کرد.

در خرآباد خراب‌آباد ما، ویران‌زمین
بذر دانش گر بکاری، تیره‌روزی بدروی
توی این کشور که خرتوخرترین ملک خداست
هرچه خرتر می‌شوی، خرشانس‌تر هم می‌شوی.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

God sends fortune to fools.

خدا چون بخت نیکو می‌فرستد
برای خلق هالو می‌فرستد.

رومیان باستان می‌گفتند:

Fortuna favet fatuis.

خدای بخت مددکار کله‌پوکان است.

هرچه در متن کتاب دینی است
حاصل عقدهٔ خودخربینی است
گاه ریدن سر قبر پدرت یک عمل آیینی است.   م. ا.

پدربزرگ
بس‌که ذکرهای خویش را شمرد
مرد.   م. ا.

هرچی سنگه، مال پای لنگه.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

The least boy always carries the greatest fiddle.

همیشه بزرگ‌ترین ویولن در دست کوچک‌ترین پسر است.

هرکجا بسته شده بند خره
خره مجبوره همون‌جا بچره. م. ا.

معادل فرانسوی:

Où la chèvre est attachée il faut qu'elle broute.

بباید تا چرد بز در همان‌جا
که بسته صاحب او گردنش را.

هرکجا پول هست، شیطان هست
هرکجا پول نیست، موجودی
بدتر و بی‌شرف‌تر از آن هست. م. ا.

معادل عربی: کادَ الفقر أن یَکونُ کُفراً. (تا بجنبی بی‌نوایی بی‌خدایی می‌شود.) حدیث نبوی

معادل‌های انگلیسی:

An empty purse is the devil.

جیب خالی خود شیطان باشد.

The devil dances in an empty pocket.

درون جیب خالی حضرت ابلیس می‌رقصد.

Needs must when the devil drives.

چون کسی در احتیاج خویش درمانَد
حضرت ابلیس آن‌جا اسب می‌رانَد.

There is no virtue that poverty destroyeth not.

هر فضیلت که هست در دنیا
فقر نابود می‌کند آن را.

It is hard to be poor and honest.

تهیدست و شرافتمند بودن کار دشواری است.

Poor men have no souls.

مردمان بی‌نوا را روح نیست.

معادل اسکاتلندی:

It's hard to be poor and leal.

فقیر و پاک بودن کار سختی است.

معادل‌های فرانسوی:

De tout s’avise à qui pain faut.

آن مرد که نان خواهد آمادهٔ هر کاری است.

Honnête pauvreté est clair semée.

فقر شرافتمندانه نازک بافته شده.

معادل اسپانیولی:

Pobreza no es vileza, ma es ramo de picardia.

اگرچه تنگدستی یک گنه نیست

ولیکن شاخه‌ای از نابکاری است.

معادل دانمارکی:

Trang og Nöd bryde Tro og Ed.

نیاز و تنگدستی ایمان و سوگندها را می‌شکند.

معادل لاتین:

Ab inopia ad virtutem obsepta est via.

ره از تنگدستی تا فضیلت

مسیری کاملاً مسدود باشد.

هرکجا عشق کنه خربنده

تو همون‌جا خره رو می‌بنده

خره ماییم و طرف هم آقاس

اون که گور همه‌مونو کنده.   م. ا.

معادل انگلیسی:

An ass must be tied where the master will have him.

هرکجا صاحب آقا خره عشقش بکشه

باید اون‌جا سر افسار خره بسته بشه.

هرکه از سال چهل تا شصت و نه زاییده شد
او ز نه سوراخ و از هر شش طرف گاییده شد.   م. ا.

دل ما در جوانی پیر پیر است
کز این نفرین شرقی سیر سیر است
برای مردن این نسل زود است
برای بودنش هم دیر دیر است.   م. ا.

صاحبا، بنده اگر جرمی کرد
ناوک قهر تو در شست مگیر
ور به مستی ادبی گوش نداشت
خرده زو نیست، وگر هست، مگیر
بشنو از شعر امیرالشعرا
یک دو بیت و سخنش پست مگیر
مست گوید همه بیهوده سخن
سخن مست تو بر مست مگیر
هرکه او گیرد بر دست شراب
هرچه او گوید بر دست مگیر.   ابن یمین

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

When wine sinks words soom.

هر زمانی شراب نشت کند
کلمات آن میان شنا بکنند.

هرکه با داناتر از خود بحث کند تا بدانند که داناست، بدانند که نادان است.   سعدی – گلستان

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He that tells all he knows will also tell what he does not know.

مرد وقتی که بر زبان راند
همهٔ آنچه خوب می‌داند
همهٔ آنچه را نداند نیز
همچنین آشکار گرداند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Ne reprens ce que n'entens.

توی چیزی که نمی‌فهمی که چیست

بی‌خودی دنبال ایرادی نگرد.

هرکه بامش بیش، برفش بیش‌تر.

معادل ایتالیایی:

Chi ha un sol porco, facilmente l'ingrassa.

هر کسی دارد فقط یک خوک و بس

راحت و آسوده پروارش کند.

معادل هلندی:

Groot goed, groot zorg.

ثروت بسیار و تشویش زیاد.

معادل‌های لاتین:

Magna servitus est magna fortuna.

آن مال که بسیار بزرگ است

یک بردگی سخت سترگ است. (نقل قولی از سنکا Seneca است.)

Fortuna magna magna domino est servitus.

مالِ بسیار چو آید در دست

منشأ بردگی کاملی است. (نقل قولی از پوبلیوس سیروس Publius Syrus است.)

Crescentem sequitur cura pecuniam.

هرچه دارایی تو بیش شود

بیش‌تر مایهٔ تشویش شود.

هرکه بزرگی خواهد باید هرچه دارد انبار کند. عبید زاکانی – اخلاق الاشراف

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It is a wicked thing to make a dearth one's garner.

قحطی را انبار غلهٔ خود کردن بی‌شرفی است.

هرکه بُود شرم و حیا رهبرش

خلق ربایند کلاه از سرش. ایرج میرزا – زهره و منوچهر

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bashfulness is an enemy to poverty.

شرم و آزرم دشمن فقر است.

Poverty has no greater foe than bashfulness.

تنگدستی دشمنی بدتر ز کمرویی ندارد.

Bashfulness is of no use to the needy.

بهر افراد تهیدست و گدا

هیچ سودی ندهد شرم و حیا.

Ask, and it will be given you.

بطلب تا که به تو داده شود. (نقل قولی از انجیل است: متی ۷:۷.)

Lose nothing for asking.

به دلیل درخواست نکردن چیزی را از دست نده.

Many things are lost for want of asking.

خیلی چیزها به دلیل درخواست نکردن از دست رفته‌اند.

He that cannot ask cannot live.

کسی که نتواند درخواست کند نمی‌تواند زندگی کند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Misterfu' folk maunna be mensefu'.

حیای گدا گشنه‌ها نابجاست

که بر این جماعت وقاحت رواست.

A taking hand will never want, let the world be e'er sae scant.

یک دستِ بگیر هیچ وقت محتاج نمی‌شود، بگذار دنیا را قحطی بردارد.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Chi abbisogna, non abbia vergogna.

آدمی که فقیر و محتاج است

که نباید خجالتی باشد.

Il domandar costa poco.

قیمت درخواست کردن اندک است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Den behoeftige is de schaamte onnut.

از برای مردمان تنگدست

شرمشان حاشا که کاری کرده است.

رومیان باستان می‌گفتند:

Verecundia inutilis egenti.

شرم یک مرد فقیر و تنگدست

بهر او بیهوده و بی‌حاصل است.

هرکه به فکر خویشه

کوسه به فکر ریشه.

معادل ترکی: هر کس اؤزوندن دم وورار. (هر کسی از خویشتن دم می‌زند.)

معادل اسکاتلندی:

"The meal cheap and shoon dear," quo' the souter's wife, "I'd like to hear."

«دوست دارم بشنوم کاندر جهان

آرد ارزان است، کفش اما گران.»

همسر کفاش می‌گوید چنان.

معادل ایتالیایی:

Ognun tira l'acqua al suo molino.

آب را هر آسیابانی که دید

سوی چرخ آسیاب خود کشید.

معادل‌های دانمارکی:

Enhver vil rage Ild ad sin Gryde.

هر کسی آتش زیر دیگ خودش را هم می‌زند.

Hver Ræv varer sin Bælg.

هر روباهی مراقب پوست خودش است.

کمال سرّ محبت ببین، نه نقص گناه / که

هرکه بی‌هنر افتد نظر به عیب کند. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

When I did well, I heard it never;
When I did ill, I heard it ever.

هر زمانی کار خوبی کرده‌ام
هیچ نشنیدم از آن صحبت کنند
هر زمان کار بدی کردم، ولی
هی شنیدم حرف آن را می‌زنند.

هرکه پندارد که عقل مطلق است
احمق اندر احمق اندر احمق است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
God and man think him a fool who brags of his own great wisdom.

لاف عقل کامل خود را زند یارو اگر
ابلهی دانند او را، هم خدا و هم بشر.

Better foolish by all than wise by yourself.

گر همه فکر کنند اسکل و خنگی، خوش‌تر
زان که خود فکر کنی عقل تو داری در سر.

هرکه خر زاییده شد، آدم نخواهد شد دگر
آخرش یا نره‌خر خواهد شد او یا ماچه‌خر. م. ا.

معادل انگلیسی:
Fools will be fools.

بی‌خردها بی‌خرد خواهند ماند.

معادل اسپانیولی:
El mal que no se puede sañar, es locura.

درد بی‌درمان فقط بی‌عقلی است.

هرکه خود را عقل کل داند
گاو هست و گاو می‌ماند. م. ا.

هرگز دل من ز علم محروم نشد
کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد

هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز

معلومم شد که هیچ معلوم نشد.   منسوب به خیام

انگلیسی‌ها می‌گویند:

There is more hope of a fool than of him that is wise in his own eyes.

بر خنگ امید بیش‌تری می‌توان که بست

تا آن‌کسی که از نظر خویش عاقل است.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Le plus sage est celui qui ne pense point l’être.

کسی عاقل‌ترینِ مردمونه

که خود رو این‌چنین فردی ندونه.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Bien sabe el sabio que no sabe, el nescio piensa que sabe.

عاقل می‌داند که نمی‌داند؛ جاهل خیال می‌کند که می‌داند.

هرکه خیلی برات فک بزنه

قصد داره به تو کلک بزنه.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Men talk only to conceal the mind.

حرف آدم‌ها فقط سرپوشی است

تا که فکر خویش را پنهان کنند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Grand parleur grand menteur.

یک وراج بزرگ یک دروغگوی بزرگ است.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer viel schwatzt, lügt viel.

او که خیلی زیاد ور بزند

نیز خیلی دروغ می‌گوید.

لایق عرعر خر گوش کری است

هرکه در پاسخ خر عرعر کرد

شک مدارید خودش نیز خری است. م. ا.

معادل انگلیسی:

He is an ass himself, who will bray against another ass.

شک نکن هر کسی که با یک خر

کل بیندازد و کند عرعر

خود او هست یک خر دیگر.

معادل اسپانیولی:

Asno sea quien á asno vocea.

هرکه در روی الاغی عرعری

می‌کند، او را به حال خود گذار

تا خودش باشد الاغ دیگری.

حکمت مشرقی است این گفتار

از پکن بشنو این سخن، نه ز رم:

هرکه در میخ صرفه‌جویی کرد

می‌کند نعل اسب خود را گم. محمدرضا شفیعی کدکنی

معادل انگلیسی:

For want of a nail the shoe is lost; for want of a shoe the horse is lost; for want of a horse the rider is lost.

یک میخ که نباشد نعل از دست می‌رود؛ یک نعل که نباشد اسب از دست می‌رود؛ یک اسب که نباشد سوار از دست می‌رود. (اصل این ضرب‌المثل چینی و از حکمت‌های کنفوسیوس است.)

معادل فرانسوی:

Par ung seul clou perd on ung bon cheval.

به‌خاطر فقط یک میخ آدم یک اسب خوب را از دست می‌دهد.

معادل آلمانی:

Ein Nagel erhällt ein Eisen, das Eisen ein Roß, das Roß den Mann, der Mann eine Burg und die Burg das ganze Land.

یک میخ نعل را نگه می‌دارد، نعل اسب را، اسب مرد را، مرد حصار را و حصار کل سرزمین را.

معادل اسپانیولی:

Por un punto se pierde un zapato.

بهر یک میخ بسا نعل تو از دست رود.

هرکه دنبال دانش و هنر است
قسمت او همیشه کیر خر است.   م. ا.

قرآن همه‌جا هست، ولی ناخوانده
با کاغذ مفت مملکت چاپانده
شعر من بیچارهٔ مادرمرده
چون دختر کور روی دستم مانده.   م. ا.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:
Dios te dé fortuna, hijo, que el saber poco te vale.
پسرم، خدا به تو شانس بدهد، چرا که دانش چندان دردی از تو دوا نمی‌کند.

هرکه را ریدنی بگیرد سخت
رید بایدش و کارها بگذاشت
زان‌که ما تجربت بسی کردیم
تا نریدیم هیچ سود نداشت
تیز دادیم و گندها کردیم
عقل‌ها نیز هم بر این بگماشت.   انوری

رومیان باستان می‌گفتند:
Ne tentes aut perfice.

یا نکن یک کار را از بیخ و بن
یا اگر کردی، تمامش هم بکن.

هرکه را زر در ترازوست، زور در بازوست.   سعدی – گلستان

چه خوش گفت آن تهیدست سلحشور:
جوی زر بهتر از پنجاه من زور.   سعدی – گلستان

معادل ترکی: زر ایله اولان، زور ایله اولماز. (آنچه با زر می‌شود، با زور نمی‌شود.)

معادل‌های انگلیسی:
Rich men may do anything.
اغنیا هرچه بخواهند کنند.

Money is ace of trumps.

پول آس بازی حکم است.

The reasons of the poor weigh not.

منطق بی‌پول‌ها وزنی ندارد.

God help the poor, for the rich can help themselves.

خدا به مردم مسکین کمک کند، زیرا
که قادرند به یاری خویش داراها.

معادل‌های فرانسوی:

Argent comptant porte médecine.

پول دم دست معالجات شگرفی می‌کند.

Possession vaut titre.

مالکیت به خوبی لقبی است.

معادل‌های ایتالیایی:

Dove l’oro parla, ogni lingua tace.

هرکجایی زر به گفتار آمده
بر زبان‌ها مهر خاموشی زده.

Il danaro è un compendio del poter umano.

پول تجلی‌ای از قدرت بشری است.

معادل‌های پرتغالی:

Dinheiro faz batalha, e naõ braço largo.

به پول فتح برآید، نه دست‌های دراز.

Lá vaõ leis, onde querem cruzados.

قوانین به همان‌جایی می‌روند که دلارها میل دارند.

معادل هلندی:

Geld doet geweld.

پول قدرت است.

معادل دانمارکی:

Een Haand fuld af Penge, er stærkere end to Hænder fulde af Sandhed.

یک دست پر از پول قوی‌تر از دو دست پر از حقیقت است.

هرکه عیب دگران پیش تو آورد و شمرد
بی‌گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد. سعدی - گلستان

معادل ترکی: ائل عئیبینی سنه دئین، سنین ده عئیبینی ائله دئیر.
(با تو اگر گفت کسی عیب خلق
عیب تو را نیز بگوید به خلق.)

معادل پرتغالی:
Molher palreira diz de todos, e todos della.

خاله‌زنک از همه غیبت کند
نیز همه غیبت او می‌کنند.

هرکه کارش به وکیلان افتاد
می‌رود دارونداراش بر باد. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:
Lawyers' houses are built on the heads of fools.

بر سر دسته‌ای از احمق‌ها
خانه‌های وکلا گشته بنا.

Fools and obstinate men make lawyers rich.

می‌نمایند مردم گاگول
نیز لجبازهای نامعقول
وکلا را جماعتی خرپول.

A good lawyer must be a great liar.

یک وکیل خوب باید یک دروغگوی بزرگ باشد.

Fair and softly as lawyers go to heaven.

به‌نرمی و آهسته و دلپسند
چنان‌که وکیلان به جنت روند.

Kick an attorney downstairs and he'll stick to you for life.

وکیلی را با لگد از پله‌ها پرت کن پایین؛ آن‌وقت است که تا آخر عمر بهت می‌چسبد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:
Les maisons des avocats sont faictes de la teste des folz.

ز سرهای جمعی خردباخته
سرای وکیلان شود ساخته.

Si enfer n’est plein, jamais n’y aura d’avocat sauvé.

جز در صورتی که جهنم پر شده باشد هیچ وکیلی رستگار نمی‌شود.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Necios y porfiados hacen ricos los letrados.

می‌کند اسکل خنگ و گاگول
همچنین کله‌شق نامعقول
کیف پول وکلا را پرِ پول.

Así está el pages entre dos advocats como el pagel entre dos gats.

یک دهاتی به میان دو وکیل
ماهی‌ای بین دو تا گربه بُود.

Buen abogado, mal vecino.

یک وکیل خوب بد همسایه‌ای است.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Nem com cada mal ao medico, nem com cada trampa ao letrado.

پیش پزشک تو نرو با هر کسالتی
پیش وکیل هم نرو با هر شکایتی.

هلندی‌ها می‌گویند:

Hoe grooter jurist, hoe boozer Christ.

وکیل بهتر، مسیحی بدتر.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Lovkiön og Maler kan snart giöre hvidt til sort.

این وکیلان‌اند و نقاشان که زود
هر سپیدی را سیاهش می‌کنند.

هرکه گوید دیگری ترک خر است
او خودش از ترک‌ها هم خرتر است. م. ا.

روزی ترک‌ها علیه تبعیض نژادی راهپیمایی کردند و شعار دادند: «ترکا گل‌پسرن، فارسا ترک خرن.»

هرکی گفت عن، تو بگو من.

ضرب‌المثل دیگری می‌گوید: هرکی گفت خاک‌انداز، خودتو جلو بنداز.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Speak when you are spoken to.

تو سخن گوی فقط وقتی که

دیگران با تو سخن می‌گویند.

هرکی یه جور خله.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Ciascuno ha un matto nella manica.

ابلهی در آستین هر کسی است.

هرگز از سوراخ کون کفتری

درنیاید گوز همچون تندری. م. ا.

معادل اسکاتلندی:

There came never a large fart forth of a wrans arsehole.

هیچ وقت از کون زیگی گوز سفتی درنیامد. (زیگ: پرنده‌ای بسیار کوچک.)

هرگز جمال مال ندیده‌ست جز به خواب

هر کو گدای از پس دیگر گدا شده‌ست. ناصر خسرو

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A beggar's wae that anither by the gate gae.

جگر مرد گدا از غم و حسرت بدرد

گر گدای دگری از جلوی در گذرد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Het is den eenen bedelaar leed, dat de andere voor de deur staat.

مایهٔ ماتم یک مرد گداست

که گدای دگری بر در ماست.

هشتش گرو نهش است.

هشت هر کس گرو نه باشد
زندگی در نظرش
غلت خوردن وسط توده‌ای از گه باشد.   م. ا.

معادل انگلیسی:

He has not a penny to bless himself with.

یک پنی نیست توی جیبش تا
متبرک کند بدان خود را.

هفت تُن اسم و رسم مردافکن
بر سر پنج سیر کپهٔ عن
تا که این دسته‌بیل سرور ماست
خاک عالم همیشه بر سر ماست.   م. ا.

ساربان قافله‌مان، این خر چلاق چموش
جسم ناقصی دارد، عقل ناقصی هم روش
موش کور مغروری است، اسکل سلحشوری است
می‌رود رجزخوانان رو به سوی یک تله‌موش.   م. ا.

توی کون او که کارش ترتر است
شعبه‌ای از بیت رهبر دایر است.   م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A blind leader of the blind.

رهبر کور دستهٔ کوران.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Quand l’aveugle porte la bannière, mal pour ceux qui marchent derrière.

کور هر موقعی علمدار است
وایِ آنان که در پی‌اش بروند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Cæcus cæco dux.

پیشوای کور جمع کورها.

هلنگ هلنگ، از دست گرگ درآمد، افتاد دست پلنگ.

ترک‌ها می‌گویند: ایتدن قورتاردیق، قوردا راست گلدیک. (از سگ خلاصی یافتیم، با گرگ رودررو شدیم.)

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Guardou-se da mosca, e comeo a aranha.

از مگس پرهیز کرد و عنکبوت را قورت داد.

هم از توبره می‌خورد، هم از آخور.

آخور و توبره به چی می‌گن؟

زن بگیری و جلق هم بزنی. م. ا.

هم تو آقایی و هم من آقا

ظرف‌ها را که بشوید حالا؟ م. ا.

معادل ترکی: سن آغا و من آغا، اینکلری کیم ساغا؟

(هم تو آقایی و هم من آقا

گاوها را که بدوشد حالا؟)

معادل انگلیسی:

You stout and I stout, who shall carry the dirt out?

هم تو مغروری و هم من مغرور

آشغالا رو بریزه کی دور؟

معادل‌های اسپانیولی:

Vos doña, yo doña, quien botara á porca fora?

من خانم و تو خاتون

پس خوکه رو کی حالا

باید ببره بیرون؟

Yo dueña y vos doncella, quien barrerá la casa?

من خانم و تو بانو

پس خونه رو کی حالا

باید بکنه جارو؟

Yo duro y vos duro, quien llevará lo maduro.

هم تویی سرکش و هم من سرکش

بار را پس که کشد بر دوشش؟

هم خدا را می‌خواهد، هم خرما را.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You cannot win them all.

همه‌شان را نتوانی به کف آری.

You must lose a fly to catch a trout.

بایدت طعمه‌ای از دست رود

تا بگیری قزل‌آلایی را.

You cannot make an omelet without breaking eggs.

بدون شکستن تخم‌مرغ‌ها نمی‌توانی املت درست کنی.

همکار همکار را نمی‌تواند ببیند.

شاهد مثال:

با خرزهٔ خویش گفته‌ام من بسیار

این حرف که مشهور بُود در بازار

ای کیر، مرو حضور کس اندر کون

همکار نمی‌توان ببیند همکار. خاکشیر

معادل انگلیسی:

Two of a trade can never agree.

دو تا هم‌شغل ممکن نیست با هم هم‌نظر باشند.

معادل اسپانیولی:

Quién es tu enemigo? Hombre de tu oficio.

دشمنت کیست؟ فرد هم‌شغلت.

معادل پرتغالی:

Homem de teu officio, teu inimigo.

هم‌شغل تو دشمن تو باشد.

همه با هم برابرند؛ اما بعضی‌ها برابرترند.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Des Schulzen Kuh und eines Andern Kuh sind zweierlei Kühe.

گاو مباشر و گاو یک نفر دیگر دو گاو مختلف‌اند.

همه را برق می‌گیرد، ما را چراغ‌موشی.

معادل ترکی: هامییا ایت هورر، بیزه مازانداران چاقاقلی. (به همه سگ پارس می‌کند، به ما شغال مازندران.)

همه را مار می‌زند، ما را خرچسونه.

معادل پرتغالی:

Antes morto por ladrões, que por couce de asno.

آدمی کشتهٔ دزدان ستمگر بشود
به از آنی که شهید لگد خر بشود.

همه‌چی ممکن است، هنگامی
که ندانی چه چیز می‌گویی

حرف تو منطقی است... البته
توی سبک رئال جادویی. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A causa perduta, parole assai.

یک‌عالمه حرف بر زبانت جاری است
وقتی سبب زر زدنت روشن نیست.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Hablar sin pensar es tirar sin encarar.

سخن گفتن بدون فکر و تدبیری
بُود پرتاب تیری بی‌هدف‌گیری.

همه‌کاره و هیچ‌کاره.

معادل‌های انگلیسی:

Jack of all trades and master of none.

جکی که اهل هر شغلی و کاری است
و توی هیچ‌یک هم اوستا نیست.

He goes far that never turns.

تواند که راه درازی رود او
که هر دم نپیچد به این‌سو و آن‌سو.

He who is everywhere is nowhere.

هیچ جا نیست کسی که همه‌جاست.

Quick removals are slow prosperings.

جابه‌جایی‌های فوری مایهٔ
پیشرفتی کند و تدریجی شوند.

Don't think to hunt two hares with one dog.

خیالش را به‌کل از سر برون کن
که با یک سگ دو تا خرگوش گیری. (نقل قولی از بن فرانکلین Ben Franklin است.)

معادل اسکاتلندی:

Fools are aye fond o' flittin', and wise men o' sittin'.

اسکلا عاشق تغییر مکان‌اند، اما
عاقلا عاشق این‌اند بمونند یه جا.

معادل آلمانی:

Pflanze oft versetzt, gedeihet nicht.

گیاهی که این‌جا به آن‌جا شود
محال است روزی شکوفا شود.

معادل‌های ایتالیایی:

Chi fa quel ch'e' può, non fa mai bene.

او که همه‌کاری می‌کند هیچ وقت نمی‌تواند خوب کار کند.

Albero spesso trapiantato mai di frutti è caricato.

آن درختی که جابه‌جا بشود
مطلقاً میوه‌ای نخواهد داد.

معادل اسپانیولی:

Planta muchas veces traspuesta ni crece ni tredra.

درختی که این‌جا به آن‌جا شود
نه رشدی کند، نه شکوفا شود.

معادل پرتغالی:

Galgo que muitas lebres levanta, nenhuma mata.

آن سگ تازی که خرگوش‌های زیادی را دنبال می‌کند هیچ‌کدام را نمی‌کشد.

معادل هلندی:

Die te veel onderneemt, slaagt zelden.

هرکه خیلی کار را با هم تقبل کرده است
اندکی زان را سرانجام او به سر آورده است.

معادل دانمارکی:

Den er ingensteds som allesteds vil være.

هیچ جایی نبُود آن یارو
که بخواهد همه‌جا باشد او.

معادل‌های لاتین:

Duos qui sequitur lepores neutrum capit.

او که دنبال دو خرگوش دود
صاحب هیچ‌کدامش نشود.

Lapis qui volvitur algam non generat.

سنگی که بغلتد خزه بر وی ننشیند.

همه‌کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند به جمال. سعدی – گلستان

معادل‌های انگلیسی:

Every man thinks his own geese swans.

غازهای خودشان را همه قو می‌بینند.

Each bird loves to hear himself sing.

هر پرنده عاشق این است که
نغمه‌های خویشتن را بشنود.

Every ass thinks himself worthy to stand with the king’s horses.

در خیالش هر خری بر خویش می‌دارد روا

ایستادن در کنار اسب‌های شاه را.

معادل‌های اسکاتلندی:

Every man thinks his ain craw blackest.

هر آدم زاغ خود را بس سیه‌تر

بداند از همه زاغان دیگر.

"They're a bonny pair," as the craw said o' his feet.

«جفت قشنگی‌اند.» بدان‌سان که در نهفت

دربارهٔ دو پای خودش یک کلاغ گفت.

"They're a bonny pair," as the deil said o' his cloots.

«یک جفت قشنگ‌اند.» همان‌گونه که شیطان

دربارهٔ سم‌های خودش گفت بدین‌سان.

معادل‌های آلمانی:

Jeder meint sein Kukuk singe besser denn des andern Nachtigall.

هر کسی خیال می‌کند فاخته‌اش بهتر از بلبل دیگری می‌خواند.

Jeder ist sich selbst der Nächste.

هرکه عزیز دل و جان خود است.

معادل ایتالیایی:

Ognuno loda il proprio santo.

هر کسی قدیس خود را می‌ستاید.

معادل هلندی:

Elk waant dat zijn uil een valk is.

جغد خود را هر کسی یک قوش می‌بیند.

معادل دانمارکی:

Enhver mener hans Kobber er Guld.

مس هر کسی در نگاهش طلاست.

معادل لاتین:

Suum cuique pulchrum.

مال هر کس در نگاهش خوشگل است.

همین است که هست، از فردا همین هم نیست.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Selten kommt Besser nach.

بعدتر به ندرت چیز بهتری می‌آید.

هنر معرکه‌ای رو بلده

آدمی که به خودش می‌خنده. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer sich selber kitzelt, lacht wenn er will.

او که خود را غلغلک می‌دهد، هر وقت دلش بخواهد می‌خندد.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Det er Konst at lee, naar det gaaer een selv ilde.

خنده بر بخت بد خود هنری معرکه است.

هنوز کونش را بلد نیست بشوید.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He cannot say Bo to a goose.

نمی‌تواند او
به غاز گوید بو.

هی فلانی

زندگی شاید همین باشد. مهدی اخوان ثالث

یک روز خدا کن فیکونش ترکید
شش روز نشست و کل دنیا را رید
بعدش و نفخت فیه من روحی، زررت
نفخ شکمش بود و در انسان گوزید

شش روز تمام کون خود را گایید
احسنت، ولی که چی؟ شما می‌دانید؟
آقای خدا، دست مریزاد، ولی

ای کاش که سیفون جهان را بکشید. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: دونیا بئش گوندور، بئشی ده قارا. (دنیا پنج روز است، هر پنج تا هم سیاه.)

هیچ چیزی مثل گاگولی که مرد ساکتی است
مثل مردی هوشمند و فاضل و فرزانه نیست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He knows much who knows how to hold his tongue.

یقین آن آدمی بسیار داند
که می‌داند چه‌سان خاموش ماند.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Assai sa, chi non sa, se tacer sa.

کسی که مطلقاً چیزی نداند
به مقدار نیاز خویش داناست
اگر داند چه‌سان ساکت بماند.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Habla poco y bien, tenerte han por alquien.

کم و خوب حرف بزن، مردم خیال می‌کنند تو هم کسی هستی.

حق یک کله‌خر لجباز است
هر بلایی که سرش آمده است
هیچ‌کس خرتر از آن فردی نیست
که خودش را به خریت زده است. م. ا.

هیچ‌کس مثل مرد لجبازی
که نمی‌خواد بشنوه کر نیست
هیچ‌کس مثل اون جنابی که
خودشو گول می‌زنه خر نیست. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Who so blind as he that will not see?

کیست آن‌کس که به اندازهٔ او

که نخواهد که ببیند کور است؟

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Den sviges værst, som sviger sig selv.

هر آن‌کسی که خودش را فریب می‌دهد او
فریب‌خورده‌ترین آدم جهان باشد.

هیچ‌کس مثل فقیه فاضلی
نیست یابوی نفهم کاملی. م. ا.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

I pazzi per lettera sono i maggiori pazzi.

کسی به کس‌خلی یک مشنگ فاضل نیست.

هیچ‌کس نمی‌گوید ماست من ترش است.

معادل‌های انگلیسی:

Every bird likes its own nest best.

هر پرنده آشیان خویشتن را
دوست‌تر دارد ز دیگر آشیان‌ها.

Every cook praises his own broth.

هر آشپز آش خودش را می‌ستاید.

Every peddler thinks well of his pack.

جنس هر دستفروش از نظر او خوب است.

Never cry "Stinking fish".

جار هرگز نزنید: «ماهی بوگندو».

Ask the seller if his ware be bad.

از فروشنده‌اش سؤال کنید
جنس او بنجل است یا خوب است.

Ask the vintner if the wine be good.

از ساقی‌اش بپرس که می خوب یا بد است.

معادل‌های فرانسوی:

A tout oiseau son nid est beau.

آشیان هر پرنده
در نگاهش دلپسنده.

Chaque potier vante son pot.

هر کوزه‌گری به کوزه‌اش می‌نازد.

معادل‌های ایتالیایی:

Ad ogni uccello suo nido par bello.

آشیان هر پرنده در نگاهش دلکش است.

Ogni pignattaro loda la sua pignatta, e più quella che tiene rotta.

هر کوزه‌گری به کوزه‌اش فخر آرد
اغلب به همانی که ترک هم دارد.

معادل اسپانیولی:

Cada ollero su olla alaba, y mas si la trae quebrada.

هر کوزه‌گری به کوزه‌اش فخر آرد
مخصوصاً اگر کوزه ترک هم دارد.

معادل پرتغالی:

Cada bofarinheiro louva seus alfinetes.

این بدیهی است که هر دستفروش
گوید از خوبی سوزن‌هایش.

ی

یا بخت و یا اقبال.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ich will den Gaul gewinnen, oder den Sattel verlieren.

یا اسب را می‌برم یا زین را می‌بازم.

یا به دوران جوانی تو بمیر
یا که عمری بخور از مردم کیر. م. ا.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Man skal meget lide, eller tidlig döe.

رنج بسیار باید بکشیم
یا به دوران جوانی میریم.

یا رب، این نودولتان را با خر خودشان نشان
کاین‌همه ناز از غلام ترک و استر می‌کنند. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Money is the ruin of many.

پول بسیار کسان را به تباهی بکشد.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Il n’est orgueil que de pauvre enrichi.

غروری چون غرور آن گدایی
که ثروتمند گشته نیست جایی.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Gut macht Uebermuth, Armuth macht Demuth.

ثروت تکبر می‌آورد و فقر فروتنی.

در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب

یا رب، مباد آن‌که گدا معتبر شود. حافظ

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Money often unmakes the men who make it.

پول اغلب او که آن را ساخت ویران می‌کند.

A loaded wagon makes no noise.

گاری پُر سروصدا نکند

(= آدم پولدار هیچ زمان

صحبت از پول با شما نکند).

As the touchstone trieth gold, so gold trieth men.

آن‌سان که یک سنگ محک معیار زر را رو کند

زر نیز از آن‌سوی معیار بشر را رو کند.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Beggars downa bide wealth.

گداها تاب ثروت را ندارد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Als niet komt tot iet, zo kent het zich zelf niet.

هیچ وقتی که می‌رسد به پخی

خویشتن را به جا نمی‌آرد.

یا رومی روم باش یا زنگی زنگ.

شاهد مثال:

ای کیر، تویی چو خلق این دوره دورنگ

گه کس طلبی گشاد و گه قنبل تنگ

یا باش مقیم کس تو یا ساکن کون

یا رومی روم باش یا زنگی زنگ. خاکشیر

هلندی‌ها می‌گویند:

Wacht u voor een’ man met twee aangezigten.

از مرد دورو حذر نمایید.

یا مرگ یا اشتها.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ein gutes Mahl ist Henkenswerth.

یک وعده غذای خوب ارزشش را دارد که به‌خاطرش بالای دار بروی.

یابوی پیش‌آهنگ آخرش توبره‌کش می‌شود.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

A cader va chi troppo in alto sale.

او که خیلی زیاد کرده صعود
قسمتش یک سقوط خواهد بود.

یاسین به گوش خر خواندن.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fools no Latin know.

بی‌عقل‌ها لاتین نمی‌دانند.

یقین نمی‌گذرد از جو خودش حسنی
فقط به‌خاطر خودداری‌اش ز عر زدنی. م. ا.

معادل فرانسوی:

Il ne perdra pas l'avoine faute de brailler.

بهر خودداری‌اش ز عر زدنی
از جو خویشتن نمی‌گذرد.

از منظر مردگان قدوسی ما
انگار که زندگی گناه است؛ چرا؟
یک آدم مرده صد شتر می‌ارزد
یک زنده به یک شپش نمی‌ارزد؛ وا! م. ا.

یک بار دیگر رأی بده، شاید اوضاع درست شد. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند:

Umut fakirin ekmeğidir.

امید نان تهیدست بی‌نوا باشد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

In the land of hope there is never any winter.

در کشور امید خزانی نمی‌رسد.

Hope is a good breakfast but a bad supper.

صبحانهٔ خوبی است امید، اما

شام بدی است او برای ما.

Those who cast the votes decide nothing. Those who count the votes decide everything.

آن‌کسانی که رأی‌ها را به صندوق می‌اندازند دربارهٔ هیچ چیز تصمیم نمی‌گیرند. آن‌کسانی که رأی‌ها را می‌شمرند دربارهٔ همه‌چیز تصمیم می‌گیرند.

یک بز گر گله را گر می‌کند.

معادل‌های انگلیسی:

One scabbed sheep infects a whole flock.

گوسفندی گر تمام گله را گر می‌کند.

One sickly sheep infects the flock.

گوسفندی مریض وقتی بود

گله‌ای را به آن مرض آلود.

A rotten apple spoils the barrel.

سیب گندیده‌ای به تنهایی

بشکهٔ سیب را به گند کشد.

The rotten apple injures its neighbours.

سیب گندیده به همسایهٔ خود گند زند.

معادل فرانسوی:

Il ne faut qu’une brebis galeuse pour gâter tout le troupeau.

گوسفندی گر به تنهایی بس است

تا تمام گله‌ای را گر کند.

معادل اسپانیولی:

La manzana podrida perde a su compaña.

سیب گندیده به هم‌صحبت خود گند زند.

معادل پرتغالی:

Hum doudo fará cento.

ابلهی صد ابله دیگر بسازد.

معادل هلندی:

Één rotte appel in de mande, maakt al de gave fruit te schande.

سیب گندیده‌ای درون سبد

سیب‌ها را به‌کل به گند کشد.

معادل دانمارکی:

Een Nar giör flere.

یک احمق چه بسیار احمق بسازد.

یک پای کسی لب گور بودن.

معادل انگلیسی:

He has one foot in the grave.

یک پای طرف درون گور است.

یک تخته‌اش کم است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Bray a fool in a mortar, and you'll find all of him but his brain.

اسکلی را داخل هاون بکوب

در وجودش هرچه بینی غیر مغز.

یک تن آسوده بود در عالم

وان هم آسوده‌اش تخلص بود.

شاعری با تخلص آسوده وجود داشته است که این بیت را به شوخی دربارهٔ او گفته‌اند.

به‌جز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد

زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست. حافظ

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Desque nací lloré, y cada dia nace porqué.

گریه کردم چون به دنیا آمدم عندالورود

حالیا هر روز می‌فهمم دلیل آن چه بود.

یک تومان هم یک تومان است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Little and often fills the purse.

پول کم وقتی زیاد آید به دست

جیب‌های هر کسی با آن پر است.

He that despiseth small things shall fall by little and little.

چیزهای خرد را هر کس که می‌دارد زبون

اندک اندک می‌کند پسرفت و گردد سرنگون.

He never tint a cow that grat for a needle.

گاوی از دست نخواهد داد او

که در اندوه فقط یک سوزن

می‌کند غلغله و فریاد او.

He that is poor in appetite, may quickly be rich in purse.

اشتهای هر کسی مسکین شود

کیف پولش در عوض سنگین شود.

To a good spender God is treasurer.

خدا خزانه‌دار آن‌کسی شود

که پول را درست خرج می‌کند.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Qui voit une épingle et ne la prend, vient un temps qu'il s'en repent.

سوزنی پیدا کن، آن را برندار

آخرش محتاج یک سوزن شوی.

آلمانی‌ها می‌گویند:

Wer geringe Dinge wenig acht't, sich um geringere Mühe macht.

چیزهای خرد را هر کس که می‌دارد زبون

چیزهایی خردتر او را بگیرد نیشگون.

Kleiner Profit und oft, ist besser wie großer und selten.

سود کم وقتی زیاد آید به دست

از زیاد گاهگاهی بهتر است.

هلندی‌ها می‌گویند:

Ligt gewin maakt zware beurzen.

صرفه و سود سبک در انتها

می‌کند سنگین دو جیب مرد را.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Liden Vinding smager vel.

سودهای کوچک شیرین‌اند.

یک جو عقل بهتر از یک ده ششدانگ است.

معادل‌های انگلیسی:

Better wise than wealthy.

خردمندی اگر گردد میسر

ز ثروتمند بودن هست خوش‌تر.

Better be a beggar than a fool.

گدایی اگر باشی و بی‌نوایی

از آن به که باشی تو خنگ خدایی.

معادل اسکاتلندی:

Want o' wit is waur than want o' gear.

محتاج عقل بودن هر فرد بدتر از

محتاج پول بودن و بی‌چیز گشتن است.

یک حمام‌خرابه چهل تا جامه‌دار نمی‌خواهد.

ضرب‌المثل دیگری می‌گوید: استخری که آب ندارد این‌همه قورباغه می‌خواهد چکار؟

ترک‌ها می‌گویند: جاماداری موشتریدن چوخ. (جامه‌دارهایش از مشتری‌هایش بیش‌ترند.)

گرد هر تحفهٔ خوش گرمی بازاری هست
جنس اگر خواستنی بود، خریداری هست
روی هر دست بده دست بگیری هم هست
بغل فرد بدهکار طلبکاری هست

یک خر خوب اگر هست، سواری هم هست
هرکجا باربری هست، بر او باری هست. م. ا.

آلمانی‌ها می‌گویند:
Wer sich zum Esel macht, dem will jeder seinen Sack auflegen.

خودت را خری کن که هر کس رسید
نهد گونی خویش بر پشت تو.

یک خر درون جامهٔ زربفت هم خر است
خر در لباس آدمیان جانورتر است. م. ا.

مپندار اگر سفله قارون شود
که طبع لئیمش دگرگون شود. سعدی – بوستان

معادل انگلیسی:
An ass is but an ass, though laden with gold.

خر اگر بار طلا هم ببره، باز خره.

معادل ایتالیایی:
Freno indorato non megliora il cavallo.

از طلا هم که باشه یک دهنه
اسبه رو اسب بهتری نکنه.

معادل هلندی:
Een aap blijft een aap, al draagt hij een gouden ring.

با یکی انگشتر زرین به دست
باز هم بوزینه یک بوزینه است.

معادل لاتین:
Simia simia est, etiamsi aurea gestet insignia.

گر نشان‌هایش تماماً از زر است
باز هم عنتر فقط یک عنتر است.

یک خنگ به وقت حرف بی‌خود زدنش

انگار که ریده باشد او با دهنش

بوی گه و گوز می‌دهد هر سخنش. م. ا.

ترک‌ها می‌گویند: جاهیلین سؤزو، ائششگین آنقیرتیسی. (حرف نادان، عرعر خر.)

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A bird may be known by its song.

مرغکی را می‌توان از روی آوازش شناخت.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Som Manden, saa og hans Tale.

مرد هر جوری که باشد، صحبتش آن‌جوری است.

یک ده آباد بهتر از صد شهر خراب.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Fifty percent of something is better than one hundred percent of nothing.

پنجاه درصد یک چیز بهتر از صد درصد هیچ چیز است.

A little of everything is nothing in the main.

اندکی زین و اندکی هم زان

جمع وقتی شود همان هیچ است.

یک دیوانه سنگی توی چاه می‌اندازد که صد تا عاقل هم نمی‌توانند درش بیاورند.

معادل ترکی: دلی باغلایانی عاغیللی آچا بیلمز. (آنچه را دیوانه بسته است عاقل نمی‌تواند باز کند.)

معادل انگلیسی:

A fool may throw a stone into a well, which a hundred wise men cannot pull out.

بسا که توی چاهی سنگی اندازد یک ابله مرد

که صد تا مرد عاقل نیز نتوانند بیرون کرد.

یک رودهٔ راست توی شکمش نیست.

معادل‌های اسکاتلندی:

He ne'er lies but when the holly's green.

او هیچ وقت دروغ نمی‌گوید، مگر وقتی که راج سبز باشد. (راج جزو درختان همیشه‌سبز است.)

As fause as Waghorn.

به حقه‌بازی وگهورن. (وگهورن: یک شخصیت داستانی است که چون نوزده بار دروغگوتر از شیطان بوده، عنوان شاه دروغگویان را به دست آورده است.)

یک ساعت فکر کردی که این را بگویی؟

یا: یک ساعت فکر کردی، همین به عقلت رسید؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better say nothing than not to the purpose.

سکوت از حرف نامربوط خوش‌تر.

All is not Gospel that thou doest speak.

وحی منزل نیست هر چیزی تو بلغورش کنی.

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Bedre er tiende Ord end tarvlös Tale.

یک سکوت پرمعنی به ز حرف بی‌معنی است.

یک سال روزه بگیر، آخرش با فضلهٔ سگ افطار کن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Il fin loda l’opera.

پایان کار از وی ستایش می‌کند.

رومیان باستان می‌گفتند:

Finis coronat opus.

پایان کار روی سرش تاج می‌نهد.

یک سر دارم و هزار سودا.

معادل ترکی: بیر باشیمدیر، مین بیر خیالیم. (یک سرم هست و هزار و یک خیال.)

یک کلاغ، چل کلاغ.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A tale will grow with the telling.

یک قصه در هنگام گفتن رشد خواهد کرد.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A tale never tines in the telling.

بازگویی چون شود یک داستان

هیچ چیزی کم نخواهد شد از آن.

یک گوشش در است، یک گوشش دروازه.

معادل پرتغالی:

Entrar por hum ouvido, e sahir pello outro.

این حرف از یک گوش وارد می‌شود

از گوش دیگر نیز بیرون می‌رود.

یک مثقال گه توی شکمش نیست، می‌خواهد به شمس‌العماره برینَد.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

You showed your teeth, but you couldn’t bite.

دندان خویش را به نمایش گذاشتی

اما توان گاز گرفتن نداشتی.

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

Ne'er shaw your teeth unless ye can bite.

نشان کس نده دندان خود را

مگر وقتی توانی گاز گیری.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

Se non puoi mordere, non mostrar mai i denti.

وقتی توان گاز گرفتن نداشتی

دندان خویش را به خلایق نشان نده.

یک مشنگ پیر قطعاً یک خر است

پیر خر از کیر خر کیری‌تر است. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

A fool at forty is a fool indeed.

احمق چل‌ساله قطعاً احمق است.

یک‌خورده شاخ بهتر از هزار ذرع دم است.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Better be the head of an ass than the tail of a horse.

آدمی گر شود سر یک خر
از دم اسب بودنش خوش‌تر.

فرانسوی‌ها می‌گویند:

Mieux vaut être tête de chien que queue de lion.

کلهٔ یک سگ اگر باشم من
بهتر است از دم شیری بودن.

ایتالیایی‌ها می‌گویند:

E meglio esser capo di gatto che coda di leone.

سر یک گربه اگر باشم من
بهتر است از دم شیری بودن.

E meglio esser capo di lucertola che coda di dracone.

کلهٔ یک مارمولک بودنت
از دم یک اژدها بودن سر است.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Mas vale cabeza de raton que cola de leon.

سر یک موش اگر باشم من
بهتر است از دم شیری بودن.

یکی بچهٔ گرگ می‌پرورید
چو پرورده شد، خواجه را بردرید. سعدی - بوستان

عاقبت گرگ‌زاده گرگ شود
گرچه با آدمی بزرگ شود. سعدی - گلستان

اسکاتلندی‌ها می‌گویند:

A wild goose ne'er laid tame eggs.

غاز وحشی تخم اهلی تاکنون نگذاشته.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Crea el cuervo, y sacarte ha los ojos.

کلاغی را بپرور تا که چشمت را برون آرد.

هلندی‌ها می‌گویند:

Wat in ’t gebeente gegroeid is, wil uit het vleesch niet.

آنچه در استخوان نهاده شده
هرگز از گوشت در نخواهد شد
(= آنچه از والدین ارث بری
نتوانی برون کنی از خود).

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Hvo der föder en Ulv, han styrker sin Fjende.

چون به گرگی غذا دهد یارو
دشمنش را نموده پرنیرو.

یکی بر سر شاخ، بن می‌برید
خداوند بستان نگه کرد و دید
بگفتا گر این مرد بد می‌کند
نه با من، که با نفس خود می‌کند. سعدی - بوستان

معادل انگلیسی:

Cut not the bough that thou standest upon.

شاخه‌ای که روی آنی را نبر.

یکی به نعل می‌زند، یکی به میخ.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

He gives one knock on the iron, and two on the anvil.

یکی به آهن می‌زند و دو تا به سندان.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Una en el clavo y ciento en la herradura.

یک ضربه روی میخ و صد ضربه نیز بر نعل.

یکی در چهارشنبه گم کرد و دیگری پیدا کرد.

یا: یکی چهارشنبه پول پیدا می‌کند، یکی گم می‌کند.

معادل فرانسوی:

Ce qui nuit à l'un duit à l'autre.

آنچه بد باشد برای یک نفر
خوب باشد بهر یک فرد دگر.

معادل ایتالیایی:

Non pianse mai uno che non ridesse un altro.

هیچ‌کس گریه نکرده، الا
زان‌طرف آن دگری خندیده.

معادل لاتین:

Unius dispendium alterius est compendium.

زیان یکی سود آن دیگری است.

یکی را می‌بردند پای دار سرش را ببرند، دخترش گفت بابا، وقتی می‌آیی یک جفت کفش قرمز برایم بیاور.

اسپانیایی‌ها می‌گویند:

Andando y hablando, marido, á la horca.

شوهرم، همان‌طور که به طرف دار می‌روی حرفی بزن.

یکی سر خودش را نمی‌توانست ببندد، می‌بردندش سر عروس را ببندد.

معادل ترکی: ائوده اؤز باشینی باغلایا بیلمیر، تویدا گلین باشی باغلاییر.

(توی خانه سر خودش را نمی‌تواند ببندد، توی عروسی سر عروس را می‌بندد.)

یکی می‌مرد ز درد بی‌نوایی
یکی می‌گفت خانم، زردک می‌خوایی؟

انگلیسی‌ها می‌گویند:

None knows the weight of another's burden.

توی دل خود کسی کجا می‌داند
بار دگری چقدر سنگین باشد.

The burden is light on the shoulders of another.

بار اگر بر دوش فردی دیگر است
وزن آن انگار خیلی کم‌تر است. (در اصل یک ضرب‌المثل روسی است.)

دانمارکی‌ها می‌گویند:

Let er den Byrde som en anden bær.

بار یک آدم دیگر سبک است.

یکی وقتی دو تا می‌شه
یه دعوایی به پا می‌شه. م. ا.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

It takes two to make a quarrel.

دو تا باید که باشه
که دعوایی به پا شه.

یه دود، دو دود، دوددورودودود.

= همهٔ معتادها با همین یک دود و دو دود شروع کرده‌اند.

انگلیسی‌ها می‌گویند:

Do wrong once and you'll never hear the end of it.

یک بار اشتباه بکن؛ هرگز
از شر آن خلاص نخواهی شد.

Small faults indulged let in greater.

خطاهای کوچک که بر خود روا
بداری، به دنبال خویش آورند
خطاهای خیلی گت‌وگنده را.

The submitting to one wrong brings on another.

چو گردن نهادی به یک اشتباه
به بار آورد اشتباهی دگر.

پرتغالی‌ها می‌گویند:

Hum aggravo consentido, outro vindo.

اگر چشم بستید بر یک خطا
خطایی دگر در پی‌اش می‌رسد.

فهرست منابع

فارسی:

آذرلی، غلامرضا، ضرب‌المثل‌های مشهور ایران، تهران، ارغوان، ۱۳۶۸.

احمدی، مهدی، دیوان مهدی احمدی، کتاب اول: بوسه‌های یواشکی عسل‌اند، کتاب الکترونیک، ۱۳۹۵.

ـــــــــ دیوان مهدی احمدی، کتاب دوم: باده‌های بدنی، کتاب الکترونیک، ۱۳۹۵.

ـــــــــ دیوان مهدی احمدی، کتاب سوم: پسربچه‌ها بچه خواهند ماند، کتاب الکترونیک، ۱۳۹۶.

ـــــــــ دیوان مهدی احمدی، کتاب چهارم: شعرهای اون‌جوری، کتاب الکترونیک، ۱۳۹۷.

ـــــــــ فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های اسکاتلندی، کتاب الکترونیک، ۱۳۹۷.

ـــــــــ گلچین ضرب‌المثل‌های آلمانی، کتاب الکترونیک، ۱۴۰۰.

ـــــــــ گلچین ضرب‌المثل‌های اسپانیولی و پرتغالی، کتاب الکترونیک، ۱۴۰۲.

ـــــــــ گلچین ضرب‌المثل‌های ایتالیایی، هلندی و دانمارکی، کتاب الکترونیک، ۱۴۰۲.

ـــــــــ گلچین ضرب‌المثل‌های فرانسوی، کتاب الکترونیک، ۱۳۹۸.

انوری، اوحدالدین، دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.

ایرج میرزا، دیوان ایرج میرزا، به اهتمام محمدجعفر محجوب، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۳.

بهار، محمدتقی، گزیدهٔ دیوان اشعار ملک الشعرای بهار، تدوین علی مصطفوی، کتاب الکترونیک، 360.yahoo.com/almoz06.

حافظ، شمس الدین محمد، دیوان حافظ، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ‌های مختلف.

خانلری (کیا)، زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.

خیام، حکیم عمر، رباعیات خیام، به کوشش صادق هدایت، کتاب الکترونیک، با تلاش رنوا راسخ.

دشتی، علی، ۲۳ سال (رسالت)، به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه، کتاب الکترونیک.

دکتر سها (مستعار)، نقد احکام حقوقی، سیاسی و اقتصادی اسلام (ضرورت جدایی دین از سیاست)، ویرایش دوم، ۱۳۹۱، کتاب الکترونیک.

دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

رستم الحکما، محمد هاشم آصف، رستم التواریخ، به تصحیح محمد مشیری، تهران، ۱۳۴۸.

رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد، دیوان رودکی، تدوین علی مصطفوی، کتاب الکترونیک، 360.yahoo.com/almoz06.

رهنمایان، شهریار، و گروسلی، وحید، آتا بابا سؤزلری، تورکی مثللر (ضرب‌المثل‌های ترکی)، بازنویسی به خط عربی: امیر تقی‌پور، کتاب الکترونیک، www.aharri.ir.

سالنامهٔ توفیق، سال ۱۳۴۹، صاحب امتیاز و مدیر مسئول: حسن توفیق.

سعدی، مصلح الدین، بوستان (سعدی‌نامه)، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۹.

ـــــــــ کلیات سعدی، چاپ امیرکبیر از روی چاپ فروغی، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، تهران، ۱۳۵۶.

ـــــــــ گلستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۴.

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

سوزنی سمرقندی، محمد بن مسعود، دیوان حکیم سوزنی سمرقندی، به تصحیح دکتر ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۸.

سهلگی، محمد بن علی، دفتر روشنایی (از میراث عرفانی بایزید بسطامی)، ترجمهٔ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۸۴.

سهیلی، مهدی، ضرب‌المثل‌های معروف ایران، چاپ دوم، تهران، گل‌آرا، ۱۳۸۵.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، بهار کاغذین (پنجاه شعر از دکتر شفیعی کدکنی)، مجلهٔ بخارا، سال دهم، شمارهٔ ؟، اسفند ۱۳۸۷.

———— جهان در مقدم صبح بهاران (یکصد و یک شعر منتشر نشده)، مجلهٔ بخارا، سال پانزدهم، شمارهٔ ۹۸، بهمن – اسفند ۱۳۹۲.

———— حزین لاهیجی، زندگی و زیباترین غزل‌های او، مشهد، توس، ۱۳۴۲.

———— روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی (در نگاهی به تخلص‌ها)، مجلهٔ بخارا، نسخهٔ الکترونیک.

———— مآخذ اشعار برخی از شاعران معاصر، مجلهٔ بخارا، سال پانزدهم، شمارهٔ ۸۸ – ۸۹، خرداد – شهریور ۱۳۹۱.

———— موسیقی شعر (ویرایش سوم)، تهران، آگه، ۱۳۹۱.

———— نوشته بر دریا، از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی، تهران، سخن، ۱۳۸۴.

شمس تبریزی، شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی، مقالات شمس تبریزی، به تصحیح و تحشیه و مقدمهٔ احمد خوشنویس (عماد)، تهران، مؤسسهٔ مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۹.

شمس لنگرودی، محمد، روزی که برف سرخ ببارد، تهران، مرکز، ۱۳۸۹.

شمیسا، سیروس، شاهدبازی در ادبیات فارسی، تهران، فردوس، ۱۳۸۱.

صائب تبریزی، محمدعلی بن میرزا عبدالرحیم، دیوان غزلیات، تدوین علی مصطفوی، کتاب الکترونیک، 360.yahoo.com/almoz06.

عارف قزوینی، ابوالقاسم، رسالهٔ هزلیات، دیوان اشعار طنز و هزل، کتاب الکترونیک، hazlkade.com.

عبید زاکانی، نظام الدین عبیدالله، کلیات عبید زاکانی، به اهتمام پرویز اتابکی، چاپ دوم، تهران، زوار، ۱۳۴۲.

علی بن ابی‌طالب، نهج البلاغه، ترجمهٔ محمد دشتی، کتاب الکترونیک.

عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر، قابوس‌نامه، تحقیق غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.

قرائیان، مهدی، تاریخچهٔ اخلاق جنسی ایرانیان در دوران قاجار، کتاب الکترونیک، ۱۳۸۹.

گرگانی، فخرالدین اسعد، ویس و رامین، تصحیح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

محمد بن عبدالله (و همکاران)، قرآن، ترجمه‌های مختلف.

محمد بن منور، اسرار التوحید، تصحیح و تعلیق و مقدمه از محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه، ۱۳۶۶.

موسوی، سید جعفر (خاکشیر)، دیوان مرحوم سید جعفر خاکشیر، تهران، ۱۳۳۵.

مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، کتاب الکترونیک.

میرزادهٔ عشقی، دیوان میرزادهٔ عشقی، کتاب الکترونیک.

هاتف اصفهانی، میر احمد، دیوان هاتف اصفهانی، تدوین علی مصطفوی، کتاب الکترونیک، 360.yahoo.com/almoz06.

هدایت، صادق، اوسانه، به کوشش محمدعلی شیخ علیا لواسانی، کتاب الکترونیک، sadegh-hedayat.mihanblog.com.

———— توپ مرواری، کتاب الکترونیک.

———— علویه خانم، به کوشش محمدعلی شیخ علیا لواسانی، نسخهٔ الکترونیک، sadegh-hedayat.mihanblog.com.

یغمای جندقی، میرزا ابوالحسن یغما بن ابراهیم، کلیات یغمای جندقی، چاپ افست، از روی طبع اعتضاد السلطنه، تهران، ۱۳۳۹.

فرنگی:

Apperson, G. L; *English Proverbs and Proverbial Phrases*; Detroit: Gale Research Company, Book Tower, 1969.

Bartlett, John; *Familiar Quotations, A Collection of Passages, Phrases, and Proverbs Traced to Their Sources in Ancient and Modern Literature*, Ninth Edition; Boston: Little Brown and Company, 1905.

Bohn, Henry. G; *A Polyglot Of Foreign Proverbs, Comprising French, Italian, German, Dutch, Spanish, Portuguese, And Danish, With EnglishTranslations And A General Index*; London: Henry G. Bohn, 1842.

Browning, D. C; *Everyman's Dictionary of Quotations and Proverbs*; London: J. M. Dent & Sons LTD, 1969.

Eaton, Arthur Wentworth; *Funny Epitaphs*; Boston: The Mutual Book Company, 1902.

Henderson, Alfred; *Latin Proverbs and Quotations*; London: Sampson Low, Son, and Marston, 1869.

Hislop, Alexander; *The Proverbs of Scotland*; Edinburgh: Alexander Hislop & Company, 1868.

Hulme, F. Edward; *Proverb Lore, Many Sayings, Wise or Otherwise, on Many Subjects, Gleaned From Many Sources*; London: Elliot Stock, Paternoster Row, E. C, 1902.

Kelly, Walter Keating; *Proverbs of All Nations, Compared, Explained, and Illustrated*; London: W. Kent & Co, 1859.

Preston, Thomas; *A Dictionary of English Proverbs and Proverbial Phrases*; London: Whittaker & Co; ?.

Riley, H. T; *A Dictionary of Latin and Greek Quotations, Proverbs, Maxims, and Mottos;* London: George Bell and Sons, 1891.

Stampoy, Pappity; *A Collection of Scotch Proverbs, by anonymous*; With an Introduction by Archer Taylor; Edinburgh: ?, 1663.

The Concise Oxford Dictionary of Proverbs; Edited by John Simpson and Jennifer Speake; Third Edition; Oxford University Press, 2003.

The World English Bible (WEB); Ebook in gutenberg.org.

Trench, Richard Chenevix; *Proverbs and Their Lessons, Being the Subject of Lectures Delivered to Young Men's Societies at Portsmouth and Elsewhere*; Fifth Edition; London: John W. Parker and Son, 1861.

Wood, James; *Dictionary of Quotations from Ancient and Modern, English and Foreign Sources*; London: Frederick Warne and Co, 1893.

اینترنتی:

http://www.phrasemix.com.

http://www.phrases.org.uk.